

آینهی آینده

و عود الهی

و

قطعیت تحقق آن

تحقیق و تنظیم و تدوین و تایپ:

سرود خورشیدی

تقدیم به تمامی احبّای نازنین ایران زمین
اعمّ از شهیدان و مسجونان و ستمدیدگان،
عزیزانی که در بحبوحه‌ی ایّام شِداد
و بروز بلائی لافِ ناد،
عَلَمِ عظمت امرالله را
همچنان برافراشته داشتند.

« یوم، یوم احبّاء الله است، که... »

به اظهار و شرح وعده‌های محکمه و بشارات مبارکه،

لزومیت تأسیس صالح اعظم را به منکرین و معترضین،

به دلائلی مُقنعه، اثبات نمایند.»

(حضرت ولیّ امرالله، مائدهی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۲۶)

« حضرت بهاءالله برای عالم بشریت چه می خواهند؟ برای حصول چه مقصود و

منظوری تحمّل شداید و مظالم فوق الطّاقة فرموده؟ منظور مبارکشان از "خلق

جدید" چیست؟ حضرتش چه تغییرات عمیقی به وجود خواهند آورد؟ پاسخ این

سؤالات را باید در نصوص مقدسه‌ی این آیین نازنین و تبیّات حضرت عبدالبهاء و

ولی محبوب امرالله جستجو نمود.»

(بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۱۹۶۷)

مقدمه‌ی اوّل

مناجات حضرت ولیّ امرالله برای تحقّق وعود

ای قویّ قدیر، دست تضرّع به بارگاه قدست مرتفع؛ امنای امرت را مایوس مفرما؛ و السن کائنات به ذکر بدایع قدرتت ناطق؛ وراثت امرت را بیش از پیش مدد بخش. جمعی از ظهور خفیات امرت و بروز لطائف حکمتت واله و حیرانند. مصداق وعود منصوصه‌ی کتاب اقدست را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن. ملائکه‌ی تأیید، پی‌درپی بفرست و آن موطن اعلی (ایران) را جنت ابهی نما. صوت رجال امرت را گوشزد اقالیم بعیده نما و مدینه‌ی منوره‌ی طهران را مطلع سُرور عالمیان و مطمح نظر جهانیان کن. عمود دیوان عدل اعظمت را به اصبع اقتدار بلند نما و امم و قبائل متنازعه را در ظلّ ظلیلش در آور. نقاب از وجه ناموس اعظمت بیفکن و بر فراز کرم الهی، در ارض میعاد، سرآورده‌ی وحدت عالم انسانی (را) منصوب ساز. نهر دافق آیین نازنین را از قلّه‌ی شاهقش جاری نما و حیات جدید بر عالم و عالمیان مبذول کن. بیت اعظمت را از پنجه‌ی اهل عدوان برهان و قدر و منزلتش را بر مدعیان ظاهر و آشکار کن. حزب جائز (ستمکار) را از شمال وهم به یمین یقین بکشان و بر زخم دل آن ستمدیدگان، به رحمت کبرایت مرهم نه. مدینه‌ی عشق را شور و نشوری جدید عطا کن و اقالیم مجاوره را از چنگ آن قوم پُلولم نجات بخش. وراثت امرت را از تحدیدات مُلکیّه و شئونات آفاقیّه و ظهورات ناسوتیه‌ی کونیه پاک و منزّه نما و خلعت عزّ قدسی به هر یک پیوشان؛ از قید عُسرت نجات بخش و باب رخا بر وجه منادیان امر بها بگشا. اسرار علم لدنی به پیروانت بیاموز و چشمه‌ی صنایع بدیعه و اکتشافات عظیمه از آن قلوب مجردی صافیّه جاری نما. قوائم و دعائم صلح اعظم را به سرپنجه‌ی اقتدار استوار فرما و محکمه‌ی کبرایت را به قوه‌ی تعلیمات بهیّه‌ات در انجمن عالم تأسیس کن. این مور ضعیف را به خدمت امنای امرت موقّق دار و در اجرای وصایای محمکه‌ات تأیید بخش و به آنچه مایه‌ی سُرور و روحانیت عزیزان تو است در جمیع شئون، دلالت فرما. تویی مُجبر، تویی دستگیر، تویی مقتدر و تویی توانا.

بنده‌ی آستانش شوقی

نوروز ۸۸ بدیع

مقدمه‌ی دوم

نمونه‌هایی از طرح مفصل موضوع و نیز مواردی متوالی
از وعود الهی در آثار مبارکه و منابع مختلفه

الف- نطق حضرت عبدالبهاء راجع به وعود الهی

« در ایام مظاهر قبل هیچ خطابی به سلاطین داده نشد؛ و هیچ اختاری عنوان نگشت. اگر تمام انجیل را مرور کنی حتی يك اخطار به يك تاجدار نخواهی یافت. هیچ وعده‌ای داده نشده. هیچ پیش‌بینی آینده‌ای مطرح نگشته، مگر به نحوی عمومی؛ مثل پیش‌بینی اشعیای نبی راجع به انهدام بابل و کراهت ویرانی در اورشلیم؛ ولی هیچ وعده‌ای در مورد يك شخص معین موجود نیست. اما جمال مبارك جميع سلاطین را مخاطب ساخت. وقتی عبدالعزیز، سلطان پیشین ترك، در اوج قدرت بود، آن حضرت به سبب مظالم مرتکبه، شدیداً توبیخش نمود و به وضوح وعده‌ی اغتشاش مملکتش را داد. این خطابی بود به شخصی برجسته و شهیر و نه خطابی به تمامیت يك ملت. امروز بزرگترین ملل عالم بریتانیای کبیر و آمریکا هستند. این بسیار سهل است که فردی پیش‌بینی کند که روزی امپراطوری انگلستان متحمل تغییرات معکوس خواهد شد؛ یعنی اوضاعش مغشوش و منقلب گردد و به کلی متلاشی شود. همین امر در مورد فرانسه و آلمان و آمریکا، یا هر ملت دیگری در جهان نیز صادق است؛ زیرا هر ملتی ایام تقهقر و تدنی هم خواهد داشت. ملاحظه کنید که امپراطوری رم چقدر عظیم بود و عاقبت چه به سر آن آمد. همچنین یونان به چه درجه‌ای رسید و چطور متدنی گشت. مقصود این است که هیچ ملتی از این قانون طبیعی مستثنی نیست. یعنی ترقی خواهد کرد و بعد تدنی خواهد نمود؛ به اوج خواهد رسید و سپس سقوط خواهد کرد. لهذا هر نفسی به سهولت می‌تواند ملتی را مخاطب سازد و بگوید: "ای مردم، به راستی روزی فراخواهد رسید که به تباهی راجع شوید." مثلاً اشعیای نبی در کتاب خود راجع به قوم تیره (Tyre) و نیز مردم بابل اندازاتی داده و فرموده: "ای تیره، ای بابل، غره نشوید! آن روز فراخواهد رسید که ذلت خود را ببینید و مقهور و متشتت شوید." (ترجمه) حضرت اشعیای به الهام الهی این پیش‌بینی را فرموده است. اما هر فرد دیگری هم می‌تواند این چنین پیش‌بینی کند. مثلاً يك شخص به راحتی می‌تواند پاریس را مخاطب سازد و بگوید: "ای پاریس، به عظمت خود غره مباش، چون روزی خواهد آمد که به ذلت مبتلا شوی." این وعود اشعیای، دو هزار سال بعد از اظهار، تحقق یافت؛ اما جمال مبارك شخص عبدالعزیز را در زمانی که در اوج اقتدار بود، مخاطب ساخت. آن حضرت همچنین ناپلئون سوم را مخاطب کرد و فرمود: "ترا خطاب کردم، اما نپذیرفتی؛ بنابراین، خداوند متعال سلطنتت را از تو خواهد گرفت." (ترجمه) و درست همان طور که پیش‌بینی فرمود، محقق گشت. وقتی جمال مبارك زندانی عبدالعزیز بود و در قلعه‌ی مُحصنه‌ی عکا

مسجون، سلطان را به سختی سرزنش کرد و سقوطش را پیش‌بینی فرمود. جمال مبارک سال‌ها قبل، انقلابی را نیز که هم اکنون در ایران در جریان است (منظور انقلاب مشروطیت است - م) پیش‌بینی نمود. سوره‌ی سلاطین را بخوانید تا مطلع گردید، این وعده در کتاب احکام (کتاب مستطاب اقدس - م) هم مسطور است. جمال مبارک زمانی این پیش‌بینی را مطرح فرمود که طهران در اوج آرامش بود و حکومت ناصرالدین شاه به خوبی استقرار داشت. آن حضرت به وضوح چنین فرمود: "ای طهران، طغیان عظیمی در تو رخ خواهد داد. حکومت مضطرب خواهد گشت و آشوب تمام ایران را فرا خواهد گرفت." (ترجمه) این پیش‌بینی چهل سال قبل انجام شد. سی سال پیش به چاپ رسید و می‌توان آن را در کتاب سلاطین (الواح سلاطین) و کتاب اقدس یافت.^۱ این پیش‌گویی که چنین واضح و مبرهن بیان گشت و چاپ و منتشر شد، در میان مردم کاملاً شهرت یافت. بنابراین، وقتی در ایران نظام مشروطه مستقر شد، ملّایان که از سلطنت طلبان حمایت می‌کردند از فراز منابر اعلان نمودند: "هرکس مشروطیت را بپذیرد، در حقیقت بهائیت را پذیرفته است؛ زیرا رئیس این دین، بهاء‌الله، این امر را در کتابش پیش‌بینی نموده است و بهائیان محرّکین و مدافعین مشروطیت هستند. آنان مشروطیت را به وجود آوردند تا پیش‌بینی رئیسشان محقق شود. لهذا آگاه باشید و مبادا آن را بپذیرید!" اما من هر چه بنویسم به وحی جمال مبارک است؛ به تأیید جمال مبارک است. آقای اسپراگ در طهران بوده است و اطلاع دارد. من تمام این وقایع را به وضوح و بدون این که نیاز به تعبیر و تفسیر داشته باشد، نه در یک یا دو لوح، بلکه در الواح بسیار، پیش‌بینی نمودم. وقتی علما بر شاه غلبه یافتند، شاه به رئیس‌الوزراء دستور داد به قم برود و ملاها را به طهران بیاورد. وقتی علماء در معیت رئیس‌الوزراء به طهران وارد شدند مردم از آنها استقبالی شایان به عمل آوردند و برای سه شبانه روز طهران را چراغانی کردند. ملّایان زمام مجلس را در دست گرفتند و بنای مخالفت با شاه را نهادند. حتی یکی از اعضای مجلس بمبی به سوی او پرتاب کرد. شاه چنان حقیر و ذلیل شد که قادر نبود مجلس را اداره کند. با این وصف، محرّکین حمله را از میان علما جلب نمود؛ اما علما از تحویل محرّکین و مرتکبین امتناع ورزیدند و گفتند شاه را به رسمیت نمی‌شناسند. در آن زمان من مکاتیبی به تمام شهرهای ایران، از جمله طهران، رشت، تبریز، قزوین، خراسان و بسیاری شهرهای دیگر نوشتم و به وضوح این اوضاع (به توپ بستن مجلس - م) را پیش‌بینی کردم. می‌توانید آن مکاتیب را مشاهده کنید. آقای اسپراگ در باره‌ی آنها می‌داند. او آنها را دیده است. روحانیت اسلام چنان تمام و کمال بر نیروهای فعّال دست انداخت که بهائیان در هر جایی از استیلا‌ی روحانیت بی‌نهایت مضطرب شدند. مبلّغین شهیر بهایی از طهران، من جمله ملا علی اکبر، خطاب به من نامه‌ای نوشتند که هنوز هم آن را در اختیار دارم و

^۱ مضمون فقره‌ی موجود در کتاب اقدس از این قرار است: "ای ارض طا (طهران)، ... به زودی امور در تو دگرگون خواهد شد و جمهور ناس بر تو حکومت خواهند کرد، پروردگار تو به راستی علیم و محیط است." (کتاب مستطاب اقدس، شماره ۹۳)

در آن عنوان کردند: "وقتی روحانیون ایران قدرتی نداشتند و فاقد نفوذ سیاسی بودند، ما را بی‌رحمانه سرکوب می‌کردند؛ و حالا که چنین تفوقی آشکار یافته‌اند با ما چه خواهند کرد؟ بلایا و مصائب ما صد چندان خواهد شد!" من در پاسخ نوشتم: "مطمئن باشید که این نفوذ و قدرت ظاهری زایل خواهد شد." این مطلب به وضوح تمام بیان شد؛ آقای اسپراگ شاهد این مدعا است. نیز بیان داشت: "این نفوذ و برتری، عظیم‌ترین تدنی و تباهی را به بار خواهد آورد. این غلبه و استیلا، بزرگ‌ترین شکست و ابتلا را به دنبال خواهد داشت." در همان نامه، این دو کلمه را به کار بردم "آخر" و "آخر" که در زبان فارسی مثل هم نوشته می‌شوند، البته با جزیی اختلاف در تلفظ، و نوشتم: "آن‌ها به این آخر چسبیده‌اند و از آخر غفلت کرده‌اند. چنان منکوب و مضمحل خواهند شد که فریاد و فغانشان به افلاک آسمان برسد." خلاصه، شما می‌توانید آن را در نامه‌ی من بیابید. اوضاع به همان منوال بود تا این که ناگهان ورق برگشت و اساس اقتدارشان منهدم شد. اما من این چیزها را از نزد خودم ننوشتم؛ خیر، تأییدات جمال مبارک آن را نوشت! من خودم آن را ننوشتم. بنابراین احبای الهی باید به من، فقط با عنوان عبدالبهاء اشاره نمایند. این عنوان تاج افتخار من است؛ این، سلطنت سرمدی من است؛ این، حیات ابدی من است. هرکس از نام و نشان من بپرسد، جوابم این است: "عبدالبهاء." و السلام.» (ترجمه) (حیفا، ۱۱ جولای ۱۹۰۹ - خاطرات ژولیت تامپسون^۲، ص ۹۵-۹۴)

نیز در جایی دیگر می‌فرمایند:

«در آینده، شرق و غرب یکی خواهند شد. متحد خواهند شد. من در مکاتیبم گفته‌ام که شرق و غرب مثل عاشق و معشوق خواهند شد. هر یک دیگری را دوست خواهد داشت. شرق و غرب یکدیگر را در آغوش خواهند گرفت؛ دست در دست هم خواهند نهاد؛ هر یک محبوب دیگری خواهد شد؛ هر یک دیگری را در بر خواهد گرفت. وحدت بشریت بدایت تشعشع این نور مبین خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، خاطرات ژولیت تامپسون، ص ۱۰۲-۱۰۱)

ب- ذیلاً حضرت ولی عزیر امرالله در حجم فقط یک صفحه و نیم، ۴۶ وعده‌ی صریحه را سلسله‌وار، ذکر می‌فرمایند. اعداد داخل پرانتز شاخص شماره‌ی مسلسل این وعود است. واضح است که بعضی از این وعود تا کنون تحقق یافته^۳ و بقیه نیز در زیر سرفصل‌های مربوطه در این مجموعه درج شده‌اند.

^۲ این خاطرات متفاوت ترجمه شده است و انشاءالله به زودی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.
^۳ و عود تحقق یافته خود تحقیقی مجزا را می‌طلبد که امید می‌رود بعضی دوستان و جوانان عزیز در تهیه و تدوین آن مساعدت نمایند. البته در این مجموعه نیز تا حدی به این مسئله توجه شده است و در مبحث ۲ نمونه‌هایی ارائه گشته است.

«در سنین آتیه‌ی این دور بهایی؛ دوری که امتدادش به نصّ قاطع الهی، اقلّاً هزار سال است، قُبّه‌ی این قصر مشید (بیت‌العدل اعظم) بر این اعمده‌ی مجلّه (محافل ملیّه) مرتفع گردد و بیت‌العدل اعظم الهی مطابقاً لما اراده‌ی المحبوب استقرار یابد و تشیید این بنیان مجید انجام پذیرد (۱). ناموس اعظم، نظامنامه و قانون اساسی اعظم هیأت تشریحیه‌ی جامعه‌ی بهایی به کمال اتقان تدوین گردد (۲) و مرکز اداری امرالله در جوار قبله‌ی اهل بهاء و مقام‌العلی، مرکز روحانی جامعه‌ی پیروان آیین حضرت کبریا، در کمال عظمت و جلال تأسیس شود (۳) و مصداق آیات لوح کرملاً پدیدار گردد (۴) و تأثیرات عظیمه‌ی فرمان صادر از قلم مهیمن سالار جند بهاء^۴ خطاب به انصار دین‌الله و علمداران شریعت سمحاء در قاره‌ی امریکا و لوله در قارّات خمسّه‌ی دنیا و جزائر دو محیط اعظم اندازد (۵) و بشارات کتاب حضرت دانیال تحقّق پذیرد (۶)؛ احکام کتاب مستطاب اقدس به اسلوبی بدیع تدوین و اعلان گردد (۷) و اقامه‌ی شعائر مقدّسه مابین بریه، کاملاً ظاهراً، بی‌خوف و تقیه، در بسیط زمین شهرت عظیم یابد (۸).

تشیید مقام بهی‌الانوار نقطه‌ی اولی در قلب کرملاً مطابقاً لما وعدنا مولانا و محبوبنا انجام پذیرد (۹) و قُبّه‌ی ذهبیه‌اش شهره‌ی آفاق گردد (۱۰) و وسائل بنای توابع و ملحقات اولین مشرق‌الاذکار عالم بهایی در مدینه‌ی عشق و ام‌المعابد غرب در قاره‌ی امریک به کمال اتقان و انتظام فراهم گردد (۱۱) و معابد متعدّده‌ی بهایی در ارض طا، ام‌العالم، افق نور (۱۲) و جبل مقدّس کرملاً در قلب‌العالم و مطاف‌الامم (۱۳) و مرکز عربی و اسلامی (قاهره) (۱۴) و مدینه‌الله (بغداد) (۱۵) و عواصم ممالک آخری در شرق و غرب (۱۶) تأسیس شود. جامعه‌ی پیروان امر اعزّاسنی در موطن اصلی جمال ابهی^۶ و ممالک اسلامیّه و اقطار شرقیه از قید اسارت و مقهوریت رهایی یابند (۱۷) و انفصال شریعت‌الله از ادیان عتیقه کاملاً تحقّق پذیرد (۱۸) و علم استقلال دین‌الله علی رئوس‌الاشهاد مرتفع گردد^۷ (۱۹) و بیت‌الله‌الاعظم و کعبه‌الامم از چنگ غاصبان و ظالمان مستخلص گردد و زیارتگاه عالمیان شود^۸ (۲۰). محکمه‌ی شرعیّه‌ی بهائیّه به کمال عظمت و متانت تشکیل گردد (۲۱) و علم یا بهاء‌الابهی به فرموده‌ی غصن اعظم سدره‌ی منتهی، در قلب اولین جامعه‌ی اسلامیّه در مدینه‌ی قاهره منصوب گردد^۹ (۲۲) و حنین رؤسای کنائس و ادیان عتیقه در هند و چین و ژاپان مانند حنین منابر و ناله‌ی علما و فقهای شریعت اسلامیّه، از دور و نزدیک بلند شود^{۱۰} (۲۳). اعلان صلح اصغر^{۱۱} عالم را از بلای عقیم و داء و بیل نجات دهد (۲۴).

^۴ اشاره به الواح طرح ملکوتی (الواح تبلیغی) حضرت عبدالبهاء است.

^۵ به مبحث ۸۳ رجوع شود.

^۶ به مبحث ۷۳ مراجعه شود.

^۷ به مباحث ۹۷ و ۹۸ مراجعه شود.

^۸ به مبحث ۶۳ رجوع شود.

^۹ به مبحث ۵۴ رجوع شود.

^{۱۰} به مبحث ۱۹ مراجعه شود.

^{۱۱} به مبحث ۱۰۶ مراجعه شود.

موهبت وحدت عالم انسانی^{۱۲} رخ بگشاید (۲۵) وقطعات خمسہ، حکم يك قطعه يابد (۲۶) و وحدت اصلیه در هیأت اجتماعیه تحقق پذیرد^{۱۳} (۲۷). محکمه‌ی کبری تأسیس شود^{۱۴} (۲۸) و دوره‌ی صباوت عالم انسانی منتهی گردد (۲۹) و علامات بلوغ عالم^{۱۵} که در الواح الهیه مصرح، ظاهر و پدیدار شود (۳۰). ملک عادل بر سریر سلطنت در ارض طا (طهران)^{۱۶} جالس گردد (۳۱) و صوت رجال از ارض خا (خراسان) در ذکر ربّ غنیّ متعال گوشزد قریب و بعید گردد^{۱۷} (۳۲). هیکل امرالله در انجمن بنی آدم جلوه‌ای محیرالعقول نماید^{۱۸} (۳۳) و صیحه‌ی ایادی غالبه‌اش مرتفع شود (۳۴) و سطوت اعضا قاهره‌اش واضح و عیان گردد^{۱۹} (۳۵). رایت صلح اعظم^{۲۰} بر اعلی‌الاعلام موج زند (۳۶) و مدنیّت لاشرقیه و لاغریه الهیه^{۲۱} بساط جدید در جهان بگستراند (۳۷). عالم به درجه‌ی کمال رسد^{۲۲} (۳۸) و جلوه‌ی سلطنت بهائیّه و غلبه‌ی ظاهره‌ی شریعت الهیه من علی الارض را به اهتزاز آرد^{۲۳} (۳۹) و ملوک و سلاطین را در ظلّ سیطره‌ی محیطه‌ی کلمه‌الله^{۲۴} مجتمع گرداند (۴۰). ملکوت الله کما بشره الابن فی الانجیل در عالم شهود تأسیس شود (۴۱) و سطوة ربّ الجنود چهره بگشاید (۴۲) و مجد اب سماوی عالم را منور فرماید (۴۲). عالم ناسوت جلوه‌گاه عالم لاهوت و عالم ادنی مرآت ملاء اعلی و تصویر عالم بالا و قطعه‌ای از ریاض ملکوت ابهی گردد^{۲۵} (۴۳). شلیک یا علیّ الاعلی و یا بهاء‌الابهی از قطب آفاق بلند گردد (۴۴) و ندا از مکمن اسنی، از خلف عرش کبریا خطاب به این عالم ادنی، من علی الارض را من اقصاها الی اقصاها به وجد و طرب آرد (۴۵) بان: "یا ارضُ بشری لک، بشری لک، بما لقت علیک شمسُ البهاء ذیل شعاعها و شملتک اهداب رداها. بشری لک، بشری لک، بما استوی علیک عرشُ البهاء و تلجلج فیک سرّالبهاء و انطع فیک جمالُ البهاء. بشری لک، بشری لک، بما حبّک البهاء قطعه من الفردوس الابهی و مرآتاً تنعکس فیها انوار الملاء الاعلی (۴۶). تعالی تعالی هذا الصنع الاتم الابدع اکمل المبارک الاقدس الارفع الاسنی. فسبحان ربنا العلی الاعلی، فسبحان ربنا البهی الابهی." (مضمون بخش عربی: ای زمین، مژده باد بر تو، مژده باد بر تو، چون که خورشید بهاء پرتوانش را بر تو افکند و تو را

^{۱۲} به مبحث ۱۰۴ مراجعه شود.

^{۱۳} به مبحث ۱۳۱ رجوع شود.

^{۱۴} به مبحث ۱۱۹ مراجعه شود.

^{۱۵} به مباحث ۱۰۳ و ۱۳۶ رجوع شود.

^{۱۶} به مبحث ۱۱۵ نگاه شود.

^{۱۷} به مبحث ۶۹ مراجعه شود.

^{۱۸} به مباحث ۱۰۷، ۱۰۸، و ۱۰۹ توجه شود.

^{۱۹} به مبحث ۱۲۰ رجوع شود.

^{۲۰} به مبحث ۱۳۳ رجوع شود.

^{۲۱} به مبحث ۱۳۸ نگاه شود.

^{۲۲} به مبحث ۱۳۶ مراجعه شود.

^{۲۳} به مباحث ۱۰۷، ۱۰۸، و ۱۰۹ نگاه شود.

^{۲۴} به مبحث ۸۱ رجوع شود.

^{۲۵} به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

در دامن ردای خود جای داد. بشارت باد تورا، بشارت باد تورا، زیرا که عرش بهاء بر تو مستقر گشت و راز بهاء در تو پدیدار شد و جمال بهاء در تو منعکس گشت. مژده باد تورا، مژده باد تورا، چون که بهاء تورا قطعه‌ای از فردوس ابهی پسندید و آینه‌ای قرار داد که انوار ملاء اعلی در آن انعکاس می‌یابد. چه بلند و متعالی است این صنع اتمّ ابداع اکمل مبارک اقدس ارفع اسنی. پاک است پروردگار ما که علی اعلی است؛ پاکیزه است پروردگار ما که بهی ابهی است.» (توقیع منبع ۱۰۵ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

ج- همچنین همیکل مبارک در صفحه‌ی ۴۱۹ "مرور معبود"^{۲۶}، با یادآوری این نکته که «نباید بررسی خصایص برجسته‌ی دوره‌ای چنین پرثمر و خجسته (دوره‌ی قیادت و زعامت حضرت عبدالبهاء)، از ذکر وعودی که قلم مصون از خطای مرکز میثاق حضرت بهاءالله بیان داشته است، باز ماند»، یازده وعده از وعود صادر از قلم ملهم آن حضرت را پی‌درپی، ذکر می‌فرمایند.

بدیهی است همین سه نمونه‌ی ذکر شده، کفایت می‌کند تا به خوبی روشن و مبرهن گردد که ذکر وعود الهی برای بیداری و هشیاری و استقامت و پایداری اهل بهاء، بخصوص احبای ستمدیده‌ی موطن مقدس حضرت بهاءالله، تا چه حدّ حائز اهمّیت و ضرورت است.

^{۲۶} ترجمه‌ای جدید با نامی بدیع از کتاب مهیمن گاد پسز بای؛ اثر وزین قلم قدیر حضرت ولیّ محبوب امرالله.

مقدمه‌ی سوم

انسان مخلوق بر این سیاره‌ی سرگردان، واقع در یکی از یال‌های میانی^{۲۷} کهکشان راه شیری، همیشه نگران سرنوشت خود و مترصد زمان‌های آینده بوده است و در این راستا همواره با یک تضاد و تناقض جان‌فرسا دست و پنجه نرم نموده است. از یک سو، یک میل رازآمیز درونی، ناخودآگاه، او را به ورای پرده‌های زمان می‌رانده تا با اکتشاف اسرار آن، رهایی و بالندگی خود را تحکیم بخشد و از سویی دیگر، یک نیاز مبرم اجتماعی، خودآگاه، او را به درون پیلای تنیده‌ی فرهنگی خود می‌فشرده تا با چسبندگی هر چه بیشتر به آن، امنیت‌شکننده‌ی خود را تضمین نماید. چنین می‌نماید که آینده‌نگری حکیمانه همواره مصدر تغییر و تحول و تکامل، و حال‌نگری مغرورانه یا بدتر از آن، گذشته‌نگری جاهلانه همیشه مورث ثبوت و رکود و تدنی بوده است. بدیهی است گذشته‌نگری مبتنی بر تحلیل علمی تاریخ، در این مقوله قرار نمی‌گیرد؛ زیرا نسل‌های خلف را از تجارب ارزنده‌ی نسل‌های سلف آگاه می‌سازد. اما آنچه امروزه از این کش‌مکش دردآلود درک می‌شود این است که آن کنجاوی و رغبت، به این چسبندگی و محدودیت غالب آمده و آدمیان، اعم از افراد و نهادها و دولت‌ها، مستنیر از دستاوردهای بی‌سابقه‌ی علمی، و مستفیض از ظهور و نفوذ یک فرهنگ جدید و جهانی، بارقه‌های درخشانی از کنکاش و کنجاوی نسبت به کشف اسرار آینده را نشان می‌دهند. شاید به همین جهت بوده است که در این ظهور بدیع منبع، فروغ فروزانی به افق‌های تاریک آینده تابیده شده و اسرار فراوانی از لایه‌های زمان‌های پوینده افشا گشته است.

می‌گویند زمان تکرر و تسلسل حوادث مادی است و وعود الهی که برخاسته از متن کلام برحق پروردگاری است، بیان سلسله‌وار حوادث آتی است؛ بنابراین، وعود الهی در واقع، همان ماشین زمان و یا سفینه‌ی پروازی است که روح و ذهن ما را از زمان حال جدا نموده، با اطمینان تمام، به زمان‌های آینده می‌برد و به تماشای وقایع آتی می‌نشانند. نیز وعود الهی نوعی آینده‌نگری روحانی - فرهنگی است؛ پدیده‌ی برجسته‌ای که همواره ذهن آدمی را برمی‌انگیزد و روح انسانی را به سوی افق‌های آینده پرواز می‌دهد؛ نوع کنش و نگرشی که خود پایه‌ی زندگی زاینده و مایه‌ی پویندگی سازنده است؛ و در برابر آن، گذشته‌نگری چیزی نیست جز نوعی مرگ فرهنگی و فنای روحانی. کم نیستند ملل و مردمانی که بتمامه، در توده‌های تاریک خرافات قرون و اعصار گذشته گرفتار گشته، توان اوج‌گیری در فضا‌های آینده را از دست داده‌اند؛ و اگر هم گهگاهی به حکم غریزه، در این عرصه‌ی خجسته تلاشی می‌کنند، همچنان در تاروپود موهومات رسوب یافته و آمیخته با تعصبات دیرینه است.

^{۲۷} منظومه‌ی شمسی در بخش کناری یکی از بازوهای مارپیچی داخلی کهکشان راه شیری، به نام بازوی آریون و تقریباً در فاصله‌ی دو سوم از مسیر مرکز کهکشان تا لبه‌ی بیرونی آن قرار دارد. (سایت هابل)

به لحاظ نیاز به آگاهی از سرنوشت، در فرهنگ ملل، فرایند پیشگویی رایج بوده است و به همین لحاظ، چه بسا پیشگوییانی که در اوضاع فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی سرزمین‌هایشان نقشی مؤثر داشته‌اند و در نتیجه، نزد عامه‌ی مردمان از مقام و منزلت والایی برخوردار بوده‌اند. گرچه هرگز نمی‌توان و نباید وعود الهی را با پیش‌گویی‌های رمالان و جادوگران مقایسه کرد، اما با قاطعیت تمام می‌توان گفت که نفس چنین وعودی، آن هم با این کثرت و وسعت و تنوع، و بخصوص بدین سان فاش و عیان در مقابل عیون و اذهان عالمیان، خود دلیل قاطعی است بر قدرت و خلاقیت و حقایق مظهر عظیم الهی^{۲۸}. این سؤال بجا نیز مطرح است که چرا، برخلاف ادیان سابقه، در این ظهور بدیعه‌ی منیعه، این همه وعود الهیه راجع به اوضاع و احوال آینده ارائه شده است؟ شاید یکی از پاسخ‌های ممکن برای این سؤال مهم این باشد که بشر امروز که در آستانه‌ی بلوغ اجتماعی^{۲۹} قرار دارد، دوران تغییرات و تحولات عظیمه‌ی شدیده را تجربه می‌کند و به جهت این که در این عرصه‌ی متلاطم و نابسامان، احبای حضرت رحمن خود را نوازند و بتوانند با حفظ وحدت و یگانگی، از گذرگاه‌های مهیب و مهلک تغییر و تحول به سلامت عبور کنند و نقش خود را در طریق نجات عالم انسانی به خوبی ایفای نمایند، این همه وعود متنوعه‌ی مختلفه عنایت شده است. به خوبی احساس می‌شود که وعود الهی، به مثابه‌ی جبل‌المتین مستحکمی است که در کشاکش این روزگار پرآشوب و اضطراب، موجودیت و وحدت جامعه‌ی جهانی بهایی را حفظ نموده، آن را قادر می‌سازد مأموریت عالی‌هی خود را به نحو احسن به انجام برساند و یا به نظر می‌رسد که وعود ربّانی، همانند نورافکنی روحانی است که پیشاپیش حرکت و پویایی جامعه‌ی جهانی بهایی، به سمت ظلمات آینده قرار داده شده، تا زوایای مسیر تاریک را بنماید و جامعه را در پویای طریق صحیح و ثواب و وصول به مقصد حضرت ربّ الارباب هدایت و صیانت کند.

مقام و منزلت اندیشه در حیات انسانی تا جایی است که گفته‌اند «من می‌اندیشم پس هستم» و یا بیان داشته‌اند من همانی هستم که می‌اندیشم. فکر و اندیشه، چه در حوزه‌ی حیات فردی و چه در عرصه‌ی حیات اجتماعی، همواره پیشتاز حرکت و عمل بوده است. هر اندیشه‌ای زیربنای یک عمل و هر طرح و برنامه‌ای مقدمه‌ی یک اقدام است. فکر و اندیشه، خود به خود حرکت را شکل می‌دهد و پویایی را هدایت می‌کند. حقایق تاریخ نشان می‌دهد که وقتی طرح بدیعی در بستر جامعه‌ای مطرح گردد، آن جامعه تدریجاً به سمت تحقق آن طرح حرکت می‌کند. وعود الهی هم قطعاً بارقه‌ها و جنبه‌هایی از یک طرح و برنامه است^{۳۰}، آن هم برنامه‌ای بدیع که زاده‌ی مشیت خداوند سبحان و مبتنی بر ایمان و اعتقاد مؤمنان

^{۲۸} برای اثبات این نظر می‌توان به نصوص مبارکه استناد کرد. به عنوان نمونه، به فقره‌ی شماره ۳۸ از مبحث ۲، واقع در بخش دوم از فصل اول مراجعه شود.

^{۲۹} به مباحث ۱۰۳ و ۱۳۶ مراجعه شود.

^{۳۰} به مبحث ۷۷ رجوع شود.

است و چنین برنامه‌ای عظیم و متین قطعاً اقدام و اقدام جامعه‌ی جهانی بهایی را به سمت تحقق خود سوق خواهد داد. آری، اگر خیل عظیم مؤمنان ذهن و روح خود را با مجموعه‌ی وسیع و عود الهی درآمیزند، علاوه بر نتایج و ثمراتی که فوقاً به آن‌ها اشاره رفت، به طور خود به خود و به نحو طبیعی، عمل فردی و اقدام جمعی جامعه‌ی جهانی بهایی هم به سمت تحقق طرح عظیم الهی برای حیات و نجات عالم انسانی متمایل و متحوّل خواهد شد.

فرموده‌اند و عود، حوادثی است که «تحقق آن... موکول به آینده است»^{۳۱}؛ یعنی «آنچه از بعد واقع، از قبل از قلم اعلی به کمال تصریح نازل»^{۳۲} شده و «جاری و ظاهر»^{۳۳} گشته است؛ و چنین است چون «جمعیت وقوعات آینده، در نظر مظاهر مقدّسه ظاهر و عیان است»^{۳۴}. تصریح نفس مظهر کبریا است که «ما هر آنچه را که از بعد ظاهر خواهد شد، هم اکنون می‌بینیم»^{۳۵}؛ پدیده‌ی عجیبه‌ای که شاید، بخصوص به باور بعضی ماده‌گرایان و ظاهرینان نیاید. اما این بدگمانی و بی‌ایمانی امری طبیعی و عادی است، زیرا «نسل حاضر از ادراک عظمت و عزّت و حکومت و اقتداری که در آثار بهایی موعود است، عاجز و ناتوان است»^{۳۶}.

در آثار مبارکه به کرات می‌خوانیم که اراده‌ی خداوند «مهیمن است بر اراده‌های عالم، و قدرتش نافذ و علمش محیط بوده و خواهد بود»^{۳۷} و همین علم و اقتدار و اراده است که تا اعماق افق‌های آینده را می‌بیند و می‌کاود و نتیجه را به صورت حوادثی کوچک و بزرگ، از نوع فضلیّه یا قهریّه، برای امر الهی، عالم انسانی، بعضی از ملت‌ها و مردمان جهان و نیز برخی سرزمین‌ها، کشورها، شهرها و ساختارهای گوناگون، و حتی معدودی نفوس خاصّه، به ما ارزانی می‌دارد که بتمامه، طائف حول اهداف و مقاصد امر مبارکند؛ اهداف و مقاصدی که بعضاً «هرچند بعیدالوصول و به غایت دور و از دیدگان بشر مستور است؛ اما بشارتش به کمال قدرت، در متن بیانات نافذ و لایتغیّر حضرت بهاءالله مندمج و مسطور»^{۳۸} است. ولی در این عرصه‌ی بدیع‌ه‌ی عجیبه، آن‌ها چه عواملی هستند که این اهداف «به غایت دور و از دیدگان بشر مستور» را به عرصه‌ی شهود خواهند آورد؟ آن عوامل از جمله^{۳۹} «حوادث زمان و شئون امکان و

^{۳۱} حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهایی، ص ۲۲- توقیع مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰.

^{۳۲} حضرت بهاءالله، لئالی الحکمة، ۳، ۲۷۸.

^{۳۳} حضرت بهاءالله، آیات الهی، ۲، ص ۲۰۴.

^{۳۴} حضرت عبدالبهاء، امر و خلق، ۴، ص ۴۶۶.

^{۳۵} اصل بیان حضرت بهاءالله: «ما سیظهر، انا نریه فی الحین»، آثار قلم اعلی، ۱، ص ۱۱۳، شماره ۵۳.

^{۳۶} حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهایی، ص ۲۲- توقیع مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰.

^{۳۷} حضرت بهاءالله، آیات الهی، ۲، ص ۲۱.

^{۳۸} حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۸.

^{۳۹} برای آگاهی از سایر عوامل دخیل در تحقق و عود الهیّه، به بخش چهارم از فصل اول همین مجموعه مراجعه شود.

اقدامات رجال ارض»^{۴۰} هستند که «به نحوی غیر مستقیم، وسایل مکنونه‌ی غیبیه‌ای»^{۴۱} را «محض اجرای نصوص الهیه»^{۴۲} و تحقق و عود سماویه، «چنان فراهم آرند که جمیع، مبهوت و متعجب و متذکر گردیم»^{۴۳}.

بدیهی است که ذکر و عود مبتنی بر حکمت الهی است؛ از جمله این که می‌فرمایند «اسرار و امورات بعد را از قبل به تصریح تمام ذکر نمودیم تا شبهات مشرکین و انکار مغرضین و اشارات غافلین، نفوس مقبله را از مطلع احدیه منع نماید»^{۴۴}، و نیز مضمون بیان مبارک مرکز میثاق ربّانی است که «ای احبّای الهی... خبر این قضیه (اذیت و استهزاء و عذاب و توبیخ و بدگوی و عناد) را قبل از وقوع، به شما می‌دهم تا وقتی احزاب، به سبب محبتتان به من، بر شما هجوم کردند؛ هرگز مضطرب نشوید؛ بلکه چون کوه ثابت و مستقیم بمانید. چنین است زیرا استهزاء و عذاب قوم نسبت به شما امری حتمی است.»^{۴۵} آیا به همین سیاق، در بحبوحه‌ی این همه تغییرات و تحولات جهانی و در بطن این همه مصائب و بلاهای جاری و آتی، و عود کثیره‌ی عظیمه‌ی الهی، تکیه‌گاهی اجتماعی و فرهنگی و امنیتی روحانی و ایمانی برای احبّای عزیز الهی فراهم نمی‌آورد؟

دوستان عزیز، هر فرد مخلص و منصفی با مروی هر چند گذرا در این مجموعه‌ی بدیعه، به سادگی در خواهد یافت که «عود الهیه عظیم است و صریح»^{۴۶}. سپس بلافاصله، این اندیشه‌ی ناب در ذهنش پیچ و تاب می‌یابد که وظیفه‌ی ما بهایان نسبت به عود الهی چیست؟ اما اگر سیر و سلوک چنین فردی در این مجموعه، همراه با قدری تجسس و تفحص، و دقت و اندیشه باشد به راحتی در خواهد یافت که قبل از هر چیز، احبّای فرهیخته «باید به... تحقق و عود الهیه، اطمینان کامل داشته باشند»^{۴۷}؛ به خصوص «پیروان جانفشان جمال قدم در کشور مقدّس ایران»^{۴۸} باید به «عود حتمیه‌ی الهیه ناظر»^{۴۹} باشند و «با اطمینان کامل به آینده»^{۵۰} بنگرند؛ و برای وصول به این مقصود، بخصوص «جوانان عزیز»^{۵۱} باید «از

^{۴۰} حضرت ولی امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۶۷.

^{۴۱} همان.

^{۴۲} همان.

^{۴۳} همان.

^{۴۴} حضرت بهاءالله، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۴۸.

^{۴۵} حضرت عبدالبهاء، اصل بیان مبارک: «یا احبّاءالله... تُخبرکم بهذا (الادی و الاستهزاء و التّذیب و التّویب و السّب و البغضاء) قبل الوقوع، حتّی اذا حدث هجوم الاحزاب علیکم لحنّی، لا تضطربون ابدأ بل تثبتون ثبوت الجبال؛ لأنّ استهزاء القوم و تعذیبهم لکم امر محتوم»، (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۹۷، ص ۱۴۱- نیز به مبحث ۷ همین مجموعه، فقره‌ی ۹ مراجعه شود.)

^{۴۶} حضرت ولی امرالله، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۴۶-۱۴۰ نوامبر ۱۹۲۳.

^{۴۷} بیت العدل اعظم، پیام ۴ دسامبر ۲۰۰۸ خطاب به یکی از احبّای.

^{۴۸} بیت العدل اعظم، پیام ۱۴ می ۲۰۱۱ = ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰.

^{۴۹} همان.

^{۵۰} همان.

^{۵۱} بیت العدل اعظم، پیام خطاب به جوانان شیراز، ۲۵ آگوست ۲۰۰۶.

طریق مطالعه‌ی آیات و الواح مبارکه با وعده‌های صریحه‌ی الهیه آشنا شوند»^{۵۲}؛ کاری که در این ایام «بیش از هر وقت دیگر، از اهمّ امور محسوب می‌شود»^{۵۳}. آری، احبّای عزیز ایران زمین که هر فرد و هر خانواده‌ای از آنان، در راه وفاداری به میثاق یزدان، یا قربانی داده یا زندانی شده و می‌شوند و یا انواع حقوق مدنی و انسانی خود را پایمال می‌بینند، باید «با مطالعه‌ی مستمرّ آیات و الواح، ... وعود الهیه در باره‌ی نتایج و اثرات تحمّل بلایا و اهراق دماء مطهره‌ی شهدا را... به خاطر»^{۵۴} داشته باشند؛ و بدانند که از جمله، تفکّر در دو توقیع منیع «قد ظهر یوم‌المیعاد و ظهور عدل الهی»^{۵۵}، همچنین «تمعّن در پیام‌های رضوان معهد اعلی در سنین اخیر و نیز تعمّق و تأمل در مندرجات رساله‌ی قرن انوار، در درک مقدّرات الهی و کیفیت تحقّق وعود الهیه بسیار مفید و روشنی بخش اذهان و افکار یاران الهی خواهد بود»^{۵۶} و نیز آویزه‌ی گوش هوش خود سازند که «هرچه یاران در خدمت آستانش راسخ‌تر، تأییدات غیبیه مبارکه‌اش شامل‌تر و هرچه عنایات فائقه‌اش شدیدتر، تحقّق وعود محتومه‌اش سریع‌تر»^{۵۷} خواهد بود. نظر و تفکّر و تمعّن در وعود الهی باعث تأثیرات روحانی است. مثلاً اهل بهاء «به وعود حتمیه... شاد و مطمئن»^{۵۸} می‌شوند و به این بصیرت دست می‌یابند که «هر قدر افق عالم تاریک‌تر گردد و نوع بشر بر مخاصمات و منازعات مذهبی و سیاسی و نژادی و اقتصادی خویش بیفزاید، اشعه‌ی امید پرتوی شدیدتر اندازد؛ (و) قلوب یاران به تحقّق آمل و ایفای و اكمال وعده‌های الهی شاد و مطمئن‌تر گردد.»^{۵۹} بدین ترتیب، جای آن دارد که بخصوص ما بهاییان ایرانی همواره در قلب و روح خود مرور نماییم که «شکر آن مولای حافظ و ناصر را که به وعده‌هایی روحبخش، چنان قلوب این خسته‌دلان را شاد و مطمئن فرمود که هر قدر محن و بلایا و مشکلات و رزایا از دست ملت غافل و احزاب متباغض و اعدای مهاجم و رجال ظالم غدار وارد گردد، ادنی غباری بر خاطر نورانی یاران حضرت عبدالبهاء ننشیند و غیوم مظلّمه‌ی حیرت و افسردگی، انوار امید و اطمینان را از ظهور و اشراق در قلوب صافیّه احبّا منع ننماید»^{۶۰}؛ غیوم مظلّمه‌ای که «هر ناظر غافل و بی‌اطلاع از مآرب حقیقیّه و وعود و بشارات بهیه‌ی شارع مقدّس این شرع ابداع افخم را دچار وحشت و حیرت شدید خواهد نمود.»^{۶۱}

^{۵۲} همان.

^{۵۳} همان.

^{۵۴} بیت العدل اعظم، پیام ۳۱ می ۲۰۰۶.

^{۵۵} بیت العدل اعظم، پیام ۱ می ۲۰۰۷.

^{۵۶} همان.

^{۵۷} بیت العدل اعظم، پیام آوریل ۱۹۶۴ - جزوه‌ی ۴۱، ص ۱۱۶.

^{۵۸} حضرت ولی امرالله، مانده‌ی آسمانی ۶، ریف د از باب هشتم، ص ۲۱.

^{۵۹} حضرت ولی امرالله، مانده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۰.

^{۶۰} حضرت ولی امرالله، مانده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۲.

^{۶۱} حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۰۰.

نیز دقت و تأمل در وعود الهی مورث ثمرات ذهنی است. «طوفان‌ها و فشارهایی که بافت اجتماعی را متلاشی می‌سازد، برای عموم ساکنان کره‌ی ارض غیر قابل درک است؛ به استثنای معدود کسانی که به مقصد الهی برای این برهه از زمان پی برده‌اند»^{۶۲} و برای پی بردن به این مقصد والا، چه منبعی شفاف‌تر و گویاتر و آسان‌تر از وعود حضرت بهاء‌الله؟ به همین دلیل جلیل است که در بحبوحه‌ی بلایای بی‌وقفه‌ی عارض بر جامعه‌ی بهایی و نیز بر کلّ عالم انسانی، در حال و آینده، «اجباً... عاقبت را خیر محض دانند و ارتفاع کلمه‌الله و اقبال جهانیان را که قلم اعلی به آن بشارت داده، مؤکد و محتوم شمرند.»^{۶۳}

اما سهم احبّای ستم‌دیده‌ی ایران زمین در این مقوله‌ی برترین چیست؟ این عزیزان با همه‌ی روح و ذهن و جان و با تمام پوست و گوشت و استخوان خود می‌دانند و یقین دارند که «ثبات و استقامت یاران (در بلایا)، تأثیری عظیم و نفوذی شدید در... کیفیت ظهور وعود الهیه... دارد»^{۶۴}، و سخت بر این باورند که «یاران عزیز در ایران... تحمل هر بلایی را آماده‌اند؛ زیرا به یقین مبین تحقق وعود حتمیه‌ی الهیه را مستلزم وقوع حوادث شدیده و تحمل مشکلات عدیده دانند»^{۶۵}، و مطمئنند که «برکات آسمانی و قوای روحانی منبعثه از اهراق دماء شهیدان و فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های قاطبه‌ی اهل بهاء در آن سرزمین (ایران) در تحمل شرایط طاقت فرسا، وسایل تحقق وعود مبارکه‌ی الهیه را یکی بعد از دیگری مهیا ساخته و می‌سازد»^{۶۶}. بلی، «تردید نیست که ظلم و ستم پیگیری که با این قساوت، بر احبّای ایران^{۶۷} وارد می‌شود، بالمآل مغلوب و مقهور ید قدرت الهی خواهد گردید و جریان حوادث را، به اسبابی غیبی، به سوی مقدرات قطعی‌ی پرشکوه و جلالی که از مواعید الهی است، سوق خواهد داد»^{۶۸}. پس بیایید به نصیحت مرکز میثاق الهی توجه کنیم که می‌فرمایند «با چشم ایمان به آینده نظر کنید» و تصریح می‌نمایند «قلوبتان را از زمان حال بگسلید و با عین ایمان به آینده بنگرید»^{۶۹} و نیز به هدایت مولای شفق و حنون گوش هوش فراداریم که تأکید می‌نمایند «چشم انتظار را متوجه به بشارات قلم اعلی فرمایید و دیده‌ی امید را به وعود مشعشه‌ی کتاب اقدس و الواح سائره روشن و منور سازید»^{۷۰}. همین هدف و مقصد والا بوده است که بنده‌ی حقیر را به انجام دادن چنین کاری خطیر واداشته است.

^{۶۲} بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۱۹۹۸.

^{۶۳} حضرت ولی امرالله، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۲.

^{۶۴} حضرت ولی امرالله، امر وخلق ۴، ص ۴۸۲.

^{۶۵} بیت العدل اعظم، پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه‌ی بشارات جانفزا، ص ۳۰.

^{۶۶} بیت العدل اعظم، پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶.

^{۶۷} به مبحث ۷۳ از همین کتاب و یا به فصل اول از کتاب "پیروزی در بحران" مراجعه شود.

^{۶۸} بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۰۰.

^{۶۹} به مبحث ۱ مراجعه شود.

^{۷۰} حضرت ولی امرالله، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۸.

در این مجموعه، ۲۸۱۱ فقره‌ی دقیقه^{۷۱} از آثار مبارکه (آیات حضرت بهاءالله، تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و استنباطات خاصه‌ی بیت العدل اعظم) جمع آوری و (به جز یک فقره که در مطلع کتاب آورده شده و در متن موجود نیست، بقیه) در هشت فصل طبقه بندی شده‌اند. حتی الامکان سعی شده نام هر مبحث با مفاهیم مندرج در فقرات مربوطه هم‌آهنگ باشد. کلیه‌ی این فقرات دقیقه‌ی کثیره، به نحوی به موضوع و عود الهیه مربوط می‌شوند. فصل اول، نکات و اطلاعاتی راجع به نفس و عود الهی عرضه می‌کند و فصول دوم تا هفتم، حوادث و وقایع کوچک و بزرگی را پوشش می‌دهند که همه در عصر تکوین دور بهایی واقع خواهند شد و نشان از توسعه‌ی تدریجی امرالهی و نظم اداری و تعامل پویانده و سازنده‌ی جامعه‌ی جهانی بهایی با عالم انسانی دارند. فصل هشتم مخصوص وقایع عظیمه‌ای است که در عصر ذهبی یا زرین دور بهایی رخ خواهند داد. تصمیم در این باره که چه وعودی در چه فصلی جای می‌گیرد، تا حدی از فحوای خود فقرات دقیقه قابل درک است؛ مثلاً بر اساس نصوص مبارکه، این امر قطعیت دارد که صلح اصغر و صلح اکبر در عصر تکوین و صلح اعظم یا مدنیت الهیه در عصر ذهبی پدیدار خواهند شد؛ اما در مجموع، این نحوه‌ی طبقه بندی، محصول استنباط شخصی نویسنده است و البته سایرین ممکن است در این زمینه، به گونه‌ی دیگری بیندیشند. تا جایی که ممکن است سعی شده سیر حوادث مربوط به وعود، از زمان حال به سمت آینده تنظیم شود. به عبارت دیگر، مفاهیم مورد نظر، چه در قالب عناوین فصل‌ها و چه در فحوای نام بخش‌ها و حتی در سرفصل‌های ۱۵۴ گانه، از زمان حال به سمت آینده امتداد می‌یابند و در غالب موارد، درک معانی فقرات مندرج در هر سرفصل به نوعی پیش نیاز درک مفاهیم فقرات سرفصل‌های بعدی به حساب می‌آید. برای چیدمان سرفصل‌ها، بخصوص در فصول هفتم و هشتم، سعی شده تا جایی که ممکن است، مستند به نصوص مبارکه عمل شود. در زیر نویس‌هایی مناسب، به بعضی از این مستندات اشاره شده است. مثلاً محرز است که تحقق وحدت روحانی عالم انسانی، قبل از استقرار سلطنت الهی است و احاطه‌ی عدل اعظم، پیش از ظهور و بروز صلح اعظم است.

می‌توان مباحث محوری این ۲۸۱۱ فقره‌ی دقیقه‌ی ناظر بر وعود الهیه را اجزای ساختاری یک شاهره بی‌ظنیر روحانی فرض کرد؛ شاهره‌ی که به مشیت بی‌بدیل مظهر عظیم الهی و با مهندسی بی‌مثیل مبین آیات باهراتش، از اکنون تا آینده‌های دور کشیده شده و سفینه‌ی ذهن جويا و روح پویای وعده‌گرای باوفا در آن، با بیشترین صحت و سلامت و امان، و با درک عمیقی که از حکمت‌ها و علت‌های اعطای این همه وعود مختلفه از جانب هیاکل قدسیه حاصل نموده، از زمان حال برمی‌خیزد، با شور و شغف به راه

^{۷۱} در این مورد که "فقره‌ی دقیقه" چیست و چه خواصی دارد و چگونه باید با آن برخورد کرد، انشاءالله در آینده، به کمک یک کار تحقیقی جدید تحت عنوان «فضای کوچک حقیقت و نحوه‌ی تفکر در آن»، اطلاعات جامعی ارائه خواهد شد.

می‌افتد و به تدریج و با تأنی، یکی پس از دیگری، مراحل متوالی و متکامل تحقق تدریجی مشیت‌الله برای امرالهی و عالم انسانی را طی می‌کند. سرنشین سرفراز این سفینه‌ی سپیدوش، در حالی که از مادون به سوی مافوق می‌رود و از اغتشاش و آشوب به سمت امنیت و آسایش می‌پوید، با حرکت از این ایام ظلم‌زده، صف‌آرایی علیه امرالله را تجربه می‌کند؛ فنا و زوال ناقضین میثاق‌الله را مشاهده می‌نماید؛ انقراض دشمنان امرالله را به تماشا می‌ایستد؛ حادثه‌ی بلای عظیم و ناگهانی را حس می‌کند؛ فنای عالم کهن و نمودهای آن را می‌بیند؛ سپس با ورود به عرصه‌های خجسته، شکوه و عظمت ایران آینده را مشاهده می‌نماید؛ در فضای فرح‌زای ارض اقدس تفرج می‌کند و جانی تازه می‌گیرد؛ مقام و منزلت احبای الهی، بخصوص احبای ایرانی را درک می‌کند؛ با نقشه‌ی عظیم الهی دمساز و همراه می‌شود؛ با طرح ملکوتی حضرت عبدالبهاء آشنا می‌شود؛ دل به میثاق وثیق الهی می‌سپرد؛ از میان انقلابات و اختلافات و هرج و مرج مستولی بر عالم عبور می‌نماید؛ مرحله‌ی بلوغ اجتماعی بشریت را تجربه می‌کند؛ تحقق وحدت سیاسی عالم را مشاهده می‌نماید؛ فرایند صلح اصغر را تجربه می‌کند؛ پیروزی امرالله بر صفوف معاندان و مخالفان را درمی‌یابد؛ استحکام و استعلای امرالله را حس می‌کند؛ پدیده‌های شگفتی‌زای اقبال افواج و توده‌های بشری را به تماشا می‌نشیند؛ در مراسم استقبال از سلاطین حامی و حافظ شرکت می‌کند؛ پدیده‌ی خجسته‌ی صلح اکبر را پشت سر می‌نهد؛ جریان اعجاب‌انگیز خلق بدیع را لمس می‌نماید؛ غلبه‌ی امرالهی بر نیروهای پوسیده‌ی عالم را درک می‌کند؛ ظهور جامعه و جهانی بدیع را تجربه می‌کند؛ استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی را ادراک می‌نماید؛ و آنگاه در جشن پرشکوه حلول عصر ذهبی حاضر می‌شود و شادی و نشاط جدید می‌یابد؛ سپس پدیده‌ی حیرت‌بخش وحدت روحانی عالم را ادراک می‌کند؛ احاطه‌ی عدل اعظم الهی را احساس می‌کند؛ افراشتن علم صلح اعظم را تماشا می‌نماید؛ به حوزه‌ی گسترده‌ی حکومت جهانی بهایی واصل می‌گردد؛ عرصه‌ی اعجاب‌انگیز مدنیت الهی را سیر می‌کند؛ استیلای سلطنت الهی بر جهان را تماشا می‌نماید؛ فرایند فیاض بلوغ روحانی عالم انسانی را درمی‌نوردد؛ از نمایشگاه بی‌سابقه‌ی علوم بدیعه و صنایع قویه‌ی تمدن آینده دیدن می‌نماید؛ بسط معرفت و عرفان الهی را تجربه می‌کند؛ و عاقبت، با قلبی مطمئن و روحی مستبشر، در بحبوحه‌ی ملکوت ابهی، مستقر بر بسیط غبرا، محل می‌گزیند و از آنجا، همچنان، چشم به افق‌های آینده می‌دوزد تا اعلان حلول کور عظیم ابهایی را ادراک کند و استمرار ظهور مظاهر قدسی را یقین نماید و سرانجام، بارقه‌هایی از دوردست‌ترین مرزهای آینده‌ی حیات بشری بر این سیاره‌ی خاکی، یعنی شکوه و عظمت نهایی سیاره‌ی ارض و غایت قصوای ترقی و تکامل بشری را دریافت نماید. البته او، حین پیمایش این شاهراه پرشکوه و شوق‌انگیز در بستر زمان، گهگاهی با مسیرهایی محدود و موقت نیز مواجه می‌شود که اگر مایل باشد می‌تواند در آن‌ها هم توقفی کند، گردشی بنماید، در رمز و راز

هر یک بیندیشد، و دوباره به مسیر اصلی بازگردد. آری، بیم آن می‌رود که این پوینده‌ی شاهراه شکوهمند زمان، این سرنشین سفینه‌ی ابهی نشان، پس از وصول به چنین عظمت‌هایی بی‌کران، دیگر میل بازگشت به زمان حال را از دست بدهد و در همان افق‌های نورافشان جاویدان باقی بماند! اما، مسافر زمان‌پیمای ما، اگر در این مسیر مبارک و خجسته، وفادارانه و هشیارانه گام برداشته باشد، نه از لحاظ جسمانی، که از نظر ذهنی و روحانی، قطعاً به همین موهبت سرمدی فایز خواهد شد.

درست در زمانی که کشتی مدرنیزم یا مدرنیته (نوگرایی)، حامل هیکل بشریت، بر روی اقیانوس زندگی به حرکت آمد، سفینه‌ی بلندپرواز نجات و رهایی خداوند نیز بر فراز سیاره‌ی زمین فراایستاد و حبل‌المتین تعالیم الهی را برای هدایت و صیانت این کشتی غفلت‌زده و غرورآمیز فروآویخت و نیز گوی‌های آتشین و عود ربّانی را در دل ظلمت زمان، به سمت آینده‌های نزدیک و دور پرتاب نمود. اما ناخدایان بی‌خدای کشتی مدرنیته، متکی به نظریه‌های اصالت انسان و سازمان و اندیشه، و مست از باده‌ی فناوری و صنعت‌گری و تولید عنان‌گسیخته، به جای استقبال از امدادات غیبی سفینه، فریاد برآوردند که «خدا مرده است». آنگاه چیزی نگذشت که کشتی آنان گرفتار طوفان بلایا شد و به گل نشست و بشریت به فلاکت و ذلت افتاد. در این وقت، نظریه‌پردازان پست‌مدرنیزم (پسانوگرایی)، در حالی که باور بدیمن‌خداوردگی همچنان در ذهن و فکرشان غلیان داشت، به میدان آمدند و گفتند کشتی مدرنیته باید تکه تکه شود و هر گروهی از آدمیان به پاره‌ای از آن چنگ زنند و خود بکوشند تا در دل تاریکی زمان راه به ساحل نجات برند. سپس با پتک تحلیل و تبر تنقید و تیشه‌ی تخطئه به جان کشتی افتادند. آری، آنان نیز به آن ریسمان درخشان که از سفینه‌ی ظهورالله آویزان بود وقعی ننهادند و به آن گوی‌های تابان که تا عمق ظلمات آینده را روشن می‌کرد، توجهی نمودند. در این حال و هنگام، خلبان خدانشان سفینه، که به حکمت الهی و به نام "ملاح‌القدس"، استاد اعظم دریانوردی نیز بود، و بر اساس دانش و بینش روحانی، اضمحلال نوع انسانی را در آن شرایط وخیم و بحرانی قطعی می‌دید، مهندسان ملکوتی و کارورزان روحانی خود را به سوی کشتی گسیل داشت و آنان بافداکاری و جانبازی بی‌وقفه، آن ریسمان خجسته را به سگان آن کشتی درهم‌شکسته گره زدند و سپس در مسیر انوار آن گوی‌های فروزنده، و عود منزله‌ی متنوعه، به حرکتش آوردند و با تمام دل و جان به تعمیر و تجهیزش پرداختند. آنگاه در فضای سیاره‌ی زمین این نغمه و ترانه‌ی دلنشین مواج شد که آری، این بشریت طوفان زده قطعاً به سلامت، به بندرگاه نجات و سعادت که همانا استقرار ملکوت ابهی بر بسط غبرا^{۷۲} است، واصل خواهد شد.

فصل اول، "وعود الهی و جنبه‌های مهم آن"، با اشمال ۴۳۶ فقره‌ی دقیقه، حائز اهمیت فراوان است؛ چون به عنوان مدخل مباحث مجموعه عمل کرده، نکات و اطلاعات مهمی در باره‌ی نفس و عود الهی و

^{۷۲} به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

حکمت‌ها و علت‌های وفور آن، ارائه می‌دهد. بخصوص دو بخش اول و پنجم این فصل نقش عمده‌ای در توجیه ذهنی خواننده نسبت به وعود الهیه به عهده دارند. بخش اول، "وعود در بستر زمان"، نظری مجمل به بعضی از وعود تحقق یافته می‌افکند و این اطمینان را در قلب خواننده القاء می‌کند که سایر وعود موجود در مجموعه نیز با همان قطعیت و حتمیت، در زمان مقرر یا در شرایط و احوال مناسب تحقق خواهند یافت. بخش پنجم، "وعود در بستر تاریخ"، از منظر آثار الهی، نگاهی به وعود گذشته‌ی مندرج در کتب سماوی، بخصوص در رابطه با ظهور اعظم ابهایی می‌افکند و این حقیقت را در قلب و روح انسان متمکن می‌سازد که همانا عظیم‌ترین و عده‌ی بستر تاریخ بشری بر این سیاره‌ی آبی با ظهور حضرت بهاءالله مُنجی محقق گشته است. بخش چهارم این فصل نیز بسیار آموزنده است، زیرا عوامل مؤثر در تحقق وعود را بررسی می‌نماید. در اینجا شاید این سؤال پیش آید که این موضوع، با مفهوم و معنای نفس و عده منافات دارد؛ زیرا وعهده یعنی حادثه‌ای که به تصریح نصوص موجود در بخش سوم از همین فصل، تحقق آن قطعیت تامه دارد و لهذا عبارت "عوامل مؤثر در تحقق" آن، دیگر معنا و مدخلیتی ندارد. اما چنین شبهه‌ای به کمک بعضی نصوص مبارکه رفع شدنی است. صحیح است که وقوع وعود الهیه قطعیت تامه دارد، اما زمان مشخصی برای آن عرضه نشده است. تحقق هر وعهده، تابع شرایط خاص خود است و لهذا ممکن است به نسبت میزان حصول شرایط، در امتداد زمان تقدّم و تأخر یابد؛ ولی از یک زمان مقرر و معین که البته در علم الهی مکنون است، عقب‌تر نخواهد رفت. دقت و تأمل در فقرات کثیره‌ی فصل اول، بینش و بصیرت والایی راجع به مفهوم کلی وعود الهی و جنبه‌های مهمه‌ی آن، عرضه می‌دارد و خواننده را آماده می‌سازد به فصول بعدی که هر کدام گروه‌های وعود ویژه‌ی خود را پوشش می‌دهند، وارد شود. فصل دوم، "قیام جهانی علیه امرالله و نتایج حاصل از آن"، با ۴۲ فقره‌ی دقیقه، حادثه‌ی عظیم صف‌آرایی جهانی علیه امراله‌ی را بررسی می‌کند و نتایج عجیب و بی‌سابقه‌ی حاصل از آن را نشان می‌دهد و فصل سوم، "عاقبت حال ناقضان میثاق‌الله و دشمنان امرالله"، مشتمل بر ۱۲۴ فقره‌ی دقیقه، ذلت و زبونی و فنا و نابودی هر دو گروه را تصریح می‌نماید. فصل چهارم، "عاقبت حال بشریتی سرکش و معرض از حق"، با ۱۲۰ فقره‌ی دقیقه‌ی مختلفه، به وعود قهریه‌ی مقدر برای بشریتی غافل و خداگریز می‌پردازد، و به عنوان جزای اعراض و استکبار عالمیان در مقابل مظهر عظیم خداوند رحمن، از لامذهبی و انحطاط اخلاقی و تعصّب و تفرقه و تعدی و جنگ و جدال و بالاخره، از بلای عظیم و عقیم و ناگهانی و فنای مدنیت مادی سخن می‌گوید. محتوای این فصل نومیدکننده است؛ اما علت‌ها و حکمت‌های لزوم استیلای این امور بر عرصه‌ی عالم در نفس فقرات همین فصل عرضه شده است. یأس حاصل از مطالعه‌ی محتوای فصل چهارم، در فصل پنجم، "آغاز تعامل علنی امراله‌ی با عالم انسانی"، جبران می‌شود؛ فصلی که با ۲۶۴ فقره‌ی دقیقه به ارائه‌ی وعود فضلیه برای کل عالم انسانی و بعضی آحاد

و اجزاء آن می‌پردازد و اوضاع درخشان بعضی ملل مخصوصه، برخی کشورها و سرزمین‌های ویژه، و تعدادی زمینه‌های متنوعه را پوشش می‌دهد. سپس فصل ششم، "اوضاع آینده‌ی بعضی جنبه‌های مهم دنیای بهایی"، آغاز می‌شود که با ۴۶۴ فقره‌ی دقیقه، عرصه‌های گوناگونی از رشد و توسعه‌ی امرالهی را هدف قرار می‌دهد و در این راستا، بعضی اراضی و مداین و اماکن مقدسه و مخصوصه را پوشش می‌دهد، سپس مقام و موقف گروه‌هایی از احباً و اشخاص خاص را بررسی می‌کند و تعدادی زمینه‌های متنوع و مختلف از امرالهی را توصیف می‌نماید. همچنان در عصر تکوین هستیم. فصل هفتم، "رشد امرالله و توسعه‌ی تعامل آن با عالم انسانی"، با ۸۱۱ فقره‌ی دقیقه، بر رشد و تعالی امرالله و تحوّل و تکامل عالم انسانی در امتداد این عصر پرآشوب متمرکز می‌شود و پدیده‌هایی اعجاب‌انگیز مثل جریان اقبال افواج و ایمان توده‌های بشری، ظهور خلق بدیع، تحقّق بلوغ اجتماعی عالم انسانی، بروز وحدت سیاسی عالم بشری، صلح اکبر و سرانجام، استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی را بررسی می‌نماید. و عاقبت به فصل هشتم، "تشدید استیلاى امرالله بر عالم و تحقّق کمال نهایی آن"، می‌رسیم؛ فصلی باشکوه و پرجلال و شادى‌بخش، که با ۵۴۹ فقره‌ی دقیقه، تماماً به وعود الهی برای عصر ذهبی اختصاص دارد و مراحل اعجاب‌انگیزی مثل تحقّق وحدت روحانی عالم انسانی، حصول صلح اعظم ابهایی، استقرار حکومت جهانی بهایی، بروز بلوغ روحانی بشریت، ظهور مدنیت بدیع الهی، استقرار ملکوت ابهی بر بسیط غربا و تحقّق سرنوشت متعالی عالم انسانی را در بر می‌گیرد.

توصیه می‌شود خواننده‌ی گرامی برای دستیابی به کلیه‌ی مراحل کلی و جزئی این سفر سحرانگیز روحانی که جهت پرواز به آینده‌های پر رمز و راز امرالهی و عالم انسانی طراحی شده، نظری مستقل به فهرست مفصّل این مجموعه بنماید و دقایقی در معانی و مفاهیم سرفصل‌های آن بیندیشد و آنگاه به نحو مرتّب و منظم، به محتویات سرفصل‌ها رجوع کرده، هر فقره‌ی دقیقه را با دقّت و تأمل مطالعه نماید. مبدا کثرت فقرات، سبب بی‌التفاتی به آنان گردد که این نه فقط نوعی بی‌توجهی به نصوص الهی است؛ بلکه مانع و رادعی در جریان پرواز روحانی هم محسوب است. هر فقره‌ی دقیقه‌ی جای‌گرفته در یک گروه هم‌خانواده، حدّ اقل حاوی یک اطلاع موثّق راجع به عنوان مشترک آنها است و از اجتماع همین اطلاعات است که معرفتی شفاف و معتبر و متعالی تولید می‌شود؛ معرفتی که پایه و مایه‌ی اصلی عرفان بهایی و حیات اجتماعی هر فرد بهایی است. در اینجا ذکر این نکته نیز ضروری است که به زعم نویسنده، رابطه‌ی فرایندهای تحقّق وعود الهی در زمینه‌های مختلف، چه از نظر مکانی و چه زمانی، پله‌ای نیست، بلکه رنگین‌مانی است؛ بدین معنی که جنبه‌ی تاریخی و عینی وعود الهی مثل جعبه‌هایی نیست که کنار هم قرار گرفته باشند و یا وقوع آنها در فاصله‌ها یا بسته‌های زمانی مشخصی نیست که یکی پس از دیگری محقق شوند. رابطه‌ی وجودی آنها با یکدیگر همانند رابطه‌ی اجزاء طیف رنگین‌مان است،

یعنی بدون این که بتوان حدّ و مرز مکانی و زمانی معینی بین آنها تصوّر کرد؛ هر یک، بدون این که مفهوم و مأموریت مستقلّ خود را از دست بدهد، از درون دیگری بیرون می‌آید. به همین لحاظ است که خواننده‌ی تیزهوش حین مطالعه‌ی هر مبحث، رگه‌هایی از سرفصل‌های دیگر، بخصوص سرفصل‌های ماقبل و مابعد آن را هم مشاهده می‌کند، و به همین دلیل است که در تمثیل بالا، وعود مهمّی متوالیه، اجزای یک شاهراه درخشنده تصوّر شده‌اند؛ شاهراهی که بخش‌های متوالی آن، بدون داشتن خط فاصلی مشخص، به هم پیوسته‌اند و حتی به نوعی، از درون هم بیرون جسته‌اند.

در فهرست مندرجات، برای سهولت مراجعات، مباحث ۱۵۴ گانه، بندگذاری شده‌اند، و نیز برای برآورد اولیه‌ی حجم محتویات هر مبحث، تعداد فقرات دقیقه‌ی مربوط به آن جلوی عنوانش ذکر شده است. این اعداد، از لحاظ آماری اطلاعات مفیدی در بر دارند؛ از جمله این که به چه دلیلی هیاکل قدسی روی بعضی از مباحث پیش‌گویانه تأکید بیشتری نهاده‌اند؛ یا این که چرا به تکرار، در مورد قطعیت تحقق آن‌ها اطمینان داده‌اند؛ یا چرا مباحث فصل هفتم نسبت به سایر فصول مفصل‌تر است؛ نکات مهمّی که البته، حائز حکمت‌های خاصّ خود بوده، تفکر و تدبّر پیرامون آن‌ها قطعاً اکتشافات بدیعه و معلومات ویژه به بار خواهد آورد. متن مجموعه به شیوه‌ی رسم‌الخط جدید فارسی، تقریباً همانگونه که در کتب درسی مطرح شده است، تایپ شده و نیز برای سهولت درک فقرات و عبارات عربی، مضمون فارسی آن‌ها ارائه گشته است. در بسیاری از امکنه‌ی متن، برای بعضی از فقرات، چندین مأخذ آورده شده است. این امر، هم امکان دسترسی خوانندگان گرامی به منابع اصلی را آسان‌تر می‌کند و هم به نوعی، نشان از اهمّیت مفاهیم مندرج در فقرات مربوطه و ضرورت ادراک آن‌ها دارد.

برای تابانیدن نور امید و روح اطمینان به قلوب و اذهان رنجیده‌ی احبّای عزیز ایران، از این مجموعه‌ی غنی، می‌توان به طرق گوناگون استفاده نمود. می‌توان به مناسبت هر جمع و مجلس و محفلی، تعدادی از فقرات مباحث مورد علاقه‌ی آن را برگزید و قرائت کرد و جمع را به تفکر و تعمق در آن‌ها فراخواند. می‌توان دست به قلم بُرد و برای تعدادی از آن‌ها مقالات مناسب تهیه کرد و برای استفاده‌ی عموم ارائه نمود. می‌توان بر اساس تعدادی از آن‌ها سخن‌رانی‌ها و گفتگوهای سازنده ترتیب داد؛ و نیز می‌توان برای گروه‌هایی از آن‌ها، "تبیینات سیستمی" نوشت؛ اقدام مفیدی که به علت لزوم پرهیز از افزایش حجم مجموعه از انجام دادن آن خودداری شده است. باشد که به این ترتیب، فرهنگ آینده‌نگری معقول و خردمندانه را در بطن جامعه‌ی اسم اعظم تقویت کنیم.

آری، بیایید در این سرزمین دستخوش مظالم مستولیّه، در این اقلیم عزیز و خجسته، به کمک این وعود متنوّعه‌ی کثیره که هر کدام عرصه و زاویه‌ی مشخصی از افق‌های ناشناخته‌ی آینده را عیان و آشکار می‌سازد، انوار خورشیدهای فرداهای فرحناک و روحانی را به قلب و روح یاران باوفای ایران، این

سرزمین مقدّس و محبوب، باز بتابانیم تا همچنان همگان، با توشه و توان برگرفته از احساس قلبی نسبت به حقّانیت و قطعیت رشد و تعالی و توسعه و تکامل جامعه‌ی جهانی بهایی، در میدان فداکاری و جانبازی برای احیای ایران گرامی، این دیار دل‌انگیز اهورایی، آماده و مهیا باشیم.

دوستان نازنین، کار بسی پیچیده و وقت‌گیر بوده است؛ لهنذا علی رغم مرورها و ویرایش‌ها و اصلاحات مکرر، قطعاً اشتباهات و اغلاطی چه تایی چه املائی، در آن یافت خواهد شد. این نهایت محبّت و مرحمت شما گرامیان خواهد بود که به طریق مقتضی، مؤلف مجموعه را از مساعدت و هدایت خود بهره مند فرمایید.

سرود خورشیدی

پائیز ۱۳۹۳

(تکمیل نهایی، اردیبهشت ۱۳۹۵)

فهرست مندرجات

فصل اول	۳۲
وعدود الهی و جنبه‌های مهم آن (۴۳۶)	۳۲
بخش اول- اهل بهاء و وعدود الهی (۴۱)	۳۲
۱. وظایف مؤمنان نسبت به وعدود (۴۱)	۳۲
بخش دوم- وعدود در بستر زمان (۸۲)	۳۷
۲. نمونه‌هایی از وعدود تحقق یافته (۸۲)	۳۷
بخش سوم- کلیاتی راجع به وعدود الهی (۱۶۲)	۵۵
۳. وعدود، وقوعات آینده است (۶)	۵۵
۴. الواح و آثار الهی منبع موثق وعدود است (۱۲)	۵۶
۵. وعدود، شهود حوادث آینده است (۷)	۵۷
۶. تحقق وعدود دلیل حقانیت است (۱۴)	۵۹
۷. ذکر وعدود حکمت‌آمیز است (۱۴)	۶۱
۸. وعدود مورث تأثیرات روحانی است (۲۰)	۶۳
۹. تحقق وعدود حرف به حرف است (۴)	۶۶
۱۰. تحقق وعدود امری قطعی است (۶۹)	۶۷
۱۱. تحقق وعدود امری تدریجی است (۱۶)	۷۴
بخش چهارم- عوامل مؤثر در تحقق وعدود (۸۶)	۷۶
۱۲. مشیت الهی و پروژه‌های ارض اقدس پشتوانه‌ی تحقق وعدود است (۱۵)	۷۶
۱۳. دعا وسیله‌ی تحقق وعدود است (۱۷)	۷۸
۱۴. تحمل بلایا و فداکاری‌های احباً عامل تحقق وعدود است (۲۰)	۸۰
۱۵. تبلیغ امرالله ضامن تحقق وعدود است (۸)	۸۳
۱۶. وظیفه‌شناسی مؤمنان مؤثر در تحقق وعدود است (۱۸)	۸۴
۱۷. حوادث عالم دخیل در تحقق وعدود است (۹)	۸۷

۸۹	بخش پنجم- وعود در بستر تاریخ (۶۵)
۸۹	۱۸. وعود مظاهر قبل محقق شد (۶۵)
۹۸	فصل دوم
۹۸	عصر تکوین، قیام جهانی علیه امرالله و نتایج حاصل از آن (۴۲)
۹۸	۱۹. صف آرای عالمیان علیه امرالهی (۴۲)
۱۰۵	فصل سوم
۱۰۵	عصر تکوین، عاقبت حال ناقضان میثاق الله و دشمنان امرالله (۱۲۴)
۱۰۵	۲۰. فنای ناقضان میثاق الهی (۲۴)
۱۰۹	۲۱. زوال دشمنان امرالله و ستم ورزان بر احباءالله (۱۰۰)
۱۲۴	فصل چهارم
۱۲۴	عصر تکوین، عاقبت حال بشریتی سرکش و خداگریز (۱۲۰)
۱۲۴	۲۲. تنبیه الهی (۸)
۱۲۵	۲۳. توسعه و تشدید لامذهبی (۶)
۱۲۶	۲۴. انحطاط اخلاق عمومی (۴)
۱۲۷	۲۵. گسترش تعصب و تفرقه و تعدی (۴)
۱۲۷	۲۶. وقوع جنگ‌های ویرانگر (۱۸)
۱۳۰	۲۷. وقوع بلاهای عظیم و عظیم و جهانی (۵۰)
۱۳۸	۲۸. انهدام بعضی ممالک و مَدُن (۱۲)
۱۴۰	۲۹. پیچیده شدن بساط (نظم) موجود در عالم (۱۰)
۱۴۱	۳۰. فنای عالم (کهن) و مردمان آن (۸)
۱۴۳	فصل پنجم
۱۴۳	عصر تکوین، آغاز تعامل علنی امرالله با عالم انسانی (۲۶۴)
۱۴۳	بخش اول- با بعضی ملل مخصوصه (۴۱)
۱۴۳	۳۱. ملت آمریکا (۲۳)

- آینده‌ی نزدیک (۵) ----- ۱۴۳
- آینده‌ی دور (۱۸) ----- ۱۴۴
۳۲. بنی اسرائیل (۱۸) ----- ۱۴۷
- بخش دوم- با برخی کشورها و سرزمین‌های ویژه (۱۹۴) ----- ۱۴۹
۳۳. کشور ایران (۱۱۶) ----- ۱۴۹
- موارد فضلیه (۱۰۶) ----- ۱۴۹
- موارد قهریه (۱۰) ----- ۱۶۴
۳۴. کشور آمریکا (۱۹) ----- ۱۶۵
۳۵. اتحاد ایران و آمریکا (۴) ----- ۱۶۹
۳۶. قاره‌ی آفریقا (۵) ----- ۱۷۰
۳۷. مغرب زمین (۳) ----- ۱۷۱
۳۸. آمریکای مرکزی و جنوبی (۳) ----- ۱۷۱
۳۹. قاره‌ی اروپا (۱) ----- ۱۷۲
۴۰. کشور فرانسه (شهر پاریس) (۸) ----- ۱۷۲
۴۱. کشور کانادا (۹) ----- ۱۷۳
۴۲. کشور آلمان (۵) ----- ۱۷۴
۴۳. کشور ژاپن (۴) ----- ۱۷۵
۴۴. کشور انگلستان (۲) ----- ۱۷۶
۴۵. کشور پاناما (۳) ----- ۱۷۶
۴۶. کشور هندوستان (۳) ----- ۱۷۷
۴۷. کشور روسیه (۲) ----- ۱۷۸
۴۸. کشور آذربایجان (۱) ----- ۱۷۸
۴۹. کشور ترکمنستان (۱) ----- ۱۷۸
۵۰. کشور چین (۲) ----- ۱۷۹
۵۱. شهر نیویورک (۱) ----- ۱۷۹
-

- ۱۷۹ ----- شهر مونترآل (۲) ----- ۵۲.
- بخش سوّم- با تعدادی موارد متنوّعه (۲۹) ----- ۱۸۰.
- ۱۸۰ ----- حاملگی اشیاء (۱۱) ----- ۵۳.
- ۱۸۲ ----- دانشگاه الازهر قاهره (۶) ----- ۵۴.
- ۱۸۳ ----- فنّ طبّ و صحّت عمومی (۴) ----- ۵۵.
- ۱۸۴ ----- ردّیه‌های علیه امرالله (۲) ----- ۵۶.
- ۱۸۴ ----- مادّیون و تمدّن مادّی (۲) ----- ۵۷.
- ۱۸۵ ----- دیدار ادوارد براون از ارض اقدس (۱) ----- ۵۸.
- ۱۸۵ ----- ایوان مداین (۱) ----- ۵۹.
- ۱۸۶ ----- مادّه‌ی اکسیر (۱) ----- ۶۰.
- ۱۸۶ ----- یاران پارسی (۱) ----- ۶۱.
- ۱۸۷ ----- فصل ششم -----
- عصر تکوین، اوضاع آینده‌ی بعضی جنبه‌های مهمّ دنیای بهایی (۴۶۴) ----- ۱۸۷.
- بخش اوّل- اراضی و مداین و اماکن مقدّسه و مخصوصه (۱۰۳) ----- ۱۸۷.
- ۱۸۷ ----- ارض اقدس (۴۸) ----- ۶۲.
- ۱۹۷ ----- بیت بغداد (۱۲) ----- ۶۳.
- ۱۹۹ ----- ارض طا (شهر طهران) (۱۴) ----- ۶۴.
- ۲۰۱ ----- شهر شیراز (۴) ----- ۶۵.
- ۲۰۱ ----- شهر اصفهان (۲) ----- ۶۶.
- ۲۰۲ ----- شهر ادرنه (۴) ----- ۶۷.
- ۲۰۳ ----- نور و تاکر (۵) ----- ۶۸.
- ۲۰۴ ----- ارض خاء (خراسان) (۹) ----- ۶۹.
- ۲۰۵ ----- ارض کاف و الرّاء (کرمان) (۴) ----- ۷۰.
- ۲۰۶ ----- بندرعبّاس (۱) ----- ۷۱.
- بخش دوّم- احبّا و اشخاص متفاوته (۱۷۳) ----- ۲۰۷.

۷۲. احبّای الهی به طور کلی (۸۷)----- ۲۰۷
۷۳. احبّای ایران (۴۳)----- ۲۱۹
۷۴. احبّای آمریکا (۳۹)----- ۲۲۵
۷۵. بومیان قاره‌ی آمریکا (۳)----- ۲۳۱
۷۶. یاد و خاطره‌ی امة‌البهاء روحیه‌ی خانم (۱)----- ۲۳۲
- بخش سوم- بعضی زمینه‌های متنوّعه (۱۸۸)----- ۲۳۲
۷۷. نقشه‌ی کلی الهی (۲۲)----- ۲۳۲
۷۸. بیت‌العدل اعظم (۱۰)----- ۲۳۶
۷۹. طرح ملکوتی و نقشه‌های آتی (۲۷)----- ۲۳۷
۸۰. کتاب اقدس (۶)----- ۲۴۲
۸۱. کلمة‌الله (۲۸)----- ۲۴۳
۸۲. عهد و میثاق الهی (۲۸)----- ۲۴۶
۸۳. معبد بهایی (مشرق‌الاذکار) (۲۵)----- ۲۵۱
۸۴. شهدای فی سبیل الله (۸)----- ۲۵۴
۸۵. هنر بهایی (۱۰)----- ۲۵۶
۸۶. محاکم بهایی (۲)----- ۲۵۷
۸۷. دانشگاه بهایی (۲)----- ۲۵۸
۸۸. تاریخ و مورّخین بهایی (۱۲)----- ۲۵۸
۸۹. تعلیم و تربیت بهایی (۴)----- ۲۶۰
۹۰. نقش مؤسسه‌ی ولایت امرالله (۲)----- ۲۶۰
۹۱. حظیرة‌القدس (۱)----- ۲۶۱
۹۲. مؤسسه‌ی حقوق‌الله (۱)----- ۲۶۱
- فصل هفتم----- ۲۶۲
- عصر تکوین، رشد امرالله و توسعه‌ی تعامل آن با عالم انسانی (۸۱۱)----- ۲۶۲
۹۳. مراحل متوالی استیلا‌ی امرالله بر عالم (۲)----- ۲۶۲

۹۴. رهایی امرالله از قید مقهوریت (۳) ----- ۲۶۳
۹۵. آزادی عمل امرالله (۲) ----- ۲۶۴
۹۶. درخشش امرالله در مغرب زمین (۲) ----- ۲۶۴
۹۷. مرحله‌ی انفصال امرالله (۵) ----- ۲۶۵
۹۸. مرحله‌ی استقلال امرالله (۹) ----- ۲۶۶
۹۹. مرحله‌ی رسمیت امرالله (۱۰) ----- ۲۶۷
۱۰۰. ازدیاد انقلاب و اختلاف و آشوب در عالم (۱۶) ----- ۲۶۸
۱۰۱. توسعه‌ی نظم اداری بهایی (۲۶) ----- ۲۷۱
۱۰۲. تجدید حیات و ترقی نسبی عالم انسانی (۲۰) ----- ۲۷۵
۱۰۳. تحقق بلوغ اجتماعی عالم انسانی (۳۶) ----- ۲۷۸
۱۰۴. تحقق وحدت سیاسی عالم انسانی (۶۱) ----- ۲۸۲
۱۰۵. تأسیس حکومت اولیّه‌ی جهانی (۱۵) ----- ۲۹۰
۱۰۶. استقرار صلح اصغر (۲۳) ----- ۲۹۲
۱۰۷. پیروزی امرالله در مقابل صفوف معاندان (۲۹) ----- ۲۹۶
۱۰۸. استحکام و استعلا‌ی امرالله (۲۹) ----- ۳۰۱
۱۰۹. عظمت و جلال امرالله (۲۳) ----- ۳۰۵
۱۱۰. ارتقاء مقام و منزلت زنان (۲۱) ----- ۳۰۸
۱۱۱. سرور و نشاط مؤمنان (۲) ----- ۳۱۱
۱۱۲. اندوه و اضطراب معاندان (۳) ----- ۳۱۲
۱۱۳. اقبال افواج مؤمنین (۲۷) ----- ۳۱۳
۱۱۴. حمایت مؤسّسات جامعه‌ی انسانی (۱) ----- ۳۱۷
۱۱۵. ظهور ملوک حامی (۱۶) ----- ۳۱۷
۱۱۶. اقبال توده‌های بشری (دستجمعی) (۱۵) ----- ۳۲۱
۱۱۷. استقرار صلح اکبر (۴۹) ----- ۳۲۳
۱۱۸. قدرت و غلبه‌ی مظهر الهی (۵۴) ----- ۳۳۰
-

۱۱۹. تأسیس محکمه‌ی کبرای بین‌المللی (۱۳)----- ۳۳۸
۱۲۰. ظهور قوم (خلق) بدیع (۷۸)----- ۳۴۰
۱۲۱. احاطه و استیلای نسبی امرالله بر عالم (۸۹)----- ۳۵۹
۱۲۲. تطهیر ارض از لوث کافران و مشرکان (۲)----- ۳۷۲
۱۲۳. زوال تعصبات جاهلی (۸)----- ۳۷۳
۱۲۴. تنفیذ احکام و تحکیم تعالیم الهی (۱۱)----- ۳۷۴
۱۲۵. استیلای روحانیت و اعتلای اخلاقی (۱۰)----- ۳۷۵
۱۲۶. حصول شادی و نشاط عمومی (۸)----- ۳۷۷
۱۲۷. ظهور جامعه و جهانی جدید (۳۳)----- ۳۷۸
۱۲۸. بشریت در مسیر سرنوشت خود (۲)----- ۳۸۲
۱۲۹. استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی (۵۸)----- ۳۸۲
- فصل هشتم----- ۳۹۲
- عصر ذهبی، تشدید سلطه‌ی امرالله بر عالم و تحقق کمال نهایی بشریت (۵۴۹) ۳۹۲
۱۳۰. حلول عصر ذهبی آیین الهی (۳۰)----- ۳۹۲
۱۳۱. تحقق وحدت روحانی عالم انسانی (۷۹)----- ۳۹۷
۱۳۲. احاطه‌ی عدل اعظم الهی (۳۳)----- ۴۰۷
۱۳۳. حلول صلح اعظم ابهای (۵۳)----- ۴۱۱
۱۳۴. استقرار حکومت جهانی بهایی (۱۴)----- ۴۱۹
۱۳۵. استقرار سلطنت الهی (۱۶)----- ۴۲۱
۱۳۶. تحقق بلوغ روحانی بشریت (۱۹)----- ۴۲۳
۱۳۷. رواج خط و زبان واحد جهانی (۱۸)----- ۴۲۶
۱۳۸. ظهور مدنیت الهی (۴۳)----- ۴۲۹
۱۳۹. حصول محبت و اخوت و دوستی حقیقی (۲۸)----- ۴۳۵
۱۴۰. حصول حریت و آزادی حقیقی (۷)----- ۴۳۸
۱۴۱. بروز رفاه و راحتی جهانی (۱۱)----- ۴۳۹

۱۴۲. تحقّق آشتی علم و دین (۲) ----- ۴۴۰
۱۴۳. ظهور علوم بدیعه و صنایع قویّه (۲۴) ----- ۴۴۰
۱۴۴. بسط معرفت و عرفان الهی (۷) ----- ۴۴۴
۱۴۵. جلوه‌ی دین واحد جهانی (۱۴) ----- ۴۴۵
۱۴۶. استقرار نهایی مشیّت الله برگستره‌ی گیتی (۴) ----- ۴۴۷
۱۴۷. استقرار ملکوت ابهی بر بسیط غیرا (۵۱) ----- ۴۴۷
۱۴۸. بروز ثمره‌ی نهایی ظهور الهی (۷) ----- ۴۵۳
۱۴۹. تجلّی کور اعظم بهایی (۱۸) ----- ۴۵۵
۱۵۰. استمرار ظهور مظاهر قدسی (۵۳) ----- ۴۵۷
۱۵۱. تحقّق سرنوشت متعالی عالم انسانی (۱۰) ----- ۴۶۶
۱۵۲. ترقّی ابدی فردی (۱) ----- ۴۶۷
۱۵۳. جلوه‌ی شکوه نهایی سیّاره‌ی ارض (۳) ----- ۴۶۷
۱۵۴. وصول بشریّت به غایت قصوای خلقت خود (۴) ----- ۴۶۸
-

فصل اول

وعود الهی و جنبه‌های مهم آن (۴۳۶)

یاد آوری: در ذیل بعضی از فقرات نصوص مبارکه‌ی مندرج در این مجموعه، به عنوان مأخذ، عبارت "مرور معبود" آمده است؛ متذکر می‌گردد که این عبارت، نامی جدید است که برای ترجمه‌ی بدیع از کتاب مهیمن "گاد پسربای" در نظر گرفته شده است. این ترجمه، که به قصد تسهیل درک محتوای این کتاب مبین برای محبین انجام شده، انشاءالله در آینده در اختیار یاران قرار خواهد گرفت. علت گزینش این نام در مقدمه‌ی ترجمه ذکر شده است.

بخش اول- اهل بهاء و وعود الهی (۴۱)

۱. وظایف مؤمنان نسبت به وعود (۴۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « اگر انسان به بصر حق در الواح منزله نظر نماید و تفکر کند، جمیع امورات وارده از بعد را ادراک نماید.» (آیات الهی ۲، ص ۱۳۹)
- ۲) « اگر در اشارات قلم اعلی تفکر رود، امورات مستوره به عرصه‌ی ظهور آید و مشاهده گردد.» (آثار قلم اعلی ۷، ص ۲۷۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۳) « ای یاران الهی... لوح ملاح القدس را بخوانید تا به حقیقت پی برید و ملاحظه نمایید که جمال مبارک وقایع آتیّه را از پیش بتمامه خبر داده‌اند. ان فی ذلک لعبرة للمتبصرین و موهبة للمخلصین.» (حدیقه‌ی عرفان، ص ۲۰۹) (مضمون عبارت عربی: همان در این امر عبرتی است برای متبصرین و موهبتی است برای مخلصین)
- ۴) « مگذارید افکارتان متمرکز بر زمان حال باشد؛ با چشم ایمان به آینده نظر کنید؛ زیرا روح الهی در میان شما جاری و عامل است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱ دسامبر ۱۹۱۱)
- ۵) « قلوبتان را از زمان حال بگسلید و با عیون ایمان به آینده بنگرید.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۴ نوامبر ۱۹۱۱)

(۶) « خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظلّ کلمه‌ی توحید درآرد. این موهبت وقتی در قطب اکوان جلوه نماید که احبای الهی^{۷۳} به موجب تعلیمات رحمانیه قیام کنند و به نشر رائج‌ه‌ی طیبه‌ی محبت عمومیه پردازند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۰۵)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۷) « با قلبی نباض به یاد آرید تصریحات مستحکم و وعود مشعشع مذکور در الواح طرح ملکوتی حضرت عبدالبهاء را؛ وعودی که علائم و آثار ملکوت جاودانی را جلوه‌گر می‌سازد.» (ترجمه) (تلگرام مورخ ۸ مارس ۱۹۵۲، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه‌ی ۱۹۵۷-۱۹۵۰، انگلیسی، ص ۱۸)

(۸) « چون آن محور مرکزی اهل بهاء (بیت عدل عمومی) در نهایت جلال و اتقان استوار گردد، دوره‌ی جدیدی رخ بگشاید... و وعود کلیه جلوه نماید.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۰۸)

(۹) « وعده‌های صریح (را) که از فم اطهر (حضرت عبدالبهاء) و قلم مبارکش صادر گشته به یاد آوریم.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱)

(۱۰) « چشم انتظار را متوجه به بشارات قلم اعلی فرمایید و دیده‌ی امید را به وعود مشعشع‌ی کتاب اقدس و الواح سائره روشن و منور سازید.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۸)

(۱۱) « (خطاب به بازماندگان شهدای جهرم) صابر باشید و شاکر، و به وعود محتومه‌ی لاریبیه‌ی الهیه مطمئن و ناظر.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۳)

(۱۲) « یاران مظلوم ستم‌دیده‌ی ایران را بشارت و تسلیت و اطمینان دهید و سفارش و تأکید نمایید که جمعاً و منفرداً به تضرع و مناجات مشغول گردند. به شکرانه‌ی نعمای موعوده‌ی الهیه پردازند و تحقق مواعید الهیه را کاملاً و سریعاً مستلّت نمایند؛ زیرا علاماتش باهر و آثار اولیه‌اش ظاهر و لائح گشته (اشاره به اقبال ملکه ماری از رومانی است).» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۹)

(۱۳) « نصّ صریح وعده‌ی الهی را به یاد آرید که می‌فرماید: "و مدتی بر این نهج ایام می‌رود و اذا تمّ المیقات یظهر بغتة ما ترتعد به فرائض العالم؛ اذا ترفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافنان."» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۱) (مضمون بخش عربی: و هنگامی که زمان تعیین شده پایان یافت، ناگهان ظاهر می‌شود آنچه که ارکان عالم را به لرزه در آورد؛ آنگاه علم‌ها افراشته خواهد شد و بلبلان بر شاخساران خواهند خوانند.)

^{۷۳} به مبحث ۷۲ رجوع شود.

۱۴ « دعای این بنده‌ی ناتوان آن است که آن یاران که... چنین نفوس جلیله‌ای از میانشان قیام نموده، تبلیغ امرالله نمودند و به مشهود فدا شتافتند؛ الیوم به همان روح الهی مبعوث شوند و به جان و دل بکوشند تا وعده‌های کامله و بشارات قلم اعلی یک یک تحقق یابد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۴/ نیز مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۳)

۱۵ «ملاحظه نمایند قلم اعلی چه بشارات عظیمه‌ای در الواح داده و چه وعده‌های صریحه‌ای از قلم محتوم اعلایش نازل فرموده (است).» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۴)

۱۶ « باید اولاً به سلوک و افعال و بعد از آن به اقوال و دلائل اثبات نمود که وعود الهیه محتوم است و واقع، و بشارات الهیه ظاهر است و کامل. تا نفوس کامله به میدان نیایند و شاهد هر انجمن نگردند، اثبات این امر به دانایان امم بسیار مشکل.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف الف از باب اول، ص ۶- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۷۰)

۱۷ « یوم یوم احباءالله است که به قوه‌ی بیان و اعلان و اثبات آثار مبارکه اولین انوار شفق صبح صلح عمومی را به دیده‌ی جنگجویان و مایوسان عالم بنمایند و به اظهار و شرح وعده‌های محکمه و بشارات مبارکه، لزومیت تأسیس صلح اعظم را به منکرین و معترضین به دلائلی مقنعه اثبات نمایند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۶- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۱)

۱۸ « باید... مترصد تحقق بشارات الهیه شویم.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۶)

۱۹ « ای برادران و خواهران روحانی، به لوح رییس که از فم مشیت علام الغیوب نازل گشته رجوع نمایید و به شکرانه‌ی مواهب و عطایای حضرت ذوالجلال پردازید و به کمال تذلل و انکسار و تبتل و ابتهاج، به درگاه ملیک مختار تضرع و زاری نمایید که آنچه (از وعود الهی) از قلم اعلی نازل گشته زودتر جلوه‌گر گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۷۴)

۲۰ « نفوسی که برای تمشیت چنین نهضت قویم و تحقق این مقصد فحیم (اجرای نقشه‌ی هفت ساله‌ی احبای آمریکا) قیام نموده‌اند... کُل باید... اندازات و اشارات و بشارات منزله از قلم حضرت بهاءالله را تأمل و تدبّر کنند.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۰۳- پیام آسمانی ۲، ص ۲۷۴)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۱ « در این موقع که اوضاع جهان رو به شدت و وخامت نهاده و منازعات و مناقشات ملل عالم وجود را به آلام و اوجاع شدید مبتلا ساخته و انقراض مشروعات و مؤسّسات قدیمه‌ی سالفه را اعلام می‌نماید، آثار تحقق وعود و اندازات حضرت بهاءالله و تحدیرات شدید و مؤکد حضرت عبدالبهاء و ولیّ

- محبوب امرالله بیش از پیش به خاطر آید و بیانات آن ذوات مقدّسه راجع به مقدّرات غیر قابل اجتناب جامعه‌ی انسانی... در برابر انظار مجسم می‌گردد.» (پیام ۱۶ نوامبر ۱۹۶۹)
- (۲۲) « ای یاران... به وعود مصرّحه در آیات الهیه مطمئن باشید... عنایتش قطره را موج دریا دهد و ذره را اوج ثریا بخشد.» (پیام نوروز ۱۹۷۳ - جزوه‌ی دستخط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۱)
- (۲۳) « (خطاب به ستابندگان اسم اعظم در کشور مقدّس ایران) به وعود مصرّحه در آیات الهیه مطمئن باشید.» (۲۱ مارس ۱۹۷۴ / نوروز ۱۳۱ بدیع)
- (۲۴) « در قبال این ابتلائات هائله و اسقام و آلام وارده در تنگنای این عصر محنت‌زده، مقتضی است که در باره‌ی نبوّاتی که قریب به هشتاد سنه قبل، شارع این آیین نازنین بیان فرموده و همچنین اندازات شدیدی که مبین مصون از خطای آثار مبارکش اعلام نموده بیندیشیم (در متن پیام ۱۴ مورد متسلسل از این نبوّات و اندازات درج شده است).» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)
- (۲۵) « لازم دانستیم... کل (بهایان ایرانی مقیم ممالک و دیار سایره در جمیع اقطار عالم) را به آنچه ضامن رفاه و سعادت و نجات و عزّت جاودانی دانیم، دعوت نماییم تا انشاءالله... دیده‌ی امید به صبح وعده‌های جانپور الهی دوزند و یقین نمایند که از پس این سحاب ظلمانی آفتاب مشیت یزدانی در اوج رفعت و اقتدار قرار دارد و به تابش و نور افشانی پردازد.» (پیام ۹ شهرالعزّه ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۸ / نیز پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰)
- (۲۶) « در این ساعات مولمه مُحزنه که پس از مضمی ایّامی چند به لیلهی شهادت قره‌ی عین انبیاء حضرت نقطه‌ی اولی نزدیک می‌گردیم، از قاطبه جوانان بهایی دعوت می‌نمائیم که با عزمی راسخ و تجرد و تشبّی قاطع به رفع حوائج ضروریه و خدمت امر مالک بریه پردازند و وعود صریحه‌ی حضرت بهاءالله را مد نظر آرند.» (پیام ۲۴ جون ۱۹۸۳)
- (۲۷) « برگزیدگان جمال کبریا (یاران عزیز معهد امرالله در جمیع بلاد عالم) دیده‌ی جهان‌بین دارند و به افق سعادت ابدی ناظرند و طلوع شمس وعده‌های جانپور الهی را منتظر.» (پیام مارس ۱۹۸۶، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۶۵)
- (۲۸) « هرچند این طواف (طواف قریب به سه هزار نفر مؤمنان حول روضه‌ی مبارکه)، واقعه‌ی مُحزنه‌ی صعود جمال قدم... را به خاطر می‌آورد... اما یاران (در اثنای این طواف) به بشارات جان‌فزایش... و به وعده‌های محکمه‌اش توجّه داشتند.» (پیام آگوست ۱۹۹۳، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۶۵)

- ۲۹ « افرادی از اهل بهاء که آینده را چنان که امر بهایی مجسم می‌کند درک می‌نمایند، این برتری را خواهند داشت که آگاهانه در کوشش‌هایی که هدفش به حرکت آوردن و پیش‌بردن جریانات مزبور (اهداف عمده‌ی نقشه‌ی چهار ساله) است، شرکت نمایند.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)
- ۳۰ « مسئولیت‌های فوری و اجتناب‌ناپذیر، هر مؤسسه امری و هر عضو جامعه‌ی بهایی را بر آن می‌دارد که برای حصول سرنوشتی که حق وعده فرموده سعی بلیغ مبذول دارد.» (پیام رضوان ۱۹۹۷- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه‌ی جلد سوم، ص ۲۸)
- ۳۱ « یاران و دلدادگان جمال اقدس ابهی در سرزمین مقدّس ایران باید اطمینان داشته باشند که آن چه در مسیر تحقّق و عود حتمیه‌ی الهیه واقع گردد، در میقات معین، اثمار باقیه نورانیه به بار آورد.» (پیام ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵)
- ۳۲ « با مطالعه‌ی مستمرّ آیات و الواح باید... وعود الهیه در باره‌ی نتایج و اثرات تحمّل بلایا و اهراق دماء مطهره‌ی شهدا در پیشرفت امر مبارک در آن سرزمین (ایران) و دیگر نقاط عالم را به خاطر داشت و نگذاشت که خدای نکرده تسلط ظاهری و زودگذر دشمنان امرالله و یا آنچه به زعم بشری تأخیر و کندی در گشایش ابواب رخا بر روی احبّا دیده می‌شود، موجب آزرده‌گی خاطر و یا خدای نکرده ناامیدی شود.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)
- ۳۳ « پس با تمام قوا و با اطمینان کامل به تحقّق و عود شکوهمند الهی قیام نمایید و اجاز ندهید که هیچ مشکلی شما را از خدمت باز دارد.» (پیام ۱۷ آگوست ۲۰۰۶)
- ۳۴ « در این ایام آنچه بیش از هر وقت دیگر از اهمّ امور محسوب می‌شود آن است که جوانان عزیز (در مدینه‌ی شیراز) از طریق مطالعه‌ی آیات و الواح مبارکه با وعده‌های صریحه‌ی الهیه آشنا شوند و به تحقّق آن مواعید در میقات معین ایمان و ایقان داشته باشند و بر نقش خود در این مسیر که جمال اقدس ابهی به آنان عطا فرموده، بیش از پیش آگاه گردند.» (پیام ۵ نوامبر ۲۰۰۶)
- ۳۵ « مطالعه‌ی این توابع (قد ظهر یوم المیعاد و ظهور عدل الهی) و نیز تمعّن در پیام‌های رضوان معهد اعلی در سنین اخیر و نیز تعمق و تأمل در مندرجات رساله‌ی قرن انوار در درک مقدرات الهی و کیفیت تحقّق و عود الهیه بسیار مفید و روشنی بخش اذهان و افکار یاران الهی خواهد بود.» (پیام ۱ می ۲۰۰۷)
- ۳۶ « اهمّیت این ایام بحرانی و پرآلام و نتایج عظیمه‌ی فداکاری‌های دل‌دادگان روی جانان در سرزمین مقدّس ایران با گذشت زمان روشن‌تر خواهد شد و احبّای عزیز باید به تأییدات ملکوتی و تحقّق نهایی و عود الهی اطمینان کامل داشته باشند.» (پیام ۴ سپتامبر ۲۰۰۸)

۳۷) « احبّای عزیز باید به... تحقّق وعود الهیّه اطمینان کامل داشته باشند.» (پیام ۴ دسامبر ۲۰۰۸ خطاب به یکی از احبّا)

۳۸) « دوستان عزیز و محبوب (پیروان جانفشان جمال قدم در کشور مقدّس ایران)... کما کان به به حکمت‌های بالغه و وعود حتمیّه الهیّه ناظر باشید (و) با اطمینان کامل به آینده بنگرید و هم‌چون گذشته، زندگی خود را وقف خدمت به نوع انسان نمایید.» (پیام ۱۴ می ۲۰۱۱ = ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰)

۳۹) « با وجود این شرایط نابسامان، شما طالبان ملکوت (پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدّس ایران) از مصائب شدیده‌ی این جهان نومید نشده، به مدد اسم اعظم بر عهد و میثاق الهی استوار و در آرمان‌های شکوهمند و انسان دوستانه‌ی خود پایدار و به تحقّق آن اطمینانی واثق دارید.» (پیام ۱۱ می ۲۰۱۲ = ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۱)

۴۰) « (خطاب به احبّای خطّه‌ی گلستان) الحمدلله که... به استقامت سازنده قائمید... و به وعده‌های حتمیّه‌اش مطمئن.» (پیام ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲)

۴۱) « خطاب به بیست نفر محکومین شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب شهرستان یزد، مورّخ ۱۳۹۲/۶/۲) با صبر و سکون در جهت پیشبرد مصالح امری به راه خود ادامه دهید و به گشایش امور و تحقّق وعود الهی در میقات معین مطمئن باشید.» (نیمه‌ی اول آذرماه ۱۳۹۳ = اواخر نوامبر یا اوایل دسامبر ۲۰۱۴)

بخش دوم- وعود در بستر زمان (۸۲)

۲. نمونه‌هایی از وعود تحقّق یافته (۸۲)

یادآوری: در این مبحث، تعداد قابل توجهی از وعودی که به تصریح نفس هیاکل قدسی تحقّق یافته، ارائه شده است. در ذیل بعضی از این وعود، طیّ فقط یک جمله‌ی کوتاه، تحقّق وعده‌ی مبارکه گوشزد شده است. بدیهی است از آنجا که وقوع این پیشگویی‌ها امری عینی و تاریخی است، لازم است اطلاعات بیشتری راجع به شرایط زمانی و مکانی تحقّق آن‌ها عرضه گردد؛ کاری که از مقصد و حوصله‌ی این مجموعه خارج است. امید است بعضی از محققان و جوانان عزیز، این اقدام را وجهی همت خود قرار دهند و بدین ترتیب، مقوله‌ی مبارکه‌ی وعود الهی را غنی‌تر و مؤثرتر سازند.

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « سَوْفَ نَأْخُذُ الَّذِينَ ظَلَمُوا كَمَا أَخَذْنَا الْمُعْتَدِينَ فِي تِلْكَ الْجِهَاتِ الَّذِينَ أَخْرَجْنَا مِنْ أَرْضِ السَّرِّ إِذْ اعْتَرَضُوا عَلَى اللَّهِ مَالِكِ الرَّقَابِ، قَدْ أَخَذْنَا كُلَّهُمْ بَسْطَانٍ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نُزِّلَ فِي لَوْحِ الْفُؤَادِ طُوبَى لِأَوْلَى الْأَبْصَارِ، قَدْ أَخَذْنَا الْأَوَّلَ كَمَا وَاَعَدْنَاهُ فِي الْكِتَابِ وَأَخَذْنَا الثَّانِي وَمَنْ مَعَهُ بِقَهْرٍ اضْطَرَبَتْ عَنْهُ أَفْئِدَةٌ الْفُجَّارِ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره ۵۰) [مضمون: به زودی کسانی را که ظلم کردند اخذ خواهیم کرد؛ همان‌گونه که ستمگران را در این صفحات اخذ کردیم؛ همان کسان که ما را از ارض سیر (ادرنه) اخراج کردند؛ هنگامی که به خداوند، مالک گردن‌ها اعتراض نمودند. ما همه‌ی آنان را به قدرتی از نزد خود اخذ کردیم؛ چنین نازل شد در لوح فؤاد، خوشا به حال صاحبان بصیرت. ما همان‌گونه که در کتاب به او وعده داده بودیم، نفر اول را اخذ کردیم، نیر نفر دوم و کسانی را که با او بودند به قهر و غلبه‌ای به فنا کردیم که قلوب ستمگران و بدکاران از آن به وحشت افتاد.]

۲) « در اکثری از الواح ذکر نعیناقین از قلم اعلی جاری و مسطور، بعضی متحیر که مقصود چه و برخی منتظر آیا چه ظاهر شود، صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، ظاهر شد آنچه که در الواح کل را به آن اخبار فرموده. » (ثالثی الحکمة ۱، فقره ۸۳)

۳) « قُلْ قَدْ أَنْتَهَى سَفَرُ التُّرَابِ إِلَى سَاحِلِ بَحْرِ عَظِيمٍ، إِذَا يَبْكِي هُودَجُ الْخُلْدِ وَيَسْتَبْشِرُ سَفِينَةُ قُدْسٍ مُنِيرٍ، أَنْ يَأْتِيَ مَلَأَحَ الْقُدْسِ قَدْ جَاءَ الْوَعْدُ فِيمَا وَعَدْنَاكَ بِلِسَانِ صِدْقِ عَلِيمٍ، فَاسْتَعَدَّ فِي نَفْسِكَ لِتَحْوَلِ نَفْسِ اللَّهِ عَلَى قُلُوبِكَ مَا سِوَاهُ بِهَذَا الْأَمْرِ الْمُحَدَّثِ الْقَدِيمِ، سَيُظْهِرُ عَلَيْكَ كُلُّ مَا وَعَدْنَاكَ بِالْحَقِّ إِنْ أَنْتَ مِنَ الصَّابِرِينَ، وَأَخْبَرْنَاكَ مِنْ قَبْلُ كُلِّ مَا يُقْضَى وَمَا الْتَفَتَ بِهِ أَحَدٌ مِنَ الْعَالَمِينَ. » (لوح هودج، ثالثی الحکمة ۱، فقره ۴) [مضمون: بگو سفر خاکی با رسیدن به ساحل دریای عظیم (دریای سیاه) پایان یافت؛ در این هنگام هودج جاودانه (از فراق قریب) می‌گیرد و کشتی قدس نورانی شادمان است. ای ملاح‌القدس، وعده‌ای که به لسان صدق علیم به تو داده بودیم فرارسید؛ پس آماده باش تا نفس خداوند را در فلکی که با این فرمان واقع قدیم ایجاد نموده، تحویل بگیری. اگر شکیبی باشی، به زودی همه‌ی آنچه که (در همان لوح مبارک) به راستی به تو وعده دادیم ظاهر خواهد شد. از پیش به تو همه‌ی چیزهایی را که واقع خواهند شد، خبر دادیم و هیچ یک از عالمیان به آن توجهی نکرد.] (جمال قدم بنفسه الاعظم به تحقیق بعضی از وعودی که قبلا در لوح ملاح‌القدس داده بودند، اشاره می‌فرمایند و تصریح می‌کنند که مابقی آن‌ها نیز به زودی محقق خواهد شد.)

۴) « تعالی تعالی رَبُّنَا فَاطِرُ السَّمَاءِ وَ خَالِقُ الْأَشْيَاءِ الَّذِي بِسُلْطَانِهِ فَتَحَ بَابَ السَّجْنِ لِيُظْهِرَ مَا أَنْزَلَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ قَبْلِ، انه لهو المقتدر على ما يشاء و في قبضته ملكوت الانشاء و هو المقتدر العليم الحكيم. » (ادعیه‌ی حضرت محبوب، ص ۱۰۲) (مضمون آیات مبارکه: والامقام است، والامقام، پروردگار ما، که

گشاینده‌ی آسمان و آفریننده‌ی اشیاء است؛ کسی که به قدرت خود دروازه‌ی زندان را گشود تا آنچه که از قبل در الواح نازل گشته بود، آشکارا آید. (اشاره به وعده‌ی فتح باب سجن اعظم و خروج جمالقدم از آن است که محقق گشت.)

(۵) «یا شواطی نهر الرین، قد رأیناک مُغَطَّاط بالدماء بما سُئِلَ علیک سیوفُ الجزاء؛ و لک مرّةً اخری؛ و نسمع حنین البرلین ولو انها الیوم علی عزّ مبین.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۰) [مضمون: ای سواحل روخانه‌ی راین، ترا آغشته به خون‌ها دیدیم؛ زیرا شمشیرهای تنبیه بر تو کشیده شده است؛ و برای تو یک بار دیگر هم هست؛ و ناله‌های برلن را می‌شنویم؛ گرچه امروز (زمان نزول کتاب اقدس، سال ۱۸۷۳ میلادی) عزّت و جلال آشکار دارد.] [بخش اوّل آیه‌ی مبارکه اشاره به شکست ناپلئون سوم است که در سال ۱۸۷۰ در جنگ سدان رخ داد و بخش دوم آن، وعده‌ی دیگری است برای شهر برلین که در جنگ جهانی اوّل (۱۹۱۸-۱۹۱۴) تحقّق یافت.]^{۷۴}

(۶) «این که از تنگی و قحطی ایران مرقوم فرموده بودید، این از وعد الهی بوده در الواح، چنانچه در همان سنه که لوح منیع به ید بدیع ارسال شد، در الواح ذکر شداید و بلایا و قحط آن دیار تصریحاً نازل شده و وعید الهی کل را احاطه نموده.» (جمال ابهی، مائده‌ی ۴، ردیف الف، باب شانزدهم، ص ۳۷)

(۷) «یا رئیس (عالی پاشا صدر اعظم دولت عثمانی) قد ارتکبت ما ینوح به محمّد رسول الله فی الجنة العیا... سوف تجد نفسک فی خسران مبین... سوف تبدّل الاض السّرّ (ادرنه) و مادونها و تخرج من ید الملک (سلطان عبدالعزیز) و یتّبع العویل و یتّبع الفساد فی الاقطار و تختلف الامور بما ورد علی هولاء الاسراء من جنود الظالمین^{۷۵}؛ و یتغیّر الحکم و یشتد الامر علی شان ینوح الکثیر فی الهضاب و تبکی الاشجار فی الجبال و یجری الدم من کل الاشیاء و تری الناس فی اضطراب عظیم.» (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح اوّل رئیس، ص ۲۰۷-۲۰۶- نداء ربّ الجنود، لوح رئیس عربی، بند ۵- آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره‌ی ۳، ص ۴۴- مائده‌ی آسمانی ۷، باب ششم، ص ۱۹۴) [مضمون: ای رئیس، مرتکب شدی آنچه را که محمّد رسول الله در بهشت برین گریست... به زودی به سبب آنچه که دست ستمگران بر این اسیران وارد کرد، ارض سرّ (ادرنه) و غیر آن دگرگون خواهد شد و از دست سلطان خارج خواهد گشت و زلزله (بر ارکان مملکت) خواهد افتاد و گریه و ناله بلند خواهد شد و در اطراف فساد به پا خواهد گشت و امور مختلف خواهد شد و حکم تغییر خواهد کرد و کار سخت خواهد شد، آنچنان که تپه‌ها در دامنه‌های کوهساران ناله کنند و درختان در کوهستان‌ها بگریند و از اشیاء خون

^{۷۴} به بخش یادداشت‌های کتاب مستطاب اقدس، شماره‌های ۱۱۶ و ۱۱۹ رجوع شود.

^{۷۵} به مبحث ۲۲ رجوع شود.

جاری شود و مردمان را در وحشت عظیم ببینی] (اشارات راجع به تلاشی و تجزیه‌ی امپراطوری عثمانی و ذلت و نکبت عارض بر خاندان خلفای آن است که واقع شد).

(۸) « (خطاب به عالی پاشا صدر اعظم دولت عثمانی) کفّی از طین عندالله اعظم است از مملکت و سلطنت و عزّت و دولت شما (سلطان عثمانی و مقامات دربارش)؛ سوف... یظهر الفساد بینکم و یختلف ممالککم، اذا تنوحون و تتضرعون و لن تجدوا لانفسکم من مُعین و لا نصیر.» (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح دوم رئیس، ص ۲۳۳- نداء ربّ الجنود، لوح رئیس فارسی، بند ۷- اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۳۰۶) (مضمون: به زودی خداوند به قهرش اخذتان خواهد کرد و میانتان فساد به پا خواهد گشت و سرزمین‌هایتان دچار اختلاف خواهد شد؛ آنگاه ناله و زاری خواهید نمود؛ اما هرگز یار و یآوری برای خود نخواهید یافت.) (وعده‌ی حدوث انقلاب و اضطراب در امپراطوری عثمانیان که محقق گشت).

(۹) « (خطاب به عالی پاشا صدر اعظم دولت عثمانی) چند مرتبه بلا بر شما نازل و ابدأ التفات ننمودید؛ یکی احتراق... و همچنین وبا... و متبّنه نشدید، ولكن منتظر باشید که غضب الهی آماده شده، زود است که آنچه از قلم امر نازل شده، مشاهده نمایید.» (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح دوم رئیس، ص ۲۳۴-۲۳۳- نداء ربّ الجنود، لوح رئیس فارسی، بند ۹) (وعده‌ی انقراض امپراطوری عثمانیان که واقع شد).

(۱۰) « اگر نفسی در لوح فؤاد و رئیس و لوح پاریس و سایر الواح که در شداید سجن و فتح باب آن نازل شده، ملاحظه نماید، متحیر و مبهوت می‌شود. حرف به حرف ظاهر شده. بعد از تنزیل هر یک از الواح، بعضی از قلوب مطمئنّه تعجب می‌نمودند که این فقرات چگونه ظاهر خواهد شد، این عبد معروض می‌داشت سوف یرون.» (حضرت بهاءالله، مائده‌ی ۸، مطلب دویست و نهم، ص ۱۸۱) (تصریح مظهرالهی به تحقق وعده‌های از پیش داده شده).

(۱۱) « اگر از احوال این ارض (ادرنه) بخواهید... آنچه در الواح قبل اخبار آن نازل، حال ظاهر.» (قلم اعلیٰ ۶، ص ۱۰) (تصریح نفس مظهرالهی به تحقق وعده‌ی از قبل داده شده).

(۱۲) « سوف یفتح باب السّجن ایدی من اراد. عند ربّک حکم کل شیئی فی لوح حفیظ.» (قلم اعلیٰ ۶، ص ۴۲) (مضمون: به زودی دست کسی که خدا اراده کرده، درب زندان را خواهد گشود. حکم هر چیزی در لوح محفوظ نزد پروردگارت است.) (وعده‌ی بازشدن دروازه‌ی سجن اعظم و خروج جمال قدم از آن، که تحقق یافت).

۱۳ « یا اهل ملاء الاعلی،... ارادوا لیوسف البقاء بئرا أخرى فی حصن العکا. فسوف یخروجوننا من هذه الارض (ادرنه) و یحبسوننا فیها و انها مدینة خربة غیر منزّهة... فسوف تنظرون و تسمعون ما اخبرناکم به فی هذا اللوح الذی یتذرف اعین المقربین بما رقم فیہ اسرار القضاء.» (قلم اعلی ۶، ص ۴۸) (مضمون: ای اهل ملاء اعلی،... می‌خواهند یوسف بقاء (جمال ابهی) را در چاهی دیگر در قلعه‌ی عکا اندازند. به زودی از این سرزمین (ادرنه) بیرونمان خواهند کرد و در آن مکان محبوسمان خواهند نمود؛ جایی که شهری خراب و آلوده است... به زودی می‌بینید و می‌شنوید آنچه را در این لوح به شما خبر دادیم؛ لوحی که به سبب آنچه از اسرار قضاء که در آن رقم خورده، چشمان مقربان گریان است.)

۱۴ « فرقه‌ی طاغیّه‌ی باغیّه که خود را فرقه‌ی ناجیه و امت مرحومه (منظور حزب شیعه است) می‌شمردند مشاهده نمودی، ان اصبر لتری الاخری (منظور تابعان یحیی ازل است) اَطغی و اَشقی من ملل الارض کلها. کذلک یخبرک الخبیر.» (قلم اعلی ۷، ص ۷۹) (مضمون بخش عربی: درنگ کن تا ببینی دیگری را گردنکش تر و ستمکارتر از تمام ملل عالم. این گونه خبر می‌دهد به تو کسی که آگاه است.)

۱۵ « ان یا علی قد ظهر ما اخبرناکم به من قبل؛ عند ربک علم کلّ شیء فی لوح حفیظ.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱۱۶، ص ۱۷۶) (مضمون: ای علی، آنچه از قبل به شما خبر دادیم ظاهر شد؛ علم همه چیز، در لوح محفوظ، نزد پروردگارت است.)

۱۶ « ان یا میم اسمع نداء ربک الرحمن عن شطر اسمه العلیّ العظیم. انه ینادیک فی السّجن حین الذی منحضرت عبدالبهان الدّخول و الخروج بما اکتسبت ایدی الفاجرین. فسوف یفتح باب السّجن کذلک یخبرک ربک العالم الخبیر. انه یحبّ البلاء فی سبیل ربّه كما یحبّ المخلصون وجه ربّه المشرق المنیر.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۳۰، ص ۹۰- آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱۵۲، ص ۲۱۲) [مضمون: ای میم (نام مستعار یکی از احباب) ندای پروردگار بخشاینده‌ات را که از جهت اسم علیّ عظیمش بلند است بشنو. او ترا در زندان ندا می‌نماید؛ هنگامی که به سبب آنچه دست‌های گناهکاران مرتکب شد از دخول و خروج ممنوع است. اما به زودی درب زندان باز خواهد شد؛ اینچنین پروردگار دانای آگاهت ترا خبر می‌نماید. او بلا در راه پروردگارش را دوست می‌دارد، همان‌گونه که خالصان سیمای نورین و درخشان پروردگارش را دوست می‌دارند.) (وعده‌ی خروج حضرت بهاءالله از سجن اعظم و ورود حضرتش به قصر بهجی که تحقق یافت.)

۱۷ « این لوح (لوح فؤاد) در وقتی نازل شد که (همین) پاشا که وزیر خارجه‌ی روم^{۷۶} بود به مقرّ خود راجع شده بود (یعنی وفات نموده بود) و سبب فتنه‌ی اخیره و مهاجرت از ارض سرّ به عکا او شده بود. دو

^{۷۶} منظور، ترکیه‌ی دوران عثمانیان است که در قرون گذشته جزء امپراطوری روم یا رم شرقی بوده است.

نفر بودند که بعد از سلطان، رییس کل بودند یکی فؤاد پاشا و یکی عالی پاشا؛ گاهی این صدر اعظم بود و آن وزیر اول خارجه و گاهی بالعکس. در آن لوح می‌فرمایند قوله عز کبریائه: "سوف نعلز الّذی کان مثله و نأخذ امیرهم الّذی یحکم علی البلاد و انا العزیز الجبار." (جمال ابهی، مائده‌ی آسمانی ۷، باب ششم، ص ۲۵۵) [مضمون بخش عربی: به زودی کسی (عالی پاشا) را که همانند او (فؤاد پاشا) است، عزل خواهیم کرد و امیرشان را که بر سرزمین‌ها حکم می‌راند، اخذ خواهیم نمود و همانا من توانا و جبار هستم.] (وعده‌ی سرنگونی سلطان عبدالمجید، امپراطور ممالک عثمانی که تحقق یافت.)

۱۸) « آنچه از قلم اعلی جاری، کل ظاهر شده.» (جمال ابهی، مائده‌ی آسمانی ۴، ص ۲۵۵) (تصریح مظهر الهی به تحقق بعضی وعود قبلی)

۱۹) « آنچه از قلم اعلی در زبر و الواح نازل، اکثری ظاهر، چنانچه مشاهده شده.» (آثار قلم اعلی جلد ۷، ص ۷۸) (تصریح جمال ابهی به تحقق بسیاری از وعود پیشین.)

۲۰) « سینظر الموحّدون فی قیامة الأخری بان من ینظره الله مع هذه المدينة (المدينة البقاء) ینزل من سماء الغیب مع ملائكة المقربین العالین؛ فطوبی لمن یحضر بین یدیه و یفوز بقاءه و انا کل بلقاءه مشتاقون و انا کل بذلک آملون و نقول الحمد لله اذ هو الحق و انا کل الیه منقلبون.» (جوهر الاسرار، فقره‌ی ۱۰۸) [مضمون: به زودی در رستاخیز دیگر، موحّدین خواهند دید که من ینظره الله با این مدینه (مدینه‌ی جاودانگی) از آسمان پنهان همراه با فرشتگان عالین فرود می‌آید؛ خوشا به حال کسی که به حضورش مشرف شود و به لقایش فایز گردد؛ و همانا ما همه مشتاق دیدار او هستیم و آرزومند آیم و می‌گوییم ستایش برای او است که حق است و ما همه به سویس روی‌گردانیم.] (وعده‌ی اظهار امر قریب الوقوع مبارک که واقع شد.)

۲۱) « یا ارض الطّاء... سوف تنقلب فیک الامور و یحکم علیک جمهور النّاس ان ربک لهو العلیم المحیط.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۵۶) [مضمون: ای سرزمین طهران... به زودی امور در تو منقلب خواهد شد و جمهور مردم بر تو حکومت خواهند کرد؛ همانا پروردگارت علیم و محیط است.] [وعده‌ی انقلاب مشروطیت (دخالت مردم در امر حکومت) که محقق شد.]

۲۲) « فسوف یرفع ضجیح السّامری ثم صریخ العجل بین العالمین. کذلک نخبرکم بالحق لتطلّعوا بما یظهر فی الخلق و لا یحجبکم نفحات المشرکین.» (آثار قلم اعلی ۴، ص ۶۰- سورة السلطان) [مضمون: به زودی فریاد سامری^{۷۷}، سپس صدای گوساله میان عالمیان بلند خواهد شد. اینچنین شما را به راستی

^{۷۷} سامری، ساحری بود که در زمان حضرت موسی گوساله‌ای طلایی ساخت و مردم را به گوساله‌پرستی خواند. این کلمه مجازاً به معنای فریبنده و گمراه کننده مصطلح گردیده است. (نوزده هزار لغت)

آگاه می‌کنیم تا از آنچه بین مردم ظاهر خواهد شد، مطلع شوید و روایح مشرکان گمراهان نکنند.] (با کنایه به سامری، ناقض میثاق حضرت موسی، وعده‌ی قیام یحیی ازل و تابعانش به مخالفت با جمال مبارک که رخ داد).

(۲۳) « هذا يومٌ فيه بُشِّرَ البحرَ وَ البرَّ وَ أُخْبِرَ بما يظهر من بعد من عنایات الله المكنونة المستورة عن العقول و الأبصار. سوف تجرى سفينة الله عليك و يظهر أهل البهاء الذين ذكروهم في كتاب الأسماء.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۱۱- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۲- لوح کرمل) [مضمون: این روزی است که در آن، دریا و خشکی بشارت یافتند و از عنایات خداوند که از عقول و ابصار پوشیده و مستور است و من بعد ظاهر خواهد شد، آگاه گشتند. (ای کرمل) به زودی کشتی خداوند بر تو جاری خواهد شد و اهل بهاء، کسانی که در کتاب (قیوم) الاسماء از آنان یاد شده است، ظاهر خواهند گشت.] (وعده‌ی استقرار بیت العدل اعظم و نیز مؤسسات مرکز جهانی بهایی بردامنه‌ی جبل کرمل که بخشی از آن تحقق یافته است).

(۲۴) « امثال تو (عالی پاشا، صدر اعظم عثمانی) آن نفوس مقدسه (اشاره به خود هیکل مبارک است) را که اصلاح اهل عالم منوط و مربوط به آن هیاکل احدیه بوده، از اهل فساد دانسته‌اند و مقصّر شمرده‌اند، قد قضی نجبهم و سوف یقضی نجبك و تجد نفسك فی خسران عظیم.» [نداء رب الجنود، لوح رییس فارسی، بند ۱) (مضمون بخش عربی: زمان (مشقت‌های) آنان گذشت و به زودی اجل تو هم فراخواهد رسید و خود را در زیان بزرگ خواهی یافت.] (وعده‌ی مرگ زود هنگام عالی پاشا وزیر اعظم عثمانی که محقق شد).

(۲۵) « فسوف ینصر الله عباده بالحق و انه موفّی وعده و انه بكل شیء علیم؛ چنانچه هر چه در الواح قبل در تفصیل انقلاب ارض سرّ (ادرنه) مرقوم، کل ظاهر شد. آنچه هم از نصرت (نصرت تبعیدیان در سربازخانه‌ی عکا) که مرقوم شده، البته ظاهر خواهد شد.» (مائده‌ی آسمانی، جلد هشتم، مطلب چهارم، ص ۶) (مضمون بخش عربی: به زودی خداوند بندگانیش را به حق یاری خواهد کرد و همانا او وفاکننده به وعده‌اش است و او بر هر چیزی آگاه است.) (تصریح نفس جمال قدم به تحقق بعضی از وعود پیشین.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲۶) « از انتشار اجنحه‌ی طیور لیل (فعالیت‌های ناقصین میثاق) مرقوم نموده بودید. هذا ما اخبر به القلم الاعلی فی جمیع الزبر و الالواح. فعلیک بتلاوتها و امعان النظر فیها حتی ینظر البرهان الاعظم بان ربک احاط بكل شیء علما.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۴۳۰) (مضمون بخش عربی: بر شما است که تلاوت آن‌ها و امعان نظر در آن‌ها تا این برهان اعظم که علم پروردگارت بر همه چیز

احاطه دارد، آشکار گردد) (هیكل مبارک تحقق وعده‌ای را که جمال مبارک از پیش بیان داشته بودند، برهان اعظم و نشانه‌ی احاطه‌ی علم آن حضرت تلقی می‌فرمایند).

(۲۷) « حال (۲۶ سپتامبر ۱۹۱۴) به وقتی نزدیک شده‌ایم (که) جنگ عظمی و الطامة الکبری که در باب شانزدهم رؤیای یوحنا اشاره شده، واقع شود. دو سال دیگر مانده که به یک شراره تمام اروپا را ملتهب سازد... عنقریب (جنگ) تمام اقلیم اروپا را شعله‌ور کند.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۱) (پیش‌بینی جنگ جهانی اول که در سال ۱۹۱۴ شروع و تا سال ۱۹۱۸ ادامه داشت).

(۲۸) « امروز (سال ۱۹۱۲) جمیع ملل عالم جنگ‌جو هستند و جمیع دول عالم در تهیه و تدارک آلات و مهمات جهنمی، علی‌الخصوص قطعه‌ی اروپا که مخزن موادّ التهابی شده است، موقوف به یک شراره است که آن جهنم شعله به آفاق زند.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۴، ص ۵۳) (پیش‌بینی جنگ جهانی اول که در سال ۱۹۱۴ واقع شد).

(۲۹) « در آیامی که در امریک بودم (سال ۱۹۱۲) در جمیع مجامع فریاد زدم و ناس را به ترویج صلح عمومی دعوت کردم؛ به تصریح گفتم که قطعه‌ی اروپا مانند جبهه‌ی خانه شده و موقوف به یک شراره است و این عنقریب در سنین آینده، دو سال بعد، آنچه در کتاب مکاشفات یوحنا و کتاب دانیال ذکر شده، تحقق خواهد یافت و چنین شد و این قضیه در جریده‌ی سانفرانسیسکو بولیتن مورّخه ۱۲ اکتوبر سنه‌ی ۱۹۱۲ مندرج گردیده، مراجعت کنید تا حقیقت حال ظاهر و آشکار گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۱۲) (تصریح مرکز میثاق الهی به تحقق وعده‌ای که از پیش داده بودند. نکته مهم در اینجا، اشاره به زمان دقیق وقوع وعده است).

(۳۰) « من در جمیع مجامع (مغرب زمین) فریاد زدم که ای عقلای عالم و ای فلاسفه‌ی غرب و ای دانایان روی زمین، ابر تاریکی در پی که افق انسانی را احاطه نماید و طوفان شدیدی در عقب که کشتی‌های حیات بشر را درهم شکند و سیل شدیدی عنقریب مدن و دیار اروپا را احاطه کند.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۲۰۷) (هیكل مبارک به پیش‌بینی خود راجع به وقوع جنگ آینده اشاره می‌فرمایند، جنگی که در ۱۹۱۴ رخ داد و به جنگ جهانی اول معروف است).

(۳۱) « الحمد لله که حضرت حیّ توانا اعدا را به جزای خویش رسانید و ظالمان را مقهور و معدوم فرمود. اسد رویاه شد، سالار فرار کرد و سایرین را نیز به جزای خویش گرفتار فرمود و مصداق ما صدر من قلم المیثاق ظاهر و عیان شد که مرقوم شد لا تبتس بما فعل کلّ عتّلّ زنیم ستستقرّ الامور و النصر لکلّ عبد غیور واضح و پدیدار شد و انّ جندنا لهم الغالبون محقق گشت.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۹، مطلب هفتم، ص ۷۷) (مضمون بخش‌های عربی: مایوس مشو از آنچه هر درشتگوی گناه آلوده‌ای انجام

- داد؛ به زودی امور استقرار خواهد یافت و پیروزی برای هر بنده‌ی باغیریت است... همانا سپاه ما قطعاً غالب است.) (تصریح مرکز میثاق الهی به تحقق وعده‌ای که از قبل داده بودند.)
- ۳۲ « جمیع وقایع این سنین انقلاب (منظور انقلاب مشروطیت است)، بتمامها در پنجاه سال پیش از قلم اعلی صادر و جمیع فرداً فرداً تحقّق یافته (است).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۴، فقره‌ی ۱۸۴) (تصریح حضرت عبدالبهاء به تحقّق وعده‌های از قبل داده شده.)
- ۳۳ « در خصوص نهر رین (واقع در کشور آلمان) هر چند آن واقعه‌ای بود که در ایّام ناپلیون ثالث واقع شد و خون‌های زیاد در شاطی آن جوی ریخته گشت، ولی باز باقی دارد^{۷۸} و اما مسئله‌ی نقطه‌ی واقعه بین البحرین^{۷۹} آنست که واقع شد، سریر ظلم در هم شکست؛ ولی استقرار نیافته است، دعا کنید که انتظام و استقرار یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مانده‌ی آسمانی، ۹، مطلب چهل و نهم، ص ۳۶) (وعده ای که در جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ تحقّق یافت.)
- ۳۴ « باری آنچه که در الواح ملوک مرقوم، جمیع به وقوع پیوست. باید از تاریخ سبعین مسیحی گرفت تطبیق به وقوعات کرد، جمیع ظاهر شده است و قلیلی مانده که من بعد باید ظاهر شود.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۲۶) (تصریح حضرت عبدالبهاء به وقوع بسیاری از وعود موجود در الواح ملوک.)
- ۳۵ « به حسب ظاهر نیز اسرائیل در ارض مقدّس جمع خواهند گشت و ذلک وعد غیر مکذوب.» (حضرت عبدالبهاء، مانده‌ی آسمانی، ۲، باب هجدهم، ص ۹) (وعده‌ی تجمع بنی اسرائیل در اراضی مقدّسه که محقّق شد.)
- ۳۶ « نامه‌ی شما رسید و به ملکوت ابهی تضرّع و ابتهاج گردید که آن جمعیت مبارکه در آلمان روزبه‌روز ترقّی و توسّع یابد و سبب شوید که آلمان زنده شود و فیض از عالم ملکوت بیابد، تا در استقبال سبب راحت و آسایش عموم جرمانیا گردد؛ زیرا حوادث مستقبله‌ی اروپا قدری شدید است، بلکه یاران سبب شوند تخفیف یابد و روح و ریحان حاصل گردد.» (وعده‌ی جنگ‌های جهانی اول و دوم که محقّق شد. دولت آلمان در هردو جنگ، نقش عمده به عهده داشته است.) (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۴۴۲) (۲۱ فوریه ۱۹۱۲)
- ۳۷ « در مستقبل حربی شدیدتر (از جنگ جهانی اول) یقیناً واقع گردد؛ قطعاً، در این شبهه‌ای نیست.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۴۴۷) (۱۴ جون ۱۹۲۰) (وعده‌ی بروز جنگ جهانی دوم که محقّق شد.)

^{۷۸} اشاره به شکست نهایی آلمان‌ها در جنگ اول جهانی است که طی آن سواحل رود راین، برای دومین بار خونین شد. به فقره‌ی ۳ از همین مبحث مراجعه شود.

^{۷۹} اشاره به شهر استانبول است که بین دو دریای سیاه و مدیترانه واقع است و مقرّ خلافت و حکومت سلاطین عثمانی بوده است.

۳۸) « بعد از صعود (جمال مبارک)، در بدایت بحبوحه‌ی نقض و طغیان، خبر داده شد که فسوف تری الناقضین^{۸۰} فی خسران مبین. حال ملاحظه می‌نمایید که به مطابق خبر تحقق یافت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۸) (مضمون بخش عربی: به زودی ناقضین را در زیان آشکار خواهی دید.)

۳۹) « در بدایت انقلاب ایران و مغلوبیت حکمران و غلبه مشروطیت خواهان، صراحة مرقوم شد که این جمع (مشروطه خواهان) پریشان گردند و مقاومت نتوانند؛ ارباب عمام، ذلیل و پیشوایان، حقیر و مریدان، اسیر گردند و کسی را گمان این مطلب ابداً نبود. صریحاً مرقوم شد که هذا وعد غیر مکذوب و لیس من عندی بل من لدن عزیز علیم. مدتی نگذشت که این وعده مانند آفتاب واضح و آشکار گشت.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب هشتاد و چهار، ص ۹۲) (مضمون بخش عربی: این وعده‌ای راستین است و از نزد خود من نیست، بلکه از نزد خداوند عزیز علیم است.) (وعده‌ی غلبه‌ی مجدد سلطنت طلبان بر مشروطه خواهان و به توپ بستن مجلس، که محقق شد.)

۴۰) « از انقلاب ارض طا (منظور انقلاب مشروطیت است) مرقوم نموده بودید؛ این انقلاب در الواح مستطاب (کتاب اقدس) مصرّح و بی‌حجاب^{۸۱}.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب اول، ص ۱) (به فقره‌ی ۱۹ از همین مبحث مراجعه شود.)

۴۱) « ای ثابت بر پیمان سه سال پیش به دهج نامه‌ای و مناجاتی مرقوم گردید و در ضمن دون تصریح به تلویح، وقوعات حالیه‌ی سید مهدی به لسان مناجات خبر داده گشت. حتی در سر نامه دهج رهج (طاغی و شورشی) مرقوم گردید. حال آن اشارات بتمامها ظاهر گردید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، بند ۱۷، ص ۴۱۷) (پیش‌بینی نقض میثاق سید مهدی دهجی که واقع شد.)

۴۲) « فلننظر الی ما قالوا المفسرون للقرآن حیث نطقوا بان اعظم برهان للفرقان سورة الروم لانّ فیها صرح الحیّ القيوم بان الروم من بعد غلبهم سیغلبون وقد وقع هذا بعد بضع من السنین فی الانصاف لانا اذا نظرنا الی الصحف المطهّرة الّتی نزلت فی هذا القرون الاخیره (خطابات حضرت بهاءالله) لراينا لایعدّ و لایحصی من هذا القبیل. قد نزلت آیات و أخبرت و أنذرت و بُشّرت و ما قضت برهه من الزّمن الّا ظهرت اسرارها و اشتهرت آثارها و تحققت قضایاها و هذا امر اشتهر فی مشارق الارض و مغاربها.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، بند ۶۹، ص ۵۸) (مضمون: باید نظر کنیم در آنچه مفسران قرآن گفته‌اند. آنان بیان داشته‌اند که بزرگ‌ترین برهان قرآن سوره‌ی روم است؛ زیرا در آن، حیّ قیوم تصریح کرده به این که روم بعد از غلبه، مغلوب خواهد شد و این امری بود که بعد از چند سال واقع شد. حال انصاف

^{۸۰} به مبحث ۲۰ مراجعه شود.

^{۸۱} به مبحث ۶۴ رجوع شود.

می‌خواهیم، چون وقتی به کتب پاکیزه‌ای که در قرون اخیر نازل شده (منظور خطابات حضرت بهاء‌الله به ملوک عالم است) نظر کنیم مطالب بی‌شماری از این دست می‌بینیم. در این کتب آیاتی نازل شده و حوادث و اندازات و بشاراتی وعده داده شده و طولی نکشیده که اسرارشان ظاهر شده و آثارشان منتشر شده و وقوعشان محقق گشته و این امری است که در مشارق ارض و مغارب آن شهرت یافت. (اشاره به تحقیق بعضی از وعود مندرج در الواح ملوک و سلاطین است.)

۴۳) « منها (وعود خطاب به زمامداران جهان) الخطاب البلیغ لعلج (؟) اهل الكتاب النابلیون العظیم المفتخر بنفوذ کلمته فی کلّ الاقالیم و عظمة سلطنته الّتی تموجت ریااتها علی صروح المجد بین العالمین و هو فی عزّه العالی و شرفه المتعالی خاطبه ربّ الجنود بخطاب یرتعد منه فرائض کلّ مختال فخور فاستغربت کلّ النفوس کیف هذا الخطاب محضرت عبدالبهاء طمة هذا الرجل الفرید فی الآفاق حیث ذلّه و خذلانه ممتنع و مستحیل بهذه الاوقات فما مضت عدّة شهور الا انثّل عرشه العظیم و نکس علمه الرّقیع و سقط اکلبله الجلیل فاصبح اسیراً من دون نصیر و اشتهر نداء الامر فی کلّ الاقالیم و بمثل هذا و بمثل هذا.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، بند ۶۹، ص ۵۸) (مضمون: از آن‌ها (وعود خطاب به زمامداران جهان)، خطاب بلیغ به قدرتمدار (؟) اهل کتاب، ناپلئون بزرگ (ناپلئون سوم، امپراطور فرانسه) بود که به نفوذ کلامش در همه‌ی ممالک و عظمت سلطنتش افتخار می‌کرد؛ سلطنتی که پرچمش بر قلّه‌های مجد و بزرگی در میان عالمیان در اهتزاز بود. او، در اوج عزّت و قلّه‌ی شرافت بود که حضرت ربّ الجنود به اندازاتی مخاطبش کرد که ارکان هر متکبّر مغروری را به لرزه می‌آورد. همه‌ی مردم متعجب شدند که با قدرت و عظمت این مرد بی‌مانند در عالم، چگونه تحقیق چنین خطابی در باره‌اش ممکن است؛ ذلّت و حقارت او به این زودی‌ها ممتنع و محال است. اما چند ماهی نگذشت که تخت عظیمش و ازگون گشت و پرچم بلندش سرنگون شد و تاج جلیش ساقط گشت و به دون یار و یاور اسیر شد، و ندای الهی در همه‌ی دیارها اشتها یافت و همانند این قضیه فراوان فراوان است.)

۴۴) « آنچه از قلم اعلی نازل، پی‌درپی ظاهر گشت و اخبارات واقع شد و بشارت لامع گشت و اندازات واضح گردید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۷۳)

۴۵) « ای یاران عبدالبهاء، الحمدلله آنچه از کلک پیمان در سنین هیجان و نهایت نفوذ و اقتدار مجلسیان (مشروطه طلبان) در أعراق و اعصاب و شریان ایرانیان، صادر، در این ایام ظاهر و آشکار گشت تا کلّ یقین نمایند که این قلم (قلم هیکل مبارک) ملهّم است.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۲۶) (وعده‌ی سلطه‌ی مجدد دستگاه سلطنت بعد از استقرار مشروطیت که واقع شد. هیکل مبارک وقوع این وعده را دلیل بر ملهّم بودن قلم خود بیان می‌فرمایند.)

۴۶) « سبحان الله، جمع حوادث آتیه در الواح سابقه به صریح عبارت، بعضی پنجاه سال پیش، بعضی سی سال پیش، واضحاً مشهوداً نازل گشته و جمیع تحقق یافته؛ باز ایرانیان غافل.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره‌ی ۳۴۴) (هیکل مبارک، تحقق وعود گذشته را عاملی قلمداد می‌فرمایند که در بیداری ایرانیان از خواب غفلت مؤثر بوده است.)

۴۷) « جمیع وقایع که در این سنین حرب (جنگ اول جهانی) واقع شد، در الواح الهی چهل پنجاه سال پیش نازل و در جمیع اقالیم عالم مطبوع و منتشر. از برای نفسی از اغیار مجال انکار نمی‌ماند که به این صراحت وقایع، قبل از وقوع، پنجاه سال پیش نازل.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره‌ی ۱۴۱) (هیکل اطهر، وقوع وعود پیشین را دلیل قاطع حقایق توصیف می‌نمایند.)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۴۸) « فریادی تدریجاً پیش‌رونده و گسترش یابنده که این فرمان (فرمان تبعید حضرت بهاءالله به خارج از کشور ایران) ایجاد کرد،... سرانجام او را تا سواحل دوردست ارض مقدّس حرکت داد. بدین ترتیب، وعده‌های مذکور در انجیل و تورات تحقق یافت؛ و به عهد موجود در احادیث منسوب به حضرت رسول الله و جانشینان برحقّش (ائمه‌ی شیعه- م) وفا شد؛ و باز گشت قوم بنی اسرائیل به سرزمین دیرین شریعتشان، که مدّتی چنان دراز در انتظارش بودند، آغاز گشت.» (مرور معبود، ص ۱۶۶)

۴۹) « حضرت بهاءالله (در لوح رئیس)... انذار می‌نماید که "به زودی، ارض سرّ (ادرنه) و مناطق دیگر، از دست سلطان خارج خواهد شد و فتنه و آشوب و طغیان ظاهر، و فریاد و فغان برپا، و آثار شرارت و تباهی در تمامی نواحی نمودار خواهد شد." (مرور معبود، ص ۲۴۸) (وعده‌ی تجربه‌ی امپراطوری عثمانی و سقوط نهایی آن که محقق گشت.)

۵۰) « سرّ بیان که در وصایای مبارکه (ی حضرت عبدالبهاء) مسطور "و سوف تراهم (ناقضین میثاق الهی)^{۸۲} و اعوانهم سرّاً و جهراً فی خسران مبین" بر هر ذی بصری مکشوف و پدیدار گشت... این فقره‌ی قهریه از وصایای مبارکه، کالشمس فی رابعةالنهار، واضح گشت و وعده‌های محکمه تحقق یافت.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۲) (مضمون بخش عربی: و به زودی خواهی دید که آنان و یارانشان، نهانی و علنی، به زیان آشکار گرفتار گشته‌اند.)

۵۱) « به کرات و مرات از لسان اطهر مرکز میثاق... شنیده شد که... منطوق بعضی از نصوص کتاب الهی واضح و عیان گردید و حقایق مکنونه مکشوف شد: سطوت ناپلئون (سوم) دگرگون گشت و علم غرور و استکبارش سرنگون شد؛ برلین آه و حنینش مرتفع گشت و سرشک خونین از ساکنین شواطی نهر رین

^{۸۲} به مبحث ۲۰ مراجعه شود.

جاری شد؛ معشر روم (مقر سلطنت عثمانیان) اسیر غموم و هموم گشت و اریکه‌ی ظلم و اعتساف مضمحل و نابود شد؛ زینت ظاهره‌اش مبدل به ذلت بی‌منتهی شد و حنین بنات و ارامل (دختران و بیوه زنان) به فلک اثیر متواصل گشت؛ امپراطوری نمسه (اطریش امروزی) به کلی منقرض گشت و ممالک وسیعه‌اش متجزی و پریشان و ویران شد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸-۲۷۷) (هیكل مبارک تعدادی از وعود مهمه‌ی محققه را ذکر می‌فرمایند.)

۵۲ « حمد حی قیوم را لایق و سزا که به ید قدرت و توانایی خویش عزیزان سمت‌دیده‌ی ایران را از چنگال اهریمنان برهانید و به تحقق وعود محتومه‌ی مقدسه‌اش شاد و مستبشر گردانید. دشمنان پرکین^{۸۳} را به خاک مذلت بنشانند و افسر عزت قدیمه را بر فرق آن برگزیدگان بنهاد. حزب مظلوم را در آن سامان (ایران) عزیز و مشتهر فرمود و علمای جهول و ظلوم را مقهور و مرعوب و مأیوس و متشتت گردانید^{۸۴}. هدا ما وعدنا به ملانا و سیدنا و محبوبنا من فمه الطاهر الدرّی البدیع.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۵۲-۲۲ آوریل ۱۹۳۰ مطابق با ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۹) (مضمون جمله‌ی عربی به فارسی: این آنچه است که مولا و آقا و محبوب ما از دهان ظاهر و درّی خودش وعده داده بود.)

۵۳ « بالکان ندای الست را اجابت نموده و پرچم هدایت عظمی برافراشته و بساط تبلیغ گسترده. بذلک تحقق ما نزل من القلم الاعلی فی لوح الرئیس، قوله جل بیانہ: "قد خرج الغلام من هذه الدیار"^{۸۵} و اودع تحت کل شجر و حجر ودیعة؛ سوف یخرجها الله بالحق. کذلک اتی الحق و قضی الامر من مدبر حکیم".» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۴۲، رضوان ۸۹ بدیع مصادف با ۱۳۱۱ هجری شمسی) (مضمون بخش عربی: به این ترتیب آنچه که از قلم اعلی در لوح رئیس نازل شده بود، تحقق یافت، قول آن حضرت است که جلیل باد بیانش: "غلام (یکی از القاب حضرت بهاء‌الله) از این دیار (ادرنه) خارج شد و در زیر هر درخت و هر سنگی ودیعه‌ای بنهاد؛ به زودی خداوند به راستی آن را خارج خواهد کرد. این گونه حق آمد و امر از جانب تدبیرکننده‌ی دانا مقدر گشت.)

۵۴ « میقات ظهور وعود الهیه و بروز اسرار مکنونه و تحقق بشارات عظیمه و جلوه‌ی انتصارات باهره و وقوع وقایع خطیره‌ی جسیمه در شرق و غرب و جنوب و شمال جامعه‌ی پیرون آیین حضرت احدیه (است).» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۱۰۶) (به مناسبت اعلان اهداف نقشه‌ی ده

^{۸۳} به محث ۲۲ مراجعه شود.

^{۸۴} اشاره به آرامش و آسایش نسبی برای جامعه‌ی ستمدیده‌ی بهایی طیّ این سال‌ها است که در اثر محدودیت‌ها و مقهوریت‌های مستولی بر روحانیت شیعه توسط رژیم رضا شاه، حاصل گشت و بدین ترتیب بخش‌هایی از وعود الهی راجع به دشمنان دیرین و نیز احبای نازنین تحقق یافت.

^{۸۵} شهر ادرنه در زمره‌ی سرزمین‌های شبه جزیره‌ی بالکان است.

ساله؛ نقشه‌ی بی نظیری که در نتیجه‌ی اجرای آن، بسیاری از وعود مربوط به امرالهی، از جمله استقرار بیت‌العدل اعظم بر دامنه‌ی جبل کرمل، تحقق یافت.

(۵۵) «در آینده‌ی قریب، حزب شمال (حزب مارکسیستی-کمونیستی) قوی و غالب گردد؛ ولی در مستقبل بعید، انصار حزب یمین^{۸۶} (حزب میانه‌رو) مظفر و منصور خواهند شد.» (مجموعه‌ی توقیعات ۱۹۴۸-۱۹۲۲، ص ۷۶-۳ فوریه ۱۹۲۹) (وعده‌ی غلبه‌ی انقلاب کمونیستی در روسیه‌ی تزاری که منجر به تشکیل اتحاد جماهیر شوروی شد و سپس شکست ایدئولوژیک انقلاب و تبدیل مجدد اتحاد جماهیر شوروی به روسیه‌ی فعلی و گرایش آن به مرام سرمایه داری).

(۵۶) «ای قوی قدیر،... مدینه‌ی عشق^{۸۷} را شور و نشوری جدید عطا کن و اقالیم مجاوره را از چنگ آن قوم پُر لوم (کمونیست‌های انقلابی شوروی سابق) نجات بخش.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴) (وعده‌ای که با سقوط نظام کمونیستی در شوروی سابق تحقق یافت).

(۵۷) «احکام کتاب مستطاب اقدس به اسلوبی بدیع تدوین و اعلان گردد.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳) (وعده‌ی تلخیص و تدوین احکام و حدود کتاب مستطاب اقدس که در سال ۱۹۷۳ توسط بیت‌العدل اعظم انجام شد).

(۵۸) «تشید مقام بهی‌الانوار نقطه‌ی اولی در قلب کرمل، مطابقاً لما وعدنا مولانا و محبوبنا انجام پذیرد و قُبّه‌ی ذهبیه‌اش شهره‌ی آفاق گردد.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳) [مضمون عبارت: مطابق آنچه که مولایمان و محبوبمان (حضرت عبدالبهاء) به ما وعده فرمود.]

(۵۹) «حضرت عبدالبهاء در ژانویه ۱۹۲۰، در یکی از مکاتیب خویش چنین فرمود: "حرکت‌های تازه‌ی عمومی تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود؛ حرکت شمالیه (کمونیزم بین‌الملل به سرکردگی اتحاد جماهیر شوروی سابق) خیلی اهمّیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد."» (نظم جهانی بهایی، ص ۴۱- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱) (وعده‌ی سرایت مکتب و مرام و نظام کمونیستی به سراسر عالم که محقق شد).

(۶۰) «بیت عدل اعظم الاهی مطابقاً لما اراده‌ی المحبوب استقرار یابد و تشید این بنیان مجید انجام پذیرد.» (توقیع منبع ۱۰۵ بدیع = ۱۹۴۸ میلادی، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳) (وعده‌ای که در سال ۱۹۶۳ تحقق یافت).

^{۸۶} «مقصود از حزب یمین، حزب اعتدال است و این حزب، مخالف حزب انقلاب (حزب شمال) است و متمسک به مبادی سلیمه‌ی اساسیه‌ی هیأت اجتماعیه است و مقصود از مستقبل بعید، یک قرن بعد از اعلان امر حضرت بهاء‌الله است.» (مجموعه‌ی توقیعات ۱۹۴۸-۱۹۲۲، ص ۸۱-۲۰ آوریل ۱۹۲۹)

^{۸۷} عشق‌آباد از شهرهای مهم ترکستان قبلی و پایتخت ترکمنستان فعلی است.

۶۱) « ناموس اعظم، نظامنامه و قانون اساسی اعظم هیأت تشریحیه‌ی جامعه‌ی بهایی به کمال اتقان تدوین گردد.» (توقیع منبع ۱۰۵ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳) [وعدده‌ای که طی نقشه‌ی نه ساله (رضوان ۱۹۶۴ تا رضوان ۱۹۷۳) انجام شد.]

۶۲) « یا نُصْرَاءَ الرَّحْمَنِ، مرکز نقض و قطب شقاق (میرزا محمد علی) پس از آن که مدت چهل سال در گوشه‌ای خزیده بود... عاقبت با دستی تهی و قلبی پراهِ خائباً خاسراً متأسفاً متحسراً به مقرّ خود راجع گشت. فتبدل الغصن الاكبر بالحطب الاكبر اذاً تراه فی قعر الجحیم قد اخذته زبانية القهر من لدن منتقم قهّار هذا ما وعدنا به مولانا فی السّرّ و الاجهار فتعالی وعده الصادق المقدّس البدیع.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف غ از باب نوزدهم، ص ۵۵) (مضمون بخش عربی: غصن اکبر به چوب خشکیده‌ی اکبر تبدیل شد و اکنون می بینی که در اعماق دوزخ مقرّ یافته و شعله‌های آتش قهر از نزد منتقم قهّار اخذش نموده. این همانی است که مولای ما، پنهان و آشکار، وعده فرمود. بلند مرتبه است وعده‌ی راستین مقدّس بدیعش.)

۶۳) « یا امناء الرحمن بین خلیفته و صفوته فی بریته،... امت مسموخه‌ی یحیی در اسفل درکات قنوط ساقط و نام و نشان اتباع و اشیاعش مفقود و منعدم. سردار نقض و سالار نکث در حفره ظلمانی خزیده و چون خفّاش در مقابل اشراق اشعه تأیید در گوشه عزلت کور و مایوس طپیده... له الغلبة و الهیمنة و الاستقلال لا رادّ لامره و لا مبدل لكلماته و لا مفرّ من قضائه و تقدیره؛ هذا ما وعدنا به مولانا فی السّرّ و الاجهار من فمه الدرّی الطاهر الصادق البدیع.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ط از باب شانزدهم، ص ۵۱) (مضمون بخش‌های عربی: ای امنای الهی میان خلقتش و برگزیدگان او در بین مردمش،... هم او راست غلبه و هیمنه و استقلال؛ بازدارنده‌ای برای امرش نیست و تبدیل دهنده‌ای برای کلماتش نه. گریزگاهی از قضا و تقدیرش نیست. این همانی است که مولایمان، پنهان و آشکار، از فم درّی ظاهر صادق و بدیعش وعده فرمود.) (وعده‌ی ذلّت و حقارت ناقضین میثاق که بخش اعظم آن محقق گشت.)

۶۴) « باید به خاطر داشت که حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخار سه نفر از احبّای ایران که در خصوص مرجع اهل بهاء بعد از صعود سؤال نموده بودند، مدّتها قبل از صعود، اخبار به موضوع ولایت امر فرموده‌اند. قوله الاعلی: " انّ هذا السّرّ مصونٌ فی صدف الأمر المختوم كاللؤلؤ المكنون و سیلوح انواره و یشرق آثاره و یظهر اسراره." (کتاب دور بهایی، ص ۶۲) (مضمون بخش عربی: همانا این نکته همچون مرواریدی پوشیده، سرّی مصون و در صدف امر مکتوم است و به زودی انوارش می تابد و آثارش می درخشد و اسرارش پدیدار می شود.) (وعده‌ی ظهور و حضور ولیّ امرالهی که تحقق یافت.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۶۵) «استقرار بیت العدل اعظم در مقرّ دائمی... مرحله‌ای دیگر از تحقق نبوّات عظیمه‌ی لوح کرمل است.» (رضوان ۱۴۰ بدیع = ۱۹۸۳)

۶۶) «استقرار بهیّ الآثار و سرمدی القرار بیت العدل اعظم الهی در مقرّ دائمی خود... تحقق بشارات عظیم مذکور و مسطور در لوح مبارک کرمل است.» (پیام رضوان ۱۹۸۶، ۱۴۳ بدیع)

۶۷) «جناب علی اکبر فروتن سرگرم دیدار از اتحاد جماهیر شوروی هستند؛ یعنی سرزمینی که در دوران بروز تضییقات وارده بر جامعه‌ی بهایی در آن کشور، (بعضی از احبّاً) مجبوراً آن را ترک گفته بودند و حال پس از گذشت شصت سال، وعده‌ی حضرت ولیّ امرالله به ایشان با دیدار از آن سرزمین منصوراً مظهرّاً تحقق یافته است.» (پیام رضوان ۱۹۹۰)

۶۸) «بشارت دیگر آن که در اقلیم روسیه و ممالک شرقی اروپا که از انوار حقیقت محروم بودند و به بی‌دینی مفرط گرفتار، ناگهان خورشید هدایت درخشید و نفوس و ارواح مشتاق را از اشراق نیر آفاق منور ساخت و جان بخشید... و این وعده‌ی ولیّ عزیز بی‌همتای امرالله مصداق یافت که فرمودند: "شبه‌ای نیست که آن روز مبارک خواهد رسید که نفس مخربین آیین و دین الهی و مروّجین عقاید سخیفه‌ی مادّیون عالم خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را به دست خویش خاموش کرده، بنیان بی‌دینی مفرطشان را از اساس براندازند."» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴ - و نیز مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۹-۱۹۲۲، ص ۹۵) (وعده اضمحلال نظام الحادی حاکم بر شوروی سابق که محقق گشت.)

۶۹) «کمتر از دو ماه بعد از ورود تبعید شدگان (حضرت بهاءالله و عائله‌ی مبارکه) به عکا، فؤاد پاشا وزیر خارجه‌ی عثمانی که اظهارات غیر واقعی و بی‌اساسش به تسریع تبعید آن مظلومان کمک کرده بود، ناگهان معزول شد و بر اثر سکنه‌ی قلبی در فرانسه درگذشت. این واقعه، نظیر موضوع معزول شدن همکارش عالی پاشای صدر اعظم و همچنین سقوط و مرگ خود سلطان و از دست رفتن سرزمین‌های عثمانی در اروپا و یک سلسله وقایع دیگری که متعاقب یکدیگر به وقوع پیوست، همه، در آثار حضرت بهاءالله پیش‌بینی شده بود.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله - می ۱۹۹۲، ص ۵۵)

۷۰) «حضرت بهاءالله در نامه‌ای به ناپلئون سوم امپراتور فرانسه او را از عواقب عدم خلوص نیتش و سوء استفاده از قدرتی که داشت با این عبارات برحذر می‌فرمایند: "بِمَا فَعَلْتَ تَخْتَلِفُ الْأُمُورُ فِي مَمْلَكَتِكَ، وَيَخْرُجُ الْمَلِكُ مِنْ كَفِّكَ جَزَاءَ عَمَلِكَ... أَعَزَّكَ غَرَّكَ؟ لَعَمْرِي إِنَّهُ لَا يَدُومُ وَ سَوْفَ يَزُولُ."» در باره‌ی جنگ دهشت اثر بین فرانسه و پروس و نتایج وخیم آن که منجر به سقوط ناپلئون سوم در کم‌تر

از یک سال بعد از نزول این اظهارات گردید، آلیستر هورن (Alistair Horne) محقق معاصر، در تاریخ سیاسی فرانسه در قرن نوزدهم چنین می‌نگارد: "شاید تاریخ، موردی شگفت‌آورتر برای آنچه یونانیان آن را پرپیتیا (Peripateia) یا سقوط خوفناک از علو درجات نخوت و غرور نامیده‌اند، نشناسد. محققاً هیچ ملّتی در ازمنه‌ی اخیر از اوج شوکت و جلال ظاهری و موقّیتهای مادی در مدّتی بدین کوتاهی به چنین حسیض ذلّتی نیفتاده است." (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاء‌الله- می ۱۹۹۲، ص ۵۵) (مضمون بخش عربی: به سبب آنچه مرتکب شدی و به عنوان جزای عملت، امور مملکتت دگرگون خواهد شد و سرزمینت از دستت خواهد رفت... آیا عزّت مغرورت کرد؟ سوگند به جانم که دوامی ندارد.)

(۷۱) « آیا در این وقایع (تکرار غیر عادی تجمع سران ممالک، کنفرانس پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل، همکاری داوطلبانه‌ی دولت‌ها برای رفع بحران، طرح عملی بودن تأسیس نوعی حکومت جهانی) که سریعاً و پی‌درپی روی می‌دهد ید تقدیر الهی در کار نیست؟ به راستی منادی این موقّیّت عظیم، در آثار خود این وقایع را پیش‌بینی نفرموده است؟» (پیام رضوان ۱۹۹۶- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه‌ی جلد سوم، ص ۱۶)

(۷۲) « حضرت ولیّ امرالله... (جنگ دوم جهانی را) " ناآرامی و آشوب عظیمی که هفتاد سال قبل از قلم معجز شیم حضرت بهاء‌الله پیش‌بینی گردیده بود" و به عنوان " اشتعال نائروای عالمگیر که مدت‌ها قبل پیشگویی شده بود" توصیف فرمودند.» (بیانیه‌ی دارالانشاء، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

(۷۳) « ادنی تردیدی نمی‌توان داشت که وعده‌ی حضرت عبدالبهاء (وحدت سیاسیّه که آن حضرت در تبیین و تشریح هفت شمع وحدت به آن اشاره فرموده‌اند) تحقق یافته و وحدت ملل در قرنی که اینک به انتهای رسیده، به نهایت قوّت، ظاهر شده است.» (دارالانشاء معهد اعلی، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

(۷۴) « حضرت عبدالبهاء در ژانویه ۱۹۲۰ در یکی از مکاتیب خویش چنین فرمود: "این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد؛ بلکه روزبه‌روز سخت‌تر شود و بدتر گردد. بالکان آرام نگیرد، از اوّل بدتر شود؛ دول مقهوره (در جنگ جهانی اوّل) آرام نگیرند، به هر وسیله‌ای تشبّث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۰- نظم جهانی بهایی، ص ۴۱) (وعده‌ی بروز جنگ جهانی دوم، که حدود بیست سال بعد از اظهار آن، تحقق یافت.)

(۷۵) « ده‌ها سال و شاید زمانی بسیار بیشتر لازم است تا پیش‌بینی‌های مندرج در این سند مهمّ (لوح حضرت عبدالبهاء موسوم به هفت شمع وحدت) کاملاً وقوع یابد؛ اما امروز ملاحظه می‌کنیم که چارچوبه‌ی اصلی چنان وعده‌هایی در سراسر جهان برقرار گردیده است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۷)

(۷۶) « چنان که حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی وعده فرموده بودند، نقض عهد سبب تطهیر امرالهی از نفوسی شد که اعمال و رفتارشان سبب خمودت شعلهی ایمان در قلوب دیگران و کندی پیشرفت امرالله می‌شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸)

(۷۷) « در کنفرانس سانفرانسیسکو در آوریل ۱۹۴۵ در همان ایالتی که حضرت عبدالبهاء پیشگویی فرموده بود که "ان شاء الله پرچم صلح عمومی از این ایالت بلند خواهد شد"، نمایندگان پنجاه کشور، منشور سازمان ملل متحد را قبول نمودند. نام این سازمان را فرانکلین د. روزولت (Franklin D. Roosevelt) رییس جمهور آمریکا پیشنهاد کرد... در ماه اکتبر سال ۱۹۴۹ سنگ بنای مقرر دائمی ملل متحد در شهر نیویورک که حضرت عبدالبهاء آن را سی و هفت سال قبل از آن تاریخ به "مدینه‌ی میثاق" ملقب فرموده بود نهاده شد. آن حضرت هنگام دیدارش از نیویورک فرمود شکی نیست که پرچم توافق بین‌المللی در اینجا به اهتزاز آید و از آنجا به ممالک دیگر عالم خواهد رسید.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۶۰) (وعده‌ی تمرکز امور عالم در شهر نیویورک که با استقرار مقرر سازمان ملل در آن مدینه محقق شد.)

(۷۸) « حضرت عبدالبهاء تشکیل بیت‌العدل اعظم را که به موقع تاریخی خود در سال ۱۹۶۳ مقارن با صدمین سال اظهار امر حضرت بهاء‌الله تأسیس شد، با تحقق وعده‌ی دانیال منطبق ساخته که گفته بود: "خوشا به حال کسی که به یک هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد." عبارت حضرت عبدالبهاء چنین است: "هذه سنة شمسية ليست بقمريّة، لأنّ بذلك التاريخ ينقضی قرن من طلوع شمس الحقيقة و تعالیم الله تتمكّن فی الارض حقّ التمكن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها، يومئذ یفرح المؤمنون."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۸۰) (مضمون بخش عربی: این سال به شمسی است نه قمری، زیرا در این تاریخ يك قرن از طلوع شمس حقیقت می‌گذرد و تعالیم الهی در زمین تمكّن می‌یابد و انوار، شرق عالم و غرب آن را پُر می‌کند، آنگاه مؤمنان شادمانی خواهند کرد.)

(۷۹) « مرحله‌ی اخیر چنین امر خطیری (ابنیه‌ی حول قوس کرم) با موفقیت در سال آخر قرن بیستم به پایان رسید و تبرّعات کریمانه‌ی یاران از سراسر جهان، پیش‌بینی حضرت بهاء‌الله را در باره‌ی این نقطه‌ی مقدّس جامه‌ی عمل پوشانید. در لوح کرم می‌فرماید: "طوبی لک بما جعلک الله فی هذا الیوم مقرر عرشه و مطلع آیاته و مشرق بیناته."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸) [مضمون بخش عربی: خوشا به حال تو (ای کوه کرم)، زیرا خداوند در این یوم (دور بهایی) ترا مقرر عرش عظیم خود و مطلع آیاتش و مشرق بیناتش قرار داد.]

(۸۰) « اصرار مرام نازی بر این که نژاد برتر باید بر جهان حکومت نماید، سبب گردید که پیشگویی حضرت عبدالبهاء در بیست سال قبلش تحقق پیدا کند و آتش جنگی جهانی بسیار وحشتناک‌تر از جنگ اول سراسر عالم را فراگیرد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۵۲)

(۸۱) « حضرت ولیّ امرالله در کتاب "نگاد پاسز بای" می‌فرمایند که پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول، معاهده‌ای بر آن کشور تحمیل گردید که شرایط بسیار صعب و دشوارش سبب شد تا آنچه را که حضرت بهاءالله در باره‌ی حنین برلین، بیش از نیم قرن پیش، اخبار و انذار فرموده بودند تحقق یابد.» (کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۱۲۱)

(۸۲) « پیشرفت امرالله در این بخش پهناور جهان (جزایر اقیانوس آرام) به راستی شاهدهی صادق بر تحقق وعده‌ی محکم و صریح حضرت بهاءالله است که می‌فرمایند: "لو یسترون النور فی البرّانه یظهر من قطب البحر و یقول انّی محیی العالمین." (پیام اول اکتبر ۲۰۱۴) (مضمون بخش عربی: اگر نور را در بیابان پنهان کنند از میانه‌ی دریا سربرخواهد آورد و خواهد گفت "من حیات بخش عالمیان هستم.")

بخش سوم- کلیاتی راجع به وعود الهی (۱۶۲)

۳. وعود، وقوعات آینده است (۶)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « از بعد، احدی آگاه نه.» (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۹۴)
- (۲) « آنچه از بعد ظاهر، از قبل، از قلم اعلی به کمال تصریح نازل (شده است).» (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۵۸، ص ۲۷۸)
- (۳) « اگر انسان به بصر حق در الواح منزله نظر نماید و تفکر کند، جمیع امورات وارده از بعد را ادراک نماید.» (آیات الهی ۲، ۲۴ ژوبیه)
- (۴) « آنچه از بعد واقع، از قبل، از قلم اعلی به کمال تصریح، جاری و ظاهر.» (آیات الهی ۲، ص ۲۰۴)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- (۵) « جای آن نیست که معمّای حوادث مستقبل بعید را بگشاییم و یا به بحث و گفتگو در باره‌ی مواعید عزّت و رفعت ظهوری پردازیم که به اراده‌ی غالبه‌ی الهیه متحرک و موهوب به قوه و قدرتی غیر قابل تصوّر است.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- (۶) « نسل حاضر از ادراک عظمت و عزّت و حکومت و اقتداری که در آثار بهایی موعود است عاجز و ناتوان است؛ زیرا تحقّق آن وعود، موکول به آینده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۲- توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۴. الواح و آثار الهی منبع موثق وعود است (۱۲)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « سوف یظهر ما أنزلناه فی الزبر و الالواح.» (حضرت بهاءالله، منقول در پیام ۴ دسامبر ۲۰۰۸ معهد اعلی خطاب به یکی از احبّاء) (مضمون: به زودی آنچه در زبر و الواح نازل نمودیم، ظاهر خواهد شد.)
- (۲) « اخبارهای دیگر... که در الواح هست، کل ظاهر خواهد شد.» (جمال ابهی، مائده‌ی ۴، ص ۲۵۵)
- ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله
- (۳) « نباید بررسی خصایص برجسته‌ی دوره‌ای چنین پرثمر و خجسته (دوره‌ی قیادت و زعامت حضرت عبدالبهاء)، از ذکر وعودی که قلم مصون از خطای مرکز میثاق حضرت بهاءالله بیان داشته است، باز ماند.» (مرور معبود، ص ۴۱۸)
- (۴) « وعود الهیه که در صدف بیانات قدسیه‌ی شارع امر مقدّس مودوع و محفوظ، بس مُتألّاف و درخشان (است).» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۳۳)
- (۵) « هر چند مقصدی که با کمال همّت و مجاهدت در پیش دارید بعیدالحصول و به غایت دور و از دیدگان بشر مستور است؛ اما بشارتش به کمال قدرت در متن بیانات نافذ و لایتغیر حضرت بهاءالله مندمج و مسطور.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۸)
- (۶) « تقاضاهای پرشور و حرارتی... که در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء رقم یافته بود... پیروزی‌های نهاییش (میراث مرغوب اعطاء شده به احبّای آمریکا) را وعده داد.» (توفیق ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۶۲)

- (۷) « وعود الهیه که در خزائن صحف قیمه مخزون است، کل تحقق یابد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۱)
- (۸) « وعود و بشارات مودعه در خطابات مبارکه... ننده‌ای از آن در فوق (صص ۱۶۹-۱۶۶ کتاب ظهور عدل الهی) مذکور گردید.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۷۶)
- (۹) « این کلمات دُرّیات (دو فقره از الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء، خطاب به احبای آمریکا^{۸۸} و کانادا-م)... حاوی وعود و بشارات جلیه‌ی عظیمه است.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵۴)
- (۱۰) « بشارت‌اش (بشارات حضرت بهاءالله) به کمال قدرت در متن بیانات نافذ و لایتغیر حضرت بهاءالله مندمج و مسطور.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۸)
- (د) از آثار بیت العدل اعظم
- (۱۱) « این رساله (رساله‌ی "حضرت بهاءالله") که به مناسبت سده‌ی درگذشت حضرت بهاءالله انتشار می‌یابد... دورنمایی را که بهاییان سراسر جهان به هنگام تفکر و تأمل در باره‌ی آینده‌ی کره‌ی زمین و سرنوشت نوع بشر با اطمینان خاطر در نظر مجسم می‌نمایند، ارائه می‌دهد.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، پیش‌گفتار)
- (۱۲) « حضرت بهاءالله بیش از یک قرن پیش در نامه‌ای خطاب به ملکه ویکتوریا عالم بشری را به هیکل انسانی تشبیه فرموده‌اند و با ذکر این تمثیل، به طرح و نمونه‌ای اشاره نموده‌اند که حاکی از وعده‌ی اطمینان بخشی برای سازمان جامعه‌ی جهانی است.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۱)

۵. وعود، شهود حوادث آینده است (۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « یا ایها الناظر الی الله و السالک فی رضاه، فاعلم انا نخبرک بما سیکون... ما سیظهر انا نریه فی الحین.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، ص ۱۱۳، بند ۵۳) (مضمون: ای ناظر به خداوند و سالک در رضای او، بدان که

^{۸۸} به مبحث ۷۴ رجوع شود.

تورا از آنچه به زودی رخ خواهد داد آگاه می‌کنیم... ما هم اکنون آنچه را که به زودی واقع خواهد شد می‌بینیم.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « آنچه را که حواریون حضرت مسیح از قبل دیده بودند، جهان بعداً آن را مشاهده نمود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۵ نوامبر ۱۹۱۱)

(۳) « این نور الهی بود که انبیاء را قادر ساخت آنچه را دو هزار سال بعد واقع می‌شد، مشاهده نمایند و اکنون ما شاهد تحقق نظاره‌های آنان هستیم؛ لهذا، باید در جهت کسب این نور سعی بلیغ بنماییم، زیرا از هر نور دیگری عظیم‌تر است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۵ نوامبر ۱۹۱۱)

(۴) « نور خرد ما را قادر می‌سازد تا همه‌ی آنچه را که موجود است، درک کنیم و بفهمیم؛ اما این فقط نور الهی است که برای درک چیزهای نامرئی به ما بصیرت می‌بخشد و ما را کمک می‌کند حقایقی را مشاهده کنیم که هزاران سال بعد در عالم جلوه و نمود خواهند یافت.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۵ نوامبر ۱۹۱۱)

(۵) « جمیع وقوعات آینده در نظر مظاهر مقدّسه، ظاهر و عیان است.» (حضرت عبدالبهاء، امر و خلق ۴، ص ۴۶۶)

(۶) « یاران... اگر نصیحت قدیمه‌ی مرا می‌شنیدند پریشانی چنین حاصل نمی‌شد؛ به صراحت نوشتم که اگر چنانچه این منافات (اعتیاد به دخان) زائل نگردد، عنقریب پریشانی کلی حاصل و ندامت متواصل گردد. حال ملاحظه نمودید بتمامها واقع شد؛ من این پریشانی را آن وقت می‌دیدم، ولی یاران مست بودند. حال الحمدلله واضح و مشهود شد که آنچه من می‌گفتم صحیح بود.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۵، باب اول از ردیف ض، ص ۱۷۵)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۷) « اکنون دریای ایمان در پایین‌ترین جزر است؛ اما اهل بهاء می‌دانند که مدّ عظیم، دوباره، بعد از دوران مشقّت بشریت، باز خواهد گشت و امواج قدرتمند ایمان و اخلاص نمایان خواهد شد... بهاییان این شرایط جدید را می‌بینند؛ همچون کسی که از فراز کوهستان، نخستین فروزش سپیده‌دم را می‌بیند.» (ترجمه) (۵ اکتبر ۱۹۵۳، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۶. تحقق وعود دلیل حَقَانِیَّت است (۱۴)

توضیح: علاوه بر فقرات ذیل، لطفاً در جهت درک بهتر اهمّیت و فواید ذکر وعود الهی، به دو نمونه‌ی مذکور در صفحه‌ی ۵ نیز مراجعه‌ی مجدد بفرمایید.

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « از عاقبت امور احدی الا الله (جز خداوند)، آگاه نه.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۸۸)
- (۲) « حال در این مظلوم (جمال مبارك) ملاحظه کن؛ مع آن که (از اهل علم نبوده و به مدارس نرفته) ... (و) آنچه در ارض واقع گشته، از قبل به کمال تصریح خبر داده، ... چگونه بر اعراض و اعتراض قیام نمودند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۲۳)
- (۳) « یا الهی یکادُ أَنْ یَنْقَطِعَ الرَّجَاءُ عَنْ قُلُوبِ الْأَصْفِیَاءِ، این نَسَائِمُ فَضْلِکَ؟ قَدْ أَحَاطَتْهُمُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ الْأَطْرَافِ، این رِیَایَاتُ نَصْرِکَ الَّتِی وَعَدْتَهَا فِی الْوَاحِکَ؟ فَوَعَزَّتْکَ لَا یَصْبِحُونَ أَحْبَابُکَ إِلَّا وَیَرُونَ کَأَسِّ الْبَلَاءِ فِی مُقَابَلَةِ وَجُوهِهِمْ بِمَا آمَنُوا بِکَ وَ بَآیَاتِکَ.» (مجموعه‌ی اذکار و ادعیه حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۹۴) (مضمون: ای خدای من، نزدیک است که امید از قلوب برگزیدگان قطع شود، کجاست نسیم‌های فضلت؟ دشمنان^{۸۹} آنان را از همه طرف احاطه کرده‌اند، کجاست علم‌های نصرتی که در الواحت وعده دادی؟ قسم به عزّت هیچ صبحی نمی‌گذرد مگر آن که احبّایت جام بلا را در مقابل خود می‌بینند، زیرا که به تو و به آیات ایمان آوردند.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۴) « ای ثابت بر میثاق، حمد خدا را که آنچه بشارت داده شد یافتی و اخبار واقع گردید و آن هذا هو البرهان المنیر.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۲، باب هشتماد و یک، ص ۱۰۴)
- (۵) « آنچه از قلم میثاق تا به حال صادر، فرداً فرداً کلّ واقع؛ دیگر چه تأییدی اعظم از این است. این به توفیقات جمال ابهی است و هو یکفینی عن کلّ شیء و لا یکفینی عنه شیء من الاشیاء.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب هفتاد، ص ۷۸) (مضمون بخش عربی: او مرا از هر چیزی بی‌نیاز می‌کند، در حالی که هیچ چیزی دیگر نمی‌تواند مرا بی‌نیاز سازد.)

^{۸۹} به مبحث ۱۹ رجوع شود.

(۶) « ای آمرزگار هر چند گنه کاریم ولی امید به وعد و نوید تو داریم.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۰۶)

(۷) « انذارات جمال مبارک به ملوک ارض به نهایت صراحت، بدون تأویل و احتیاج تفسیر، در اثبات قوه‌ی قدسیه‌ی ماوراء الطبیعه برهان کافی وافی است. سور ملوک را مطالعه نمایید و خطاب‌های شدید را دقت کنید و انذارات عظیمه را ملاحظه نمایید... آیا به ادراک (و) به ذکاء طبیعی، کشف این وقوعات مهمه در اندک زمان، پیاپی ممکن است و تحقق این وقوعات در ایام قلیله تصور می‌شود؟ لا والله، مگر آن که به قوه‌ی ملیک مقتدر تحقق یابد و به کلمه‌ی نافذ‌اش مجری کند و از پیش خبر دهد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۸۱)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۸) « وعود الهیه عظیم است و صریح.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۴۶-۱۴ نوامبر ۱۹۲۳)

(۹) « به عقیده‌ی راسخ این عبد، اولین وظیفه‌ی هر یک از پیروان باوفای حضرت بهاءالله آن است که همواره سعی موفور و مستمر مبذول دارد تا مقصد و هدف این امر اعظم را بهتر درک نماید.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۶)

(۱۰) « آنچه را این مشت ضعفا تا به حال فهمیده و ادراک نموده، قطره ایست نسبت به بحرالبحار اسرار مکنونه در این آیین ابهی و ذره ایست نسبت به شمس الشمسو لثالی مودعه در این امر گرانها.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۵۴)

(۱۱) « نباید بررسی خصائص برجسته‌ی دوره‌ای چنین پرثمر و خجسته (دوره‌ی قیات حضرت عبدالبهاء)، از ذکر وعودی که قلم مصون از خطای مرکز میثاق حضرت بهاءالله بیان داشته است، باز ماند.» (حضرت ولیّ امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

(۱۲) « وعده‌ی اتحاد تمامیت نژاد انسانی، آغاز جریان صلح اعظم ابهایی، و ظهور مدنیته‌ی جهانی، به نحوی جدل ناپذیر عرضه گشت.» (حضرت ولیّ امرالله، مرور معبود، ص ۳۰۸)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۳) « پیش‌بینی وضع آتی تاریخ بشر هر روز باید در معرض تجدیدنظر قرار گیرد.» (پیام رضوان ۱۹۷۸ خطاب به کانونشن بین‌المللی)

(۱۴) « از هم اکنون پیشوایان افکار نسبت به سرنوشت نسل‌های آینده ابراز علاقه می‌نمایند، و ما امیدواریم که شور و شوق جامعه‌ی بهایی در اقدامات داخل جامعه و در مشارکت در اقدامات جامعه‌ی خارج احساس اعتماد و اطمینان نسبت به آینده‌ی بشری را القاء نماید.» (۲۶ نوامبر ۱۹۹۹)

۷. ذکر و عود حکمت‌آمیز است (۱۴)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

(۱) « فَسَوْفَ تُمْنَعُونَ عَنْ حُبِّ اللَّهِ وَمَظْهَرِ نَفْسِهِ وَتُدْعَوْنَ إِلَى الْعِجْلِ وَهَذَا مِنْ سِرِّ الْغَيْبِ أَخْبَرْنَاكُمْ بِهِ لِتَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا بَصَرَ الْعِرْفَانِ وَكَانُوا عَلَى الْأَمْرِ خَيْرًا. » (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۱۲) (مضمون: به زودی از حُبّ خداوند و مظهر نفس او منع خواهید شد و به سمت گوساله دعوت خواهید گشت؛ و این از اسرار عالم غیب است که به شما خبر می‌دهیم تا از کسانی باشید که چشم عرفان یافته‌اند و از امور امرالهی آگاه گشته‌اند.)

(۲) « جمیع ناس را از قبل به ایام شداد و فتنه‌ی آن اخبار نمودیم که شاید در حین اهتزاز اریاح قضا از توجه به شطر دوست محروم نمانند و سراج حب الهی را به زجاجات توکل و انقطاع از اریاح مختلفه حفظ نمایند.» (جمال ابهی، مائده‌ی ۴، ردیف الف، باب هفتم، ص ۲۲)

(۳) « مشاهده شد که در هبوب اریاح افتتانیه چگونه ناس از صراط امریه الهیه لغزیدند، مع آن که در کل الواح من قبل الله ذکر ایام شداد شده و این بسی واضح و مبرهن بوده که البته فتنه‌ی کبری ظاهر خواهد شد و این اخبار داده نشد مگر آن که ناس مطلع شوند و مستعد که شاید در ظهور فتنه مضطرب نشوند و به اطمینان تمام به سماء رحمن صعود نمایند و در رضوان ایقان سائر شوند.» (حضرت بهاء‌الله، مائده‌ی آسمانی ۸، مطلب هشتم، ص ۱۰- مائده‌ی ۴، ردیف ط، باب دوم، ص ۱۵۶)

(۴) « خرد... چون به اراده رحمانی بر منبر بیان مستوی، به دو حرف نطق فرمود؛ از اول بشارت وعد ظاهر و از ثانی خوف وعید و از وعد و وعید بیم و امید باهر و به این دو، اساس نظم عالم محکم و برقرار. تعالی الحکیم ذو الفضل العظیم.» (آیات الهی ۱، ۲ آوریل- اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۲۱- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۶- کلمات فردوسی)

(۵) « در الواح عراق و ارض سرّ و سجن اعظم دوستان الهی را آگاه نمودیم و به ظهور عجل و ناعقین و طیور لیل و کتاب سجّین و الواح نار (یحیی ازل و تابعان و اقداماتشان) اخبار دادیم تا کلّ به شانی

مستقیم شوند که اهل عالم و ما عندهم قادر بر تحریف آن نفوس ثابته‌ی مستقیمه نباشند.» (مجموعه‌ی الواح حضرت بهاءالله به خط مشگین قلم، ص ۲۷۱)

۶ « این بیان اکمل و اتم، راجع به بیت اعظم از مصدر مشیت مالک امم، شصت سال قبل نازل؛ می‌فرماید: " و اذکر ما نزل فی ارض السرفی السنّة الاولى لعبدنا المهدی و اخبرناه به فیما یرد علی البیت من بعد؛ لثلا یحزنه ما ورد من قبل من الذی اعتدی و سرق و عند ربک علم السموات و الارضین.» (جمال ابهی، مذکور در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۹)

۷ « دار التعلیم باید در ابتدا اولاد را به شرایط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و به طراز اوامر مزین دارد.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۲۱- مجموعه‌ی الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۳۷)

۸ « انه (الرّحمن) أحبرکم بما ظهر و ینظر، عنده علم السموات و الارض فی کتاب عظیم.» (آیات الهی، ۲، ص ۱۶۸) (مضمون: همانا او (خداوند رحمن) شما را از آنچه ظاهر شد و ظاهر خواهد شد آگاه نمود، زیرا علم آسمان‌ها و زمین در یک کتاب عظیم، نزد او است.)

۹ « اسرار و امورات بعد از قبل به تصریح تمام ذکر نمودیم تا شبهات مشرکین و انکار مغرضین و اشارات غافلین نفوس مقبله را از مطلع نور احدیه منع نماید.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۴۸)

۱۰ « كذلك قصصنا لكم من قصص الحقّ و القینا علیکم (ملاء المدینه = استانبول) ما قضی الله من قبل، لعلّ تتوبون الیه فی انفسکم و ترجعون الیه و تكوننّ من الرّاجعین و تتنبهون فی افعالکم و تستیقظون عن نومکم و غفلتکم و تتدارکون مافات عنکم و تكوننّ من المحسنین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۶۶) (مضمون: ای گونه قصه‌های حق را برای شما بیان کردیم و آنچه را که خداوند از قبل مقدر کرده است بر شما القاء نمودیم تا شاید توبه کنید و به سوی او باز گردید و در افعالتان متنبه شوید و از خواب غفلت بیدار گردید و آنچه را از دست داده آید جبران کنید و از نیکوکاران باشید.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۱ « یا احبّاءالله... نخبکم بهذا (الاذی و الاستهزاء و التعذیب و التویخ و السبّ و البغضاء) قبل الوقوع، حتّی اذا حدث هجوم الاحزاب علیکم لحبّی، لا تضطربون ابدأ بل تثبتون ثبوت الجبال؛ لأنّ استهزاء القوم و تعذیبهم لكم امر محتوم.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره‌ی ۱۹۷، ص ۱۴۱) (مضمون: ای احبّای الهی... خبر این قضیه (اذیت و استهزاء و عذاب و تویخ و بدگویی و عناد) را قبل از وقوع، به شما می‌دهم تا وقتی احزاب به سبب محبتتان به من، بر شما هجوم کردند، اصلا

مضطرب نشوید؛ بلکه چون کوه ثابت و مستقیم بمانید. چنین است زیرا استهزاء و عذاب قوم نسبت به شما امری حتمی است.)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱۲) « ای پیروان امر نازنین حضرت بهاءالله، نظر به قلت خویش منماید؛ و از آزار و جفای بیگانه و خویش ملول و شاکی نباشید. از تَرّهات و اتّهامات و اقاویل و اباطیل کوتاه نظران آورده و افسرده مگردید و از صفوف و الوف مهاجمان نگران و هراسان مشوید. این جفا را مولای بی همتا کراراً و مراراً اِخبار فرمود و هجوم لشکر هموم را ربّ قیوم از پیش خبر داد.» (توقیع منبع ۲۷ نوامبر ۱۹۲۷، مجموعه‌ی توقیعات ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۵)

(۱۳) « پیش‌بینی‌هایی که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در آثار و الواح خود بر جای نهاد، این ایمان و اطمینان را در قلوب مؤمنان دمید که ثمرات حاصله و فتوحات ظاهره در طول سی سال قیادت حضرتش، تماماً مؤیّد و محتوم بوده است.» (مرور معبود، ص ۳۳۰)

(۱۴) « منتخباتی از آثار بیشمار حضرت بهاءالله (۸۹ فقره دقیقه، صفحات ۴۰-۳۶ از همین کتاب) ... (از جمله) مشتمل است... بر دور نمایی که اظهار نموده و بر نویدها و اطمینانی که اعطا فرموده است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳۶)

۸. وعود مورث تأثیرات روحانی است (۲۰)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « عنقریب ملاحظه خواهید کرد که... بشارات الهیه جمیع قلوب را به حرکت می‌آورد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۴۷)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۲) « چون به عزمی متین قدم اول در میدان امرالله گذاریم و مترصد تحقق وعده‌های روح افزایش گردیم... مبادی اساسیه و شرایط ضروریّه را به یاد آورده، در اجرای هریک، من دون ادنی اهمالی و به تمام قوی بکوشیم.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف م از باب بیست و چهارم، ص ۷۲)

(۳) « وعودی که حضرت (عبدالبهاء) مکرراً راجع به آینده‌ی درخشان امرالله... عنایت فرموده‌اند، حائز خصیصه‌ای است که یقیناً باید ما را در بحبوحه‌ی مصائب و بلاهای ایام آتی، محافظت و تقویت نماید.»

(ترجمه) (توقیع منیع مورّخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۰ - سرنوشت رو به ظهور جامعه‌ی بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۳۵۴)

۴ «چنین منظره‌ی حزین و تأثرآمیز (وضع بحرانی و ناگوار عالم - م) ... هر ناظر غافل و بی‌اطلاع از مآرب حقیقیّه و وعود و بشارت بهیّه‌ی شارع مقدّس این شرع ابداع افخم را دچار وحشت و حیرت شدید خواهد نمود.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۰۰)

۵ «قاطبه مؤمنین (که قرار بوده) متفرّق و متشتّت شوند و مجد و عظمت ظهورالهی را در این "یوم" اعلان کنند و قلوب را به نار محبّت یگانه منجی قادر متعال الهی مشتعل سازند... با اتکاء کامل به (از جمله) وعده‌های معزّز و مکرّر محتومه‌اش، هر یک به قدر وسع و توانایی در میدان وسیعی که در مقابل دارند پیش روند.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۵۷) (۲۵ ژوئن ۱۹۵۳)

۶ «ای حیّ توانا و مولای بیهمتا... ید اقتدار از جیب مشیّت برون آر و آمال هشتاد ساله‌ی عزیزانت را در عرصه‌ی مشهود جلوه ده... برعون و عنایت متوکّلیم و به وعود حتمیه‌ات شاد و مطمئن.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف د از باب هشتم، ص ۲۱)

۷ «تقدیرات الهیه را جز آن عالم غیب و شهود، دیگری نداند و آنچه را آینده از حیز غیب به حیّز شهود رساند، هیچ نفسی از پیش واقف نگردد؛ ولی شکر آن مولای حافظ و ناصر را که به وعده‌هایی روحبخش چنان قلوب این خسته دلان را شاد و مطمئن فرمود که هر قدر محن و بلا یا و مشکلات و رزایا از دست ملت غافل و احزاب متباغض و اعدای مهاجم و رجال ظالم غدار وارد گردد، ادنی غباری بر خاطر نورانی یاران حضرت عبدالبهاء ننشیند و غیوم مظلمه حیرت و افسردگی انوار امید و اطمینان را از ظهور و اشراق در قلوب صافیه احبّا منع ننماید.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۲ - مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۸)

۸ «چه خوش است اگر... به زودی زود، بدون فتور و تأخیری... چشم روحانیان به تحقّق وعود الهیه منور شود.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۸)

۹ «هر قدر افق عالم تاریک‌تر گردد و نوع بشر بر مخاصمات و منازعات مذهبی و سیاسی و نژادی و اقتصادی خویش بیفزاید، اشعه‌ی امید پرتوی شدیدتر اندازد؛ قلوب یاران به تحقّق آمال و ایفای و اکمال وعده‌های الهی شاد و مطمئن‌تر گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۰ - مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۵)

۱۰ « چه خوش است اگر این روز فیروز و یوم موعود (روزی که سلطنت ظاهره‌ی باطنه‌ی حقیقیه‌ی حضرت بهاءالله تحقق یابد) به زودی زود، بدون فتور و تأخیری، جلوه‌گر گردد.» (حضرت ولی امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۸)

۱۱ « نمایندگان محترم و امنای این امر اعظم در آن کشور مقدس (ایران)... از موانع مختلفه و تضییقات شدید و تعدیّات عدیده ملول و خسته نگردند و پشیمان و مأیوس نشوند... چه که مطمئن به وعود صریحه‌ی حتمیه‌ی الهیه هستند و ناظر و منتظر نصرت و ظفر امرالله.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۵)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۲ « (خطاب به احبای ایران) به سلوک در این صراط مستقیم (استقامت سازنده و اعمال طیبه‌ی ظاهره) ادامه دهید. در این مسیر پر نشیب و فراز مرکب شما صبر و بردباری است، توشه‌ی راه‌تان هدایات ربّانی، پشتیبان‌تان تأییدات ملکوتی، سرمنزل مقصودتان تحقق وعود حتمیه‌ی الهی.» (پیام نوروز ۱۳۹۵)

۱۳ « تاریخ این امر مبارک شاهد این حقیقت است که در ایام عصر رسولی... جامعه‌ی اسم اعظم در آن سرزمین (ایران) پشتیبانی جز نیروی دافعه‌ی الهیه و ضامنی جز وعده‌های لاریبه‌ی حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی نداشت.» (پیام ۷ اکتبر ۲۰۰۷)

۱۴ « هر چند این طواف (طواف قریب به سه هزار نفر از عاشقان با وفای جمال کبریاء از چهار گوشه‌ی جهان حول روضه‌ی مبارکه) واقعه‌ی مُحزنه‌ی صعود جمال قدم جلّ ثنائه را به خاطر می‌آورد... اما یاران به بشارات جان‌فزایش و عنایات لانه‌ایه‌اش و به وعده‌های محکمه‌اش توجه داشته، زنگ غم از دل می‌زدودند.» (پیام ۵ مارس ۱۹۹۳- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۳۹)

۱۵ « در اثر قوه‌ی دافعه‌ی نقشه‌ی عظیم الهی^{۹۰}، دنیا دوران تغییرات سریعی را می‌گذراند؛ و تنها جامعه‌ی بهایی است که صریحاً از جهت و مقصد این تغییرات آگاه است.» (۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

۱۶ « ما طیور بال و پر شکسته‌ایم؛ لیکن وعده‌های قطعی و مطمئن آن حضرت (حضرت بهاءالله) که در صدر و روان و جان ما طنین انداز است، یقیناً (سبب می‌شود) در خدمت به آن حضرت به فضاها‌ی متعالی تری پرواز نماییم.» (پیام ۷ ژانویه ۱۹۹۲- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۱)

^{۹۰} به مبحث ۷۷ رجوع شود.

- (۱۷) « طوفان‌ها و فشارهایی که بافت اجتماعی را متلاشی می‌سازد، برای عموم ساکنان کره‌ی ارض غیر قابل درک است؛ به استثنای معدود کسانی که به مقصد الهی برای این برهه از زمان پی برده‌اند.» (پیام رضوان ۱۹۹۸- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه‌ی جلد سوم، ص ۳۰)
- (۱۸) « هر تهدیدی که همچنان بر آینده‌ی بشریت سایه افکند، از این واقعیت گریزی نیست که حوادث قرن بیستم جهان را دگرگون کرده است و این حقیقت که ندای الهی ویژگی‌های این فرایند را از قبل پیش‌بینی نموده بود، باید عقول سلیمه را در هر جایی به تفکر و اندیشه وادارد.» (ترجمه‌ی شخصی) [بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی (انگلیسی)، ص ۸۴]
- (۱۹) « "از حوادث دنیا محزون مباشید... چه که هر خیری مخصوص شما خلق شده و به اقتضای اوقات ظاهر خواهد شد"، آیا حضرت بهاءالله با این کلمات پرهیمنه... وعده نفرموده و قوت و قدرت عنایت ننموده‌اند؟» (پیام رضوان ۲۰۰۲)
- (۲۰) « به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء... "ایران سبب حیات جاودان جهان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیت محظه در قطب امکان برافرازد". این بیش روحانی است که به شما نیرو می‌بخشد تا به رغم همه‌ی مشقات و تضییقاتی که پیوسته بر شما وارد می‌شود، همچنان مشتاق خدمت به این آب و خاک بمانید.» (پیام ۱۴ می ۲۰۱۱ = ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰)

۹. تحقق وعود حرف به حرف است (۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « آنچه نازل شده کلمه به کلمه، در ارض ظاهر گشته و می‌شود.» (لوح شیخ نجفی، ص ۱۱۱)
- (۲) « آنچه از لسان جاری شده، حرف به حرف، در ارض ظاهر می‌شود.» (لثالی الحکمة ۳، ص ۲۹۷)
- (۳) « آنچه از قلم اعلی جاری، البته ظاهر شده و خواهد شد؛ و لا یبقی من حرفِ الآ و قد یراهُ المخلصون مستویاً علی عرشِ الظهور؛ إِنَّ رَبَّكَ یَعْلَمُ و یَقُولُ.» (جمال ابهی، مجموعه‌ی الواح به خط جناب مشکین قلم، ص ۱۷- اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۷) (مضمون: حرفی باقی نیست مگر آن که مخلصان آن را مستوی بر عرش ظهور می‌بینند؛ پروردگارت می‌داند و می‌گوید.)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۴ « جمال مبارك جل ثنائه، به اصرح کلام اهل بهاء را بشارت و وعده فرموده‌اند که: "عنقریب... در عرصه‌ی هستی و انجمن عالم ذکر شما و مقامات شما... حرف به حرف ظاهر شود و در عالم منتشر گردد.» (پیام مارس ۱۹۸۶، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۶۵)

۱۰. تحقق و عود امری قطعی است (۶۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « به راستی می‌گویم؛ آنچه از قلم اعلی جاری شده، البته ظاهر خواهد شد و اگر نظر به مقتضیات حکمت بالغه تاخیر شود باسی نه، سَوْفَ يَظْهَرُ اللهُ مَا وَعَدَ بِهِ فِي الْوَاكِهِ اِنَّهُ هُوَ الصَّادِقُ الْاَمِينُ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۶۳) (مضمون بخش عربی: به زودی خداوند آنچه را در الواح وعده داده است ظاهر خواهد کرد. همانا او صادق و امین است.)

۲ « سَوْفَ يَظْهَرُ فِي الْاَيَّامِ مَا نُزِّلَ مِنْ قَلَمِي الْاَعْلَى اِنَّهُ هُوَ الْحَقُّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۸۹) (به زودی در طی ایام آنچه از قلم اعلی نازل شده است، ظاهر خواهد شد. به راستی که او حق و داننده‌ی پنهانی‌ها است.)

۳ « قد قُدِّرَ لِكُلِّ امْرِئٍ مِيقَاتٌ، اِذَا جَاءَ اَجَلُهُ يَأْتِي بِالْحَقِّ وَ لَا مَرَدَّ لَهُ؛ كَذَلِكَ قُدِّرَ فِي لَوْحِ حَفِيظٍ. » (ثالثی الحکمة ۲، فقره‌ی ۷۵، ص ۱۵۷) (مضمون: برای هر امری میقاتی است؛ هنگامی که زمانش فرارسد حتماً ظاهر خواهد شد و هیچ گریزی برای آن نیست؛ در لوح محفوظ این گونه مقدر شده است.)

۴ « آنچه از قلم اعلی نازل، اکثرش ظاهر و مشهود، چنانچه اکثری دیده‌اند؛ و ما بقی هم البته ظاهر و هویدا گردد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸- مائده‌ی ۸، مطلب هفتاد و ششم، ص ۵۸]

۵ « عنقریب آنچه از بحر اراده ظاهر شده، در ارض مشاهده خواهد شد؛ الامر بیده، يفعل ما یشاء و هو الامر الحکیم.» (قلم اعلی ۶، ص ۲۸۳) (مضمون عبارات عربی: امر به دست اوست؛ هرچه بخواهد می‌کند و او، امرکننده و حکیم است.)

۶ « آنچه از قلم اعلی در زبر و الواح نازل، اکثری ظاهر، چنانچه مشاهده شد و آنچه باقی (یعنی ظاهر نشده است) در سماء مشیت معلق و البته ظاهر خواهد شد.» (آثار قلم اعلی ۷، ص ۷۸)

۷ « آنچه ذکر شد، البته واقع خواهد شد.» (قلم اعلی ۶، ص ۲۸۴)

- ۸ « آنچه در امورات بعد که از قبل در الواح الهی نازل شده، به تصریح تمام بوده، من غیر تلویح.» (حضرت بهاءالله، مائده‌ی ۸، مطلب دویست و نهم، ص ۱۸۱)
- ۹ « سوف یرون المقربون ما وعدوا به فی کتاب الله رب العالمین.» (قلم اعلیٰ ۷، ص ۳۵۴) (مضمون: به زودی مقربان آنچه را که در کتاب خداوند، پروردگار جهانیان، به آن وعده داده شده‌اند، خواهند دید.)
- ۱۰ « یا الهی... اذا اتی الوعد، تُظهر ما تُرید و تُسخر کیف تُحب.» (قلم اعلیٰ ۷، ص ۳۵۸) (مضمون: ای خدای من... هنگامی زمان وعده فرارسد، آنچه را بخواهی ظاهر خواهی کرد و آنگونه که دوست بداری تسخیر خواهی نمود.)
- ۱۱ « کُلُّ ما یتکلمُ به لسان المشیة، یظهرُ بالحقِّ، بسطان مبین.» (جمال ابهی، آیات بینات، ص ۳۳) (مضمون: هر آنچه که لسان مشیّت به آن تکلم می‌کند، به راستی و به غلبه‌ی نمایان، ظاهر خواهد شد.)
- ۱۲ « یا ایها الناظر الی الله، فاعلم بان المشرکین احاطونا من کُلّ الجهات، اخرجونا من دیار و ادخلونا فی دیارٍ اخری؛ کذلک قضی فی اللوح من لدن مقتدرٍ قدیر. لا تحزن فی ذلک، لانّ فیہ حکمة عظیمه؛ فسوف یظهر ما ستر الیوم عن الابصار، انّ ربک لهو العلیم الخبیر.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره‌ی ۱۵۲، ص ۲۱۲) (مضمون: ای ناظر به خداوند، بدان که مشرکان از جمیع جهات ما را احاطه کرده‌اند؛ آنان از سرزمینی اخراجمان کردند و به دیاری دیگر واردمان نمودند؛ این چنین مقدر شد در لوح از نزد مقتدر قدیر. از این امر محزون مباش، زیرا در آن حکمتی عظیم نهفته است؛ به زودی آنچه امروز از دیدگان مستور است ظاهر خواهد شد. همانا پروردگارت علیم و آگاه است.)
- ۱۳ « نوری که اهل ایران در اطفاء آن جاهد و ساعی، احزاب مختلفه به ظهور و بروز... آن مشغول؛ عنقریب ظاهر می‌شود آنچه که از اعین عالم مستور است؛ کذلک نطق لسان العظمة، فضلاً من عنده، و هو الفضالُ الکریم.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۸۰) (مضمون بخش عربی: این گونه سخن گفت لسان عظمت، فضلی از نزد خودش، و او بسیار بخشنده و کریم است.)
- ۱۴ « آنچه در ارض مشاهده می‌نمایی ولو در ظاهر مخالف اراده‌ی ظاهریه‌ی هیاکل امریه واقع شود، و لکن در باطن کل به اراده‌ی الهیه بوده و خواهد بود.» (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۱۶۳)
- ۱۵ « آنچه از قلم اعلیٰ جاری، البتّه ظاهر شده و خواهد شد... انّ ربک یعلم و یقول و الناس اکثرهم لا یعلمون.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۱۷) (مضمون بخش عربی: همانا پروردگارت می‌داند و می‌گوید و خلق اکثرشان نمی‌دانند.)
- ۱۶ « آیین یزدان با قوّت و نیرو بوده و هست؛ زود است آنچه از زبان گفته شد در ظاهر دیده شود.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۳۶- دریای دانش، ص ۷۰)

- (۱۷) «عنقریب آنچه (را) در الواح از قلم اعلی نازل، در ظاهر مشاهده نمایند.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۸۰- آیات الهی ۲، ۱۰ آوریل)
- (۱۸) «زود است که آنچه از قلم اعلی نازل شده، مشاهده گردد.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۳۰۸)
- (۱۹) «آنچه از قلم اعلی نازل شده، البتّه ظاهر خواهد گشت.» (جمال ابهی، مائده‌ی آسمانی ۷، ص ۲۵۴)
- (۲۰) «آنچه از قلم اعلی جاری، کل ظاهر شده و اخبارهای دیگر هم که در الواح هست، کل ظاهر خواهد شد.» (جمال ابهی، مائده‌ی آسمانی ۷، باب ششم، ص ۲۵۵)
- (۲۱) «سوف تحیط آثاره (هذه النار الموقده) من فی الاقطار.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱۸، ص ۱۳۴) [به زودی آثار آن (این آتش افروخته) بر همه اهل دیارها احاطه خواهد یافت.]
- (۲۲) «تالله کُلُّ ما اخبرناهم قد ظهر و لا مرّد له الا بان يظهر، لانه جری من اصبح حضرت عبدالبهاء ز قدیر.» (سوره‌ی وفا، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱۸) [مضمون: به خداوند قسم، همه‌ی آنچه که به آنان خبر داده بودیم، بعضی ظاهر شده و (باقی نیز) ناگزیر ظاهر خواهد شد، زیرا که از انگشت قدرت و عظمت جاری شده است.]
- (۲۳) «تغییر این ارض و حوادث عالم، آنچه را که ثبت شده (از جمله، وعود الهی)، تبدیل نماید و محو نسازد؛ انّه جری من قلم الاثبات؛ لا تأخذهُ المحو بدوام الملك و الملكوت.» (لثالی الحکمة ۳، ص ۲۹۷) [مضمون بخش عربی: آن (آنچه ثبت شده)، از قلم اثبات جاری شده است و به دوام ملک و ملکوت، محو و نابودی، آن را اخذ نخواهد کرد.]
- (۲۴) «آنچه از قلم اعلی جاری، ظاهر شده و می شود.» (آیات الهی ۲، ص ۱۶۸)
- (۲۵) «آنچه از قلم اعلی جاری، البتّه ظاهر شده و خواهد شد.» (جمال ابهی، مجموعه‌ی الواح مبارکه به خط جناب مشکین قلم، ص ۱۷)
- (۲۶) «سوف تری ما وعدت به من لدى الحقّ مشرقاً من افق الوفاء، انّ ربک لذو فضل عظیم.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱۲۴، ص ۱۸۴) (مضمون: به زودی آنچه را حق به تو وعده داد، از افق وفاق درخشنده و تابان خواهی دید؛ همانا پروردگارت صاحب فضل عظیم است.)
- (۲۷) «قدرت حق سبقت گرفته و اقتدار کلمه احاطه کرده به شانی که مع اعراض ملوک و مملوک و عبده‌ی اوهام و مع استعداد و منع کل، نور امر در هر ارضی مشرق مشاهده می گردد. سوف يظهر ما انزلناه فی الزّبر و الالواح كما ظهر ما اخبرنا القوم به من قبل، انّه هو العزيز العلام.» (اشراقات و چند لوح دیگر،

ص ۲۱۴- مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۱۶۳) (مضمون بخش عربی: به زودی آنچه در زبر و الواح نازل کردیم ظاهر خواهد شد؛ همان‌گونه که آنچه از قبل به قوم خبر دادیم، ظاهر شد. همانا او عزیز و علام است.)

(۲۸) « آنچه در الواح از قلم اعلی جاری شده، ظاهر گشته و می‌گردد.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۴۵)

(۲۹) « زود است که آنچه را لسان حکایت می‌کند، چشم ادراک نماید.» (آیات الهی ۱، ۳۱ دسامبر- قلم اعلی ۷، ص ۶۶)

(۳۰) « البتّه آنچه از قلم اعلی نازل شده، ظاهر خواهد شد.» (آیات الهی ۲، ۳۰ اوت)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳۱) « هیچ چیز نمی‌تواند مانع از تحقق کلمه‌الله شود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، دوشنبه، ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱)

(۳۲) « آنچه از قلم اعلی صادر، البتّه ظاهر و باهر خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۶)

(۳۳) « این (صلح و عدل و حبّ)، از امور مبرورهای محتومه‌ی کور ظهور است.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، ص ۱۷۸)

(۳۴) « این امور (هفت شمع وحدت) که ذکر شد، جمعاً قطعی الحصول است؛ زیرا قوتی ملکوتی مؤید آن.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۳۵) « آنچه در الواح الهیه اخبار داده شده است، کلّ ظاهر گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۴۴)

(۳۶) « آنچه از قلم اعلی صادر حتمی الوقوع (است).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۱۱۷)

(۳۷) « اخبارات جمال قدم البتّه کلّ ظاهر و محقق گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۲۸۹)

(۳۸) « آنچه از قلم میثاق صادر یقین بدان محقق و ظاهر خواهد شد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۷، ص ۱۵۶)

۳۹) « آنچه حق خواهد آن واقع گردد و مادون حق، لیس لهم من الأمر شیئا.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۴۸) (مضمون عبارت عربی: غیر حق بر چیزی توانا نیست).

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۴۰) « ای یاران و مشتاقان جلوه‌ی امررحمن، قلب را مطمئن نمایید و خاطر را آسوده کنید. ان الله لایخلف وعده؛ لکم میعادکم لاتستأخرون ساعة و لاتستقدمون. در قرآن حکیم خداوند علیم می فرماید "و سوف تظهر آثارها اشد و اقوی و لایصدنک عنها من لایؤمن بها و اتبع هوایه فردی."» (توقیع منیع نوامبر ۱۹۲۷، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۵)

۴۱) « آنچه را صریحاً وعده فرموده، چه از احقاق امرالله و چه از اذهاق و تشتیت شمل معتدین، به رأی العین ظاهر و آشکار سازد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۲-۲۱)

۴۲) « سلطان سریر لاهوت، حضرت ربّ الجنود... از اعلی رفارف قدس ندا می فرماید: " (س) اَتَمُّ مَا وَعَدْتُكُمْ به فی الواحی."» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۶) (مضمون بخش عربی: (به زودی) آنچه را در الواح به شما وعده دادم، تمام می‌کنم).

۴۳) « انذارات قلم اعلی عنقریب کل تحقّق یابد و بشارات طلوع صبح هدی رخ بگشاید.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۷)

۴۴) « آنچه از قلم اعلی نازل گشته محتوم است و واقع و حکم بداء از آن مرفوع.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۸)

۴۵) « شکر و سپاس مهیمن مختار را لایق و سزا که آنچه را به آن وعده داده ظاهر فرمود و عنقریب آنچه در خزائن تقدیر مستور و مخزون است از پس پرده‌ی ستر و خفا به اصبع اقتدار برون آید و شهره‌ی آفاق شود. صبر و تحمل لازم.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۷۱)

۴۶) « عنقریب... مسطورات قلم اعلی من دون استثناء، کالنقش فی الحجر در قلب جهان و جهانیان منطبق و مرتسم گردد. یومئذ ینوح المکذّبون و یفرح المؤمنون بنصرالله.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۳۱) (مضمون عبارت عربی: آنگاه دروغگویان نوحه خواهند کرد و مؤمنان از نصرت خداوند شادی خواهند نمود).

۴۷) « امر عزیز الهی در عهد آتیه‌ی عصر تکوین که عصر ثانی دور بهایی است و در عصر ذهبی^{۹۱} که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدّس است، مراحل باقیه را در کافیه ممالک و دیار که به انوار

^{۹۱} به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

- ساطع‌اش در این قرن پرنور منور گشته، طی نماید و وعود الهیه که در خزائن صحف قیمه مخزون است کلّ تحقق یابد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۱۱۱)
- (۴۸) « یاران را... اطمینان دهند که آنچه این عبد (حضرت ولیّ محبوب امرالله) کراراً و مراراً در مکاتیب عدیده از قبل و بعد بشارت داده و تأکید نموده، مکشوف و عیان گردد؛ و ان هذا الوعد، غیر مکذوب.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۷-۳ شهرالنور ۹۴ بدیع، مطابق با ۷ جون ۱۹۳۷) (مضمون عبارت عربی: همانا این وعده، تکذیب‌ناپذیر است.)
- (۴۹) « بشارت کتاب حضرت دانیال^{۹۲} تحقق پذیرد.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)
- (۵۰) « امر ستمدیده‌ی الهی... مراحل مقدّره‌ی محتومه (ی هفتگانه‌ی مجهولیت، مظلومیت، انفصال، استقلال، رسمیت، سلطنت الهی^{۹۳}، سلطنت جهانی بهایی) را متتابعاً مترادفاً طی نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودت، ص ۳۲)
- (۵۱) « این عبد (حضرت ولیّ امرالله)... یاران (احبای ایران) را به صبر و شکیبایی و تحمل این مشقات و متاعب و مصائب دلالت نماید، الی ان یُنجز الله وعده و یرفع امره... و یُحقّق آمال اولیائه و اودائه.» (۱۳ شهرالقدره ۱۰۴ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱) (مضمون جملات عربی: تا این که خداوند به وعده‌اش وفا کند و امرش را ارتفاع بخشد... و آمال اولیاء و دوستانش را محقق سازد.)
- (۵۲) « وعود الهیه... تحقق یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)
- (۵۳) « این وعود الهیه و بشارت سامیه که از قلم اعلی و کلك ملهم مرکز میثاق صادر گشته، به مدلول این آیه‌ی مبارکه حتمی‌الووع است. قوله الاحلی: "آنچه از قلم اعلی جاری، البتّه ظاهر شده و خواهد شد و لایقی من حرف الا و قد یراه المخلصون مستویاً علی عرش الظهور."» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷۸] (مضمون بخش عربی: حرفی باقی نمی‌ماند مگر آن که مخلصان آن را مستوی بر عرش ظهور خواهند دید.)
- (۵۴) « بر اساس این اصول تشکیلاتی خداداده است که آیین حضرت بهاءالله، یعنی سفینه‌ی نجات عالم انسانی، باید شکل یابد و تجسم پذیرد و بر همان اساس است که جمیع مواهب آینده‌ی نوع انسان تحقق می‌یابد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۶-توقیع مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

^{۹۲} به مبحث ۲، فقره‌ی ۷۶ مراجعه شود.^{۹۳} به مبحث ۱۳۵ رجوع شود.

۵۵) « این است (رئوس کلی جامعه‌ی متحد جهانی) هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت بخش حیات به سویش روان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۵۶) « دعوت حضرت بهاءالله... هم شامل انذار و اخطاری است و هم حاوی مژده و بشارتی: اخطار به این که نجات این جهان محنت زده تنها در اجابت آن دعوت میسر گردد و بشارت به این که تحققش به زودی در این عالم امکان به وقوع خواهد پیوست.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۵۱- نظم جهانی بهایی، ص ۶۴- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۵۷) « آنچه... که در کتاب اقدس و الواح وصایا... وعده داده شده، البته در آینده در میقات مقدر، مقرر گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۲- توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۵۸) « آیا این وعده‌ی صریح و اطمینان بلیغ از قلم مُلهم جمال قدم جلّ اسمه الاعظم نازل نشده که می‌فرماید: «فوالله الذی لا آله الا هو، لو یقوم واحد منکم علی نصره امرنا، لیغلبه الله علی مائة الف؛ ولو ازداد فی حبه، لیغلبه الله علی من فی السموات و الارض؟» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۲۸) (مضمون بخش عربی: قسم به خداوند یگانه، اگر یکی از شما بر نصرت امر ما قیام کند، خداوند او را بر صد هزار نفر غالب خواهد کرد و اگر بر محبتش بیفزاید، قطعاً خداوند او را بر اهل آسمان‌ها و زمین چیره خواهد نمود.)

۵۹) « وعود محتومه‌ی الهیه ظاهر و شمس عزت ربّانیه شارق و بازغ خواهد گردید.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۳۴)

۶۰) « هیچ امری نخواهد توانست خط مشیی را که قلم مُلهم حضرت عبدالبهاء... برای موقّیّت روحانی آن سرزمین (کشور آمریکا) ترسیم و تصویر نموده است^{۹۴}، بالمآل تغییر دهد.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۴)

۶۱) « شبهه‌ای نیست که... آنچه وعده‌ی صریح الهی است، تحقق پذیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، ۱۳ شهرالقدرة ۱۰۴ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۷)

۶۲) « آنچه دلخواه من اراده الله و وعده‌ی صریح مرکز عهدالله بوده، کاملاً تحقق پذیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۶۹)

^{۹۴} به مبحث ۳۴ مراجعه شود.

۶۳ « همم و مساعی یاران به اکیلی قبول مکمل و به طراز توفیق مطرز خواهد شد، و اینّ هذا لوعده غیر مکذوب. » (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۳۴) (مضمون عبارت عربی: همانا این وعده‌ای است راست و درست.)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۶۴ « صلح مطلوب که رؤیای بشر در طی اعصار و قرون بوده، حال بر اثر نفوذ کلام خلاق حضرت بهاءالله که مؤید به قوه الهی است، تحقّقش قطعی است. » (بیت العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۴، ص ۲۹)

۶۵ « ای دوستان مهربان، وقت شادمانی است؛ زیرا وعود حضرت کردگار پی‌درپی در عالم امکان آشکار و پدیدار شود. » (پیام ۲۱ مارس ۱۹۸۶ / نوروز ۱۴۳ بدیع)

۶۶ « فی الحقیقه ربّ الجنود وعده فرموده است که فتح و ظفر محتوم و کامل نصیب یارانش خواهد شد. » (پیام رضوان ۱۹۹۶)

۶۷ « اراده‌ی الهی برای بنی نوع انسانی در حال تحقّق و استقرار است. » (پیام ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱)

۶۸ « آیا حضرت بهاءالله با این کلمات پرهیمنه... وعده فرموده و قوت و قدرت عنایت نموده‌اند که می‌فرمایند: "از حوادث دنیا محزون مباشید؛ بحر فرح، لقای شما را آمل، چه که هر خیری مخصوص شما خلق شده و به اقتضای اوقات ظاهر خواهد شد؟" » (پیام رضوان ۲۰۰۲)

۶۹ « تقدّم نقشه‌ی عظیم الهی، فتح و ظفر نهایی امریزدانی، و پیشرفت جهان به سوی وحدت عالم انسانی، امری است محتوم. » (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۱۱. تحقّق وعود امری تدریجی است (۱۶)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « در حین ظهور، کلّ اشیاء حامل فیوضات و استعدادات لائحی شده^{۹۵} و خواهد شد، و به اقتضای وقت... ظاهر می‌شود. » (آیات الهی ۱، ص ۳۵۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

^{۹۵} به مبحث ۵۳ رجوع شود.

۲) « حال به حسب ظاهر اگر چه آثار باهری این طلوع الهی بتمامه در حیز شهود مشهود نه؛ اما در حقیقت وجود تحقق یافته و به مقتضای استعداد این عباد ظاهر و عیان گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۱۰۴)

۳) « هر چند هنوز به ظاهر، این نجم هدی (صلح و عدل و حبّ جهانی) در افق عالم باهر نه، ولی صبح مبینش ساطع و عنقریب شمس منیرش طالع گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، ص ۱۷۸)

۴) « عالم ایجاد به حقائق انوجاد و احکام و تجلیات حقیقت کلیه و هویت جامعه متجلی شد؛ حال عالم حبه است، عنقریب از این حبه شجر عظیم برآید و از این ذره فروع و دوحه و اوراق مخضره و شکوفه و ثمره پدیدار گردد، آنوقت آیه مبارکه: " و تری الأرض هامدة و اذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت و انبتت من کلّ زوج بهیج"^{۹۶} رخ بگشاید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۱۴۰) (مضمون بخش عربی: می بینی زمین را خشک و مرده، و آنگاه که بر آن آب نازل نمایم به جنبش آید و پرورش یابد و از هر زوجی به زیبایی برویاند.)

۵) « آنچه از قلم اعلی صادر البته ظاهر و باهر خواهد شد؛ ولی هنوز عالم انسانی بتمامه مستعدّ این کامرانی نیست؛ اندک اندک این موهبت آسمانی از افق جان و وجدان طلوع کند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۶) « یکتا نجات دهنده‌ی عالمیان آنچه را وعده فرموده... به مرور ایام مکشوف و واضح گردد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۹)

۷) « به کرات و مرات از لسان اطهر مرکز میثاق... شنیده شد که هر چند منطوق بعضی از نصوص کتاب الهی واضح و عیان گردید و حقایق مکنونه مکشوف شد... ولی با وجود این... هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده‌ی قضا مکنون و تحقق مواعید جانپرورش به وقت دیگر مرهون.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۷-۲۷۸)

۸) « وعود صریحه‌ی محتومه‌اش متتابعاً در ظهور و بروز (است).» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۶۴)

۹) « مصداق بشارات قلم اعلی در شرف ظهور و وقوع است و نتایج بلیات و صدمات و مشقات متوالیه حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی و مولای عزیز حضرت عبدالبهاء متدرجاً باکملها و احسنها واضح و مکشوف می‌گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مانده‌ی آسمانی ۳، ص ۴۹)

^{۹۶} سوره‌ی حج، آیه‌ی ۵.

۱۰) « چون این بنیان اعظم (بیت العدل اعظم)، بر این اساس اقوم مرتفع شود، نوایای مقدّسه‌ی الهیّه و حکم و معانی کلیّه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه، الهامات غیبی حضرت بهاءالله ودیعه گذاشته (شده)، به تدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۸)

۱۱) « آنچه وعده‌ی الهی است به وقتش ظاهر شود و تحقّق پذیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، ۱۳ شهرالقدره ۱۰۴ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۰)

۱۲) « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور، به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۷-۸۱۶)

۱۳) « به تدریج آنچه در الواح الهیّه مسطور و مدوّن است در این ارض (ارض اقدس) و بلدان دیگر در شرق و غرب، کاملاً تحقّق پذیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۴)

۱۴) « به مرور ایام، مصداق بشارات الهیّه در کتب و صحف و زبر و الواح، در اطراف و اکناف عالم تحقّق پذیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۶)

۱۵) « به نحوی روز افزون، علنی و آشکار می‌گردد که وعود درخشانی که مولای فقیدمان مکرراً بیان می‌داشت، به دقتی خارق العاده و با سرعتی اعجاب‌انگیز، یکی پس از دیگری، در حال تحقّق است.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۴۹)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۶) « وقت شادمانی است، زیرا وعود حضرت کردگار پی‌درپی در عالم امکان آشکار و پدیدار شود.» (پیام نوروز= ۲۱ مارس ۱۹۸۶، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۶۶)

بخش چهارم- عوامل مؤثر در تحقّق وعود (۸۶)

۱۲. مشیّت الهی و پروژه‌های ارض اقدس پشتوانه‌ی تحقّق وعود است (۱۵)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « آنچه ظاهر شده و می‌شود، از کلمه‌ی حقّ جلّ جلاله بوده (است).» (آیات الهی ۱، ص ۳۳۳)

- (۲) « از برای هر امری میقاتی مقرر و مقدر است؛ اذا جاء الحین، يظهر بالحق من لدی الله رب العالمین.» (مجموعه‌ی الواح حضرت بهاءالله به خط مشگین قلم، ص ۲۷۷) (مضمون بخش عربی: هنگامی که وقتش برسد، حقیقتاً از نزد خداوند، پروردگار جهانیان ظاهر خواهد شد.)
- (۳) « سوف يُظهرالله ما كان مستوراً فی هذا اليوم.» (حضرت بهاءالله، آیات الهی ۲، ص ۲۱) [مضمون: به زودی خداوند آنچه را که در این یوم (دور بهایی) مستور است، ظاهر خواهد کرد.]
- (۴) «..همه‌ی مردمان زمین به یقین بدانند و با چشمان درونی و بیرونی مشاهده کنند که پروردگار تمامی نام‌ها، تحت جمیع شرایط و احوال، بر اهل عالم استیلا داشته و به این سلطه و غلبه نیز ادامه خواهد داد.» (حضرت بهاءالله، مندرج در مرور معبود، ص ۲۹۵)
- (۵) « آنچه درارض مشاهده می‌نمایی... کلّ، به اراده‌ی الهیه بوده و خواهد بود... ذره‌ای از ذرات حرکت نمی‌کند، مگر به اراده‌ی حق.» (آیات الهی ۱، ص ۳۴۴)
- (۶) « اراده‌ی او مهیمن است بر اراده‌های اهل عالم و قدرتش نافذ و علمش محیط بوده و خواهد بود.» (آیات الهی ۲، ص ۲۱)
- (۷) « فسوف یغلب ما اراد الله و تری کلّ الارض جنة الابهی.» (لوح رییس) (جمال ابهی، امر و خلق جلد ۴، ص ۴۷۵) (مضمون: به زودی آنچه که خداوند اراده فرموده، غالب خواهد شد و تمامی زمین را جنت ابهی خواهی دید.)
- (۸) « محزون مباشید، عنقریب (به زودی)... ما اراد الله (آنچه خدا اراده نمود) ظاهر و هویدا خواهد گشت. انه علی کل شیء قدير.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۷۵)
- ب) از آثار حضرت عبدالبهاء
- (۹) « آیا... به ادراک و به ذکاء طبیعی کشف این وقوعات (انذارات جمال مبارک به سلاطین که در مدت قلبه تحقق یافت)... ممکن است؟... لا والله، مگر به قوه‌ی ملیک مقتدر تحقق یابد و به کلمه‌ی نافذهاش مجری کند و از پیش خبر دهد.» (مکاتیب ۱، صص ۳۸۲-۳۸۱)
- (۱۰) « این امور که ذکر شد (شمع‌های هفت گانه‌ی وحدت-م) جمیعاً قطعی الحصول است؛ زیرا قوتی ملکوتیه مؤید آن.» (حضرت عبدالبهاء، توفیق ۸۹ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۸)
- (۱۱) « فی الحقیقه خداوند آنچه را اراده نماید مجری سازد و احدی قادر بر انعدام میثاق او نیست^{۹۷}.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، مندرج در ارکان نظم بدیع، ص ۳۱۱)

^{۹۷} به مبحث ۸۲ رجوع شود.

۱۲) « حقّ تا امری را ظاهر نفرماید، هرچند مشهورتر از آفتابست و معروف‌تر از ماه عالمتاب، باز در تحت استار است و در خلف پرده مخفی نه آشکار و چون پرده را حقّ بردارد واضح گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره‌ی ۴۳۹)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۳) « يُخْرِجُ (الله) من بطون هذا الكور الالمع الامنع الخطير^{۹۸}، ما اراده.» (حضرت ولیّ امرالله، تویع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۰) (مضمون: خداوند از بطن‌های این کور درخشان خطیر بلند مرتبه، آنچه را اراده نموده است خارج خواهد کرد).

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۴) « در این ایام، اهل بهاء البتّه این فرصت مبارک را غنیمت شمارند و همّت والا بگمارند تا این تأسیسات عظیمه (مشروعات حول قوس کرمل) به انضمام طبقات بدیعه‌ی نورانیّه‌ی مستظله در ظلّ مقام مقدّس اعلی اتمام پذیرد... و تحقّق وعود الهیّه را تسریع کند.» (پیام آگوست ۱۹۹۳)

۱۵) « هنگامی که نقشه‌ی عظیم الهی^{۹۹} با نقشه‌ی کوچک‌تر پروردگار تداخل می‌کند ادنی تردیدی نباید روا داشت که در میقات معین، تقدیر الهی فرصتی را برای امکانات درخشان ترقّی و تقدّم منافع و مصالح امر شکوهمند الهی فراهم خواهد آورد.» (پیام رضوان ۲۰۰۳)

۱۳. دعا وسیله‌ی تحقّق وعود است (۱۷)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « ای سمندر نار موقده... جمال مبارک... در اواخر ایام از فمّ مطهّر وعده فرمودند که... نفوسی مبعوث گردند و هیاکل مقدّسی مشهود شوند که انجم سماء هدایتند و انوار فجر عنایت^{۱۰۰}... دعا و تصرّح فرمایند که این نفوس به فضل جمال قدم زود مبعوث گردند.» (حضرت عبدالبهاء، پیام بهایی، بندی ۱۵۲، ص ۳۰- نیز مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۹-۱۹۲۲، ص ۱۷۸)

^{۹۸} به مبحث ۱۴۹ مراجعه شود.

^{۹۹} به مبحث ۷۷ رجوع شود.

^{۱۰۰} به مبحث شورانگیز ۱۲۰ مراجعه شود.

- (۲) « ای پروردگار، وعد خویش را آشکار کن و سلاله‌ی حضرت خلیل^{۱۱} را بزرگواری فرما.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹۴، فقره‌ی ۴۴۷)
- (ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله
- (۳) « از آن مولای حیّ توانا (حضرت عبدالبهاء) رجا و تمنا نمایم که... وعود الهیّه جلوه نماید و تحقّق یابد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۸۱)
- (۴) « از درگاه یکتا نجات دهنده‌ی عالمیان از اعماق قلب مستلت نمایم که آنچه را وعده فرموده چون شمس در وسط سماء ظاهر و آشکار سازد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۹)
- (۵) « بشارت موعوده تحقّقش... منوط به توجّه و استعانه‌ی مستمرّ آن نفوس از مصدر الطاف است.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۸)
- (۶) « این عبد در احیان زیارت... تحقّق وعود الهیّه را در آن سامان (ایران)، به کمال عجز و نیاز طالب (هستم).» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱)
- (۷) « تحقّق مواعید الهی... را... در موطن اصلی (امرالله)، از آستان الهی ملتسم.» (حضرت ولیّ امرالله، تلگراف ۱۲ جولای ۱۹۵۰، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۲۹)
- (۸) « برای تحقّق عاجل مواعید پر جلال... دعا می‌کنم.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۱۶)
- (۹) « ای قویّ قدیر... مصداق وعود منصوصه‌ی کتاب اقدس را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)
- (۱۰) « ای ربّ توانا... وعده را وفا نما... دیده‌ی انتظار را روشن کن.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۵)
- (۱۱) « ای مولای توانا... حزن و اندوه این مصیبت زدگان را...، به تحقّق وعده‌های جان پرورت محو و زائل کن.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۷)
- (۱۲) « ای مولای توانا... تو شاهد و آگاهی که این مشّت ضعفا... امید و اتکالی جز وعده‌های صریحه‌ات... نداشته و ندارند.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۸)
- (۱۳) « ای مولای بی‌همتا... قوه و استطاعتی بر... تحقّق نوایات عطا نما.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۹)

^{۱۱} به مبحث ۳۲ رجوع شود.

۱۴ «ای پاک پروردگار... به وعده‌های جان پرورت دل بسته (ایم).» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولی‌ امرالله، ص ۱۵)

۱۵ «ای قویّ قدیر،... وعود الهیّه (را) که در کتاب اقدس مسطور، اکمال و اتمام فرما.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولی‌ امرالله، ص ۱۹)

۱۶ «رَبَّنَا و مَلَاذَنَا، اَزَلْ كَرَوْنَا بَبِرُوحِ شَمْسٍ وَعَدِكَ الْكَرِيمِ.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولی‌ امرالله، ص ۳۶) (مضمون: ای پروردگار ما و پناه ما، اندوه‌هایمان را به تابش خورشید وعده‌ی کریمت زائل کن.)

۱۷ «بر ما است که... از دل و جان دعا نماییم تا جمال یزدانی آن مقصد آسمانی را که اعظم نتیجه‌ی ذهن ووقّاد حضرت بهاءالله و ابهی ثمره‌ی تمدّن اهل عالم است (استقرار ملکوت ابهی بر بسط غبراً^{۱۰۲})، هرچه زودتر در عالم امکان تحقّق بخشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۶، توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۱۴. تحمّل بلایا و فداکاری‌های احبّاً عامل تحقّق وعود است (۲۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ «قد جعل الله البلاء اكليلاً لرأس البهاء، سوف تستضيء منه الآفاق.» (جمال ابهی، نقل توسط حضرت ولی‌ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ق از باب بیست و یکم، ص ۶۵- آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره‌ی ۱۱۲، ص ۱۷۲/ نیز مذکور در توقیع منبع نوامبر ۱۹۲۷، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۶) (مضمون بیان: خداوند بلا را تاجی برای رأس بهاء قرار داد. به زودی عالم از آن نورانی خواهد شد)

۲ «قل إنَّ البلاء ماءٍ لِمَا زَرَعْنَا فِي الصُّدُورِ، سَوْفَ تَنْبُتُ مِنْهُ سِنْبَلَاتٌ يَنْطِقُ كُلُّ حَبَّةٍ مِنْهَا، اِنَّه لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.» (جمال قدم، منقول در توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۹) (مضمون: بگو بلایا به مثابه‌ی آب است برای آنچه در سینه‌ها کشتیم، به زودی از آن، خوشه‌هایی خواهد روید که هر دانه‌اش به نطق آید که، نیست خدایی جز او که عزیز و حکیم است.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

^{۱۰۲} به مبحث پرشکوه ۱۴۷ مراجعه شود.

۳) « اگر چه امتحان در این ایام، بی حدّ و پایانست؛ ولی فضل و الطاف یزدان نیز بی حساب و بی کران؛ همیشه متذکر بلاای شما هستم و از حقّ طلب استقامت و ثبوت می‌نمایم. این بلایا تخم افشانیست؛ عنقریب ملاحظه خواهید نمود که برکت خرمن گشته و فیض نامتناهی مبذول داشته.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره‌ی ۳۰۳)

۴) « این مصیبت، فوق مصیبت‌هاست... این وقایع (امورات واقعه در ایران) سبب گردد تا آنچه در الواح مقدّسه مذکور و مضبوط تحقّق یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب اول از ردیف ن، ص ۲۶۳)

۵) « اگر تعرّض مستکبرین و تهتک مرجفین (برده‌داری اراجیف‌گویان) نبود و فریاد بر منابر و بیداد اکابر و اصاغر و تکفیر جهلاء و عربده‌ی بلها نبود... وعده‌های انبیاء و بشارات اصفیاء و نویدهای مظاهر احدیه به این بقعه‌ی مبارکه (اراضی مقدّسه) چگونه تحقّق می‌نمود؟» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب اول از ردیف ث، ص ۱۰۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۶) « ثبات و استقامت یاران (در بلایا) تأثیری عظیم و نفوذی شدید در... کیفیتّ ظهور و عود الهیه... دارد.» (حضرت ولیّ امرالله، امروز خلق ۴، ص ۴۸۲)

۷) « این قبیل اشاعات و روایات و حملات که از طرف اهل غلّ و بغضاء وارد و ظاهر می‌گردد، وسائل و تمهیدات غیبیه‌ای است از برای تسریع و تحقّق آن یوم موعود و فتح و ظفر مشهود^{۱۰۳}.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۸۴)

۸) « با وجود این محن و فتن و موانع و مشاکل و مصاعب و مصائب^{۱۰۴}، امر عزیز الهی یواً فیوماً در ارتفاع... و عود الهیه ظاهرتر و باهرتر.» (حضرت ولیّ امرالله، توفیق ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۷۶)

۹) « اگر چنانچه طلاطم دریای بلا ازدیاد یابد و طوفان محن و رزایا از شش جهت آن جمعیتّ مظلوم (احبای ایران) را احاطه نماید، بحقّ یقین بدانید و آنی متردّد (آدم شکاک) نمانید که میعاد نجات و میقات جلوه‌ی موعوده‌ی دیرینه نزدیک گشته و وسائل اخیره‌ی فوز و نصرت عظمی از برای ملتّ ستمدیده‌ی بهاء، در آن کشور مهیّا و فراهم شده (است).» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۵۳)

^{۱۰۳} بخصوص، به مباحث ۳۳ و ۷۳ مراجعه شود.

^{۱۰۴} به مبحث ۱۹ رجوع شود.

د) از آثار بیت العدل اعظم

- ۱۰) « نفس این مکابره و مقابله و مهاجمه (صف آرایی جهانی علیه امرالله، مبحث ۱۹)... سبب تشبیت شمل اعداء شود و بالمآل... صبح و عود الهیّه بردمد و جهان جهان دیگر شود^{۱۰۰}». (پیام ۹ شهر العزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۴)
- ۱۱) « یاران عزیز در ایران... در نهایت مظلومیت و صداقت و حکمت و شجاعت... تن به قضا داده‌اند و سر بر وادی تسلیم و رضا نهاده، تحمّل هر بلایی را آماده‌اند؛ زیرا به یقین مبین، تحقّق و عود حتمیّه الهیّه را مستلزم وقوع حوادث شدید و تحمّل مشکلات عدیده دانند. (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۳۰)
- ۱۲) « تردیدی نیست که ظلم و ستم پیگیری که با این قساوت، بر احبّای ایران وارد می‌شود، بالمآل مغلوب و مقهور ید قدرت الهی خواهد گردید و جریان حوادث را، به اسبابی غیبی، به سوی مقدرات قطعیه‌ی پرشکوه و جلالی که از مواعید الهی است، سوق خواهد داد. (بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۰۰)
- ۱۳) « بهاییان ایران... به دست توانای حضرت بهاء‌الله و در راه تحقّق نوایای مقدّسه‌اش مبعوث، و پرورش و آمادگی یافته‌اند. (پیام ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴)
- ۱۴) « احبّای ایران همچون نیاکان خود، نقش خود را در راه تحقّق نوایای مقدّسه‌ی الهیّه، با موقّیّت، انجام داده و خواهند داد. (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)
- ۱۵) « "این بلایا و رزایا و زجر و حبس و محنت و ابتلا در ساحت کبریا مذکور و اجرش موفور و محتوم. آنما یوفی الصّابرون اجرهم بغير حساب". برکات آسمانی و قوای روحانی منبعثه از اهراق دماء شهیدان و فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های قاطبه‌ی اهل بهاء در آن سرزمین (ایران) در تحمّل شرایط طاقت فرسا، و سبیل تحقّق و عود مبارکه‌ی الهیّه را یکی بعد از دیگری مهیا ساخته و می‌سازد. (پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶)
- ۱۶) « این گونه وقایع (دستگیری ۵۴ نفر از جوانان بهایی شیراز) و نتایج حاصله از آن، ماهیت اصلی جامعه‌ی بهایی و مقاصد غیر انسانی دشمنان را به عالمیان می‌شناساند و مخالفین را در انجام مقاصد خود مأیوس می‌کند و فرارسیدن روز موعود را بشارت می‌دهد. (پیام ۵ نوامبر ۲۰۰۶)
- ۱۷) « توضیح حضرت ولیّ عزیز امرالله در یکی از توقیعات مبارکه، به صراحت حاکی از آن است که: "میقات رفع تضيیقات و آزادی امرالله و استقلال شریعت‌الله مجهول و علمش عندالله؛ ولی ثبات و

^{۱۰۰} به مبحث ۱۰۲ مراجعه شود.

استقامت یاران تأثیری عظیم و نفوذی شدید در وقایع حالیه و کیفیت ظهور و عود الهیه و اعلان شریعت سماویّه دارد.» (پیام ۱ می ۲۰۰۷)

۱۸) « قوای منبعثه از این فداکاری‌ها (از جانب احبّای ایران) و تحمّل از شرایط طاقت فرسا بر طبق وعده‌های مبارکه، موجب پیشرفت امرالله بوده، و مآلاً موجب تأسیس وحدت عالم انسانی^{۱۰۶} خواهد شد.» (پیام ۱۵ می ۲۰۰۷)

۱۹) « ید قدرت الهی برای احبّای ممتحن ایران وظیفه‌ای مخصوص در انجام نوایای حضرت غنی متعال معین کرده است... استقامت در ایران، بقای جامعه‌ی اسم اعظم و رشد و شکوفایی مستمرّ آن، اساس تحقّق نوایای الهی است و جوانان عزیز سهم عظیمی از این مسئولیت را بر عهده دارند.» (پیام ۱۵ می ۲۰۰۷)

۲۰) « احبّای ممتحن (ایران) که در راه تحقّق و عود الهی... از هر نوع فداکاری ابایی نداشته و جان و مال و راحت و آسایش و پیشرفت مادی فرزندان خود را در این راه ایثار کرده و می‌کنند، از جمله دل‌باختگان واقعی جمال دوست محسوب و به اجری جزیل و مقاماتی عالی که در الواح مذکور است فائز خواهند شد.» (پیام ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹)

۱۵. تبلیغ امرالله ضامن تحقّق و عود است (۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « حال وقت آنست که احبّای الهی رایت وحدت را بلند نمایند و آیت الفت را در مجامع وجود تلاوت کنند و کلّ را بر احدیّ فیض الهی دلالت نمایند تا این که خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظلّ کلمه‌ی توحید در آرد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۳۰۵)

۲) « این موهبت (خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظلّ کلمه‌ی توحید در آرد) وقتی در قطب اکوان جلوه نماید که احبّای الهی به نشر راتحه‌ی طیّبه‌ی محبّت عمومیه پردازند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۳۰۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

^{۱۰۶} به مبحث ۱۰۳، و بخصوص مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

- ۳ « بشارات موعوده، تحقّقش متوقّف بر همّت یاران است و استقامتشان در سبیل اعلای امرالله.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۸- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۵)
- ۴ « باید... دقائق و جزئیات امور را تا حدّی ترک نمود و در مهمّ امور که ارتفاع صیت امر و حفظ حصن حصین شریعت‌الله است و تحسین اخلاق افراد بشر است، کوشید تا (از جمله) ... وعده‌های صریحه‌ی منزله از قلم میثاق تحقّق یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۰- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۷)
- (د) از آثار بیت العدل اعظم
- ۵ « هرچه بر تعداد... نفوس مقبله بیفزاید... وعود جمال الهی رخ بگشاید.» (پیام آگوست ۱۹۹۳، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۷۹)
- ۶ « سرعت تحقّق وعود الهیه در آن خطّه‌ی مبارکه (ایران) تا حدّ زیادی به جدیت احبّای عزیز در میدان تبلیغ، با رعایت حکمت وابسته است.» (بیت العدل اعظم، پیام مورّخ ۷ جون ۲۰۰۷)
- ۷ « در دست خط‌های عیدیه‌ای که توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم صادر گشته، تأکید و گوشزد شده است که سرعت تحقّق وعود الهیه در آن خطّه‌ی مبارکه (ایران) تا حدّ زیادی، به رعایت اصل حکمت از جانب احبّای عزیز در میدان تبلیغ وابسته است.» (پیام ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰)
- ۸ « احبّای الهی همیشه موظّف و مکلف به تبلیغ امرالله بوده و هستند؛ چه که انجام (دادن) این فریضه‌ی ربّانی، لازمه‌ی استمرار تأییدات غیبیه‌ی رحمانیه و وسیله‌ی تحقّق وعود الهیه و استقرار نظم بدیع جهان‌آرای^{۱۰۷} جمال ابهی است.» (پیام ۱۳ آوریل ۲۰۰۸/ نیز با کمی تفاوت، پیام ۱۳ ژانویه ۲۰۱۳)

۱۶. وظیفه‌شناسی مؤمنان مؤثر در تحقّق وعود است (۱۸)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

- ۱ « از حق بطلب و میطلبیم اهل بها را موقّف دارد بر حفظ آیاتی که سبب ارتفاع و ارتقاء عباد است؛ چه اگر از آیات منزله در مجالس در هر مقام قرائت شود عنقریب عالم از ما عندهم بما عند الله توجّه نمایند.» (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۵۱)

^{۱۰۷} به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲) «دعا می‌کنم که شور و شوق روحانی شما افزون گردد و قدرت وحدت معنوی شما بیشتر شود، تا وعود الهی تحقق پذیرد و در این قرن عظیم انوار الهی بشارات مندرج در کتب مقدسه محقق گردد. این همان زمانی است که حضرت مسیح در باره‌اش سخن گفته، هنگامی که فرمود "ملکوت بیاید، اراده‌ات بر زمین جاری گردد، همان سان که در آسمان جاری است" (ترجمه) امیدوارم که انتظار و آرزوی شما همین باشد.» (گفتارهای پاریس، ۹ نوامبر ۱۹۱۱)

۳) «این موهبت (خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظلّ کلمه‌ی توحید در آرد) وقتی در قطب اکوان جلوه نماید که احبای الهی به موجب تعلیمات رحمانیه قیام کنند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۳۰۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۴) «یوم یوم همّت و جانفشانی (است)، باید به اعمال پسندیده، اوامر الهیه را اجرا نماییم و توکل به حق کنیم تا آنچه را اراده فرموده من دون تأخیر تحقق یابد.» (حضرت عبدالبهاء، نقل توسط حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی، ۳، ص ۶۷)

۵) «ید غیبی الهی در تقلیب نفوس و ارواح مشغولست و شبهه‌ای نیست که اگر یاران ثابت و راسخ مانند و در نهایت تمکین و حکمت به وظائف خود قیام نمایند، اموری عجیبه از پس پرده‌ی حکمت الهی مشهود و عیان گردد و جنود تأیید به قوایی ملکوتی و به اسباب غیرمنتظره و در نقاطی مخصوصه، نصرت امر قیوم را خواهند کرد و چشم روحانیان را در تمام قطعات عالم روشن و منور خواهند نمود.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی، ۳، ص ۵۴)

۶) «بشارات موعوده، تحققش متوقف بر همّت یاران است.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی، ۳، ص ۲۸)

۷) «بشارات موعوده تحققش... مشروط به مراعات حکمت و توطید (محکم و استوار کردن) ارکان مشورت و تألیف قلوب در بین احبای (است).» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی، ۳، ص ۲۸)

۸) «احبای الهی... هر قدر اساس این محافل (محافل ملی = بیت‌العدل‌های خصوصی) را محکم‌تر نمایند... نوایای مبارکه زودتر و کامل‌تر تحقق پذیرد و جلوه نماید.» (توقیع ۲۷ شباط ۱۰۸۱۹۲۳، ارکان نظم بدیع، ص ۲۲۴)

^{۱۰۸} کلمه‌ای عبری؛ پنجمین ماه سریانی- یازدهمین ماه سال یهودی- ماه دوم سال شمسی در بعضی تقویم‌های عربی که معمولاً ۲۸ روزه و در سال‌های کبیسه، ۲۹ روزه است- نوزده هزار لغت

د) از آثار بیت العدل اعظم

- ۹) « هرچه یاران در خدمت آستانش راسخ‌تر، تأییدات غیبیه‌ی مبارک‌اش شامل‌تر و هرچه عنایات فائقه‌اش شدیدتر، تحقق و عود محتومه‌اش سریع‌تر.» (پیام آوریل ۱۹۶۴- جزوه‌ی ۴۱، ص ۱۱۶)
- ۱۰) « اهل بهاء... فضلا من عنده، به منزله‌ی وسائط و وسائل تحقق اراده‌ی الهیه در تأسیس مدنیت روحانی و وحدت عالم انسانی محسوبند.» (پیام ۹ شهرالعرّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۲)
- ۱۱) « عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله... چون حلقه‌ی اتّصالی، گذشته و آینده را به یکدیگر متصل نموده و ادوار سابقه را با عهد و اقسام متتابعه‌ی آتیّه، در مسیر تحقق و عود قدیمه‌ی سالفه‌ی الهیه، مرتبط ساخته است.» (پیام رضوان ۱۹۸۷)
- ۱۲) « از یاران عزیز در جمیع نقاط دعوت می‌کنیم... با تبرّعات کریمانه‌ی خود و عود حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله را برای استقرار مؤسّسات فخیمه‌ی امر اعظم الهی بر جبل الرّب متحقّق سازند.» (پیام ۲۳ می ۱۹۹۰)
- ۱۳) « خدمتی (مشارکت احبّاً در اتمام پروژه‌های ارض اقدس) که... اهل ملکوت را به وجد و سرور آورد و تحقق و عود الهیه را تسریع کند.» (پیام ۵ مارس ۱۹۹۳- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۴۵)
- ۱۴) « در این ایام، اهل بهاء البتّه این فرصت مبارک را غنیمت شمارند و همّت والا بگمارند تا این تأسیسات عظیمه (مشروعات حول قوس کرمل) به انضمام طبقات بدیعه‌ی نورانیّه‌ی مستظله در ظلّ مقام مقدّس اعلی اتمام پذیرد و این شرافت و منقبت و این موهبت و سعادت شامل حالشان شود که در تأسیس بنیاد مدنیت آسمانی، به خدمتی (کمک به ساختن ابنیه‌ی فخیمه در کوه کرمل) موقّق گشته‌اند که اهل ملکوت را به وجد و سرور آورد.» (پیام آگوست ۱۹۹۳، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۷۷)
- ۱۵) « فوریتی که علاقه‌ی ما را برای حصول چنین اقدامی (اکمال موفقیت آمیز اهداف نقشه‌ی سه ساله) تشدید می‌کند، فقط فخر و مباهات از پیروزی... نمی‌باشد، بلکه فرارسیدن زمان مواعید الهی است که باید به موقع تحقق یابد.» (پیام ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵)
- ۱۶) « جدّ و جهد دوستان (در نقشه‌ی سه ساله) راهگشای طرحی دیگر، یعنی نقشه‌ی چهارساله‌ی کنونی گردید. این نقشه وظیفه‌ی اهل بهاء را تا اواخر قرن بیستم معین و آنان را آماده می‌سازد تا تحقق و عود الهیه را سرعتی بیشتر بخشند.» [پیام شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع (مارس ۱۹۹۷)- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه‌ی جلد سوم، ص ۱۹- نیز مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۸۵]

- (۱۷) « احبّای ایران، همچون نیاکان روحانی خود نقش خود را در راه تحقّق نوایای مقدّسه‌ی الهیه با موفقیت انجام داده و خواهند داد.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)
- (۱۸) « در این ایام، آنچه بیش از هر وقت دیگر از اهمّ امور محسوب می‌شود، آن است که جوانان عزیز (مدینه‌ی شیراز)... بر نقش خود در این مسیر (تحقّق مواعید در میقات معین) که جمال اقدس ابهی به آنان عطا فرموده، بیش از پیش آگاه گردند.» (پیام ۵ نوامبر ۲۰۰۶)

۱۷. حوادث عالم دخیل در تحقّق وعود است (۹)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « مطمئن باشید که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلک میثاق نازل گشته، حوادث زمان و شئون امکان و اجراءات و اقدامات رجال ارض به نحوی غیر مستقیم و سائل مکنونه‌ی غیبیه‌ای را متدرّجاً محض اجرای نصوص الهیه، چنان فراهم آرند که جمیع مبهوت و متعجب و متذکر گردیم.» (مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۶۷- مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۷۶)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- (۲) « ای عشاق امر بهاء، وقت آن است که کلّ... در جمیع موارد و به یقین مبین بدانیم که آنچه واقع گردد خیر و صلاح امرالله است و وسیله‌ی تحقّق وعود حتمیه‌ی مولای بیهمتتا... چنانچه می‌فرماید: "لن یظهر فی الارض من شیء الا و قد قُدّر فیهِ مقادیر القدر من حکیم علیم و لن یُحرک من ذرة الا و قد قدر فیها حکمة بالغّة و کیف هذا النباء الاعظم القویم".» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۴- توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۷۲) (مضمون بخش عربی: هرگز در زمین چیزی ظاهر نمی‌شود مگر آن که قدر و اندازه‌ی آن از جانب خداوند علیم حکیم تعیین شده باشد و هیچ وقت ذره‌ای حرکت نمی‌کند مگر آن که حکمت بلیغی برای آن مقدر شده باشد؛ تا چه رسد به این نباء اعظم قویم.)

- (۳) « این ایام، ایام انقلاب^{۱۰۹} است و علائم و بشائر بشارات موعوده در کتاب، در بروز و ظهور.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۰)

^{۱۰۹} به مبحث ۱۰۰ رجوع شود.

۴ « یاران ستم‌دیده‌ی ایران... به یقین مبین (می‌دانند که هر قدر افق عالم تاریک‌تر گردد و تزلزل عالم کون بیشتر شود و هرج و مرج اتساع یابد، طلوع فجر موعود قریب‌تر گردد و اسباب تجلی و سطوع انوارش بهتر فراهم آید.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۰۳)

۵ « تحقق وعود حتمی الهیه بر تنبه و تذکر تمام هیأت اجتماعی بشر موقوف و این تذکر و تنبه عمومی جز به وفور بلیات و تعدد اضطرابات و تزیاد مشکلات حاصل نگردد و این است که هل بهاء از جام اطمینان مرزوقند و به روح امید زنده و مشغول.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۰۳)

۶ « يُظهِرُ(الله) فِي حَيْزِ الْوُجُودِ مَا قَدَّرَهُ مِنْ خَفِيَّاتِ هَذَا الْأَمْرِ الْأَعْظَمِ الْأَوْعَرَ الْفَرِيدِ.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۰) (مضمون: خداوند) از خفیات این امر اعظم یگانه‌ی عالیّه، آنچه را مقدر فرموده است، در عرصه‌ی وجود ظاهر خواهد ساخت.

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۷ « اما اهل بهاء که به عنایت الهی، اکیلی ایمان بر سر دارند و رداء اطمینان در بر از حوادث این جهان خائف و هراسان نشوند و ماقع را کلاً منطوق کتاب مرقوم و تحقق وعد و وعید جمال قیوم دانند.» (۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸/۹ شهر العزّة ۱۳۵ بدیع، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا)

۸ « گذشت زمان، سستی آن بنیان (بنای قدیم و به ظاهر مجلل مدنیّت مادی) را هر دم بیشتر نمایان سازد و بالنتیجه، تعداد بیشتری از نفوس غافله را بیدار کند... و هر چه بر تعداد این نفوس مقلبه بیفزاید سرعت ارتفاع بنای رزین و رصین نظم الهی^{۱۱۰} نیز افزایش یابد و وعود جمال ابهی رخ بگشاید.» [پیام ۵ مارس ۱۹۹۳ (شهرالکمال ۱۵۰ بدیع)- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۴۶]

۹ « این وقایع (سه اجلاسیه‌ی بین‌المللی برای مذاکره در مسائل و مشکلات عمومی جهان)... مراحل مهمّ در طریق تحقق وعود مصرّحه در آثار قلم اعلی در باره‌ی استقرار نظم بدیع^{۱۱۱} جهان‌آرا محسوب می‌گردد.» (۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰)

^{۱۱۰} به میحث ۱۰۱ مراجعه شود.

^{۱۱۱} به میحث ۱۲۹ رجوع شود.

بخش پنجم- وعود در بستر تاریخ (۶۵)

۱۸. وعود مظاهر قبل محقق شد (۶۵)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « در کتب الهی کل موعودند باین روز مبارک، یَوْمَ یَأْتِی رَبُّکَ بِمَنْزِلَةٍ غُرَّةٍ عَیْنِ قُرْآنِ بُوْدِهِ، وَجَاءَ رَبُّکَ وَالْمَلْکُ صَفًّا صَفًّا قَلْبِ آن.» (ثالثی الحکمة ۱، فقره‌ی ۱۰۵)
- ۲) « قد فاحت نسمة الله في العالم بما اتى المقصود بمجده الأعظم، اذاً کل حجر ومدر ینادی قد ظهر الموعود والملك لله المقتر العزیز الغفار.» (الواح نازله خطاب به ملوک و سلاطین، ص ۷۵-۷۶)
- ۳) « حق الیوم در ارض موعوده ظاهر و برکسی مذکور جالس، این ارضی است که به ارض مقدسه در فرقان مذکور و همچنین در کتب قبل، و ندای انبیا در این پیدا مرتفع و لکن اهلس به اولاد أفاعی مذکور و مسطور.» (ثالثی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۴۹)
- ۴) « اِذَا فُزَّتْ بِقَمِیصِ الْوَحْیِ وَوَجَدَتْ مِنْهُ عَرَفَ رَبُّکَ فَمَ بَیْنَ مَلَا الْأَرْضِ قُلْ قَدْ ظَهَرَ الْمَوْعُودُ بِسُلْطَانِ الْعُظْمَةِ وَالْاِقْتِدَارِ، اِیَّاکُمْ اَنْ تَمْنَعُکُمْ شُؤْنَاتُ الدُّنْیَا عَنْ رَبِّکُمْ الْعَلِیِّ الْاَبْهٰی.» (ثالثی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۰۷) (مضمون: هنگامی که به پیراهن وحی رسیدی و از آن بوی پرورگارت را استشمام کردی بایست در میان اهل ارض و بگو به راستی موعود با قدرت و عظمت و اقتدار ظاهر شد؛ مبدا شئونات دنیا شما را از پروردگار ابهائتان باز دارد.)
- ۵) « قُلْ تَاللهِ قَدْ اَتَى الْوَعْدُ وَالْمَوْعُودُ یَدْعُوکُمْ اِلَى اَعْلٰی الْمَقَامِ، اِیَّاکُمْ اَنْ تَمْنَعُکُمْ شُؤْنَاتُ الْوَرٰی عَنْ مَالِکِ الْعَرْشِ وَالثَّرٰی.» (ثالثی الحکمة ۳، فقره‌ی ۹۳) (مضمون: بگو به خداوند قسم وعده فرارسید و موعود، شما را به عالی‌ترین مقامات فرامی خواند، مبدا شئونات خلق شما را از مالک آسمان و زمین باز دارد.)
- ۶) « قُلْ یَا مَعْشَرَ الْاَمْرِآءِ وَالْعُلَمَآءِ وَالْعُرَفَآءِ قَدْ ظَهَرَ الْیَوْمَ الْمَوْعُودُ وَاَتٰی رَبُّ الْجُنُودِ اَنْ اَفْرَحُوا بِهَذَا الْفَرَحِ الْاَعْظَمِ ثُمَّ اَنْصُرُوهُ بِالْحِکْمَةِ وَالْبِیَانِ.» (ثالثی الحکمة ۳، فقره‌ی ۶۵) (مضمون: بگو ای گروه آمران و عالمان و عارفان، به راستی روز موعود فرارسید و رب‌الجنود آمد. شادی کنید به این فرح اعظم، سپس یاریش نمایید به حکمت و بیان.)

(۷) « هَذَا يَوْمُ اللَّهِ لَوْ أَنْتُمْ تَعْرِفُونَ وَهَذَا يَوْمُ الْمَوْعُودِ الَّذِي إِذَا ظَهَرَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ وَانْصَعَقَ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ مَالِكُ الْوَجُودِ. » (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۶۳) (مضمون: این روز خداوند است اگر می شناسید و این روز موعود است که وقتی ظاهر شد زمین به نورش روشن گشت و در صور دمیده شد و همه ی زمینیان مدهوش گشتند مگر کسی که خداوند، مالک وجود، مستثنایش داشت.)

(۸) « قُلْ تَاللَّهِ قَدْ فَتَحَ بَابُ السَّمَاءِ وَأَتَى مَنْ كَانَ مَوْعُودًا فِي كُتُبِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. » (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۶۰) (مضمون: به خداوند سوگند درب آسمان بگشوده شد و کسی که در کتاب‌های خداوند عزیز مجید به او وعده داده شده بود، آمد.)

(۹) « نَادَتْ حَمَامَةٌ الْأَمْرَ فِي الْفَرْدُوسِ الْأَعْلَى قَدْ ظَهَرَ مَنْ كَانَ مَسْتَوْرًا وَأَتَى مَنْ كَانَ مَوْعُودًا أَفْرَحُوا يَا مَلَأَ الْأَرْضِ وَأَجِيبُوا مَنْ دَعَاكُمْ إِلَى أَفْقِهِ الْأَعْلَى وَمَقَامِهِ الْأَبْهَى. » (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۴۹) (مضمون: حمامه‌ی امر در فردوس اعلی ندا نمود که به راستی ظاهر شد، کسی که مستور بود و آمد، کسی که موعود بود. شادی کنید، ای اهل زمین، و فرمان برید از کسی که شما را به افق اعلی و مقام ابه‌ایش می خواند.)

(۱۰) « قَدْ أَتَى الْوَعْدَ وَالْمَوْعُودَ يُنَادِي مَنْ أَفْقِهِ الْأَعْلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، طُوبَى لِلْسَّامِعِينَ وَطُوبَى لِلْفَائِزِينَ وَوَيْلٌ لِلْغَافِلِينَ وَالْمُنْكَرِينَ. » (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۹۳) (مضمون: وعده محقق گشت و موعود از افق اعلیش اهل زمین و آسمان را ندا می دهد؛ خوشا به حال گوش سپارندگان، و خوشا به حال رسیدگان، و وای به حال غافلان و منکران.)

(۱۱) « میقات امم منقضی شد و وعده‌های الهی که در کتب مقدسه مذکور است، جمیع ظاهرگشت و شریعة الله از صهیون جاری و اراضی و جبال اورشلیم به تجلی، ات انوار ربّ مزین. » (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۶-۱۷)

(۱۲) « يَا مَلَأَ الْأَرْضِ أَنْ افْتَحُوا أَبْصَارَكُمْ تَاللَّهِ قَدْ ظَهَرَ الْوَعْدُ وَأَتَى الْمَوْعُودُ بِسُلْطَانٍ لَا يَقُومُ مَعَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. » (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۶۷)

(۱۳) « قد ظهر ما وعد به كلُّ ملة في كتبهم. » (لثالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۱۲۵، ص ۲۵۴) (مضمون: به راستی ظاهر شد آنچه که هر ملتی در کتاب‌هایشان به آن وعده داده شده بود.)

(۱۴) « يا افناني... قل يا ملأ الارض لعمرا لله (به خداوند قسم) قد اتى و ظهر ما وعدتم به فى كتاب ربكم مالک المآب. اياکم ان تمنعکم شئون الخلق عن الحق، سوف يقنى ما يرى و يقنى ما نزل من لدى الله رب الارباب. » (الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۳۹) (مضمون: ای افنان من... بگوای اهل ارض، به خداوند سوگند، آنچه در کتاب پروردگارتان که مالک آینده است، بدان وعده داده شده بودید

- آمد و ظاهر شد. مبدا اوضاع خلق شما را از حق باز دارد، به زودی آنچه دیده می‌شود فانی خواهد شد و آنچه از نزد خداوند نازل گشته است، باقی خواهد ماند.)
- ۱۵ « در هر آن که تفکر در اعتراضات جمیع مردم از علماء و فضلاء و جهّال فرمائی در این امر (امر حضرت اعلی) محکم‌تر و راسخ‌تر و ثابت‌تر می‌شوی؛ زیرا که جمیع آنچه واقع شده، از قبل معادن علم لدنی و مواقع احکام ازلی خبر داده‌اند.» (ایقان مبارک، بند ۲۶۵)
- ۱۶ « یا شعبی فی برلین^{۱۱۲}، آن که گفت می‌آیم، آمده... وعده‌های کتاب ظاهر شده؛ اشارات صحف مشاهده گشته؛ خود را محروم ننمایید و بی‌نصیب مگردانید.» (حضرت بهاء‌الله، مائده‌ی ۸، مطلب نود و پنجم، ص ۷۶-۷۵)
- ۱۷ « جمیع آنچه در کتاب‌های الهی از قبل و بعد در امورات حادثه در یوم‌الله بوده ظاهر و مشهود، ولكن خلق از ادراک آن محجوب.» (حضرت بهاء‌الله، مائده‌ی ۸، مطلب هفتاد و ششم، ص ۵۶)
- ۱۸ « چند یومی است که کوم‌الله (کوه کرمل) مقرّ عرش واقع شده و این، آن مقامی است که در کتب قبل مذکور و مسطور... ظاهر شد آنچه در کتب الهی از قبل مسطور بود. طوبی للعارفین و ویل للغافلین.» (جمال ابهی، مائده‌ی ۴، ردیف ک، باب چهارم، ص ۲۱۸)
- ۱۹ « کل حجر و مدرینادی قد ظهر الموعود و الملك لله المقتدر العزیز الغفار.» (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح پاپ، ص ۷۵) (مضمون: هر سنگ و ریگی ندا می‌دهد که موعود ظاهر شد و ملک برای خداوند مقتدر عزیز غفار است.)
- ۲۰ « قد اتی الالب و کمل ما وعدتم به فی الملکوت.» (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح پاپ، ص ۸۰) (پدر آمد، و آنچه در ملکوت به آن وعده داده شده بودید، کامل گشت.)
- ۲۱ « یا حکیم آقاجان، ظاهر شد آنچه در کتب موعود بود؛ اوست یهوه و اوست معزی و اوست روح‌الحق و خیر بزرگی که حضرت رحمن در فرقان به آن بشارت فرموده.» (قلم اعلی ۷، ص ۶۲)
- ۲۲ « شهد الله انه لا اله الا هو و الذی اتی بالحق انه هو الموعود المذكور فی کتب القبل.» (قلم اعلی ۶، ص ۳۲۱) (مضمون: خداوند شهادت داد که نیست خدایی جز او و کسی که به راستی آمد، او موعود ذکر شده در کتب قبل است.)
- ۲۳ « یا قوم قد اتی من کان موعوداً فی کتب الله و مستوراً عن العباد.» (قلم اعلی ۶، ص ۳۱۹) (مضمون: ای قوم من، به راستی آمد کسی که در کتاب‌های الهی وعده داده شده بود و از چشم بندگان پوشیده بود.)

^{۱۱۲} منظور شهر برلن پایتخت کشور آلمان است.

۲۴) « قل هذا يوم به وعدتم فی كتب الله. » (قلم اعلیٰ ۷، ص ۱۸) (مضمون: بگو این روزی است که در کتاب‌های الهی به آن وعده داده شده بودید).

۲۵) « قل یا ملأ الفرقان قد اتی الموعد الذى وعدتم به فی الكتاب؛ اتقوا الله و لا تتبعوا کلّ مشرک اثم. » (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۳۴ - مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۲۳۵) (مضمون: بگوای امت قرآن، به راستی موعودی که در کتاب وعده داده شده بودید آمد؛ از خدا بترسید و هر مشرک گناه کاری را تبعیت نکنید).

۲۶) « امروز جشن عظیم در ملأ اعلیٰ بریا، چه که آنچه در کتب الهی وعده داده شده ظاهر گشته؛ یوم فرح اکبر است. » (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۳۱ - الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۴ - کلمات فردوسی)

۲۷) « یا ملأ الارض قد اتی الوعد و ظهر المکنون بسلطان عظیم؛ ضعوا ما عندکم و خذوا ما اوتیتم من لدی الله مالک یوم الدین. قد اتی المیقات و سلطان الآیات استوی علی العرش و دعا کلّ الی العزیز الحمید. » (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۹۵) [مضمون: ای اهل زمین، وعده تحقق یافت و (حقیقت) پوشیده به قدرت عظیم ظاهر شد؛ بگذارید آنچه را دارید و بگیرید آنچه را خداوند که مالک روز رستاخیز است، به شما داده است. میقات فرارسید و سلطان آیات بر عرش (ظهور) مستوی شد و همگان را به خداوند عزیز حمید خواند.]

۲۸) « یا امة الله، جمیع عالم از برای عرفان جمال قدم از عدم به وجود آمده‌اند و به این یوم مبارک در کتب و زبر و صحف وعده داده شده‌اند. » (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۵۲)

۲۹) « میقات امم منقضی شد و وعده‌های الهی که در کتب مقدّسه مذکور است، جمیع ظاهر گشت و شریعة الله از صهیون جاری و اراضی و جبال اورشلیم به تجلیات انوار ربّ مزین گشت. » (آیات الهی ۱، ص ۳۰ آوریل - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله نشر آلمان، فقره‌ی ۱۰ - مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۲۶۸)

۳۰) « حمد مقدّس از عرفان و ادراک کائنات، بساط امع اقدس حضرت مقصودی را لایق و سزااست که به یک کلمه علیا به وعده‌های خود وفا فرمود. » (آیات الهی ۲، ۱۸ ژوئیه)

۳۱) « قل یا ملأ الانجیل قد فتح باب السماء و اتی من صعد الیها و انه ینادی فی البرّ و البحر و یشیر کلّ بهذا الظهور الذى به نطق لسان العظمة قد اتی الوعد و هذا هو الموعد. » (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۲۶) [مضمون: ای اهل انجیل، درب آسمان گشوده گشت و کسی که به آن صعود نموده بود (حضرت

- (مسیح)، آمد و در خشکی و دریا ندا می‌کند و همگان را مژده می‌دهد به این ظهوری که در آن لسان عظمت نطق نمود و گفت: وعده محقق شد و این (حضرت بهاءالله)، همان موعود است.]
- (۳۲) « تَمَسَّكُوا يَا قَوْمٍ بِمَا وَعَدْتُمْ بِهِ مِنْ قَبْلِ بِلْسَانِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ. » (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۲۸) (مضمون: ای قوم، به آنچه از پیش، به زبان انبیاء و مرسلین وعده داده شدید، تمسک نمایید.)
- (۳۳) « طَوْبِي لِنَفْسٍ اشْتَعَلَتْ بِنَارِ اَوْقَدَهَا الرَّحْمَنُ فِي الْاِمْكَانِ الَّتِي يُسْمَعُ مِنْ زَفِيرِهَا قَدْ اَتَى الْمَقْصُودَ بِسُلْطَانٍ لَمْ تَخَوْفُهُ صَفُوفُ الْعُلَمَاءِ وَلَا جُنُودُ الْأُمَرَاءِ؛ يَنَادِي بِأَعْلَى النِّدَاءِ اِمَامٌ مِنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ اَتَى الْوَعْدَ وَ هَذَا مِنْ كَانَ مَسْطُورًا فِي الْكِتَابِ مِنْ قَلَمِ اللَّهِ، مَنْزِلَ الْآيَاتِ. » (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۴۷) (مضمون: خوشا به حال کسی که به آتش افروخته در امکان به دست خداوند رحمان، مشتعل شد؛ آتشی که از زیانه‌هایش شنیده می‌شود: مقصود آمد، به قدرتی که نه صفوف علماء و نه جنود أمراء ترسانش نتوانند کرد؛ و به صدای بلند در مقابل زمین و آسمان ندا می‌نماید: روز موعود فرارسید و این (حضرت بهاءالله)، همانی است که در کتاب به قلم خدا، منزل آیات، نوشته شده بود.)
- (۳۴) « لَمَّا اَتَى الْوَعْدَ وَ ظَهَرَ الْمَوْعُودُ قَامَ عَلَيْهِ الْعِبَادُ بِظَلْمٍ مَا رَأَتْ شَبَهَهُ عَيْنُ الْاِبْدَاعِ. » (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۷۱) (مضمون: هنگامی که زمان وعده فرارسید و موعود ظاهر شد، بندگان علیه او به ظلمی قیام کردند که چشم روزگار نظیرش را ندیده است.)
- (۳۵) « يَا اَهْلَ الْاَرْضِ، ... هَذَا يَوْمٌ وَعَدْتُمْ بِهِ مِنْ قَبْلِ وَ فِي التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِيلِ وَ الْفِرْقَانِ. لَعَمْرَ اللَّهِ (به خداوند قسم) قَدْ خُلِقْتُمْ لِهَذَا الْيَوْمِ؛ اَعْرِفُوا وَ لَا تَمْنَعُوا اَنْفُسَكُمْ عَنْ هَذَا الْفَضْلِ الَّذِي شَهِدْتُمْ لَه الْاَلْوَاحِ. » (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۸۸) (مضمون: ای اهل ارض،... این روزی است که از قبل در تورات و انجیل و قرآن به آن وعده داده شدید. به خداوند قسم برای این روز خلق شده آید؛ بفهمید و خود را از این فضلی که الواح به آن گواهی داده، محروم ننمایید.)
- (۳۶) « قُلْ تَاللَّهِ قَدْ نَزَلَ هَيْكَلُ الْمَوْعُودِ عَلَيَّ غَمَامِ الْحَمْرَاءِ وَ عَنِ يَمِينِهِ جُنُودُ الْوَحْيِ وَ عَنِ يَسَارِهِ مَلَائِكَةُ الْاِلْهَامِ وَ قَضَى الْاَمْرَ مِنْ لَدَى اللَّهِ الْمُقْتَدِرِ الْقَدِيرِ. » (سوره‌ی وفا، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱۳) (مضمون: بگو به خداوند قسم، هیکل موعود سوار بر ابر سرخ فام، در حالی که در سمت راستش جنود وحی و در سمت چپش فرشتگان الهام قرار داشتند، از آسمان نازل شد و کار از نزد خداوند مقتدر و توانا انجام گرفت.)
- (۳۷) « هَذَا يَوْمٌ اخبر به الله بلسان رسوله. » (لوح برهان، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۳۲) (مضمون: ای روزی است که خداوند از زبان رسولش به آن خبر داد.)

- (۳۸) « قل یا قوم، قد جاء الیومَ الذی وُعدتُم به فی کلّ الالواح.» (منتخب‌آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی (۱۴۴) (مضمون: بگوا‌ی قوم، به راستی روزی که در کل الواح به آن وعده داده شده بودید فرارسید.)
- (۳۹) « وعده‌ی ظهورالله در این اراضی (اراضی مقدّسه) بوده.» (منتخب‌آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی (۱۶۴)
- (۴۰) « در کتب قبل جمیع آنچه الیوم (در اراضی مقدّسه) ظاهر، مذکور است.» (منتخب‌آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی (۱۶۴)
- (۴۱) « قل ان استبقوا الی ما وُعدتُم به فی کتب الله و لا تسلكوا سبیل الجاهلین.» (لوح اقدس، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵) (مضمون: بگو بشتایید به سوی آنچه وعده داده شدید در کتاب‌های خداوند؛ و راه‌های نادانان را میپیمایید.)
- (۴۲) « قل قد جاء الأب و کمل ما وُعدتُم به فی ملکوت الله.» (لوح اقدس، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵) (مضمون: بگو به راستی پدر آمد و آنچه در ملکوت الهی وعده داده شده بودید تحقق یافت.)
- (۴۳) « به (محبوب الرحمن) وُعد ما کان و ما یکون.» (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹، توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون: به او (محبوب امکان) همه‌ی آنچه که بود و می‌باشد وعده داده شده است.)
- (۴۴) « قل یا معشرَ الأمراء و العلماء و العرفاء، قد ظهر الیوم الموعود و اتی ربّ الجنود.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۴۷) (مضمون: بگوا‌ی گروه امراء و علماء و عرفاء، به راستی یوم موعود فرارسید و پروردگار لشکریان آمد.)
- (۴۵) « قد اتی من کان موعوداً فی کتب الله، ان انتم تعرفون.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۵۱) (مضمون: اگر می‌فهمید، کسی که در کتاب‌های الهی وعده داده شده بود، آمد.)
- (۴۶) « (یا الهی) انت الّذی... وُعدت من علی الارض فی کتبک و زبرک و صحفک بظهور نفسک و کشف سبحات الجلال عن وجهک.» (لوح اشراقات، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۶۶) [مضمون: (ای خدای من) تو کسی هستی... که در کتاب‌ها و نوشته‌ها و صحیفه‌هایت، اهل عالم را به ظهور خودت و رفع پرده‌های بازدارنده از سیمایت وعده دادی..]
- (۴۷) « ذکر حزن و سجن و ابتلاء که بر آن خلاصه‌ی فطرت الهی (حضرت باب) وارد شد در اخبار قبل ذکر شده. فی البحار: "إِنَّ فِي الْبَحَارِ: "إِنَّ فِي قَائِمِنَا أَرْبَعَةَ نَبِيِّ مُوسَى وَعِيسَى وَيُوسُفَ وَ مُحَمَّدٍ. أَمَّا الْعَلَامَةُ مِنْ مُوسَى الْخَوْفُ وَالْإِنْتِظَارُ؛ وَأَمَّا الْعَلَامَةُ مِنْ عِيسَى مَا قَالُوا فِي حَقِّهِ؛ وَالْعَلَامَةُ مِنْ

يُوسُفَ السَّجْنِ وَ التَّقِيَّةِ؛ وَ الْعَلَامَةُ مِنْ مُحَمَّدٍ يَظْهَرُ بِأَثَارِ مِثْلِ الْقُرْآنِ. " با این حدیث به این محکمی که جمیع امورات را مطابق آنچه واقع شده ذکر فرموده‌اند، مع ذلك احدی متنبه نشده و گمان ندارم که بعد هم متنبه شوند؛ إِلَّا مَنْ شَاءَ رَبُّكَ. « (ایقان مبارک، بند ۲۸۲) ۱۱۳

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۴۸) « موعود جمیع ملل ظهور کلی بود و ظهور کلی مطابق جمیع علامات. » (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۶۸۵، ص ۴۶۱)

(۴۹) « فی الحقیقه به اسرار حکمت‌های الهیه نتوان پی بُرد؛ چه که بین شیراز و طهران و بغداد و اسلامبول و ادرنه و عکا و حيفا چه مناسبتی است. خداوند به حکمت و وقار قدم به قدم، در این شهرها، به حسب تقدیرات محتوم‌ی لن یتغیرش، حرکت فرمود تا نبوت و اخبارهایی که انبیاء از قبل خبر داده‌اند، تحقق یابد. » (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۷) (بیانات حضرت عبدالبهاء در ماه فوریه سال ۱۹۱۴ در حيفا)

(۵۰) « ملاحظه فرما که حکمت الهیه چقدر عظیم است؛ در سه هزار سال پیش به لسان انبیاء بشاراتی به ارض مقدس داد که "ای ارض مقدس، مژده باد (که) موطأ قدم رحمن خواهی شد و خیمه‌ی حضرت یزدان بلند خواهد گشت؛ نفحات قدس مرور نماید و نیر تقدیس پرتو افکند. ای ارض مقدس، شاد باش و شاد باش، آن مه تابان در آسمان لایح گردد و آن خورشید درخشان از خاورت بدرخشد." حضرت مقصود به حکمت بالغه خواست که وعده‌های دو هزار و سه هزار سال انبیاء را وفا فرماید؛ اعدای خویش را برانگیخت و به قوت نافذه درآویخت و آنها را واسطه نمود تا به دست خویش، ریش و ریشه‌ی خود از بن و بنگاه براندازند و همچو سراج منیری را از زجاج وطن خود اخراج نمایند تا ارض مقدس منور گردد و وعد انبیاء تحقق یابد؛ وادی ایمن انجمن یاران الهی شود و بقعه‌ی مبارکه مرکز معارف روحانی گردد؛ نور احدیت طلوع کند و ظلمت جهل زایل شود. هذا من حکمة ربکم البالغة و نعمة مولیکم السابغة و رحمة محبوبکم السابغة. » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره‌ی ۳۶) (مضمون بخش عربی: این از حکمت رسای پروردگارتان و نعمت برتر مولایتان و رحمت پیش‌تر محبوبتان است.)

(۵۱) « جمیع علامات ظاهر شده و کلّ اشارات مشهود گشته؛ و آنچه در جمیع کتب و صحف بوده، تماماً واضح گردیده؛ محلّ توقّف برای احدی نمانده. » (حضرت عبدالبهاء، منقول در کتاب دور بهایی، ص ۲۷، مندرج در توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

^{۱۱۳} مضمون حدیث به فارسی: «فانم ما چهار علامت از چهار نبی- موسی، عیسی، یوسف و محمد- دارد. علامت موسی خوف و انتظار است و علامت عیسی آنچه در حقش گفتند و علامت یوسف زندانی شدن و تقیه است و علامت محمد اظهار آثاری شبیه قرآن است.»

۵۲) « بشاراتی که خدا در دو سه هزار سال پیش از لسان انبیاء داده بود ظاهر شد و خداوند به وعده وفا نمود؛ زیرا به بعضی انبیاء وحی فرموده و بشارت به ارض مقدّس داده که ربّ الجنود در تو ظاهر خواهد شد، جمیع این وعده‌ها وفا شد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۲۴)

۵۳) « ای پروردگار در کتب و صحف به واسطه‌ی انبیاء اخبار فرموده‌ای و اسرائیل را بشارت داده‌ای و نوید بخشیده‌ای که روزی آید (که) اسرائیل نوید امیدوار گردد و اسیر ذلّت کبری عزّت ابدیّه یابد.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۴۷)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۵۴) « حضرت عبدالبهاء... به ما اطمینان می‌دهد که وقوع چنین امری (ورود حضرت بهاءالله به اراضی مقدسه) «در دو سه هزار سال پیش، از لسان انبیاء» پیش‌گویی شده بود و «خداوند عاقبت به وعده وفا نمود؛ زیرا به بعضی از انبیاء وحی فرموده و بشارت به ارض مقدّس داده که ربّ الجنود در تو ظاهر خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۲۵۹)

۵۵) « حضرت اعلیٰ فقط مبشّر ظهور بهایی نیست؛ بل چنان که خود در کتاب بیان فارسی تصریح فرموده، همان موعود مقدّسی است که به ظهورش وعود جمیع انبیای سلف تحقّق یافته است.» (کتاب دور بهایی، ص ۲۴)

۵۶) « حضرت اعلیٰ، به فرموده‌ی حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب ایقان، همان قائم موعودی است که بنفسه، بیست و پنج حرف از بیست و هفت حرفی را که جمیع انبیاء مأمور به بیان آن بوده‌اند، ظاهر فرموده است.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۵۷) «سلطان سریر لاهوت بر عرش کبریا مستقر گردید... بشارت کتب مقدّسه پدیدار شد و وعود الهیه تحقّق یافت؛ میقات امم منقضی گشت و بهاء کرم‌ل نمودار شد. صهیون بن‌دا آمد و اورشلیم به نفعات یوم عظیم احیا گشت.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ۵ از باب بیست و هفتم، ص ۸۱)

۵۸) « حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء... مسیری را معین فرمودند که به موجب آن، تمام آمال و وعود انبیاء الهی و صاحب‌دلان و شاعران قرون پیشین تحقّق خواهد یافت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۷- توقیع مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۵۹) « وعود الهی دالّ بر ظهور حضرتش (حضرت بهاءالله)، به نحوی بارز تحقّق یافت.» (حضرت ولیّ امرالله، مرور معبود، ص ۳۰۸)

(۶۰) « (مصائب و بلاهای وارد بر حضرت بهاءالله) منتهی به نفی و مسجونیت هیکل اطهر در ارض اقدس و تحقق نبوت انبیاء گشته است. » (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۶۱) « با حلول این عصر مجید (دور و کور بهایی) که از لحاظ امتداد و عظمت و انبساط و نورانیت سرآمد دهور و اعصار سالفه است "دوره‌ی نبوت" منطوی و "زمان اکمال و انجام"؛ یعنی انجام (تحقق) و عود الهیه و تحقق بشارات کتب سماویّه افتتاح شد. » (پیام رضوان ۱۹۸۷)

(۶۲) « حضرت بهاءالله... پیامبری که می‌باید و عود همه‌ی ادیان گذشته را تحقق بخشد و روابط و موجبات روحانی لازم را برای تأسیس وحدت عالم انسانی به وجود آورد. » (بیت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۲)

(۶۳) « حضرت بهاءالله به صراحت اعلام می‌فرماید که یوم موعود فرا رسید و آن که ظهورش در کتب و صحف الهیه بشارت داده شده، باعلی النداء من فی الارض و السماء را به این خطاب اعلی مخاطب می‌سازد: "لا اله الا هو المهیمن القیوم. تالله قد ظهر ما كان مخزوناً فی ازل الازال فی علم الله، عالم الغیب و الشهود؛ طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود و وجهی که به وجه الله ربّ ماکان و ما یکون توجه کرد." » (ترجمه) (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲)

(۶۴) « در حول قوس کوه کرمل ابنیه‌ی مجللی ساخته شد و در دامنه‌اش از پای تاقله‌ی کوه، طبقاتی با حدائق بی نظیر احداث گردید... و جمعیت زیادی از هر سرزمین که به زیارتش می‌آیند و هر روز پلکان‌ها و مسیر حدائقش را پرمی‌کنند و خیل مهمانان عالی قدرش که در مهمانسرایش مورد استقبال مرکز جهانی قرار می‌گیرند، این بیان اشعیا را که دو هزار و سیصد سال قبل بیان داشته به خاطر می‌آورند که فرمود: "و در ایام آخر واقع خواهد شد که خانه‌ی خداوند، بر قلّه کوه‌ها ثابت خواهد شد و فوق تلّ‌ها برافراشته خواهد گردید و جمیع امت‌ها به سوی آن روان خواهند شد." » (بیت العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸)

(۶۵) « حضرت ولی امرالله در باره‌ی مقام بی‌همتای جمال اقدس ابهی و عظمت ظهور مبارکش می‌فرماید که با ظهور حضرت بهاءالله و عود کتب مقدّسه در باره‌ی "یوم الله" تحقق یافته است. » (کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۱۶۰)

فصل دوم

عصر تکوین، قیام جهانی علیه امرالله و نتایج حاصل از آن (۴۲)

۱۹. صف‌آرایی عالمیان علیه امرالهی (۴۲)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) «یا احبّاء الله اذا اشتدّت الارياح وهطلت الامطار ودمدمت الرعود ولمع البرق ونزلت الصواعق و اشتدّت الانواء و الطوفان لاتحزنوا لانّ بعد هذا الطوفان یأتی الربیع الرحمانی و یخضر التلال و الدیار و یموج الزروع فی المروج و تهترّ و تنبت الارض بالزهور و الریحان و تلبس الاشجار حلیة الاوراق و تتزین بالازهار و الاثمار و تظهر البركة فی کلّ الدیار فهذه المواهب انما نتائج تلك الانواء و الطوفان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره‌ی ۱۹۷) (مضمون: ای احبّای الهی، وقتی بادهای تند بوزد و باران‌های شدید ببارد و رعد به صدا در آید و برق بدرخشد و آذرخش نازل شود و طوفان و باران شدّت یابد محزون نشوید؛ زیرا بعد از این طوفان است که بهار الهی فرامی‌رسد و تپه‌ها و دیارها سبز و خرم می‌گردد و سبزه زارها بر دشت‌ها موج می‌زند و گل‌ها و گیاهان از زمین می‌جوشند و می‌رویند و درختان جامه‌ی زیبای برگ می‌پوشند و به شکوفه‌ها و میوه‌ها مزین می‌گردند و در هر سرزمینی برکت و رحمت ظاهر می‌شود؛ و این مواهب همه نتیجه‌ی آن طوفان و بوران و باران است.)

۲) «یا احبّاء الله لاتحزنوا اذا قامت الاحزاب علی الاذی و الاستهزاء و التعذیب و التویخ و السبّ و البغضاء؛ سیزول هذه الظلمات و تشرق انوار الآیات البینات و یرتفع الغطاء و یرتفع نور الحقیقة من غیب الابهی و نخبرکم بهذا قبل الوقوع حتّی اذا حدث هجوم الاحزاب علیکم لحبّی، لا تضطربون ابدأ بل تثبتون ثبوت الجبال لانّ استهزاء القوم و تعذیبهم لکم امر محتوم طوبی لنفس ثبتت علی الصراط و علیکم التّحیة و الثناء.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره‌ی ۱۹۷، ص ۱۴۱) (مضمون: ای احبّای الهی، هنگامی که احزاب به اذیت و آزار و استهزاء و عذاب و تویخ و بغض و بدگویی قیام کنند، محزون و دلخون نشوید؛ به زودی این تاریکی زایل خواهد شد و انوار آیات بینات ظاهر خواهد گشت و پرده بر خواهد افتاد و نور حقیقت از عالم پنهان ابهایی پدیدار خواهد شد؛ و قبل از وقوع این امور آن را به شما خبر می‌دهیم تا وقتی که به خاطر محبت شما به من، هجوم احزاب و گروه‌ها واقع شد اصلاً مضطرب و نگران نشوید، بلکه چون کوهساران ثابت و مستقیم بمانید؛ و چنین است زیرا استهزاء و عذاب قوم

ستمگر علیه شما امری قطعی و حتمی است. خوشا به حال کسی که در راه الهی ثابت بماند و بر شما باد تکبیر و ثناء.)

۳ « امر عظیم است، عظیم و مقاومت و مهاجمه‌ی جمیع ملل و امم شدید؛ عنقریب نعره‌ی قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله‌ی هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود و کل به جمیع قوی به مقاومت برخیزند.» (حضرت عبدالبهاء، امروخلق ۴، ص ۴۷۸- حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۲۴- توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰- مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۴۹- مرور معبود، ص ۴۶۶)

۴ « عنقریب ملاحظه خواهید نمود که نفوس بسیار مهمی از شرق و غرب صحائف عظیمه بر ردّ (امرالله) نوشته و نعره زنان فریاد کنند؛ چه که عظمت امر آنچه بیشتر ظاهر شود، مغرضین و منکرین و رادین عظیم‌تر و کثیرتر گردد.» (مائده‌ی آسمانی ۵، باب چهارم از ردیف ص، ص ۱۷۲)

۵ « از پیش به یاران مرقوم گردید و همچنین شفاهاً بیان شد که البته یاران غرب را نصیب و بهره از بلایای دوستان شرق خواهد بود؛ لابد در سبیل حضرت بهاءالله مورد اذیت اهل جفا خواهند گشت.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۱۹۶) (۹ سپتامبر ۱۹۰۹)

۶ « امیدوارم به تأیید حق روزی فرارسد که جمعی از اولیای کلیسا قیام کنند و با رئوس برهنه، فریاد برآورند که بهاییان گمراهند. مشتاقم که آن یوم را ببینم؛ زیرا زمانی است که امرالهی انتشار خواهد یافت. جمال مبارک چنین نفوسی را منادیان امرش توصیف فرموده. آنان از فراز منابرشان اعلان خواهند کرد که بهاییان نادانند؛ شرور و زشت‌کارند؛ اما شما در امرالله ثابت و مستقیم باشید. آنان منادیان امرالله خواهند بود.» (کتاب عبدالبهاء، انگلیسی، تألیف جناب بالیوزی، ص ۳۲۵، سخنان حضرت عبدالبهاء در اقامتگاهشان، واقع در واشنگتن، خیابان هجدهم، شماره ی ۱۹۰۱، خطاب به جمعی از احبّا)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۷ « در سنین آتی‌ی این دور بهایی... حنین رؤسای کنائس و ادیان عتیقه در هند و چین و ژاپان مانند حنین منابر و ناله‌ی علما و فقهای شریعت اسلامیّه، از دور و نزدیک بلند شود.» (توفیق منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۵-۱۸۳)

۸ « دشمنان^{۱۱۴} پر قدرت امرالله... دیدگاهی را که امرالله از آینده‌ی جهان ارائه می‌دهد واهی و فریبنده شمردند.» (توفیق ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۳۸)

^{۱۱۴} به مباحث ۱۹ و ۲۱ مراجعه شود.

۹ « حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء... آنان (اعضاء محافل روحانی) را اذار نموده‌اند که منتظر حملات و لطماتی باشند که از نادانی دوستان و کید دشمنان متوجه آنان خواهد شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۷-توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹)

۱۰ « پیروان امر حضرت بهاءالله... باید بدانند که قلعه نشینان مقتدر متعصب دینی که گذشت زمان به مؤسساتشان فی‌الجملة اعتباری داده هرگز نمی‌خواهند از تسلط خویش بر آراء و افکار مردم دست بردارند. از این روی به مجردی که از دعوی عظیم حضرت بهاءالله کما هو حقّه با خبر گردند، قیام بر ضدّش خواهند کرد و در آن وقت است که این آیین نوزاد مظلوم با دشمنانی روبرو خواهد شد که به مراتب از روحانیون متعصب و خونخوار دوران گذشته قویتر و مکارترند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۳-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۱ « هنگامی که تمدن کنونی به سكرات موت افتد و رعه‌ی مرگ بر هیكلش نشیند، امرالهی نیز با دشمنانی روبرو گردد که بر صدمات و لطماتی که تا به حال متحمل شده، به مراتب بیفزایند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۳-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۲ « اقوام و ملل جهان و پیروان جمیع ادیان با هم متعاقباً قیام خواهند کرد تا وحدت امر بهاء را در هم شکنند و قوایش را تحلیل بخشند و نام مقدّسش را آلوده کنند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۴-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۳ « آنها (اقوام و ملل جهان و پیروان جمیع ادیان) تنها به قوه‌ی روحانی امر بهایی هجوم نخواهند برد، بلکه به تشکیلات بهایی که به منزله‌ی مجرا و وسیله و تجسم آن روح قدسی در عالم امکان است، حمله ور خواهند شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۴-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۴ « هر چه اصالت و قدرتی که حضرت بهاءالله به جامعه‌ی متحدالمرام آینده‌ی بهایی عنایت فرموده واضح‌تر و معلوم‌تر شود، هجوم حملات به حقائق مکونه‌اش شدیدتر خواهد شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۵-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۵ « ظلم و ستمی که روسیه برای قلع و قمع بهاییان در پیش گرفت، یا بغض و عنادی که حزب شیعه‌ی اسلام در سلب حقوق بهاییان در بیت حضرت بهاءالله در بغداد از خود نمایان ساخت، و یا غیظ و غضب عبثی که رهبران مذهب سنی اسلام در مصر در طرد برادران روحانی ما از آن کشور ظاهر ساخته‌اند، فقط نمونه‌ای از عداوت و خصومتی است که مقدّر است دول و ملل و پیروان ادیان علیه این آیین مظلوم و معصوم از خود بروز دهند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۳۵-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۶) «روح مقدّسی که در مؤسّسات مترقی آیین بهایی تجسّم یافته، در مسیرش به سوی نجات عالم، با قوایی مواجه می‌گردد که اغلب منکر آن روح قدسی الهی بوده و در صدد منع تحقق مقاصد عالیّه‌اش خواهند بود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۶- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۷) «چون ذاتاً آن دستگاه‌ها (دستگاه‌های مسیحی) تحلیل یابد و انضباطشان سست شود، آن وقت با رعبی عمیق بر ارتفاع نظم بدیع حضرت بهاءالله خواهند نگرست و رفته رفته بر ضدّش قیام خواهند کرد و نفس این قیام، سقوطشان را تسریع خواهد نمود.» (کتاب نظم جهانی بهایی، ص ۱۲۰- توفیق منیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۸) «منازعه‌ی قریب‌الوقوعی... باید زود یا دیر، در داخل ایالات متّحده بین مؤسّسات جدیدالتأسیس نظم اداری جنینی حضرت بهاءالله از طرفی و طرفداران عقائد کهنه و مدافعین عرفی و مذهبی یک اجتماع فاسد رو به زوال از طرف دیگر، درگیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، توفیق ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۷، مندرج در حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۰۳)

۱۹) «آن مبارزان امر حضرت بهاءالله (احبای آمریکا) به زودی شاهد آن خواهند بود که دشمنان حمله بر دین و ایمانشان آورند و بر نیاتشان تهمت و افتراء بسته و مقاصدشان را سوء تعبیر کرده و آمالشان را به استهزاء گرفته و مؤسّسات و معابدشان را تحقیر نموده و نفوذشان را خوار شمرده و اختیاراتشان را سرسری گیرند؛ حتی شاید ملاحظه نمایند که قلبی از نفوسی که یا از درک حقیقت امرالله بی‌خبر و یا از تحمل لطمات حملات و انتقادات روزافزون عاجزند از امرالهی تبری جویند.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۲۱)

۲۰) «این حقیقت که امرالهی، در ایام آتی، قبل از حلول عظمت‌های ملازم با احاطه و استیلای موعودش در جهان جدید، ساعات چالش برانگیز متعدّدی را تجربه خواهد کرد و مراحل بحرانی را پشت سر خواهد گذاشت، مکرراً و به نحوی تردید ناپذیر توسط مولای محبوب و فقیدها (منظور حضرت عبدالبهاء است) تصریح گشته است.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی، انگلیسی، ص ۶۰، توفیق منیع مورّخ ۲۳ فوریه ۱۹۲۴)

۲۱) «حملات و تعرّضات حتمیه‌ای... به تدریج، از جانب دوائر و احزاب مختلفه‌ی مذهبی مجتمعاً و متشکلاً نسبت به امر مبین و شرع حضرت ربّ‌العالمین به عمل خواهد آمد و کلّ به جمیع قوی، به مقاومت برخوانند خاست.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۳۲-۳۱)

۲۲) «البته هرچه امرالله نافذتر شود، مفسدین امر نیز بیشتر گردند و دشمنانی قوی‌تر به میدان آیند و محرکین عجیب و غریب در سراسر، به تحریک اهل غلّ و بغضاء پردازند و ریایات فساد برافرازند.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۹۱)

۲۳) «پیروان امر حضرت بهاءالله باید به یقین بدانند که هر چه مراحل تجزّی و تلاشی جامعه‌ی بشری امروزی پیش‌تر رود بهمان نسبت نیز شدّت طوفان‌هایی که به این امر نبّاض الهی هجوم می‌کند، بیشتر خواهد شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۴، توقیع مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۲۴) «حال تخمین نمی‌توان زد که حملات شدیدی که روحانیون مقتدر مسیحی در مغرب زمین بر مؤسّسات امر حضرت بهاءالله خواهند کرد، تا چه حدّی انحطاطشان را تشدید و دامنه‌ی مصیبات ناگزیرشان را وسیع‌تر خواهد کرد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲۵، توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۵) «حضرت عبدالبهاء خود... به وضوح به این حملات (حملات علیه مؤسّسات بهایی) اشاره فرموده است؛ حملاتی که مقدر است از لحاظ وسعت و شدّت، همچنان فزونی یابد و آشوب و غوغایی برپا کند که در هفت گنبد گردون انعکاس یابد.» (مرور معبود، ص ۴۶۶)

۲۶) «مبارزه و جدالی که... مطابق پیش‌بینی حضرت عبدالبهاء، باید به دنبال حملات متحدانه‌ی رهبران مذهبی-کسانی که نسبت به توسعه و پیشرفت عظیم آن همچنان بی‌توجّهند- به آیین الهی واقع شود، هنوز رخ نداده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

۲۷) «ظهور چنین جامعه‌ای (جامعه‌ای... که مدعیّات دینانی جهانی را مطرح می‌کرد، و تا پنج قاره‌ی گیتی گسترده گشته بود) آن هم در جهانی غرقه در تعصّبات دیرین و مُنقاد خدایانی دروغین (ناسیونالیزم، کمونیزم، و رشلیزم-م) و مبتلا به اختلاف و انشقاقی درونی، و کور کورانه متشبّث به اصولی پوسیده و موازینی از کار افتاده، جز این نبود که دیر یا زود، بحران‌هایی را تسریع کند، گرچه با نمودی کمتر، به همان شدّت و حدّت مصیباتی که در دوره‌ای متقدّم، بر بنیان‌گذاران آن و پیروان اولیه‌اش مهاجم گشته بود.» (مرور معبود، ص ۴۶۵)

۲۸) «همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش‌بینی می‌کند پیشرفت مقاومت ناپذیر امرالهی و برخوردش با نظام‌های روحانی ادیان مسیحی، بودایی و برهمنی در مغرب زمین و هندوستان و خاور دور، که همواره از احترامات فائقه برخوردار بوده‌اند، حملاتی شدید علیه آن برخواهد انگیخت.» (حضرت ولیّ امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

۲۹) «من بعد، متدرّجاً، در میقات معلوم، به اسباب غیبیّه، این مقاومت و مهاجمه (علیه امرالله) به اعضاء و رؤسای کنائس از رهبان و قسّیس و اساقفه و مطارنه و بطارکه از مذاهب مختلفه در قارّات

خمس، بالاخص به رؤسای طائفه‌ی انجلیّه در جزائر بریطانیا و حبر اعظم رییس اقدم و اکبر طوائف مسیحیه در مدینه‌ی رومیه سرایت خواهد کرد، و رفته رفته انعکاساتش در ممالک جنوب شرقی قاره‌ی آسیا و جزائر مجاوره و شرق اقصی ظاهر و پدیدار خواهد گشت و "ناله‌ی هند و امت چین" به فرموده‌ی مرکز میثاق ربّ العالمین مرتفع خواهد شد، و حنین رؤسای دو طائفه‌ی برهمیه و بوداییه مانند حنین منابر در موطن اصلی جمال ابهی، به عنان آسمان متصاعد خواهد گشت.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع منبع ۱۱۳ بدیع)

(۳۰) «شبهه‌ای نبوده و نیست که این مقاومت و مهاجمه (علیه امرالله)، به مرور ایام شدت نماید و این اصطدام (برخورد) بین سپاه ضلال و لشکر حیات، نطاقش وسعت یابد و ولوله‌اش جهان‌گیر گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع)

(۳۱) «به تدریج در اثر همّت و بسالت و شجاعت و استقامت و اقدامات مستمرّی متزایدی گروه مجاهدان و مهاجران، این مقاومت (مقاومت و تحریکات مبشرین مسیحیت) به سایر مذاهب سرایت نماید و رعب الهی را متدرّجاً در قلوب زمامداران اندازد و بر شدت و حدّت این رزم روحانی و اتّساع دایره‌ی معرکه‌اش بیفزاید.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع / مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۲۱)

(۳۲) «امرالله در عقود و عهد آتیّه، دچار شداید و مصائب عظیمه گردد و... بر خطرات و انقلابات هائله در مرحله‌ی بعدی تکامل جهانی امرالهی بیفزاید و حملات و مهاجمات اعدا از هر ناحیه و جهت علیه آیین نازنین تشدید پذیرد و امواج سهمگین مخالفت از هر سو سفینه‌ی نجات را احاطه نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۹-۸۱۸)

(۳۳) «آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله) مقاومت و مهاجمه‌ی پیشوایان و رؤسای ادیان (است).» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

(۳۴) «همین آثار است (آثار حضرت عبدالبهاء) که پیش‌نگری می‌کند رهایی آیین الهی از قیود تندروی‌های مذهبی، آشوب و انقلابی عظیم در قارّات آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا ایجاد خواهد کرد.» (مرور معبود، ص ۴۱۹)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۳۵) «ترقی مداوم امرالله و تقدّم آن، ناگزیر باعث قیام مخالفان گردد و بلا تردید مقدّمه‌ی اعتراضات جهانی را در آینده فراهم آورد.» (معهد اعلی، ۲۶ نوامبر ۱۹۷۴)

۳۶) « روزی آید که جمیع ملل و دول عالم بر اضمحلال آیین نازنین مجهز گردند و به حملات و لطامات عظیمه، اشد از قبل پردازند. نفس این مکابره و مقابله و مهاجمه، به حکم "سنة الله التي قد خلت من قبل"، سبب تشتت شامل اعدا شود.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۴)

۳۷) « این اعلان (اعلان آیین یزدان در تمام جهان) تحقق نیابد الا به قیام زمامداران دول و امم شرقیه و غربیه و رؤسای ادیان عتیقه در قارّات خمسه و ایجاد ولوله‌ای اعظم و آشوبی اکبر و زلزالی (زلزله‌ای) اشد از آنچه تا به حال دشمنان امر ذوالجلال در بعضی از ممالک شرقیه احداث نمودند.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۴-۲۵)

۳۸) « شبهه‌ای نبوده و نیست که مقاومت سیل امرالله و هجوم بر مقدّسات دین الله از طرف جمهور ناس و زمامداران هر دو، در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف رؤسای کنائس در دو قاره‌ی اروپ و امریک و مبشرین حضرت روح در دو قاره‌ی استرالیا و افریک و اقطاب و رؤسای ادیان عتیقه‌ی هندوچین در جنوب شرقی قاره‌ی آسیا و شرق اقصی خواهد بود.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۵)

۳۹) « چه کسی می‌تواند تردید کند که ما اکنون به دوره‌ای مشحون از تحولات بی سابقه و تصوّرناپذیر در مسیر پیشرفت و تقدّم امرالهی وارد شده‌ایم؟... ما آگاهیم که پیروزی‌های جاری به مخالفت‌های محکم منجر خواهد شد؛ مخالفت‌هایی که جامعه‌ی جهانی بهایی باید خود را برای مقابله با آن آماده نماید.» (ترجمه) (معهد اعلی، ۲۷ دسامبر ۱۹۸۵، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۴۰) « همانطور که حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند، بالاخره مخالفت و خصومت با امر در همه‌ی قارّات جهان پیش خواهد آمد. ضدّیت با امرالهی اگر چه ممکن است در هر نقطه‌ای به صورتی خاصّ جلوه نماید، اما بدون تردید شدید خواهد بود.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

۴۱) « همانطور که حضرت ولیّ امرالله مکرراً تأکید فرموده‌اند، این ترقّی و تقدّم (امرالله) به نحوی اجتناب‌ناپذیر مورت مخالفتی حتی شدیدتر از آنچه که تا کنون امر مبارک با آن مواجه بوده است، خواهد شد؛ مخالفتی که به نوبه‌ی خود قوایی عظیم‌تر را برای وظایف و مسئولیت‌های به مراتب دشوارتر ایجاد خواهد نمود.» (پیام ۲۴ می ۲۰۰۱)

۴۲) « اگر چه به فتح و ظفر نهایی اطمینان مبرم داریم؛ اما نباید... فراموش کنیم که امر مبارک ناگزیر، با دشمنانی قوی‌تر و مکارتر از آنچه در گذشته بر هیکل نازنینش تاخته‌اند، رو به رو خواهد شد.» (پیام رضوان = ۲۱ آپریل ۲۰۰۶)

فصل سوم

عصر تکوین، عاقبت حال ناقضان میثاق الله و دشمنان امرالله (۱۲۴)

۲۰. فنای ناقضان میثاق الهی (۲۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) «یا اغنام الله... (س) یتزلزل بنیان الشبهات.» (لوح خراسان، مکاتیب ۱، صص ۱۴۴-۱۴۳-منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۴۰-مندرج در توفیق مورخ ژانویه ۱۹۲۹) [مضمون: ای اغنام الهی... (به زودی) بنیان شبهات متزلزل خواهد شد.]
- ۲) «اهل نقض خوار و ذلیل شوند.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۸)
- ۳) «شبهات نقض مانند کف دریاست و دریا بی کف نمی شود. بحر میثاق یک موج زند تا اجسام میته (مرده) را به کنار اندازد... این کف‌های دریا بقایبی ندارد، عنقریب محو و نابود گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۸۴)
- ۴) «روزی خواهد آمد که ذکری از این‌ها (تابعان یحیی ازل) نخواهد ماند... این نفوس مانند ثعالبند (ثعالب = روباه‌ها) و بندگان جمال مبارک اسد (شیر) غالب، و عنقریب این (امر) ظاهر و آشکار گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۲، باب سی و سوم، ص ۳۸)
- ۵) «ملاحظه‌ی بعد از مسیح را بکنید که چقدر نفوس بر فساد و فتنه در امر حضرت قیام نمودند؛ ولی عاقبت خائب و خاسر شدند و حقیقت علم برافراخت. این نقض عهد نیز چنین است؛ مثل سراب است؛ عنقریب محو و نابود خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۴۷)
- ۶) «ای ثابتان بر پیمان شکر و ثنا نمایید که در ظلّ خیمه‌ی میثاقید و در کهف صون و حمایت نیر آفاق؛ عنقریب ملاحظه نمایید که ناقضین در حفرات شبهات پرده‌نشین گشتند و ناگتین چون خراطین در اسفل درکات زمین منزل و مأوی جستند، یومئذ یفرح المخلصون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۵۸)
- ۷) «عنقریب... اهل فتور نادم و پشیمان گردند و حزب عجول متشتت و پریشان؛ و هذا وعد غیر مکذوب.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۸-ص ۲۵۹)

۸ « هیئات هیئات، فسوف یرون (الناقضین) انفسهم فی مهاوی الردی و حفرات الشقی و غمرات العمی و ینوحون و ینحون علی ما فرطوا فی جنب الله و هتکوا حرمة الله و نقضوا میثاق الله و نکسوا رایة الله و فرقوا کلمة الله و شتتوا شمل مرکز العهد و نشروا ما نظمہ ید الفضل.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۹- ص ۲۶۰) (مضمون: وای وای، به زودی (ناقضین) خود را در جایگاه نابودی و حفره‌های سیه‌روزی و ژرفای کوری خواهند دید؛ آنگاه به سبب آن که در مقابل خداوند تندروری کردند و حرمت الهی را حنک نمودند و میثاق ربّانی را شکستند و رایت رحمانی را سرنگون کردند و کلمه‌ی الهی را متفرّق نمودند و جمع تابعان مرکز عهد را متشتت کردند و آنچه را دست فضل منتظم کرده بود پراکنده ساختند، نوحه و گریه خواهند کرد.)

۹ « هنوز از صعود (جمال مبارک) چند روزی نگذشته بود و قمیص مبارک هنوز تر بود که در روزنامه‌ها نقض و اختلاف را اعلان نمودند؛ از جمله روزنامه‌ی اختر به مجرد وصول خبر صعود، اختلاف را نیز اعلان نمود. ملاحظه فرمایید چقدر اهل نقض سریع النکث (بی‌ثبات) بودند، فسوف تری الناقضین فی خسران مبین و الحمد لله ربّ العالمین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۹- ص ۲۹۹) (مضمون بخش عربی: به زودی ناقضان را در زیان آشکار خواهی دید، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است.)

۱۰ « این عهد را جمال قدم روحی لرتبه الفداء گرفت و او حامی و معین متشبّثین است. البتّه و نگذرد (نگذار؟) و اغماض نفرماید. عنقریب متزلزلین را در خسران مبین افکند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۱۲۲)

۱۱ « عنقریب اشعه‌ی آفتاب ملکوت توحید آفاق کور جدید را چنان روشن نماید که خفّاشان ظلمانی (ناقضین میثاق الهی) را اسیر مهالک تنگ و تاریک گلخن فرماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۳۰)

۱۲ « همچو گمان نمی‌کنم که کسی سبب ذرّه‌ای اختلاف در امر مبارک شود، خواه سرّی و خواه جهری و خیر ببیند، عنقریب معلوم خواهد شد و هذا وعد غیر مکذوب.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۵۶۴- مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب صد و هفتم، ص ۱۲۳)

۱۳ « هیئات هیئات، ظلمت مقابلی به نور نماید و شیطان خاسر مقاومت شهاب باهر نکند و جعل کتیف رائحه لطیف جنّت ابهی را منع نتواند؛ فسوف تری الناقضین فی خسران مبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۵۶۱)

۱۴) « بعض من أهل النفاق، بغية للاقاء الشقاق في دين الله و طلباً لحياة الدنيا، بعد ما آمنوا أنكروا و بعد ما خضعوا استكبروا و بعد ما أقرّوا جحدوا و بعد ما شكروا شكّوا، فهاموا في هيماء الخسران و ضلّوا في بيداء الهوان. فيا حسرة لهم في مستقبل من الزمان آمين. أقول لكم أنّ خسرانهم خسران الفريسيين^{۱۱۵} و هوانهم هوان كهنة (كاهنان) البعل^{۱۱۶} في زمن ايليا^{۱۱۷} من الاسراييليين.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۵۰) [مضمون: بعضی از منافقین، از روی بغض و عناد و برای القاء اختلاف در دین الهی و به امید حیات دنیوی، بعد از ایمان انکار کردند و بعد از خضوع استکبار ورزیدند و بعد از اقرار اعتراض کردند و بعد از شکر شک و تردید پیشه نمودند، و بدین سبب در صحرای خسران سرگردان شدند و در بیابان خواری گمراه گشتند. وای به حال آنان در آینده‌ی زمان، آمین. و برای شما می‌گویم که زیان آنان زیان فریسیان است (در زمان حضرت مسیح) و ذلت آنان ذلت کهنه‌ی بعل است در زمان حضرت ایلیا، از اسرايیلیان.]

۱۵) « بگوای بیچارگان (منظور ناقضین میثاق است) عبودیت عبدالبهاء آفاق را منجذب نموده و صیت رقیّتش جهان‌گیر گشته و محویّت و فنایش مثل آفتاب مشهور اقطار شده "قصد آن دارند این گل پاره‌ها از حسد پوشند این فقر و فنا" هیهات هیهات، عنقریب قرین ناله و حنین گردند و در خسران مبین افتند؛ ویل للمکذّبین، ثمّ ویل للمکذّبین، ثمّ ویل للمکذّبین.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۲۳) (مضمون عبارت مکرر عربی: وای به حال دروغگویان.)

۱۶) « فسوف يأتِيهم (الناقضين) نأباً ما كانوا يعملون و ترى العلم المعقود بيد قدرة ربك الودود يرتفع حضرت عبدالبهاء علی اعلام الشهود و يتموج فوق صروح الوجود و يتشتت الغيوم و ينكشف السحاب المروم عن نيرِ میثاق ربك القيوم بشعاع ساطع يحترق حجاب الضباب و يتشتت شمل طیور الظلام فالثابتون يومئذ لفي حظّ عظيم و المتزلزلون لفي عذاب اليم.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۲۸) (مضمون: به زودی خبر (نتیجه‌ی) آنچه که (ناقضین) مرتکب شدند به آنان خواهد رسید و خواهی دید علم افراشته‌ی (میثاق) را که به دست قدرت پروردگار مهربان فوق علم‌های خلق بلند گشته و برفراز قلّه‌ی وجود به اهتزاز آمده و (خواهی دید که) ابرهای سیاه متشتت خواهد شد و سحاب غلیظ از پیش خورشید میثاق

^{۱۱۵} فرقه‌ی بزرگ مذهبی یهود که بعد از قیام یهودا مکابی به وجود آمد و آن‌ها بر خلاف فرقه‌ی بزرگ صدوقیان، به رسائل منظمه، به تورات و به احادیث و سنن یهود و بقای روح و مجازات بعد از مرگ معتقد بودند. (نوزده هزار لغت) رؤسای مذهبی این فرقه از جمله کسانی بودند که در صدور فتوای شهادت حضرت مسیح دست داشتند.

^{۱۱۶} نزد فنیقی‌ها و در زمان رونق بابل، بعل نام خدای خدایان بود و هر شهر و طائفه‌ای هم بعلی داشتند و مجسمه‌ی بعل، مجسمه‌ی خدا بود. می‌نویسند که بعل به زبان سامی یعنی صاحب و خداوند. بعدها که اقوام توحیدی با بت‌پرستی مبارزه کردند، نام بعل مترادف با شیطان گردید. (همان منبع)

^{۱۱۷} (به زبان عبری) یعنی خیر دهنده از خدا. از انبیای بنی‌اسرائیل است که در زمان آخاب، در قرن نهم قبل از میلاد می‌زیسته. نامش در کتب عهد عتیق و عهد جدید آمده و محلّش را بر کوه مقدّس کرمل دانسته‌اند و امروز هم غاری به نام وی در جبل مزبور وجود دارد. در قرآن به نام الیاس مذکور است. (همان منبع)

پروردگار قیوم کنار خواهد رفت و به شعاعی خواهد درخشید که توده‌های مه تاریک را بسوزاند و گروه طیور ظلمت را بپراکند؛ آنگاه ثابتان در شادی عظیم خواهند بود و سست‌ایمانان در عذاب الیم.)

۱۷) « یاران حقیقی را مزده تأیید جمال قدم دهید که عنقریب... کلمه نفی منسوخ (از میان رفته) گردد و عقده‌ی نقض مفسوخ (گشوده) و اَمّت نکث مَمسوخ (زشت و بدشکل شده)؛ فسوف ترون المتزلزلین فی خسران مبین.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، ص ۲۲) (مضمون عبارت عربی: به زودی سست‌ایمانان را در زیان آشکار خواهی دید.)

۱۸) « جمال مبارک ناصر میثاق است و حامی عهد خویش. این نفوس (ناقضین میثاق) به منزله‌ی بعوضند (پشه‌ی خاکی)، چندی در گل و کثافات خویش می غلطند، یک عربده‌ای میاندازند و عاقبت کان لم یکن شیئاً مذکوراً معدوم گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۹، مطلب هفتم، ص ۷۸) (مضمون عبارت عربی: انکار که چیزی وجود نداشته است.)

۱۹) « ناقضین که عبارت از عده‌ای نفوس مستضعفینند، چه خواهند کرد؟ سی سال است می کوشند عاقبت چند نفوسی بیهوش و چند زن‌های خفیف المشرب را به خودشان متفق کردند. عنقریب خواهید دید که این نفوس معدومه نیز متفرق شوند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۹، مطلب صد و چهل و سوم، ص ۱۵۱)

۲۰) « میثاق مانند دریاست که وحدت بهایی را حفظ می نماید و این نفوس (ناقضین میثاق) مانند کف است؛ موقت حرکتی می نمایند، ولی مانند یهودای اسخریوطی^{۱۱۸} و عونه یهوذا و نفوسی که موافقت به یهوذا نمودند، عنقریب مانند کف دریا نسیاً نسیاً (به کلی فراموش شده) خواهند شد. ولیکن دریای میثاق باقی و برقرار، زیرا وحدت بهایی را محافظه می نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۹، مطلب صد و چهل و سوم، ص ۱۵۳)

۲۱) « فسوف تری الناقضین فی خسران مبین. اینست که آثار نکبت کبری احاطه نموده، از این حدّ و درجه بدتر خواهد شد، به مقامی خواهد رسید که سلاله‌ی آنان انکار انتسابشان به آنان نمایند و به جایی روند که کسی نداند و نشناسد که آن‌ها از سلاله‌ی آنانند و هذا وعد غیر مکذوب و امر محتوم.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۹، مطلب صد و چهل و چهارم، ص ۱۵۶) (مضمون عبارت عربی: این وعده‌ای راستین و امری حتمی است.)

^{۱۱۸} کسی که به ازاء چند سگه‌ی نقره، حضرت مسیح را اصطلاحاً لو داد و به سربازان رومی معرفی کرد؛ قضیه‌ای که به محاکمه و شهادت آن حضرت منتهی شد. به فرموده‌ی جمال احدیه در کتاب بدیع: «یهودای اسخریوطی یکی از حروفات اثنا عشریه‌ی انجیل بوده و بعد به شقاوتی ظاهر که کلمه‌الله (حضرت مسیح) را تسلیم یهود نمود.» (کتاب بدیع، تصویر خط جناب زین‌المقربین، ص ۳۳۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲۲) « آینَ هو (میرزا محمّد علی) و اعوانه الخادعین و سفرائه المکذّبین و امنائه المبطلین و اتباعه المتزلّزین؟... سوف ینعدم ذکرهم و تمحو آثارهم و لا یُسمع منهم صوتا و لا رکزا و یجعلهم الله نسیاً منسیاً.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۸۰/ مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف غ از باب نوزدهم، ص ۵۶) (مضمون: او و یاران حیل‌گر و سفیران دروغگو و امنای باطل و اتباع متزلزلش کجا هستند؟... به زودی ذکرشان فراموش می‌شود و آثارشان نابود می‌گردد و از آنان دیگر صدا و نوایی شنیده نخواهد شد و خداوند به حفره‌ی خاموشی و فراموشیشان خواهد افکند.)

۲۳) « قد قطع الله لسانهم (نفوس سافله‌ی واهیه از بیوفایان و علی رأسهم الغراب (کلاغ سیاه) الاکبر، قطره‌ی منتنه، آواره‌ی بیچاره) و سوف یلحقهم بالذین ظلموا و استکبروا من قبلهم اذا سیعلمنّ ای مرجع یرجعون.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ۳ از باب چهارم، ص ۱۰) (مضمون: خداوند زبانشان را قطع نمود و به زودی آنان را به کسانی ملحق خواهد کرد که پیش از آنان، ستم نمودند و استکبار ورزیدند. آنگاه خواهند فهمید که در چه جایگاهی مقرّر دارند.)

۲۴) « سوف تمرّ علیه (اخ الناقض الاکبر و خلیفته، بدیع قبیح بدخصال) نفحات العذاب کما مرّت من قبل علی من کان اعظم منه (الناقض الاکبر) و اشرّ منه و یجعله الله عبرة للناظرین.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۷) (مضمون: به زودی روایح عذاب بر او (برادر ناقض اکبر و جانشین او، بدیع زشت کار بد خصال) خواهد وزید، همان‌گونه که قبلاً بر کسی که بزرگتر از او و شرورتر از او بود (محمّد علی، ناقض اکبر) وزید و خداوند درسی برای ناظرانش قرار خواهد داد.)

۲۱. زوال دشمنان امرالله و ستم‌ورزان بر احبّاءالله (۱۰۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « عنقریب معرضین نادم و خاسر مشاهده شوند.» (آثار قلم اعلی جلد ۶، ص ۱۳۱)
- ۲) « شوکت و سطوت ظالمین عنقریب معدوم و مفقود خواهد شد.» (مائده ی ۴، ص ۱۷)
- ۳) « عنقریب نفوس معرضه که بأهل بها ظلم نموده اند در کمال ندامت مشاهده شوند، إِنَّ الرَّحْمَنَ مَعَكُمْ وَالْخُسْرَانُ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ، أَنْتُمْ أُسْرَاءُ اللَّهِ فِي الدِّيَارِ.» (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۱۱۹) (مضمون بخش

عربی: خداوند رحمن با شما است و خسران و زیان با آنان و علیه آنان است؛ شما اسیران الهی در سر زمین‌های مختلف هستید.)

۴ « شوکت معتدین و طغیان ظالمین و نار مفسدین عنقریب افسرده و فانی و محمود مشاهده شود.»
(لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۱۰۷)

۵ « قُلْ يَا قَوْمِ اِنَّ اَقْرَبَ لَوْحِ الرَّئِيسِ وَمَا نَزَلَ فِي الْاَلْوَا حِ لَعَلَّ يَرْجِعُونَ اِلَى اللّٰهِ وَيَجِدُوْنَ عَرَفَ الْقَمِيصِ سَوْفَ يَأْخُذُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا كَمَا اَخَذَ الظّٰلِمِيْنَ مِنْ قَبْلُ اِنَّهٗ لَا تُعْجِزُهٗ صُفُوْفُ الْعَالَمِ وَلَا سَطُوْةُ الْاُمَمِ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْفَرْدُ الْوَاحِدُ الْمُقْتَدِرُ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ.» (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۵۲) (مضمون: بگو ای قوم، لوح رئیس و آنچه را که در الواح نازل شده است بخوانید شاید به خداوند راجع شوید و بوی پیراهن را بیابید. به زودی خداوند کسانی را که ظلم کردند، همانند ظالمین پیشین، اخذ خواهد کرد؛ نه صفوف عالمیان و نه سطوت مردمان او را عاجز نخواهد کرد. هر کاری که خواهد می‌کند و او فرد و واحد و مقتدر و علیم و حکیم است.)

۶ « لَا تَحْزَنُوْا بِمَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ قَدْ وَرَدَ عَلَيْنَا مَا نَاحِ بِهٖ رُوْحُ الْقُدْسِ وَصَاحَ السَّحَابِ، سَوْفَ يَرْوُنَ الظّٰلِمُوْنَ جَزَاءً مَا عَمِلُوْا اِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمِرْصَادِ.» (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۵۵) (مضمون: غمگین مشوید از آنچه بر شما وارد شد؛ بر ما نیز وارد شد آنچه که روح‌القدس به آن ناله نمود و ابر فریاد برآورد. به زودی ستمگران جزای اعمال خود را خواهند دید. همانا پروردگارت بر کمین‌گاه ایستاده است.)

۷ « لَا يُحْزَنُكَ اَقْوَالُ الْمَعْرُضِيْنَ وَلَا ظَلَمُ الظّٰلِمِيْنَ؛ سَوْفَ يَمْحُوْهُ اللّٰهُ اَثَرَهُمْ وَيَزِيْنُ بِذِكْرِكُمْ لَوْحَ الْاِبْدَاعِ.» (لثالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۱۲۵، ص ۲۴۶) (مضمون: گفتارهای معرضین و ظلم ظالمین محزونت نکند؛ به زودی خداوند آثارشان را محو و نابود خواهد کرد و به ذکر شما لوح ابداع را زینت خواهد داد.)

۸ « یا احبایی، ان افرحوا باسمی ثم اذکروا ربکم العزیز الحمید؛ لا تحزنوا من الذین اعرضوا، سوف یاخذهم الله بقهر من عنده، انه مهلك قرون الاولین؛ و یرفع اسمائکم بالحق انه لهو المقتدر القدير.» (لثالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۶۱، ص ۱۳۹) [مضمون: ای احبای من، به نامم شادمان باشید و پروردگار عزیز و حمیدتان را یاد کنید. به خاطر کسانی که اعراض کردند محزون مباشید، به زودی خداوند به قهری از نزد خود اخذشان خواهد کرد، هم اوست که (معرضین) قرون اولین را هلاک نمود. سپس به حق و راستی اسامی شما را بلند خواهد کرد؛ همانا او، به راستی او، مقتدر و توانا است.]

۹ « حَقَّ مَطْلَعِ ظَلَمٍ وَ نِفَاقٍ رَا مَهْلَتَ نَدَادٍ وَ اَخَذَ نَمُوْدُ؛ سَوْفَ يَأْخُذُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا فِي الْاَرْضِ مِنْ دُوْنِ بِيْنَةِ وَ لَا كِتَابِ مَبِيْنٍ.» (لثالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۵۲، ص ۱۳۰) (مضمون بخش عربی: به زودی اخذ خواهد کرد کسانی را که در زمین، بدون دلیل و کتابی مبین، ظلم نمودند.)

۱۰ « از ظلم ظالمان دل‌تنگ مباش؛ حق در کمین‌گاه قائم، زود است که همه را به نیران راجع فرماید؛ انه عل یکل شیء قدیر.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۵)

۱۱ « ایاک ان تأخذک فی الله لومة الجہلاء او تمنعک اشارات المغلین... یدعون لانفسهم المقامات العلیا و یأکلون اموال الناس بالباطل؛ الا انهم من الخاسرین. سوف یأتی یوم فیہ یتستغیثون و لایغاثون، كذلك یخبرک من عنده لوح عظیم.» (حضرت بهاء‌الله، مائده‌ی ۸، مطلب هفتاد و چهارم، ص ۵۵) (مضمون: مبدا در راه خدا سرزنش جاهلان بر تو اثر کند و یا اشارات بدخواهان بازت دارد... آنان ادعای مقامات عالیه دارند و به باطل اموال مردم را می‌خورند؛ بدان که آنان از زیان‌کارانند. به زودی روزی فرا خواهد رسید که فریاد کمک بلند کنند و کسی به دادشان نرسد؛ این گونه کسی که صاحب لوح عظیم است، ترا با خبر می‌کند.)

۱۲ « ایاک ان تحزنک شئون الارض و اشارات الذین اعرضوا عن الوجه، سوف یأخذهم الله بقهر من عنده.» (قلم اعلی ۷، ص ۴۹) (مضمون: مبدا اوضاع عالم و اشارات معرضین از حق محزونت کند؛ به زودی خداوند با قهر و غلبه اخذشان خواهد کرد.)

۱۳ « عنقریب عزت‌های ملوک و مملوک و أمراء و علماء کل به عدم راجع.» (آیات الهی ۱، ص ۲۰ دسامبر- قلم اعلی ۶، ص ۲۷۶)

۱۴ « در جمیع اعصار در رتبه‌ی اولیّه معرض علمای عصر بوده‌اند. به اعراض آن نفوس، کل معرض... از ظلم ذنب (شیخ محمد باقر، مجتهد اصفهانی) و امثال او مکدر مباش، اگر از برای حباب بر وجه ماء قرار و استقرار است، از برای آن نفوس هم سکون قرار بوده. هیئات هیئات عنقریب کل به فناء راجع.» (حضرت بهاء‌الله، مائده‌ی ۸، مطلب دویست و هفتم، ص ۱۷۱)

۱۵ « امر به قسمی شده که عنقریب اصحاب الهی در همه‌ی دیار معزز باشند، الحمد لله جمیع اعداء مخذول خواهند شد؛ دیگر مثل قبل نیست که مردود همه‌ی دول باشند.» (حضرت بهاء‌الله، مائده‌ی ۸، مطلب یکصد و چهل و ششم، ص ۱۲۰)

۱۶ « لو انهم (العلماء) یفرحون بما ورد علینا من البلاء، فسوف یأتی یوم فیہ ینوحون و ینکون.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱، ص ۳۵) [مضمون: اگر چه (علماء) از بلائی وارد بر ما شادمانند، اما به زودی روزی خواهد آمد که در آن به ناله و گریه آیند.]

۱۷ « اذا نزلنا الآیات قالوا انها مفتریات و اذا اظهرنا ما تحیرت عنه العقول و الارواح قالوا هذا سحر مستمر. ایاک ان تحزنک اشارات القوم، دعها عن ورائک. سوف تمرّ علیهم نفحات العذاب و یرونهم الموحّدون کاعجاز نخل منقعر.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۲، ص ۴۱) (مضمون: هرگاه آیات نازل کردیم

گفتند مفتریات است و هر وقت ظاهر نمودیم آنچه را که عقول و ارواح را متحیر کرد گفتند این جادویی است آشکار. مبدا اشارات قوم محزونت کند، رهایشان کن. به زودی روایح عذاب بر آنان مرور خواهد کرد و یکتاپرستان آنان را همچون برگ خمیده‌ی نخل خواهند دید.)

۱۸) « قد مرت نساءم الفضل و بها حملت الاشياء و كان الله على ما اقول شهيداً. سوف يظهر من كل شيء ما تفرح به افئدة الموحدين. اذا تشاهد المشركين يفرون عن اليمين و الشمال و لن يجدوا لانفسهم مقراً اميناً.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره‌ی ۱۲، ص ۶۸-امروخلق ۴، ص ۴۷۶) (مضمون: نسیم‌های فضل مرور نمود و اشیاء به آن حامله شدند و خداوند بر آنچه می‌گویم شاهد است. به زودی از هر شیئی ظاهر خواهد شد آنچه که یکتاپرستان را شادمان کند. آنگاه مشرکان را خواهی دید که می‌گیرند به چپ و راست، ولی به هیچ وجه جایگاه امنی برای خود نمی‌یابند.)

۱۹) « لا يحزنك قول المشركين، انهم كرماد؛ سوف تمرّ عليه ارياح عاصفات و تجعله هباء منثوراً.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره‌ی ۵۸، ص ۱۱۸) (مضمون: مبدا گفته‌های مشرکان محزونت کند؛ آنان همانند خاکسترند. به زودی تندبادهای توفنده بر او خواهد وزید و چون غباری پراکنده‌اش خواهد کرد.)

۲۰) « يا باقر لا تطمنن بعزك و اقتدارك؛ مثلك كمثل بقية اثر الشمس على رئوس الجبال. سوف يدركها الزوال من لدى الله الغني المتعال. قد اخذ عزك و عز امثالك و هذا ما حكم به من عندهام الالواح.» (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۶۱-الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۳۰- لوح برهان- نقل توسط بيت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاء‌الله، می ۱۹۹۲، ص ۶۱) (ای باقر، به عزت و اقتدارت مطمئن مباش؛ مثل تو مثل بقیه‌ی اثر خورشید است بر بلندای کوهستان. به زودی زوال از نزد خداوند غنی متعال محوش خواهد کرد. او عزت تو و عزت امثال تو را اخذ کرد و این همانی است که ام‌الالواح بدان حکم کرد.)

۲۱) « عنقریب معرضین نادم و خاسر مشاهده شوند... هذا حتم عند ربك، انه لهو العليم الخبير.» (قلم اعلى ۶، ص ۱۳۱- آیات الهی ۱، ۳ دسامبر- مندرج در توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۶) (مضمون عبارت عربی: این نزد پروردگارت امری حتمی است؛ او دانا و آگاه است.)

۲۲) « مقصود از جباربه و فراعنه در جمیع مقامات، علمایی هستند که سبب احتجاج خلق شده‌اند و بر حق جلّ جلاله فتوا داده‌اند و لکن غافل که آخر امرشان به کجا منجر خواهد شد. عنقریب از برای کلب مقام و عزّی مشاهده شود و از برای آن نفوس ابداً نخواهد شد.» (آیات الهی ۲، ۲۴ ژوئیه)

- ۲۳) «ای گروه علما، از این پس دیگر خود را صاحب اقتدار نخواهید دید، زیرا آن را از شما اخذ نمودیم و به مؤمنان خود بخشیدیم.» (ترجمه) [جمال ابهی، مندرج در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۸۴- نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاء‌الله- می ۱۹۹۲، ص ۶۱]
- ۲۴) «(خطاب به دشمنان امرالله)... به زودی آنچه را مالکید از دست خواهید داد و عزتتان به ذلت کبری تبدیل خواهد شد و همان‌گونه که خداوند علیم حکیم مقدر فرموده، به سبب آنچه مرتکب شدید، تنبیه خواهید شد.» (ترجمه) (جمال ابهی، مندرج در روز موعود فرا رسید انگلیسی، ص ۹۲)
- ۲۵) «قل یا قوم، اتمکرون فی امرالله و تخادعون به فی انفسکم؟... فسوف یأخذکم بمکرکم.» (جمال ابهی، مندرج در توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۸- مانده‌ی آسمانی ۶، ردیف ق از باب بیست و یکم، ص ۶۵) (مضمون: ای قوم، آیا در امر خداوند مکر و حيله می‌کنید و در نفس خود به آن خدعه می‌زنید؟... به زودی شما را به مکر خودتان اخذ خواهد کرد.)
- ۲۶) «سوف... تمحو آثار من استکبر علی الله.» (جمال قدم، مندرج در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶) (مضمون: به زودی... آثار کسانی که بر خداوند استکبار ورزیدند، محو و نابود خواهد گشت.)
- ۲۷) «سوف یرون المشرکون آیات النصر و یسمعون اسم الله من کلّ الجهات؛ یومئذ یقولون انا آمنّا بالله. قل الله اعلم بما فی صدور العالمین.» (جمال ابهی، مندرج در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶) (مضمون: به زودی مشرکان پرچم‌های پیروزی را مشاهده خواهند کرد و نام خداوند را از هر سویی خواهند شنید؛ آن وقت می‌گویند به خدا ایمان آوردیم. بگو خداوند داناتر است به آنچه در قلب‌های عالمیان است.)
- ۲۸) «اگر اراده کند تندبادهای سخت بر آنان (دشمنان امرالله) خواهد وزاند و آنان را چون خاک و خاشاک خواهد کرد.» (ترجمه) [جمال ابهی، روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۸۸]
- ۲۹) «او (خداوند) به زودی... بقایای آثار کسانی را که در یوم بازگشتش انکارش کردند، محو و نابود خواهد کرد.» (ترجمه) [جمال ابهی، نظم بهایی (انگلیسی)، ص ۱۷۴]
- ۳۰) «آن روز فرا خواهد رسید که (دشمنان امرالله) به گریه و ناله و ندبه مشغول شوند.» (ترجمه) [جمال ابهی، مذکور در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۹۱]
- ۳۱) «(خطاب به دشمنان امرالله)... به زودی نتایج اعمال خود را خواهید دید؛ زیرا پروردگار من، خداوند، شاهد و ناظر اعمال و رفتار شما است.» (ترجمه) [جمال ابهی، نظم بهایی (انگلیسی)، ص ۱۷۴-۱۷۳]

۳۲) « (خطاب به دشمنان امرالله) سوف یَفنی ما عندکم و یُبَدِّلُ عَزْمَکُم بِالذَّلَّةِ الْکُبْرَى و ترون جزاء اعمالکم من الله الأمر الحکیم.» (جمال ابهی، توقیع ۱۱۳ بدیع) (مضمون: به زودی آنچه نزدتان است فانی خواهد شد و عزتتان به ذلت کبری مبدل خواهد گشت و خداوند امر حکیم، جزای اعمالتان را خواهد داد.)

۳۳) « سوف تأخذهم زبانیة العذاب من لدن عزیز مقتدر قیوم.» (جمال ابهی، توقیع ۱۱۳ بدیع) [مضمون: به زودی، به فرمان خداوند عزیز مقتدر قیوم، مأمورین عذاب دهنده‌ی دوزخ آنان (دشمنان امراللهی) را اخذ خواهند کرد.]

۳۴) « عنقریب نفوس غافلہی مُعرضہ، خود را در خسران عظیم مشاهده نمایند.» (آیات الهی جلد ۱، ص ۲۶۵)

۳۵) « اگر چه الیوم علمای عصر حجاب شده‌اند بین حق و خلق، و لکن زود است که کلّ به خسران خود اعتراف نمایند.» (آیات الهی ۲، ۲۷ اکتبر)

۳۶) « سوف یُظہر الله من هذا الافق نوراً و قدرةً و بهما تظلم الشمس و تمحو آثار من استکبر علی الله.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲) [مضمون: به زودی خداوند از این افق (مظہراللهی) نوری و قدرتی ظاهر خواهد کرد که به واسطه‌ی آن‌ها خورشید تاریک شود و آثار کسانی که به خداوند استکبار ورزیدند محو گردد.]

۳۷) « فی الحقیقة کلّ من أعرض عن الحق فهو من ثمود^{۱۱۹}، من ای نسل کان. فسوف یدمدم علیهم العذاب كما دُمدم علی الاحزاب من قبلهم، ان ربک لهو المقتدر القدير.» (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۱۶) (مضمون: در حقیقت هر کسی از حق اعراض کند از اهل قوم ثمود است؛ از هر نسلی که می خواهد باشد. به زودی عذاب بر آنان چیره خواهد شد، همان گونه که بر احزاب پیشینشان چیره شد. همانا پروردگارت مقتدر و توانا است.)

۳۸) «ایاک ان یحزنک ظلم الذین ظلموا او یمنعک سطوة المشرکین. سوف یاخذهم الله بقدره من عنده كما اخذ من قبلهم الاحزاب؛ ان ربک لشدید العقاب و یبقی الملك لنفسه المهيمنة علی العالمین.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱، ص ۳۵- امروخلق ۴، ص ۴۷۶- پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۵) (مضمون: مبدا ظلم ظالمین غمگینت کند یا سطوت مشرکین از حق بازت دارد. به زودی خداوند به قدرتی از نزد

^{۱۱۹} نام قومی ناصالح از اعراب صحرائشین که حضرت صالح پیام آور آنان بود. به بند یا فقره‌ی ۱۰ از کتاب مستطاب ایقان رجوع شود.

خودش اخذشان خواهد کرد، همان گونه که احزاب قبل از آنان را اخذ کرد؛ همانا تنبیه پروردگارت شدید است. آنگاه مُلک برای خود خداوند که چیره بر عالمیان است، باقی خواهد ماند.)

۳۹) « لا تحزنوا من الذين ظلموا؛ سوف نأخذهم كما اخذنا قبلهم الاحزاب.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۵، ص ۵۲) (مضمون: از دست ستمگران محزون نشوید؛ به زودی آنان را اخذ خواهیم کرد؛ همان گونه که احزاب قبل از آنان را اخذ کردیم.)

۴۰) «سوف... تنهدم آثار الذين كفروا بيوم المآب.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۵، ص ۵۲) (به زودی آثار کسانی که به روز آمدن کفر ورزیدند، منهدم خواهد شد.)

۴۱) « ان اختر لنفسك ما اخترناه لك و لا ترى الذين ظلموا الا كمنلة تطير في ساعة او اقل منها. فسوف يطهر الله الارض من هؤلاء... انه لهو الغالب على من في ملكوت الامر و الخلق.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۲۲، ص ۸۱- امر وخلق ۴، ص ۴۷۶- پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۵) (مضمون: برای خود چیزی را برگزین که ما برایت برگزیدیم و به کسانی که ستم نمودند منگر منگر همانند مورچه‌ی (بالداری) که پروازش فقط ساعتی یا کم‌تر از آن می‌پاید. به زودی خداوند زمین را از پلیدی آنان پاک خواهد کرد... همانا او قطعاً بر اهل ملکوت امر و خلق غالب است.)

۴۲) « ان الذين غرتهم الدنيا اولئك ليس لهم من محيص. سوف تمر عليهم ریح صرصر و تجعلهم كهشيم المحتظر او كهباء منتشر و ترجعهم الى السقر ان ربك لهو المقتدر القدير.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۷۳، ص ۱۳۳) (مضمون: برای کسانی که دنیا را برگزیدند گریزگاهی نیست. به زودی تند باد تنبیه بر آنان خواهد وزید و چون کاه بر آغل ریخته، یا غبار پراکنده‌اشان خواهد کرد و به دوزخ راجعشان خواهد نمود، همانا پروردگارت مقتدر و توانا است.)

۴۳) « سوف ينوح كل غافل و يحن كل جاهل و يصيح كل ظالم لبيم. انه ياخذ من كفر به و يعذب الذين انكروا ما ظهر في ايام الله العليم الخبير الاقدم الاعظم.» (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۲۰۰) (مضمون: به زودی هر غافلی نوحه خواهد کرد و هر جاهلی ناله خواهد نمود و هر ستمگر فرومایه‌ای صیحه خواهد زد. همانا او اخذ خواهد کرد کسی را که کفر ورزید و عذاب خواهد داد کسانی را که انکار کردند آنچه را ظاهر شد در ایام خداوند علیم خبیر اقدم اعظم.)

۴۴) « ان الذين كفروا بالله و سلطانه اولئك ترهقهم ذلة و ما لهم من الله من عاصم، فسوف يأخذهم سياط القهر من لدى الله القادر القهار.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۱۷- سورة القميص) (مضمون: کسانی که به خداوند و سلطنت او کافر شدند، ذلت بر آنان خواهد تاخت و نگهدارنده‌ای برایشان نخواهد بود، به زودی تازیانه‌ی قهر خداوند قادر قهار، اخذشان خواهد کرد.)

۴۵) « یا ملاً المشرکین... جعلناکم عبدة الاسماء و من المعتکفین علیها... اذاً فاعبدوا الهتکم و هو یکم؛ فسوف یجعلکم الله و ایاهم هباء، بحيث لن یرقی منکم علی الارض من اثر و هذا ما قضی بالحق علی الواح عزّ حفیظ.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۴۵- لوح الروح) (مضمون: ای گروه مشرکان... شما را بنده‌ی نام‌ها و عابدین آن‌ها قرار دادیم... پس الهی خود و هوای نفسستان را عبادت کنید. به زودی خداوند شما و آن‌ها را غباری بر بادرفته خواهد کرد؛ به گونه‌ای که اثری از شما بر ارض باقی نخواهد ماند؛ و این چیزی است که به راستی در الواح معزز محفوظ، مقدر شده است.)

۴۶) « قل انّ الله قدر فی الكتاب بان یأخذ الظالمین بظلمهم و یقطع دابر المفسدین.» (نداء ربّ الجنود، سوره‌ی ملوک، بند ۵۲) (مضمون: بگو خداوند در کتاب مقدر کرد که ستمگران را اخذ کند و دنباله‌ی فاسدان را قطع نماید.)

۴۷) « شوکت معتدین و طغیان ظالمین و نار مفسدین عنقریب افسرده و فانی و مخمود مشاهده شود.» (آیات الهی ۲، ۱۹ مارس)

۴۸) « (ای دوستان حق) از... اقتدار اولی البغضاء محزون باشید؛ زود است که... به ضعف و فنا تبدیل شود.» (آیات الهی ۲، ۲۹ اکتبر)

۴۹) « لا تنظر الی الذین ظلموا احبّابی... سوف یأتی یومٌ فیهِ یضعون اناملهم بین انیابهم و یرکون علی انفسهم. كذلك قضی الامر من لدن مقتدر قدیر.» (جمال ابهی، امروخلق ۴، ص ۴۷۶) (مضمون: به کسانی که بر احبّای من ستم کردند توجّهی ننما... به زودی روزی فرا خواهد رسید که انگشتان حسرت بر دندان نهند و به حال خود بگریند. کار از نزد خداوند مقتدر توانا، این گونه مقدر شد.)

۵۰) « از ظلم ظالمان دل‌تنگ مباش؛ حق در کمینگاه قائم. زود است که همه را به نیران (آتش‌ها) راجع فرماید. انه علی کل شیء قدیر.» (جمال ابهی، امروخلق ۴، ص ۴۷۷-۴۷۶)

۵۱) « عنقریب نفوس معرضه که به اهل بهاء ظلم نموده‌اند در کمال ندامت مشاهده شوند... الخسران لهم و علیهم.» (جمال ابهی، امروخلق ۴، ص ۴۷۷) (مضمون عبارت عربی: زیان برای آنان و بر آنان است.)

۵۲) « الذین هم ظلمونا بغير جرم و لا ذنب مبین... کان الله قائماً علیهم... و (سوف) یأخذهم بذنوبهم و انه اشدُّ المنتقمین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، فقره‌ی ۶۶) [مضمون: کسانی که بدون جرم و گناهی به ما ستم ورزیدند... خداوند مسلط است بر آنان... و (به زودی) به سبب گناهی که مرتکب شدند اخذشان خواهد کرد؛ زیرا او شدیدترین انتقام گیرندگان است.]

۵۳ « عنقریب نفوس مغرضه که به اهل بهاء ظلم نموده‌اند، در کمال ندامت مشاهده شوند.» [جمال ابهی، مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸]

۵۴ « سوف... یأخذُ (الله) الذین ظلموا؛ إنَّ هذا لَحَقُّ مبین.» (جمال ابهی، امر وخلق ۴، ص ۴۷۷) [مضمون: به زودی... (خداوند) کسانی را که ستم ورزیدند اخذ خواهد کرد. همانا این، به راستی، حقیقتی معلوم است.]

۵۵ « سوف یرون الغافلونَ و الظالمونَ جزاء اعمالهم.» (جمال ابهی، مندرج در مجموعه‌ی بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۴۶) (مضمون: به زودی غافلان و ظالمان جزای اعمال خود را خواهند دید.)

۵۶ « لا یحزنکم كثرة الاعداء، سوف یجعلهم الله هباء و لا تسمع ضوضائهم الا کطین الذباب؛ انه کان بکلّ شیء علیما.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۵، ص ۵۳- مندرج در توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۶) (مبادا کثرت دشمنان غمگیتان کند، به زودی خداوند آنان را همانند غباری پراکنده شده خواهد کرد و دیگر فریادشان شنیده نخواهد شد، مگر همچون صدای پرواز پشه‌ای. او به راستی بر هر چیزی آگاه است.)

۵۷ « از بلایای وارده محزون مباشید... عنقریب... نقطه‌ی ظلم از لوح کون محو شود؛ هذا وعد غیر مکذوب.» (آیات الهی ۲، ۲۹ ژانویه) (مضمون عبارت عربی: این وعده‌ای است راستین.)

۵۸ « سوف نأخذ الذین ظلموا الیوم و قاموا علی الاعراض و عدا من عندنا و انا المقتدر علی ما اقول؛ لا تبقی فی الارض انفسهم و لا اموالهم و لا آثارهم و یبقی لک و للذین استقاموا ما لا ینفی بدوام الملک و الملکوت.» (قلم اعلی ۷، ص ۳۲۴) (مضمون: به زودی کسانی را که امروز ستم کردند و به اعراض برخاستند اخذ خواهیم کرد؛ این وعده‌ای است از نزد ما و ما بر آنچه می‌گوییم تواناییم؛ نه خودشان و نه اموالشان و نه آثارشان در زمین باقی نخواهد ماند و برای تو و کسانی که پایداری نمودند، چیزی باقی می‌ماند که به دوام ملک و ملکوت فانی نشود.)

۵۹ « ابرهای تیره هوی (متعلق به علمای عصر) افق هدی را ستر نموده، و لکن سوف یزیلها الله بالحق. انه لهو المقتدر القدير.» (آیات الهی ۲، ۲۷ اکتبر) (مضمون بخش عربی: ولی به زودی خداوند به حق و راستی آن را زایل خواهد کرد. همانا او مقتدر و توانا است.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۶۰ « ای دوستان... از سطوت علمای جاهل خائف نباشید و از ثروت دنیا مسرور نگردید؛ زود است قضای مبرم الهی هر دو را اخذ نماید و فانی سازد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۷۵)

۶۱) « در بدایت انقلاب (مشروطه)... صدر اعظم رفته که حضرات علما را از قم به طهران در نهایت احترام وارد کند... این عزت مانند ظلّ زائل است؛ عنقریب مبدل به ذلت کبری شود و ضربت علیهم الذلّة و المسکنة و باثوا بغضب من الله، یخربون بیوتهم بایدیهم و ایدی المؤمنین. به دست خود تیشه بر ریشه خود زدند.» (حضرت عبدالبهاء، مائدهی آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۷) (مضمون جمله ی عربی: برای آنان ذلت و مسکنت مقدّر شد و غضب الهی مهیا گشت، به دست خود و به دست مؤمنین خانه های خود را خراب می کنند).

۶۲) « یا اغنام الله س... ترون اعلام الاحزاب منکوسه و آیاتهم معکوسه و الوجوه ممسوحه ممسوخه و الاعین شاخصه غائره و القلوب خافقه خاسره و البيوت خالية خاوية و الجسوم واهیه بالیه و الارواح واهیه فی الها ویه.» (لوح خراسان، مکاتیب ۱، صص ۱۴۴-۱۴۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۴۰- مندرج در توفیق مورخ ژانویه ۱۹۲۹) (مضمون: ای اغنام الهی... به زودی پرچم های احزاب را واژگون، و علم هایشان را سرنگون، و چهره هایشان را سیاه و زشت، و چشم هایشان را وادریده و پرحسرت، و قلب هایشان را در تپش وحشت، و خانه هایشان را تهی و فراموش شده، و جسم هایشان را سست و فرسوده، و روح هایشان را متمایل به دوزخ، مشاهده خواهید نمود).

۶۳) « این عزت (دشمنان امرالله) به سخت ترین ذلت و این شکوه و جلالشان به بدترین انحطاط و اضمحلال مبدل خواهد شد.» (ترجمه) [حضرت عبدالبهاء، مذکور در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۹۳]

۶۴) « آنان (دشمنان امرالله)، همچون برف در آفتاب بهاران مضمحل و نابود خواهند شد.» (ترجمه) [حضرت عبدالبهاء، روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۹۳]

۶۵) « (در مورد دشمنان امرالهی) این عزت مبدل به ذلت کبری گردد و این سطوت و شوکت منقلب به مقهوریت عظمی شود. ایوان مبدل به زندان گردد و اوج ماه به قعر چاه انجامد. قهقهه و خنده نماند؛ بلکه نحیب بکاء (گریه) بلند شود.» (حضرت عبدالبهاء، توفیق ۱۱۳ بدیع)

۶۶) « (در مورد دشمنان امرالهی) گنبد های سفید و نیلگون سرنگون گردد.» (حضرت عبدالبهاء، توفیق ۱۱۳ بدیع)

۶۷) « عنقریب این نغمه ی واطوبی، واطوبی (از جانب دشمنان امرالله)، منقلب به فریاد و اوایلا، و اسفا گردد.» (حضرت عبدالبهاء، توفیق ۱۱۳ بدیع)

۶۸ « من بعد دستگاه اجتهاد و حکمرانی علماء و مرافعه در نزد مجتهدین و تمسک عوام به ایشان و صف جماعت و ریاست رؤسای دین پیچیده خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۳)

۶۹ « سید عبد الله می‌گوید العزّة لی فی الآخرة و الاولى، شیخ فضل الله می‌گوید الملک لی و السلطنة العظمی، سید محمد می‌گوید انّی مصدر فی صدر الجلال و خضعت لی الاعناق... حضرات علما آخور را دیدند، اما آخر را ندیدند. عنقریب این فریادهای یاطوبی، یاطوبی، مبدل به و اسفا و اوایلا گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۷) (مضمون عبارات عربی: در دنیا و آخرت عزّت از آن من است... حکومت و سلطنت عظمی از آن من است... من در صدر جلال جالس هستم و گردن‌ها برایم خم شده است.)

۷۰ « رساله‌ی سیاسی... در سنه‌ی هزار و سیصد و ده در بدایت انقلاب (مشروطه) مرقوم گردید... به آن رساله مراجعت نمایند و به دیگران بنمایند... به وضوح مرقوم گردیده که اگر آخوندها و فقهای زمان مداخله در امور نمایند، بعینه مثل زمان شاه سلطان حسین و فتحعلی شاه... گردد. در زمان شاه سلطان حسین، از مداخله آقایان پیشوا، ایران به دست عثمانی و روس و افغان افتاد و در زمان فتحعلیشاه، به مداخله آن گروه بیانتباه، نصف آذربایجان به باد رفت و غرامت عظیم کشیده شد و دریای مازندران از دست رفت.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۷)

۷۱ « انّ جندنا لهم الغالبون؛ عاقبت این قبه‌های گرد سفید و سبز و نیلگون سرنگون گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب هفدهم از ردیف م، ص ۴۶) (مضمون عبارت عربی: همانا سپاه ما غالب است.)

۷۲ « هر چند علمای رسوم و رؤسای جهول ظلم به ظاهر عربده‌ای می‌نمایند و جولانی میدهند؛ عنقریب ملاحظه خواهید نمود که این قوم مانند بوم هر یک به گوشه‌ی خرابه‌ای خزیده و به زاویه‌ی خسران ابدی دویده و در حفره‌ی لعنت سرمدی افتاده.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۴۶)

۷۳ « از تعدّیات تقی شقی مرقوم نموده بودید... این نفوس، عقرب صفت، افعی سیرت، مار رفتارند و رعیت حتّی حکومت به شَرشان گرفتار، ولی غافل از این که خداوند منتقم هرچند صبور است، ولی غیور است. عنقریب چنان تیشه بر ریشه این ستمکاران زند که اشجار آمالشان از بیخ برافتند، انّ ربّک لبالمصراد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۲۶۸) (مضمون عبارت عربی: همانا پروردگارت در کمینگاه است.)

(۷۴) « عنقریب آه و اینین مظلومان در قلب امکان تأثیر نماید و مفسدین به نکبت کبری مبتلا گردند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۷۷)

(۷۵) « عنقریب ملاحظه خواهید فرمود که کل (دشمنان امراللهی) با عنق منکسر خائب و خاسر... مبتلا گردند... و عاقبت کآن لم یکن شیئاً مذکوراً معدوم گردند.» (حضرت عبدالبهاء، توقیع ۱۱۳ بدیع (مضمون عبارت عربی: انگار که اصلاً چیزی موجود نبوده است).)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۷۶) « (حضرت بهاء‌الله) در کتب و الواح خود... خطاب به «کلّ علمای ایران»، آیاتی توییح آمیز نازل می‌کند و در آن‌ها، اعمال و رفتارشان را سرزنش می‌نماید و پیش‌بینی می‌کند که «شکوه و جلالشان به ذلّت کبری منتهی خواهد شد»، و مجازاتی را «که خداوند قدیر و حکیم برایشان مقدر فرموده»، مشاهده خواهند کرد.» (مرور معبود، ص ۲۹۳)

(۷۷) « حضرتش (حضرت بهاء‌الله) خطاب به ناصرالدین شاه نیز لوحی نازل نمود که طولانی‌ترین توقیع صادر برای یک سلطان است، و در آن... ذلّت آینده‌ی "علماء" را پیش‌بینی می‌نماید.» (مرور معبود، ۲۴۷)

(۷۸) « به دیده‌ی بصیرت ملاحظه نمایید که دشمنان حضرت مسیح با وجودی که در سنین معدوده به مقاومت و معارضه مشغول بودند، به این ذلّت کبری در مدّت بیست قرن مبتلا گشتند. پس در این ظهور اعظم و کور مفخّم... به اعدایی که مدّت هفتاد سال به جمال قدم و مبشر امر اتمش و غصن اعظم مکرمش چنین بلایایی وارد آورده‌اند که شبه آن در هیچ تاریخی ثبت نگشته، من بعد چه وارد گردد و چه ذلّتی رخ بگشاید و چه مجازاتی در عرصه‌ی شهود جلوه نماید. ان القلم یرجف من ذکر ما یرد علی هولاء الظالمین و القلب ینوح علیهم لذلتهم و کریتهم فی هذاالدور المشعشع الممتنع العظیم.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۸۵) (مضمون بخش عربی: قلم از ذکر آنچه بر این ستمگران وارد خواهد شد، به خود می‌لرزد و قلب به سبب ذلّت و نکبتشان در این دور مشعشع ممتنع حضرت عبدالبهاء‌ظیم، ناله می‌کند.)

(۷۹) « آنچه از این به بعد (دسامبر ۱۹۳۷) در اقلیم مجاوره (مجاور کشور ترکیه) بر علمای سوء، از سنی و شیعه، وارد گردد، کل از تأثیرات روعیه‌ی آن ظلم مبین (شهادت حضرت رب اعلی و مصیبات بعد از آن) است که در مدت هفتاد سال، از آن دو ملک غدار و دو حامی علمای سوء در آن دو اقلیم (ایران و امپراطوری عثمانی) وارد گشته.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۸۳)

- ۸۰ « عنقریب... سلطه‌ی ظاهره‌ی اسم اعظم زلزله به ارکان ممالک و بلدان اندازد و علمای رسوم از هر فرقه و در هر کشوری، بعضی را مرعوب و متنبه و برخی را مخدول و متشتت و مقهور و معدوم سازد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۳۱)
- ۸۱ « (خطاب به بازماندگان شهدای جهرم) زود است منتقم قهار زلزله به ارکان دشمنان اندازد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۴)
- ۸۲ « هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده‌ی قضا مکنون و تحقق مواعید جانپوریش به وقت دیگر مرهون... ذئاب کاسره، علمای دین و دشمنان دیرین و پرکین، قلع و قمع گردند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸)
- ۸۳ « سوف یرون المستهزئون یوم النصر باعینهم و یسمعون الصیحة بأذانهم یومئذ ترجف ارکانهم و تقشعر جلودهم و یرون انفسهم فی اسف عظیم.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۷۶-مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۵) (مضمون: به زودی استهزاء کنندگان روز پیروزی را به چشمان خود خواهند دید و فریاد سرافرازی را به گوش‌های خود خواهند شنید؛ آنگاه ارکانشان به لرزه در خواهد آمد و پوست‌هایشان مرتعش خواهد شد و خود را در حرمان عظیم خواهند یافت.)
- ۸۴ « این هیجان و اضطراب (دماء مسفوکه در سیل امرالهی)، هیچ شبهه نبوده (که) به... تذلیل و پریشانی اعدا مبدل خواهد گشت.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۵)
- ۸۵ « این عبد (حضرت ولیّ امرالله)، در احیان زیارت و فراغت... هدم بنیان ظالمان و دشمنان امر یزدان را متمنی (است).» (مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱)
- ۸۶ « همان‌گونه که در جایی دیگر نیز ذکر کردیم، آن روز چندان دیر نیست که علائم موعود تنبیه الهی انتقام خون گلگون بندگان مقتول حضرت بهاء‌الله را اخذ کند.» (ترجمه) [حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی (انگلیسی)، ص ۱۰۸]
- ۸۷ « به یقین مبین بدانند که... دشمنان بالمآل مقلوب و منکوب گردند و امرالهی غالب و کلمه‌الله نافذ گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۶۴)
- ۸۸ « این عبد (حضرت ولیّ امرالله)... یاران (ایران) را به صبر و شکیبایی و تحمل این مشقات و متاعب و مصائب دلالت نماید، الی ان ینجز الله وعده... و یتشتت شمل اعدائه.» (حضرت ولیّ امرالله، ۱۳ شهرالقدره ۱۰۴ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱) (مضمون بخش عربی: تا این که خداوند به وعده‌اش وفا کند... و جمع دشمنانش را متفرق سازد.)

۸۹) « به یقین مبین بدانید که نفس این قیام و تولید لوله و آشوب و ظلم و ستم و تهدید و مقاومت و تحریک و زجر و هجوم (علیه امرالله)، بالمآل باعث انحطاط و علت هبوط و سقوط جمهور محرکین و متعصبین و ظالمین و مفسدین و معترضین و معتدین و مهاجمین و انقراض و زوال علمای سوء و رؤسای ادیان عتیقه در اقالیم سایره گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع)

۹۰) « این فرایند انحلال و انحطاط (در اقبال دشمنان امرالله)... هنگامی که مخالفت با امرالهی از منابع مختلف و در زمینه‌های متعدد افزایش یابد، سرعت بیستری خواهد گرفت و آثار بیشتری از قدرت مخرب‌اش نمودار خواهد شد.» (ترجمه) [حضرت ولی امرالله، توقیع روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۱۷۷]

۹۱) « دشمنان حسود و لدود که در کمینند و بر اقدامات و خدمات جلیله‌ی یاران به نظر حقارت نظر می‌نمایند، خائب و خاسر و مایوس و منکوب گردند.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱ نوامبر ۱۹۴۷، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۹۴-۹۳)

۹۲) « به یقین مبین بدانند... عربده‌ی جهال خاموش شود... و قهاریت امر مبرم نمودار گردد... و مبطلین و مطرودین و مکذبین را به اشدّ عذاب مبتلا گردانند.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۱ ژانویه ۱۹۴۶، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۴-۲۳)

۹۳) « اشرار حتماً به مجازات خواهند رسید.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۳ جولای ۱۹۴۶، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۸)

۹۴) « ایّاکم ایّاکم ان یمنعکم عن اداء رسالات ربکم و مولاکم و محبوبکم دولة هاتک او لومة لائم او صولة ظالم او شوکة فاتک، سوف یدمدّم علیهم العذاب کما دمدّم علی الذین کانوا من قبلهم و انّ هذا لوعدٌ غیر مکذوب.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۳) [مضمون: مبدا مبادا که دولت هر بی‌ادبی و لومت هر سرزنش‌گری و صولت هر ستمگری و شکوت هر غاصبی شما را از رساندن رساله‌های پروردگارتان و مولایتان و محبوبتان بازدارد. به زودی عذاب بر آنان (سپاهیان جبّاران و قدرت فرعونان) مستولی خواهد شد؛ همان گونه که بر پیشینیان‌شان مستولی گشت؛ و همانا این، به راستی وعده‌ای است قطعی.]

۹۵) « فَوَرَبِّ الْعَمَاءِ، سَوْفَ یُفْتَوْنَ بِفِتْنَةِ عَمِیَاءِ صَمَاءِ وَ یَضْرِبَنَّ عَلَیْهِمْ مَلَائِكَةُ الْاَمْرِ وَ تَنْزِلُ اللَّعْنَةُ عَلَیْهِمْ وَ تَمُرُّ الرِّیحُ الْحَمْرَاءُ وَ یُحِیْطُهُمْ عَذَابُ اللَّهِ الْکَبِیْرِ الْاَکْبَرِ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ تَحْتَ اَرْجُلِهِمْ وَ یَحِلُّ بِهِمْ بَلَاءٌ لَمْ یُسْمَعْ بِبَلَاءِ اَشَدُّ مِنْهُ؛ اِذَا تَرَجَّفَ اَرْکَانُهُمْ وَ تَقَشَعَرَّ جُلُودُهُمْ وَ یَضِعُونَ اَنَامِلَ الْحَسْرَةِ بَیْنَ اَنْیَابِهِمْ وَ لَا یَجِدُونَ لَانْفُسِهِمْ نَاصِراً وَ لَا مَعِیناً؛ اِذَا یَاکُلُهُمُ النَّیْرَانُ وَ یَمْحُو اللَّهُ اَثَارَهُمْ وَ تُلْحِقُهُمُ بِالْهَالِکِیْنَ؛ اِذَا لَا تَسْمَعُ

لهم صوتاً ولا ركزاً.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع) (مضمون: قسم به پروردگار هستی، به زودی (دشمنان امراللهی) به فتنه‌ای کور و سخت امتحان خواهند شد و ملائکه‌ی امر بر دهانشان خواهند زد و بر آنان لعنت نازل خواهد شد و باد سرخ وزان خواهد شد و عذاب کبیر اکبر الهی از بالای سرهایشان و از زیر قدم‌هایشان فرایشان خواهد گرفت و بلایی بر آنان وارد خواهد شد که شدیدتر از آن شنیده نشده است؛ آنگاه ارکانشان مرتعش خواهد شد و پوستشان لرزان خواهد گشت و انگشتان حسرت بر دهان خواهند برد و برای خود یار و یاورى نخواهند یافت؛ آنگاه در آتش خواهند سوخت و خداوند آثارشان را محو و نابود خواهد نمود و به هلاک شدگان ملحقشان خواهد کرد؛ آنگاه دیگر در باره‌ی آنان حرف و حدیثی نخواهی شنید.)

۹۶ « علماء سوء گمان نمایند که به زجر و عقوبت و پستی و دنائت و ظلم و لثامت، روح آزاد این امر مقهور و مغلوب گردد... ولی غافلند که این جور و ستم، دول و امم را بیدار نماید... شوکت و صولت و سطوت خویش را عاقبت از بنیاد براندازد و مضمحل سازد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۵)

۹۷ « ید غیبی دوستان را نصرت می فرماید و اهل ظلم و ستم را عنقریب مقهور و مغلوب خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۴۰)

۹۸ « همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش‌آگهی می‌دهد... نفوذ قدرتمند علمای شیعه در ایران افول خواهد کرد.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۹۹ « جمال مبارک جلّ ثنائه به اصرح کلام اهل بهاء را بشارت داده و وعده فرموده‌اند که: "ای دوستان... ظلم ظالمین و اعراض معرضین و ضوضاء فاسقین شما را محزون ننماید. قسم به سلطان وجود، عنقریب جمیع این بساط‌ها برچیده شود و اثری از این نفوس در ارض باقی نماند." « (پیام ۲۱ مارس ۱۹۸۶/ اول شهر لبه‌اء ۱۴۳ بدیع)

۱۰۰ « شکی نبوده و نیست که هر بساطی که بناپیش بر کذب و افترا و ظلم و جفا باشد بقایى نیابد و به زودی منطوی گردد و نجم آمال دشمنان حضرت ذوالجلال (در ایران) آفل شود و غلبه‌ی امرالله محقق گردد.» (پیام ۲۱ مارس ۱۹۸۶، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۶۵)

فصل چهارم

عصر تکوین، عاقبت حال بشریتی سرکش و خداگریز (۱۲۰)

۲۲. تنبیه الهی (۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) «عالم از برای عرفان مالکِ قدمِ خلق شده؛ ولکن اهلش حجت الهی را انکار کردند و برکفران نعمت قیام نمودند؛ عنقریب آثار غضب اسم قهار روی زمین را اخذ نماید و مقتدرین را به سقر فرستد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۶)
- ۲) «قسم به حقیقت ازلی، آن یوم نزدیک می‌شود که خشم و غضب خداوند قدیر آنان (بشر معروض از خداوند) را اخذ کند. او به راستی مقتدر و مهیمن و علیم است.» (ترجمه) (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۰۳، ص ۲۰۸، متن انگلیسی)
- ۳) «قسم به حقیقت ازلی،... او (خداوند) زمین را از لوث پلیدی آنان (بشر معروض از خداوند) پاک خواهد کرد و آن را همچون میراثی، به بندگان مقربش خواهد بخشید.» (ترجمه) (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۰۳، ص ۲۰۸، متن انگلیسی)
- ۴) «هر امری اعتدالش خوب و محبوب است؛ تمدن زیاد سبب خرابی بوده و هست؛ چنانچه مشاهده می‌شود که در اروپا به قول خودشان قتل نفس هم مُد شده؛ به اقسام مختلفه می‌کشند؛ به ظلمی که شبه آن شنیده نشده تاچه رسد به مشاهده. عنقریب به عقوبات عظیمه مبتلا می‌شوند؛ چه که ارکان دین در عالم سست شده و این سستی، سبب قوت جهال و جرأت و جسارتشان می‌شود» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۳۳)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۵) «حضرت (بهاءالله)، خطاب به امپراطور فرانسه، ناپلئون سوم، که برجسته‌ترین و متنفدترین فرمانروای روزگار ایشان در مغرب زمین بود، و او را "رئیس ملوک" نامیده... به وضوح پیش‌بینی می‌کند که ممکلتش "گرفتار اغتشاش" و آشوب خواهد شد و "امپراطوریش از دستش" بیرون خواهد رفت، و "فتنه و فساد همه‌ی مردمان سرزمینش را فرا خواهد گرفت"، مگر آن که به حمایت امر خداوند برخیزد و از

فرمان کسی که رجعت همان روحُ الله موعود است (حضرت مسیح- م) پیروی نماید. « (مرور معبود، ص ۲۸۸)

(۶) (حضرت بهاء‌الله) در همان کتاب مبین (کتاب مستطاب اقدس) "سواحل رود راین (Rhine)" را خطاب کرده، پیش‌گویی می‌کند که "شمشیرهای تنبیه" بر آن‌ها کشیده خواهد شد و "ناله‌های برلن" بلند خواهد گشت، هر چند در آن روزگار از "عزت آشکار" برخوردار بوده است. « (مرور معبود، ص ۲۸۹)

(۷) « سقوط سریع امپراطوری‌ها... (از جمله) سقوط ناگهانی بنیانگذار خاندان سلطنتی جدید در ایران (منظور رضا شاه است)، مثال‌های بیشتری از احاطه‌ی و استیلا‌ی آن "تنبیه الهی" (را) که حضرت بهاء‌الله در همان سوره‌ی جاودانه (سوره‌ی ملوک) پیش‌گویی فرموده، ارائه می‌کند. « (مرور معبود، ص ۳۱۳)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۸) « عالم انسانی در حال عبور از دورانی پر از ناملایمات است که در آن، انواع حوادث ناگوار اتفاق افتاده و می‌افتد. این مصائب و بلا‌ی آن قدر ادامه خواهد یافت تا عالم انسانی از آلام وارده درس عبرت گیرد و مظهر الهی این عصر را بشناسد و به او ایمان آورد. « (پیام ۱ می ۲۰۰۷)

۲۳. توسعه و تشدید لامذهبی (۶)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

(۱) « وجه آن (عالم) بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد؛ به شانی که ذکر آن حال مقتضی نه. « (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله نشر آلمان، فقره‌ی ۶۱- آیات الهی ۱، ۱۲ می- امروخلق ۴، ص ۴۷۲- نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۴۱- نقل در توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۲) « وجه عالم بر لامذهبی متوجه بوده. در کلّ سنین بل در کلّ شهور بل در کلّ ایام، از ایمان و ایقان و عرفان بعید و به ظنون و اوهام نزدیک و تا مدّتی به این نحو خواهند بود، چنانچه میقات آن در کتاب الهی نازل و ثبت شده (است). « (آیات الهی جلد اول، ۲۴ اوت- امروخلق ۴، ص ۴۷۳- مائده‌ی ۴، ردیف الف، باب چهارم، ص ۱۹)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) « وجهی عالم به لامذهبی متوجه و منتهی به هرج و مرج خواهد شد. « (مندرج در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۲۸۳)

۴ « جمیع خلق، اروپامشرب گردند (یعنی روش اروپایی پیش گیرند) و به آسایش این جهان پردازند؛ اساس دین به کلی مضطرب و متزلزل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۳)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۵ « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) افسوس می خورد که " ارکان دین در عالم سست شده" و "وجه آن (عالم) به غفلت و لامذهبی متوجه" است.» (مرور معبود، ص ۳۰۰)

۶ « حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیّه... تصریح فرموده که... غفلت و لامذهبی در بین جمیع طبقات رواج یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۸-۶۸)

۲۴. انحطاط اخلاق عمومی (۴)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱ « حضرت ولیّ امرالله... پیش‌بینی فرمود که قدرت کشورها به عنوان داور و حکم برای سرنوشت بشر ضعیف خواهد شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۲ « حضرت ولیّ امرالله... پیش‌بینی فرمود که... انحطاط عمومی اخلاقی در انسجام و پیوستگی اجتماع تأثیر مهلکی خواهد داشت.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۳ « حضرت ولیّ امرالله... پیش‌بینی فرمود که... مردم از سیاست به واسطه‌ی فساد که در دستگاهش رخنه کرده، مأیوس و دلسرد خواهند شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۴ « روش‌های افراطی و منحرف را به بهانه‌ی حقوق بشر مشروع شمردن، هنرها و جرائد و رسانه‌های جمعی منحط و تجاوز و خشونت را در سراسر عالم تجلیل نمودن، همه‌ی این‌ها و سایر مظاهر هرج و مرج اخلاقی از آینده‌ای خبر می دهد که قوه‌ی مخیله را فلج می کند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۰)

۲۵. گسترش تعصب و تفرقه و تعدی (۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «ظلم و تعدی عالم را احاطه خواهد نمود.» (ترجمه) [مندرج در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۱۲۱]

(۲) «مرض عالم به مقامی رسیده که نزدیک به یأس است، چه که طیب، ممنوع و متطّیب مقبول و مشغول... غبار نفاق قلوب را اخذ نموده و ابصار را احاطه کرده؛ سوف بیرون ما عملوا فی ایام الله، کذلک ینبئک الخیر من لدن مقتدر قدیر.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۱۶) (مضمون بخش عربی: به زودی آنچه را که در ایام الهی مرتکب شدند، ملاحظه خواهند کرد. این گونه خیر از نزد خداوند مقتدر قدیر به تو خبر می‌دهد.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۳) «مستقبل جهان در ظلمتی عمیق و مشؤم (بدیمن، بدشگون) فرو رفته است.» (۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

(۴) «هر روز که می‌گذرد بر این خطر افزوده می‌شود که شعله‌ی تعصبات دینی آتشی در جهان خواهد افروخت که نتایج دهشتناکش از حدّ تصور ما بیرون است و به قدری شدید است که دولت‌ها و حکومت‌ها به تنهایی از فرونشاندنش عاجزند.» (بیانیه‌ی آوریل ۲۰۰۲، خطاب به رؤسای ادیان)

۲۶. وقوع جنگ‌های ویرانگر (۱۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «أنا جعلنا میقاتاً لكم؛ فاذا تمت الميقاتُ و ما أقبلتم الى الله، ليأخذنكم عن كلّ الجهات و يُرسَلُ عليكم نفحاتُ العذاب عن كلّ الاشطار و كان عذابُ ربك لشديد.» (منتخباب آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۰۸) [مضمون (با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی بیان مبارک): (ای مردمان) ما برای شما میقاتی تعیین کرده‌ایم؛ اگر نتوانید در زمان مشخص شده به خداوند روی آورید، شما را به شدت اخذ خواهد کرد و از هر جهتی مصیبات شدیده بر شما نازل خواهد نمود و عذاب پروردگارت به راستی سخت است.]

۲) « (خطاب به مردم جهان) روز موعود فرارسید، هنگامی که بلایای معذبانه بر فراز سرهایتان و زیر اقدامتان موج زند و بگنجد "بچشید آنچه را که دست‌هایتان مرتکب شد."» (ترجمه) [جمال ابهی، مندرج در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۱]

۳) « یا ایهاالملوک،... ان لن تستنصحو بما انصحنکم فی هذاالکتاب (سوره‌ی ملوک) بلسان بدع مبین، یاخذکم العذاب من کلّ الجهات و یاتیکم الله بعدله، اذاً لاتقدرون ان تقوموا معه و تکونن من العاجزین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۸) [مضمون: ای پادشاهان... اگر به اندرزهایی که در این کتاب (سوره‌ی ملوک) به زبانی بدیع و بی‌نظیر به شما دادیم توجه ننمایید، عذاب از همه طرف شما را احاطه خواهد کرد، و خداوند با عدلش با شما برخورد خواهد نمود؛ آنگاه قادر نخواهید بود در برابرش بایستید و به ضعف و ذلت خود واقف خواهید شد.]

۴) « غفلت عباد و اعمال باطله‌ی ایشان به صور بلایای مختلفه ظاهر شده و ارض را احاطه کرده؛ نظر به ما قُدر من قلم الاعلی، این جهان را نار حروب و دخان بلایا اخذ نموده و آن شعله در بلاد ایران مستور است و البته ستر را ظهور و بروزی از پی، مگر به ملاحظه‌ی نفوس مقدّسه‌ی ثابت‌ه‌ی راسخه‌ی مطمئنّه‌ی مستقیمه بلایای کبری و رزایای عظمی منع شود؛ انه علی کل شیء قدير.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸- مائده‌ی ۸، مطلب هفتاد و ششم، ص ۵۸]

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۵) « حضرت بهاءالله شصت سال پیش مانند آفتاب از افق ایران طلوع نمود و اعلان فرمود که افق عالم تاریک است و این تاریکی نتایج وخیمه بخشند و حروبات شدید و وقوع یابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۰۲)

۶) « لأبدّ حرب^{۱۲۰} و انقلاب عظیمی در عالم ظاهر خواهد شد، به درجه‌ای که جمیع بشر بر رؤسای ارض قیام خواهند نمود و خواهند گفت که "شما در قصرهای خود در کمال سرور می‌نشینید، با نهایت لذت می‌خورید و با نشاط و انبساط می‌خواهید، غذاهای بسیار لذیذ دارید، در باغ‌های خوش منظر و با صفا سیر و تفریح می‌کنید؛ اما برای شهرت و نام خود رعایا را به حرب می‌اندازید؛ خون ما را می‌ریزید؛ جسم‌های ما را پاره پاره می‌کنید؛ ولی خاری به دست شما نمی‌نشیند و دقیقه‌ای در آسایش شما فتور حاصل نمی‌شود."» (حضرت عبدالبهاء، کتاب پیام ملکوت، ص ۲۷۴)

^{۱۲۰} به مباحث ۲۶ و ۲۷ رجوع شود.

(۷) «البته این غفلت و کفران نعمت و عدم انتباه، سبب حسرت و مشقت و جنگ و جدال و حصول خسران و وبالست. اگر اهل عالم توجه به اسم اعظم نمایند، خطر عظیم در استقبال. ولی در حق یاران امیدم چنان است که آثار لطف الهی ظاهر گردد (و) امورشان از جمهور استثناء یابد و علیک البهاء الابهی.» (حضرت عبدالبهاء، مجله‌ی نجم باختر، سال پنجم، بندی ۸- پیام آسمانی ۱، ص ۹)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۸) «نار تنازعات نژادی مشتعل شود؛ آلات جهنمی‌ی حرب توسعه یابد؛ مدن در آتش کینه بسوزد؛ کروی ارض آلوده و غیر قابل استفاده گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام بیت العدل اعظم مورخ ۷ جولای ۱۹۷۶)

(۹) «منتخباتی از آثار بی‌شمار حضرت بهاءالله (۸۹ فقره‌ی دقیقه‌ی متسلسله، صفحات ۴۰-۳۶ همین منبع) ... (از جمله) مشتمل است بر خطراتی که پیش‌بینی فرموده و بر اوضاعی که ابلاغ و بر اندازاتی که اخطار... فرموده است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳۶)

(۱۰) «جنگ جهانی گذشته (منظور جنگ جهانی دوم است- م) تنها نوعی پیش‌چشایی بوده است برای انحطاط و اضمحلالی که این آتش ویرانگر (جنگ جهانی سوم) بر پیکره‌ی عالم وارد خواهد ساخت که در نتیجه‌ی آن، شهرهای ممالکی که در آن نواحی حضرت عبدالبهاء‌المکیر مشارکت خواهند کرد، به مخروبه و متروکه مبدل خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲)

(۱۱) «سلاح‌های مخرب‌ای که دشمن سرسخت و قوی و بیدار (شوری سابق و روسیه‌ی فعلی) تدارک نموده... از آسمان بر شهرهای امریک فرو خواهد ریخت.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۶۶) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

(۱۲) «مادام که روح امر مبارک در قلوب انسان‌ها نفوذ و رسوخ نموده و تعالیم جهانی‌ش موانع موجود را از میان بر نداشته، جناح‌های اقتصادی، احزاب سیاسی، عداوت‌های ملی، تعصبات نژادی، و خصومت‌های دینی، همچنان به ایجاد جنگ‌های مخرب ادامه خواهند داد.» (توقیع مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۳۱، صادر از طرف حضرت ولیّ امرالله خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

(۱۳) «با توجه به شرایط فعلی (ماه مارس ۱۹۴۸)، ذکر این که جنگ دیگری در کار نخواهد بود حماقت است؛ و بیان این که اگر جنگ دیگری رخ دهد در آن بمب اتمی به کار نخواهد رفت نیز احمقانه است.» (ترجمه) (نقل قول حضرت ولیّ امرالله توسط حضرت حرم، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۰)

۱۴ « تشنجاتی حتی شدیدتر (از جنگ جهانی دوم) عصری دردآلود را تهدید می‌کند.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، نوامبر ۱۹۴۸، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۱)

۱۵ « سایه‌های شوم جنگی دیگر، افق عالم را تاریک می‌کند.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، نوامبر ۱۹۴۸، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۱)

۱۶ « غرّش‌های مهیب از پیش خبر می‌دهند که عذاب سوّم (جنگ جهانی سوّم)، نیم کره‌های شرقی و غربی را احاطه خواهد کرد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، نوامبر ۱۹۴۸، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۱)

۱۷ « این نبرد جهان شمول (جنگ جهانی سوّم)... سوّمین مرحله از آن انهدام سیّاره‌ای است که مع‌الاسف، بشریتی غافل از خداوند و بی‌توجه به اخطارهای آشکاری که پیام آور برگزیده‌اش برای این عصر و زمان اعلان داشته است، باید به ناچار تجربه نماید.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۸ « پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیدایش سازمان ملل متحد، حضرت ولیّ امرالله به سال ۱۹۴۸ مرقوم فرمودند که هنوز باید در انتظار "انقلابات و تشنجاتی شدیدتر بود" و به "تصادم دیگری" اشاره فرمودند که مقدر است "افق بین‌المللی را تیره و تار سازد".» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۲۷. وقوع بلایای عظیم و عظیم و جهانی (۵۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « آنچه از قلم حکمت جاری و ثبت شده به منزله‌ی آفتاب است از برای جهان. راحت و امنیّت و مصلحت کلّ در آن است؛ و آلا هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه‌ی تازه‌ای بر پا شود.» (آیات الهی ۱، ص ۳۳۵)

۲ « عنقریب سیاط قهر الهی بر شما (بشریّت معرض از خدا) فرودآید و خاکستر جحیم (شما را) در برگیرد.» (جمال مبارک، مندرج در پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۳ « عنقریب نار تمدّن، مدن را به خاکستر تبدیل کند.» (جمال مبارک، مندرج در پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۴ « هنگامی که ساعت موعود فرا رسد، ناگهان ظاهر خواهد شد آنچه که ارکان عالم انسانی را به لرزه در آورد.» (ترجمه) (مندرج در توقیع منیع روز موعود فرارسید، متن انگلیسی، ص ۱)

۵ « بگو ای اهل ارض، به راستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب؛ گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده؛ قسم به جمال که در الواح زبرجدی از قلم جَلّیّ جمیع اعمال شما ثبت گشته.» (کلمات مکنونه‌ی فارسی، فقره‌ی ۶۳ / منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۰۴)

۶ « به زودی تازیانه‌ی تنبیه الهی بر شما (اهل عالم) فرود خواهد آمد و خاکستر دوزخ فرایتان خواهد گرفت.» (ترجمه) (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۰۳، ص ۲۰۹، متن انگلیسی)

۷ « آن روز به زودی فرا خواهد رسید که آنان (اهل عالم) فریاد کمک بر آورند، اما پاسخی نشنوند.» (ترجمه) (جمال ابهی، روز موعود فرارسید انگلیسی، ص ۲)

۸ « بگو ای نادانان گرفتاری ناگهانی شما را از پی، کوشش نمایید تا بگذرد و به شما آسیب نرساند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۸۵)

۹ « بگو ای عباد غافل، اگر چه بدایع رحمتت جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات فضلتم بر تمام ذرات ممکنات سبقت گرفته، و لکن سیاط (تازیانه) عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم به غایت عظیم.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۵۳)

۱۰ « بعد از بلوغ (دنیا)، خطر عظیم و بلای عقیم عالم و اهل آن را از عقب، مگر آن که کلّ در رضوان الهی وارد شوند.» (جمال ابهی، مائده‌ی آسمانی ۱، باب دوازدهم، الواح مبارکه دربارهی اکسیر، ص ۴۰)

۱۱ « ضغینه و بغضای (کینه و دشمنی) مذهبی ناری است عالم سوز، و اطفاء آن بسیار صعب؛ مگر ید قدرت الهی ناس را از این بلای عقیم (سخت و شدید و نابودکننده) نجات بخشد.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۳۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۲ « بدان (که) شداید و رزایا روزبه‌روز ازدیاد یابد و خلق پریشان شوند؛ ابواب مسرت و آسایش از جمیع جهات مسدود گردد؛ حروب‌ات مهیبه واقع شود؛ یأس و ناامیدی خلق را چنان احاطه کند که مجبور بر توجه به حق گردند؛ آن وقت انوار سعادت عظمی آفاق را روشن نماید.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۴) (بیان حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۰۴ میلادی)

۱۳) « این ظلمات (ظلمات عارض بر مدنیت مادیّه و هیأت اجتماعیه) منکشف نگردد و این امراض مزمنه (ضغینه و بغضا) شفا نیابد؛ بلکه روزبه‌روز سخت‌تر شود و بدتر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۰- نظم جهانی بهایی، ص ۴۱- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۴) « بلیّات و مصیبات محتومه‌ی مقدّره... باید دیر یاز زود، اجتماعی را که اغلب افراد آن طیّ مدّت بیش از یک قرن از ندای مظهر الهی غافل ماده‌اند، فراگیرد و نسل بشر را از لوث مفاسدی که در طیّ قرون مبتلای آن بوده، تطهیر نماید و در مآل، اعضای مرکّبه‌ی آن را در قالب (یک) دوستی و اخوت جهانی به نحوی مستحکم، به یگدیگر ترکیب و تلفیق نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۷ جولای ۱۹۷۶)

۱۵) « آشفتنگی و عدم تعادل شدیدی جهان را فراگیرد، حرکات و نوساناتی فرائض عالم را بلرزاند؛ تحولات اساسی اجتماع بشر را در برگیرد و نظم موجود را درهم پیچد و اساس حکومتات را دگرگون سازد؛ اعتقادات مذهبی تضعیف گردد؛ حکومتات مطلقه نضج گیرد؛ ظلم و بیداد گسترش یابد... مؤسّسات مذهبی منحط و مضمحل گردند؛ آشوب و هرج و مرج توسعه یابد؛ نهضت‌های مخالف گسترش و استحکام یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۷ جولای ۱۹۷۶)

۱۶) « بلیّاتی که تصوّرش را نتوان کرد؛ بحران‌هایی که به خوابش نتوان دید؛ انقلابات، جنگ، قحط و غلا و آفات، همه شاید دست به دست هم دهند تا در دل و جان بشر غافل حقایق و اصولی را حکّ نمایند که همواره از شناسایی و پیرویش سر می‌پیچیده است. باید رنج‌های عاجز‌کننده‌ی بی‌سابقه بر ارکان جامعه‌ی از هم گسیخته‌ی بشری وارد آید تا بتوان بار دیگر آبادش کرد و جانیش بخشید. حضرت بهاءالله می‌فرماید: " انّ التمدنّ الذی یذکره علماء مصر الصّنائع و الفضل لو یتجاوز حدّ الاعتدال لتراه نقمةً علی النّاس... انه یصیر مبدا الفساد فی تجاوزه کما کان مبدا الاصلاح فی اعتداله... سوف تحترق المدن من ناره و ینطق لسان العظمة الملك لله العزیز الحمید." (نظم جهانی بهایی، ص ۱۴۰- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون بخش عربی: تمدّنی که دانشمندان عرصه‌ی علم و صنعت می‌گویند، اگر از حدّ اعتدال خارج شود آن را گرفتاری عظیمی برای مردمان خواهی یافت... این تمدن همان قدر که در صورت اعتدال می‌تواند مبدأ اصلاح امور باشد، در حالت تجاوز از حدّ اعتدال، منشاء فساد خواهد بود... به زودی شهرها از آتش آن خواهد سوخت و لسان عظمت نطق خواهد کرد: سلطه و سلطنت از آن خداوند عزیز و حمید است.)

۱۷) « هر قدر مضامین مکنونه‌ی این نظم دائم‌الاسماع الهی (نظم بدیع جهان‌آرا) مکشوف‌تر گردد و شاخ و برگ آن کره‌ی ارض را بیشتر فراگیرد، بر شدت و وسعت این انقلاب (نزول بلای ناگهانی که از جمیع جهات اساس تمدن کنونی را تهدید می‌نماید) خواهد افزود.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۹۴)

۱۸) « معتقدیم... این ظلمتی که جهان را فرا گرفته هر چند بسیار شدید است، اما مصیبات و بلاهای فوق‌التصوری که لاجرم به جهان دردمند خواهد رسید، هنوز در بوتهی تعویق مانده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۹) « آیا این بشر بدبخت هنوز باید که بلای دیگری را متحمل شود تا مصفا گردد و او را برای ورود به ملکوت مقدر الهی که در این جهان برپا خواهد شد، آماده نماید؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۲- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۰) « آیا بنا است که افتتاح چنان عصر ملکوتی و وسیع و بی‌همتا و درخشانی در تاریخ بشر (عصر ذهبی) بعد از زمانی طالع شود که عالم به غذایی الیم مبتلا شده باشد که به مراتب شدیدتر از غذایی است که سبب سقوط تمدن روم در قرن اول مسیحی شد؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۲- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۱) « افسوس و دریغ که هیچ چیز به جز آتش سوزان امتحان و بلیات نمی‌تواند عوامل متضاد و متخاصمی را که اجزاء مرکبه‌ی تمدن امروزی ماست، چنان در هم ذوب نماید و به هم جوش دهد که همه‌ی آن‌ها را اجزاء مرکبه‌ی یک اتحادیه‌ی جهانی آینده گرداند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۳- توقیع منیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۲) « این انداز حضرت بهاء‌الله در اواخر کلمات مکنونه است که می‌فرماید: "بگو ای اهل ارض، به راستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب". گویا سرنوشت فوری و غمانگیز بشر چنین است که تا از کوره‌ی سوزان مشقات و بلیات پاک و آماده بیرون نیاید، هرگز در قلوب رهبران جهان احساس مسؤولیتی که لازمه‌ی این عصر نوظهور است القاء نخواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۵۰- نظم جهانی بهایی، ص ۶۳- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۳) « شاید تشکیل اتحادیه‌ی جهانی ایجاب نماید که بشر دچار مصائب و آلامی شود که تا کنون شبیه و نظیری نداشته است.» (حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهایی، ص ۶۲، توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۴) « گودالی هولناک دهان گشوده تا همه را در یک بلیه‌ی عمومی در کام خود فروکشد و همه را در بر گیرد؛ چه از ملل مرفه باشند چه غیر مرفه، چه حکومت دموکراسی داشته باشند چه دیکتاتوری یا سرمایه

داری و یا رنجبری، چه اروپایی باشند و چه آسیایی، چه مؤمن باشند و چه کافر، چه سیاه و چه سفید.»
(نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۵، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۵ « هنوز مصائب دردناک بیشتری لازم است تا کشورهای متخاصم و اصول و عقاید متناقض و طبقات و نژادهای مختلف را در کوره‌ی بلیات عمومی ذوب نماید و در قالب مصیبات شدید ریزد و از آن‌ها جامعه‌ی متحدالمرامی به وجود آورد که با نظامی متحد و هماهنگ کار کند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۴۰، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۶ « قبل از حلول ساعت نهایی استخلاص عالم انسانی... الزاماً باید جریان‌های متقابل و طوفان‌های شدید، به طور فزاینده، بر پیکره‌ی آن ضربه وارد کند.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۰)

۲۷ « آیا بشریت که هم اکنون هم معذب و مغموم است؛ همچنان باید تأثیرات تطهیری‌ی بلایایی شدیدتر را تجربه نماید تا آمادگی دخول در ملکوت آسمانی را که مقدر است بر زمین مستقر گردد، حاصل نماید؟.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱ مارس ۱۹۳۶، مندرج در مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۲۸ « مقدمات... و قو حضرت عبدالبهاء ذاب کبیر اکبر در عالم فراهم (است).» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۶۲)

۲۹ « آیا پیش از آن که حضرت بهاءالله در دل و جان مردمان خیمه افرازد، پیش از آن که عظمتش به تصدیق اهل عالم رسد، پیش از آن که قصر مشید نظم جهانی‌اش ارتفاع یابد، مقدر چنین است که زلزله به ارکان جهان افتد و بنیاد بشر را زیر ویر سازد؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۳- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۳۰ « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) اخطار می‌دهد: "هنگامی که میقات (غفلت و لا مذهبی و هرج و مرج- م) به سر آید، ناگهان ظاهر شود چیزی که ارکان عالم را به لرزه درآورد." (مرور معبود، ص ۳۰۱)

۳۱ « تا عالم امکان در نیران مصائب و بلاها نسوزد و دول و ملل مشتمل از مکاید سیاسیّه و مقاصد سیئه‌ی خفیه‌اشان نگردند و افراد بشر از هبوب این بادهای مسموم مخالف هوی و هوس پشیمان و مأیوس نشوند، انوار ابدی از مشرق این ظهور کلی الهی پرتوی بر عالم نیفکند و لب تشنگان عالمیان به کوثر عرفان و ایمان واصل نگردند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۹۵-۹۴)

۳۲) « بشر... در امواج خروشان شرور و مفاسدی که در اثر انحرافات و سیئات اعمال خویش ایجاد نموده، مستغرق خواهد گردید.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۳۵)

۳۳) « این حوادث و وقایع هولناک (بلا یا و مشاکل عظیمه‌ای که این عصر پرانقلاب را احاطه نموده) علائم و آثاری است که منادی و یا همعنان (با) مصیبت عظیمی (یک انقلاب عمومی که از لحاظ وسعت و شدت در تاریخ بشری مثل و نظیر است) خواهد بود که به فرمان داور آسمانی و منجی عالم انسانی دیر یا زود جامعه‌ی بشریت را... فراخواهد گرفت.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۳۳)

۳۴) « آیا باید آغاز عصری چنان یگانه و ممتد و تابناک در تاریخ بشریت (عصر ذهبی^{۱۱})، با فاجعه‌ای چنین عظیم و هولناک در امور انسانی همعنان گردد؟ فاجعه‌ای که نه تنها سقوط مهیب تمدن رومیان را در قرون اولی‌ی دور مسیحی به یاد می‌آورد، بلکه از آن هم سبقت می‌گیرد؟» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱ مارس ۱۹۳۶، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۳۵) « علائم نزول بلای ناگهانی... از جمیع جهات، اساس تمدن کنونی را تهدید می‌نماید و به نحوی حیرت‌بخش، سقوط امپراطوری روم غربی را به خاطر می‌آورد.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۴-۸ فوریه ۱۹۳۴-ارکان نظم بدیع، ص ۲۰)

۳۶) « افسوس که جز قوای بلیات عظیمه و قدرت مصیبات شدیده، چیز دیگری نمی‌تواند افکار بشری را در مرحله‌ی جدید وارد کند. نظر به این اصل مسلم، آن بلای ناگهانی و مصیبت عظیمه با کمال سرعت هر زمان ظاهرتر می‌گردد و هر لحظه آشکارتر می‌شود.» (حضرت ولیّ امرالله، ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱، ارکان نظم بدیع، ص ۳۰)

۳۷) « این وظیفه‌ی ما است که قبل از استیلای آن فاجعه‌ی عظیم بر هم‌نوعانمان (جنگ جهانی سوم)، تعدادی هرچه بیشتر از آنان را به شاه راه نجات بکشانیم.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۳)

۳۸) « هنگامی که زمان آن فاجعه‌ی عظیم (جنگ جهانی سوم) فرا رسد، هرچه تعداد مؤمنانی که همچون مشعل‌های فروزان در دل شبگاهان عمل خواهند کرد، بیشتر باشد بهتر است، و به همین دلیل است که تبلیغ امرالله در این زمان، از اهمّیت فوق‌تصوّر برخوردار است.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۳)

^{۱۱} به مبحث ۱۳۰ رجوع شود.

۳۹) «عقوبات شدید... بر وفق تقدیر الهی و به اقتضای حکمت خفیه‌ی ربّانی مقدّر گشته تا بالمآل عناصر متخاصمه‌ی جامعه‌ی انسانیّت را با یکدیگر التیام داده و به شکل یک حکومت واحد متحدالاعضای لا یتجزّای جهانی در آورد.» (حضرت ولیّ امرالله، تلگراف ۹ می ۱۹۴۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۵)

۴۰) «بانیان دلیر نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله... به یقین مبین بدانند که زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلی فرصت انجام فتوحات باهره‌ی ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه‌ی ادنی مرحله‌ی انحطاط عالم انسانی است، مقارن باشد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۷۵)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۴۱) «چراغ دین بی نور است و کوکب هدایت در ظلمات ضلالت مستور و بیانات مبارکه‌ی الهیه کل مبین امور؛ از جمله این آیات باهرات است که تقریباً یک قرن قبل از قلم اعلی نازل، قوله الاحلی: "عالم منقلب است و انقلابات او یوما فیوما در تزیید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجّه و این فقره شدّت خواهد نمود و زیاد خواهد شد به شانی که ذکر آن حال مقتضی نه؛ و مدتی بر این نهج ایام می‌رود و اذا تم المیقات یظهر بغتة ما ترتعد به فرائض العالم؛ اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافنان."» (پیام مارس ۱۹۶۵)

۴۲) «تشنجات عالم تخفیف نخواهد یافت؛ بلکه روزه‌روز زیاد خواهد شد و عالمیان، ایمان خود را به علاج‌های انسانی از دست خواهند داد و سرانجام، این حقیقت جلوه گر خواهد شد که "هیچ گریزگاهی نیست، مگر پناه خداوند یگانه."» (ترجمه) (معهد اعلی، رضوان ۱۹۶۵، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۴۳) «گمان مبرید که ظهور... بلیات و آفات، فقط متوجّه جامعه‌ای یا مملکتی است؛ بل اهل عالم که متجاوز از یکصد و سی سال از اجابت ندای حضرت ذوالجلال محروم و در کابوس اوهام و غرور مستغرق و به هرج و مرج در جمیع شئون مبتلا، جزائاً لغفلتهم و استکبارهم، به عذابی الیم و عقابی عظیم محکوم (هستند).» (پیام ۹ شهر العزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۳)

۴۴) «در نصوص مبارکه محتوم است که... فوران نار عذاب... به اراده‌ی منتقم قهار، تطهیراً لهیکل العالم (برای پاکسازی پیکر بشریت)، جمیع بلاد را مشتعل و محترق نماید.» (پیام ۹ شهر العزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۳)

۴۵) «ماده‌ی فسادى که به علت ردّ و انکار آیین حضرت پروردگار در هیکل عالم غلظت یافته... جز با بیشتر قهر و سخط الهی منفجر نشود و اثر سمّ افعى لامذهبی و ماده‌پرستی و غرور و غفلت و لجاج که هیأت بشریه را مجروح و مسموم ساخته، جز به داغ بلایا و مصائب لاتحصی علاج نپذیرد.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع/ ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۳)

۴۶) «امثال این انحرافات (انحرافات این نسل سرگردان) سبب گردد که به فرموده‌ی جمال مبارک "هریوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه‌ای تازه برپا شود" و "سوف تحترق المدن من ناره" تحقق یابد.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، خطاب به بهاییان ساکن ممالک خارج از ایران) (مضمون عبارت: به زودی شهرها از آتشش خواهد سوخت).

۴۷) «صلح جهانی آیا فقط بعد از وقوع وحشت و بلایی عظیم که مولود تمسک مصرّانه بشر به روش‌های ناهنجار قدیمی است، باید تحقق یابد؟» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مقدمه، ص ۱)

۴۸) «نظام‌های دیگر که در قالب مدنیت مادی هنوز بر جا و دائر مدار عالم انسان در این زمان است، چون از نشئات روح‌القدس محروم است و از قوه‌ی نافذه‌ی خلاقه‌ی الهیه ممنوع نیز سرنوشتی بهتر از آن (سقوط شوروی سابق و زوال عرق وطن پرستی ملل اروپا) نخواهد داشت و چنان به مشکلات لاینحل اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی گرفتار گردد که ناچار شکست پذیرد و از پای بست ویران شود. قلم اعلى در این باره تصریح فرموده "زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد؛ ان ربک لهو الحقّ علام‌الغیوب."» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰) (مضمون عبارت: همانا پروردگارت، برحقّ و داننده‌ی پنهانی‌ها است).

۴۹) «گذشت زمان سستی آن بنیان (مدنیت کنونی عالم) را هر دم بیشتر نمایان سازد.» (پیام آگوست ۱۹۹۳، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۷۹)

۵۰) «حضرت بهاء‌الله... فرموده‌اند که با کمال تأسّف، مصائب و یأس و حرمان بیشتری برای بشر لازم است تا او را مجبور سازد که به چنین جهش بلندی (حکومت جهانی) پردازد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹)

۲۸. انهدام بعضی ممالک و مُدُن (۱۲)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « انّ التمدنّ الذی یدکره علماء مصر الصّناع و الفضل، لو یتجاوز حدّ الاعتدال لتراه نقمة علی الناس؛ كذلك یخبرکم الخیر. انه یشیر مبدء الفساد فی تجاوزه کما کان مبدء الاصلاح فی اعتداله. تفکروا یا قوم و لا تکنونوا من الهائمین. سوف تحترق المدن من ناره و ینطق لسان العظمة الملک لله العزیز الحمید.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۱۶۴- نقل در توقیع روز موعود فرارسید انگلیسی، ص ۱) (مضمون: تمدنی که دانشمندان عرصه‌ی علم و صنعت می‌گویند، اگر از حدّ اعتدال خارج شود آن را بلیه‌ای برای مردم خواهی یافت؛ مخبر آگاه این گونه شما را مطلع می‌سازد. این تمدن همان قدر که در صورت اعتدال می‌تواند مبدأ اصلاح امور باشد، در حالت تجاوز از حدّ اعتدال، منشاء فساد خواهد بود. بیندیشید ای قوم، و از گمراهان مباشید. به زودی شهرها از آتش آن خواهد سوخت و لسان عظمت نطق خواهد کرد: ملک از آن خداوند عزیز و حمید است.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲) « ایام بگذرد و جمیع بساطها پیچیده گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۲۲)

۳) « ایام بگذرد... و هر بنیانی ویران شود و هر درختی سایه‌دار (نماد هر چیز یا هر کسی که پناه و امان مردم است) از بیخ برافتد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۲۲)

۴) « ای بنّاء بنیان ثابت محکم متین، آنچه بینی از ابنیه‌ی عالیّه، هر چند سر به کهکشان کشیده و به عنان آسمان رسیده، عنقریب با خاک یکسان گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۵)

۵) « آنچه الیوم در تماشاگاه امکان مشاهده نمایی، عنقریب مشهود و واضح گردد که اوهام باطله و خیالات خالیّه است؛ چون موج سراب مفقود و نابود گردد و چون نقش بر آب معدوم و مطموس. شهدهش سمّ قاتل گردد و مهدش سنگلاخ مشکل، روشنی‌ش تیره شود و دیده‌اش کور و خیره گردد؛ عزّت بی‌پایانش ذلّت پایدار شود و نشئه‌ی بی‌متعاش شدّت صداع (سردرد) و خمار.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۶۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۶) « ما در آستانه‌ی عصری هستیم که اضطرابات و تشنج‌جاش... نماینده‌ی سكرات موت نظمى كهنه و فرسوده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴- توقيح مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۵)

(۷) « نسبت به مدنیت مادیّه و تجاوز از شئون معتدله‌ی آن، (حضرت بهاءالله) می فرماید: "سوف تحترق المّدن من ناره و ينطق لسان العظمة المّلك لله العزيز الحميد."» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳۸) (مضمون بخش عربی: به زودی شهرها از آتش آن خواهد سوخت و لسان عظمت نطق خواهد کرد: ملك از آن خداوند عزیز و حمید است.)

(۸) « حضرت بهاءالله به کمال صراحت و تأکید، در آثار خود آن را (فلسفه‌ی مادی صرفه (را)... که در جمیع شئون زندگانی حکم فرما بوده و برای رفاه و آسایش ظاهری اهمیّت فوق العاده و دائم التّزاید قائل و از حقائق روحانیّه که یگانه اساس ثابت و رزین جامعه‌ی بشری است عاری و مهجور است) مذموم شمرده و به آتش جهان سوزی تشبیه می فرمایند که علت اصلی نزول بلاهای عظیمه و ظهور بحران‌های شدید‌های است که سبب احتراق مّدن و ایجاد وحشت و اضطراب در قلوب کلیّه عباد خواهد بود.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۶۴) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

(۹) « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) پیش‌بینی می نماید آن روز نزدیک می شود که "شعله‌های تمدنی عنان گسیخته، شهرهای بزرگ عالم را در کام کشد."» (مرور معبود، ص ۳۰۱)

(۱۰) « اراده‌ی مطلقه‌ی حیّ قدیر بر آن تعلق گرفته که مدنیت الهیه، بنیاد رفیعش بر اتلال مخروبه و بقایای ویران مدنیت حاضره‌ی جهان مرتفع گردد و استقرار یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، ۲۱ مارس ۱۹۳۰، ارکان نظم بدیع، ص ۲۴)

(۱۱) « مادّه‌پرستی کور و سرطانی... عامل اصلی است در تسریع عذاب‌های هول‌انگیز و بحران‌های تکان‌دهنده که الزاماً باید با سوختن شهرها و گسترش وحشت و حیرت در قلوب انسان‌ها توأم باشد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، ۱۹۵۴ میلادی، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲-۱۹۱)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۲) « انحرافات سبب گردد که به فرموده‌ی جمال مبارک "هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه‌ی تازه‌ای برپا شود" و "سوف تحترق المّدن من ناره" تحقق یابد.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۳۰)

۲۹. پیچیده شدن بساط (نظم) موجود در عالم (۱۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) «یا حزب‌الله... شما باید ساقیان سلسبیل بیان مقصود عالمیان. زود است بساط عالم پیچیده شود. هر شیئی از اشیاء به لسان ظاهر و باطن بر تغییر و فنایش شهادت می‌دهد، طوبی لِّلْسَامَعِینِ.» (آیات الهی، ۲، ۱۶ دسامبر)

۲) «لَعَمْرِي سَوْفَ نَطْوِي الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَنَبْطُ بِسَاطِهَا آخِرًا. اِنَّهٗ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرًا.» (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۹۴- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- مذکور در روز موعود فرارسید انگلیسی، ص ۱۶) (مضمون: قسم به جانم، آن روز نزدیک می‌شود که بساط عالم را جمع کنیم و بساطی دیگر بگسترانیم. همانا او بر هر چیزی توانا است.)

۳) «قسم به جمال که... همه‌ی این رنگ‌های مختلفه را از میان بردارم؛ مگر کسانی را که به رنگ من درآیند و آن، تقدیس از همه‌ی رنگ‌ها است.» (آیات الهی، ۱، ص ۲۳۹)

۴) «عنقریب رنگ‌های مختلفه‌ی دنیا را ید فنا اخذ نماید و در خیمه‌ی یک‌رنگ تراب در آورد.» (آیات الهی، ۲، ص ۳۲۸)

۵) «زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد. اِنَّ رَبِّكَ لَهٗوَ الْحَقُّ عَلَامُ الْغُیُوبِ.»^{۱۲۲} (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۴- مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۹۴- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- نقل توسط حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۶۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۶) «اگر اهل بهاء به کمک اهل عالم نشتابند و جهان را از روحی که حضرت بهاءالله به عالم عنایت فرموده‌اند مشحون نسازند، عالم با مصائب مختلفی که بدان مبتلا شده، کاملاً ویران و مدنیّتش بالمره نابود خواهد شد.» (توقیع مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۳۱، صادر از طرف حضرت ولیّ امرالله خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

^{۱۲۲} حضرت ولیّ محبوب امرالله این بیان مبارک را طوری ترجمه فرموده‌اند که مضمون آن چنین است: «به زودی نظم موجود برپیده و نظمی نوین بر جای آن مستقر خواهد شد. به راستی پروردگارت حق را می‌گوید و داننده‌ی چیزهای ناپیدا است.» (ترجمه)

(۷) « رهبران عصر (حاضر)... موازین قدیمه را می‌خواهند در عصری به کار برند که بیش از دو راه در پیش ندارد؛ یا باید طبق طرحی که حضرت بهاء‌الله ارائه فرموده^{۱۲۳}، متحد گردد و یا راه دیگر رود و سرانجامش به نابودی کشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۰-توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۸) « خرابی و دمار که این آتش خانمان سوز (فلسفه مادی صرفه) در عالم ایجاد خواهد کرد... نتیجه‌ی غفلت از حق و عدم توجه به انذارات صریحه‌ی حامل برگزیده‌ی پیام الهی در این یوم جلیل است... و تجربه‌ی تلخ آن در جنگ جهانی گذشته (جنگ دوّم) که مرحله‌ی ثانی این دمار و خرابی عمومی جهانی بود، به دست آمده است.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۶۴) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۹) « حامیان شریعت مقدّسه‌ی حضرت بهاء‌الله... با اطمینان تام بدانند که زمان بذل مساعی جمیله‌ی وسیعه‌ی آنان محققاً مقارن با هنگامی است که مقدرات نوع بشر سریعاً به حضيض انحطاط می‌رسد.» (پیام ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸، خطاب به محافل روحانی‌ی ملیّه)

(۱۰) « حوادث اخیر (جنگ خاورمیانه در نیمه‌ی دوّم سال ۱۹۹۰) نمونه‌ی دیگری از "سکرات موت تمدنی را اعلام می‌نماید که در شرف تلاشی و اضمحلال است."» (ترجمه) (رضوان ۱۹۹۱)

۳۰. فنای عالم (کهن) و مردمان آن (۸)

(الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

(۱) « بگو ای دوستان، ترس از برای چه و بیم از که؟ گِل پاره‌های عالم به اندک رطوبتی متلاشی شده و می‌شوند.» (لوح دنیا، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۷)

(۲) «از امورات ظاهره و شئونات دنیای دنیّه محزون مباش، چه که کل را فنا اخذ نماید؛ و بقا مخصوص حق بوده و خواهد بود. عنقریب کل به تراب راجع و سلطنت و قدرت و عظمت و ملک از برای ربّ الارباب خواهد ماند.» (آیات الهی ۲، ص ۳۴۷)

^{۱۲۳} به مبحث ۷۷ مراجعه شود.

۳ « چه مقدار از بساط‌های مبسوطه را که ید قضا پیچید و برداشت و ملوک و مملوک هردو را به خاک فرستاد... عنقریب آنچه مشاهده می‌شود سطوت فنا آن را اخذ کند و به عدم راجع نماید.» (آیات الهی ۲، ص ۳۰۲)

۴ « هنگام فناء عالم و اهل آن رسیده (است).» (مجموعه‌ی الواح حضرت بهاءالله به خط مشکین قلم، ص ۹۵- اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۹۵- مائده‌ی ۴، ردیف ع، باب ششم، ص ۱۶۵)

۵ « قل تالله سيفني عزّة الوزراء و سطوة الأمراء و قصور القياصرة و اهرام الفراعنة و يبقی ما قدرناه لكم في الملكوت.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۲) (مضمون: بگو به خداوند سوگند، به زودی عزت وزراء و سطوت امراء و قصرهای قیصرها و اهرام فرعون‌ها، فانی خواهد شد و آنچه را برای شما در ملکوت مقدر کرده‌ایم، باقی و برقرار خواهد ماند.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۶ « ای یار مهربان،... آنچه بینی و شنوی رو به زوال است، مگر الطاف حضرت لایزال. عنقریب قصور معمور را مطمور بینی و زینت و آرایش جهان را معدوم یابی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۴۵)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۷ « هیچ بنیانی اساسش استوار نگردد و باقی و برقرار نماند، مگر بنیان الهی و هیچ امری در عالم امکان ترویجی ابدی و تعمیمی دائمی نیابد، مگر آن که مستمد از قوای روحانیّه گردد و اساسش مبنی بر تعالیم امرالهی باشد؛ لذا هر سطوت و سلطنتی رو به زوال است و هر شوکت و جلالی عنقریب محو و فراموش گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۳- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶- ۱۹۲۲، ص ۶۹)

۸ « اگر جهان و جهانیان عصر حاضر، مطابق تعالیم حضرت بهاءالله راه وحدت و اتحاد ببینند، از فنا و زوال محفوظ و مصون مانند، و گرنه به هلاکت دچار شوند و به فنا و زوال محکوم گردند.» (حضرت ولیّ امرالله، ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱، ارکان نظم بدیع، ص ۲۷)

فصل پنجم

عصر تکوین، آغاز تعامل علنی امرالله با عالم انسانی (۲۶۴)

بخش اول- با بعضی ملل مخصوصه (۴۱)

۳۱. ملت آمریکا (۲۳)

آینده‌ی نزدیک (۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۱) «در نتیجه‌ی معضلات و مشکلات غامضه‌ی متعدده‌ی که تدریجاً عالم انسانی را فرا می‌گیرد، ناچار آینده‌ی نزدیک ملت آمریکا بسیار تاریک و طاقت‌فرسا است و بلیاتی که ارکان عالم را می‌لرزاند و در بیانات حضرت بهاءالله مذکور (و) در صفحات قبل به وضوح تصویر گشته، آن ملت را چنان احاطه و گرفتار نماید که شبهش را ندیده (است)». (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۲)
- ۲) «آن دردهای لاینقطع وارده (آشوب‌ها و اضطرابات بی سابقه) شدید نیست، مگر درد تولد روزگاری تازه و متجدد برای ملت آمریکا.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۴۷)
- ۳) «ملت آمریکا... آتیه‌ی نزدیکش از هر نقطه نظر، با خطر شدید مواجه است. بلایا و رزایی که این ملت را تهدید می‌کند بعضی قابل اجتناب بوده، ولی اکثر حتمی الوقوع و من جانب الله است.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۶) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)
- ۴) «این آلودگی‌ها (اوساخ و آلودگی‌های متراکمه که در نسل‌های متوالیه در نتیجه‌ی تعصبات نژادی و شیوع مادّیت و توسعه‌ی لامذهبی و سستی مبانی اخلاق به وجود آمده) تاکنون مانع از آن بوده که ملت امریک (آن) مقام اولویت روحانی جهانی را که حضرت عبدالبهاء صریحاً بدان وعده فرموده‌اند احراز نماید؛ مقامی که تحصیل آن جز با تحمّل رنج و الم مقدور و میسر نخواهد بود.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۶) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)
- ۵) «مصائب شدیده... ملت آمریکا را از تفاله‌های قرون و اعصار... مطهر خواهد کرد و آن را برای رهبری روحانی عالم، آنگونه که خرد خطاناپذیر حضرت عبدالبهاء پیش بینی نموده است، آماده خواهد

نمود، و این نقشی است که الزاماً از طریق رنج و مشقت و اندوه، ایفا خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲)

آینده‌ی دور (۱۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۶) « امید است ملت آمریکا اولین ملتی باشد که اساس اتفاق و آشتی بین ملل را بنیان نهد و اتحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید؛ پرچم صلح اعظم^{۱۲۴} بر افرازد و رایت محبت و وداد^{۱۲۵} در قطب امکان مرتفع سازد.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، نقل در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۸)

(۷) « امیدوار چنانم که مردم این ممالک (ایالات متّحده‌ی آمریکا) چون ملائکه‌ی آسمانی وجوهشان به حق متوجه باشد و جمیع، بر خدمت خداوند توانا قیام نمایند و از ترقیات مادّیه‌ی حالیه برتر روند، تا انوار آسمانی از این خطّه به جمیع مردم جهان بتابد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۴۲)

(۸) « این ملت بزرگ (ملت آمریکا) می تواند در اثر استعداد و قدرت حاصله، به امور عظیمه‌ای موفق گردد که صفحات تاریخ بدان تزیین یابد و السنه‌ی امم در شرق و غرب عالم به ذکر خیر و ثنای او مألوف شود؛ مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر عالمیان.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، مذکور در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۹) « آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در خصوص این ملت (اهل امریک) می فرماید: "فی الحقیقه ملت آمریکا را چنان لیاقت و شایستگی موجود که خیمه‌ی صلح عمومی را برپا نماید و وحدت عالم انسانی را اعلام کند."» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۴۲)

(۱۰) « از کلک اطهرش (کلک حضرت عبدالبهاء) نازل: "امید چنان که مردم این سرزمین (کشور آمریکا) معارف مادّی را به معرفت الهی منضم نمایند و از مدنیّت جسمانی به مدنیّت روحانی و نورانیّت آسمانی گرایند و این حقیقت از این بلاد به سایر جهات سرایت نماید." (ترجمه) (قرن بدیع، ص ۵۰۴-۵۰۳)

^{۱۲۴} به مبحث ۱۳۳ مراجعه شود.

^{۱۲۵} به مبحث ۱۳۹ رجوع شود.

۱۱) « آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در خصوص این ملت (اهل امریک) می‌فرماید: "فی الحقیقه این ملت سزاوار آن است که خیمه‌ی صلح عمومی را برافرازد و وحدت عالم انسانی را اعلان کند."» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۳)

۱۲) « فی الحقیقه این ملت (ملت آمریکا) سزاوار آن است که خیمه‌ی صلح عمومی (صلح اعظم^{۱۲۶}) را برافرازد و وحدت (روحانی)^{۱۲۷} عالم انسانی را اعلان کند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۳)

۱۳) « در آن وقت (بعد از آینده‌ی نزدیک که بسیار تاریک و طاقت فرسا خواهد بود) است (که) ملت آمریکا... قادر خواهد شد که صدایش را به گوش مجالس علنی جهان برساند و صلح عمومی دائمی را پایه گذارد و وحدت و یگانگی و بلوغ نوع انسان را اعلان و در استقرار بنیان خیر و راستی در جهان معاضدت نماید.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۲)

۱۴) « ملت آمریکا... قادر خواهد شد به سرنوشت پُر جلالی که پروردگار توانا برایش مقدر ساخته و در الواح حضرت عبدالبهاء مصرّح گشته فایز گردد؛ در آن وقت است که ملت آمریکا "به آنچه سبب زینت تاریخ است واصل شود"، و "مغبوط و محسود خاور و باختر جهان گردد."» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۲)

۱۵) « چنین ملت و دولتی (ملت و دولت آمریکا) در اثر این بلایا و رزایا (بلایایی که ارکان عالم را خواهد لرزاند) از لوث عقاید و افکار ناموافق پاک و مطهر خواهد گشت و به مفاد و عود حضرت عبدالبهاء، حاضر و مهیا خواهد شد که در... (ایجاد) اتحاد بشر... سهم مهمی را اداء نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۶۴) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

۱۶) « نسبت به همین دموکراسی آمریکا است که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) امید شدید ابراز داشته، می‌فرماید: "امید است ملت امریک اولین ملتی باشد که اساس اتفاق و آشتی بین ملل را بنیان گذارد" و "وحدت نوع بشر را اعلان نماید."» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۳) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۱۷) « نسبت به همین دموکراسی آمریکا است که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) امید شدید ابراز داشته، می‌فرماید: "پرچم صلح اعظم را برافرازد"» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۳) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

^{۱۲۶} به فقره‌ی ششم از همین مبحث رجوع شود.

^{۱۲۷} به مبحث ۱۳۱ مراجعه شود. در ضمن فقرات مبارکه‌ی کثیره‌ای اشعار می‌دارد که تحقق صلح اعظم بعد از حصول وحدت روحانی عالم خواهد بود. به زیرنویس ۳۰۵ در صفحه‌ی ۳۳۴ رجوع شود.

۱۸) « نسبت به همین دموکراسی آمریکا است که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) امید شدید ابراز داشته، می‌فرماید...: "روحانیت از این مرکز (کشور آمریکا) به قطعات دیگر سرایت کند و عالم غرق انوار شود."» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۳) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۱۹) « نسبت به همین دموکراسی آمریکا است که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) امید شدید ابراز داشته، می‌فرماید: "اهل امریک از مدنیت مادّیه کنونی به درجه‌ای ترقّی کند که نورانیت ملکوتی از این مرکز به سایر اقطار عالم انتشار یابد."» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۳) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۲۰) « چون (ملت امریک) از این ورطه (گرداب مهالک و مخاطر) نجات یابد، می‌توان تصوّر نمود که... به همّت و اراده‌ی کامل، قیام نماید و... حدّ اکثر نفوذ و قدرت خویش را در حلّ مشکلات جسیمه... به کار برد و با همکاری... سایر ملل... جامعه‌ی انسانی را از این بلاء عقیم و داء سقیم (جنگ و نابودی)... نجات دهد و عالم خاک را از لوّث منازعات و مخاصمات خانمان‌سوز بالمرّه، پاک و منزّه نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۵)

۲۱) « در آن هنگام و فقط در آن هنگام (پس از نجات یافتن از ورطه‌ی محن و آلام و شداید و اسقام) است که ملت امریک... صدای خود را در مجامع حضرت عبدالبهاء‌ظیمه‌ی عالم و محافل متشکله‌ی امم مرتفع و حجر زاویه‌ی (سنگ زیر بنای) صلح عمومی و مؤبّد جهانی را به دست خویش برقرار سازد.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۶-۱۸۷)

۲۲) « در آن هنگام و فقط در آن هنگام (پس از نجات یافتن از ورطه‌ی محن و آلام و شداید و اسقام) است که ملت امریک... اتّحاد و اتّفاق بشر (وحدت سیاسی عالم) و بلوغ و آمادگی آن را در ارتفاع خیمه‌ی وحدت انسان (وحدت روحانی عالم) و تاسیس مدنیت لاشرقیه و لاغربیه در قطب امکان اعلام و در استقرار صدق و صفا و آشتی و وفا در بسیط غربا، چنان که در کتب و زبر قیمه‌ی الهیه بشارت داده شده، جهد موفور و سعی مشکور مبذول دارد.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۶-۱۸۷)

۲۳) « در آن هنگام و فقط در آن هنگام (پس از نجات یافتن از ورطه‌ی محن و آلام و شداید و اسقام) است که ملت مذکور (آمریکا)، در حالی که جامعه‌ی بهایی آن کشور در قلب آن سرزمین رسالت معنویّه‌ی خویش را به نحو اتّمّ و اوفی به اكمال رسانیده، قادر خواهد بود مقام رفیعی را که ید قدرت سبحانی برای آن مقدر فرموده و به نحو ابد، در آثار و ادبیّات مقدّسه‌ی حضرت عبدالبهاء مخزون و مکنون است، به عرصه‌ی شهود رساند و به انجام امور عظیمه‌ای موفق گردد که به فرموده‌ی مبارک "صفحات تاریخ بدان

تزیین یابد و السنه‌ی امم در شرق و غرب عالم به ذکر خیر و ثنای آن مألوف شود؛ مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر عالمیان.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۷)

۳۲. بنی اسرائیل (۱۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « الحمد لله آنچه در الواح به اسرائیل تبشیر فرموده‌اند و در مکاتیب عبدالبهاء نیز تصریح شده جمیع در حیز تحقیق است؛ بعضی وقوع یافته و بعضی وقوع خواهد یافت.» (حضرت عبدالبهاء، مذکور در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۲۱)

۲) « جمال مبارک در الواح مقدسه تصریح فرموده‌اند که ایام ذلت اسرائیل گذشت، ظلّ عنایت شامل گردد و این سلسله، روزبه‌روز ترقی خواهد نمود و از خمودت و مذلت هزاران سال، خلاصی خواهد یافت.» (حضرت عبدالبهاء، منقول در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۲۱)

۳) « ذلتی را که اسرائیل در دو هزار و پانصد سال کشیدند، حال بدل به عزت سرمدیه خواهد گشت و به ظاهر ظاهر نیز عزیز خواهند شد؛ به قسمی که محسود اعدا گردند و مغبوط اوّدا.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۲، باب هجدهم، ص ۹)

۴) « اسرائیل در این ظهور اعظم مظهر الطاف ربّ جلیل گردید، لهذا در جمیع آفاق روزبه‌روز عزیز می‌شود؛ نظر عنایت مخصوصی به آن مظلومان شده تا از ذلت کبری نجات یافته، عزت ابدیه یابد و ارض مقدّس ویران را دوباره عمران و آباد نمایند و این به یقین مبین حاصل خواهد شد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۷، ص ۲۴۰)

۵) « وعده‌هایی که خدا به لسان انبیاء به این قوم پراکنده و پریشان (قوم بنی اسرائیل) داده، در این دوره‌ی اعظم تحقیق خواهد یافت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۷، ص ۲۴۰)

۶) « الحمد لله در این دور اعظم، نظر عنایت شامل اسرائیل است تا جمیع وعده‌های انبیاء در حق ایشان در عالم وجود و شهود تحقیق یابد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۲۰۱)

۷) « آن نهال بی‌همال (مظهر کلی الهی = حضرت بهاءالله) جمیع (بنی) اسرائیل را جمع خواهد کرد؛ یعنی اسرائیل در دوره آن، در ارض مقدّس جمع خواهند شد و امت یهود که در شرق و غرب و جنوب و شمال متفرّقند، مجتمع شوند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

۸) « اسرائیل پراکنده در جمیع عالم، در دوره‌ی مسیحی در ارض مقدّس مجتمع نشدند؛ اما در بدایت دوره‌ی جمال مبارک این وعد الهی که در جمیع کتب انبیاء منصوص است، بنای ظهور گذاشته؛ ملاحظه می‌نماید که از اطراف عالم طوایف یهود به ارض مقدّس آیند و قرایا و اراضی تملک نموده، سکنی کنند و روزبه‌روز در ازدیادند، به قسمی که جمیع فلسطین مسکن آنان گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۲)

۹) « اسرائیل عنقریب جلیل گردد و این پریشانی به جمع مبدل شود.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۴۷)

۱۰) « شمس حقیقت طلوع نمود و پرتو هدایت بر اسرائیل زد تا از راه‌های دور با نهایت سرور، به ارض مقدّس ورود یابند. ای پروردگار وعد خویش آشکار کن و سلاله‌ی حضرت خلیل را بزرگوار فرما. تویی مقتدر و توانا و تویی بینا و شنوا و دانا.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۴۷)

۱۱) « بنی اسرائیل در اراضی مقدّسه جمع خواهند شد... ملت یهود آن چنان عظمت خواهد یافت که مغبوط دشمنان و محسود دوستان واقع گردد.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، انوار هدایت، فقره‌ی ۱۶۷۷)

۱۲) « روزی آید که اسرائیل نومید امیدوار گردد و اسیر ذلت کبری عزّت ابدیه یابد.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹۳، فقره‌ی ۴۴۷)

۱۳) « روزی آید که... آن قوم پریشان (قوم یهود)، در ظلّ ربّ الجنود، در ارض مقدّسه، سر و سامان یابند.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹۳، فقره‌ی ۴۴۷)

۱۴) « (شاخه‌ی بیرون جسته از تنه‌ی یسه = جمال مبارک) قوم اسرائیل را از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حماة و از جزیره‌های دریا در ارض مقدّس جمع خواهد نمود، یعنی آوارگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکنندگان اولاد یعقوب را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۶۶)

۱۵) « آن قوم پریشان (بنی اسرائیل) در ظلّ ربّ الجنود در ارض مقدّسه سر و سامان یابند و از اقالیم بعیده توجّه به صهیون^{۱۲۸} فرمایند؛ ذلیلان عزیز گردند؛ مستمندان توانگر شوند؛ گمنامان نام و نشان یابند و مبعوضان محبوب جهانیان شوند.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۴۷)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

^{۱۲۸} در مقامی اورشلیم است و در مقامی برابر تاریخ، نام قسمتی از اورشلیم یا تپه‌ای در قسمت جنوبی اورشلیم که بر آن، قلعه‌ی مستحکم بود و داود آن را فتح کرد و سلیمان معبد را بر آن بنا نمود. امروز قلب اورشلیم و یادآور جلال یهود است. (نوزده هزار لغت)

- ۱۶ « مدت دو هزار سال است که بنی اسرائیل در نتیجه‌ی این ظلم فاحش (نقش علمای یهود در به صلیب کشیدن حضرت مسیح) به این عذاب عظیم معذب و در اطراف و اکناف عالم متشتت. حال در این عصر افخم و کور مکرم بساط ذلتشان منطوی گردد و دوره‌ی مجازاتشان منتهی شود و در ظلّ ظلیل تعالیم الهیه عزّت قدیمه‌اشان چهره گشاید.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۸۴)
- ۱۷ « قوم یهود، همان گونه که حضرت عبدالبهاء تصریح فرموده است، سرنوشت روحانی عظیمی در پیش دارد؛ و به تدریج و در گروه‌های بزرگ، در ظلّ امرالله وارد خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، انوار هدایت، فقره‌ی ۱۶۸۱)
- ۱۸ « همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش‌آگهی می‌دهد بنی اسرائیل در موطن دیرین خود جمع خواهند شد.» (حضرت ولیّ امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

بخش دوم- با برخی کشورها و سرزمین‌های ویژه (۱۹۴)

۳۳. کشور ایران (۱۱۶)

موارد فضلیّه (۱۰۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱ « ای پروردگار... نیروی یزدانیت بنما و بخشش آسمانیت آشکار کن، این کشور (ایران) را بهشت برین ساز و این خاور و باختر را پرتوبخش روی زمین.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۱۲، ص ۷۰)
- ۲ « جهان از نفخه‌ی صور الهی در جنبش است و عالم آفرینش از تجلی حضرت یزدان در نهایت آرایش، این تخم پاک در خاک تابناک کشته گشت؛ اکنون دیده‌ی تن به مشاهده رهنمون نه، عنقریب بروید و سبز و خرم گردد، چشم‌ها روشن شود و دل و جان شادمان گردد؛ ایران جنت رضوان شود و خاور و باختر از فیض شمس حقیقت آئینه‌ی جهان بالا گردد.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۷۱۶، ص ۴۷۵)

- ۳ « امیدوارم که ایران را دوباره رشک جهان خواهد نمود و فارسیان را در دو جهان سرفراز خواهد کرد... بشارت باد شما را که شب هجران به پایان آمد و روز روشن پیشدادیان دوباره طلوع نمود.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۶۵۲، ص ۴۴۳)
- ۴ « ای یاران پارسیان... آفتاب پارسی از افق ایران درخشیده و به جمیع آفاق نور پاشیده، عنقریب ایران محسود عالمیان گردد و ایرانیان مغبوط جهانیان شوند.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۶۵۰، ص ۴۴۲)
- ۵ « امیدم چنان است که... ایران ویران آباد گردد و آزاد شود و روز به روز پیش آید و از رخم نیش برهد، بنیان نیاکان به بخشش اورمزدیار دوباره بلند شود و خورشید برتری پارسی درخشنده و تابان گردد.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۵۴۷، ص ۳۸۹)
- ۶ «هیكل ایرانی بعد از پیری، دور جوانی گرفت و پس از ناتوانی موهبت آسمانی یافت. عنقریب خواهید دید و شنید که خطه‌ی ایران و اقلیم پارسیان چگونه به نور ماه و خورشید درخشنده و تابان گردند.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۴۰۲، ص ۳۱۱)
- ۷ «ای یاران، مژده باد شما را که ایران به پرتو بخشش خداوند مهربان ترقی عظیم نماید و جنه‌النعیم گردد، بلکه امید چنین است که در آینده، غبطه‌ی روی زمین شود و نفعه‌ی مشکین ایران خاور و باختر را معطر نماید.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۲۳۱، ص ۲۱۰)
- ۸ «عنقریب شرق و غرب نعره‌ی یا بهاء‌الابهی بلند کند و در جمیع اقلیم کشور ایران را تقدیس نماید و جمیع امم فارسیان را تمجید کنند؛ زیرا شمس حقیقت از آن افق درخشید و ندای الهی از آن اقلیم بلند شد.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۲۰۱، ص ۱۹۲)
- ۹ «ای اسفندیار، ای بهرام... عنقریب مشاهده خواهید نمود که پرتو انوار فارسیان خاور و باختر را چون مه تابان روشن و رخشان نماید؛ آوازه‌ی فارسی جهان گیر گردد.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۱۴۵، ص ۱۶۰)
- ۱۰ «عنقریب خواهی دید که آن کشور (ایران) به نفعات قدس معطر است و آن اقلیم به نور قدیم منور.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۱۳۱، ص ۱۵۰)
- ۱۱ «ای یار دیرین، افق ایران بسیار تاریک بود و جولانگاه ترک و تاجیک... تا آن که شب تاریک به پایان رسید و صبح امید بدمید و آفتاب حقیقت بدرخشید؛ عنقریب گلخن، گلشن گردد و تاریک، روشن شود و آن اقلیم قدیم مرکز فیض جلیل شود و آوازه‌ی بزرگواریش گوشزد خاور و باختر گردد و مرکز

سنوحات رحمانیه شود و مصدر فیوضات ربّانیه گردد؛ عزّت قدیمه بازگردد و درهای بسته بازشود.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۱۳۱، ص ۱۵۰)

۱۲ «به نزدیکی خواهید دید که دیلم و تاجیک، بلکه امریک و افریک را آفتاب خاور ایران روشن نماید و آنچه کام دل و آرام جان پیشینیان بود حاصل گردد.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۱۲۹، ص ۱۴۸)

۱۳ «ای یاران، خداوند پاریسیان را دوباره تاجی از گوهر شاهوار بر سر نهاد و طوقی مرصع از بخشش پروردگار در گردن انداخت و جامه ای از موهبت بی پایان در بر نمود تا آفتاب عزت ابدیه ی ایران درخشنده و تابان گردد و بزرگوار ی پیشینیان پدیدار شود.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۱۲۸، ص ۱۴۷)

۱۴ «ای دو بنده ی خدا... به نزدیکی خواهید دید که آن کشور (ایران) رشک گلزار گردد و آن مرز و بوم نشانه‌ی باغ بهشت جاودان؛ پرستش پروردگار را باید و شاید که این خاک سیاه را به باران بخشش دوباره سبز و خرم فرمود و ایرانیان را افسر سرافرازی بر سر نهاد؛ بزرگوار ی دیرین با پرتوی دلنشین در این بهشت برین رخ گشود و آوازه اش به هر کشور رسید.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۸۳، ص ۱۱۶)

۱۵ «افق ایران از پرتومه آسمان روشن و منیر گردید؛ عنقریب آفتاب عالم بالا چنان بدرخشد که آن اقلیم اوج اثیر گردد و به جمیع جهان پرتو اندازد و عزت ابدیه ی پیشینیان دوباره چنان ظهور نماید که دیده ها خیره و حیران گردد.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۶۹، ص ۱۰۹)

۱۶ «عنقریب خیمه‌ی آسایش بلند گردد و ظلّ ممدود کلّ را اخذ فرماید؛ بحر حقیقت چنان موج زند که سواحل کاینات را غرق فرماید؛ نعره‌ی یابشری یا بشری از آن خطّه و دیار شهدا (ایران و یزد) به ملکوت اعلی رسد؛ زخم‌ها مرهم یابد؛ دردها درمان شود؛ دل‌های شکسته تسلی جوید؛ گل‌های پژمرده طراوت و لطافت بنماید.» (حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۹۵)

۱۷ «باید دعا کنیم که ایران به فضل الهی از مدنیت مادی و ذهنی مغرب زمین نصیب برد و در عوض به فیض رحمانی، انوار روحانی به آن سمت بتاباند. جهد و تلاش ساعیانه و مؤمنانه‌ی مردم متحد، چه شرقی و چه غربی، چنین ثمره‌ای به بار خواهد آورد؛ زیرا قوه‌ی روح القدس پشتیبان است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه، ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)

۱۸ «در ایران که وطن حقّ است، هنوز خفته بسیارند و در خواب گرفتارند. صور اسرافیل هم آن‌ها را بیدار نکرد؛ و لابد روزی خواهد آمد که ایران را خدا بیدار می‌کند.» (حضرت عبدالبهاء، طراز الهی جلد ۱، ص ۳۱۸)

۱۹) « عنقریب برادرانتان (برادران احبّای ستم‌دیده‌ی ایران) از اروپا و امریک به ایران خواهند آمد و تأسیس صنایع بدیعه و بنا و آثار مدنیّت و انواع کارخانه‌ها و ترویج تجارت و تکثیر فلاح و تعمیم معارف خواهند نمود... خواهند آمد و خطّه‌ی ایران را رشک جهان و غبطه‌ی اقلیم سائر خواهد نمود.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۵)

۲۰) « بهاء‌الله ایران را روشن نموده و در انظار عمومی عالم محترم نماید و ایران چنان ترقّی نماید که محسود و مغبوط شرق و غرب گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۱)

۲۱) « امید چنین است که در آینده، (ایران) غبطه‌ی روی زمین شود و نفعه‌ی مشکین ایران، خاور و باختر را معطر نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام شهرالاعلاء ۱۲۲ بدیع- کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶)

۲۲) « یقین نمایم که نور حقیقت در آن مملکت (ایران) چنان بدرخشد که ظلمات ضلالت محو و نابود گردد و این، به برکت صبر و تحمل احبّا در موارد بلایا است.» (مجموعه‌ی آثار جلسات تذکّر، جلد دوم، ص ۹۵)

۲۳) « امیدوارم که به تأیید ملکوت ابهی و مساعی حکیمانه و دلالت نفوس مهمّه و معاونت اشخاص عظیمه، روحی جدید در جسم ایران دمیده گردد؛ انقلاب و اضطراب به سکون و اطمینان مبدّل شود.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد چهارم، ص ۴۴) (۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۷ قمری = اول بهمن ۱۲۹۷ شمسی و ۲۲ ژانویه ۱۹۱۹ میلادی)

۲۴) « این دماء مطهره (شهادای یزد) که تراب اغبر را رشک لاله‌ی احمر نمود، چنان جوشی زند که خطّه‌ی ایران را جنّت رضوان نماید؛ روح و ریحان بخشد؛ ریاحین عرفان برویاند؛ آهنگ ملاء اعلی بلند کند و نغمه و آواز خوشی در هر کشور اندازد.» [حضرت عبدالبهاء، مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۲- حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۹۵]

۲۵) « عنقریب شرق و غرب نعره‌ی یا بهاء‌الابهی بلند کند و جمیع اقلیم، کشور ایران را تقدیس نماید و جمیع امم فارسیان را تمجید کنند؛ زیرا شمس حقیقت از آن افق درخشید و ندای الهی از آن اقلیم بلند شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۶۴)

۲۶) « آن مملکت (کشور ایران) فی الحقیقه معرض مرض‌های بی‌پایانست، از هر جهت مضطرب. یک قوت ربّانی می‌خواهد که از عهده‌ی انتظام آن برآید. قوای بشریّه تا یک درجه تمشّیت امور تواند؛ ولی چون خلل از هر جهت حاصل گشت، یک قوتی ربّانیّه و موهبتی رحمانیّه و عنایتی سبحانیّه لازم تا این

خلل برطرف شود. لهذا ما دعا می‌کنیم که الطاف حضرت احدیّت شامل گردد و این جسم مرده (ایران) زنده شود و این ناتوان توانا گردد، چاره‌ای جز این نه.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۸۷)

(۲۷) « مذاق ایرانیان به کلی تغییر کرده، مشرب دینی نمانده (اشاره به نفوذ کمونیسم است) و عاقبت، مشارب ناشایسته نیز در ایران تأثیر خواهد بخشید؛ ولی مطمئن باشید که قوه امرالله عاقبت غالب گردد و امواجی از این بحر بی‌پایان برخیزد و این کف‌ها را از دریا به صحرا اندازد و آن جندنا لهم الغالبون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۳۴۴) (مضمون عبارت عربی: همانا لشکر ما پیروز است.)

(۲۸) « باید به نهایت همّت، ثبات و استقامت نمود و در خیر دولت و ملت کوشید و اتحاد و اتفاق تامّ تأسیس کرد تا جمیع ایران حکم یک تن و یک جان یابند. اگر چنین وحدتی تأسیس گردد، یقین بدانید که دلبر آمال شاهد انجمن شود و عزّت ابدیه‌ی ایران و ایرانیان جلوه نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۴۶۲)

(۲۹) « قسم به جمال قدم که عنقریب سلاله‌ی اهل ایران طیش (سبک‌سری) آباء را فراموش کنند و از فرط عیش در جوش و خروش آیند که به این نسبت مشرقند و به این منقبت مبجل (گرامی داشته شده)؛ مستغرق بحر عنایتند و ملحوظ به نظر عاطفت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۷۲)

(۳۰) « چون آغاز طلوع این مهر تابان از افق ایران بود و از آن خاور به باختر اشراق فرمود، آرزوی دل و جان چنان است که شعله‌ی آتش عشق در آن خطّه و دیار شدیدتر باشد و نورانیّت امر مبارک پدیدتر؛ ولوله‌ی امرالله غلغله در ارکان آن کشور اندازد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۰۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۰۶)

(۳۱) « روحانیّت کلمة‌الله چنان جلوه نماید که آن اقلیم (ایران) مرکز صلح و صلاح گردد و راستی و آشتی و مهر و وفاء.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۰۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۰۶)

(۳۲) « ایران سبب حیات جاودان جهانیان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیّت محضه در قطب امکان برافرازد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۰۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۰۶)

- (۳۳) « مفرّ و مقرّی و ملجأ و پناهی جز ملکوت ابهی نه، که ولوله و زلزله در آفاق انداخته و عنقریب ایران را معمور و ایرانیان را عزیز در دو جهان نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۸۷- حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب سوم، ص ۷۹)
- (۳۴) « هر چند ایران در بین دول الآن گم نام است، ولی این امر عظیم عاقبت اهل ایران را سرور عالم امکان کند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۲۰۱- مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰) ص ۹]
- (۳۵) « در کمون (کشور ایران)، آتش عشق در شعله و شدتست. انشاءالله این شعله، جهان‌سوز گردد و این لمعه، عالم افروز.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ششم، ص ۷۵)
- (۳۶) « اگر یاران به این عهد ارتباط و اتحاد چنان که باید و شاید تمسک نمایند، عنقریب ملاحظه خواهید نمود که در عروق و شریان ایران تأثیر نماید و چنان روحانیتی حاصل گردد که شرق و غرب به جنبش و حرکت آید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۲۳)
- (۳۷) « مستقبل ایران را به یک مثل از برای شما می‌گویم بعد خودتان قیاس کنید؛ این دلیل کافی وافی است. این مکه یک قطعه‌ی سنگستان است، وادی غیر ذی زرع است، ابداً گیاهی در آن نمی‌روید. آن صحرا صحرای شن‌زار است و در نهایت گرما، قابل این که آباد شود نیست. از سنگستان و شن‌زار بی‌آب چه خواهد روید؟ لیکن جهت این که وطن حضرت رسول بود، این سنگستان، این سنگلاخ، قبله‌ی آفاق شد؛ جمیع آفاق رو به او سجده می‌کنند؛ دیگر از این بفهمید که مستقبل ایران چه خواهد شد. این نمونه‌ای است؛ این سنگلاخ به جهت این که وطن حضرت رسول بود، قبله‌ی آفاق شد؛ اما ایران که سبز است، خرّم است، گل‌های خوب دارد، هوایش لطیف است، مائش (آبش) عذب است، از این قیاس کنید که چه خواهد شد، این میزان کافی است.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۷۳)
- (۳۸) « همچنین موهبتی خدا در حق آن‌ها (ایرانیان) نموده که مثل و نظیر ندارد و همچنین عنایتی در حق آن‌ها مقدّر گشته، همچنین تاجی خدا بر سر آن‌ها گذاشته است؛ حال معلوم نیست؛ لیکن بعد معلوم می‌شود که خداوند چه موهبتی به ایران و ایرانیان کرده است؛ اگر ایرانیان بدانند الی‌الابد افتخار می‌کنند و از شدت فرح و سرور پرواز می‌کنند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۰۴-۱۰۳)
- (۳۹) « خیرخواهی ایران این است که جمیع ملل و شعوب و قبائل عالم را خاضع و خاشع نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب سوم از ردیف ت، ص ۷۹- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۸۷)

۴۰) « عنقریب مثل اروپا، (در ایران؟) دین و مذهب نسیاً نسیاً خواهد شد؛ مگر این که به نفثات روح القدس دل‌ها زنده و نفوس آزاده شوند و دوری جدید به میان آید؛ این قضیه‌ای است واضح و مشهود؛ دلیل و برهان لازم ندارد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۳)

۴۱) « عنقریب (به زودی) ایران محسود عالمیان گردد و ایرانیان مغبوط جهانیان شوند.» (حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶- پیام آسمانی ۲، ص ۳۰۸)

۴۲) « مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواری است، زیرا موطن جمال مبارک است... هذا بشارة کبری، بلغها لمن تشاء و هذا وعد غیر مکذوب و ستعلمن نباء بعد حین.» [حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶- مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷۸] (مضمون جمله‌ی عربی: این مژده‌ای است بزرگ، به هر که می‌خواهی بگو، و این وعده‌ای است راستین و به زودی، بعد از مدتی، خبرش را خواهی شنید.)

۴۳) « جميع اقالیم عالم توجه و نظر احترام به ایران خواهند نمود... هذا بشارة کبری، بلغها لمن تشاء و هذا وعد غیر مکذوب و ستعلمن نباء بعد حین.» (حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶) (برای مضمون بخش عربی، به فقره‌ی ۲۶ رجوع شود.)

۴۴) « یقین بدانید (ایران) چنان ترقی نماید که انظار جميع اعظم (بزرگان) و دانایان عالم حیران ماند. هذا بشارة کبری، بلغها لمن تشاء و هذا وعد غیر مکذوب و ستعلمن نباء بعد حین.» (حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶-) [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷۸] (برای مضمون بخش عربی به فقره‌ی ۲۶ مراجعه شود.)

۴۵) « ایران در خواب غفلت گرفتار... امید چنان است که شعاع شمس حقیقت این ابر غفلت را متلاشی نماید و افق ایران روشنی به آفاق بخشد؛ یاران بیدار گردند و ایرانیان هوشیار شوند.» [حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶-) مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷۸]

۴۶) « قوت بنیه‌ی ایران جز به تأسیس اخلاق الهی ممکن نه؛ چون تعدیل و تأسیس اخلاق گردد، ترقی در جميع مراتب محتوم است... علوم و فنون رواج یابد و افکار بی‌نهایت روشن گردد... سیاست به درجه‌ی نهایت رسد؛ صنایع بدیعه رواج یابد؛ تجارت اتساع جوید؛ شجاعت علم افرازد؛ ملت از برزخی به برزخ دیگر انتقال نماید؛ خلق، جدید شود؛ فتبارک الله احسن الخالقین تحقق یابد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی

(مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸۳ (مضمون عبارت عربی: خجسته است خداوند، نیکوترین آفرینندگان)

(۴۷) «حجاز در بیابان ریگ زار بی آب و علف، وادی غیر ذی درع بود، لکن به طلوع نیر حقیقت (حضرت محمد) قلبه‌ی آفاق شد و مطاف عالمیان گردید؛ حال که نیر اعظم از مطلع ایران اشراق کرده، ملاحظه نمایید که در آینده چه خواهد شد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸۳] (لوح مبارک مورخ ۹ شوال ۱۳۳۹ قمری)

(۴۸) «ای یاران، مژده باد شما را که ایران به پرتو بخشش خداوند مهربان، ترقی عظیم نماید و جنة النعیم گردد. بلکه امید چنان است که در آینده غبطنی روی زمین شود و نفعه‌ی مشکین ایران خاور و باختر را معطر نماید.» (حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶- مندرج در پیام معهد اعلی، شهرالعلماء ۱۲۲ بدیع = ۱۹۶۵- نیز مندرج در پیام مارس ۱۹۶۶، خطاب به یاران و یاوران امراللهی در کشور مقدس ایران)

(۴۹) «عنقریب آفتاب عالم بالا چنان بدرخشد که آن اقلیم (ایران) اوج اثیر گردد و به جمیع جهان پرتو اندازد و عزت ابدیه‌ی پیشینیان دوباره چنان ظهور نماید که دیده‌ها خیره و حیران گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی خطاب به احبای ایران، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳)

(۵۰) «ایران مرکز انوار گردد؛ این خاک، تابناک شود و این کشور، منور گردد و این بی نام و نشان شهره‌ی آفاق شود و این محروم، محرم آرزو و آمال و این بی بهره و نصیب فیض موفور یابد و امتیاز جوید و سرافراز گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره‌ی ۲۱۲، مندرج در پیام معهد اعلی خطاب به احبای ایران، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ و نیز پیام ۸ آوریل ۱۹۷۷)

(۵۱) «در ایران... از قوه‌ی کلمة الله آثار عظیمه ظاهر خواهد گردید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره‌ی ۱۲۷)

(۵۲) «آیات غیرباهره و حجج غیربالغه، یعنی مجتهدین مهمل، ایران را ویران کردند و به کلی از انظار انداختند. حال بلکه به تأیید بهاء، تأسیس عزت قدیمه در ممالک فرنگ و امریک، از برای ایران و ایرانیان گردد و لیس ذلک علی الله بعزیز.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره‌ی ۸۰) (مضمون عبارت عربی: برای خداوند این کار سختی نیست.)

(۵۳) «هو الله، ای ثابت بر پیمان، نامه‌ی شما رسید. از اغتشاش ایران مرقوم نموده بودید. این تشویش را سبب، تخدیش علما و تعرض سفها به احبای الهی^{۱۲۹} است. تا چنین است ایران بی قرار و تمکین است.

^{۱۲۹} به مباحث ۱۹، ۲۱ مراجعه شود.

این اضطراب در ازدیاد. لکن عاقبتِ حال ایران، سکون و قرار و ثبوت و استقرار است. نفحاتِ الله احاطه نماید و تعالیم الهی نفوذ تامّ حاصل کند. تخم پاک در آن کشتزار به فیض سحاب عنایت برآید. ایران جنتِ رضوان شود و سکون و سرور و قرار تامّ یابد... و علیک البهاء الابهی.» (الواح نازله به اعزاز میرزا آقاخان بشیرالسلطان ملقب به بشیر الهی، ص ۸۸)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۵۴) «این عبد (حضرت ولیّ محبوب امرالله) دعا و تضرّع نماید و از مسبب‌الاسباب استدعا و تمنا کند که... امر تبلیغ ترویجی سریع یابد و یوم یدخلون فی دین الله افواجاً^{۱۳۰}، از افق آن اقلیم (ایران) فجرش طالع و باهر گردد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۱۸)

(۵۵) «ای محبوب ابهی... وعود باقیه که در امّ‌الکتابت به تلویح و تصریح به قلم اعلایت، ثبت نمودی ظاهر نما و حزب مظلوم را در موطن اصلیت (ایران) از قیود و سلاسل صد ساله برهان.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۲۹)

(۵۶) «ای قویّ قدیر... ملائکه‌ی تأیید، پی‌درپی بفرست و آن موطن اعلی (کشور مقدّس ایران) را جنت ابهی نما.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

(۵۷) «ای قویّ قدیر... آنچه را به ایرانیان که یاران عزیز تواند وعده فرمودی ظاهر کن.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۱۹)

(۵۸) «رفته رفته، به نحوی فزاینده آشکار می‌شود که وعود درخشانی که به کرات از فم مولای محبوبمان (حضرت عبدالبهاء) (راجع به ایران) صادر می‌شد، با دقتی خارق‌العاده و سرعتی برجسته، متوالیاً در حال تحقّق است.» (ترجمه) (توقیع منبع مورّخ ۶ دسامبر ۱۹۲۸، سرنوشت رو به ظهور جامعه‌ی بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۷۱)

(۵۹) «بشارات الهی که حاکی از مستقبل باهر آن دیار (کشور ایران) است در کتاب، هر یک منصوص و محتوم است.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۴۰)

(۶۰) «امید این عبد آستان (حضرت ولیّ محبوب امرالله) چنان است که... به تدریج... بشارات موعوده در حقّ ایران و ایرانیان یک یک تحقّق پذیرد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۴۲)

(۶۱) «کلّ، به شور و شعف آید و بر اطمینان و اعتماد بیفزاید و بدانید که به چه حدّی مستقبل آن دیار (ایران) باهر است و فیض الهی کامل.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۸)

^{۱۳۰} به مبحث ۱۱۳ رجوع شود.

- ۶۲ « ترقی و عمران و نجات و استخلاص آن اقلیم (ایران) منوط و مشروط به تعمیم و اجرای تعالیم اساسیّه امرالله است. » (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۴۸)
- ۶۳ « روزی این شعله‌ی رحمانی (امراللهی) آن اقلیم (ایران) و سایر اقلیم را نورانی و متلئلا خواهد نمود. ولی حیف است ما که به اسم و نام او موسومیم، علت تأخیر و فتور و تعویق گردیم. » (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۶۳)
- ۶۴ « به تدریج آنچه از قلم خفیّ مسطور گشته، در نهایت جلوه و وضوح، از افق آن خطّه‌ی منقلبه (ایران) اشراق نماید. » (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۵)
- ۶۵ « هر چند الیوم (۶ مارس ۱۹۲۵) افق آن کشور (ایران) تاریک است و مصائب و متاعب متنوّعه مترادف و متتابع... ولی این تنگی و پریشانی و ذلّت و نادانی باقی نماند و این جور و اسارت و انقلاب و وحشت دوامی نکند "سوف یظهر الله من هذا الافق نوراً و قدرة و بها تظلم الشمس و تمحو آثار من استکبر علی الله و تستضیئ وجوه المخلصین." » (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۸) (مضمون بخش عربی، بیان حضرت بهاءالله: به زودی خداوند از این افق (ایران)، نور و قدرتی پدیدار خواهد کرد که خورشید را تاریک کند و آثار مستکبران بر خداوند را محو نماید و چهره‌های مخلصان را نورانی کند.)
- ۶۶ « این وعود الهیّه و بشارات سامیه (راجع به ایران) که از قلم اعلی و کلک ملهّم مؤید مرکز عهد و میثاق نازل گشته، به مدلول این آیه‌ی مبارکه، حتمی الوقوع است، قوله الاحلی: "و آنچه از قلم اعلی جاری، البتّه ظاهر شده و خواهد شد و لایقی من حرف الا و قد یراه المنصفون مستویاً علی عرش الظهور"^{۱۳۱}؛ ولی صبر و تحمل و شجاعت و شهامت لازم است. » (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۹) (مضمون بخش عربی: حرفی باقی نمی ماند مگر آن که منصفان آن را مستوی بر عرش ظهور خواهند دید.)
- ۶۷ « زود است که آن اقلیم (ایران) جنّة النّعیم گردد... و انّ هذا الوعد، غیر مکذوب. » (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۹) (مضمون عبارت عربی: و همانا این وعده، تکذیب ناپذیر است.)
- ۶۸ « انعکاسات این همّ عالیّه (قیام حیرت‌انگیز مارثا روت به تبلیغ امراللهی) عنقریب کشور ایران را منور نماید و از ظلام اسارت و جهالت و عسرت نجات دهد و آزاد نماید. و انّ هذا لوعدّ محتوم. »

^{۱۳۱} به مباحث ۹ و ۱۰ رجوع شود.

(مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۰۱) (مضمون عبارت عربی: و همانا این، وعده‌ای حتمی است.)

۶۹) « ای برادران و خواهران روحانی، دور دور ایران است... و تابشیر عصر عزت موعوده‌ی آن ستمدیدگان؛... اگر در ممالک بیگانگان همچو آثار عظیمه و ظهورات هائله و شئونات غریبه ظاهر و نمودار گشته (اشاره به توقیقات جامعه‌ی جهانی بهایی است که در صفحات ۱۱۱ تا ۱۱۳ همین توقیع منبع ذکر شده است)، پس در موطن اصلی جمال قدم و اسم اعظم که به نص صریح مرکز عهد اقوم، حکومتش محترم‌ترین حکومت عالم و ابنائش مغبوط و محسود اقوام و امم گردند، من بعد چه خواهد شد؟» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۱۴)

۷۰) « آنچه آمال اهل بهاءست، در آن سرزمین (ایران) تحقق پذیرد. عنقریب ملاحظه خواهند نمود که تأییدات الهیه چه ظهور و بروزی در آن خطه‌ی مبارکه و اقلیم مقدس خواهد نمود.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۷-۳ شهرالنور ۹۴ بدیع، مطابق با ۷ جون ۱۹۳۷/ نیز مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷)

۷۱) « بذلک (قیام احبای ایران بر وظایف مهمه‌ی اصلیه‌ی خود) (از جمله) تظهر مقاماتکم و تسطع انوار عزکم و تنکشف الظلمات من افق دیارکم و تظهر خفیات دینکم و تنهزم جنود اعدائکم و تحقق وعود ربکم و مولاکم و یصبح وطنکم قطعه من الفردوس الاعلی و مرآتا تعکس فیه الانوار الساطعه من الملكوت الابهی. فیا حبذا لهذا الیوم المشعشع المقدس المبارک العظیم.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۹۴/ نیز مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ث از باب چهارم، ص ۱۱) (استخراج از لوح مبارک مورخ شهر المسائل ۹۴ بدیع، مطابق دسامبر ۱۹۳۷، خطاب به احبای ایران) (مضمون: به این ترتیب، مقامات شما ظاهر می‌شود و انوار بزرگواریتان می‌درخشد و تاریکی از سرزمینتان می‌رود و پنهانی‌های دینتان نمایان می‌شود و لشکریان دشمنانتان^{۱۳۲} فراری می‌گردند و وعود پروردگارتان و مولایتان تحقق می‌یابد و وطنتان قطعه‌ای از بهشت برین می‌شود و به سان آینده‌ای، انوار تابان از ملکوت ابهی را منعکس می‌سازد^{۱۳۳}. چه نیکو است این روز نورانی پاکیزه‌ی خجسته‌ی بزرگ.)

۷۲) « (در دوره‌ی میثاق) احبای آمریکایی و اروپایی... پیشتازان آن سپاه حامیانی بودند که به پیش‌بینی حضرت عبداله‌ی در موعد مقرر به پا خواهند خاست تا منافع امرالهی و نیز مصالح سرزمین زادگاهش (ایران) را به پیش برند.» (مرور معبود، ص ۳۹۹)

^{۱۳۲} به مبحث ۲۱ رجوع شود.

^{۱۳۳} به مبحث ۳۳ رجوع شود.

۷۳) « به وسایل غیبیه این مشاغل عدیده (تضییقات شدید... و موانع و مشاغل بی‌حدّ و شمار و تهدیدات دشمنان و دسایس اهریمنان) حل گردد و آنچه آمل اهل بهاء است در آن سرزمین (ایران) تحقق پذیرد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷]

۷۴) « خطّه‌ی ایران... سراپا روشن و منور گردد؛ روح به عالم امکان دمد؛ مطاف عالمیان گردد و نائره عشق را برافروخته، در قطب آفاق ندای یا بهاء‌الاهی را به سمع جهان و جهانیان رساند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۵)

۷۵) « مگذارید گمان کنند که بهاییان تعلق به وطن خویش ندارند؛ بلکه به راستی بدانند و یقین نمایند که از همه بیشتر و از همه مخلص‌تر و از همه ثابت‌تر، در احیای ایران و تعزیز ایرانیان به وسائلی حقیقی می‌کوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا خواهد شد.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۶۰-مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۶۷)

۷۶) « سلطانی که طبق وعده‌ی حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس، باید سرپر سرزمین وطنی آن حضرت (کشور مقدّس ایران) را زینت دهد، و سایه‌ی حمایت شاهانه‌ی خود را بر سر پیروان ستم‌دیده‌اش بیفکند، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) ظاهر نشده است.^{۱۳۴}» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

۷۷) « آنچه در هویت این امر عظیم در آن اقلیم جلیل (ایران) است، متدرّجاً پدیدار و آشکار گردد و حزب مظلوم (احبای ایران)، عزیز و بزرگوار و آزاد و سرفراز گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱ نوامبر ۱۹۴۷، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۹۴-۹۳)

۷۸) « به حسب ظاهر اگر چه آثار باهری این طلوع الهی (دور اعزّ بهی‌الانوار جمال اقدس ابهی) بتمامه در حیزّ شهود مشهود نه، اما در حقیقت وجود تحقّق یافته و به مقتضای استعداد... عباد، ظاهر و عیان گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۴)

۷۹) « اهراق دماء مطهّره‌ی شهیدان ایران است که عاقبت‌الامر آن اقلیم (ایران) را جنّة‌النّعم فرماید و به فرموده‌ی مرکز میثاق بهاء، حضرت عبدالبهاء، "دولت وطنی جمال مبارک را در جمیع بسیط زمین محترم‌ترین حکومت و ایران را معمورترین بقاع عالم" نماید.» [حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰-مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۵]

^{۱۳۴} به مبحث ۱۱۵ مراجعه شود.

۸۰) « یک چشم بینا می‌تواند به راحتی در تمامی این حوادث^{۱۳۵} علائم و نشانه‌هایی را کشف کند که به خوبی خبر از آینده‌ای می‌دهند^{۱۳۶} که مطمئناً شاهد جدایی کامل و رسمی دین از دولت خواهد بود.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۴۹، توفیق ۶ دسامبر ۱۹۲۸)

۸۱) « ما چه کار دیگری می‌توانیم بکنیم؟ جز آن که از صمیم قلب دعا کنیم که ید قدرت حضرت بهاءالله به زودی بر این ستیز تأسّف‌بار و این ظلم و ستم طولانی (روند مظالم وارد بر احبّای ایران) غلبه یابد و همان‌گونه که او (حضرت عبدالبهاء) پیش‌بینی فرموده است، سرزمین زادگاهش "حائز محترم‌ترین حکومت عالم و سبب افتخار عالمیان و مورد تحسین و غبطه‌ی آنان واقع گردد."» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۱۸)

۸۲) « همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش‌آگهی می‌دهد... در آینده‌ای دور، ساکنان وطن حضرت بهاءالله در کلّ، و دولت آن سرزمین بخصوص، از شرافت و عزّتی عظیم برخوردار خواهند شد.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۸۳) « باید یاران (در ایران) به کمال وقار و متانت و حکمت و فراست... به اجرای وظایف خطیره‌ی روحانیه‌ی خویش من دون توقف و تعطیل متوکّلاً علی الله و مستعیناً من فضله، مداومت بخشند و مطمئن باشند که کوکب نوار امرالله روزبه‌روز غیوم کثیفه‌ی متراکمه را از هم بدرد و در نهایت جمال و عظمت از افق آن اقلیم بدرخشد و جلوه‌ای تازه نماید.» (پیام ۲۰ نوامبر ۱۹۶۴)

۸۴) « کل آرزومند بل منتظر و مترصدیم که آثار تحقّق این وعود مبارکه (ایران... ترقی عظیم نماید و جنة‌النعیم گردد) بر اثر هم‌عالیه و روحانیت و نورانیت آن معاضدان وفادار هر چه زودتر ظاهر و آشکار گردد و باعث سرور و افتخار شود. اینست ادعیه‌ی قلبیه‌ی این خادمان آستان در این جوار پرانوار.» (شهرالغلاء ۱۲۲ بدیع = ۱۹۶۵ میلادی/ نیز پیام مارس ۱۹۶۶، خطاب به احبّای ایران)

۸۵) « در این ایام پرآشوب... لازم دانستیم به کمال اخلاص سخنی چند با آن دوستان ارجمند (بهایان عزیز ایرانی مقیم ممالک و دیار سایره) در میان گذاریم... تا انشاءالله... دیده‌ی امید به صبح وعده‌های جانپور الهی دوزند و یقین نمایند که در پس این سحاب ظلمانی (شرایط حاکم بر احبّای ایران در جمهوری اسلامی) آفتاب مشیت یزدانی در اوج رفعت و اقتدار قرار دارد و به تابش و نور افشانی پردازد و

^{۱۳۵} اقدامات رضا شاه در سنه‌ی ۱۳۰۷ شمسی، علیه سطله و اقتدار روحانیت شیعه.

^{۱۳۶} این نکته‌ی مهمی است که هیکل مبارک، اقدامات شدید رضا شاه را در جهت جداسازی دین از دولت، کافی نمی‌دانند و آن‌ها را فقط علائم و نشانه‌هایی برای این پدیده‌ی برجسته و سرنوشت‌ساز در آینده می‌بینند؛ حادثه‌ای که شاید اکنون (۱۳۹۳) دیگر تحقق کاملش نزدیک شده باشد.

چندی نگذرد که این ابرهای متراکم ظلم و عدوان و غلفت و تعصب و طغیان از آفاق برافتد و روزی فیروز بدمد و عصری جهان افروز علم در عالم افرازد.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰)

۸۶) «گمان مبرید که آنچه در این زمان در... کشور مقدس ایران واقع گشته و می شود، وقایعی تصادفی و منفرد و بی نتیجه و مقصد است. به فرموده‌ی مولای عزیز (حضرت ولی محبوب امرالله) "ید غیبی در کار است و انقلابات ارض، مقدمه‌ی اعلان شریعت پروردگار"» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰)

۸۷) «این وقایع و مشکلات (مصائب احبای ایران)، فتح و ظفر عظیمی را به دنبال دارد.» (پیام ۱۳۶۲/۷/۱۵ = ۱۹۸۳ میلادی)

۸۸) «(احبای ایران) مطمئن باشند که آینده بسیار درخشان خواهد بود.» (پیام زمستان ۱۳۶۲ = ۱۹۸۳ میلادی)

۸۹) «در بهار روحانی که بلافاصله بعد از صولت زمستان آفاق را فراگیرد، غنچه‌ی آمال آن عزیزان (احبای ایران) در موطن جمال ابهی بشکفتد و آن حبیبان مظلوم و باوفا را بر مسند عزت نشانند و در جمع روحانیان مُشارٌ بالبنان (مورد توجه همگان) کند.» (پیام ۱۳۶۳/۱/۱۹ = مارس ۱۹۸۴ میلادی)

۹۰) «شدت شتا بالمآل از آن اقلیم (ایران) برخیزد و به اصطلاح معروف، روسپاهی به زغال ماند.» (پیام ۱۳۶۳/۱/۱۹) (۸ آوریل ۱۹۸۴)

۹۱) «از آستان مبارک رجا کنیم که انتصارات عظیمه... از جمله سبب طلوع شمس راحت و رخا از افق آن اقلیم (ایران) گردد و آن ستمدیدگان را از جمیع جهات آسوده و سربلند سازد.» (پیام ۲۲ آوریل ۱۹۸۶)

۹۲) «تردید نیست که ظلم و ستم پیگیری که با این قساوت بر احبای ایران^{۱۳۷} وارد می شود، بالمآل مغلوب و مقهور ید قدرت الهی خواهد گردید و جریان حوادث را به اسبابی غیبی به سوی مقدرات قطعیه‌ی پرشکوه و جلالی که از مواعید الهی است، سوق خواهد داد.» (پیام رضوان ۲۰۰۰)

۹۳) «اهراق خون مطهر شهیدان و تحمّل لطمات و صدمات طاقت فرسای نفوس نفیسه‌ای که در مهد امرالله به نیروی ایمان و ایقان خود به این موهبت الهی مفتخرند، مسبب پیشرفت امرالهی در سراسر عالم بوده و مآلاً موجب افتخار و مباهات مردم آن سرزمین خواهد شد.» (پیام ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵)

۹۴) «بهایان مهد امرالله... آمادگیشان برای تحمّل مشقّات بی شمار به منظور رعایت اصول روحانی و حفظ حقوق حقّه‌ی جامعه‌ی بهایی در مهد امرالله، آن سرزمین را به سوی سرنوشت باشکوهی که در آثار مبارکه به آن اشاره شده است، سوق می دهد.» (پیام ۲۲ مارس ۲۰۰۶)

^{۱۳۷} به مباحث ۱۹ و ۲۱ مراجعه شود.

۹۵) « این تجدید تدریجی قوای روحانی مردم (از طریق تبلیغ انفرادی) توأم با ارائه‌ی خدمات اجتماعی و اقتصادی... بالمآل و با کمک تحولات ناشی از نقشه‌ی کلّی الهی، در میقات معین موجب احیای آن سرزمین مقدّس (ایران) خواهد شد.» (پیام ۲۱ آگست ۲۰۰۶)

۹۶) « قوای خلاقه‌ی منبعثه از نقشه‌ی عظیمه‌ی الهیه^{۱۳۸} شرایط سرزمین مقدّس ایران را با سرعتی شدید تغییر می‌دهد.» (پیام اکتبر ۲۰۰۷)

۹۷) « آنچه را که یاران و یاوران حضرت رحمان در کشور مقدّس ایران در این دوران پرافتتان تحمل می‌نمایند، درد و الم تولّد عصری جدید در تاریخ امر مبارک در آن سرزمین است که به مدد تأثیرات روح خلاق امر حضرت بهاءالله پا به عرصه‌ی وجود گذارد و روان آن خسته دلان را طراوت و لطافتی تازه بخشید.» (پیام ۲۸ آوریل ۲۰۰۸)

۹۸) « (خطاب به احبّای عزیز ایران) با عموم مردم با صدق و صفا معاشرت کنید... و شعله‌ی امید، ایمان و اطمینان به آینده‌ی پرشکوه ایران... را که خود معتقدید مآلاً تحقق خواهد یافت، در قلوبشان برافروزید.» (پیام مورّخ ۳ جون ۲۰۰۸)

۹۹) « نوبت بزرگداشت فتوحات آن سرزمین مقدّس (ایران) هم فرا خواهد رسید.» (پیام ۱۱ آگوست ۲۰۰۸)

۱۰۰) « بدون شک، سگان ملاء اعلی از قیام عاشقانه آن دلدادگان جمال ابهی (احبّای مقیم ایران) در اهتزازند و مترصدند شما را یاری نمایند تا آن سرزمین مقدّس را بهشت برین نمایید.» (پیام ۲۰ آگست ۲۰۰۸)

۱۰۱) « (خطاب به بهاییان عزیز ایران) اطمینان به آینده‌ی درخشان ایران را در قلوبتان زنده نگاه دارید و بر این باور استوار مانید که سرانجام نور معرفت و دانانی غمام تیره‌ی جهل و نادانی را زایل خواهد ساخت... و محبّت و وداد بر نفرت و عناد چیره خواهد گشت.» (پیام ۲۳ جون ۲۰۰۹)

۱۰۲) « امید آن که این بیان حضرت عبدالبهاء در گوش‌ها طنین افکند: "ایران مرکز انوار گردد؛ این خاک، تابناک شود و این کشور، منور گردد."» (پیام ۲۳ جون ۲۰۰۹)

۱۰۳) « شما دلباختگان جمال ابهی (پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدّس ایران) به آینده‌ی درخشان ایران مطمئن هستید.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۱۰)

۱۰۴) « آرزوی اهل بهاء به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء، آن است که: "ایران سبب حیات جاودان جهان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیت محضه در قطب امکان برافرازد." این بینش روحانی است که

^{۱۳۸} به مبحث ۷۷ رجوع شود.

به شما (پیروان جان‌فشان جمال قدم در کشور مقدّس ایران) نیرو می‌بخشد تا به رغم همه‌ی مشقّات و تضییقاتی که پیوسته بر شما وارد می‌شود، هم‌چنان مشتاق خدمت به این آب و خاک بمانید.» (پیام ۱۴ می ۲۰۱۱)

(۱۰۵) «پیام حضرت بهاء‌الله برای آینده‌ی کشورشان (بهاییان مهد امرالله) (مقتضیات و تأثیرات عمیقی) در بردارد.» (پیام رضوان ۲۰۱۳)

(۱۰۶) «ایمان به آینده‌ی درخشان کشور مقدّس ایران و خدمت صادقانه به آن سرزمین عزیز در قلب هر فرد از افراد بهایی بوده و هست.» (مندرج در مجموعه‌ی پیام‌ها، ژانویه ۱۹۷۲ تا ژانویه ۱۹۷۸، ص ۹۱) موارد قهریه (۱۰)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱۰۷) «می‌گفتند ایران چه خواهد شد؟ من گفتم این تفصیلی که الان در میان است اسباب دمار است؛ این اختلافات، این احزاب مختلفه... این ها روز به روز ایران را ویران می‌کنند... این اختلافات ایران را ویران کرده است و روز به روز بیشتر می‌شود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۳۷- نطق مبارک مربوط به سنه‌ی ۱۳۳۲ هجری قمری، یعنی هفت سال قبل از صعود هیکل مبارک- خطابات حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۷۳)

(۱۰۸) «حال (سال ۱۹۱۹) ایران محتاج حزب صلح و سلام و سکون و اطمینان است؛ قبل از حرب (جنگ جهانی اول) از پیش مرقوم گردید؛ یعنی به صریح عبارت به خط عبدالبهاء، که دولت و ملت باید مانند شهد و شیر آمیخته گردد و الا ایران ویران شود.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۴۴) (۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۷ قمری = اول بهمن ۱۲۹۷ شمسی و ۲۲ ژانویه‌ی ۱۹۱۹ میلادی)

(۱۰۹) «خدا چه نعمتی به ایرانیان عنایت فرمود؛ ولكن قدر ندانستند. اگر کفران ننموده بودند، دولت ایران اول دولت می‌شد. من... به ایران نوشتم که تا دولت و ملت مانند شهد و شیر آمیخته نگردد، نجات و فلاح محال است.» (حضرت عبدالبهاء، مانده‌ی آسمانی ۵، باب هفدهم از ردیف الف، ص ۴۶)

(۱۱۰) «اما ایران، لیس له الامان؛ الا بالدّخول فی ظلّ الرحمن.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰) ص ۹] [مضمون: برای ایران امن و امانی نخواهد بود؛ مگر به ورود در سایه‌ی امر رحمان (امراللهی).]

(۱۱۱) «ایران هنوز ویرانست و تا عدل و داد بنیان و بنیاد نگردد، روزبه‌روز بدتر شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۲۵۴)

(۱۱۲) « عاقبت خواهید دانست ایران ویران گردد و دولت و ملت به نهایت مشقت افتد.» [مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۲۰۱- مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷]

(۱۱۳) « ای بنده‌ی صادق جمال ابهی، مکاتیب رسید و برآه و ناله و گریه و زاری شما در مصیبت احباء و هجوم اعداء (شهادت شهدای یزد) مطلع گشتم... ایرانیان کف زنانه‌ی چه عجب، پاکوبانند چه عجب، خندانند چه عجب، کامرانند چه عجب، رقص کنانند چه عجب، هذا دأب الاحزاب فی القرون الاولی؛ ولی این رقص را نقص عظیم در پی و این خنده را گریه پاینده در عقب و این سرور را عذاب قبور در پس و این شادمانی را ندامت و پشیمانی مقرر. فسوف ترونهم فی خسران مبین.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب ششم از ردیف ش، ص ۱۶۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۳۵) (مضمون عبارات عربی: این خوی و شان احزاب است در قرن‌های گذشته... به زودی آنان را در زیان آشکار خواهی دید.)

(۱۱۴) « آن ستمکاران (ظالمان یزد) بلکه جمیع اهل آن کشور (ایران) را، جلیل اکبر بلایا مسلط نمایند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۵۹۶)

(۱۱۵) « در ایران حال بدایت بی تقیدی است و آغاز ضعف دین. اگر به قوه‌ی تعالیم الهیه جلوگیری نشود، عاقبت هرج و مرج و پریشانی است و ذلت و نحوست ابدی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۳۴۴)

(۱۱۶) « ایران ویران شود و عاقبت، امر منجر به مداخله‌ی دول متجاوره گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب هفدهم از ردیف الف، ص ۴۶)

۳۴. کشور آمریکا (۱۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « یا ملوک امریقا و رؤساء الجمهور فیها، اسمعوا ما تغنُّ به الورقاء علی غصن البقاء انه لا اله الا انا لباقی الغفور الکریم. زینوا هیکل الملک بطراز العدل و التقی و رأسه باکلیل ذکر ربکم فاطر السماء، کذلک یا مرکم مطلع الاسماء من لدن علیم حکیم... اجبروا الکسیر بایادی العدل و کسروا الصحیح الظالم بسیاط اوامر ربکم الامر الحکیم.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۸۹) (مضمون بیان مبارک: ای پادشاهان آمریکا و رؤسای جمهور در آنجا، بشنوید آنچه را که ورقا (یکی از نمادهای مظهر الهی)، نشسته بر

شاخسار بقا، به آن تغنی می‌کند: همانا نیست خدایی جز من، که باقی و بخشاینده و بخشنده هستم. پیکر ملک را به زینت دادگری و پرهیزگاری بیارایید و سر آن را به تاج یاد پروردگارتان، که گشاینده‌ی آسمان است، زینت دهید؛ این گونه مطلع اسماء، از نزد خداوند علیم حکیم به شما فرمان می‌دهد... درهم شکسته را با دست‌های عدالت بلند کنید و درست‌نمای ستمگر را با تازیانه‌ی اوامر پروردگارتان که فرمان روا و دانا است، درهم شکنید.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « این کار (مهاجرت و تبلیغ احبای آمریکا) عظیم است؛ اگر به آن موفق شویم، امریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۵)

(۳) « کالیفورنیا و سایر ایالات غربی نیز باید به ارض مقدس مشابَهت معنویّه یابد و از آن خطّه و دیار به جمیع امریک و اروپا نفثات روح القدس منتشر گردد و ندای ملکوت الله جمیع آذان را به اهتزاز آرد و تعالیم الهی حیات جدیدی بخشد و احزاب مختلفه حزب واحد گردد و افکار متعدده در مرکز واحد استقرار یابد؛ شرق و غرب امریکا دست در آغوش یکدیگر شود و آهنگ وحدت عالم انسانی جمیع بشر را حیات تازه بخشد و خیمه‌ی صلح عمومی در قطب امریک افراخته شود تا اوروپ و افریک نیز از نفثات روح القدس زنده شود.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۵۰- لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)

(۴) « با عزمی ثابت و قلبی طاهر و روحی مستبشر و لسانی ناطق به ترویج تعالیم الهی پردازید، تا وحدت عالم انسانی^{۱۳۹} در قطب امریک خیمه برافرازد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح دوم از سری دوم الواح تبلیغی، ۳ فوریه ۱۹۱۷)

(۵) « امید چنان است که امریکا مرکز انتشار انوار روحانی گردد و جمیع عالم از این فیض الهی نصیب برند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۲)

(۶) « امریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد.» (حضرت عبدالبهاء، منقول توسط حضرت ولی امرالله در حصن حصین شریعت الله، ص ۳۸) (توقیع ۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

^{۱۳۹} به مباحث ۱۰۴ و ۱۳۱ مراجعه شود.

(۷) « شاخ و برگ این نهال نوحاسته (امرالله) به همه جا کشیده شود، و از مرز و بوم این کشور (آمریکا) برتر رود، و به همه جا سایه افکند، و بالمآل آفتاب ظهورش بالا گیرد، و در نصف النهار جلالش اشراق نماید، و شجره‌ی طیبه‌ی امر عظیمی که در خاک شما (احبای آمریکا) کاشته شده، در موعد مقرر، به ثمرات پرحلاوت رسد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۵۹)

(۸) « در امریک آثار تقدّم و پیشرفت از هر جهت نمایان و آینده‌ی آن اقلیم بس روشن و تابان، چه که آرائش نافذ است و افکارش فائق و در عوالم روحانیّه گوی سبقت از سایر ملل و طوایف عالم خواهد ریود.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۰)

(۹) « قطعه‌ی امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۷)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱۰) « هرگز هیچ امری قادر نخواهد بود مسیری را که قلم مصون از خطای حضرت عبدالبهاء برای آمریکا معین فرموده تغییر دهد. حال که اتحاد فدرالی آن کشور به دست آمده و مؤسّسات داخلش استحکام پذیرفته... باید به سیر تحوّل و تکامل دیگرش به عنوان عضوی از خانواده‌ی جهانی، مبادرت ورزد و این امر در اوضاع و احوالی صورت خواهد گرفت که امروز کیفیتش بر ما معلوم نیست.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۲)

(۱۱) « ما با اطمینان کامل به کلمات حضرت عبدالبهاء مطمئن هستیم که آن جمهوری کبیر (ایالات متّحده‌ی آمریکا) که به منزله‌ی صدفی این عضو گران‌بهای جامعه‌ی پیروان حضرت بهاءالله (جامعه‌ی بهاییان آمریکا) را در آغوش دارد مظفّر و منصور، وحدت خود را حفظ کرده، به حرکت خود ادامه خواهد داد تا سهم کامل خود را در ظهور و ترقّی و به ثمر رساندن مدنیّت جهانی^{۱۴۰} ایفا کرده، آخرین وظیفه‌ی خود را انجام دهد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

(۱۲) « پرچم صلح عمومی که طبق وعده‌ی حضرت عبدالبهاء باید در کشور شما (احبای آمریکا) بلند شود، هنوز به اهتزاز در نیامده.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۷۰)

^{۱۴۰} به مبحث ۱۳۸ رجوع شود.

۱۳) « تقریباً همه‌ی یاران آمریکا... از این (امر) بی‌خبرند که قاره‌ی آمریکای شمالی به حکم تقدیر، چه وظیفه‌ی خطیری را باید در هدایت امر جهان‌گیر الهی ایفا نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۷۱، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۱۴) « آیا مبالغه است اگر انتظار داشته باشیم که در آن کشور (آمریکا)... ناگهان دوره‌ی تجددی (رنسانس) روحانی که سرنوشت عصری منحصراً و روبه‌زوال را معین خواهد ساخت، برپا شود؟» (توفیق ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۴۳-۴۲)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۵) « حضرت (عبدالبهاء) در الواح جاودانی و ابدی‌الاثارشان از مقدرات روحانی آمریکا پرده می‌افکنند و می‌فرمایند: "قطعه‌ی امریک در نزد حق میدان اشراق و انوار است و کشور ظهور اسرار و مجمع احرار. جمیع مبارک است."» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۱۶) « از تسلیم بیانیه‌ی صلح به رئیس جمهور آمریکا، رونالد ریگن، امتنان کامل حاصل. از آنجا که ارائه‌ی بیانیه همزمان با برگزاری مراسم عمومی "روز حقوق بشر" انجام گرفت و از این که رئیس قوه‌ی مجریه‌ی جمهوری بزرگ غرب آشکارا از حقوق خواهران و برادران ما در ایران دفاع کرده و در نهایت تأکید بی‌گناهی و ایراد ظلم الیم را بر آنان اعلام داشته‌اند، این پیروزی را به درجه‌ای از اهمیت رسانده است که درک آن تنها در قالب وعود پرمجد و شکوه نازله در نصوص مقدسه‌ی الهیه در باره‌ی سرنوشت کشور شما (آمریکا)، میسر خواهد بود.» (پیام ۱۲ دسامبر ۱۹۸۵)

۱۷) « حضرت ولیّ امرالله در اهمیت این اقدام تاریخی (تشکیل جامعه‌ی ملل) توقیعی مرقوم داشته‌اند که بهاییان که در صدد فهم وقایع این قرن پرآشوبند، باید در آن دقت کامل نمایند و در آن بیان ذکر فرموده‌اند که دو تحوّل سبب طلوع بامداد صلح جهانی است و تأکید گشته که این دو تحوّل "مقدّر است به موقع خود با یکدیگر ممزوج گشته و یکی شوند."... تحوّل اول به رسالت و مأموریت جامعه‌ی بهایی در آمریکای شمالی و تحوّل دوم به مقدرات کشور آمریکا به عنوان یک ملت مستقلّ مربوط است.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۹)

۱۸) « حضرت ولیّ امرالله... پیش‌بینی فرمود که آمریکا در سازمان دادن و ایجاد توافق در امور عالم انسانی سهمی بزرگ و تعیین کننده خواهد داشت.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۵)

۱۹) «(خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متّحده‌ی آمریکا) سرنوشت شکوهمندی که چنان به وضوح در نصوص الهی وعده داده شده است، پیروان جمال قدم را در آن دیار به صعود بر بلندای کوشش و تلاشی می‌خواند که در پیش داریم.» (پیام ۲۶ آوریل ۲۰۰۲)

۳۵. اتحاد ایران و آمریکا (۴)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « برای ترقّیات مادّیه‌ی ایران بهتر از ارتباط به آمریکاییان نمی‌شود و هم از برای تجارت و منفعت ملت آمریکا مملکتی بهتر از ایران نه، چه که مملکت ایران موادّ ثروتش همه در زیر خاک پنهان است. امیدوارم ملت آمریکا سبب شوند که آن ثروت ظاهر شود و ارتباط تامّ در میان ایران و آمریکا حاصل گردد؛ خواه از حیث مدنیّت جسمانیّه، خواه از حیث مدنیّت روحانیّه، به یکدیگر معاونت نمایند تا آن که مدنیّت مادّیه‌ی آمریکا در ایران و مدنیّت روحانیّه‌ی ایران در آمریکا نهایت نفوذ و تأثیر نماید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۰)

۲) « این محفل نورانی الحمدلله سبب اتحاد شرق و غرب است؛ اساس تعاون و تعاضد دو ملت (ایران و آمریکا) است... یعنی در ایران مدنیّت مادّیه رواج و شیوع یابد و ابواب تجارت برای آمریکا باز خواهد شد و یقین است سبب ترقّی و منفعت طرفین گردد و این ارتباط، اعظم وسیله‌ی حصول محبّت بین ملل شرق و غرب شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۱)

۳) « امید چنان است که ملت ایران و آمریکا یک ملت و یک جنس و یک طائفه و یک عاقله گردند؛ تفاوتی در میان نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۲)

۴) « از بدایت عالم تا الی الآن ارتباط در میان ایران و آمریکا نشده و ابداً ما بین ساکنین این دو قطعه مخابره و مکاتبه نگردیده... حال بدایت طلوع صبح (و) نتایج سحر است؛ عنقریب کوکب این وحدت چنان اشراق نماید که آفاق را روشن و منیر کند و ارتباط تامّ و وحدت حقیقی بین جمیع قطعّات عالم حصول یابد. اما سرعت حصول این آمال بسته به آنست که یاران غرب به کمال همّت و قوّت کمر بر خدمت بریندند و سعی بلیغ مبذول دارند... و در نهایت انقطاع و روحانیّت و حسن نیّت و علوّ همّت به ترویج تعالیم الهی شتابند و به موجب وصایا و نصایح حضرت بهاءالله عمل نمایند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۶۹)

۳۶. قاره‌ی آفریقا (۵)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « عنقریب ملاحظه می‌نمایید که اقالیم تاریک روشن گشته و کشور... افریک گلبن و گلشن شده (است).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۲۰۶- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۰۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲) « همچنان که امرالهی بر عرصه‌ی گیتی گسترش می‌یابد، شتاب تحرکش نیز فزونی خواهد گرفت و مراکز جدیدی در آفریقا، به طوقی اسرار آمیز، انعکاساتی روحانی بروز خواهند داد که به تشکیل مراکز بدیعه در هر جایی از سیاره، مساعدت خواهند نمود.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، ۳۰ جون ۱۹۵۲، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۳) « محافل مرکزی در جزائر بریطانیا و قاره‌ی آمریکا و ایران و هندوستان و برما و پاکستان و مصر و سودان که در این مضممار (اجرای نقشه‌ی جهاد کبیر اکبر برای قاره‌ی آفریقا) مجاهد و مساعد یکدیگرند، به تمام قوی ساعی که نار موقده، یوماً فیوماً مشتعل تر گردد و نعره‌ی قبائل از دور و نزدیک بلند شود و مصداق یدخلون فی دین الله افواجا در ممالک مستقله و اقالیم تابعه و جزائر مجاوره‌ی آن قاره‌ی وسیعه‌ی مستعدّه (قاره‌ی آفریقا) ظاهر و نمایان گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۶۸)

۴) « آفریقا سر از خواب بر می‌دارد و متوجه مقام و موقعیت خویش می‌شود و قطعاً حامل پیامی بزرگ برای عالم انسانی خواهد بود و در پیشرفت مدنیت جهانی سهمی عظیم خواهد داشت.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع مبارک خطاب به لجنه‌ی آفریقا- انگلیس، مورخ ۴ جون ۱۹۵۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۵) « حضرت ولیّ محبوب امرالله در یکی از مکاتیبی که از سوی ایشان نوشته شده، ما را مطمئن می‌سازند که "آفریقا فی الحقیقه در حال انتباه و بازیافتن خویش است؛ بدون شک پیامی بزرگ دارد و در پیشرفت تمدن جهانی سهمی عظیم را ایفا خواهد کرد.» (ترجمه) (پیام ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۶، خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی نایروبی)

۳۷. مغرب زمین (۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « انّ الشّرق استضاءت آفاقها بانوار الملكوت و عنقرب يتألاً هذه الانوار في مطالع الغرب اعظم من الشرق و تحيي القلوب في تلك الاقاليم بتعاليم الله و تأخذ محبة الله الافئدة الصافية.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷) (مضمون بیان مبارک: افق‌های شرق به انوار ملکوت روشن شد و به زودی این انوار در مطالع مغرب بیشتر از شرق، تابان خواهد گشت و قلوب در آن سرزمین‌ها به تعالیم الهی زنده خواهد شد و محبت الهی افتده‌ی پاکیزه را تسخیر خواهد نمود.)

۲) « عنقرب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهاء‌الله غرب، شرق می‌شود؛ ابر رحمت پرودگار می‌بارد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۳) « حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرمود که مردم نیمکره‌ی غربی روزبه‌روز بیشتر در همان جهت (پایه گذاری اساس تفاهم بین‌المللی) حرکت خواهند کرد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۵)

۳۸. آمریکای مرکزی و جنوبی (۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « به مرور زمان، جمیع قطع‌ات امریک، مثل مکزیکو، کانادا، آمریکای جنوبی و مرکزی، جمعیتش داخل اتحاد با عموم می‌شوند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۱۸)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲) « ممالک آمریکای مرکزی و جنوبی... به حکم تقدیر، مقرر است که سهم روزافزون مهمی را در سرنوشت آینده‌ی جهان ایفای نمایند.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۲۹)

۳ « مردم آن (آمریکای مرکزی و جنوبی) در تعیین مقدرات آتی‌هی جهان، سهم عظیم و دائم‌التزایدی (روزافزونی) را عهده دار خواهند بود... امکاناتی که در کمون هر یک از ملل مذکوره (در نیم کره‌ی غربی) مودوع و مکنون است، یوماً فیوماً مشهودتر و لائح‌تر خواهد گردید.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۲۴)

۳۹. قاره‌ی اروپا (۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱ « عنقریب ملاحظه می‌نمایید که اقالیم تاریک روشن گشته و کشور اروپا... گلبن و گلشن شده (است).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۲۰۶- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۰۵)

۴۰. کشور فرانسه (شهر پاریس) (۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱ « حال بشارت شادی بخش برایتان بگویم! پاریس باغی پر از گل‌های رز خواهد شد! همه‌ی انواع گل‌های زیبا در این بستان رشد و نمو خواهد کرد و شهرت جمال و رایحه‌ی آن‌ها به هر دیاری خواهد رسید. وقتی به پاریس آینده فکر می‌کنم، آن را غرقه در انوار روح القدس می‌بینم. آن روز نزدیک می‌شود که پاریس انوار ملکوت را دریافت دارد و برکت و رحمت الهی در هر موجودی مشاهده شود.» (ترجمه) گفتارهای پاریس، ۱ دسامبر ۱۹۱۱)

۲ « روزی خواهد آمد که از جمیع این صحرا، این قراء، این درّه‌ها (در کشور فرانسه)، ندای یا بهاء‌الابهی بلند شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۴۷)

۳ « یقین است در آینده این آهنگ الهی (آهنگ یا بهاء‌الابهی) در آن مدینه (پاریس) بلند خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، آگوست ۱۹۷۶ خطاب به کنفرانس پاریس)

۴ « پاریس چون مرکز بزرگیست، من آرزویم اینست که مرکز سنوحات رحمانیه شود؛ جمیع بلاد فرنگ به نور پاریس روشن شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۴۸)

- (۵) « این مجلس (مجلس نطق مبارک در پاریس، ۴ نوامبر سنه‌ی ۱۹۱۱) روزبه‌روز وسعت می‌یابد؛ این مجلس عنقریب به درجه‌ای رسد که بر جمیع مجالس عالم تفوق خواهد کرد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۰)
- (۶) « شماها (مجلس نطق مبارک در پاریس، ۴ نوامبر سنه‌ی ۱۹۱۱) بدانید که خدا تاج موهبتی بر سر شما گذاشته و کوی نورانی از افق شما طالع کرده که این اقلیم را عاقبت احاطه خواهد کرد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۰)
- (۷) « به شما (احبای پاریس در ۱ دسامبر ۱۹۱۱) بشارت می‌دهم که روزی خواهد آمد که پاریس گلشن شود و انواع ریاحین بروید و روائح طیبه به آفاق منتشر شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۳۹)
- (۸) « (نطق مبارک در پاریس، ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱) حالا من به شما می‌گویم، این را در خاطر داشته باشید. نورانیت شما آفاق را احاطه کند؛ قوه‌ی شما بر جمیع قوای عالم غالب گردد؛ روحانیت شما در جمیع اشیاء اثر کند؛ شماها شمع روشن عالم می‌شوید؛ ظلمات هر چه قوی باشد مقاومت نورانیت شما را نخواهد کرد؛ این وعده الهی است که به شماها می‌دهم؛ یقین داشته باشید و به قوت الهیه قیام کنید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۳۳)

۴۱. کشور کانادا (۹)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « اقلیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل؛ مشمول نظر عنایت الهیه خواهد گشت و مظهر الطاف سبحانیه خواهد شد؛ زیرا عبدالبهاء در سیر و سیاحت به آن دیار، نهایت سرور در آن اقلیم یافت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۵۴ - ظهور عدل الهی، ص ۱۲۱)
- (۲) « دوباره نگاشته می‌شود که مستقبل کانادا بسیار عظیم است، چه از حیثیت مُلک و چه از حیثیت ملکوت؛ مدنیت و آزادی روزبه‌روز تزايد خواهد نمود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۵۵ - لوح پنجم از سری دوم الواح تبلیغی، ۲۱ فوریه ۱۹۱۷)
- (۳) « کانادا... سرزمینی که از نظر مادی و معنوی آتیه‌ای عظیم دارد و مهبط عنایات الهی خواهد شد.» (مندرج در پیام معهد اعلی، جولای ۱۹۷۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۴) « اقلیم کانادا به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء "مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی نهایت جلیل". » (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۷۳)

۵) « حضرت عبدالبهاء... این وعده‌ی مبارکه را تأکید کرده، می فرماید: "مستقبل کانادا بسیار عظیم است چه از حیثیت مُلک و چه از حیثیت ملکوت." » (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۲)

۶) « منظر باشکوهی که هم اکنون در مقابل چشمان شما (احبای کانادا) مفتوح گشته، هرگز نباید تیره و تار شود. وعود روشن‌گر مندرج در الواح حضرت عبدالبهاء (راجع به کشور کانادا) یک لحظه هم نباید فراموش گردد.» (ترجمه) (توقیع منبع مورّخ ۴ نوامبر ۱۹۴۸، خطاب به محفل روحانی ملّی کانادا، مجموعه‌ی توقیعات خطاب به کانادا، انگلیسی، ص ۷)

۷) « (جامعه‌ی بهاییان کانادا وظایف و مسئولیت‌های خود را) با چنان وجه تمایزی انجام داده‌اند که شایسته‌ی وعود درخشان و بیانات تابانی است که در الواح حضرت عبدالبهاء در باره‌ی قوا و استعدادهای مادّی و معنوی آن سرزمین مستعد و بزرگ عطا شده است.» (ترجمه) (توقیع منبع مورّخ ۱۹ جون ۱۹۴۹، خطاب به محفل روحانی ملّی کانادا، مجموعه‌ی توقیعات خطاب به کانادا، انگلیسی، ص ۹)

۸) « هر سعی و تلاشی که این جامعه (احبای کانادا) انجام دهد... اگر با استقامت و پایداری توأم باشد، از برکات و عنایات نفس مقدّسی برخوردار خواهد بود که چنین مأموریت برجسته‌ای را به عهده‌ی آن نهاده است... و چنین وعود برجسته‌ای را برای آینده‌ی آن بیان فرموده است.» (ترجمه) (۳۰ توقیع منبع مورّخ اکتبر ۱۹۵۱، مجموعه‌ی توقیعات خطاب به کانادا، انگلیسی، ص ۲۰)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۹) « یومی فرارسد که آن اقلیم (کانادا) به "گلستان الهی و بهشت آسمانی" بدل گردد.» (پیام جولای ۱۹۷۶)

۴۲. کشور آلمان (۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱) « مولای محبوب (حضرت عبدالبهاء) آرزوهای درخشانی را برای آینده‌ی احبای کشور آلمان در قلب می پروراند. وعده‌ها و پیش‌گویی‌های آن حضرت قطعاً محقق خواهد شد و امرالهی نه تنها مجدداً در

- آن سرزمین متمکن خواهد گشت، بلکه به نحوی بی سابقه رشد و توسعه خواهد یافت.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۴۵، انوار هدایت، جلد اول، انگلیسی، ص ۸۵)
- (۲) «(جامعه‌ی بهاییان آلمان) محبوب قلب حضرت عبدالبهاء بوده و همان طور که حضرتش پیش‌بینی فرموده‌اند، مقدر است که این جامعه، انوار امر اعظم الهی را نه تنها در قلب اروپا، بلکه در اطراف و اکناف آن قاره‌ی تاریک منتشر نماید؛ قاره‌ای که از لحاظ ظاهری ویران و از نظر روحانی ورشکسته می‌نماید.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۴۶، انوار هدایت، جلد اول، انگلیسی، ص ۹۴)
- (۳) «(جامعه‌ای که) از فم و قلم حضرت عبدالبهاء چنان وعود و عنایاتی دریافت داشته است (جامعه‌ی بهاییان آلمان)، اگر به سرنوشت خود وفادار باشد، نمی‌تواند فعالیت‌های آتی خود را منحصر به عرصه‌ی محدود وطن خویش نماید.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۲۸ جون ۱۹۵۰، انوار هدایت، جلد اول، انگلیسی، ص ۱۴۲)
- (۴) «مرکز میثاق الهی، در سنوات آغازین شکل‌گیری جامعه‌ی قهرمان بهاییان آلمان... به کرات و مرات با وعود مشعشی که به لسان بدع مبین نثار آن می‌فرمودند، روح امید و اطمینان را به پیکرش می‌دمیدند.» (ترجمه) (توقیع مورخ ۲۱ جون ۱۹۵۶، انوار هدایت، جلد اول، انگلیسی، ص ۲۵۲)
- (۵) «کشور آلمان... به فرموده‌ی مرکز میثاق محبوب امکان و مالک ادیان، در مستقبل ایام چنان مشتعل و نورافشان گردد که اقلیم مجاوره را روشن و نورانی نماید.» (توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات ۱۴۹ بدیع، ص ۵۵۱)

۴۳. کشور ژاپن (۴)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۱) «وعود حضرت عبدالبهاء راجع به سهمی که مقدر است شما (احبابی ژاپن) در زمینه‌ی انتشار امرالله در شرق اقصی به عهده‌گیری، دیر یا زود کاملاً محقق خواهد شد... بنابراین، با قلبی سرشار از نشاط و اطمینان بکوشید تا وعود مشعشع آن حضرت تحقق یابد.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۳۷، ژاپن مشتعل خواهد شد، انگلیسی، ص ۵۱)
- (۲) «آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در انتهای هر تقاضایی که در محضر مبارکشان قرائت می‌کردم، چه وعده‌هایی، تماماً راجع به آینده‌ی امرالله در آن سرزمین (ژاپن) بیان می‌فرمودند! بگذارید صریحاً مؤثرترین و الهام بخش‌ترین آن‌ها را در اینجا ذکر نمایم: "ژاپن مشتعل خواهد شد. ژاپن برای اشاعه‌ی

امرالله حائز ظرفیت و استعداد عظیمی است. ژاپن... قائد تجدید حیات روحانی ملل و مردمان خواهد شد و جهان به زودی شاهد آن خواهد بود.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۲۲، ژاپن مشتعل خواهد شد، انگلیسی، ص ۵۷)

۳ « در فرصتی دیگر که به وضوح آن را به یاد می‌آورم، آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در صندلی خود جالس شدند و از فرط خستگی چشمان خود را فرو بستند؛ و در حالی که دست‌هایشان را تکان می‌دادند، با قدرت و نشاط، این کلمات را بر زبان راندند "ما در اینجا آرام و آسوده و عاقل نشسته‌ایم؛ اما ید غیبی در ممالک و دیار، حتی در سرزمین دوردست ژاپن، پیروزمندانه در کار است." (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۲۲، ژاپن مشتعل خواهد شد، انگلیسی، ص ۵۷)

۴ « حضرت عبدالبهاء نسبت به انتشار امرالله در ژاپن بسیار امیدوار بودند.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۵۷، ژاپن مشتعل خواهد شد، انگلیسی، ص ۸۸)

۴۴. کشور انگلستان (۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱ « هرگاه به زیارت اعتبار مقدسه می‌روم، مشتاقانه دعا می‌کنم که احبای انگلستان... هرچه زودتر شاهد تحقق وعود عظیمه‌ای باشند که حضرت عبدالبهاء راجع به آینده‌ی آن سرزمین و تجدید حیات روحانی مردمش، عنایت فرموده اند.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۲۳ - سرنوشت رو به ظهور جامعه‌ی بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۲۳)

۲ « دوستان عزیز، با هیجان عمیق قلبی، وعود درخشانی را (راجع به کشور انگلستان) به یاد می‌آوریم که به کرات از فم مطهر مولای فقیدمان شنیده می‌شد و با قلبی نباض از تحقق تدریجی عزیزترین آرمان حضرتش مسروریم.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۲۶، سرنوشت رو به ظهور جامعه‌ی بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۵۶)

۴۵. کشور پاناما (۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « در آن نقطه (جمهوری پاناما) خاور و باختر (از طریق کانال پاناما) با یکدیگر اتصال یافته و در میان دو محیط اعظم واقع، این موقع در مستقبل بسیار مهم (خواهد شد). هر تعالیم که در آنجا تأسیس یابد شرق و غرب و جنوب و شمال را به یکدیگر ارتباط دهد.» (حضرت عبدالبهاء، نقل توسط حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷) - (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۶۱)
- (۲) « جمهوری پاناما که در آن مرکز، محیط (اقیانوس) آتلانتیک و محیط پاسیفیک به هم ملحق می شوند و مرکز عبور و مرور از آمریکا به سایر قطعآت خمسه‌ی عالم است،... در آینده اهمّیت کبری خواهد یافت.» (حضرت عبدالبهاء، ظهور عدل الهی، ص ۱۴۷)
- (ج) از آثار حضرت ولی امرالله
- (۳) « جمهوری پاناما... به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء در آینده اهمّیت کبری خواهد یافت.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۴۳)

۴۶. کشور هندوستان (۳)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « در هندوستان بدایت تأسیس است، لهذا قدری مشقّت دارد؛ ولی چون اساس وضع گردد، به کمال راحت و آسانی نور هدایت بتابد و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا^{۱۴۱} تحقق یابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره‌ی ۶۱۷) (مضمون بخش عربی: و می بینی که مردمان دسته دسته در دین الهی داخل می شوند.)
- (ج) از آثار حضرت ولی امرالله
- (۲) « خطّه‌ی هندوستان... مورد عنایت مخصوصه‌ی مرکز میثاق بوده و به وعده‌های گوناگون شاد و امیدوار گشته (است).» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۷)
- (۳) « از الطاف الهیه امیدوارم... که مبلغین کاملی... در آن اقلیم (هندوستان) مبعوث گشته... و وعده‌های صریحه و بشارات آتیّه‌ی امریه را از حیز غیب به حیز شهود آورند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۸)

^{۱۴۱} به مبحث ۱۱۳ مراجعه شود. نیز اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی ۲ از سوره‌ی نصر است.

۴۷. کشور روسیه (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- (۱) « این بلا یای متتابعه بالمآل بر طرف گردد و شمس عزّت و رخا در آن اقلیم (شوروی سابق) نیز ساطع و باهر شود. استعداد نفوس ازدیاد یابد و میدان تبلیغ حاضر و آماده گردد و وعود الهیه تحقق پذیرد و ندای ملکوت رنّه در صوامع و مجامعش اندازد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۵۷)
- (۲) « اقلیم روس در آینده جنّه‌النعمیم گردد و امر تبلیغ ترویجی عظیم یابد و اسم اعظم جمال قدم رنّه در معاهد و صوامع و معابدش اندازد.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴)

۴۸. کشور آذربایجان (۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « الحمدلله نسیم آذربایجان معطر است و نفعات ریاض قلوب احبّاءالله جانپور. شمس حقیقت را عنقریب در آن کشور پرتو جهان‌افروزی ساطع گردد که عقول حیران ماند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۳۶۷)

۴۹. کشور ترکمنستان (۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- (۱) « کلّ، دعا در حق آن یاران (احبّای ترکستان قدیم و ترکمنستان امروز) نماییم تا... وعده‌های اعلای امرالله که از قلم حضرت عبدالبهاء نازل (شده)، در آن سامان کاملاً سریعاً تحقق یابد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۳)

۵۰. کشور چین (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) «مملکت چین را که فی الحقیقه دارای عالمی و تمدنی مخصوص است... دارای مستقبلی محتوم و لامع (است).» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲) «در پرتو تمجید و ستایش‌هایی که حضرت عبدالبهاء از تمدن چین فرموده‌اند، می‌توان دریافت که در آینده، مؤمنان چینی چه سهم عظیمی در حیات عقلانی و معنوی امرالهی خواهند داشت.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۲)

۵۱. شهر نیویورک (۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «نیویورک مبروک گردد و آوازه‌ی ثبوت بر عهد و میثاق، از آن شهر به آفاق رسد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، رضوان ۱۹۹۰)

۵۲. شهر مونترآل (۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «عبدالبهاء... توکل به حق نموده توجه به منتریال کرد... در مجامع و کنائس آن دیار به نهایت سرور، نداء به ملکوت الله نمود و تخمی افشانند که ید قدرت الهی آبیاری خواهد کرد؛ البته آن تخم سبز و خرم خواهد شد و خرمن‌های عظیمه تشکیل خواهد داد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۵۴)

(۲) «امیدوارم که در آینده منتریال چنان به فوران آید که آوازه‌ی ملکوت از آن اقلیم جهان‌گیر گردد و نفثات روح القدس از آن مرکز به شرق و غرب امریک رسد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۵۵- لوح پنجم از سری دوّم الواح تبلیغی، ۲۱ فوریه ۱۹۱۷)

بخش سوم- با تعدادی موارد متنوعه (۲۹)

۵۳. حاملگی اشیاء (۱۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « قل تالله قد هبت نسائم الفضل عن مشرق العدل و بها حملت كل الاشياء ان انتم بذلك خبيرا و سوف يضع الامكان حملة، اذا تشهد المشركين يفرون من اليمين و الشمال و لن يجدن لانفسهم مقراً امينا. كذلك انبثاك من نبأ الامر لتطلع باسرار التي كانت خلف سراق العزمقنوعا.» (قلم اعلى ۷، ص ۳۴۸) (مضمون: بگو به خداوند قسم نسیم‌های فضل از مشرق عدل وزیدن گرفت و به واسطه‌ی آن، همه‌ی اشیاء حامله شدند، اگر آگاه باشید؛ و به زودی عالم امکان حمل خود را خواهد گذاشت؛ آنگاه خواهی دید که مشرکان به راست و چپ می‌دوند و جایگاه امنی برای خود نمی‌یابند. این گونه خبر امر را به تو دادیم تا به اسراری که در پشت خیمه‌های عزت پوشیده است، آگاه شوی.)

(۲) « عالم هستی به جمیع این عنایات (عنایات مذکور در بند ۶۴ از کتاب مستطاب ایقان) حامله گشته، تا کی اثر این عنایات غیبی در خاکدان ترابی ظاهر شود و تشنگان از پا افتاده را به کوثر زلال محبوب رساند و گمگشتگان صحرای بُعد و نیستی را به سراق قرب و هستی معشوق فایزگرداند و در ارض قلوب که (چه کسی)، این حبه‌های قدس انبات نماید و از ریاض نفوس که، شقایق‌های حقایق غیبی بشکفد.» (کتاب مستطاب ایقان، بند ۶۵)

(۳) « من دمائم (الشهداء) حملت الارض بدایع ظهورات قدرتك و جواهر آیات عز سلطنتك و سوف تحدت أخبارها اذا أت میقاتها.» (ادعیه‌ی حضرت محبوب، ص ۲۰) [مضمون: از خون‌های آنان (شهداء)، زمین به بدایع ظهورات قدرت تو و جواهر آیات عز سلطنت تو حامله شد، زود است که اخبارش گفته آید؛ هنگامی که زمانش فرارسد.]

(۴) « ظهور این عمل (صدور خطابات به زمامداران عالم) از مالک علل دو اثر بخشیده، هم سیوف مشرکین را حدید نموده و هم لسان مقبلین را در ذکر و ثنایش ناطق فرموده. اینست اثر آن لواقحی که در لوح هیکل از قبل نازل شده. حال ارض حامله مشهود، زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مشاهده شود. تعالت نسمة قمیص ربك السبحان، قد مرت و احیت، طوبی للعارفین.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۹۹- مندرج در توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات

۱۰۹ بدیع، ص ۵۱- مذکور در نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- ندا به اهل عالم، ص ۱۲ و ص ۷۴) (مضمون بخش عربی: بلند مرتبه است نسیم پیراهن پروردگار پاکیزه‌ات، به راستی مرور نمود و زندگی بخشید، خوشا به حال شناسندگان.»

(۵) «در حین ظهور، کلّ اشیاء حامل فیوضات و استعدادات لأتخصی شده و خواهند شد و به اقتضای وقت و اسباب مُلکیّه ظاهر می‌شود.» (آیات الهی ۱، ۲۹ فوریه)

(۶) «قل الیوم قد هبت لواقح الفضل علی الاشیاء و حمل کلّ شیء بما هو علیه ولكن اکثر الناس عنه معرضون. قد حملت الأشجار بالأثمار البديعة و البحور باللؤلؤ المنيرة و الانسان بالمعانی و العرفان و الأکوان بتجلیات الرحمن و الأرض بما لا اطع علیه احد الا الحقّ علام الغیوب. سوف تضع کلّ (ذی حمل) حملها، تبارک الله مرسل هذا الفضل الّذی احاط بالاشیاء کلّها عمّا ظهر و عمّا هو الممكنون. كذلك خلقنا الأکوان بدعاً فی هذا الیوم، ولكنّ الناس اکثرهم لا یسعون.» (نداء ربّ الجنود، سورهی هیکل، بند۴۷- قلم اعلی ۴، ص ۲۸۲- نقل توسط حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۶۶- نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۵- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون: بگو امروز به راستی بادهای باردارکنندهی فضل بر هر چیزی وزیده است، به گونه‌ای که هر چیزی به آنچه توانا است حامله گشته است، ولی مردم از آن رویگردانند. درختان به میوه‌های تازه، و دریاها به مرواریدهای منیره، و انسان به معانی و عرفان، و اکوان به تجلیات رحمان، و زمین به آنچه که احدی به جز خداوند دانندهی پنهانی‌ها از آن آگاه نیست، حامله گشتند؛ و به زودی هر یک حمل خود را به دنیا خواهد آورد. خجسته باد خداوند از این فضلی که احاطه کرده است همه‌ی اشیاء را از آنچه نمودار گشته و از آنچه هنوز پوشیده مانده است. بدین سان، در این روز، تمامی هستی‌ها را از نو خلق نمودیم، ولی مردم اکثرشان نمی‌دانند.)

(۷) «قد مرتّ نساءً الفضل و بها حملت الاشیاء... فسوف یظهر من کل شیء ما تفرّح به افئدة الموحّدين.» (جمال ابهی، امر وخلق ۴، ص ۴۷۶- آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱۲، ص ۶۸) (مضمون: به راستی نسیم‌های بخشش مرور نمود و اشیاء را حامله کرد... به زودی از هر شیئی نمودار خواهد شد آنچه که افئده‌ی یکتا پرستان از آن شادمان گردد.)

(۸) «حین الّذی تستشرق عن افق البیان شمس اسمی العلام، یحمل کلّ شیء من هذا الاسم بدیع العلوم علی حدّه و مقداره^{۱۴۲} و یظهر منه فی مدی الاّیام بامر من لدن مقتدر علیم.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۷۳) (مضمون: هنگامی که از افق بیان، خورشید اسم بسیار داننده‌ی ما اشراق می‌نماید،

^{۱۴۲} به مباحث ۵۳ و ۱۴۳ رجوع شود.

هر شیئی در حدّ و مقدار خود، از این اسم به علوم جدیده حامله می‌شود؛ علومی که به امر خداوند مقتدر علیم به مرور زمان ظاهر و عیان خواهد شد.

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۹) « ما در آستانه‌ی عصری هستیم که... حاکی از درد تولّد نظم بدیع و جهان‌آرایی^{۱۴۳} است که نطفه‌اش در آیین حضرت بهاءالله انعقاد یافته است و اینک ما می‌توانیم جنبش آن جنین را در رحم این عصر دردزا احساس کنیم؛ عصری که منتظر است (تا) در میقات مقررّ حمل خود را بر زمین نهد و بهترین ثمره‌ی خویش را به دنیا آورد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴-توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۱۰) « هر بهایی معتقد و متعهدی چون از هر سوی ناظر به دردهای عارض بر جهان گردد، متذکّر شود و دریابد که آن دردها علامت آن است که زمان وضع حمل جهان فرارسیده و نوزادی در شرف تولّد است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۳۹، توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۱۱) « عالم آستن حوادث عظیمه است.» (پیام مورّخ نوروز ۱۶۷ بدیع، ۲۱ مارس ۲۰۱۰)

۵۴. دانشگاه الازهر قاهره (۶)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « (قلم حضرت عبدالبهاء است که پیش‌بینی می‌کند) علم حضرت بهاءالله بر بلندای دژ مستحکم سنی اسلام در کشور مصر (دانشگاه شهیر الازهر قاهره)، افراشته خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۴۱۹)

(۲) « پرچم یا بهاء‌الابهی، که... مطابق پیش‌بینی آن حضرت (حضرت عبدالبهاء)، باید بر فراز مناره‌های بزرگترین مرکز علمی عالم اسلام (دانشگاه الازهر) به اهتزاز آید، هنوز (سال ۱۹۴۴ میلادی) نصب نشده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۳)

(۳) « همین مدینه و مرکز است (دانشگاه الازهر قاهره) که به سبب موقعیت یگانه‌اش، به عنوان مرکز علم و اندیشه در حوزه‌های اسلامی و عربی، ناگزیر در زمان‌های آتی، سهمی قاطع و برجسته، در عرصه‌ی مسئولیت استقرار نهایی آیین الهی در تمامی ممالک مشرق زمین به عهده خواهد گرفت.» (مرور معبود، ص ۴۰۳)

^{۱۴۳} به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

(۴) «ایمان تعدادی از اساتید و تلامیذ برجسته‌ی دانشگاه الازهر در اثر تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دانشمند شهیر، میرزا ابوالفضل... نشانه‌ی آگاهانده‌ی پیش‌تازانه‌ای است برای حلول روز موعودی که مطابق بیان حضرت عبدالبهاء، علم عظمت امرالله در قلب آن مرکز علمی معتبر و دیرینه‌ی اسلامی منصوب خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۴۰۲)

(۵) «در سنین آتی‌ی این دور بهایی... علم یا بهاء‌الابهی... در قلب اولین جامعه‌ی اسلامی در مدینه‌ی قاهره منصوب گردد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

(۶) «آنچه در هویتین امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله) ارتفاع لواء یا بهاء‌الابهی... بر فراز اعظم و اقدم معهد اسلامی (دانشگاه الازهر) است.» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، صص ۸۱۸-۸۱۷)

۵۵. فنّ طبّ و صحّت عمومی (۴)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «چون اطّاب‌ی حاذقه معالجات را به اغذیه رسانند و اطعمه‌ی بسیطه ترتیب دهند و نفوس بشر را از انهماک در شهوات منع کنند، البتّه امراض مزمنه‌ی متنوّعه خفّت یابد و صحّت عمومی‌ی انسانیّه بسیار ترقی کند و این محقق و مقررّ است که خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۳۴- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۲)

(۲) «البتّه در این دور بدیع فنّ طبّ منجر به آن خواهد شد که به اغذیه اطّاباً معالجه نمایند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۳۴- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۱)

(۳) «طبّ هنوز در درجه‌ی طفولیت است، به حدّ بلوغ نرسیده، و چون به حدّ بلوغ برسد، معالجه به اشیایی شود که مشام و مذاق انسان کُره (انزجار) از آن ندارد.» (مفاوضات مبارک، ص ۱۸۱)

(۴) «چون طبّ به درجه‌ی کمال رسد به اطعمه و اغذیه و فواکه و نباتات طیبّه‌الرّائحه (خوشبو) و میاه مختلفیّه‌ی بارده و حاره و درجاتش، معالجه خواهد شد.» (مفاوضات مبارک، ص ۱۸۲)

۵۶. ردیه‌های علیه امرالله (۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « بعضی از فلاسفه‌ی یونان و رومان کتبی ردأ علی روح الله (حضرت مسیح) مرقوم نمودند و انتشار دادند و این واضحست که اقوال فلاسفه در آن زمان در بین اقوام مانند وحی منزل بود. عاقبت آن کتب جمعاً مهجور گشت؛ بعضی از آن (که) در کتاب خانه‌های اروپا باقی، رزق موربانه است و اینک انجیل جلیل به فلک اثیر رسید؛ این سیل، جمیع آن خاشاک‌ها را برداشت و برد. حال نیز چنین گردد؛ مطمئن باش.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب صد، ص ۱۱۶)

(۲) « در ایام حضرت رسول روحی له الفداء نیز از این قبیل اشیاء (منظور ردیه‌ها و هجونامه‌ها است) بسیار انشاء و انشاد نمودند. مثلاً: الفیل ما الفیل و ما ادراک ما الفیل له خرطوم طویل^{۱۴۴}، و این را در محافل و مجالس می‌خواندند و (به آن) قرآن می‌گفتند؛ ولی آیا این نزاع و جدال سبب اضمحلال امرالله شد؟ لا والله، بلکه سبب قوت امر گردید. پس مطمئن باشید که امر (حضرت بهاءالله) عنقریب... به یک موج، این خس و خاشاک‌ها را به وادی هلاک اندازد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۸۸)

۵۷. مادّیون و تمدنّ مادّی (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « شبهه‌ای نیست که آن روز مبارک خواهد رسید که نفس مخربین آیین و دین الهی و مروّجین عقائد سخیفه‌ی مادّیون عالم، خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را به دست خویش خاموش کرده، بنیان بیدینی مفرطشان را از اساس براندازند و به جان و دل به قوایی اشدّ و اکمل از قبل، به تلافی مافات قیام نموده، خود را منضمّ به پیروان این امر مبارک نمایند و مروّج تعالیم حضرت بهاءالله گردند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۵۴)

^{۱۴۴} کنایه‌ای تمسخرآمیز است از آیات سوره‌ی مبارکه‌ی القارعة که می‌فرماید: "القارعة، ما القارعة؟ و ما ادراک ما القارعة؟" با این ترجمه که "در هم کوب. در هم کوب چیست؟ و تو چه دانی که در هم کوب چیست؟" (ترجمه‌ی بهاءالدین خرمشاهی)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲) «هیكل تمدن مادّی بشری فریاد می‌زند و هر روز با حسرت بیشتری، در آرزوی آنست که برای جسم بی‌جان خود روحی بیابد و تا جان نیابد و قوای روحانیش بیدار نگردد مانند سایر تمدن‌های بزرگ تاریخ، هرگز روی صلح و آرامش و عدل و انصاف نخواهد دید و به اتحادی که از مذاکره و مواضعی معمول امروز فراتر رود، نائل نخواهد شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۲۰)

۵۸. دیدار ادوارد براون از ارض اقدس (۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «(خطاب به ادوارد براون) از مورّخین فرنگستان کسی جز آن جناب (ادوارد براون) به ساحت اقدس فایز نگشت و این موهبت تخصیص به شما یافت. بسیار باید قدر این بخشش یزدانی و موهبت رحمانی را بدانید؛ هر چند حال معلوم نه، ولیکن در استقبال نهایت اهمّیت را پیدا خواهد نمود.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب هشتاد و پنج، ص ۹۵)

۵۹. ایوان مداین (۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «دوباره ایوان (مداین)^{۱۴۵} شکوه خسروی یابد و جلوه‌ی کسروی نماید... این پایتخت ویران، معمور و آبادان گردد... شبهه‌ای نیست که شهر شهیری خواهد شد.» (کتاب تذکرةالوفا، ص ۳۴ الی ۳۸)

^{۱۴۵} تاق کسری، (تاق خسرو) یا ایوان مداین، نام کاخ پادشاهان ساسانی در ۳۷ کیلومتری جنوب شهر بغداد در ساحل خاوری رود دجله واقع، و از مهم‌ترین سازه‌های دوران ساسانیان است و آرامگاه سلمان فارسی از یاران حضرت محمد پیامبر اسلام در نزدیکی آن، زیارتگاه مسلمین است. این بنا با داشتن عنوان بزرگترین تاق خشتی جهان (با بلندای ۳۵ متر، پهنای ۲۵ متر و درازای ۵۰ متر) مشهورترین بنایی است که پادشاهان ساسانی ساخته‌اند و هنوز ویرانه‌های آن در عراق کنونی موجب حیرت سیاحان می‌شود. (دانشنامه‌ی ویکی پدیا با اندکی تغییر)

۶۰. ماده‌ی اکسیر (۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «الیوم حکمای ارض این سرربانیه و حکمت الهیه (صنعت مکنونه = کشف اکسیر) را انکار نموده‌اند و نزد خود به برهان ثابت کرده‌اند که چنین چیز محال است... سبب انکار، حفظ ید مختار است که این کتور را از ابصار خائنین و ایدی سارقین حفظ فرموده؛ ولکن عنقریب بعضی (واقعیت اکسیر را) تصدیق نمایند و اذعان کنند.»^{۱۴۶} (جمال ابهی، ماده‌ی آسمانی ۱، باب دوازدهم، الواح مبارکه دربارهی اکسیر، ص ۴۰)

۶۱. یاران پارسی (۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «این قوم (یاران پارسی) عزیز در درگاه حضرت پرودگار، مقربند و روز به روز ترقی خواهند نمود تا تلافی ذلت و مشقت هزارساله گردد؛ این مژده‌ای عظیم است که به شما داده می‌شود، پس بسیار امیدوار و خرم و شادمان باشید.» (عع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۱۸۴، ص ۱۸۳)

^{۱۴۶} از دیرباز تبدیل مس به طلا و ساخت داروی جاودانگی که به آن "اکسیر" نیز گفته می‌شده، بیشترین تلاش کیمیاگران را به خود معطوف داشته‌است. با توجه به این مسئله، به کیمیا، علم اکسیر نیز گفته می‌شده است....
مهمترین اهداف کیمیاگران تبدیل فلزات رایج به طلا و نقره، و نیز خلق یک "نوشدارو"، یعنی ماده‌ای بوده که تمام بیماری‌ها را درمان کند و زندگی را به مدت نامحدودی طولانی نماید. گرچه این‌ها تنها موارد استفاده از این علم نبوده است، اما این اهداف بیش از همه ثبت شده و شناخته شده‌است. (دانشنامه‌ی ویکی‌پدیا، با اندکی تغییر در متن)

فصل ششم

عصر تکوین، اوضاع آینده‌ی بعضی جنبه‌های مهمّ دنیای بهایی (۴۶۴)

بخش اول- اراضی و مداین و اماکن مقدّسه و مخصوصه (۱۰۳)

۶۲. ارض اقدس (۴۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « (خطاب به غصن اطهر بعد از شهادت او) ان یا دال الابدیه، قد تشرّفت بک تلک الارض (ارض اقدس) و ماحولها. انک انت ودیعة الله و کنزه فی هذه الدیار. سوف یظهر الله بک ما اراد؛ انه لهو الحقّ علام الغیوب.» (جمال ابهی، مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۰۱) (مضمون بیان مبارک: ای دال ابدی، به واسطه‌ی تو این ارض و اطراف آن شرافت و عزّت یافت. تو ودیعه‌ی خداوند و گنجینه‌ی او در این دیار هستی. به زودی خداوند به وسیله‌ی تو آنچه را اراده نموده ظاهر خواهد کرد؛ همانا او، به راستی او، حق و داننده‌ی پنهانی‌ها است.)

(۲) « اذن داده شد که در این ارض (اراضی مقدّسه) بناهای عالیّه ترتیب دهند و به اسم حقّ جلّ جلاله، اراضی طیّبه‌ی طاهره که به نهر اردن متصل است و یا حول او، اخذ نمایند؛ لیظهر ما کان مسطوراً من القلم الاعلی فی کتب القبل و ما اراده الله ربّ العالمین فی هذا الظهور الامنع الاقدس العزیز البدیع.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۵۹) (مضمون بخش عربی: تا آنچه از قلم اعلی در کتب قبل نوشته شده و آنچه خداوند، پروردگار عالمیان، در این ظهور امنع اقدس عزیز بدیع اراده فرموده، ظاهر گردد.)

(۳) « یا کرمل... طوبی لک بما جعلک الله فی هذا الیوم مقرّ عرشه و مطلع آیاته و مشرق بیّناته.» (لوح کرمل، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱) [مضمون: ای کرمل،... خوشا به حال تو؛ چون که خداوند در این یوم (دور حضرت بهاءالله) تو را مقرّ عرش عظیم خود و مطلع آیات خود و مشرق بیّنات خود قرار داد.]

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۴) «در آینده، مسافت بین عکا و حیفا آباد شود و این دو شهر، متصل به یکدیگر شوند. از اتصال این دو نقطه، یک مدینه‌ی عظیمی (حاصل) شود. چون این فضا را ملاحظه کنم، واضحاً می‌بینم این نقطه یکی از مراکز تجارّتی نمره‌ی اوّل عالم خواهد شد و این ساحل که به شکل نصف‌الدائرة است، قشنگ‌ترین اسکله شود و کشتی‌های ملل در آن ملجأ و پناه گیرند. سفن عظیمه‌ی عالم، هزاران هزار رجال و نساء را از جمیع اقطار کوه‌ی ارض به این اسکله وارد کنند. کوه و دشت به امارات و قصوری به طرز جدید مزین شود. دارالصنایع (تأسیس) گردد و مراکز و ملاحیء (آسایشگاه‌ها) خیریه تأسیس یابد. ازهار مشک‌بیز مدنیّت و تهذیب ملل، در این نقطه نشو و نما کند و نفحاتش با یکدیگر آمیزش جوید (و) شاهراه اخوت انسانی را نورانی کند. در جمیع اطراف، بساطین و حدائق (و) چمنستان‌ها و منزهات (گردشگاه‌ها) بسیار باصفا، در نهایت ظرافت، ترتیب یابد. این مدینه‌ی عظیم، شب‌ها از چراغ‌های کهربایی (برقی)، یک قطعه‌ی نور گردد و ساحل عکا و حیفا، جمیعش یک خیابانی نورانی شود. مصباح‌های بزرگ نورافشان در دو سمت کوه کرمل برای هدایت کشتی‌ها نصب شود. خود کوه کرمل از سر تا پا، غرق دریای انوار گردد. شخصی که برقله‌ی کوه کرمل ایستاده باشد و تماشای ورود مسافری از کشتی‌ها کند، منظر عجیبی بیند و سیر غریبی نماید که در عالم مثل ندارد. از تمام اطراف کوه، ضجیح (ناله‌ی توأم با بیتابی) یا بهاء‌الابهی به عنان آسمان رسد و نغمات موسیقی جانبخش دلربا، در اسحار، توأم با اصوات و آواز به عرش اعلیٰ رسد.» (مندرج در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۲۷۹) (بیانات حضرت عبدالبهاء در ماه فوریه سال ۱۹۱۴ در حیفا)

۵) «هذا القطر العظیم والاقليم الكريم (اراضی مقدّسه) منعت بلسان الانبياء والمرسلين، موصوف و موسوم بانه ارض مقدّسه و خطّة طیّبه طاهره و انها مشرق ظهور الربّ بمجده العظیم و سلطانه القويم و انها مطلع آیاته و مرکز رایاته و مواقع تجلیاته و سیظهر فیها بجنود حیاته و کتابت أساره.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۵۵) [مضمون: این ناحیه‌ی عظیم و اقلیم کریم (اراضی مقدّسه) به زبان انبیاء و مرسلین ستوده شده و چنین توصیف و تسمیه گشته که سرزمین مقدّس و دیار پاکیزه و منزه است؛ و مشرق ظهور پروردگار با مجد عظیمش و سلطنت قویمش است؛ و مطلع آیاتش و مرکز رایاتش و جایگاه تجلیاتش است؛ و به زودی لشکریان حیات و سپاهیان اسرارش را در آن ظاهر خواهد کرد.]

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۶) «حضرت بهاء‌الله در مناجاتی بسیار مهمّ که به یاد پسر از دست رفته (غصن اطهر)، از قلم قادرش نازل شده،... این عبارات پیش‌گویانه را خطاب به آن فرزند شهید بیان می‌دارد: "تو ودیعه‌ی الهی و

گنجینه‌ی او در این سرزمین (اراضی مقسه) هستی. به زودی خداوند به واسطه‌ی تو آنچه را اراده نموده است، ظاهر خواهد کرد.» (مرور معبود، ۲۶۶)

(۷) « به تدریج و مرور ایام، نوایای مقدّسه جلوه نماید و معاهد جلیله در جوار روضات مقدّسه (در ارض اقدس)، بنیادش استوار و بنیانش مرتفع گردد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۵۶)

(۸) «ای اهل زمین به حقّ یقین بدانید و هر مترّد (آدم شکاک) و متوقّفی را آگاه و پرانتباه گردانید که آنچه را قلم اعلی تصریح فرموده، کالشمس فی قطب الزوال (چون خورشید نیمروزی) بالمالک نمایان و پدیدار گردد و در این بقعه‌ی بیضاء و دیار اخری (به احتمال زیاد منظور ارض اقدس است) به اراده‌ی ازلیّه‌ی حضرت باسط الارض و رافع السماء، معشوق آمال از خلف سبعین الف (هفتاد هزار) حجاب قدم به عرصه‌ی شهود گذارد و یگانه آرزوی اهل بهاء باحسنها و اکملها و اتقنها تحقّق پذیرد. هذا ما وعدنا مولانا فی السّر و الاجهار و ان هذا الوعد غیر مکذوب.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۷، خطاب به برادران و خواهران روحانی در اقطار و بلدان شرق) (مضمون جمله‌ی عربی: این چیزی است که مولای ما، علنی و پنهانی، به ما وعده داده و همانا این وعده، تکذیب ناپذیر است.)

(۹) « در ظلّ (ظلیل) این دو مرکز روحانی حزب الله (مرکز اول، دو مرقد مقدّس حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء واقع در مقام اعلی، و مرکز دوم، سه مرقد مطهر حضرت ورقه‌ی علیا و غصن اطهر و أمّ حضرت عبدالبهاء)، مشروعات جلیله و تأسیسات بین‌المللی اداری و علمی و اجتماعی آیین بهایی تشکیل شود و سریر ملکوت الله مستقر شود و علم یا بهاء‌الابهی بر اعلی الاعلام منصوب گردد و شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود؛ اذا يتحقّق ما نُزل فی لوح الكرمل من قلم عزّ منیر: "سوف تجری سفینه الله علیک و یظهر اهل البهاء الذین ذکرهم فی کتاب الاسماء"^{۱۴۷}.» [مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۱۵- مائده‌ی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۶- مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۷] (مضمون جمله‌ی عربی: آنگاه آنچه که در لوح کرمل از قلم عزّ نورانی نازل شده است، محقّق خواهد شد: "به زودی سفینه‌ی (کشتی) خداوند بر تو (کوه کرمل) برخواهد نشست و اهل بهاء، کسانی که (حضرت اعلی) در کتاب (قیوم) الاسماء، ذکرشان فرموده است، نمایان خواهند شد.)

^{۱۴۷} از این بیان مبارک چنین استنباط می‌شود که استقرار سفینه‌ی الهی بر کوه کرمل و بخصوص، ظهور کسانی که در قیوم الاسماء از آنان یاد شده است، فقط منحصر به تأسیس بیت‌العدل اعظم و استقرار آن مرجع الهی در مقرّ ابدیش در دامنه‌ی کوه کرمل نیست، بلکه شامل تمامی عظمت‌هایی است که به تدریج، در امتداد زمان، در این کوه پرشکوه ظاهر و نمایان خواهد شد.

۱۰ « در این کور بدیع مشعشع الهی (کور بهایی)... مرکز روحانی و اداری امرالهی (هر دو) در یک اقلیم، یعنی ارض اقدس، ارض المیعاد، سیناء الروح، طور الایمن، حوریب^{۱۴۸} الظهور، البقعة الاحدیّه، مرج عکا، مآدبة (سفره‌ی سرشار) الله، المَلحمة^{۱۴۹} العظمی، جبل الرب، مجتمع و مستقرّ (است).» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۵)

۱۱ « مرکز اداری امرالله در جوار قبله‌ی اهل بهاء و مقام اعلی، مرکز روحانی جامعه‌ی پیروان آیین حضرت کبریا، در کمال عظمت و جلال تأسیس شود.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۱۲ « ارض اقدس... قلب عالم و قلبه‌ی امم است.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۵۸)

۱۳ « حول این سه مرقد مقدّس، ضریح سليلة البهاء و بقیته (حضرت ورقه‌ی علیا) و دو ودیعه‌ی الهیه، غصن اطهر ابهی و أمّ حضرت عبدالبهاء، من بعد، به مرور ایام، مرکز اداری جامعه‌ی اهل بهاء تأسیس گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۵)

۱۴ « استقرار رمس حضرت بقیة البهاء (حضرت ورقه‌ی علیا، بهائیه خانم) در جوار دو مقام اعلی (مراقد مطهره‌ی حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء) و تأسیس این دو مرقد مطهر (مراقد غصن اطهر و أمّ حضرت عبدالبهاء) قرب این مضجع منور (مرقد حضرت ورقه‌ی علیا) بنفسه، پرتوی از اشراقات این تأسیسات الهی (تعیین محل مقام اعلی توسط جمال اقدس ابهی) است و مقدمه‌ی حوادث مهمّه و تأسیسات بین‌المللی آینده و مشروعات عظیمه و معاهد جلیله و امور خطیره در دامنه‌ی این کرم اعظم الهی (کوه کرم) است که به همّت وراثت ملکوت به مرور ایام و تأییدات حتمیه ربّ علام از عرصه‌ی غیب، قدم به عرصه‌ی شهود گذارد و چنان زلزله‌ای به ارکان عالم اندازد که اهل آن واله و حیران گردند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۳- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۱۲)

۱۵ « این مرکز اداری جامعه‌ی بهاییان عالم (در ارض اقدس) بنفسه، محور تأسیسات نظم بدیع^{۱۵۰} آن مُحیی رمم و منبع جود و کرم، و رمز وحدت اصلیه‌ی دول و امم^{۱۵۱} و مقرّ سلطنت و جلوه‌گاه سلطه‌ی روحانیه^{۱۵۲} و زمینیه (؟) (شاید زمینیه بوده است) و مرجع اعلا‌ی پیروان امراتم اکمل و محل انعکاس و

^{۱۴۸} کوهی که در آن خدا بر حضرت موسی تجلی کرد. (نوزده هزار لغت)

^{۱۴۹} "ملحمة" به معنی محل جنگ و کشتار بزرگ است و "ملحمة الکبری" از القاب شهر عکا است. (همان منبع)

^{۱۵۰} به میحث ۱۲۹ رجوع شود.

^{۱۵۱} به میحث ۱۳۱ مراجعه شود.

^{۱۵۲} به میحث ۱۳۵ رجوع شود.

معرض تجلیات عرش مصوّر رمم بر آفاق عالم... است؛ این است که می‌فرماید، قوله تکبر کبریا: "لعمری سوف نطوی الدنيا و ما فیها و نبسط بساط آخر، انه کان علی کل شیء قدیر." [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۸-توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۵۶۳] (مضمون بخش عربی: قسم به جانم، آن روز نزدیک می‌شود که دنیا و آنچه در آن است را در هم بیچیم و بساط دیگری بگسترانیم؛ همانا او بر هر چیزی توانا است.)

۱۶) « این معهد جلیل (دارالآثار بین‌المللی بهایی) بنفسه، مقدمه‌ی تأسیس مرکز عظیم الشان اداری جهانی بهاییان در آن جبل مقدّس (کوه کرمل) است.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۸] (توقیع منبع مورّخ ۱۱۱ بدیع) ۱۷) « این اقدام (خریداری اراضی همجوار دریای طبریّه)، به منزله‌ی مقدمه و مبشری بود برای ظهور "ابنیه‌ی عظیمه‌ی جلیله" ای که به پیش‌بینی آن حضرت (حضرت بهاءالله) در الواح مبارکه، "در طول و عرض" اراضی مقدّسه و نیز در "زمین‌های غنی" و پاکیزه‌ی موجود در جوار خاک اردن و اطراف آن" مرتفع خواهند شد و به اذن و اجازه‌ی آن حضرت در همان الواح، به "خدمت و عبادت خداوند یگانه" اختصاص خواهند یافت.» (مرور معبود، ص ۲۷۳)

۱۸) « (قلم حضرت عبدالبهاء است که پیش‌بینی می‌کند) شکوه و عظمت مؤسّساتی که این امر پیروزمند بر دامنه‌های کوه خداوند (کوه کرمل) ایجاد خواهد کرد، درخشان و نمایان خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۴۱۹)

۱۹) « (قلم حضرت عبدالبهاء است که پیش‌بینی می‌کند) این کوه پرشکوه (کوه کرمل) به تقدیر الهی، با شهر عکا مرتبط خواهد گشت و از اتحاد آنها، مدینه‌ای عظیم و یگانه به وجود خواهد آمد و مقرّ و مرکز روحانی و اداری اتّحادیه‌ی آینده‌ی بهایی را در بر خواهد گرفت.» (مرور معبود، ص ۴۱۹)

۲۰) « مزایایی احصاء‌ناپذیر، با اهمّیت روحانی و اداری هر دو، به کوه مقدّس خداوند (کوه کرمل)... افاضه گشت؛ مزایایی که همچنان در سالیان آتی نیز آن کوه پرشکوه را که مشرف بر سجن اعظم است، در بر خواهد گرفت.» (مرور معبود، ص ۳۰۸)

۲۱) « چنین است شمه‌ای از بیانات مهّمین حضرت بهاءالله خطاب به آن کوه مقدّس خدا (در لوح عظیم کرمل): "بشتاب ای کرمل، چون که انوار وجه خداوند... بر تو تابیده است... شادی کن، زیرا که خداوند در روز خود، تو را محلّ عرش خویش قرار داد، و تو را مطلع آیات و مشرق بیناتش معین فرمود."» (مرور معبود، ص ۳۷۱)

۲۲) « در مستقبل ایّام بقعه‌ی مجلّی که محلّ استقرار عرش مطهّر شارع امر اعظم الهی خواهد بود، در آن محلّ (روضه‌ی مبارکه در عکا) مرتفع شود.» (تلگراف ۱۱ ژوئن ۱۹۵۲، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۶۳)

۲۳) « شبهه‌ای نبوده و نیست که این بقعه‌ی نورا و حدیقه‌ی غلباء و روضه‌ی نورا (منظور روضه‌ی مبارکه در وضعیّت فعلی آن است)... مقدمه‌ی تشیید ضریح اقدس اطهر امنع ارفع ابهی در سنین آتیّه است.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۶۱)

۲۴) « مقام مقدّس حضرت باب... به خوبی اثبات نموده است که با گذشت سالیان، ید تقدیر، آن بنای جلیل را از آن مقدار شهرت و عظمت و اعتباری که متناسب با مقصد بلند و هدف ارجمند حاکم بر ایجادش بوده است، برخوردار خواهد کرد.» (مرور معبود، ص ۳۷۰)

۲۵) « همین بنای عظیم (مقام حضرت باب در دامنه‌ی کوه کرمل)، با گذشت زمان، و با استقرار تدریجی مؤسّساتی که حول مرکز اداری و جهانی متعلّق به اتّحادیه‌ی آینده‌ی بهایی (future Bahai Commonwealth)، حلقه خواهند زد؛ قوای مکنونه‌ی عظیمه‌ای را که همان مقصد متعالی در حقیقتش ودیعه نهاده، ظاهر و باهر خواهد ساخت.» (مرور معبود، ص ۳۷۱)

۲۶) « چنین نهاد و بنیادی الهی (مقام حضرت باب در دامنه‌ی کوه کرمل)، هر چقدر هم کینه و عناد دشمنان آینده‌اش سخت و شدید باشد، به نحو مقاومت ناپذیر، رشد خواهد کرد و توسعه خواهد یافت تا این که به تدریج، تمامی شکوه و کبریایش در برابر دیدگان عالمیان ظاهر و عیان گردد.» (مرور معبود، ص ۳۷۱)

۲۷) « این اتّحاد و همجواری (همجواری مراقد حضرت غصن اطهر و مادر حضرت عبدالبهاء با مرقد حضرت ورقه‌ی علیا)، قوای روحانی مکانی را که نفس حضرت بهاءالله، برای مقرّ سلطنت زمینی خود برگزیده، بسی تقویت می نماید؛ و نیز در امتداد شاهراه نمادگونه‌ای که به سرزمین مرکز ابدی و اداری اتّحادیه‌ی جهانی بهایی آینده منتهی خواهد شد، یک نشان هدایت بخشنده و اطمینان دهنده‌ی دیگر نصب می کند؛ مقرّی که مقدر گشته از مرکز روحانی امرالهی هرگز جدایی نپذیرد و همواره در جوار آن به کار و فعالیت ادامه دهد.» (مرور معبود، ص ۴۵۸)

۲۸) « دوائر و تاسیسات و معاهد اداری امریه... در آینده، بر حسب اشارات و رموز الواح مقدّسه، در دامنه‌ی این مزرعه‌ی الهیه (جوار مرقد ورقه‌ی مقدّسه‌ی علیا، خانم اهل بهاء) تأسیس خواهد شد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۶۲)

(۲۹) « این جاده‌ی مجلل و زیبا که امتدادش از مقام اعلی تا شهر حیفا و محاذی (روبروی) اعظم خیابان آن مدینه مکرّمه است... به شاهراه ملوک و سلاطین ارض مبدّل گردد و این تاجداران عظام و مُحرمان کعبه‌ی رحمان، پس از وصول به ساحل ارض مقصود و زیارت و طواف قبله‌ی اهل بهاء و مطاف ملاء اعلی در مرج (دشت سرسبز) عکا، به این مدینه‌ی مکرّمه‌ی مشرفّه توجّه نمایند و به جبل کرمل صعود نمایند و به کمال شوق و وله و انجذاب، به سوی این مقام محمود شتابند و از راه این طبقات خاضعاً خاشعاً متذلاًّ منکسراً تقربّ به آن مرقد منور مطهرّ جویند و در باب حرم کبریا تاج را بر خاک اندازند و سجده کنان، تراب مشکبیزش را تقبیل نمایند و لیبک لیبک یا علیّ الاعی گویان در رواق مقدّسش طواف نمایند و به کمال عجز و ابتهاج آیات باهرات لوح کرمل را تلاوت نمایند... و آلام و محن و بلایا و رزایا و اسارت و مسجونیت و شهادت آن مظلوم عالم را با چشمی اشکبار و قلبی سوزان یک یک به یاد بیاورند... و پس از ادای فرائض زیارت... و استفاضه و کسب دستور از مرکز اداری بین‌المللی بهایی... به اقالیم مجاور عراق توجّه نمایند و به سوی مدینه‌الله (بغداد) بشتابند و فرائض حج بیت الله الاعظم را به تمامها ادا نمایند و... به مهد امرالله... رهسپار گردند و به زیارت بیت مکرّم در مدینه‌ی شیراز و اماکن متبرّکه در ارض طاء و ارض خا و نقاط اخری... پردازند و از آن دیار به ممالک و اوطان خویش، هریک چون کوهی نار مراجعت نمایند.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۲۷۲-۲۶۹)

(۳۰) « به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء در آینده، سلاطین عالم برای زیارت و اظهار خضوع به مقام حضرت باب، مبشّر شهید حضرت بهاءالله، این راه (جاده‌ی سلاطین) را خواهند پیمود.» (حضرت ولیّ امرالله، تلگراف ۱۰ آپریل ۱۹۵۱، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۳۰۲-۳۰۱)

(۳۱) « انشاءالله به تأییدات الهیه و هدایت سماویه، پس از تأسیس بیت عدل اعظم و تشکیل اوّلین محکمه‌ی شرعیّه‌ی بهاییان عالم، این اراضی مجاوره (مجاور مقامات مقدّسه‌ی ارض اقدس) بر حسب شرع مبین و نصّ صریح، به موقوفات امریه تماماً و کمالاً محوّل و مبدّل گردد و به مرور ایام، معاهد جلیله و ابنیه‌ی شاهقه و قصور مُشیدّه و حدائق بدیعه در حوالی مقامات مقدّسه تعمیر و تشکیل و تأسیس گردد و نوایای ربّ عزیز باحسنها و اکملها، در ارض مقدّس جلوه نماید و بر عزّت و حشمت و شهرت امرالله بیفزاید.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۳۰ کانون دوّم^{۱۵۳} ۱۹۲۶، ارکان نظم بدیع، صص ۲۱۹-۲۱۸-مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، صص ۲۸۲)

^{۱۵۳} نام رومی ماه ژانویه

۳۲) « حینئذ (بعد از تشکیل بیت‌العدل اعظم) یستقرُّ عرشُ حکومتِ البهاء فی ارض المبعاد و ینصبُ میزانُ العدل و يتموجُ علمُ الاستقلال و ینشقُّ حجابُ السّتر عن وجه ناموسه الاعظم و تندفقُ انهرُ السنن و الاحکام من بقعة المنورة البيضاء بغلبة و هیمنه لم تر شبهها القرون الاولون.» (حضرت ولیّ امرالله، ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹، ارکان نظم بدیع، ص ۲۲۷) [مضمون: آنگاه (بعد از تشکیل بیت‌العدل اعظم)، عرش حکومت بهاء در ارض موعود مستقر خواهد شد و ترازوی عدالت منصوب خواهد گشت و علم استقلال موج خواهد زد و پرده‌ی پوشش از چهره‌ی قانون اعظم الهی کنار خواهد رفت و نهرهای سنن و احکام از بقعه‌ی منوره‌ی بیضاء، به غلبه و هیمنه‌ای که چشم قرن‌های گذشته هرگز ندیده است، جاری خواهد گشت.]

۳۳) « تأسیس این مقرر حکومت آتی جهانی بهایی^{۱۵۴} (در ارض اقدس)، مبشر ظهور سلطنت و سیطره‌ی شارع مقدّس این آیین نازنین^{۱۵۵} و استقرار ملکوت اب سماوی در بسیط عبرا^{۱۵۶} است.» (۲۷ حضرت ولیّ امرالله، نوامبر ۱۹۵۴، ارکان نظم بدیع ص ۲۴۴)

۳۴) « این بنیان رفیع الشان قویّ الارکان سرمدیّ الآثار (منظور مقام مقدّس اعلی است) ... مقدّمه‌ی سلطنت ابدیّه و سُلطه‌ی ظاهره و سیطره‌ی محیطه‌ی شارع اعظم و مظهر قدرت پروردگار است.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۲۶)

۳۵) « به مرور ایام، شعبه‌های سایر محافل روحانی مرکزی در شرق و غرب و جنوب و شمال، در ارض اقدس ... تأسیس خواهد شد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۵۸)

۳۶) « به مرور ایام... پیروان امر ملیک علام به تأسیس ثالث در این جبل و در رأس کرمل ... مباشرت خواهند نمود... تأسیس اول... که از حیث مقام برکافه‌ی تأسیسات آتیّه در این جبل، مقدّم، مقام علیّ اعلی (است) ... (و) تأسیس ثانی در رأس آن جبل، مشرق‌الاذکار، (و) تأسیس ثالث در آن جوار پرانوار، مرجع ابرار و اخیار و مرکز رتق و فتق امور جامعه‌ی پیروان امر کردگار (خواهد بود).» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۷۰-۵۶۹)

۳۷) « فقط و فقط در آن زمان (هنگام استقرار مؤسّسات اداری مرکز جهانی بهایی) این وعده‌ی برجسته که صفحات پایانی لوح مبارک کرمل را منور می‌سازد، محقق خواهد شد "به زودی خداوند

^{۱۵۴} به مبحث ۱۳۴ مراجعه شود.

^{۱۵۵} به مباحث ۱۱۸ و ۱۳۵ رجوع شود.

^{۱۵۶} به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

سفینه‌ی خود را بر تو (کوه کرمل) جاری خواهد کرد و اهل بهاء را که در قیوم‌الاسماء مذکور گشته‌اند، ظاهر خواهد فرمود.^{۱۰۷}» [کتاب هدایت برای امروز و فردا (انگلیسی) ص ۷۱]

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۳۸) « امید و طید چنان است که مساعی خستگی‌ناپذیر یاران در جمیع نقاط جهان، موجب تسریع ظهور آن یومی گردد که قوای حیرت‌انگیز مکنونه در لوح مبارک کرمل را کاملاً متجلی سازد و همان قسمی که حضرت ولیّ محبوب امرالله بدان اشاره فرموده‌اند، از کوه مقدّس خدا، انهار احکام و قوانین الهیه با شوکت و عظمت و قدرت قاهره سریان و جریان یابد.» (پیام ۱۹۸۳- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۴۴)

۳۹) « این کتابخانه (کتابخانه‌ی بین‌المللی بهایی در ارض اقدس)، به صورت مرکز مؤثری برای اقسام علوم و معارف و هسته‌ی مرکزی مؤسّسات عالیّه‌ی تحقیقات و اکتشافات علمی^{۱۰۷} در خواهد آمد.» (پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷)

۴۰) « کار عظیم ساختمان طبقات، ایجاد حدایق در اطراف آن، و ارتفاع ساختمان‌های باقی مانده‌ی حول قوس، مکمل بنای پرشکوه و جلال مرکزی جهانی است که بنا به وعده‌ی حضرت ولیّ محبوب امرالله، در کمال استحکام، شاهد مضمی قرون آتیّه و رشد شگفت‌آور جامعه‌ی بهایی خواهد بود.» [پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۶/۹)]

۴۱) « ای معاضدان با وفا، و ای دلدادگان جمال کبریا، تشیید این مشروعات فخمه‌ی فاخره از لوازم ضروریّه‌ی امرالهی است؛ زیرا ارتفاع آن ابنیه (حول قوس کرمل) تحقّق بشارات جانبخش لوح کرمل را نوید می‌دهد و تأسیس دوائر و معاهدی را مژده می‌دهد که به جمال قدم، رافع بنیان صلح اعظم منسوب است. این است که باید کلّ، به ابداع جمال، در نهایت شکوه و جلال در کوه کرمل، لانه و آشیانه‌ی انبیاء بنا شود و وعده‌ی جان پرور "وتری الارض غیر الارض"^{۱۰۸}، جلوه‌ای جدید نماید.» (پیام سپتامبر ۱۹۸۷- جزوه‌ی ۴۱، ص ۷۰)

۴۲) « تصویب طرح ساختمانی طبقات مقام اعلی... در تحقّق بخشیدن نوایای حضرت مولی‌الوری و حضرت ولیّ امرالله در باره‌ی جاده‌ای که سلاطن و فرمانروایان از آن طریق، به کوه کرمل صعود خواهند نمود و به تقبیل عتبه‌ی سامیه‌ی ضریح مبشّر شهید حضرت بهاءالله نایل آیند، مرحله‌ی جدیدی را آغاز می‌نماید.» (پیام رضوان ۱۹۸۹)

^{۱۰۷} به میحث ۱۴۳ مراجعه شود.

^{۱۰۸} به میحث ۱۰۲ مراجعه شود.

۴۳) «از یاران عزیز در جمیع نقاط دعوت می‌کنیم تا با بذل مساعی مجدّانه، این طرح مقدّس (طرح طبقات مقام مقدّس اعلی) را که اکنون به صورتی تفکیک‌ناپذیر با ابنیه‌ی حول قوس کوه کرمل ارتباط یافته، به نحوی شایسته اکمال و اتمام بخشند... و ایمان و تعهد خود را به صلاهی حضرت بهاءالله در لوح کرمل که مبشّر تأسیس مقرّ سلطنت الهیه^{۱۵۹} بر فراز آن جبل مقدّس است اثبات نمایند.» (پیام ۲۳ می ۱۹۹۰)

۴۴) «امروز است که از ما ضعفاء خواسته‌اند که به اقتضای وفا به اوامر مولای بی‌همتا، در این مشروع جلیل (تشبید و ساختن ابنیه‌ی فخمه در کوه کرمل) شرکتی لائق نمائیم و بنیانی را در تحقق بشارت لوح کرمل بر صفحه‌ی روزگار برجای نهیم که آثار پرانوارش... مرکز و محور و مرجع اقدامات لازمه‌ی بین‌المللی شود و حشمت و عظمت امرالله و تأثیر و نفوذ کلمه‌الله را ظهور و بروز بخشد و اسرار و رموز مندمجه در لوح مبارک کرمل را مکشوف سازد.» (پیام آگوست ۱۹۹۳)

۴۵) «موقعیت حاصله حاکی از اقدام اساسی در اکمال و اتمام طرحی بود که حضرت ولیّ امرالله آن را چنین پیش‌بینی فرموده بودند: "انشاء تأسیسات و مشروعات بهیّی بدیعه در صفح جبل کرمل و اتّسع مدینه‌ی حیفا و اتّصال آن مدینه به مدینه‌ی منوره‌ی عکا و تشکیل واحد عظیمی که مقرّ اداری و مرکز روحانی اهل بهاء را در آغوش خواهد گرفت."» (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۵۳)

۴۶) «می‌توانیم تحقّق تدریجی پیش‌بینی حضرت ولیّ امرالله را به نحو شایسته‌تری دریابیم که در بیان تأثیر ارتفاع ابنیه‌ای که مقرّ جهانی (و اداری امر حضرت بهاءالله را تشکیل می‌دهد، چنین فرموده‌اند: "این جریان وسیع و حتمی‌الوقوع، همزمان با دو واقعه‌ای که از لحاظ اهمّیت کمتر از آن نخواهد بود، تحقّق خواهد یافت - یکی استقرار صالح اصغر و دیگری تکامل مؤسّسات ملی و محلی بهایی." پیش‌بینی هیکل مبارک با در نظر گرفتن اوضاع و احوال کنونی جهان، تکمیل طرح‌های ساختمانی کوه کرمل را طبق برنامه‌ی زمانی تعیین شده، ضرورت و اهمّیت بخشیده است.» (رضوان ۱۵۲ بدیع = ۱۹۹۵)

۴۷) «حضرت ولیّ امرالله سه سال قبل از صعود به عالم بالا،... در باره‌ی کیفیت و اهمّیت طرح ابنیه‌ی دامنه‌ی کوه کرمل... چنین مرقوم فرمود: "این ابنیه در حول قوسی محیط بر مرقاد حضرت ورقه‌ی مقدّسه‌ی علیا و برادر و مادر عظیمالشان ایشان، با سبکی هماهنگ ساخته خواهد شد." (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸)

^{۱۵۹} به مبحث ۱۳۵ رجوع شود.

(۴۸) « این بنا (مقام اعلی) کانون مساعی و مجهوداتی خواهد شد که به تدریج حیات انسان را در این کوهی خاک نظم و نسقی جدید بخشد.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۴)

۶۳. بیت بغداد (۱۲)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « سینزل علیه (بیت بغداد) من الدلّة ما تجری به الدّموع عن کلّ بصرٍ بصیر. كذلك القیناک بما هوالمستورُ فی حجب الغیب و ما اطلع به احدُ الاالله العزیزُ الحمید. » (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۵۸- آثار قلم اعلی ۱، ص ۷۳، بند ۱) [مضمون: به زودی ذلّتی بر آن (بیت بغداد) وارد خواهد شد که چشم هر فرد بصیر را به گریه وادارد. این گونه، آنچه را که در پرده‌های غیب مستور است و هیچ کس جز خداوند از آن آگاه نیست، به تو القاء نمودیم.]

(۲) « ثمّ (بعد از دوره‌ی ذلّت) تمضی ایام یرفعه (بیت بغداد) الله بالحقّ و یجعلهُ علماً فی الملک، بحیثُ یطوفُ فی حوله ملاء عارفون. هذا قول ربّک من قبل ان یأتی یوم الفرع (دوره‌ی ذلّت بیت)، قد اخبرناک به فی هذا اللوح لئلا یحزنک ما ورد علی البیت بما اکتسبت ایدی المعتدین و الحمدلله العلیم الحکیم.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۵۸) [مضمون بیان مبارک: سپس (بعد از دوره‌ی ذلّت) ایامی سپری می‌شود و خداوند به قدرت راستی، آن (بیت بغداد) را مرتفع خواهد ساخت و همچون علمی در تمامی سرزمین خواهد کرد (در برابر دیدگان مردمان برتری خواهد داد)، به گونه‌ای که گروه شناسندگان (مؤمنان) حول آن طواف خواهند نمود. این گفته‌ی پروردگار تو است قبل از آمدن روز اندوه (دوره‌ی ذلّت بیت)، در این لوح، این امر را به تو خبر دادیم تا شاید آنچه به دست ستمگران (در زمان جمال مبارک) بر بیت وارد شد، غمگینت نکند و ستایش خداوند راست که علیم و حکیم است.]

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۳) « در این مقام (وعود راجع به بیت اعظم بغداد) بداء (تغییر پذیرفتن اراده‌ی پیشین) حکمی نداشته و ندارد و تغیر و تبدیل حتی تأخیر و تعویق ممتنع و مستحیل.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶- ۱۹۲۲، ص ۲۸۰)

(۴) «ای قویّ قدیر... بیت اعظمت را از پنجه‌ی اهل عدوان برهان و قدر و منزلتش را بر مدعیان ظاهر و آشکار کن.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

(۵) « چون میقات مقدّر فرارسد و موعد مقررّ تحقق یابد، وسائل استخلاص بیت اعظم (در بغداد) موطن اقدام جمال قدم، فراهم شود و مقام و موقعیتی که از قلم اعلی در شان آن منظر اکبر نازل شده، به ابداع وجه، چهره گشاید.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۷۱۸)

(۶) « هرچند این بحران (غصب بیت مبارک بغداد) به سبب مجموعه‌ای از دلایل مذهبی و سیاسی، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) رفع نشده است؛ اما... در زمان مقررّ...، هنگامی که به مشیت الهی، اسباب حلّ و فصل آن فراهم شود، سرنوشت پرشکوهی که آن حضرت در الواح مبارکه برای آن مقدّر فرموده، نمودار خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۴۶۹)

(۷) « حضرت بهاءالله (قبل از غصب بیت مبارک بغداد توسط شیعیان)... در اشاره به آینده‌ی همین بیت، این پیش‌بینی را مطرح نموده بود: "در آینده‌ای دور، حضرت پروردگار، به قدرت حقیقت، آن (بیت بغداد) را در برابر عیون عالمیان اعتلا خواهد بخشید و آن را علم قدرتمند سلطنت خود قرار خواهد داد و معبدی مقررّ خواهد نمود که اهل ایمان به دورش طواف کنند."» (مرور معبود، ص ۴۷۲)

(۸) « بیت اعظم بغداد که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس آن را مقررّ حج معین فرموده، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) آزاد نگشته است.» (مرور معبود، ص ۵۳۳)

(۹) « در سنین آتی‌ه‌ی این دور بهایی... بیت الله الاعظم و کعبه الامم از چنگ غاصبان و ظالمان مستخلص گردد و زیارتگاه عالمیان شود.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۵)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۰) « حضرت بهاءالله با بیاناتی اندوه‌بار پیش‌بینی فرمودند که اهانت‌های بیشتری بر بیت مبارک‌شان وارد خواهد شد. "لیس هذا اول وهن نزل علی بیتی و قد نزل من قبل بما اکتسبت ایدی الظالمین و سینزل علیه من الدلّة ما تجری به الدموع عن کلّ بصر بصیر. کذلک القیناک بما هو المستور فی حجب الغیب و ما اطّلع به احد الا الله العزیز الحمید."» (پیام ۱۷ جولای ۲۰۱۳)

(۱۱) « جمال قدم در بیانی مهیمن و مهیج خطاب به بیت اعظم بغداد فرمودند: "قد زینک الله بطراز ذکره بین الأرض و السماء و انه لا یهتک ابدأ." آن حضرت هم‌چنین وعده فرمودند که علی‌رغم آنچه که بر آن مقررّ اسنی وارد گردد، ظهور عظمت و جلال آینده‌ی آن مکان مقدّس حتمی الوقوع است: "ثمّ تمضی ایام یرفعه الله بالحق و یجعله علماً فی الملک بحيث یطوف فی حوله ملاً عارفون."» (پیام ۱۷ جولای ۲۰۱۳) (مضمون دو جمله‌ی عربی: (خطاب به بیت مبارک) خداوند ترا به زیور ذکرش در میان زمین و آسمان زینت داد و همانا او، هرگز این زینت را زایل نکند.) (سپس ایامی می‌آید که خداوند به حق و راستی، آن

(بیت اعظم) را علم افراشته‌ای در عالم قرار خواهد داد، به طوری که گروه عارفان در حولش طواف خواهند کرد.)

۱۲) « حضرت بهاءالله بیان فرمودند که بیت اعظم (بغداد) در آینده، مورد بی‌حرمتی‌های شدید قرار خواهد گرفت؛ ولی همچنین در بیاناتی که موجب قوت قلب هر مؤمن مخلصی می‌باشد، فرمودند که با وجود هرگونه لطماتی که وارد شود، امرالله محفوظ و مصون خواهد بود.» (پیام ۱۷ جولای ۲۰۱۳)

۶۴. ارض طا (شهر طهران) (۱۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « قل یا مدینتی لا تحزنی عما ورد علیک من الذین استنکفوا عن عبادة ربک و اعرضوا عن الله رب العالمین. سوف ترتفع فیک الاعلام باسمی و یرفع الله الذین مسّتهم البأساء فی هذا الامر المنیع.» (لثالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۱۲۰، ص ۲۳۴) (مضمون: ای شهر من، غمگین مباش از آنچه بر تو وارد شد از دست کسانی که از عبادت پروردگارت روی گردانند و از خداوند، پروردگار جهانیان اعراض نمودند. به زودی در تو علم‌های پیروزی به نام من بلند خواهد شد و خداوند کسانی را که در این امر منیع سختی و مشقت دیدند، و الا مقام خواهد کرد.)

۲) « یا ارض الطاء... نفحات قمیص الهی از تو قطع نشده و نخواهد شد.» (آیات الهی ۱، ۱۱ می-منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۵۵)

۳) « یا ارض الطاء... سوف تنقلب فیک الامور و یحکم علیک جمهور الناس. ان ربک لهو العلیم المحیط.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۳) (مضمون: ای سرزمین طهران،... به زودی امور در تو منقلب خواهد شد و جمهور مردم بر تو حکومت خواهند کرد. همانا پروردگار تو علیم و محیط است.) (پیش‌گویی محقق شده، وعده‌ی انقلاب مشروطیت است^{۱۶۰}.)

۴) « یا ارض الطاء... سوف یأخذک الاطمینان بعد الاضطراب. کذلک قضی الامر فی کتاب بدیع.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۳) [مضمون: ای سرزمین طهران،... به زودی، بعد از ترس و اضطراب، اطمینان تو را اخذ خواهد کرد. امر در کتاب بدیع (منظور کتاب اقدس است) چنین مقدر شده است.]

^{۱۶۰} به مبحث ۲ رجوع شود.

(۵) « در کتاب اقدس در ذکر ارض ط نازل شده آنچه که سبب انتباه عالمیان است.» (لوح دنیا، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۷)

(۶) « اگر چه حال این مقامات (متعلق به ارض طاء) مستور است؛ ولیکن ید قدرت البتّه مانع را بردارد^{۱۱۱} و ظاهر فرماید آنچه را که سبب و علّت روشنی چشم عالم است.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۵۵)

(۷) « يا اَرْضِ الطَّاءِ لَا تَحْزَنِي مِنْ شَيْءٍ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ مُطْلَعًا فَرِحَ الْعَالَمِينَ. » (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۵۶) (مضمون: ای طهران، از چیزی محزون مباش، (زیرا) خداوند ترا مطلع فرح و شادی عالمیان قرار داد.)

(۸) « يا اَرْضِ الطَّاءِ... اِطْمَئِنِّي بِفَضْلِ رَبِّكَ؛ انه لَا تَنْقَطِعُ عَنْكَ لِحَظَاتِ الْإِطْفَافِ. سَوْفَ يَاخُذُكَ الْإِطْمِينَانُ بَعْدَ الْإِلْضْطِرَابِ. كَذَلِكَ قُضِيَ الْأَمْرُ فِي كِتَابِ بَدِيعٍ. » (کتاب مسطاب اقدس، بند ۹۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۵۶) (ای طهران،... به فضل پروردگارت مطمئن باش؛ او نظر الطاف را از تو برنخواهد تافت. آن روز نزدیک می‌شود که ترس و اضطراب تو به آرامش و اطمینان تبدیل شود.»

(۹) در لوح طهران و ایران فرموده‌اند: قوله الاحلی: «اگر از سرّ نهانی و بلایای ناگهانی و خسران مبین که در پی دارند خبر شوند فریاد و فغان آغاز کنند و سر به بیابانها نهند و واحسرتا گویند واسوأتا بلند کنند.»

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱۰) « در خصوص ارض ط، آنچه بشارت شده، بعد تحقق خواهد یافت.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب چهل و نهم، ص ۳۶)

(۱۱) « (ارض طاء) عاقبت سکون یابد و راحت جان حاصل گردد و سلامت وجدان رخ بنماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب اول، ص ۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱۲) « هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده‌ی قضا مکنون و تحقق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون. ارض ط موطن جمال ابهی مرکز سنوحات الهیه گردد و مطلع بهجت و فرح عالمیان شود.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸)

^{۱۱۱} به مبحث تنبّه‌انگیز ۲۱ مراجعه شود تا ماهیت این مانع و نیز قطعیت برداشتن آن یادآوری شود.

- ۱۳) «ای قویّ قدیر... مدینه‌ی منوره‌ی طهران را مطلع سرور عالمیان و مطمح نظر جهانیان کن.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)
- ۱۴) «در سنین آتیه‌ی این دور بهایی... ملک عادل بر سریر سلطنت در ارض طا (طهران) جالس گردد.» [حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع (۱۹۴۸ میلادی^{۱۶۲})، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۵]

۶۵. شهر شیراز (۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) «ما را نیز امید چنین است و آرزو اعظم از این، و یقین است که موطن آن نور مبین (موطن حضرت اعلیٰ، فارس) به همّت دوستان الهی عنقریب تزین یابد و غبطه‌ی بهشت برین گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۰۱)
- ۲) «شیراز پر آواز گردد و ندای الهی بلند شود و یاران الهی به ساز و آوازی دمساز شوند که جمیع اصوات خاشع گردد و هر وضوایی ساکت و صامت شود تا مصداق شعر ادیب شیراز شود:
ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار
فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۰۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۳) «مدینه‌ی شیراز... سراپا روشن و منور گردد؛ روح به عالم امکان دمد؛ مطاف عالمیان گردد و نائره عشق را برافروخته، در قطب آفاق ندای یا بهاء‌الابهی را به سمع جهان و جهانیان رساند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۸/مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۵)
- ۴) «حضرت بهاء‌الله روحی لمضجعه الانور فداء، کراراً و مراراً شفاها و در الواح محکمه‌اش... فتوحات روحانیّه و ترقیّات کلیّه به آن عزیزان (احبای شیراز) وعده فرموده (است).» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۴)

۶۶. شهر اصفهان (۲)

^{۱۶۲} توقیع مبارک در سال ۱۳۲۶ شمسی صادر شده و دوره‌ی سلطنت محمد رضا شاه از ۱۳۵۷-۱۳۲۰ شمسی بوده است؛ لهذا "ملک عادل" مورد اشاره، شخصیّتی مربوط به آینده است. (ثبت این مطلب در تاریخ مهرماه ۱۳۹۳ شمسی).

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « اصفهان تمام جهان شود و یاران، هر یک مانند مه تابان، از مطلع اصفهان درخشنده و عیان گردند.» (نقل از نسخه‌ی خطّی؛ مندرج در پیش مقدمه‌ی کتاب "تحقیق در باره‌ی مسیرهای مبارک حضرت اعلی در اصفهان و بررسی کوتاهی در مورد اماکن متبرّکه‌ی این شهر"، تألیف جناب محمّد لیب و تکمیل توسط جناب گلستان مصفّایی)

(۲) « خون مطهّر شهداء، علی‌الخصوص دمّ مبارک سلطان‌الشّهداء و محبوب‌الشّهداء، عاقبت غلیان شدید خواهد نمود و اصفهان را روح و ریحان خواهد بخشید.» (تحقیق در باره‌ی مسیرهای مبارک حضرت اعلی در اصفهان و بررسی کوتاهی در مورد اماکن متبرّکه‌ی این شهر"، تألیف جناب محمد لیب و تکمیل توسط جناب گلستان مصفّایی، ص ۱۱۰)

۶۷. شهر ادرنه (۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « أَنْ يَا عَبْدَ النَّاطِرِ إِلَى اللَّهِ فَأَعْلَمَ بَأَنَّ أَتَى الْقَضَاءَ وَأَمْضَى مَا نَزَلَ فِي الْوَاحِ مَالِكِ الْأَسْمَاءِ وَأَخْرَجُوا الْغَلَامَ مِنْ أَرْضِ السَّرِّ بِظَلْمٍ مُبِينٍ... وَمَا مَرَرْنَا عَلَى شَجَرٍ وَحَجَرٍ وَأَرْضٍ وَمَدْرٍ إِلَّا وَقَدْ أَوْدَعْنَا فِيهِ سِرًّا مِنْ أَسْرَارِ اللَّهِ الْمُهِمِّنِ الْعَزِيزِ الْقَدِيرِ، فَسَوْفَ يَظْهَرُ بِالْحَقِّ وَإِنَّ رَبَّنَا لَعَلِيمٌ وَحَكِيمٌ.» (لتالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۱۸) [مضمون: ای عبد ناظر به خداوند، بدان که حکم مقدر پدیدار شد و هر آنچه که در الواح مالک اسماء نازل گشته بود، آشکار گشت و غلام را به ظلم مبین از سرزمین سرّ (ادرنه) اخراج کردند... و ما مرور نکردیم بر درختی یا سنگی یا خاکی یا شنی مگر این که سرّی از اسرار خداوند مهیمین عزیز قدیر را در آن ودیعه نهادیم که به زودی ظاهر خواهد شد؛ و همانا پروردگارت به راستی علیم و حکیم است.]

(۲) « قل قد خرج الغلام من هذه الديار (ادرنه) و أودع تحت كل شجر و حجر وديعة، سوف يخرجها الله بالحق. كذلك أتى الحق و قضى الأمر من مدبر حكيم. لا يقوم مع أمره جنود السموات و الأرضين و لا يمنعه عما أراد كل الملوك و السلاطين.» (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۹۲- آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۳، ص ۴۴- نداء ربّ الجنود، لوح رییس عربی، بند ۱۴- الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح اول رئیس، ص ۲۱۲) [مضمون: بگو غلام (منظور غلام الهی، یعنی حضرت بهاءالله است) از

این سرزمین (ادرنه) خارج شد و در زیر هر درخت و سنگی ودیعه‌ای بنهاد، به زودی خداوند به حق و راستی، خارجشان خواهد کرد. این گونه حق آمد و امر از نزد (خداوند) تدبیر دهنده‌ی حکیم مقدر شد. لشکریان آسمان‌ها و زمین‌ها در برابر فرمانش ایستادگی نتوانند و همه‌ی ملوک و سلاطین عالم از خواسته‌اش بازش ندارند.]

(۳) « به شانی بلایا وارد که احدی جز حق محصی (برآوردکننده‌ی) آن نه و ارض سیر سراً در اضطراب و احدی بر آن مطلع نه، الا ربک العزیز الوهاب. و زود است که از سیر به ظهور آید؛ لا يعلم ذلك الا من عنده علم الكتاب. » (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۷۴) (مضمون عبارت عربی: کسی از این موضوع آگاه نیست، جز آن که علم کتاب داشته باشد.)
(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۴) « حضرت بهاءالله خود در سوره‌ی ریس می‌فرماید: "غلام الهی از این دیار (ادرنه) خارج شد و در زیر هر درخت و هر سنگی ودیعه‌ای بر جای گذاشت که به زودی خداوند به قدرت حق و راستی، آن‌ها را ظاهر خواهد کرد." » (مرور معبود، ص ۲۵۶)

۶۸. نور و تکر (۵)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « سنگستان تکر گلشن و گلستان خواهد شد؛ از کوه اورنگ آهنگ تنزیه و تقدیس به ملاء اعلی خواهد رسید؛ این مقرر است و محتوم. » (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۲۶) (۱۱ ذیقعه ۱۳۳۹)
- (۲) « هیچ شبّه (ای) نیست که اقلیم نور روشن خواهد شد و فیوضات ربّ غفور احاطه خواهد نمود. » (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۲۶) (۱۱ ذیقعه ۱۳۳۹)
- (۳) « یقین است که در آن سرزمین (نور مازندران) جلوه نور مبین ظاهر خواهد شد و مطاف مؤمنین خواهد بود. » (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۲۶) (۱۱ ذیقعه ۱۳۳۹)
- (۴) « حال اقلیم نور موطن مکّلم طور است؛ دیگر ملاحظه کنید که در ممرّ اعصار و دهور چه جلوه (ی) پرشکوه خواهد کرد؛ آشیان طیور ملکوت گردد و بیشه شیران ربّ غفور، مطاف مقربین شود و پناه ملائکه عالین گردد؛ زیرا شعله‌ی طور در اقلیم نور تجلی کرد و نیر اعظم از آن افق مبین طلوع نمود. » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۲۳۱)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۵) « یاران... باید... محافلی چنان مجلّل و مکملّ در حوالی آن مقامات مقدّسه (مسقط رأس مبارک جمال اقدس ابهی، نور مازندران) بیاریند که نفحات مشکبیزش مشام این مشتاقان را معطر و عنبرین نماید؛... و به خدمات و اقداماتی در سبیل تحسین احوال و ترقّی و پیشرفت وطن خویش و عالم انسانی قیام نمایند که افکار کلّ متوجّه به آن نقطه‌ی مبارکه گردد و اشعه‌ی هدایت بر آن اقلیم بلکه تمام اقلیم عالم منتشر شود. همچو یوم مبارکی محتوم الوقوع است و بشارات منزله در حقّ آن خطّه‌ی مطهره حکم بداء از آن مرفوع.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۶- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶- ۱۹۲۲، ص ۷۳)

۶۹. ارض خاء (خراسان) (۹)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « یا ارض الخاء، نسمعُ فیک صوتَ الرجال فی ذکر ربّک الغنی المتعال.» (کتاب اقدس، بند ۹۴) (مضمون: ای سرزمین خراسان، در تو صدای مردان را در ذکر پروردگار غنیّ متعال می شنویم.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « ای بنده‌ی جمال ابهی، خراسان را در عرف مورّخین مشرق زمین نامند... از فحوای الواح الهیه چنان استنباط گردد که آن کشور، شرق را منور نماید و نار الله الموقده چنان شعله‌ور شود که آتشکده‌ی نار سینا گردد؛ یعنی نور مبین از ملکوت غیب بهاء در آن بیداء (بیابان) جلوه و ظهوری نماید که جنّت ابهی خیمه و خرگاه در قطب آفاق زند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۱۱۷)

(۳) « امیدوار گشتیم که در خراسان نار محبّت الله شعله شدید خواهد زد و انوار معرفت الله سطوع عظیمی خواهد نمود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۴۱)

(۴) « در الواح مبارکه نازل، از ارض خاء اعلاء کلمه‌ی الله گردد و نشر نفحات الله شود و نفوس در ظلّ شجره‌ی مبارکه استقرار یابند. این بشارات سبب است که همواره منتظر آئیم که شمس حقیقت پرتو شدید بر آن اقلیم زند که در جمیع انحاء ارض خاء، ندا بلند گردد و اقلیم معرض نور مبین شود و (به) این موهبت، به شدّت، اشتعال قلوب و انشراح نفوس و انجذاب ارواح جلوه نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۲۱۴)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۵) «هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده‌ی قضا مکنون و تحقق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون... صوت رجال از ارض خا بادیه‌ی مسکینه‌ی خراسان زلزله به ارکان کشور (ایران) اندازد و الویه‌ی نصر بر قلل آن سامان موج زند "اذا یفرحَنَّ المؤمنون بنصرالله و ینوحن المشرکون."» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸) (مضمون عبارت عربی: آنگاه مؤمنان به خاطر نصرت الهی شادی خواهند کرد و مشرکان نوحه و زاری خواهند نمود.)

(۶) «ای قویّ قدیر... صوت رجال امرت را گوشزد اقالیم بعیده نما.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

(۷) «ای ربّ عزیز... ندای اسم اعظمت را به گوش هر قریب و بعید و ضعیف و شریف برسان تا بادیه‌ی خراسان که در بدو ظهور اعلام و رایات نصرت امرت را مرتفع ساخته، دوباره به اهتزاز آید و از اخلاف، رجالی چون اسلاف مبعوث گردند که صیت آن قطعه‌ی نورا را در شرق و غرب عالم مشتهر سازند. این است دعای قلبی صمیمی مستمری این عبد از درگاه الهی.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۵۱)

(۸) «(حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) پیش‌بینی (می‌فرمایند) که «صوت رجال خراسان» در تمجید و ستایش پروردگارش بلند خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۲۹۸)

(۹) «در سنین آتیه‌ی این دور بهایی... صوت رجال از ارض خا (خراسان)... گوشزد قریب و بعید گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۵)

۷۰. ارض کاف و الرّاء (کرمان) (۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «یا ارض الکاف و الرّاء، انا نراک علی ما لایحبه الله... لاتحزنی بذلک، سوف یظهر الله فیک اولی بأس شدید؛ یدکرنی باستقامة لا تمنعهم اشارات العلماء و لا تحجهم شبهات المریین. اولتک ینظرون الله باعینهم و ینصرونه بانفسهم؛ الا انهم من الراسخین.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۶۴) (مضمون: ای کرمان، ما تو را در وضعیتی می‌بینیم که خداوند را خوش نمی‌آید... از این امر محزون مباش، به زودی خداوند در تو دارندگان صولت و جرأت عظیم مبعوث خواهد کرد. آنان به استقامتی مرا یاد خواهند نمود

که نه اشارات علماء منعشان کند و نه شبهات شکاکان بازشان دارد. آنان حق را با چشمان خود خواهند نگریست و با ابدان خود یاری خواهند کرد. آنان به راستی از راسخان و مستقیمان هستند.

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲) « ای یاران نورانی عبدالبهاء... امید چنانست که آن بذر طیب طاهر چنان انبات گردد که آن اقلیم (کرمان) جنّة النّعیّم شود و گلشن حقیقت گردد. الحمدلله یاران کرمان و سیرجان در شور و ولهند و در جذب و طرب... مطمئنّ باشید که این شجره‌ی مبارکه ریشه خواهد نمود، "مثل کلمة طیّبة كشجرة طیّبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء و تؤتی اكلها فی كلّ حین" ^{۱۶۳} » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۴۳۵) (مضمون آیه‌ی قرآنی: کلمه‌ی طیّبه مانند شجره‌ی طیّبه است که ریشه‌اش ثابت و شاخه‌اش در آسمان است و در هر لحظه میوه‌اش را نثار می‌کند).

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳) « هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده‌ی قضا مکنون و تحقّق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون... از ارض کاف و راء نفوسی اولوالبأس مبعوث گردند و پرده‌ی حجاب و اشارات و شبهات مریین را بدرند؛ کسر اصنام نمایند و شریعت رب الانام را جهرها و علانیتة تبشیر و تأیید نمایند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸)

۴) « حضرت بهاءالله می‌فرمایند (مردانی "با قدرت و شهامت فراوان" از سرزمین کرمان به پا خواهند خاست و به ذکر و ثنای حضرتش خواهند پرداخت.» (مرور معبود، ص ۲۹۸)

۷۱. بندرعبّاس (۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « عنقریب بندرعبّاس مشکاة اقتباس گردد و آیین ملاً اعلی ترویج شود.» (مجموعه‌ی آثار مبارکه، بند ۸۴، ص ۵۵۱)

^{۱۶۳} سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴.

بخش دوم- احبّاء و اشخاص متفاوتّه (۱۷۳)

۷۲. احبّای الهی به طور کلی (۸۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « لا تَحْزَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُ مَعَ مَنْ قَبِلَ اللَّهُ سَوْفَ يَظْهَرُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ مَقَامَاتِ الرَّاسِخِينَ. » (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۹۴) (مضمون: از چیزی محزون مباش؛ به زودی خداوند مقامات بندگان راسخ را در زمین ظاهر خواهد کرد.)

(۲) « عنقریب... مقبلین به کمال عزّ و تمکین (مشاهده شوند)؛ هذا حتم عند ربک، انه لهو العلیم الخیر. » (آثار قلم اعلی جلد ۶، ص ۱۳۱) (مضمون بخش عربی: این وعده ای حتمی نزد پروردگارت است؛ همانا او دانا و آگاه است.)

(۳) « جمیع دوستان آن ارض را از قِبَلِ حق تکبیر برسان و بما قُدْرَ لَهُمْ بشارت ده، عنقریب مقام ایشان بر عالمیان ظاهر و هویدا گردد إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ. » (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۸۱)

(۴) « اگر چه الیوم نفوس مشتعلی مقبله را لإِقْبَالِهِمْ إِلَى کَلِمَةِ اللَّهِ ذَلَّتْ اخذ نموده، ولكن عنقریب کَلِّ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ به اعزاز تمام به ذکر آن نفوس مشغول شوند و ذاکر گردند. » (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۵۴)

(۵) « عنقریب ذکر شما و سایر دوستان حق در جمیع بقاع ارض منتشر شود، چنانچه حال در ملکوت الهی اسامی کل مذکور است. » (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۱۱۹)

(۶) « قسم به انوار وجه، جمیع بلایا که وارد شده عنقریب کل به عطیهی کبری و نعمت عظمی و مائدهی لا شبه لها مبدّل شود. » (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۱۰۷)

(۷) « يَا أَحِبَّائِي لَا تَحْزَنُوا عَمَّا وَرَدَ عَلَيْكُمْ فِي سَبِيلِي سَوْفَ تَرَوْنَ أَنْفُسَكُمْ فِي مَقَامٍ تَسْتَضِيءُ مِنْهُ الْأَفَاقُ، أَنْتُمْ تَحْتَ جَنَاحِ فَضْلِي وَأَهْلُ سُرَادِقِ عِرْفَانِي. » (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۲۵) (مضمون: ای احبّای من، از آنچه در راه من بر شما وارد شد غمگین مشوید؛ به زودی خود را در مقامی خواهید یافت که افق‌ها از آن روشن گردد. شما تحت جناح فضل من و اهل خیمه‌های عرفان من هستید.)

۸) « سَوْفَ يَظْهَرُ اللَّهُ عِزَّ الدِّينِ آمَنُوا بِمَطَّلِعِ الْوَحْيِ إِذَا يَرُونَ الْمُشْرِكُونَ أَنفُسَهُمْ فِي خُسْرَانٍ مُّبِينٍ. » (لتالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۸۳) (به زودی خداوند عزّت کسانی را که به مطلع وحی ایمان آوردند ظاهر خواهد کرد؛ آن‌گاه مشرکان خود را در خسران مبین خواهند دید.)

۹) « آگر چه الیوم نفوس مشتعلة مقبله را لإقبالِهِمْ إلی کَلِمَةِ اللَّهِ ذَلَّتْ اخذ نموده و لکن عنقریب کلّ مَنْ علی الأرض باعزاز تمام بذکر آن نفوس مشغول شوند و ذاکر گردند. » (لتالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۵۴)

۱۰) « طوبی للذین حملوا الشدائد فی سبیلی و حُبِسُوا لِاسْمی، الا انهم تحت خباء عظمتی. سوف نطرز دیباج کتاب الابداع باسمائهم بین الاکوان. » (لتالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۱۲۴، ص ۲۴۲) (مضمون: خوشا به حال کسانی که در راه من شداید و بلایا تحمّل کردند و به نام من زندانی شدند؛ بدان که آنان تحت خیمه‌ی عظمت من قراردارند. به زودی به نام آنان و در میان اکوان، دیباجه‌ی کتاب ابداع را زینت خواهیم داد.)

۱۱) « ای احبّای الهی... شکر کنید خدا را که مظاهر هدایتید و مطالع موهبت؛ اگر پرده و حجاب برخیزد و کشف غطا گردد، ملاحظه می‌نمایید که چه تاجی بر سر دارید و چه خلعتی در بر؛ ولی به حکمت الهیه این موهبت حال سرّ مکتوم است و رمز مصون و در استقبال ظاهر و آشکار گردد. » (حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۶۶)

۱۲) « خداوند یکتا... در سنین معدودات در سجن اعظم محض فضل، شما (احبّای الهی) را ذکر نموده و می‌نماید. اگر چه قدر این فضل نظر به عدم ظهور استعداد عالم الیوم معلوم نیست؛ و لکن حقّ جلّ جلاله عنقریب این مقام را ظاهر فرماید. » (حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۰۲-۱۰۱)

۱۳) « بگو ای دوستان، قدر خود را بدانید؛ زود است که جمیع السن به ذکر شما ناطق و جمیع وجوه به شما متوجّه خواهد شد؛ انه یُرفع امره کیف اراد؛ انه لهو المقتدر القدير. » (حدیقه‌ی عرفان، ص ۴۹) (مضمون جمله‌ی عربی: او هرگونه که بخواهد امرش بلند می‌نماید. همانا او مقتدر و توانا است.)

۱۴) « امروز شأن دوستان حق و مقامات ذکر و بیان نظر به عدم قابلیت خلق مستور و مکنون است؛ و لکن البته اصبع قدرت حجاب را خرق نماید و مقامات هر نفسی و مکافات هر عملی را ظاهر فرماید. اوست قادر و مقتدر. » (پیام آسمانی ۲، ص ۱۹۳)

۱۵) « جای تفکّر و تبه است. مشاهده نماید که به فرع چگونه متشبّثند (داستان استقبال از کفش حضرت رسول الله توسط اولیای حکومت عثمانی) و از اصل چگونه غافل... چنانچه در این ایام، احدی اعتناء به حبس آن اسراء الله نداشته و ندارد؛ و لکن عنقریب به ذکر جزئیات ما ورد علیکم، ناطق خواهند شد. » (جمال ابهی، مائده‌ی ۴، ردیف ک، باب سوم، ص ۲۱۶)

۱۶) « از برای حق عبادی است یَحْرُقُونَ حجابِ الاوهام و یَحْرُقُونَ سبحاتِ الانام؛ اولئك لا یمنعهم ما فی ایدی النَّاس و لا ما ینطق به السنتهم الکاذبة. انهم انوار التوحید فی البلاد و انجم التجرید بین العباد. سوف یظهر مقامهم علی من علی الارض.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۶- مجموعه‌ی الواح حضرت بهاءالله به خط مشکین قلم، ص ۲۶۶) (مضمون: می‌سوزانند پرده‌های اوهام را و فرومی‌ریزند موانع انام را؛ آنچه در دست مردمان است و آنچه بر زبان‌های دورغ پردازشان جاری است آنان را از حق باز نخواهد داشت. به راستی آنان انوار توحید در دیارها و ستارگان تجرید میان بندگان هستند. به زودی مقام آنان برای زمینیان ظاهر خواهد شد.)

۱۷) « لَعَمری سیفنی ما عند النَّاس و یبقی العزّة و الاقتدار لمن اقبل الی مطلع الانوار.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۴) (مضمون: قسم به جانم، به زودی آنچه نزد خلق است فانی خواهد شد و عزّت و اقتدار برای کسانی که به مطلع انوار اقبال نمودند باقی خواهد ماند.)

۱۸) « عنقریب دنیا و آنچه در او است مفقود و یبقی العزّة لاجبّاء ربک العزیز الکریم.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۱۴۰) (مضمون بخش عربی: و عزّت و برگواری برای احبّای پروردگار عزیز و کریمت باقی خواهد ماند.)

۱۹) « جند الله غالب بوده و خواهد بود.» (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۳۳۷- دریای دانش، ص ۱۳۱)

۲۰) « یا معشر العلماء... این الدّین کاناو قبلکم؟ تفکّروا یا اولی الابصار. طوبی لعالم خرق الحجاب الاکبر مقبلا الی المنظر الاطهر، انه من اعلى الخلق لدى الحقّ المتعال. سوف تفتنی الدّینا و ما تفتخرون به و یبقی العزّة و الاقتدار للدّین اقبلوا الی هذا الوجه الّذی خضعت له الاعناق.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره‌ی ۱، ص ۴۰، لوح احبّاب) (مضمون: ای گروه علماء... کجایند آنان که قبل از شما بودند؟ بیندیشید ای صاحبان بینش. خوشا به حال عالمی که حجاب اکبر را درید و به منظر اطهر اقبال کرد، همانا او نزد حق بلند مرتبه، از والاترین خلق است. به زودی دنیا و آنچه به آن فخر می‌فروشید فانی خواهد شد و عزّت و اقتدار برای کسانی که به این وجه اقبال کردند باقی خواهد ماند؛ وجهی که گردن‌ها نزد آن خم گشت.)

۲۱) « یا احبّائی... سوف یفتخرون من علی الارض باسمائکم و ینوحون علی ما ورد علیکم من الدّین کفروا بالله فالق الاصباح.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره‌ی ۲، ص ۴۳) (مضمون: ای احبّای من... به زودی اهل عالم به نام‌های شما افتخار خواهند کرد و بر آنچه که از دست کافران به خداوند- خداوندی که گشاینده‌ی بامدادان است- بر شما وارد شد، نوحه و ناله خواهند نمود.)

- (۲۲) « یا إلهی... أنزل من سحاب رحمتك ما يطهرّ به أفئدة محبيك و يقدّس به قلوب عاشقيك. ثمّ ارفعهم برفعتك، ثمّ غلبهم على من على الارض و هذا ما وعدت به احبائك؛ بقولك الحقّ: "نريد أن نمّنّ على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثين"^{۱۶۴}. (ادعیهى حضرت محبوب، ص ۵۲) (مضمون: ای خدای من... از ابر رحمتت فرورفت آنچه را که افتدیهى محبانت به آن پاکیزه می‌گردد و قلوب عاشقانت مقدّس می‌شود. سپس به بزرگیت آنان را برافراز، بعد بر اهل ارض غالبشان ساز و این چیزی است که احبّایت را بدان وعده دادی، به فرموده‌ات: "اراده کردیم که بر ضعیف داشته‌شدگان زمین منتّ نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم.")
- (۲۳) « (از) اهل قریه هر که را مقبل الی الله دیدی من قبل الله (از جانب خدا) ذاکر شو و بگو محزون مباشید از آنچه بر شما وارد شده چه که بر جمال قدم اعظم از آن وارد... محزون مباشید از آنچه به تاراج رفت؛ زود است که جمیع من علی الارض به ذکر شما ذاکر شوند؛ اجر هیچ نفسی ضایع نشده و نخواهد شد.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۱۸۰)
- (۲۴) « سوف... تستضیء وجوه المخلصین.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲) (مضمون: به زودی... سیمای مخلصان نورافشان خواهد شد.)
- (۲۵) « لا تحزن من البلیا، قد فصلّ الله بها بین المخلصین والمریبین. سوف یری الموحّدون عزّ أنفسهم و ارتفاع مقامهم و ما قدّر لهم من لدن مقتدرٍ قدیر.» (نفحات الرحمن، ص ۸۱) (مضمون: از بلایا محزون مباش، خداوند به وسیله‌ی آن، میان مخلصان و شکاکان جدایی افکند. به زودی یکتاپرستان عزّت خود و ارتفاع مقام خود و آنچه را برایشان از نزد مقتدر توانا مقدّر شده، خواهند دید.)
- (۲۶) « عنقریب... مقبلین به کمال عزّ و تمکین (مشاهده شوند)؛ هذا حتم عند ربّک؛ انه لهو العلیم الخیر.» (آیات الهی ۱، ۳ دسامبر- قلم اعلی ۶، ص ۱۳۱- نیز منقول در توفیق ۱۱۳ بدیع، مجموعه‌ی توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۶) (مضمون عبارت عربی: این، نزد پروردگارت امری حتمی است.)
- (۲۷) « عنقریب... کلمه‌ی مبارکه‌ی العزّة لله و لا ولیائه ظاهر و هویدا گردد.» (آیات الهی ۱، ۲۰ دسامبر- قلم اعلی ۶، ص ۲۷۶) (مضمون عبارت عربی: عزّت و بزرگی از آن خداوند و برگزیدگان او است.)
- (۲۸) « الیوم مقامات عنایات الهی مستور است، چه که عرصه‌ی وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد؛ ولکن سوف یتّهر امرأ من عنده.» (آیات الهی ۱، ۵ ژوئن) (مضمون عبارت: به زودی به فرمانی از نزد او، ظاهر خواهد شد.)

^{۱۶۴} سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۵.

- (۲۹) « لَعَمْرَ اللَّهِ (به خداوند قسم) در صحیفه‌ی حمرا از قلم اعلی دربارهی آن نفوس (نفوسی که الیوم فایز شدند) نازل شده آنچه شبه و مثل نداشته و ندارد. سوف تَظْهَرُ آثَرُهُ و انوارُهُ. » (آیات الهی ۱، ۶ ژانویه) (مضمون عبارت عربی: به زودی آثارش و انوارش ظاهر خواهد شد.)
- (۳۰) « حقّ آگاه می‌فرماید عنقریب اعمال و افعال و اذکار عباد و اماء (کنیزان حقّ) در انجمن عالم ظاهر شود و بر منابر گفته آید. » (آیات الهی ۲، ۱۹ نوامبر)
- (۳۱) « ای دوستان الهی... از بلایای وارده محزون مباشید. عنقریب از افق نصر ربّانی شمس سرور طالع شود و اریاح عزّ مرور نماید و خباء مجد مرتفع گردد... هذا وعدٌ غیرُ مکذوب. » (آیات الهی ۲، ۲۹ ژانویه) (مضمون عبارت عربی: این وعده‌ای است راستین.)
- (۳۲) « قسم به انوار وجه، جمیع بلایا که (بر اولیای الهی) وارد شده، عنقریب کلّ به عطیّهی کبری و نعمت عظمی و مائده‌ی لا شبهَ لها (بی مانند) مبدّل شود. » (آیات الهی ۲، ۱۹ مارس)
- (۳۳) « زود است که عالم ترابی و آنچه در اوست فانی و معدوم شود و آنچه از قلم الهی در بارهی احبّای او ثبت شده، باقی و دائم ماند. » (آیات الهی ۲، ۲۶ اوت)
- (۳۴) « اگر چه الیوم علمای عصر حجاب شده‌اند بین حقّ و خلق، و لکن زود است که کلّ... به ذکر احبّای الهی ناطق گردند. » (آیات الهی ۲، ۲۷ اکتبر)
- (۳۵) « (ای دوستان حقّ)، از شماتت اعداء... محزون مباشید؛ زود است که... به مدح و ثنا... تبدیل شود. » (آیات الهی ۲، ۲۹ اکتبر)
- (۳۶) « سوف یظْهَرُ اللَّهُ... مقام احبّائه. انه لهو المْهیمِن عَلَی الاشیاء. » (آیات الهی ۲، ۲ اکتبر) (مضمون: به زودی خداوند مقام احبّایش را ظاهر خواهد کرد. همانا او بر همه‌ی چیزها چیره است.)
- (۳۷) « لَعَمْرَی (قسم به جانم) آنچه مشهود، مفقود خواهد شد و الملکُ و الملکوتُ لِاحبّاءِ اللَّهِ الفرد العلیم الخبیر. » (آیات الهی ۲، ۲۸ آوریل) (مضمون بخش عربی: و ملک و ملکوت برای دوستان خداوند علیم خبیر خواهد بود.)
- (۳۸) « ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضاء از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید. » (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۵۳)
- (۳۹) « سوف ینصُرُ اللَّهُ احبّائه... إِنَّ هَذَا لِحَقٌّ مبین. » (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۷۷) (مضمون: به زودی خداوند دوستانش را یاری خواهد کرد... همانا این، حقیقتی معلوم است.)
- (۴۰) « لَعَمْرَی سیفی ما عند النَّاسِ و ینقی الغزّة و الاقتدارُ لمن اقبل الی مطلع الانوار. » (مجموعه‌ی الواح حضرت بهاءالله به خط مشگین قلم، ص ۲۶۴- اقدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۴) (مضمون:

قسم به جانم، به زودی آنچه نزد مردم است فانی خواهد شد و بزرگواری و توانمندی برای کسانی که به مطلع انوار اقبال نمودند باقی خواهد ماند.

۴۱ « عنقریب آنچه در او (دنیا) است معدوم و مفقود خواهد شد و از برای نفوس عاملین مقدر شده آنچه که به او معادله نماید کنائز ارض.» (آیات الهی ۲، ص ۲۴۰)

۴۲ « و نفسه الحق، سوف یزین الله دیباچ کتاب الوجود بذکر احبائه الذین حملوا الرزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره.» (جمال قدم، مندرج در توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۵) (مضمون: قسم به نفس حق، به زودی خداوند دیباچه‌ی کتاب وجود را به ذکر احبائش که در راهش بلایا تحمل کردند و به نامش و ذکرش سفر نمودند، زینت خواهد داد.)

۴۳ « سوف یظهرالله من هذاالافق نوراً... و (بها) نستضیء وجوه المخلصین.» (جمال قدم، منقول در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶) [مضمون: به زودی خداوند از این افق نوری ظاهر خواهد کرد... و (به آن) چهره‌های مخلصان را نورانی خواهیم نمود.]

۴۴ « ناظر به این مباش که احبای الهی در این ایام به ذلت ظاهره مبتلی شده‌اند؛ این ذلت فخر عزت‌هاست... زود است که سحاب مانعه خرق شود و شمس کلمه‌ی مَشْرِقه‌ی العزّة لله و لاحبائه از افق سماء مشیت مشرق و طالع گردد.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۱۴۰- آیات الهی ۱، ص ۹۹) (مضمون عبارت عربی: عزّت و بزرگواری برای خداوند و دوستان او است.)

۴۵ « سوف... یلقى (الله) فی القلوب حبّ اولیائه، هذا حتم من لدن عزیز جمیل.» (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۹۵- آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره‌ی ۳، ص ۴۶، لوح ربیب- نداء ربّ الجنود، بند ۲۱) (مضمون: به زودی خداوند محبت اولیائش را در قلوب خواهد افکند، این امری حتمی از نزد خداوند عزیز و جمیل است.)

۴۶ « عنقریب دنیا و آنچه در او است مفقود و بقی العزّة لاحبائه ربک العزیز الکریم.» (آیات الهی ۱، ص ۹۹) (مضمون عبارت عربی: و عزّت و بزرگواری برای دوستان پروردگار عزیز و کریمت باقی خواهد ماند.)

۴۷ « فسوف یظهر من کلّ شیء ما تفرّح به افئدة الموحّدين.» (حضرت بهاءالله، امر وخلق ۴ جلد، ص ۴۷۶- ۴۷۵) (مضمون: پس به زودی از هر چیزی ظاهر خواهد شد آنچه که قلب‌های یکتا پرستان را شادمان کند.)

۴۸ « عنقریب ذکر شما (ستم‌دیدگان بهاء) و جمیع دوستان حقّ، در جمیع بقاع ارض منتشر شود.» (جمال ابهی، امر وخلق ۴، ص ۴۷۷- مائده‌ی ۸، مطلب نودم، ص ۷۱)

۴۹) « آن روز (وقتی اعلام امریه بر بقاع ارض مرتفع شد) لسان‌های من علی الارض به ذکر و ثنای نفوس مقبله که الیوم به شطر احدیه توجّه نموده‌اند، ناطق گردد و به حسرت تمام ذکر این ایام را نمایند.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۷۷)

۵۰) « زود است که حجات خرق شود و تجلی اسماء و صفات، اکثری از عباد را اخذ نماید و کلّ به تقدیس و تنزیه مقربان درگاه حق شهادت دهند، تا چه رسد بنفسه تعالی.» (مجموعه‌ی الواح جمال مبارک به خط جناب مشکین قلم، ص ۲۶۲- اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲)

۵۱) « سوف يُظهِرُ اللهُ ما كان مستوراً فی هذا الیوم و یربهم... مقام احبائه. انه لهو المهیمن علی الاشیاء.» (آیات الهی ۲، ص ۲۱۴) [مضمون: به زودی خداوند آنچه را در این روز (دور بهایی) مستور است ظاهر خواهد کرد و... مقام احبای خود را به آنان نشان خواهد داد. همانا او، به راستی مهیمن است بر اشیاء]

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۵۲) « اهل ثبوت، عزیز و جلیل گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مفاوضات مبارک، ص ۴۸)

۵۳) « ای یاران نورانی عبدالبهاء،... شما به تمجید ربّ مجید پردازید که در این دور جدید هر یک در میدان عرفان فرید و وحید گشتید. این عطا و این وفا و این الطاف بی‌منتی هر چند در این ایام مستور و پنهان است، ولی عنقریب آشکار و عیان گردد که محرمان راز را چه ساز و آواز است و مقربان درگاه کبریا را چه عزّت در درگاه بی‌نیاز. عنقریب مشهود و واضح گردد که عبودیت آستان مقدّس سلطنت دو جهان است و بندگی درگاه احدیت سروری کون و مکان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۵۳)

۵۴) « ای یاران الهی، شکر کنید خدا را که مورد نظر عنایت شدید و مظهر الطاف حضرت احدیت... هر چند این موهبت هنوز چنان که باید و شاید در معرض شهود جلوه‌گر نگشته و قدرش معلوم نیست، اما عنقریب فراز و نشیب عالم از این نور مبین بهره و نصیب گیرند. آن وقت معلوم و مشهود شود که سرّ وجود چه موهبتی در عرصه‌ی شهود ظاهر فرمود و هر یک از یاران مانند مه تابان در افق عزّت جاودان رخشنده و درخشنده و ظاهر و عیان گردند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۶۱)

۵۵) « وقوعات آنچه شده و می‌شود محض آنست که انسان بدانند امور در ید ملیک مقتدریست و البته دوستان خویش را منصور و مظفر خواهد فرمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۸)

۵۶) « ملوک عالم، مملوک؛ در قید بستگی و مفلوک؛ ولی یاران شهریاران کشور آزادگیاند و کواکب روشن آسمان تقدیس و پاکی. عنقریب عزّت روحانیّه و عظمت معنویّه رحمانیه یاران الهی حیرت‌بخش

عقول و افکار گردد و ثابت و محقق شود که ملک باقی چه لذّت و عظمت و شادمانی دارد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۱۳۹)

۵۷) « آنچه در راه حقّ واقع، علّت حصول عزّت قدیمه است... عنقریب ملاحظه نمایی که هر ذلّتی در سبیل حضرت مقصود سبب عزّت و بزرگواری بود و هر زحمت و مشقّتی علّت راحت و رستگاری.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۳۱۲)

۵۸) « الطاف بی نهایت سلطان احدیّت در حقّ مخلصین اگرچه به ظاهر عند الغافلین مشهود نه، ولكن عنقریب چون شمس لائحه در قطب امکان من دون ستر و حجاب، ظاهر خواهد گشت. البتّه در آن حین محتوم، نفوس متکاسله (تن‌پرور) پشیمان و نادم و محروم خواهند شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۳۶)

۵۹) « ای فایز به موهبت عظمی، در یوم لقا، در یوم ظهور مجلّی بر طور، به شرف حضور فایز شدی... عنقریب عظمت این فوز لقا چنانچه در عوالم ملکوت الهی مشهود است، در این عالم ظاهر نیز واضح و مشهور گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۲۱۲)

۶۰) « عنقریب ملاحظه خواهید نمود که انوار عزّت ابدیّه بر رئوس یاران چنان بتابد که شرق و غرب روشن شود و جمیع احزاب به بندگان جمال قدم خطاب نمایند و تالله لقد اترکم الله علینا گویند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۲۱۶) (مضمون عبارت: به خداوند قسم و به راستی، خداوند شما را بر ما بزرگی بخشید.)

۶۱) « ای عائله‌ی محترمه، الحمد لله آن خانواده، مؤمن به خداوند یگانه‌اند و در سبیل الهی مورد طعن هر بیگانه... حضرت خدیجه را قریش بئسة النّتیجه (بد نتیجه، شاید کنایه از بی فرزندی البتّه قبل از ازدواج با حضرت رسول الله باشد) می‌گفتند و در هر دمی سهمی روا داشتند ولی آن مخدّره‌ی نورانیّه و ورقه‌ی رحمانیّه شماتت و ملامت نفوس قبیحه را به کمال سرور و فرح و بشارت و بشاشت مقابلی می‌نمود... لهذا شما نیز در کمال سرور و فرح و بشارت و بشاشت شماتت و ملامت را تلقی نمایید. عنقریب خواهید دانست که این قدح عین مدح بود و این مذمّت اعظم منقبت. شرق و غرب زبان به ستایش بندگان و اماء رحمن گشایند و تراب قدوم آنان را تبرک شمارند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۳۴۶)

۶۲) « عنقریب ملاحظه خواهید نمود که... وجوه ابرار به فیض انوار بتابد و روحانیّت اخیار بر جسمانیّت اشرا غلبه کند، هنالک یفرح المؤمنون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۳۲) (مضمون عبارت: آنگاه مؤمنان شادمانی خواهند کرد.)

۶۳) « العزّة والعلوّ والسّموّ والمکنة والشّوكة لاحباءالله في القرون الاولين و الآخريين. فسوف يظهرالله قدر احبائه و شان اصفیائه و عزّة اودائه و عظمتة مقام الموحّدين.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره‌ی ۴۱۴) (مضمون: در قرن‌های آغازین و آخرین، عزّت و الایبی و سربلندی و توانمندی و بزرگواری از آن احبای الهی بوده است. به زودی خداوند قدر و منزلت احبایش و شان و مقام اصفیانش و عزّت و بزرگواری دوستانش و عظمت مقام یکتاپرستان را آشکار خواهد کرد.)

۶۴) « خوشا به حال تو که به این آستان منسوبی و به این درگاه از بندگان محسوب. قسم به اسم اعظم که عنقریب این نسبت آرزوی شهپریان عالم گردد و سرمایه‌ی افتخار ملوک امم.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۵، ص ۱۴)

۶۵) « ای ورقه نورا،... موقن به نیر آفاقی و مؤمن به حضرت مبشّر نیر اشراق... این فضلی است که کنوز آسمان و زمین به او معادله ننماید؛ هر چند حال نمودار نیست، ولكن عنقریب این دلبر حقیقت واضح و مشهود، در انجمن عالم چهره‌گشاید و جلوه نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۷، ص ۱۸۹)

۶۶) « (نطق مبارک در پاریس، ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱) حالا من بشما می‌گویم، این را در خاطر داشته باشید. نورانیت شما آفاق را احاطه کند؛ قوه‌ی شما بر جمیع قوای عالم غالب گردد؛ روحانیت شما در جمیع اشیاء اثر کند؛ شماها شمع روشن عالم می‌شوید؛ ظلمات هر چه قوی باشد مقاومت نورانیت شما را نخواهد کرد؛ این وعده‌ی الهی است که به شماها می‌دهم؛ یقین داشته باشید و به قوت الهیه قیام کنید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۲۳۳)

۶۷) « عنقریب به اسم سلاله‌ی شهداء افتخارها خواهند کرد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۵، باب نوزدهم از ردیف م، ص ۲۶۰)

۶۸) « هر چند اویس ساریان بود، ولی به ایمان و ایقان در یوم ظهور (حضرت محمد) چنین مقام پیدا نمود که بعد از هزار و سیصد سال سلاله‌اش ممتاز و مفتخرند و در این دور اسم اعظم و نور قدم و هیکل مکرم صد درجه اعظم است، ولی حال معلوم نیست؛ چنان که در دوره‌ی سابق در بدایت مجهول بود، عنقریب واضح گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۹، مطلب هشتم، ص ۸۸)

۶۹) « رَبُّ أَنْجِزْ بِنَا وَعِدَّتْ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ بِصَرِيحِ كَلِمَاتِكَ فِي زُبْرِكَ وَالْوَاكِحِ، نَصْرَ الْمُخْلِصِينَ عَلَى نَشْرِ التَّفَحَاتِ وَ تَأْيِيدَ الْمُقَرَّبِينَ بِمَلَائِكَةِ السَّمَوَاتِ وَ تَقْوِيَةَ النَّاشِرِينَ لِلْآثَارِ وَ الْآيَاتِ وَ تَكْرِيمِ الْمُنْجِذِينَ إِلَى جَمَالِ الرَّحْمَنِ.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۹۳) (مضمون: ای پروردگار، آنچه را در کتاب محکمت و زبر و الواحت به صریح بیانت وعده داده‌ای، وفا کن؛ وعده

داده‌ای که مخلصان را در نشر نفحات نصرت دهی، و مقربان را به ملائکه‌ی سماوات تأیید نمایی، و ناشرین آثار و آیات را تقویت کنی و منجذبان به جمالت رحمانت را تکریم نمایی.)

(۷۰) « ای یاران، الحمد لله سرگشته‌ی بادیه‌ی عشقید و گمگشته‌ی صحرای محبت‌الله... عنقریب ملوک و مملوک و وزیر و امیر و توانگر و درویش کلّ در تحت طبقات تراب مطمور و بی نام و نشان در زوایای قبور، و شما هر یک مانند نجم بازغ از افق حقیقت بر عالم وجود ساطع، (و) به مرور اعصار و قرون لامع؛ عزّت ابدیه شما روزبه‌روز افزون گردد و در انجمن بالا با رخی روشن چنان جلوه نمایند که پرتو نورانی بر قرون و اعصار بتابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۴۸ و فقره‌ی ۸۱)

(۷۱) « یا امة الله سیزول الاحتجاج و يتقشع غيوم مظلمة في الآفاق... عند ذلك يظهر قدركن بين ملل العالم و تقوم على ثنائكن القبائل و الأمم و لك العبرة في الأدوار السابقة و المظاهر المقدسة السالفة.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، بند ۶۱۸، ص ۵۱۹) (مضمون: ای کنیز الهی، به زودی خصومت و دشمنی زایل خواهد شد و ابرهای تاریک نفاق متلاشی خواهد گشت... آنگاه قدر و منزلت شما در میان ملل عالم نمودار خواهد شد و قبایل و امت‌ها به ثنایتان قیام خواهند کرد؛ خوب است که از ادوار گذشته و (پیروان) مظاهر مقدسه‌ی سابقه عبرت بگیری.)

(۷۲) « انّ النور سيحيط باماء منجذبات بنفحات الله و يشرق من وجوههنّ على الأقطار.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، بند ۶۱۸، ص ۵۲۰) (مضمون: به زوی نور الهی اماء منجذب به نفحات ربّانی را فرا خواهد گرفت و از چهره‌هایشان به سرزمین‌های دیگر خواهد درخشید.)

(۷۳) « يا احباء الله هل من مُعطي غير الله يختص برحمته من يشاء؟ سيفتح عليكم ابواب معرفته و يملأ قلوبكم بمحبته و يبشر ارواحكم بمرور نفحات قدسه و يضيء وجهكم بنوره المبين و يعلو به ذكركم بين العالمين انّ ربكم لرحمن رحيم.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، بند ۱۵۷، ص ۱۸۲) (مضمون: ای احبای الهی، آیا غیر از خداوند بخشنده‌ای هست؟ خداوندی که رحمتش را به هر کسی که بخواهد اختصاص می‌دهد؟ به زودی درب‌های معرفتش را باز خواهد کرد و قلوب شما از محبتش سرشار خواهد شد و ارواحتان به مرور نفحات قدسش بشارت خواهد یافت و چهره‌هایتان به نور آشکارش نورانی خواهد شد و نامتان میان عالمیان بلند خواهد گشت؛ همانا پروردگارتان به راستی بخشنده و بخشاینده است.)

(۷۴) « يا احباء الله... سيؤيدكم بجنود لم تروها و ينجدكم بجيوش الالهام من الملاء الأعلى و يرسل اليكم نفحات جنته العليا و يعطر مشامكم بانفاس طيب تعبق من رياض الملاء الاعلى و ينفخ في قلبكم روح الحيات و يدخلكم سفينة النجات و يريكم آياته البيّنات انّ هذا لهو الفضل العظيم انّ هذا لهو الفوز

المبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، بند ۱۵۷، ص ۱۸۲) (مضمون: ای احبّای الهی...، به زودی (خداوند) با لشکریان نادیدنی تأییدتان خواهد کرد و با سپاهیان الهام، نازل از ملاء اعلی، یاریتان خواهد نمود و بوهای خوش جنت ابهائیش را برایتان خواهد فرستاد و مشامتان را به نسیم‌های پاکیزه‌ای که از بستان‌های ملاء اعلی می‌وزد، معطر خواهد کرد و در قلبتان روح حیات خواهد دمید و در سفینه‌ی نجات داخلتان خواهد کرد و آیات حقانیتش را به شما نشان خواهد داد؛ همانا این فضلی عظیم است، این فوزی مبین است.)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۷۵) « بهاییان... عنقریب زمام امور را به دست گیرند و علم استقلال حقیقی را علی رؤس الاشهاد بر افرازند و شوکت و سطوت دیرینه را در انظار اهل مکر و حسد و ظلم و ارتیاب مشکوف و مشهود سازند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۷)

(۷۶) « عنقریب کل شهادت دهند که بهاییان کاسر اصنام اوهامند و از تعصبات جاهلانه فارغ و آزاد، هوشمند و غیورند و توانا و مقتدر، با درایت و کفایتند و خیرخواه دولت و ملت، پرنشئه و نشاطند و از پیشرفت مقاصدشان پر بهجت و انبساط، مستمد از فیض فیاضند و متکل بر امدادات متابعه‌ی حضرت بی‌نیاز، عدّه اشان یوماً فیوماً در ازدیاد و انفاس مسکّیه‌ی قدسیّه اشان آنآ فناً در انتشار، در اکثر اقالیم با روحی پرفتوح چون فارسان دلیر به تسخیر قلوب و تطهیر اخلاق و تزکیه نفوس مانوس.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام نوروز ۱۹۸۶ معهد اعلی - مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۴)

(۷۷) « عنقریب کل شهادت دهند که بهاییان... حاملین پیام نجاتند و رافعین خیمه‌ی وحدت عالم انسان.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام نوروز ۱۹۸۶ معهد اعلی)

(۷۸) « (احبّای الهی) به یقین مبین بدانند که در بحبوحه‌ی انقلاب و اضطراب و اعتشاش و اعتراض و طغیان دول و امم و قبایل و ملل... وحدت اصلیه و متانت اساس و علو منزلت جامعه‌ی پیروانش (پیروان امرالله) بر عالمیان مکشوف و مبرهن گردد.» [حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷]

(۷۹) « چون بر تعداد و جمعیت جامعه‌های بهایی افزوده شود و قوتشان به عنوان یک نیروی اجتماعی نمایانتر گردد، اهل بهاء ناگاه مشاهده نمایند که اولیاء امور و ارباب نفوذ در عالم سیاست آنان را تحت فشار خواهند گذاشت به این امید که برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود از آنان مدد گیرند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۸۷-توقیع مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۲)

۸۰) « حضرت بهاءالله در بیان مبارکی چنان نفوس عزیز را چنین ستایش می‌فرماید: "و نفسه الحق سوف یزین الله دیاج کتاب الوجود به ذکر احبائه الذین حملوا الرزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره و یفتخر کلّ من فاز بلقائهم بین العباد و یتستیر بذکرهم من فی البلاد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳۳- مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ۳ از باب چهارم، ص ۲۳) (مضمون بخش عربی: قسم به نفس برحقش، آن روز نزدیک می‌شود که خداوند دیباچه‌ی کتاب وجود را به ذکر احبّایش زینت دهد، کسانی که در راهش تحملّ بلایا کردند و به نامش و ذکرش در سرزمین‌ها سفر نمودند؛ و هر کسی از بندگان خدا که به دیدارشان فایز شده، به این موضوع افتخار خواهد کرد و قلوب اهل دیارها به یادشان نورانی خواهد شد.)

۸۱) « این هیجان و اضطراب (دماء مسفوکة در سبیل امرالهی) هیچ شبهه‌ای نبوده (که) به امن و امان و راحت و اطمینان و... تعزیز و نصرت احبّاً... مبدّل خواهد گشت.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۵)

۸۲) « (از جمله‌ی آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور (و) به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... تحقّق وعود کتاب اقدس و استظلال یاران ستم‌دیده‌ی الهی در موطن رحمانی، در ظلّ صون و معدلت شهریاری^{۱۶۵} (است).» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۷-۸۱۶)

۸۳) « هنوز در این عالم، توفیقات عظیمه در انتظار ما است؛ و مطمئنیم به عنایت و هدایت لاینقطع او (حضرت بهاءالله)، چه در حال و چه در آینده، شایستگی خود را برای تحقّق مقصد عظیم حضرتش برای نوع بشر، ثابت خواهیم کرد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۶)

۸۴) « (احبّای الهی) باید به سوی آینده گام بردارند؛ با اطمینان راسخ به این که ساعت قدرتمندانه‌ترین اقداماتشان و عالی‌ترین فرصت‌ها برای عظیم‌ترین فتوحاتشان الزاماً باید مصادف باشد با طغیان و بحرانی مکاشفه‌ای (رستاخیزی) که نشان از سقوط اقبال سریعاً رو به زوال بشریت به پایین‌ترین حدّ ممکن، خواهد داشت.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۸۵) « برگزیدگان جمال کبریا (یاران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد عالم)... یقین نمایند که آیه‌ی "فسوف ینزل علی احبائه ما یجعلهم به غالباً علی کلّ شیء و انهم بعد ما غلبوا سیغلبون" در حق ایشان نازل.» (پیام مارس ۱۹۸۶، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۶۵) (مضمون بخش عربی: به زودی نازل

^{۱۶۵} از آنجا که کتاب مستطاب گاد پسز بای در سال ۱۹۴۴ مرقوم گشته و محمد رضا شاه از سال ۱۹۴۱ تا سال ۱۹۷۹ سلطنت کرده و در زمان حکومت او، نشانی از این "صون و معدلت شهریاری" مشاهده نشد؛ لذا شهریار مورد اشاره شخصیتی مربوط به دوره‌ی بعد از جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

می‌کند بر احبّایش آنچه را که آنان را غالب بر هر چیزی خواهد کرد و آنان بعد از آن که مغلوب شدند، به زودی غالب خواهند شد.

(۸۶) « فی الحقیقه ربّ الجنود وعده فرموده است که فتح و ظفری محتوم و کامل نصیب یارانش خواهد بود.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

(۸۷) « آیا حضرت بهاءالله با این کلمات پرهیمنه در نصایح محبت‌آمیز خود وعده نفرموده و قوّت و قدرت عنایت ننموده‌اند که می‌فرمایند: "از حوادث دنیا محزون مباشید؛ بحر فرح، لقای شما را آمل؛ چه که هر خیری مخصوص شما خلق شده و به مقتضای اوقات ظاهر خواهد شد؟"» (پیام رضوان ۲۰۰۲)

۷۳. احبّای ایران (۴۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « جمال مبارك جلّ ثنائه، به اصرح کلام، اهل بهاء (در کشور مقدس ایران) را بشارت داده و وعده فرموده‌اند که: "...قسم به سلطان وجود، عنقریب جمیع این بساطها (ظلم ظالمین و اعراض معرضین و ضوضاء فاسقین) بر چیده شود... و در عرصه‌ی هستی و انجمن عالم ذکر شما و مقامات شما و آنچه از شما ظاهر شده و یا در سبیل حق بر شما وارد گشته، حرف به حرف ظاهر شود و در عالم منتشر گردد."» (جمال ابهی، مندرج در پیام معهد اعلی، مارس ۱۹۸۶، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۶۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۲) « این ظلم‌های وارده، به فرموده‌ی مظهر احدیّه، تدارک عدل اعظم می‌نماید و این انقلاب و هیجان، بنفسه، مقدّمه‌ی نجات و استخلاص آن ستمدیدگان و شیفتگان روی جمال رحمن (احبّای ایران) از قیود صد ساله‌ی امر یزدان در آن سامان است.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۷)

(۳) « روزی (در ایران) سرّ مکنون معلوم و مشهود شود و اسرار ملکوت، علی رئوس الاشهاد اعلان گردد؛ وقتش خواهد رسید.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۲۵)

(۴) « زود است که... مظلومان ایران فخر جهان و مقتدای جهانیان گردند؛ و انّ هذا الوعد غیر مکذوب.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۹) (مضمون عبارت عربی: و همانا این وعده، تکذیب‌ناپذیر است.)

- (۵) « هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده‌ی قضا مکنون و تحقق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون... اغنام ستمدیده (احبای ایران) در کمال رفاهیت و جلال، در ظلّ رایت عدل محشور و مجتمع گردند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸)
- (۶) « (خطاب به بازماندگان شهدای جهرم) زود است منتقم قهار... یاران مقهور (ایران) را مفتخر و آزاد و عزیز و دلشاد فرماید. لا یبقی حرف الا و قد یراه المنصفون مستویاً علی عرش الظهور.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۴) (مضمون بخش عربی: حرفی باقی نمی‌ماند مگر آن که منصفان آن را مستوی بر عرش ظهور خواهند دید.)
- (۷) « ای منقد قدیر... سراج آزادی وجدان را در قلب آن سامان (ایران) برافروز... تا انجمن روحانیان در آن بلدان... مبادی سامیه‌ی حضرت بهاءالله را علی رؤس الاشهاد فریاد زنند و مردگان ناسوت را از نسائم یوم موعود حیات و نشئه‌ی جدید بخشند. ارکان مدنیت الهیه بنهند و قصر مشید وحدت عالم انسانی را مرتفع سازند. مصدر اختراعات عظیمه گردند و مرکز اکتشافات عجیبه شوند. اسم اعظم را مشتهد در آفاق گردانند و عالم ادنی را مرآت جهان بالا نمایند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۹)
- (۸) « قدر این نفوس زکیّه (مانند حضرت امین الهی که صعود نموده بوده) الیوم معلوم نه. سوف یفتخر بهم رجال الارض و یتذکر بآثارهم اهل الانشاء و یتباهی بهم الجمهور علی وجه الغبراء.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۹۳) (مضمون بخش عربی: به زودی رجال ارض به آنان افتخار خواهند کرد و همه‌ی خلق از آثارشان پند خواهند گرفت و تمام مردم، در همه‌ی جهان، به آنان خواهند بالید.)
- (۹) « این عبد (حضرت ولیّ امرالله...) یاران (ایران) را به صبر و شکیبایی و تحمل این مشقّات و متاعب و مصائب دلالت نماید، الی ان ینجز الله وعده.» (۱۳ شهرالقدره ۱۰۴ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱) (مضمون عبارت: تا این که خداوند به وعده‌اش وفا کند.)
- (۱۰) « نخستین علائم آزادی موعود آنان (احبای ستمدیده‌ی ایران)، همان گونه که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده است، بدایتاً باید به واسطه‌ی مجاهدات برادرانشان در آن جمهوری آزادی‌دوست مغرب زمین (منظور ایالات متّحده‌ی آمریکا است) ظاهر و عیان گردد.» (ترجمه) (کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۱۷)
- (۱۱) « برای... آزادی و شناسایی و فتح و فیروزی جامعه‌ی یاران (در ایران) دعا می‌کنم.» (حضرت ولیّ امرالله، تلگراف ۲۲ فوریه ۱۹۵۰، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۱۶)

۱۲) « این عبد (حضرت ولیّ امرالله)، در احیان زیارت و فراغت... طلوع شمس عزّت و اقبال اهل بهاء را از افق آن اقلیم پر بلا (کشور ایران) راجی.» (مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱)

۱۳) « اگر چنانچه طلاطم دریای بلا ازدیاد یابد و طوفان محن و رزایا از شش جهت آن جمعیت مظلوم (بهایان ایران) را احاطه نماید، به حقّ یقین بدانید و آنی متردّد (شکاک) نمانید که میعاد نجات و میقات جلوه‌ی موعوده‌ی دیرینه نزدیک گشته و وسایل اخیره‌ی فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیده‌ی بهاء در آن کشور (ایران) مهیا و فراهم شده. قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا این مراحل باقیه طی گردد و مقصود و آمال اهل بهاء در اعلی‌المقامات پدیدار گردد و جلوه‌ای حیرت انگیز نماید. هذه سنة الله و لن تجد لسنة تبدیلا.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ معهد اعلی، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۳۶) (مضمون عبارت عربی: این روش و سنت خداوند است و برای سنت او هرگز تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.)

۱۴) « مشیت حئی قدیر بر این تعلق گرفته... که خاصان حقّ، در کشور مقدّس ایران مال و منال، حتی دمّ مطهر خویش را ایثار نمایند تا... به مرور ایام، اقوام و قبایل و ملل متنوعه‌ی متباغضه‌ی اروپ و امریک و تاجیک و افریک را در ظلّ ظلیلش در آورد و تألیف دهد.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ژانویه ۱۹۸۵، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۵۰)

۱۵) « به مرور ایام و تتابع شهر و اعوام آنچه (برای ایران) در هویت این امر خفیّ الطف اعزّ اعلی مکنون و مخزون و مندمج است، مکشوف و پدیدار گردد و رفعت مقام آن سروران عظام (اعضای محفل روحانی مرکزی ایران) در مابین انام واضح و مبرهن شود؛ و انّ هذا الوعد غیر مکذوب.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی توقیعات ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۷۸، ۳۰ آوریل ۱۹۲۸) (مضمون عبارت عربی: همانا این وعده راستین است.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۶) « هرچه کار صعب‌تر و موانع بیشتر، آتش غیرت احبّای جمال مبارک تیزتر و هرچه عزم یاران در خدمت آستانش راسخ‌تر، تأییدات غیبیه‌ی مبارکه‌اش شامل‌تر و هرچه عنایات فائقه‌اش شدیدتر... میعاد استقرار یاران باوفایش (در کشور ایران) بر کرسی عزّت و جلال قریب‌تر.» (پیام آوریل ۱۹۶۴ - جزوه‌ی ۴۱، ص ۱۱۶)

۱۷) « آرزوی شدید این بندگان آستان (اعضای بیت العدل اعظم الهی) چنانست که یاران عزیز ایران چون بحر رحمت بجوشند و چون سحاب عنایت بخروشند تا پرتو نیر آفاق در وثاق (خانه، خلوتکده) هر

مشقاق افتد و کوکب آمالشان از افق سعادت ابدی بدرخشد و جمیع، عاقبت به ملک عافیت درآیند و بر مسند عزت موعود نشینند.» (پیام ۲۹ نوامبر ۱۹۷۶/۷ شهرالقول ۱۳۳ بدیع)

۱۸) « امیدوار از عنایات حضرت پروردگار چنانیم که ابواب رخا و آسایش بر وجه (یاران عزیز و ثابت قدم و جانفشان ایران = بهاییان ایران) گشایش یابد.» (پیام نوروز=۲۱ مارس ۱۹۷۹ - جزوه‌ی ۴۱، ص ۱۰۲)

۱۹) « به زودی روزی فرارسد که داستان‌های این "سرخوشان مست دل از دست رفته" (قهرمانان میدان وفا در کشور مقدس ایران)... به آب زر بر دیباچه‌ی کتاب فدا بنویسند و همچنان که امروز شرح پریشانی و قربانی اصحاب وفا در عصر رسولی موجب اشتعال نار محبة الله در قلوب ماست، داستان‌های این ایام نیز به مرور اعصار و دهور باعث وله و نشاط و سرور و امتنان اهل عالم در ادوار آینده گردد.» (شهرالاسماء ۱۳۸ بدیع = آگوست ۱۹۸۱، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۴۱)

۲۰) « ثمرات این بلیات و صدمات (وارد بر احبای ایران)، در مستقبل ایام چون شمس ظاهر و معلوم گردد و نتیجه‌ی این پریشانی و ویرانی احبای، بعد از این، بر وجه یاران و دشمنان هر دو مکشوف شود.» (حضرت ولی امرالله - مندرج در پیام شهرالاسماء ۱۳۸ بدیع = آگوست یا سپتامبر ۱۹۸۱)

۲۱) « این وقایع و مشکلات (مصائب احبای ایران)، فتح و ظفر عظیمی را (برای احبای ایران) به دنبال دارد.» (پیام ۱۳۶۲/۷/۱۵) (۷ اکتبر ۱۹۸۳)

۲۲) « در بهار روحانی که بلافاصله بعد از صولت زمستان آفاق را فراگیرد، غنچه‌ی آمال آن عزیزان (یاران ایران) در موطن جمال ابهی بشکفتد و آن حبیبان مظلوم و باوفا را بر مسند عزت نشانند و در جمع روحانیان مشار بالبنان کند.» (پیام ۱۳۶۳/۱/۱۹) (۸ آوریل ۱۹۸۴)

۲۳) « احبای ایران... مطمئن باشند که آینده بسیار درخشان خواهد بود.» (پیام ۱۹۸۴، جزوه‌ی دست خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۵۸)

۲۴) « قرارگرفتن موضوع (تضییع حقوق بهاییان ایران) در دستور جلسه‌ی مجمع عمومی (سازمان ملل)... مقدمه‌ی فرارسیدن روزی خواهد بود که آزادی کامل امرالله در آن سرزمین (ایران) تحقق یابد.» (۱۷ دسامبر ۱۹۸۵)

۲۵) « جمال مبارک جل ثنائه به اصح کلام اهل بهاء را بشارت داده و وعده فرموده‌اند که: "... ظلم ظالمین و اعراض معرضین و ضوضاء فاسقین شما (احبای ایران) را محزون ننماید. قسم به سلطان وجود، عنقریب... در عرصه‌ی هستی و انجمن عالم ذکر شما و مقامات شما و آنچه از شما ظاهر شده و یا در

سیل حق بر شما وارد گشته، حرف به حرف ظاهر شود و در عالم منتشر گردد.» (پیام نوروز ۱۹۸۶ = ۱۴۳ بدیع)

(۲۶) «شکی نبوده و نیست که... غلبه‌ی امرالله (در ایران) محقق گردد.» (پیام نوروز = ۲۱ مارس ۱۹۸۶)

(۲۷) «برگزیدگان جمال کبریا (یاران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد عالم)... یقین نمایند که آیه‌ی: "فسوف ينزل على احبائهم ما يجعلهم به غالبا على كل شيى و انهم بعد ما غلبوا سيغلبون" در حق ایشان نازل.» (پیام مارس ۱۹۸۶، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۶۵) (مضمون بخش عربی: به زودی بر احبائش نازل خواهد شد آنچه که آنان را بر هر چیزی غالب خواهد کرد؛ زیرا آنان بعد از آن که مغلوب شدند، غلبه خواهند یافت.)

(۲۸) «از آستان مبارک رجا کنیم که انتصارات عظیمه... از جمله، سبب طلوع شمس راحت و رخا از افق آن اقلیم (ایران) گردد و آن ستمدیدگان (احبای ایران) را از جمیع جهات آسوده و سربلند سازد.» (پیام ۲۲ آوریل ۱۹۸۶ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۰۲)

(۲۹) «البتّه این سحاب تیره (دشمنان و معاندان امرالله) از آسمان آن اقلیم (ایران) زایل شود و انوار عظمت امر جمال قدم و عزّت پیروان اسم اعظم از افق آن کشور مکرم درخشنده و تابان گردد.» (پیام ۲۸ آوریل ۱۹۸۷ - جزوه‌ی ۴۱، ص ۹۸)

(۳۰) «دلدادگان جمال جانان در کشور مقدّس ایران... به یقین مبین بدانند که ظلمت این ایام شداد به نور فرح و سرور تبدیل خواهد شد.» (پیام نوروز = ۲۱ مارس ۱۹۹۰ - جزوه‌ی ۴۱، ص ۱۰۵)

(۳۱) «احبای عزیز وفادار و ثابت قدم در آن کشور مقدّس (ایران) باید مطمئن باشند که اوضاع و احوال بدین منوال نخواهد ماند و انشاءالله عزیزان ایران نیز به رفاه ظاهری نائل شوند و جبران این مشقّات و سختی‌ها می‌شود.» (پیام ۱۷ فوریه ۱۹۹۱)

(۳۲) «جامعه‌ی بهایی (ایران) اقلیتی خلاق و نمونه‌ای از تمدن آینده‌ی مورد نظر حضرت بهاءالله و نشانه‌ای از اراده‌ی آهنین آن جمال مبین، برای تحقّق مقصد اعلای خویش است.» (پیام خطاب به احبای ایران، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳)

(۳۳) «شب تیره‌ی تزییقات به سرآید و (شما بهاییان ایران) عظمت و جلال بنیان قوئ الارکانی را که با جانبازی و فداکاری بنا نهاده آید، با سرور و مباهات مشاهده خواهید کرد.» (پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳)

(۳۴) «احبای عزیز باید مطمئن باشند که جمال اقدس ابهی پیروان مظلوم خود (در ایران) را در هر حال، ملحوظ لحاظ عنایت و حفاظت و مشمول الطاف مشفاقانه‌ی خود داشته و فتح و ظفر نهایی و افتخار ابدی را از برای آنان مقدر داشته‌اند.» (۳۱ می ۲۰۰۶)

- (۳۵) « احبّای ایران همچون نیاکان روحانی خود نقش خود را در راه تحقّق نوایای مقدّسه‌ی الهیه با موفقیت انجام داده و خواهند داد.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)
- (۳۶) « صبر و اصطبار بیش از پیش لازم و آمادگی کامل جامعه برای قبول مسئولیت‌های مضاعفه‌ی ناشی از رفع موانع و محدودیت‌ها واجب تا در میقات معین و به اراده‌ی جمال قدم، ابواب رخا بر وجه احبّای ایران) گشوده شود؛ یار دلنشین رخ بگشاید و روز پیروزی جلوه نماید.» (پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶)
- (۳۷) « این گونه وقایع (مثل دستگیری ۵۴ نفر از جوانان بهایی شیراز) و نتایج حاصله از آن،... فرارسیدن روز موعود را بشارت می‌دهد.» (پیام ۵ نوامبر ۲۰۰۶)
- (۳۸) « آنچه را که یاران و یاوران حضرت رحمان در کشور مقدّس ایران در این دوران پرافتتان تحمّل می‌نمایند، درد و الم تولّد عصری جدید در تاریخ امر مبارک در آن سرزمین است.» (پیام ۲۸ آپریل ۲۰۰۸)
- (۳۹) « ما مشتاقان (اعضاء بیت‌العدل اعظم الهی) نیز در اعتاب مقدّسه‌ی علیا به راز و نیاز مشغولیم و در کمال تضرّع و ابتهال از جمال اقدس ابهی مسئلت می‌نماییم که... روز استخلاص و رهایی شما عزیزان (احبّای ایران) از قید تعصّبات واهیه و تضییقات دیرینه هرچه زودتر فرا رسد.» (بیت‌العدل اعظم، پیام ۱۵ اسفند ۱۳۸۷) (۵ مارس ۲۰۰۹)
- (۴۰) « وسایل پایان کامل تضییقات و آزادی امر مبارک در آن سرزمین (ایران) نیز در میقات معین به ید غیبی الهی مهیا خواهد شد؛ مطمئن باشید.» (پیام ۱۳ ژانویه ۲۰۱۳)
- (۴۱) « ید قدرت الهی... برای احبّای ممتحن ایران نقشی مخصوص در انجام نوایای حضرت غنی متعال (ایجاد جهانی بدیع و آراسته به سجایای روحانی) معین کرده است و از افتخارات احبّای عزیز ایران آن است که جامعه‌ی اسم اعظم در آن سرزمین همیشه کوشیده است خود را بیش از پیش آماده‌ی این نقش سازد.» (معهد اعلی، ۲۴ جولای ۲۰۱۳، خطاب به یکی از احبّای)
- (۴۲) « تعمّق و تتبّع در آثار مبارکه و دست‌خط‌های بیت‌العدل اعظم، بیانگر آنست که راهی که جمال مبارک برای بلوغ و اتّساع قابلیت جامعه‌ی بهایی در مهد امرالله برگزیده، هر چند ممزوج به انواع بلایا است، ولی در منظر مقصودش بروز جامعه‌ای قوی و مستحکم است که قادر به انجام رسالت عظیم خود خواهد بود.» (معهد اعلی، ۲۴ جولای ۲۰۱۳، خطاب به یکی از احبّای)
- (۴۳) « لازمه‌ی استقامت و ادامه‌ی اقامت در ایران، فداکاری و از خود گذشتگی، اطمینان به قوه‌ی کلمة‌الله و قدرت میثاق و تشبّث به حبل اتّحاد است و نتیجه‌ی آن، رشد روحانی فردی و تقرّب به آستان

مبارک و بر طبق وعود الهی، حصول عنایت لائحی در عوالم الهی برای شخص مؤمن، پیشرفت امرالله و مآلاً تاسیس وحدت عالم انسانی می‌باشد.» (معهد اعلی، ۲۴ جولای ۲۰۱۳، خطاب به یکی از احبّاء)

۷۴. احبّای آمریکا (۳۹)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « عنقریب ملاحظه می‌نمایی که در آمریکا مراکز متعدّد به جهت نشر تعالیم الهیه ترتیب داده خواهد شد و عاقبت جمیع کنائس به جهت استماع نطق اماء الرحمن و بیان احبّای الهی باز و گشوده خواهد گشت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۲۲)

(۲) « این ندای الهی، چون از خطّه‌ی امریک به اروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد، احبّای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه‌ی بزرگواریشان جهان‌گیر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، نقل در حصن حصین شریعت الله، ص ۲۵) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

(۳) « از پیش به یاران مرقوم گردید و همچنین شفاهاً بیان شد که البتّه یاران غرب (از جمله امریکا) را نصیب و بهره از بلایای دوستان شرق خواهد بود؛ لابدّ در سبیل حضرت بهاء الله مورد اذیت اهل جفا خواهند گشت.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره‌ی ۱۹۶) (۹ سپتامبر ۱۹۰۹) - منقول در مجموعه‌ی بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۱۰)

(۴) « عنقریب در آن دیار (آمریکا)، اشار ملامت ابرار نمایند و شماتت اختیار کنند؛ هر روز لطمه‌ای زنند و هر آن صدمه‌ای وارد آورند؛ جمیع یاران را به جهت محبّت بهاء و عبدالبهاء سرزنش کنند و شماتت و ملامت روا دارند و به قدر امکان در اذیت قصور نمایند.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه‌ی بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۱۳)

(۵) « ابر بهاری، به عنایت و شفقت پدر آسمانیم بر شما (احبّای آمریکا) بیارد و شاخ و برگ این نهال نخواستہ (امرالله) به همه جا کشیده شود.» (حضرت عبدالبهاء، منقول در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۴۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۶) « حضرت عبدالبهاء... در وقتی که ناله جهان زیر بار سنگین جنگی مهلک (جنگ جهانی اول) به عنان آسمان رسیده بود، خطاب به آن جامعه (جامعه‌ی بهاییان آمریکا) بیان فرموده است: «قطعه امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴)

(۷) « جامعه‌ی بهایی امریکای شمالی... هم محرک اصلی و هم نمونه و الگوی جامعه‌های آینده است که باید در سراسر نیم‌کره‌ی غربی، در ظلّ امر حضرت بهاءالله به وجود آید.» (ظهور عدل الهی، ص ۴)

(۸) « در لوح دیگر (از آثار حضرت عبدالبهاء) خطاب به جمیع یاران قاره‌ی امریکای شمالی این بشارت مثبت است: "موفقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته، عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره‌های درّی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه‌ی اهل امریک شدید."» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۵)

(۹) « تأثیرات عظیمه‌ی فرمان صادر از قلم مهیمن سالار جند بهاء خطاب به انصار دین الله و علمداران شریعت سمحاء در قاره‌ی امریکا (الواح طرح ملکوتی^{۱۶۶})، ولوله در قارّات خمسه‌ی دنیا و جزائر دو محیط اعظم اندازد.» (توقیع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

(۱۰) « هر کس که بخواهد مقام بلند یکتایی را که به جامعه‌ی بهایی امریکا اعطاء گشته کم بشمرد، یا در نقش مهمّی که در آینده ایام ایفا خواهد کرد شک و تردید نماید، خوب است در این کلمات بارور و روشنگر حضرت عبدالبهاء تأمل نماید که... فرموده است: «قطعه‌ی امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۱)

(۱۱) « کامل کردن آن سلاح‌ها (صفات و کمالات عالیّه) و به کار بردن مؤثر و درست و خردمندانه‌ی آنها است که بهاییان امریکا را... تأیید خواهد کرد و برای زمانی آماده خواهد ساخت که دست تقدیر، آنان را برای مساعدت در ایجاد و به کار انداختن نظمی جهانی که حال در کالبد مؤسّسات اداری آیین مقدّسشان در حال تکوین است، هدایت خواهد نمود.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۲۱)

(۱۲) « تحقّق وعود و بشاراتی که برای آن عزیزان (احبّای امریکا) مقدر گشته، محتوم (است).» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۸)

(۱۳) « نسل حاضر (احبّای امریکا) که... محلّ الطاف و توجّهات مخصوصه‌ی مرکز عهد و میثاق الهی... واقع، قدم به قدم پیشرفت خواهد نمود و روزبه‌روز تقویت و تقدّم خواهد یافت، تا با اختتام قرن اول دور

^{۱۶۶} به مبحث ۷۹ مراجعه شود.

بهایی، مشعل هدایت الهیّه را که به یقین مبین از تند باد حوادث و تطوّرات عالم کون مصون و محفوظ باقی خواهد ماند، به نسل‌های آتی که در قرن ثانی این دور اعظم جانشین آن خدّام ملکوت خواهند گشت واگذارند، تا آنان نیز به نوبه‌ی خویش... این نور مبین و پرتو امر حضرت ربّ العالمین را... به مظلم‌ترین زوایای ارض کشانند و از اشراق انوار هدی و شعشعات ملکوت ابهی^{۱۶۷}، عالم و عالمیان را روشن و منور سازند.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودّت، ص ۱۵۶)

۱۴) «اعضای برازنده‌ی آن جامعه (جامعه‌ی بهاییان آمریکا)... به حقّ، در خور آنند که کشورشان مهد نظم جدید جهانی^{۱۶۸} و نیز حصن حصین آن نظم به شمار آید؛ نظمی که هم موعود و هم مظهر جلال و عظمت دور حضرت بهاءالله است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳)

۱۵) «هر چند دشمنان عنود در هر زمان که در اجراء وظائف مخصوصتان توفیق حاصل گردد، با لشگری جرّار، بی‌رحمانه و با عزمی جزم، بر شما (احبّای آمریکا) هجوم شدید نمایند؛ ولی چنان که موعود است جنود غیبی ملاءاعلی آن سالکان سیل استقامت و وفاء را امداد فرماید و بر اضمحلال قوای دشمنان پرکین پیروز سازد و به یأس و خسران‌شان اندازد^{۱۶۹}.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۸)

۱۶) «یاران آمریکا استعداد و لیاقت آن را دارند که بتوانند مسئولیت‌هایی را که در آینده بر دوشان نهاده خواهد شد، چنان که باید و شاید ایفای نمایند.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۵)

۱۷) «(جامعه‌ی بهاییان آمریکا) استعداد آن را دارد که در آینده، در وقت مقرر، ثابت نماید که حقّاً مهمّ‌ترین سازنده و قهرمان نظم جهانی حضرت بهاءالله محسوب گردد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۵)

۱۸) «فقط و فقط در چنین موقعی است (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴) [موقعی] که یاران طریقی را که مطالع انوار و مجاهدان امر حضرت کردگار در قرن گذشته به کمال شهامت و سربلندی پیموده‌اند اختیارنمایند که افراد جامعه‌ی بهایی امریک می‌توانند طلوع یوم مبارکی را که قلم معجز شیم حضرت عبدالبهاء به آن بشارت داده تسریع نمایند و موجبات تحقّق وعده‌ی صریح الهی را فراهم سازند که می‌فرماید: "احبّای امریک بر سریر سلطنت ابدیّه جلوس نمایند و صیت نورانیّت و هدایت ایشان به آفاق رسد." (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۷۳)

^{۱۶۷} به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

^{۱۶۸} به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

^{۱۶۹} به مباحث ۱۹ و ۲۱ مراجعه شود.

- ۱۹) «مأموریتی... که حضرت عبدالبهاء به پیروان امرالهی در قاره‌ی آمریکای شمالی محوّل فرموده‌اند... حلول روزی را تسریع خواهد نمود که عصر ذهبی^{۱۷۰} افتتاح گشته و شاهد "جلوس" آنان "بر سریر سلطنت ابدیه" خواهد بود.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۷۰)
- ۲۰) «شداید و امتحاناتی که در آینده به وقوع خواهد پیوست باعث آن خواهد شد که افراد آن جامعه (جامعه‌ی بهاییان آمریکا) بتوانند در میدان فداکاری به تشریک مساعی، به مراتب عالی‌تری نائل گشته، آینده‌ی درخشانی را که برای آنان مقدر است، بیش از پیش ظاهر و نمودار کنند.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸۷) (۱۶ مارس ۱۹۴۹)
- ۲۱) «این است وعده‌ی وطید و الهام بخش حضرت عبدالبهاء که می‌فرماید: "این ندای الهی چون از خطّه‌ی امریک به اروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد، احبّای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه‌ی بزرگواریشان جهان‌گیر گردد."» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۵) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷) (توضیح: حضرت ولیّ امرالله، واقعه‌ی مشروط را نیز در زمهری و عود تلقی می‌فرمایند.)
- ۲۲) «امیدوارم... هرچه زودتر آن یومی فرارسد که به وعده‌ی مبارک (حضرت عبدالبهاء)، "احبّای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه‌ی بزرگواریشان جهان‌گیر گردد". آن وقت است که "امریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد."» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- ۲۳) «اعضای این جامعه (جامعه‌ی بهاییان آمریکا)... طلیعه‌ی مشعل داران مدنیت جهانی^{۱۷۱} آینده‌اند.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۲) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- ۲۴) «آن دوره را (چهل سال گذشته؛ از زمانی که اوّل بار، قاره‌ی آمریکا به انوار ظهور حضرت بهاء‌الله روشن و گرم شد) به چهار مرحله‌ی متمایز می‌توان تقسیم کرد که هر یک، به واقعه‌ی مهمّی منتهی شده که نقطه‌ی عطفی و علامت شاخصی در راه سیر احبّای آمریکا به سوی پیروزی موعودشان بوده است.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۴۹-۴۸)

^{۱۷۰} به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

^{۱۷۱} به مبحث ۱۳۸ رجوع شود.

۲۵) « ای یاران عزیز در قاره‌ی آمریکا، تاریخ گذشته و انجازات (وفاداری‌های) حالیه‌ی شما عظیم است، عظیم، و اعظم از آن، آینده‌ی شگرفی است که در انتظار شما است.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۷۰)

۲۶) « جامعه‌ی اهل بهاء در آمریکا... به این موهبت ممتاز شد که در تسریع پیدایش عصر زرّینی^{۱۷۲} که بشارتش از قلم علی نازل گشته، رهبری جامعه‌های بهایی شرق و غرب را به عهده گیرد.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۳۶)

۲۷) « جامعه‌ای که به چنین خدمات لائقه‌ی منیعه توفیق یافته (یاران و یاوران امر حضرت رحمان در امریک) ... بالقوه صاحب نبوغ و استعداد و واجد صفات و ملکاتی است که بلا تردید می‌تواند در میقات مقدّر، این حقّ و حقیقت را برای خویش احراز و به جهان و جهانیان ثابت و مدلل نماید که نظم جهانی حضرت بهاءالله^{۱۷۳} را رافع عظیم است و صرح مشید (قصر افراشته) امرالله را حامی و مدافع قویم.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودّت، ص ۲۲)

۲۸) « یاران امریک... مساعی جمیله معمول خواهند داشت و در انظار اهل عالم مقام و موقف خویش را به عنوان رافعان بنیان و واضعان ارکان اقوی مؤسّسات آیین مقدّس حضرت بهاءالله، تثبیت و تحکیم خواهند نمود.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودّت، ص ۳۳)

۲۹) « چون اقدامات یاران (آمریکا) برای دفاع و مبارزه‌ای که در پیش است متشکل گردد و دامنه‌ی آن بسط و اتّساع حاصل نماید، طوفان‌های شدید‌ی طعن و لعن در حرکت آید و اعلام تکفیر و تدمیر علیه آنان مرتفع شود و روزی در خواهند یافت که حریم مقدّس دین‌الله مورد هجوم و رجوم اعداء واقع، مقاصدشان (سوء) تعبیر و اهداف و مآریشان تکذیب و افکار و آرائشان تحقیر و مشروعات و مؤسّساتشان تحریم و قدرت و نفوذشان تضعیف و حقوق و اختیاراتشان تزییف (پست شمردن) خواهد گردید و در پایان، پاره‌ای عناصر که یا از درک حقیقت گرانمایی که در دست دارند، ذاهل و یا از تحمّل ضربات و لطمات متکاتره‌ای که چنین مبارزه‌ی شدید قطعاً در بر خواهد داشت، عاجز و قاصر مشاهده می‌شوند، حصن حصین امرالله را ترک خواهند نمود و این دُرّ ثمین را به ثمن بیخس (قیمت ناچیز) از کف خواهند داد. در این مقام، مولای عظیم و کریم، با اخبار از وقایع مدهش‌ی آتیه می‌فرماید قوله العزیز: "به سبب عبداله‌بهاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید."» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودّت، ص ۸۸)

^{۱۷۲} به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

^{۱۷۳} به مبحث ۱۲۸ مراجعه شود.

۳۰ « همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش‌آگهی می‌دهد... جامعه‌ی اسم اعظم در آمریکای شمالی، در نتیجه‌ی مستقیم قیام به اجرای مأموریتی جهانی که به آنان محوّل فرموده، مقامی یگانه و رشک‌برانگیز کسب خواهد کرد.» (حضرت ولیّ امرالله، مرور معبود، ص ۴۲۰)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۳۱ « مأموریتی که حضرت عبدالبهاء به جامعه‌ی بهاییان آمریکا اعطاء فرموده‌اند در تمام مدّت اجرای نقشه‌ی ملکوتی ادامه خواهد داشت. بدین ترتیب وظایف جامعه‌ی شما نه تنها کم یا متروک نمی‌شود؛ بلکه به مراتب توسعه و تنوع بیشتر خواهد یافت و در اجرای نقشه‌ی ملکوتی که به تدریج ظاهر و انجام می‌شود، لاجرم فعالیت‌های شما نیز به مسائل و مراکز دیگری معطوف خواهد گردید.» (پیام ۱۵ می ۱۹۶۴، خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

۳۲ « مسافرت (حضرت) مولی‌الوری به آمریکا، قرار دادن حجر زاویه‌ی اولین مشرق‌الاذکار غرب به دست‌های مبارک، و صدور الواح عمومی فرامین تبلیغی که پنج سال بعد نازل گردید و مجریان اصلی آن نقشه‌ی الهی^{۱۷۴} (احبای آمریکا) و هم‌عهدانشان را فضیلتی مخصوص بخشید، مراحل متابعه‌ی افشای تدریجی رسالتی را تشکیل می‌دهد که مبانی آن را می‌توان در خطاب مبارک حضرت نقطه‌ی اولی به ملل مغرب زمین یافت، (جایی) که آنان را به نصرت آیین مقدّس دعوت می‌فرمایند.» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۳۳ « جوامع بهایی در آمریکا همچنان که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده‌اند، باید پیش‌گامان روحانی جهان باشند.» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۳۴ « به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء: "موقعیت شما (جوامع بهایی در آمریکا) حال معلوم نه؛ امیدوارم که به زودی موفقیت شما زلزله در آفاق اندازند."» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۳۵ « گذشته‌ی جامعه‌ی شما (بهاییان آمریکا) پرشکوه بوده است؛ آینده‌ی آن نیز بی‌نهایت درخشان خواهد بود.» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

۳۶ « تحقّق وعده‌های الهی (خطاب) به آن جامعه (جامعه‌ی بهاییان آمریکا) حتمی است.» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل ملی آمریکا)

^{۱۷۴} از آنجا که طبق نصوص مبارکه، احبّاً در اجرای "نقشه‌ی کلی الهی" (به مبحث ۷۷ رجوع شود) نقشی نخواهند داشت؛ منظور از عبارت "نقشه‌ی ملکوتی" مذکور در فقره‌ی ۳۱ و نیز عبارت "نقشه‌ی الهی" موجود در فقره‌ی ۳۲، اشاره به همان الواح طرح ملکوتی یا الواح تبلیغی یا فرامین تبلیغی یا منشور تبلیغی حضرت عبدالبهاء (مبحث ۷۸) است.

۳۷) « حضرت ولیّ امرالله پیش دیدگان بهائیان آمریکای شمالی، مقدّرات روحانیان را نمایان ساخت و آنان را "فرزندان روحانی قهرمانان امرالله" خوانده، تشکیلات روزافزونشان را نشانی مشهود از حاکمیت امر بهایی، و مبلغین و مهاجرینش را "مشعل‌داران مدنیت آینده" توصیف فرمود و جامعه‌ی مذکور را تشویق نمود که قیام کنند و در پایه‌گذاری نظم (ی) جهانی^{۱۷۵} که حضرت باب بشارتش را دادند و حضرت بهاءالله تکوینش فرموده و حضرت عبدالبهاء اجزاء اصلیه‌اش را معین ساخته و هندسه‌اش را طراحى نمودند، سهم عمده‌ی خویش را ایفای نمایند.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۵۷)

۳۸) « سرنوشت شکوهمندی که چنان به وضوح در نصوص الهی وعده داده شده است، پیروان جمال قدم را در آن دیار (ایالات متّحده‌ی آمریکا) به صعود بر بلندی‌های کوشش و تلاشی می‌خواند که در پیش داریم.» (پیام ۲۶ آپریل ۲۰۰۲)

۳۹) « در آستان مقدّس الهی دعا می‌کنیم که در این دوره‌ی بحرانی، سرنوشت پرشکوهی که (چنان به وضوح در نصوص الهی وعده داده شده است و...) در آینده‌ی نزدیکی در دسترس ایشان (جامعه‌ی بهایی آمریکا) است، با کوشش‌های بی‌وقفه و فتورناپذیر، با پیروزی بارزی تحقّق یابد.» (پیام ۲۶ آپریل ۲۰۰۲)

۷۵. بومیان قاره‌ی آمریکا (۳)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱) « این نفوس (بومیان آلاسکا^{۱۷۶}) آن چنان "نورانی گردند که سراسر کروی زمین را روشن سازند" (پیام جولای ۱۹۷۶)

۲) « (اهالی) شبه جزیره‌ی یوکاتان^{۱۷۷}... از همان اقوامی هستند که حضرت عبدالبهاء در الواح فرامین تبلیغی توصیف نموده، می‌فرمایند "آتیه‌ی عظیمی در ظلّ امر حضرت بهاءالله خواهند داشت." (پیام

^{۱۷۵} به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

^{۱۷۶} آلاسکا، بزرگترین ایالت کشور ایالات متّحده‌ی آمریکا است که به واسطه‌ی معادن غنی و نیز نفت، یکی از ثروتمندترین ایالت‌های این کشور محسوب می‌شود. این ایالت، شبه جزیره‌ای است در شمال غربی قاره‌ی آمریکای شمالی. نام آلاسکا از زبان قوم آلوت (Aleut) گرفته شده است که مردم بومی کهن این سرزمین بوده‌اند. (دانشنامه‌ی ویکی پدیا)

^{۱۷۷} واقع در جنوب شرقی کشور مکزیک و شمال کشور گواتمالا. این ناحیه محلّ مدنیت درخشان مایاها بوده است. مایا نام گروهی از اقوام سرخپوست در جنوب مکزیک و شمال آمریکای مرکزی و نام تمدنی قدیمی در همین منطقه است... حوزه‌ی زندگی و فعالیت مایاها حدود جنوبی کشور مکزیک و نیز سرتاسر گواتمالا و السالوادور را شامل می‌شد. قوم مایا پدیدآورنده‌ی یکی از تمدن‌های بسیار پیشرفته‌ی آمریکای مرکزی بوده که دستاوردهای بسیار چشمگیری در هنر، معماری، ستاره‌شناسی و ریاضیات داشته است. (همان منبع)

بیت‌العدل اعظم خطاب به شرکت‌کنندگان در کنفرانس بین‌المللی تبلیغی در مریدا- مکزیک، ص ۱۶۱ از مجموعه پیام‌های ژانویه ۱۹۷۲ تا ژانویه ۱۹۷۸)

۳) « به موجب وعود حتمیه‌ی حضرت عبدالبهاء، اقوام هندی آمریکا (سرخپوستان آن سرزمین) منبع انوار عالم امکان خواهند گشت. » (پیام بیت‌العدل اعظم خطاب به شرکت‌کنندگان در کنفرانس بین‌المللی تبلیغی در مریدا- مکزیک، ص ۱۶۱ از مجموعه پیام‌های ژانویه ۱۹۷۲ تا ژانویه ۱۹۷۸)

۷۶. یاد و خاطره‌ی امة‌البهاء روحیه‌ی خانم (۱)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱) « پیروان جمال ابهی طیّ قرون و اعصار آتیه، با کمال اعجاب و امتنان، کیفیت خدمات خستگی‌ناپذیر، صمیمانه و لایق حضرت امة‌البهاء (ایادی امرالله، روحیه‌ی خانم) را در سبیل ترویج و سیانت امرالله در مدّ نظر خواهند داشت. » (پیام ۱۹ ژانویه‌ی ۲۰۰۰)

بخش سوم- بعضی زمینه‌های متنوعه (۱۸۸)

۷۷. نقشه‌ی کلی الهی (۲۲)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱) « این صعود و نزول و تألیف و تحلیل و انتظام و انقلاب که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابله‌اش مستمرّ و محسوس، انعکاسی از عالم بالا و جلوه‌ای از نقشه‌ی اعظم اقدس ابهی است، نقشه‌ی واحد و غیرقابل انفصالی که مبدئش غیب مکنون و مؤسس و موجدش شارع این امر اعزّی و دایره‌ی تصرفاتش بسیط غبراء و مقصد و هدف نهایش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافه‌ی انام است. » (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، منقول در پیام معهد اعلی، ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۰ / نیز مندرج در پیام معهد اعلی، ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

۲) « مشیّت الهی... به حکمت بالغه و اراده‌ی مطلقه‌ی بسیطه‌اش، به نحوی مرموز، مقدّرات امر اعظم و نیز سرنوشت بشر را در قبضه‌ی اختیار خویش دارد و تقارن این دو جریان، یعنی از طرفی ارتفاع و از طرف دیگر سقوط، یکی ترکیب و دیگری تحلیل، یکی نظم و دیگری هرج و مرج، که پیوسته با هم فعل و انفعال دارند (منظور تولّد پیروزی از بطن بحران است)؛ کلّ، جنبه‌هایی از یک نقشه‌ی عظیم است که سرچشمه‌اش حضرت کبریا است و طرّاحش جمال ابهی و میدان‌ش بسیط غبرا؛ هدفش وحدت جهان است و تأسیس صلح عمومی در عالم انسان.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳۵)

۳) « خداوند به طور اسرار آمیز، آهسته و مقاومت ناپذیر، طرح خود را به پیش خواهد برد... ولو این که عالم انسانی به نحو رقّت باری مطیع و منقاد صداها‌ی فریبنده‌ای باشد که می‌کوشند آن را به درون دوزخی عمیق و وسیع ساقط سازند.» (ترجمه) [حضرت ولیّ امرالله، توفیق منیع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)، ص ۱۲۰]

۴) « نقشه‌ی الهی...متضمّن طرحی است که خداوند برای وحدت عالم انسانی در این قرن مقدّر فرموده است.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۲۱ دسامبر ۱۹۶۷)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۵) « نقشه‌ی عظیم الهی که پیش‌رویش پُر اغتشاش و آشوب است، و در کلّ، به واسطه‌ی عالم انسانی عمل می‌نماید، در حرکتش به سمت وحدت بشریّت، موانع موجود را درهم خواهد شکست و نوع انسان را در آتش بلا و مصیبت و مستمّد از یادگیری و تجربت، عاقبت، به صورت هیکلی واحد و متّحد در خواهد آورد.» (ترجمه) (معهد اعلی، ۸ دسامبر ۱۹۶۷، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۶) « نقشه‌ی عظیم خداوند برای نجات عالم به نحوی اسرار آمیز و به طریقی که او خود تمهید می‌کند، به پیش خواهد رفت.» (ترجمه) (پیام ۸ دسامبر ۱۹۶۷، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۷) « نقشه‌ی اصلی الهی، به جیتی که هدایت آن با نفس حضرت بهاءالله است، به طور اسرار آمیز اجراء می‌شود.» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۸) « نقشه‌ی عظیم الهی که توسعه‌اش ملازم با اغتشاش و آشوب فراوان... است؛ هر مانعی را در سبیل اتّحاد دنیا از میان برمی‌دارد و عالم انسانی را در آتش رنج و بلا به صورت هیکلی واحد متّحد خواهد کرد.» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۹) « (خطاب به بهاییان ایرانی مقیم ممالک خارجه) گمان میرید که آنچه در این زمان در چهار گوشه‌ی جهان، از جمله (در) کشور مقدّس ایران، واقع گشته و می‌شود، وقایعی تصادفی و منفرد و بی

نتیجه و مقصد است. به فرموده‌ی مولای عزیز "ید غیبی در کار است و انقلابات ارض مقدّمه‌ی اعلان شریعت پروردگار."» (۱۰ فوریه ۱۹۸۰)

۱۰ « وقایع پر دامنه‌ای که در آستانه‌ی دهه‌ی سرنوشت ساز و نهایی این قرن انوار در صحنه‌ی گیتی به ویژه در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی روی می‌دهد، نشان شگفت‌انگیز دیگری از کیفیت تجلّی نقشه‌ی کلّی الهی است که تقلیب جامعه‌ی بشری را به نحو غیرقابل مقاومتی تحقّق می‌بخشد.» (پیام ۸ فوریه ۱۹۹۰)

۱۱ « تغییر ناگهانی در اوضاع سیاسی که بدون شک در اثر نقشه‌ی کلّی الهی تحقّق یافته، مناطق وسیعی از کره‌ی زمین را که عمده‌اً شامل کشور شوروی سابق و نیز کشورهای بلوک شرق (اروپا) می‌شود، برای نفوذ و رسوخ تعالیم الهی مفتوح ساخت.» (پیام رضوان ۱۹۹۲)

۱۲ « در اثر قوه‌ی دافعه‌ی نقشه‌ی عظیم الهی دنیا دوران تغییرات سریعی را می‌گذراند و تنها جامعه‌ی بهایی است که صریحاً از جهت و مقصد این تغییرات آگاه است^{۱۷۸}.» (پیام ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

۱۳ « طرح کلّی الهی که بشر را به بلوغ روحانی^{۱۷۹} می‌رساند، از دسترس ما بیرون است و در خزانه‌ی غیب محفوظ و تحقّقش به اراده‌ی حق موكول است.» [پیام شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع (۱۹۹۷)- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه‌ی جلد سوم، ص ۱۹]

۱۴ « نقشه‌ی کلّی الهی متضمّن نزول بلایا و مصائبی است که... به نحوی قاطع و خلل‌ناپذیر، بشریت را به سوی وحدت و بلوغ سوق می‌دهد.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۱۵ « همچنان که حضرت ولیّ امرالله بیان فرموده‌اند، نقشه‌ی کلی الهی برای تحقّق مقصد آنی و مآلاً تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین^{۱۸۰}، خرد و کلان را همچون مهره‌های شطرنج، در حرکاتی جهان‌آرا، به کار می‌گیرد.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۱۶ « همنوعان ما در همه‌ی نقاط به نحوی ناآگاه و غیرمحسوس تحت نفوذ عواطف متضادّی قرار دارند که تحت تأثیر مداوم جریانات هم‌زمان "صعود و نزول و تألیف و تحلیل و انتظام و انقلاب" به وجود می‌آید. حضرت ولیّ امرالله این جریانات را جنبه‌هایی از نقشه‌ی کلّی الهی و نقشه‌ی اختصاصی الهی^{۱۸۱}

^{۱۷۸} بدیهی است این آگاهی، تا حدّ زیادی نتیجه‌ی غور و تفحص در وعود الهی برای آتی‌ه‌ی عالم انسانی است؛ حقیقتی که نگارنده را واداشته این مجموعه‌ی غنی و بدیع را فراهم‌آورد.

^{۱۷۹} در این بیان مبارک علناً تصریح به نوعی بلوغ می‌شود که "روحانی" است؛ اما لازم است بشریت نوعی بلوغ اجتماعی را نیز تجربه نماید. مباحث ۱۰۳ و ۱۳۶ با هم مقایسه شوند.

^{۱۸۰} به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

^{۱۸۱} به مباحث ۷۷ و ۷۹ مراجعه شود.

تشخیص داده‌اند؛ یعنی دو طریق شناخته شده‌ای که در آن، نوایای الهیّه برای نوع بشر به پیش می‌رود.»
(پیام رضوان ۱۹۹۸)

۱۷) «گاهی اوقات چنین به نظر می‌رسد که جریان نقشه‌ی کلیّ الهی سبب توقّف و به هم ریختن اقدامات مربوط به اجرای نقشه‌ی اختصاصی می‌گردد. اما احبّای الهی به دلایل بسیار نباید دچار نگرانی و هراس شوند؛ زیرا منشاء و مصدر آشوب‌هایی را که گاه به گاه در جهان روی می‌دهد می‌شناسند و به فرموده‌ی حضرت ولیّ امرالله "به ضرورت آن اعتراف داشته و روال مرموز آن را مشاهده کرده و با حال تصرّح و ابتهال برای تخفیف شدّت آن دعا (می‌نمایند).."» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۱۸) «این‌ها (کنفرانس سران به مناسبت هزاره‌ی جدید، روش‌های جدید مخابره، عدالت و تساوی حقوق در امور مالی بین المللی) مثال‌هایی از دو سلسله جریاناتی است که متضادّ یکدیگرند و در هم تأثیر متقابل دارند و بیان معجز شیم حضرت ولیّ امرالله را در باره‌ی نقشه‌ی کلیّ الهی به یاد می‌آورند که فرمودند: "مقصد و هدف نهایی وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافّه‌ی انام است."»
(ترجمه) (پیام رضوان ۲۰۰۰)

۱۹) «نقشه‌ی کلیّ الهی در سراسرگیتی در کار است و هم زمان، با تأسیس نظمی نوین، اضمحلال نظم کهن^{۱۸۲} را تسریع می‌نماید.» (معد اعلی، پیام ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱)

۲۰) «تقدّم نقشه‌ی عظیم الهی، فتح و ظفر نهایی امر یزدانی و پیشرفت جهان به سوی وحدت عالم انسانی، امری است محتوم.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۲۱) «(خطاب به بهاییان سراسر عالم) برای پیروان جمال اقدس ابهی که به دیدگاه شفا بخش نقشه‌ی الهی در مرحله‌ی فعلی آن واقفند، ناآرامی‌هایی که متناوباً این سرزمین انبیای الهی (اراضی مقدّسه) را تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند بیش از هر چیز یادآور و فی‌الحقیقه انگیزه‌ای برای انجام (دادن) مجهودات و ایفای وظایف فوری ایشان باشد.» (پیام ۱۷ آگوست ۲۰۰۶)

۲۲) «البتّه شما عزیزان (احبّای مظلوم و باوفای جمال اقدس ابهی در کشور مقدّس ایران) به خوبی واقفید که ید غیبی الهی در کار است، (و) جمیع امور در قبضه‌ی قدرت اوست و آنچه می‌گذرد جزئی از نقشه‌های حیات بخش او است که ممدّ تأسیس مدنیّت ملکوتی و تحقّق نهایی رفاه عالم انسانی^{۱۸۳} است.» (پیام ۱۹ می ۲۰۰۸)

^{۱۸۲} به مباحث ۲۹ و ۳۰ مراجعه شود.

^{۱۸۳} به مبحث ۱۴۱ رجوع شود. در ضمن در این بیان مبارک تصریح می‌شود که "تحقق نهایی رفاه عالم انسانی" بعد از "تأسیس مدنیّت ملکوتی" یا همان مدنیّت الهی خواهد بود.

۷۸. بیت‌العدل اعظم (۱۰)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

۱) «یا کرمل... سوف تجرى سفينة الله عليك، ويظهر أهل البهاء الذين ذكرهم في كتاب الاسماء.» (منتخبات آثار حضرت بهاء‌الله، فقره‌ی ۱۱) [مضمون: ای کرمل،... به زودی سفینه‌ی الهی (بیت‌العدل اعظم الهی) بر تو جاری خواهد شد و اهل بهاء، کسانی که (حضرت اعلی) در کتاب اسماء (قیوم‌الاسماء، اولین اثر نازل از قلم آن حضرت) از آنان نام برده است، ظاهر خواهند گشت.]

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲) «کم من امرئةٍ منجذبةٍ فاقت الرجال في ظلّ البهاء و سبقت مشاهير الآفاق و اما بيت العدل بنصوص قاطعة في شريعة الله اختصّ بالرجال حکمةً من عند الله و سيظهر هذه الحكمة كظهور الشمس في رابعة النهار.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، بند ۳۸، ص ۷۷) (مضمون: چقدر از نساء منجذبه که در ظلّ امر حضرت بهاء‌الله بر رجال برتری یافتند و از مشاهیر آفاق سبقت گرفتند و اما بیت‌العدل به نصوص قاطعه‌ی شریعت‌الله، و به حکمت الهی، مختصّ رجال است و به زودی این حکمت، مانند ظهور خورشید در میانه‌ی روز، آشکار و پدیدار خواهد گشت.)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳) «سوف ينكشف القناع باذن ربنا البهي الابهي، عن وجه ناموسه الاعظم و ينصب ميزان دستوره البديع، اساس بيت عدله الاكرم الاقوم الافخم، في هذه البقعة الاحدية المباركة البيضاء، مظاف الخلائق الاجمعين.» (توقیع منبع مبارک نوامبر ۱۹۲۷، مجموعه‌ی توقیعات ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۳) (مضمون: به زودی، به اذن پروردگار بهیّ ابهیمان، پرده از وجه ناموس اعظمش (قانون اساسیش) برداشته خواهد شد و میزان فرمان بدیعش، که اساس بیت عدل اکرم اقوم افخمش است، در این بقعه‌ی مبارکه‌ی بیضاء (اراض مقدسه)، طوافگاه تمامی مردمان، نصب خواهد شد.)

۴) «ای قویّ قدیر،... عمود دیوان عدل اعظمت را به اصبع اقتدار بلند نما و امم و قبائل متنازعه را در ظلّ ظلیلش در آور.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

۵) «مصادق آیات لوح کرمل (استقرار بیت‌العدل اعظم) کاملاً پدیدار گردد.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

(۶) « فقط نفوسی که پس از ما (نسل حاضر) پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند درک خواهند کرد که چه حکم عجیبه و اسرار غریبه‌ای در تشکیل بیت‌العدل و ولایت امر (دو رکن رکن نظم بدیع الهی) موجود است.» (حضرت ولیّ امرالله، ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳، ارکان نظم بدیع، ص ۴۲- مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ب از باب دوم، ص ۷)

(۷) « چون دین بهایی در جمهور خلافت شرق و غرب نفوذ نماید و حقانیتش به قبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقلّ جهان درآید، آن وقت بیت‌العدل اعظم به ذروه‌ی قدرت و سلطه‌ی خود خواهد رسید و به عنوان اعلیٰ مقام ممالک متحدالمرام بهایی (اتحادیه‌ی جهانی بهایی)، جمیع حقوق و وظائف و مسئولیت‌های متعلّق به یک حکومت علیای جهانی را به عهده خواهد گرفت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۳- توفیق مورّخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹- ارکان نظم بدیع، ص ۲۲۸)

(۸) « ساختار نهایی و فوقانی همین نظم (نظم بدیع جهان‌آرا) است (بیت‌العدل اعظم) که به واسطه‌ی حلول اتحادیه‌ی جهانی بهایی؛ یعنی استقرار ملکوت ربّ العالمین برگستره‌ی زمین؛ مقام کامل خود را حاصل خواهد کرد؛ ملکوت موعودی که عصر ذهبی همین دور درخشان، در نهایت زمان، شاهد و ناظر آن خواهد بود.» (مرور معبود، ص ۷۲)

(۹) « از آن سرچشمه‌ی نظم الهی (بیت‌العدل اعظم) ماء حیوان که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره عالم تریبه و شافی اسقام و علل مزمنه است، بر تمام اقوام و ملل متباینه‌ی متباغضه‌ی جهان جاری و ساری گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توفیق ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ مندرج در کتاب ارکان نظم بدیع، ص ۲۰۰)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۱۰) « چنان که در الواح وصایا (ی حضرت عبدالبهاء) مصرّح است، به هر دو مؤسسه‌ی ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم وعده‌ی هدایت محتومه‌ی الهیه اعطاء شده است: "فرع مقدّس و ولیّ امرالله و بیت‌العدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابھی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلیٰ روحی لهما الفداست. آنچه قرار دهند من عندالله است."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۸۰)

۷۹. طرح ملکوتی و نقشه‌های آتی (۲۷)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « منظور از این جهاد (جهاد کبیر اکبر= نقشه‌ی ده ساله)، اجرای فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء (نقشه یا طرح یا منشور ملکوتی) در بسط غرباء است تا به این وسیله، مدنیت الهی^{۱۸۴} تأسیس و نوراتیت و استخلاص عالم انسانی که غایت قصوا و مقصد اعلی است، تحقق پذیرد.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۹ آپریل ۱۹۵۲، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۵۸)

(۲) «انجام موفقیت آمیز این نقشه (نقشه‌ی ده ساله) که در وسعت بی سابقه و در کیفیت منفرد و از جهت قوای روحانیّه بسی عظیم است، در مستقبل ایام، در عصر تکوین امرالله، مشروعاتی به دنبال خواهد داشت که تمام محافل روحانیّه در سراسر عالم بهایی را در نطق خود در خواهد آورد؛ مشروعاتی که به خودی خود در عهد آینده‌ی همان عصر، مقدمه‌ی طرح و اجرای نقشه‌های جهانی وسیع تری است که مقدّر است از طرف بیت العدل اعظم طرح گردد تا وحدت جامعه را نمودار ساخته، مجهودات محافل ملیّه را هم آهنگ و متحد نماید» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، مورخ ۹ مارس ۱۹۶۵)

(۳) « حضرت عبدالبهاء... در الواح جاویدانی (الواح طرح ملکوتی) که در ارتباط با احبّای عزیزش (در کشور آمریکا) نازل فرموده بود، منویات خاطرش را در باره‌ی مقدّرات روحانی یاران آمریکا آشکار فرمود و نقشه‌ی ملکوتیش را برای اجرای رسالتی که به آنان عنایت فرموده بود، معلوم داشت.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۶۰)

(۴) « جواهر کلماتی که در صدف الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء، خطاب به جمهور مؤمنین و مؤمنات ایالات متّحده‌ی آمریکا و کانادا مکنون... به ممرّ دهور و اعصار درخشنده و تابان و پر جذبه و لمعان باقی خواهد ماند.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودت، ص ۱۵۳)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۵) « در سپیده‌دم امروز، اعضای بیت العدل اعظم به همراه اعضای دارالتبلیغ بین‌المللی... در اطاق مبارک حضرت عبدالبهاء در بهجی برای بزرگداشت لحظه‌ی سرنوشت‌ساز صدور اولین لوح از الواح نقشه‌ی ملکوتی از قلم معجزشیم مرکز میثاق مجتمع شدند. مناجات‌هایی از آن الواح منبع به شکرانه‌ی توفیقات شکوهمند و پرافتخار گذشته تلاوت شد، تأییدات الهیه برای موفقیت مجهودات لازم در مرحله‌ی بعدی بسط و اجرای آن نقشه طلب گردید و مواهب آسمانی برای فتوحات عظیم تر در انجام وظایف خطیر در مراحل پی در پی آینده تا وصول به آستانه‌ی عصر ذهبی مسئلت شد.» (پیام ۲۶ مارس ۲۰۱۶)

^{۱۸۴} به مبحث ۱۳۸ مراجعه شود.

(۶) « نقشه‌ی ملکوتی، آن مجموعه‌ی مکاتیبی که از قلم توانای حضرت عبدالبهاء بین ۲۶ مارس ۱۹۱۶ و ۸ مارس ۱۹۱۷ میلادی خطاب به احبّای امریکای شمالی صادر گشته یکی از منشورهای مهیمن آیین نازنین اب بزرگوار آن حضرت است. (به فرموده‌ی) حضرت شوقی افندی... در آن چهارده لوح "عظیم‌ترین نقشه‌ای که تا کنون قوای خلاّقه اسم اعظم الهی ترسیم" نموده مندرج می‌باشد. "میدان فعالیت این نقشه پنج قاره عالم و جزایر هفت دریا را در بر می‌گیرد"، توسط "قوای محرکه مافوق قدرت پیش‌بینی و ادراک ما" در حرکت است و "عامل بالقوه احیای روحانی و نجات و فلاح نهایی عالم انسانی" در آن نهفته می‌باشد. » (ترجمه) (پیام ۲۶ مارس ۲۰۱۶)

(۷) « سفینه‌ی امرالهی که در بحر فرمان تبلیغی حضرت مولی‌الوری در حرکت بوده، تحت قیاد و هدایت اعلاّی حضرت ولیّ محبوب به مرحله‌ای از پیشرفت و توسعه در سراسر جهان نائل آمده و چنان قوت و قدرتی یافته که اکنون به مدد آن، به سوی مرحله‌ی بعدی رسالت نجات بخش جهانی خود؛ یعنی دومین دوره‌ی نقشه‌ی ملکوتی^{۱۸۵} سوق می‌یابد. » (پیام ۷ می ۱۹۶۳)

(۸) « حال ما در آستانه‌ی مرحله‌ی ثانی از نقشه‌ی ملکوتی حضرت عبدالبهاء قرار داریم. » (پیام اکتبر ۱۹۶۳)

(۹) « مولای حنون (حضرت ولیّ امرالله) دهمین مرحله از مراحل مذکوره^{۱۸۶} را بسی طویل توصف فرمود و با دیده‌ی جهان بینش پیش‌بینی فرمود که در این مرحله‌ی طویل‌المدت، بیت‌العدل اعظم متتابعاً نقشه‌های متعدده‌ای را تنظیم نماید تا جمیع مراحل باقیه‌ی دو عصر تکوین و ذهبی را فراگیرد. » (پیام آوریل ۱۹۶۴)

(۱۰) « باید بر اثر طرح و اجرای نقشه‌های ملی و بین‌المللی و جهانی، مقاصد و وعود آن منشور مبارک (منشور ملکوتی حضرت عبدالبهاء) تماماً به حیز شهود درآید. » (پیام آوریل ۱۹۶۴)

(۱۱) « اشارات حضرت شوقی ربّانی در توقیعات منبیه، در باره‌ی این که متعاقب جهاد روحانی ده ساله، نقشه‌های دیگری تحت قیادت بیت‌العدل اعظم اجراء خواهد شد، دلیل دیگری است که مناسب بودن زمان انتخاب بیت‌العدل را (در سال ۱۹۶۳) تأیید می‌نماید. » (پیام ۹ مارس ۱۹۶۵)

^{۱۸۵} آغاز اجرای اولین دوره‌ی "طرح ملکوتی" حضرت عبدالبهاء، سال ۱۹۳۷ بوده است. به فقره‌ی ۱۵ از همین مبحث مراجعه شود.

^{۱۸۶} « (مرحل جلوه و بروز) قوه‌ی قدسیه‌ی الهیه... (که) حال (آغاز نقشه‌ی نه ساله)، به دهمین و آخرین مرحله‌ی ارتقای خود وارد گشته. جهاد روحانی ده ساله... نهمین مرحله از مراحل ارتقاء آن قوه‌ی ساریه‌ی ازلیه بود. » (پیام آوریل ۱۹۶۴)

۱۲) « نقشه‌ی کوچکی (طرح ملکوتی حضرت عبدالبهاء) که به عنوان سهم ما در آن نقشه‌ی عظیم (نقشه‌ی کلی الهی)، اجرایش به ما سپرده شده است، کاملاً مشروح و مشخص است.» (ترجمه) (پیام ۸ دسامبر ۱۹۶۷، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۱۳) « سلسله نقشه‌ها (ی بیت العدل اعظم) و مجاهدات (احبای عالم)...مقدّر است انوار امرالهی را به سرزمین‌ها و نقاط باقی مانده‌ی کره‌ی ارض بتاباند و منجر به ارتفاع کامل هیکل نظم اداری حضرت بهاءالله در سراسر جهان گردد.» (پیام ۳۰ جون ۱۹۷۲)

۱۴) « حلقات سلسله نقشه‌های تبلیغی...باید در مستقبل ایام متدرّجاً اعمده‌ی نظم بدیع الهی را در بسیط زمین استوار سازد و بالمآل مدنیت ساطع الانوار بهایی^{۱۸۷} را در جمیع اقطار استقرار بخشد.» (پیام نوروز ۱۳۱ بدیع / ۲۱ مارس ۱۹۷۴)

۱۵) « این نقشه‌های تبلیغی که اهل بهاء را پی در پی در سراسر جهان به حرکت آورده و نطق امر اعظم را وسعت داده، کلّ مخلوق فرمان ملکوتی حضرت عبدالبهاء (فرامین تبلیغی) است که متجاوز از هشتاد سال است که بندگان آستان جمال ابهی را به فتح روحانی جهان دعوت نموده و موظّف ساخته است و این نقشه‌ها تا عصر ذهبی ادامه خواهد داشت.» (پیام مارس یا آوریل ۱۹۷۷)

۱۶) « این فتوحات بالغه (آمار پیشرفت امرالله مندرج در نفس پیام) هنوز از نتایج سحر است و اهل بهاء که فضلاً من عنده به منزله‌ی وسائط و وسائل تحقق اراده‌ی الهیه در تأسیس مدنیت روحانی و وحدت عالم انسانی محسوبند، از پای ننشینند و متتابعاً در ظلّ نقشه‌های بدیعه در ارتفاع اساس حصن حصین نظم بدیع جهان‌آرای ربّ العالمین در هر اقلیم و سرزمین کمر همّت بندند.» [پیام اکتبر-۱۹۷۸ (۹شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع)]

۱۷) « اولین نقشه‌ی هفت ساله در قارّات امریکا که در سنه‌ی ۱۹۳۷ بنا بر اراده و فرمان حضرت ولیّ عزیز امرالله شروع شد... آغاز اجرای منظم طرح عظیمی است که حضرت عبدالبهاء جهت فتح و غلبه‌ی روحانی (بر) بسیط غبراء ابداع فرموده و بدین ترتیب، عهد اولای آن نقشه‌ی ملکوتی آغاز گردیده بود.» (پیام رضوان ۱۹۸۷)

۱۸) « بذل توجه به وقایع خاصّ سال مقدّس به یقین ما را برای قبول وظائف و مسئولیت‌های فوری و ضروری مرحله‌ی بعدی در سیر تکامل نقشه‌ی ملکوتی حضرت عبدالبهاء مجهّز و مهیا خواهد ساخت.» (پیام رضوان ۱۹۹۲)

^{۱۸۷} به مبحث ۱۳۷ رجوع شود.

۱۹) « حضرت ولیّ امرالله ضمن توقیعات مبارکه برای بیت‌العدل اعظم چند وظیفه اصلی و مهمّ از قبیل ایجاد نقشه‌های تبلیغی جهانی آینده، مباشرت امور اداری امر، و هدایت و تنظیم و توسعه‌ی امور امری را در سراسر جهان تصریح فرموده‌اند.» (پیام ۲۷ می ۱۹۶۶ / نیز پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲)

۲۰) « نقشه‌ای سه ساله را آغاز می‌نمائیم. کوتاهی دوره‌ی این نقشه به دلیل تغییرات پرشتاب زمانه است؛ اما هدف اصلی این نقشه از آینده‌ی امر مبارک و آتی‌هی بشریت جدائی‌پذیر نیست و در واقع مرحله‌ی بعدی بروز و ظهور منشور الهی تبلیغ و توسعه‌ی امر مبارک (فرامین تبلیغی یا طرح ملکوتی) است که از قلم مرکز میثاق عزّ‌صدرور یافته است.» (پیام رضوان ۱۹۹۳)

۲۱) « بهترین تعبیر آن است که نظم اداری بهایی وسیله‌ی اصلی برای اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، یعنی نقشه‌ی الهی^{۱۸۸} بوده و نقشه‌ی مزبور نیز واسطه‌ی پر قدرتی برای توسعه و پیشرفت سازمان اداری امر بهایی است.» (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴)

۲۲) « (یکی از وظایف بیت‌العدل اعظم الهی) تعیین مسیر اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء (است).» (پیام ۲ جولای ۱۹۹۶)

۲۳) « برخلاف نقشه‌ی کلیّ الهی که به نحوی اسرارآمیز عمل می‌کند، نقشه‌ی اختصاصی الهی به طور وضوح طراحی و ترسیم گردیده و طبق روالی منظم و معلوم برای اجرا به ما سپرده شده است. هدف غائی این نقشه صلح اعظم است.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۲۴) « (خطاب به کنفرانس هیأت‌های مشاورین قاره‌ای) در مشاورات خود درباره‌ی چگونگی مرحله‌ی جدیدی از تحقق اهداف نقشه‌ی تبلیغی حضرت عبدالبهاء، باید عظمت و وسعت تغییراتی را که در مصالح و مقدرات امر در شرف وقوع است، در نظر داشته باشید.» (پیام ژانویه ۲۰۰۱)

۲۵) « پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین^{۱۸۹}... در طئی مراحل متوالی نقشه‌ی ملکوتی حضرت عبدالبهاء، ظهور و بروز خواهد یافت.» (پیام رضوان ۲۰۰۱)

۲۶) « در آثار بهایی مکرراً آمده است که البته در نتیجه‌ی تحولات حاصله از نقشه‌ی کبیر الهی و ثمرات اجرای نقشه‌ی صغیر الهی^{۱۹۰} که مراحل مختلف تحقق بخشیدن به فرامین تبلیغی حضرت

^{۱۸۸} در این فقره‌ی مبارکه مسلماً منظور این نیست که «فرامین تبلیغی» همان «نقشه‌ی کلی الهی» است؛ چون تعدادی کثیره از فقرات مذکوره (به مباحث ۷۷ و ۷۹ مراجعه شود) تصریح می‌نمایند که این دو نقشه متفاوت از یکدیگرند. شاید منظور تأکید در الهی بودن منشاء طرح ملکوتی است.

^{۱۸۹} به مبحث ۱۱۳ مراجعه شود.

^{۱۹۰} نکات مندرج در این فقره بسیار مهمّ و گویا هستند. «مراحل مختلف تحقق بخشیدن به فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء»، «نقشه‌ی صغیر الهی» تعبیر شده است که از لحاظ مفهومی، در مقابل «نقشه‌ی کبیر الهی» که سرچشمه‌اش مشیت مهیمن نفس حضرت بهاءالله است، قرار دارد.

عبدالبهاء است، این آتش (آتش خانمان سوز جنگ و جدال در نقاط مختلفی عالم) در میقات معین خاموش خواهد شد و انوار صلح اعظم جهان را منور خواهد نمود.» (پیام ۲۵ آوریل ۲۰۰۷)

۲۷) « مشتاقانه از شما (حاضران در کنفرانس مشاورین قاره‌ای) می‌خواهیم... مفهومی را در نظر داشته باشید که زیربنای نقشه‌ی جهانی جاری^{۱۹۱} و در واقع، قلب طپنده‌ی هر مرحله از نقشه‌ی ملکوتی است؛ و آن، این که پیشرفت، محصول رشد و توسعه‌ی سه عامل است، که عبارتند از: فرد، تشکیلات، و جامعه.» (پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

۸۰. کتاب اقدس (۶)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « کتاب اقدس به شانی نازل شده که جاذب و جامع جمیع شرایع الهیه است... و به انبساطی نازل شده که کلّ را قبل از اقبال، احاطه فرموده؛ سوف یظهر فی الارض سلطانه و نفوذه و اقتداره. ان ربك لهو العليم الحكيم.» (جمال ابهی، امروز خلق ۴، ص ۴۸۰- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۴- لوح سید مهدی دهجی- آیات الهی ۱، ۵ مارس) (مضمون بخش عربی: به زودی سلطنت آن و نفوذ آن و اقتدار آن، در زمین پدیدار خواهد شد. همانا پروردگار تو به راستی علیم و حکیم است.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲) « عنقریب... اسرار این کتاب اقدس رحمانی ملکوت وجود را مزین کند، از امواج بحر معانیش لئالی حقایق ظاهر گردد و از اشعه‌ی صبح مبانیش کواکب مواهب باهر شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۱۹۸)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳) « نیز می‌توان این کتاب مبین (کتاب اقدس) را که مقررات و موازینش افزون بر یک هزار سال جاری و برقرار خواهد ماند... درخشان‌ترین فوران ذهن حضرت بهاءالله و امّ‌الکتاب دور آن حضرت، و منشور نظم بدیع^{۱۹۲} جهانیش محسوب داشت.» (مرور معبود، ص ۲۹۵)

^{۱۹۱} نقشه‌ی پنج ساله (که از) «رضوان ۲۰۱۱ تا رضوان ۲۰۱۶ ادامه خواهد یافت و تشکیل دهنده‌ی اولین نقشه از دو نقشه‌ی پنج ساله‌ی متوالی‌ای است که در یکصدمین سال عصر تکوین امرالهی خاتمه خواهند یافت.» (پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

^{۱۹۲} به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

(۴) « این اثر وزین (کتاب مستطاب اقدس)،... آن اصول و قوانین بنیادی را که ساختار آتی نظم جهانی حضرت بهاءالله لاجرم بر آن مستقرّ خواهد شد، برای نسل‌های آینده، محفوظ می‌دارد.» (مرور معبود، ص ۲۹۶)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۵) « کتاب مستطاب اقدس منشور مدنیت آتیّه‌ی جهانی می‌باشد.» (پیام ۷ ژانویه ۱۹۹۲ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۸)

(۶) « احکام نازله در کتاب اقدس هسته‌ی مرکزی قوانین متنوعه‌ی وسیعه‌ای است که در قرون آتیّه به منصفه‌ی ظهور خواهد رسید. بسط اصول و تفصیل متفرّعاتش بنا به اختیاراتی که حضرت بهاءالله به بیت‌العدل اعظم تفویض فرموده‌اند، به آن هیأت راجع است.» (کتاب اقدس، دیپاچه، ص ۱۱)

۸۱. کلمة‌الله (۲۸)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « امروز هر چیزپرا طالب مشاهده می‌شود مگر لئالیء ثمینه که از خزانه‌ی قلم اعلی ظاهر و باهر است؛ بی‌مشتری مانده. طالب مفقود، مشتری غیر موجود، و لکن وقتی آید که مردمان به جان گوهر بحر بیان را خریدار شوند.» (لئالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۵۲)

(۲) « زود است چشم‌های عالم به مشاهده‌ی آنچه از قلم اعلی نازل شده روشن و منیر گردد.» (لئالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۹۴)

(۳) « کلمه‌ای که لامرالله لسان به آن تکلم می‌نماید، آن به مثابه‌ی نیر اعظم است؛ اگر حال فی‌الجمله سحاب و غمام حائل شود، عنقریب از خلف سحاب برآید و تجلیاش عالم را منور سازد.» (جمال ابهی، پیام آسمانی ۲، ص ۱۹۲)

(۴) « به حرفی از کتاب، ملکوت مُلکِ سموات و ارض معادله ننموده و نمی‌نماید. عنقریب درایج و مقامات ظاهر گردد.» (آیات الهی ۲، ۱۰ آوریل)

(۵) « عنقریب آنچه مشهود، مفقود خواهد شد و آنچه باقی و دائم است کلمة‌الله بوده و هست؛ آثارش را محو نیابد و به او نرسد و ثمراتش به دوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است.» (قلم اعلی ۷، ص ۱۶۹)

(۶) «زود است که نفوذ کلمه‌ی الهیّه و احاطه‌ی قدرتش را ملاحظه نمایند^{۱۹۳}؛ اگر چه حال هم مشهود و واضح است.» (حضرت بهاءالله، مائده‌ی ۸، مطلب پنجاه و هشتم، ص ۴۳-۴۲- لئالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۸۸، ص ۱۷۹)

(۷) «ای کنیزان حق، قدر کلمه‌ی الهی را بدانید؛ خزائن ملوک به یک حرف آن برابری ننمایند؛ عنقریب مقامش بر عالمیان ظاهر گردد.» (قلم اعلیٰ ۷، ص ۱۷۹)

(۸) «قد احطنا العالمَ بكلمة العلیا. سوف یسخرُ اللهُ بها افئدةً من علی الارض؛ انه لهو المقتدر القدير.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۰) (مضمون: با کلمه‌ی الهی به عالم احاطه یافتیم. به زودی خداوند به وسیله‌ی آن، قلوب ساکنان زمین را تسخیر خواهد کرد؛ او مقتدر و توانا است.)

(۹) «کلمه‌ی (ای) که حقّ به آن تکلم می‌فرماید در آن کلمه، روح بدیع دمیده می‌شود و نفحات حیات از آن کلمه بر کلّ اشیاء ظاهراً و باطناً مرور می‌نمایند، دیگر تا چه زمان و عصر، آثار کلمه‌ی الهیّه از مظاهر آفاقیه و انفسیه ظاهر شود.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۸۸)

(۱۰) «اگر مدّعیان محبّت الیوم به آنچه در الواح از قلم اعلیٰ نازل شده تمسک نمایند و عمل کنند، عنقریب انوار آثار الهی بر کلّ تجلّی نماید؛ یشهد بذلك لسان العظمة فی هذا الحین المبین.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۴۶) (مضمون عبارت عربی: لسان عظمت در این لحظه‌ی خجسته، به این حقیقت گواهی می‌دهد.)

(۱۱) «قسم به آفتاب بیان که از اعلیٰ افق امکان مشرق و لائح، آنچه دیده می‌شود عنقریب به فنا راجع و آنچه باقی و دائم است کلمه‌ای است که از قلم اعلیٰ جاری و نازل.» (آیات الهی ۲، ۸ ژانویه)

(۱۲) «لعمراًلله (به خداوند قسم) به کلمه‌ی یا امتی (ای کنیز من) معادله نمی‌نماید آنچه در ارض مشهود است. زود است چشم‌های عالم به مشاهده‌ی آنچه از قلم اعلیٰ نازل شده روشن و منیر گردد.» (آیات الهی ۱، ۱۹ آوریل- مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۵۷)

(۱۳) «لابدّ از خلف سرادق عصمت ربّانی عبادی روحانی ظاهر شوند و آثارالله را جمع نمایند و به احسن نظم منتظم سازند و هذا حتم لا ریب فیه.» (مائده‌ی آسمانی ۷، ص ۹۲) (مضمون عبارت عربی: این امری حتمی است و تردیدی در آن نیست.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

^{۱۹۳} در نسخه‌ی موجود در لئالی الحکمة ۲، "می‌نمایند" ثبت شده است.

۱۴) « در آن تاریخ اوقتی صیت (آوازه‌ی) عظمت و اقتدار و قهاریت و غلبه‌ی ظاهره و سیطره‌ی محیطه‌ی (امراهی) جهان‌گیر گردد، آثار علوّ و امتناع و سُمّ و اعتلاء از برای کلمه‌الله در شرق و غرب حاصل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۷-۴۲۸)

۱۵) « عنقریب... نجات‌الله منتشر و کلمه‌الله مشتهر گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۸۸)

۱۶) « یا احبّاءالله، لاتحزنوا اذا قامت الاحزاب علی الاذی و الاستهزاء و التّعذیب و التّویخ و السّبّ و البغضاء، سیزول هذه الظلمات و تشرق انوار الآیات البینات.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۹۷، ص ۱۴۱) (مضمون بیان مبارک: ای احبّای الهی، هنگامی که احزاب به اذیت و استهزاء و عذاب و تویخ و بغض و بدگویی قیام کنند محزون نشوید؛ به زودی این ظلمات زایل گردد و انوار آیات بینات درخشان شود.)

۱۷) « مشاهده خواهید نمود که... چگونه... آیات کلمات الهیه بر جبال عالیّه‌ی حقائق موجودات بلند می‌گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۷۴)

۱۸) « عنقریب مشاهده خواهید نمود که... ترتیل آیات ربّ مجید نغمه‌اش اهل ملأ اعلی را به طرب آرد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۲۵)

۱۹) « قسم به جمال قدم که الیوم هیأت عالم و هیکل امم در ظلّ اسم اعظمست و حال اگر چه ناس ملتفت نیستند؛ لکن عنقریب قوه‌ی نفوذ کلمه‌ی الهیه چنان در ارکان عالم تأثیر نماید که کلّ به ثنای ربّ جلیل و تقدیس احبّای رحمن مشغول شوند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۸)

۲۰) « سطوت کلمه‌الله شرق و غرب را به حرکت آرد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، آگوست ۱۹۸۱، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۳۹)

۲۱) « در این دور بدیع... کلمه‌الله چنان قوتی و قدرتی در حقایق انسانیّه نموده که شعون بشریه را تأثیر و نفوذی نگذاشته، به قوت قاهره کلّ را در بحر احدیت مجتمع فرموده و می‌فرماید.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، مارس ۱۹۹۷، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۸۵)

۲۲) « الیوم جز قوه‌ی کلمه‌الله که محیط بر حقایق اشیاء است، عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجره‌ی واحده جمع نتواند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۷، توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۳) « سوف ترتفع الحجاب و تزول النّقاب و ينكشف الظلام عن صبح ساطع الاشراق على الآفاق و ترتفع اعلام كلمة الله و تنتشر روائح نفحات الله و يلوح فجر البقاء و يبوح بالسّر المستسر و الرّمز المكنون سراج موهبة الله و تهبّ نسائم موهبة الله من مهبّ العناية على الارحاء و الانحاء.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، ص ۹۶) (مضمون: به زودی حجاب کنار خواهد رفت و نقاب زایل خواهد شد و تاریکی از جلوی بامدادی که بر آفاق می‌تابد محو خواهد گشت و علم‌های کلمه‌ی الله مرتفع خواهد شد و عطر نفحات الهی منتشر خواهد گشت و سپیده‌دم بقا سرخواهد زد و سراج موهبت ربّانی، با سرّ پوشیده و رمز مکنون، خواهد تابید و نسیم‌های بخشش خدایی از محل عنایت بر دیارها و سرزمین‌ها خواهد وزید.)

۲۴) « یقین است که کلمه‌ی الله نور مبین آفاق گردد و جهان و جهانیان را روشن نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره‌ی ۱۰۶)

۲۵) « عاقبت منکرین نیز از مقبلین گردند و مستکبرین نیز به غایت خضوع و خشوع برخیزند. همانست که مرقوم نموده‌ای؛ نفوذ کلمه‌ی الله کوه البرز را مانند پرکاه نماید.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۶۲)

۲۶) « کلمه‌ی ربّانی... قوتیست که عالم وجود را تغییر و تبدیل کلی دهد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره‌ی ۳۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲۷) « احبّاء... عاقبت را خیر محض دانند و ارتفاع کلمه‌ی الله... را که قلم اعلی به آن بشارت داده، مؤکّد و محتوم شمرند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۲)

۲۸) « در سنین آتی‌ی این دور بهایی... جلوه‌ی سلطنت بهائیّه و غلبه‌ی ظاهره‌ی شریعت الهیّه... ملوک و سلاطین را در ظلّ سیطره‌ی محیطه‌ی کلمه‌ی الله مجتمع گردانند.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۵)

۸۲. عهد و میثاق الهی (۲۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « عنقریب کتاب میثاق در صوامع آفاق ترتیل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۵)

(۲) « قسم به جوهر وجود و سلطان غیب و شهود که مقامی به جهت ثابتین و متمسکین بر عهد و میثاق الهی مقدّر شده است که غبطه‌ی اولیاء و منتهی آرزوی اصفیاست. عنقریب انوار این پیمان الهی شرق و غرب را احاطه نماید.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۳۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۱۹۸]

(۳) « اگر به دیده‌ی بصیرت نظر بشود، جمیع قوای عالم بالتّیجه خادم میثاق؛ ولی در استقبال ظاهر و آشکار خواهد گشت.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۱۹۲- مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب صد و چهل و سه، ص ۱۵۴)

(۴) « عنقریب نفوسی به فیوضات ملکوت ابهی مبعوث گردند که سیف شاهر (کشیده شده‌ی) میثاق را بر هیکل آفاق بیاویزند و نور عهد قدیم را از افق جبین طالع فرمایند و علم پیمان را در قطب امکان برافرازند، یومئذ یستبشر المؤمنون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۸- ص ۲۴۱) (مضمون عبارت: آن زمان، مؤمنان شادی خواهند کرد.)

(۵) « نصوص کتاب اقدس، لوح محفوظ الهی، منسوخ نگردد و مرکز میثاق الهی نلغزد؛ علم مبین سرنگون نشود؛ کوکب صبح منیر آفل نگردد؛ بحر محیط از فیض منقطع نشود؛ شمس شهیر در پس سحاب شدید نماند؛ نسیم عنایت منقطع نگردد و باب رحمت مسدود نشود؛ مواهب جمال ابهی مفقود نگردد و موارد فرات سائغ بارد و شراب (سرد و نوشیدنی) مقطوع نشود. عنقریب کوکب میثاق اشراق بر آفاق نماید و آفتاب عهد بر شرق و غرب بتابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۸- ص ۲۵۹)

(۶) « فیض شامل نجم آفل نگردد و غیث هاطل (باران ریزنده) شیء باطل نشود؛ انوار ملکوت ظلمات لیل دیجور نشود و آیات لاهوت منسوخ اهل غرور نگردد. عنقریب آیات عهد موج گردد و انوار ساطع میثاق، کوکب و هاج؛ این سیل عظیم آبیاری هفت اقلیم نماید و این نور مبین پرتو افشانی بر روی زمین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۹- ص ۲۷۰)

(۷) « انت الصّخرة و علی هذه الصّخرة ابنی کنیستی،... این کلمه از مسیح، هزار سال وحدت مسیحی را محافظه کرد؛ دیگر معلوم است کتاب عهد که اثر قلم اعلی است، چه خواهد نمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۴۸) [مضمون آیه‌ی انجیلی: تو (خطاب حضرت مسیح به پطرس حواری) صخره هستی، و من کلیسای خود را بر روی این صخره بنا خواهم کرد.]

(۸) « تالله الحقّ سوف تری رایة المیثاق تخفق فی اعلی قلل الآفاق و انّ نیر عهد ربّک یشرق اشراقاً تشخص منه الابصار، عند ذلک تری المتزلزلین فی خسران مبین و الغافلین فی حسرة و یأس شدید.»

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء^۴، فقره‌ی ۱۸۸- ص ۲۴۳- مکاتیب حضرت عبدالبهاء^۲، ص ۲۵۴) (مضمون: سوگند به خداوند، به زودی پرچم میثاق را بر بلندترین قله‌های آفاق در اهتزاز خواهی دید و خورشید عهد پروردگارت چنان بدرخشد که دیدگان را بزند، آنگاه متزلزلان را در زیان آشکار و غافلان را در حسرت و یأس شدید مشاهده خواهی کرد.)

۹) « معدودی محدود، هوس سروری نمودند و... به قوتی چون بعوض (پشه) نفوذ در میثاق خواهند...، هیئات هیئات، هرگز آفتاب عهد به قوت اهل مهد پوشیده نشود و رخ مهر تابان به همسات (وسوسه‌های) خفاشان رنجیده نگردد و سیل فیض بهاران به مشتی خاک مسدود نشود و نسیم ریاض میثاق مقطوع نگردد؛ فسوف یسمعون نقرات هذا الناقور و نغمات هذا السّافور من الملاء الاعلی سبحان ربّی الابهی، هنالک ینطقون المؤمنون و المتزلزلون تالله لقد اثرک الله علینا.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء^۴، فقره‌ی ۱۸۹- ص ۲۶۲) (مضمون بخش عربی: به زودی صدای این ناقور (بوق بزرگ) و آواز این سافور (شیپور بزرگ) را از ملاء اعلی خواهند شنید؛ پاکیزه است پروردگار ابهای من؛ آنگاه هم مؤمنان و هم متزلزلان خواهند گفت: به خدا قسم و به راستی خواست خدا بر ما ظاهر شد.)

۱۰) « آن منشور (کتاب عهدی، وصیت نامه‌ی حضرت بهاءالله) اثر خامه‌ی ربّ النّشور است و آن لوح محفوظ اثر کلک سلطان ظهور. در قرآن می‌فرماید "اَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ"^{۱۹۴}، محفوظ است و مصون. مثبت است و منصوص. بنیانش مرصوص، صفوف اوهام را مجالی نه و الوف بغضا را نفوذی نه. عنقریب ملاحظه می‌نمایید که علم میثاق موج بر آفاق زند و نور پیمان چون مه تابان بر اکوان درخشد؛ یومئذ یرح قلب الثّابتین و یقشعر جلود النّاقضین، الا انّهم فی خسران مبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء^۶، فقره‌ی ۲۳۲) [مضمون عبارات عربی: همانا ما ذکر (قرآن) را نازل کردیم و خودمان آن را حفظ می‌کنیم... آنگاه قلب ثابتان شاد شود و پوست ناقضان بلرزد؛ بدان که آنان در زیان آشکارند.]

۱۱) « ای ناظر الی الله، اگر احزاب امم و جموع ملل مجتمع گردند و کلّ مقاومت میثاق خواهند، به قوت ملکوت ابهی جند هنالک مهزوم من الاحزاب گردند و خائب و خاسر شوند و سوف ترون المتزلزلین فی خسران مبین. عنقریب انوار میثاق آفاق را منور نماید و هذا حقّ معلوم و وعد غیر مکذوب.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء^۶، فقره‌ی ۴۳۴) (مضمون عبارات عربی: سپاهی در آنجا درهم شکستیانند... به زودی متزلزلان را در زیان آشکار خواهید دید. نه چندان دیر، انوار میثاق آفاق را روشن خواهد کرد و این حقّی نمایان و وعده‌ای راستین است.)

^{۱۹۴} سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۹.

۱۲) « عنقریب علم پیمان یزدان در قطب امکان موج زند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۴۸۵)

۱۳) « اگر چنانچه طیوری پرتو خاوری را انکار نمایند و یا خود، ضعف بصر خویش را آشکار نمایند، ضرری ندارد. عنقریب شمس میثاق به قسمی اشراق نماید که این طیور به حفرةی خمول دوند و این ضعفاء در پس پرده اختفا برآیند و لا تسمع لهم صوتاً و لا رکزاً.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۴۸۷) (مضمون عبارت: و از آنان صدایی نشنوی و نشانی نیابی.)

۱۴) « عنقریب علم میثاق متموج در شواحق (بلندی‌ها) آفاق گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۵۱۹)

۱۵) « عزیز مصر الهی (اشاره به خود هیکل مبارک است که به حضرت یوسف تشبیه شده است) به رغم هر حسود عنود، "ز قعر چاه برآید" (و) به عنایت جمال ابهی، "به اوج ماه رسد". عنقریب ملاحظه خواهید فرمود که به تأیید ملکوت ابهی علم میثاق در قطب آفاق به موج آید و شمع پیمان در زجاج امکان چنان ساطع شود که ظلمات نقض به کلی زائل گردد و فریاد "تالله لقد آثره الله علی الوری" استماع شود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۶۹) (مضمون عبارت: به حق قسم و به راستی، خداوند آن را بر خلق برتری داد.)

۱۶) « عاقبت، آفتاب عهد چنان شرق و غرب را گرم نماید که این خفّاشان چون اضعف موجود، در ارض، معسور (دچار سختی و تنگ دستی) و محسور گردند و از حسرت و پشیمانی شب و روز همدم ناله و فغان شوند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۴۱۷)

۱۷) « دریای میثاق الی‌الابد پرموج است و در جوش و خروش.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۸۴)

۱۸) « یاران حقیقی را مزدهی تأیید جمال قدم دهید که عنقریب... علم میثاق پرچمش موج بر آفاق زند؛ نور احدیت بدرخشد و کوکب هدایت نور بخشد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۲)

۱۹) « عنقریب ملاحظه نمایید که پرتو تقدیس میثاق، آفاق را روشن نماید و انوار عهد، جهان و کیهان را مطلع مه تابان فرماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ششم، ص ۹۹)

۲۰) « فسوف تری علم الميثاق خافقاً علی اعلی قلال الآفاق.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۵۷) (به زودی پرچم میثاق را بر بلندترین قله‌های آفاق در اهتزاز خواهی دید.)

۲۱) « ای ورقه‌ی موقنه‌ی منجدبه،... عنقریب رایات عهد و میثاق را بینی که بر صروح (قصرها) آفاق بلند است.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۰۲)

۲۲) « سَتَرُونَ أَنَّ الْأَشْعَةَ السَّاطِعَةَ مِنْ شَمْسِ الْمِيثَاقِ احْاطَتِ الْآفَاقَ وَ تَزَلْزَلَتْ أَرْضُ الشَّبَهَاتِ وَ فَاضَ غَمَامُ الْعَهْدِ وَ غِيضُ غَدِيرِ الْنَقْضِ. يَوْمَئِذٍ تَرُونَ جَمَالَ الْعَهْدِ مُسْتَقْرَأً عَلَى كُرْسِيِّ الْجَلَالِ وَ آيَاتُ الْمِيثَاقِ تُتْلَى عَلَى الْآفَاقِ. » (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۴) [مضمون: به زودی خواهید دید که پرتوهای درخشان خورشید میثاق افق‌ها را فراگرفته است و زمین شبها به لرزیدن آمده است و ابر عهد باران باریده است و برکه‌ی نقض خشکیده است. آن روز خواهید دید که جمال عهد (اشاره به خود هیکل مبارک) بر کرسی جلال مستوی است و آیات میثاق در همه‌ی سرزمین‌ها خوانده می‌شود.] (این وعده تا حدی تحقق یافته است.)

۲۳) « عَنْقَرِيبَ انْوَارِ اَيْنِ پِيْمَانِ الهِي، شَرْقٍ وَ غَرْبٍ رَا احَاطَه نَمَائِدِ. » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۱۹۸)

۲۴) « وَ لَوْ اَنْتُمْ يَا اَغْنَامَ اللَّهِ بَيْنَ بَرَاثِنِ الضَّوَارِي مِنَ السَّبَاعِ وَ مَخَالِبِ جَوَارِحِ الْبَقَاعِ، لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ سَ... يَتَزَلْزَلُ بِنِيَانِ الشَّبَهَاتِ وَ يَنْشَقُّ حِجَابَ الظُّلْمَاتِ وَ يَنْفَلِقُ صَبْحَ الْبَيِّنَاتِ وَ يَشْرِقُ بَانْوَارِ الْآيَاتِ مَلَكُوتِ الْأَرْضِ وَ السَّمَوَاتِ. » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۴۰- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۴۳، لوح خراسان) (مضمون: ای اغنام الهی، گرچه بین پنجه‌های وحوش درنده و میان چنگال‌های گوشت‌خواران پرنده اسیرید، اما از روح الهی مأیوس نشوید؛ نه چندان دیر، بنیان شبها لرزان خواهد شد و حجاب ظلمات دریده خواهد گشت و بامداد بیّنات خواهد دمید و به انوار آیات، عرصه‌ی زمین و اوج آسمان را روشن خواهد کرد.)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲۵) « قَدْرَتِ عَهْدِ وَ مِيثَاقِ الهِي هَرْگُونِه اَمْتِحَانِ وَ اَفْتِنَانِي رَا كِه اَز سَمَاءِ قَضَايِ مَبْرَمِ نَازِلِ شُود، مَحْوُ وَ نَابُودِ خَوَاهَدِ كَرْدِ وَ بِه اَيْنِ طَرِيقِ، نَشَانِ خَوَاهَدِ دَادِ كِه قَادِرِ اسْتِ دَنِيَايِ پَر اَضْطْرَابِ رَا نَجَاتِ دَادِه وَ عِلْمِ مَلَكُوتِ الهِي^{۱۹۰} رَا بَر رُويِ زَمِينِ بَر اَفْرَازِدِ. » (۹ مارس ۱۹۶۵، ارکان نظم بدیع، صص ۲۹۰-۲۸۹)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۲۶) « مَا يَقِينُ دَارِيْمِ هَمِيْنِ كِه شَمَا (اعضای محفل روحانی ملّی هلند) مَضْمُونِ اَيْنِ نَامِه رَا بَا يَارَانِ دَر مِيَانِ كَزَارِيْدِ وَ مَنْتَخَبَاتِ اَنْوَارِ مَبَارَكِه وَ مَرْقُومَاتِ حَضْرَتِ وَلِيّ اَمْراللهِ تَوَجَّه اَنْهَا رَا جَلْبِ نَمَائِدِ، شَكِّ وَ شَبَهِي اَنْآنِ اَز مِيَانِ رَفْتِه، خَوَاهَنْدِ تَوَانَسْتِ تَمَامِ مَسَاعِي وَ هَمّتِ خُودِ رَا دَر نَشْرِ اَمْرِ حَضْرَتِ بَهَاءِ اللهِ صَرْفِ نَمَائِنْدِ وَ بَا كَمَالِ صِفَا وَ مَسْرّتِ مَطْمَئِنِّ بَاشَنْدِ كِه قَدْرَتِ عَهْدِ وَ مِيثَاقِ الهِي هَرْگُونِه اَمْتِحَانِ وَ اَفْتِنَانِي رَا كِه

^{۱۹۰} به مبحث پرشکوه ۱۴۷ مراجعه شود.

از سماء قضای مبرم نازل شود محو و نابود خواهد کرد و به این طریق نشان خواهد داد که قادر است دنیای پراضطراب را نجات داده و علم ملکوت الهی را بر روی زمین برافرازد.» (پیام ۹ مارس ۱۹۶۵، خطاب به محفل روحانی ملی هلند راجع به تشویش خاطر بعضی از احبّاً نسبت به زمان انتخاب بیت‌العدل اعظم)

(۲۷) «همچنان که ظلمت مستولی بر عالم انسانی غلظت می‌یابد، انوار حیات بهایی تابان‌تر و درخشان‌تر خواهد شد و عالمیان را در پناه میثاق حضرت بهاء‌الله، تنها کسی که قادر است صلح و عدالت و حیاتی منظمّ برایش تأمین کند، وارد خواهد ساخت.» (ترجمه) (معهد اعلی، آگوست ۱۹۶۸، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

(۲۸) «دریای میثاق الهی الی‌الابد پرموج است و پرجوش و خروش.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام ۷ دسامبر ۱۹۶۹، خطاب به یکی از احبّاً)

۸۳. معبد بهایی (مشرق‌الاذکار) (۲۵)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) «عنقریب... صبح مبین عزّت قدیمه پرتوش خاور و باختر را روشن کند. آهنگ ملکوت ابهی در مشارق اذکار بلند شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره‌ی ۴۸۵)
- (۲) «این مسئله (بنای مشرق‌الاذکار)، بعد خیلی اهمّیت پیدا می‌کند. بعد، هزاران مشرق‌الاذکار ساخته خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب پنجم از ردیف ع، ص ۱۸۹)
- (۳) «مشرق‌الاذکار مدّور و دائره شکل است؛ نه خیابان، نه باغچه، نه حوض با فواره‌های آب و نه دروازه در اطراف دارد و هر خیابانی به محلی می‌رود؛ مثل محلّ ایتام، دارالشفا، مدرسه‌ی ابتدایی و کلیه‌ی امثال این‌ها که از لوازم مشرق‌الاذکار است. داخل مشرق‌الاذکار ارغنون و غرفات خواهد بود و کرسی خطاب‌ه مخصوص مناجات و عبادت؛ ولی خطاب‌ه هم در آنجا می‌توان داد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب پنجم از ردیف م، ص ۲۵۰)
- (۴) «دوستان را محفلی باید و مجمعی شاید... این محافل مشارق اذکار است که به قلم اعلی تعیین و مقرر گردیده است که باید در جمیع مدن و قراء تأسیس شود... این مجامع روحانی در نهایت تنزیه و تقدیس ترتیب یابد تا از محلّ و ارض و هوایش نفحات قدس استشمام گردد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۴۵]

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۵) «در قرب آن مقامات [در مرجع عکّا، روضه‌ی مبارکه‌ی مطهره‌ی جمال اقدس ابهی؛ (و) در جبل کرمل، در مقام مقدّس اعلی، عرش مطهر حضرت نقطه‌ی اولی؛ و رسم منور حضرت من طاف حوله الاسماء (حضرت عبدالبهاء)] ... مشرق‌الاذکار ارض اقدس بنیانش مرتفع گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۵)

۶) «به مرور ایام، بنیان رفیع مشرق‌الاذکار در حوالی و اکناف (مواقع جلیله و بقاع متبرکه‌ی ایران) مرتفع گردد و بر رونق و روحانیت و ابّهت و صفا و جلال معاهد امریه بیفزاید و روح زنده و آزاد آیین ربّ‌العالمین را بر روی زمین به ظاهر ظاهر، مثالی برازنده و تمثالی پاینده میسر و مقرر گردد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۴)

۷) «معابد متعدّده‌ی بهایی در ارض طا، امّ‌العالم (طهران)، افق نور و جبل مقدّس کرمل در قلب‌العالم و مطاف‌الامم، و مرکز عربی و اسلامی (قاهره)، و مدینه‌الله (بغداد)، و عواصم ممالک اُخری در شرق و غرب تأسیس شود.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۸) «وسائل بنای توابع و ملحقات اولین مشرق‌الاذکار عالم بهایی در مدینه‌ی عشق و امّ‌المعابد غرب در قاره‌ی امریک، به کمال اتقان و انتظام فراهم گردد.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۹) «فی‌الحقیقه این معبد (مشرق‌الاذکار شیکاگو، امّ‌المعابد مغرب زمین) از لحاظ تبرک و تقدّس با اولین مشرق‌الاذکار عالم بهایی (در عشق آباد روسیه که به سبب زلزله ویران شد) و مشرق‌الاذکارهای دیگری که در مستقبل ایام در نقاط مختلفه مرتفع می‌گردند، قابل قیاس نبوده و نیست.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸۹) (۱۱ آوریل ۱۹۴۹)

۱۰) «این بنا (مشرق‌الاذکار شیکاگو) که تأسیسش از مفاخر سنین اخیره‌ی عصر اولای دور بهایی است، در این عصر تکوینی (تکوین) امر مرتفع و متفرّعات آن باید در طیّ عهدهای متوالیه‌ی این عصر به وجود آید و ثمرات بدیعه‌اش در عصر آینده، یعنی عصر نهایی و ذهبی اولین و مشعشعترین دور کور پانصد هزار سال (ه ی) بهایی عاید گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۹۰) (۱۱ آوریل ۱۹۴۹)

۱۱) «قوای خلاقه‌ی مکنونه‌ی این بنای عظیم مقدّس (مشرق‌الاذکار شیکاگو) که رمز و منادی مدنیّت جهانی آینده... است به تمامه، ظاهر و مکشوف گردد و انوار جلال و عظمت روح قدسی مستوره‌اش به

اشدّ اشراق ظاهر و ساطع شود و آنچه حضرت عبدالبهاء در باره‌ی آینده و سرنوشت آن بیان فرموده‌اند واضحاً مشهوداً تحقّق یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۹۲) (۱۱ آوریل ۱۹۴۹) ۱۲ «اعضای شجیع جامعه‌ی بهایی آمریکا... اولویّت خود را از طریق... ابتیاع اراضی برای ساختمان‌های آینده‌ی معابد بهایی به ثبوت رسانیده‌اند.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۰۴) (۲۱ سپتامبر ۱۹۵۷)

۱۳ «حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی نموده است که: "وقتی... آن بنای عظیم الهی (مشرق‌الاذکار شیکاگو) به اتمام رسد، حرکتی عجیب و جنبشی غریب در عالم وجود احداث خواهد شد... از آن مرکز نورانی، روح تبلیغ... در جمیع اقطار عالم نفوذ خواهد کرد."» (مرور معبود، ص ۴۶۱)

۱۴ «(حضرت عبدالبهاء) در الواح طرح ملکوتی (الواح تبلیغی) تصریح نموده است که: "البته از این مشرق‌الاذکار (مشرق‌الاذکار شیکاگو) هزاران مشرق‌الاذکار تولّد خواهد یافت."» (مرور معبود، ص ۴۶۱)

۱۵ «(حضرت عبدالبهاء) هنگام تشریف فرمایی به اراضی معبد (شیکاگو) اظهار داشته است: "هزاران مشرق‌الاذکار در خاور و باختر تأسیس خواهد گردید..."» (مرور معبود، ص ۴۶۲)

۱۶ «(حضرت عبدالبهاء) هنگام تشریف فرمایی به اراضی معبد (شیکاگو)... در اشاره به آن بنای باشکوه فرموده است: "این تأسیس مشرق‌الاذکار، نمونه‌ای از برای قرون آتیه گردد و به منزله‌ی مادر باشد."» (مرور معبود، ص ۴۶۲)

۱۷ «امّ‌المعابد غرب (مشرق‌الاذکار شیکاگو- م) رمز مدنیت الهیه (است) که به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء هزاران مشرق‌الاذکار از آن تولّد خواهد یافت.» (حضرت ولیّ امرالله، توفیق ۱۰۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۴۱)

۱۸ «به مرور ایام و به تأییدات لاریبیه‌ی مستمره‌ی مولی‌الانام و سابق‌الانعام، پیروان امر ملیک علام... به تشیید امّ‌المعابد ارض اقدس و توابع و ملحقاتش کاملاً اقدام خواهند کرد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۹]

۱۹ «و چون در مستقبل ایام اجزاء و ملحقات این تأسیس بدیع (مشرق‌الاذکار) که وظائفش مکمل مشارق اذکار است، تشکیل گردد و تأسیسات فرعیّه اعم از ملّی یا محلّی، مانند دارالانشاء و صندوق و محفظه‌ی آثار و کتابخانه و دایره‌ی نشریات و طالار اجتماع و محلّ انعقاد جلسات و مسافرخانه، حول این مقرّ مقدّس به تمشیت امور و انجام (دادن) خدمات مألوف شود، آنگاه است که اهمّیت این کانون فعالیت‌های اداری که نمودار روح خدمتگزاری جامعه‌ی بهایی به آستان عزّ الهی و عالم انسانی

علی‌الاطلاق است، بنحو اوفی واضح و آشکار خواهد گردید.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۶۸۵)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۰ « این مشرق‌الاذکار (مشرق‌الاذکار پاناما)...به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء "در میان دو محیط اعظم واقع" و "در آینده، اهمّیت کبری خواهد یافت."» (پیام رضوان ۱۹۶۷)

۲۱ « این اقدام (تأسیس دو مشرق‌الاذکار ملّی جدید و پنج مشرق‌الاذکار محلّی برای اولین بار) نوید دهنده‌ی روزی است که به پیروی از دستور حضرت بهاءالله، در هر شهر و دهکده، بنایی برای نیایش و عبادت پروردگار ساخته خواهد شد. از این مطالع ذکر الهی، پرتو انوارش ساطع و طنین حمد و ثنایش مرتفع خواهد گشت.» (بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)

۲۲ « مرکز میثاق... در شامگاه قبل از این مراسم (زدن اولین کلنگ بنای مشرق‌الاذکار شیکاگو) در باره‌ی مشرق‌الاذکار فرمودند: "تا نوع بشر مکانی جهت اجتماع داشته باشد" و "اعلان وحدت عالم انسانی از صحن مقدّس آن بلند شود."» (بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)

۲۳ « در مستقبل ایّام، در همه‌ی مدن و قری، معابد بهایی بنا خواهد شد.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۵۳)

۲۴ « حضرت ولیّ امرالله... نظر مبارک را به آتیّه‌ی این مشروع معطوف داشته، می‌فرمایند که معبد بهایی و متفرّعات آن، عاجزان را آسایش بخشد؛ فقرا را دستگیر شود؛ مسافران را مأوی دهد؛ غم زدگان را تسلی عطاء کند و نادانان را تربیت نماید.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۵۳)

۲۵ « معبد بهایی مختصّ به ستایش و عبادت حقّ است. این معبد، بنای مرکزی مشرق‌الاذکار است که در آتیّه علاوه بر محلّ عبادت، شامل ملحقاتی خواهد بود که به فعالیت‌های اجتماعی، بشر دوستی، تربیتی و علمی اختصاص خواهد داشت.» (کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۵۳)

۸۴. شهدای فی سبیل‌الله (۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « جفاکاران دست تطاول گشودند و ذرّه‌ای رحم نمودند؛ تالان و تاراج نمودند؛ حلق‌ها بریدند و قلب‌ها دریدند و خون‌ها ریختند؛ تن‌ها را پاره پاره نمودند و اجساد را بسوختند و اطفال و نساء را نیز شهید نمودند. این شهادت... عنقریب آثار باهره‌اش مانند کوکب ساطع بر جهان و جهانیان لامع گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۰۷)
- (۲) « سبحان الله، از خون شهیدان، آن دشت و صحرا (در یزد) گلزار و لاله زار گشت؛ ولی مشام غافلان هنوز به زکام مبتلا. عنقریب چنان برویاند خدا که اهل مشرق و مغرب مبهوت و حیران مانند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۵۹۶)
- (۳) « این واقعه عظمی (شهادت احبّای یزد)، سبب اعلاء کلمة الله گردد و نشر نفعات الله؛ نسمة الله به هبیب آید و نیر موهبة الله طلوع کند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب ششم از ردیف ش، ص ۱۶۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۳۵)
- (۴) « این واقعه عظمی (شهادت احبّای یزد)، سبب (شود که) امر صد مرتبه عظیم تر شود و رایت الهیه بلندتر گردد؛ آیت تقدیس ظاهر شود و جمیع ملل از هجوم جنود شهادت، مغلوب و مقهور و مهزوم گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب ششم از ردیف ش، ص ۱۶۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۳۵)
- (۵) « آن جوهر وجود (یکی از شهدای امرالله)... اگر به ظاهر به ذلت کبری شهید شدند، ولی به حقیقت، بر سریر عزّت سرمدی جالس؛ عنقریب مشاهده خواهد شد که ملوک به آن تراب تبرک خواهند جست و جمیع اعناق خاضع خواهد گشت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۵، ص ۴۹)
- (۶) « ای یاران الهی، این نفوس (جناب ورقا و حضرت روح الله) سزاوار بندگی جمال مبارکند که به مبارکی اسمشان جهان و جهانیان عنقریب در بشارت. روحی لهم الفداء و کینونتی لهم الفداء.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب صد و چهل و پنجم، ص ۱۵۸) (مضمون عبارت: روحم و ذاتم برای آنان فدا باد.)
- (۷) « آن امة الله... شخص خطیری را که از جان عزیزتر داشت در میدان فدا سرداده دید و جسم لطیفی را که پرورده‌ی پرند و پرنیان بود پایمال سُم ستوران یافت... لا بأس؛ انّ ذلك الجسد سیکون مزار الملوک اولی السّطوة و الاشتهار.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۷، ص ۱۴۹) [مضمون عبارت عربی: عیبی ندارد؛ همانا (خاک) این جسد به زودی زیارتگاه ملوک پرقدرت و شهرت خواهد شد.]

(۸) « عنقریب از سقایه به خون، مزرعه‌ی امرالله چنان گل و ریاحین برویاند که شرق و غرب معطر گردد و جنوب و شمال معنبر شود.» [حضرت عبدالبهاء، مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۱۲]

۸۵. هنر بهایی (۱۰)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « امیدوارم که اشعار فارسی جمال مبارک را حفظ نمایی و به ابداع انغام در محافل و مجالس بخوانی. عنقریب این اشعار تطبیق با الحان انگلیسی گردد و در نهایت وجد و سرور این سرود به ملکوت ابهی رسد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۴۲)

(۲) « الحمدلله تو آهنگ موسیقی را با نغهی ملکوتی آمیخته‌ای، جهان جان را شادمان کنی و الی الابد احساسات وجدانیّه را تحریک نمایی و باقی و برقرار ماند و ذکرش در مرور اعصار و قرون مستمر گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۴۳)

(۳) « اشعاری که در این زمان نظم می‌شود تا ابدالآباد زبان زد فصحا و بلغای عالم گردد و بعد از هزار سال نیز در محافل کبری و مجامع عظمی و معابد عظیمه در جمیع دنیا ترتیل و ترنیم گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۵۶)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۴) « مطمئنّاً روح این ابطال (مذکور در مطالع الانوار) بسیاری از هنرمندان را برخواهد انگیخت که بهترین آثار خود را به وجود آورند.» (حضرت ولیّ امرالله، ۲۰ جون ۱۹۳۲، مجموعه‌ی اهمّیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۲۰)

(۵) « ما معتقدیم که در آتیّه‌ی ایام، وقتی که روح امر بهایی در عالم نفوذ کرده و جامعه را عمیقاً متحوّل کرده باشد، موسیقی تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت.» (حضرت ولیّ امرالله، ۳ فوریه ۱۹۵۲، مجموعه‌ی اهمّیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۲۹)

(۶) « در زمانی امرالهی چون آتش به همه جا سرایت خواهد کرد که روح و جوهر تعالیمش بر صحنه‌ی نمایش یا در هنرهای متنوع یا در ادبیات، به عالمیان عرضه گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط

بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹- نیز مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۶- و با ترجمه‌ای بهتر، مندرج در پیام آسمانی ۲، ص ۴۸، فقره‌ی ۶۹)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۷) « هنرهای ترسیمی و نمایشی و ادبیات نقش عمده‌ای در اتّساع دائره‌ی نفوذ امرالهی ایفاء نموده‌اند و در آینده نیز ایفاء خواهند نمود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۴۸)

۸) « از بیانات مندرج در آثار مبارکه تردیدی نمی‌توان رواداشت که تبلور و شکوفایی بدیع هنرهای جدید و جمیل را می‌توان در آتیّه‌ی ایّام انتظار داشت.» (معهد اعلی، ۱۷ ژانویه‌ی ۱۹۷۳، مجموعه‌ی اهمّیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۳۳)

۹) « معماری جدیدی که این ظهورالهی به وجود خواهد آورد، بعد از نسل‌های بسیار شکوفا خواهد شد. ما تنها در بدایت این جریان عظیم هستیم.» (معهد اعلی، ۱۸ جولای ۱۹۷۴، مجموعه‌ی اهمّیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۳۴)

۱۰) « جمیع این‌ها (فرهنگ، هنر، موسیقی یا معماری بهایی) بلا تردید، در آتیّه‌ی ایّام به عنوان نتیجه‌ی طبیعی مدنّیت بهایی^{۱۹۶} ظهور خواهد کرد.» (معهد اعلی، ۲۳ جون ۱۹۸۵، مجموعه‌ی اهمّیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۴۲)

۸۶. محاکم بهایی (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱) « اقدامات اولیه برای استقرار مؤسّسات محاکم بهایی، که حقّ قانونی اجرای... قوانین و احکام به آن‌ها محوّل گشته، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) انجام نشده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

۲) « در سنین آتیّه‌ی این دور بهایی... محکمه‌ی شرعیّه‌ی بهائیّه به کمال عظمت و متانت تشکیل گردد.» (توقیع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

^{۱۹۶} به مبحث ۱۳۸ مراجعه شود.

۸۷. دانشگاه بهایی (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) «مدارس تابستانه... در آتیّه‌ی ایام به دانشگاه‌های بزرگ بهایی منتهی خواهد گردید.» (قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۶۸۸)

(۲) «تاکنون (۱۹۴۴ میلادی) سایر جامعه‌های بهایی... از برنامه‌ها و فعالیت‌های این مدارس (مدارس بهایی آمریکا) الهام گرفته‌اند؛ الهامی که به آن‌ها کمک خواهد کرد... مؤسّساتی را به وجود آورند که امید می‌رود به دانشگاه‌های آینده‌ی بهایی مبدّل و منتهی گردند.» (مرور معبود، ص ۴۴۹)

۸۸. تاریخ و مورّخین بهایی (۱۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) «افسوس که ما از شرایط دقیق حاکم بر آن اعلان سرنوشت ساز (اظهار امر علنی در باغ نجیب پاشا) اطلاع چندانی در دست نداریم. سخنانی که حضرت بهاءالله در آن موقعیت خطیر بیان کرد؛ نحوه‌ی اعلان امر حضرتش و واکنش‌هایی که این اعلان عظیم ایجاد نمود، و بخصوص تأثیر آن بر میرزا یحیا؛ هویت کسانی که مفتخر به شنیدنش شدند؛ همه، در حاله‌ای از ابهام فرو رفته که زدودنش برای تاریخ نویسان آینده، چندان آسان نخواهد بود.» (مرور معبود، ص ۲۲۲)

(۲) «محال است اهمّیت این همه خدمات متنوع (خدمات حال و آینده‌ی احبّای آمریکا) را نادیده گرفت یا ارزش روزافزون نتایج حاصله‌اش را به درستی تخمین زد و این کار فقط از عهده‌ی مورّخین آینده‌ی بهایی ساخته است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۵)

(۳) «امر بهایی... اینک برای تحقّق مشیّت الهیّه در عالم امکان در حال تکامل است. شکی نیست که مورّخین صاحب قلم آینده، در باره‌ی این امر اعظم بهتر از هر یک از پیروانش در نسل حاضر قادر خواهند بود که آثار جاودانه و استادانهای بیافرینند و... از نیروی ذاتی امرالهی سخن گویند.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۳۹)

۴) « تاریخ حقیقی مؤمنین اولیّه‌ی عصر رسولی این امر نازنین و تحقیقات کاملی که مورّخین مبرّز بهایی در مستقبل ایّام به عمل خواهند آورد، بیان بلیغی از تاریخ آن اعصار در اختیار اخلاف خواهد گذاشت.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۵) « در این اوراق فقط رئوس اقدامات و خدمات مهمّه‌ی داخلی و خارجی یاران آمریکا را می‌توانم ذکر نمایم... بالمآل بر عهده‌ی نسل‌های آینده است که از عظمت و از قدر و ارزش آن اقدامات سخن گویند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۶، توقیع مورّخ ۲۱ آوریل ۱۹۳۳)

۶) « مورّخین آینده، آن (عصر گرفتار تجزّی و فساد و سرگردانی فعلی) را پیش‌درآمد عصری عظیم^{۱۹۷} خواهند شناخت که از روزگار زربینش امروز جز بارقه‌ی ضعیفی به چشم ما نمی‌آید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۱، توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۷) « تبیین و تشریح کامل روابطی که این دو رکن اساسی الواح وصایای حضرت عبدالبهاء (دو مؤسسه‌ی ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم الهی) را به یکدیگر متصل و هر یک را به شارع آیین و مرکز میثاق مرتبط می‌نماید وظیفه ایست که نسل‌های آینده آن را کما ینبغی و یلیق ایفا خواهند نمود.» (کتاب دور بهایی، ص ۷۸)

۸) « تحقیق دقیق در تاریخ تکامل و استحکام تدریجی نظم اداری بهایی... از عهده‌ی من و معاصرین ما برنیاید؛ زیرا هنوز وقت آن نرسیده که از قوای محرکه‌اش بتوان تجزیه و تحلیلی جامع و تخمینی درست عرضه داشت.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۳۸)

۹) « تاریخ حقیقی حیات مؤمنین اولیّه‌ی عصر رسولی این امر نازنین و تحقیقات کاملی که مورّخین مبرّز بهایی در مستقبل ایّام به عمل خواهند آورد، بیان بلیغی از تاریخ آن اعصار (اعصار سه‌گانه‌ی امرالله) در اختیار اخلاف خواهد گذاشت که در حال حاضر انجام آن برای این عبد مقدور نیست.» (کتاب دور بهایی، ص ۴)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۰) « جزئیات دقیق و کامل این ابلاغ خصوصی (اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در باغ رضوان بغداد)، بنا بر نوشته‌ی مرجع معتبر امر بهایی، یعنی حضرت شوقی ربّانی که خود نسبت به مدارک و اسناد آن ایّام اطلاع کامل و عمیقی داشته، "در پرده‌ی ابهامی مستور است که کشف آن برای مورّخین آتیّه‌ی امر بهایی خالی از صعوبت و اشکال نخواهد بود."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۲۰)

^{۱۹۷} به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

- (۱۱) «مورّخین آینده بی‌تردید با ستایش و تکریم، تجهیز مساعی لازم برای تشکیل بیت‌العدل اعظم را مهرون اقدام ایادی امرالله خواهند شمرد، زیرا آنان بودند که در فقدان رهبری ولیّ امرالله در عالم بهایی، کار هماهنگ‌کننده را به عهده گرفتند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۶۹)
- (۱۲) «مورّخین اجتماعی در آینده، نظری بی‌طرف‌تر و عالم‌بین‌تر از آنچه امروز دارند خواهند داشت و با استفاده و دسترسی به همه‌ی اسناد و مدارک دست‌اول، خواهند توانست تغییرات و تحولاتی را که حضرت عبدالبهاء در این سال‌های اولیه (قرن بیستم) ایجاد فرمود، دقیقاً مطالعه کنند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹)

۸۹. تعلیم و تربیت بهایی (۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) «آن مظهر کلی (جمال مبارک) چنان تربیت کند که امم و ملل هر چند در تباین احوال و اختلاف عادات و اخلاق و تنوع ادیان و اجناس، مانند گریگ و برّه و مار و طفل شیرخواره و پلنگ و بزغاله‌اند، با هم همدم و هم آغوش و هم‌راز گردند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)
- (۲) «در جمیع کتب و صحف انبیاء، موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور ربّ جنود)... عالم بشر تربیت شود.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)
- (۳) «نوع انسان تربیت و روش و سلوک دیگر یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در ترجمه‌ی گاد پاسز بای توسط نصرالله مودّت، ص ۵۶۵)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

- (۴) «موفقیت مؤسّسات مذکور [مراکز دائمی آموزشی (training institutes)] معلوم ساخت که در آینده، سیستم عمومی بهایی در تعلیم و تربیت در همان مسیر حرکت خواهد کرد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۳)

۹۰. نقش مؤسّسه‌ی ولایت امرالله (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « در حال حاضر اشارات دقیق و اهمیت کامل دستورالعمل‌های مندرج در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به نحو کامل دریافت نشده است؛ گذشت زمان کمک خواهد کرد تا حکم بالغه و تأثیرات وسیعی کلمات حضرتش ظاهر و آشکار گردد.» (ترجمه‌ی شخصی) [توقیع ۹ آوریل ۱۹۲۳، کتاب نظم اداری بهایی (انگلیسی)، ص ۴۷]

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲) « فاصله‌ی میان مؤسسه‌ی ولایت امرالله و مقام فرید مرکز میثاق الهی هر چقدر عظیم باشد، نقشی که حضرت شوقی افندی بعد از صعود حضرت عبدالبهاء به عهده گرفت، در تاریخ امرالله یکتا و یگانه است و این نقش محوری در قرون آتی، همچنان در حیات امرالهی باقی و برقرار خواهد ماند.» (ترجمه‌ی شخصی) [بیت العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی (انگلیسی)، ص ۵۵]

۹۱. حظیرة القدس (۱)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « این مؤسسه (مؤسسه‌ی حظیرة القدس)،... هنگامی که اجزای مرگبه‌اش، از جمله بخش‌های دفتری، امور مالی، بایگانی، کتابخانه، چاپخانه، تالار اجتماعات، اتاق شور و مشورت، و مسافرخانه، حول آن حلقه زندند... به شکلی درخور و شایسته، روحیه‌ی خدمت و فداکاری را که به جامعه‌ی بهایی جان می‌بخشد، در ارتباط با امرالهی به نحو اخصّ، و عالم انسانی به طور کلی، تعیین و تحقق خواهد بخشید.» (مرور معبود، ص ۴۴۷)

۹۲. مؤسسه‌ی حقوق الله (۱)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱) « هنوز بدایت توسعه‌ی مؤسسه‌ی حقوق الله در سطح جهانی است، مؤسسه‌ای که در قرون آینده وسعت خواهد یافت و شکوفا خواهد شد و منابع مادی لازم را برای پیشرفت جامعه‌ی بشری فراهم خواهد آورد.» (پیام ۱۴ فوریه ۱۹۹۷)

فصل هفتم

عصر تکوین، رشد امرالله و توسعه‌ی تعامل آن با عالم انسانی (۸۱۱)

۹۳. مراحل متوالی استیلاى امرالله برعالم (۲)

ح) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱) « این مراحل ثلاثه که مرحله‌ی استحکام اساس و اتّساع نطاق و اشتهار صیت امرنیر آفاق است T مقدّمه‌ی اعلان آیین یزدان در تمام جهان است.» (مندرج در پیام معهد اعلی، ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۴)

۲) « مراحل‌ی که متوالیاً (successively)، بشریّت‌ی خون‌آلود و به نحوی اسف‌بار، غافل از خدای خود و بی‌توجه به حضرت بهاءالله را از صلیب‌گاه عیسائیش به رستاخیز نهایش^{۱۹۸} رهنمون خواهند شد (عبارتند از):

- عبور از درون کوره‌ی گدازان بلایا،
- حلول صلح اصغر (شامل بازسازی عالم انسانی که نتیجه‌ی شناخت عمومی وحدت و جامعیت آن خواهد بود)،
- شناخت مشخصه و قبول مدّعیات امر حضرت بهاءالله،
- روحانی شدن توده‌های بشری،
- تلفیق و ترکیب نهایی نژادها، تیره‌ها، طبقات و ملت‌ها در هم (نوع دیگری از بیان وحدت سیاسی عالم انسانی)،^{۱۹۹}

^{۱۹۸} گفته شده که حضرت مسیح از فراز صلیب تا فلک چهارم را طی فرمود. در این بیان مبارک، به طور ضمنی، بشریت به آن حضرت تشبیه شده است، یعنی علاوه بر این که حائز همان ارزش و اهمیت است، عاقبت هم به واسطه‌ی طی کردن مراحل مذکوره، از بحبوحه‌ی ظلم و عذاب کنونی به اوج عزّت و اعتلای روحانی عروج خواهد کرد. در ضمن در این بیان مبارک، به نحوی بارز، توالی بعضی از مهم‌ترین رویدادهای آینده‌ی مربوط به امر الهی و عالم انسانی مشخص شده است؛ یعنی به استنباط نگارنده، به ترتیب: صلح اصغر، اقبال افواج، تجدید حیات روحانی عالم انسانی، اتحاد سیاسی عالم بشری، استقرار نظم بدیع الهی، حلول عصر ذهبی، استقرار صلح اعظم ابهائی، تحقق سلطنت الهی، بروز مدنیت جهانی و استقرار ملکوت ابهی بر بسط غیرا، از پی یکدیگر محقق خواهند شد. این بیان مبارک یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای ترتیب و تنظیم سلسله‌وار مباحث این مجموعه بوده است. برای اکتشاف حقایق بیشتر راجع به هر یک از این مراحل، لطفاً به کمک فهرست مفصل عناوین، به مباحث مربوطه رجوع شود.

^{۱۹۹} مطابق فقرات واضحه‌ی کثیره، استقرار نظم بدیع الهی (مبحث ۱۲۹) آخرین مرحله‌ی عصر تکوین و در بدایت جلوه‌ی عصر ذهبی خواهد بود، لهذا چنین استنباط می‌شود که این نوع "تلفیق و ترکیب" که قبل از استقرار نظم بدیع الهی حاصل خواهد شد، نوع دیگری از بیان همان وحدت سیاسی عالم انسانی است.

- ظهور نظم بدیع الهی،
- بعد، تمامی مردمان و ملت‌های ارض حلول عصر تمامیت نژاد انسانی (عصر ذهبی) را اعلان خواهند کرد و جشن خواهند گرفت.
- سپس، علم صلح اعظم افراشته خواهد شد.
- بعد، سلطنت جهانی حضرت بهاءالله مورد اقبال و استقبال واقع خواهد شد و به طور مستحکم مستقر خواهد گشت.
- سپس، يك مدنیت جهانی متولد شده، رشد و نمو نموده، ابدیت خواهد یافت.
- بعد، عهد ازلی به طور کامل تحقق خواهد یافت.
- سپس، وعده‌ی مندرج در تمامی کتب سماوی محقق خواهد شد؛
- و همه‌ی پیش‌گویی‌های انبیای سلف واقع خواهد شد؛
- و نظاره‌های حکیمان و شاعران تحقق خواهد یافت.
- بعد؛ سیاره‌ی ارض، که به سبب ایمان عمومی ساکنانش به خدایی واحد و اطاعت آنان از ظهوری مشترک، زرگونه شده است؛ تحت محدودیت‌های حاکم بر آن، عظمت‌های مشعشع سلطنت حضرت بهاءالله را که در وفور شکوه جنت ابهایش متجلی خواهد بود، منعکس خواهد کرد.» [حضرت ولی امرالله، آخرین صفحه از توقیع منبع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)] (ترجمه‌ی شخصی)

۹۴. رهایی امرالله از قید مقهوریت (۳)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- ۱) «همان گونه که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده‌اند، آینده‌ی نزدیک امرالهی... الزاماً بسیار تاریک خواهد بود.» (ترجمه) [توقیع منبع مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۰ - سرنوشت رو به ظهور جامعه‌ی بهایی انگلستان، (انگلیسی)، ص ۳۵۴]
- ۲) «دوره‌ی مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نما‌ی جامعه‌ی اهل بهاء است و مرحله‌ی ثانیه‌ی مظلومیت و مقهوریت، هر دو منقضی گردد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۷- توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۳ « در سنین آتیه‌ی این دور بهایی... جامعه‌ی پیروان امر اعزّاسنی در موطن اصلی جمال ابهی (ایران) و ممالک اسلامیّه و اقطار شرقیه، از قید اسارت و مقهوریت رهایی یابند.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۹۵. آزادی عمل امرالله (۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱ « عنقریب زمانی آید که آزادگان به آزادی به خدمت امر پردازند و مظلومان بی‌پرده، آهنگ ملکوت ابهی بنوازند، مطمئن باش.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۱۶۳)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲ « حضرت ولیّ امرالله بیان فرمود که این تحولات (تأسیس بنیادهای جهانی... تنسیق و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی... تعیین موازین بین‌المللی و تشویق همبستگی و اتفاق میان نژادها و فرهنگ‌های مختلف) و تحولاتی دیگر، بالمآل اوضاع و شرایطی را به وجود خواهد آورد که امر بهایی را در آینده قادر خواهد ساخت که بهتر و مؤثرتر به اجرای مأموریت خویش در عالم انسان موفق گردد.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۹۶. درخشش امرالله در مغرب زمین (۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱ « إعلم بان الشرق قد استضاءت آفاقها بانورالمکوت و عنقریب تتلأ هذه الانوار فی مطالع الغرب اعظم من الشرق و یحیی القلوب فی تلك الاقالیم بتعالیم الله و تأخذ محبة الله الافئدة الصافية.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۶) (مضمون: به راستی افق‌های خاور از انوار ملکوت روشن شد و به زودی این انوار در مطالع مغرب بیشتر از مشرق درخشان خواهد گشت و در آن دیارها، قلوب به تعالم الهی زنده خواهد شد و محبت الهی قلب‌های صاف و پاکیزه را تسخیر خواهد نمود.)

۲) « با وجود این که این امر در ایران ظاهر شده، عاقبت اهالی اروپ (آن را) از دست ایران و ایرانیان خواهند گرفت. این را در گوشه‌ی کتابچه مرقوم فرمایید؛ عاقبت خواهید دید؛ هنوز ایرانیان بهاییان را می‌کشند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۲)

۹۷. مرحله‌ی انفصال امرالله (۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱) « این تبلیغات (تبلیغات ناشی از حمله به امرالله در دوره‌ی فلسفی) مقدمه‌ی انفصال تدریجی آن ستمدیدگان شجاع (احبای ایران) از قیود مشقّت بار علمای رسوم عتیقه است که هر چند متجاوز از یک قرن است رو به انحطاط فاحش گذاشته، ولیکن هنوز از قوه و نفوذ عظیمی در دوائر عالیّه و در بین توده‌ی ملت برخوردارند. این انفصال که محدود به وطن حضرت بهاءالله نتواند بود، به درجات مختلفه در ممالک اسلامی تأثیر خواهد داشت و حتّی ممکن است پیش از آن که قضایای مشابهی در ممالک مجاور اتفاق افتد، این انفصال در آنها حاصل گردد و محرّک تازه‌ای شود تا بندهایی را که مانع آزادی پیروان امراللهی در این مرحله از طفولیت است بگسلد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۸۵) (۲۰ اوت ۱۹۵۵)

۲) « ید غیبی در کار است... اریاح عدلیّه به اراده‌ی نافذه‌ی مولی البریه، در میقات معلوم، مرور نماید... و منتهی به حلول عصر جدید و ورود جامعه‌ی پیروان امر ربّ مجید (در ایران) به مرحله‌ی ثالث که مرحله‌ی انفصال آیین بدیع منیع از شرع منسوخ و عتیق است، خواهد شد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۷)

۳) « در سنین آتیه‌ی این دور بهایی... انفصال شریعت الله از ادیان عتیقه کاملاً تحقّق پذیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۴) « انفصال شریعت الله از ادیان منسوخه‌ی عتیقه رخ گشاید.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودّت، ص ۳۲)

۵) « دوره‌ی ثالث که مرحله‌ی انفصال شریعت الله از ادیان عتیقه است، چهره بگشاید.» (توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۹۸. مرحلهی استقلال امرالله (۹)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۱) « ید غیبی در کار است و سائق (سوق دهنده، محرک) تقدیر به انواع وسائل و اسباب، فتهی مظلومه را از گرداب های بلایا و رزایا و حوادث و انقلابات مستمره، عاقبة الامر نجات و استخلاص دهد و به سرمنزل مقصود که علویّت و غلبه و استقلال ظاهره است رساند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائدهی آسمانی ۶، ص ۷۹- مجموعهی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۹)
- ۲) « در این عهد و عهد آتیهی این عصر و در عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی... علم استقلال دین الله در قطب آفاق موج زند^{۲۰۰}.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)
- ۳) « آنچه در هویت ین امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصهی شهود خواهد آمد... (از جمله) رهایی شریعت ربّانی از تضییقات و تعصّبات مذهبی و تمهید مقدمات برای استقلال... عمومی (است).» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)
- ۴) « در سنین آتیهی این دور بهایی... علم استقلال دین الله علی رئوس الاشهاد مرتفع گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)
- ۵) « علم استقلال دین الله بلند گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمهی مودت، ص ۳۲)
- ۶) « میقات رفع تضییقات و آزادی امرالله و استقلال شریعت الله، مجهول و علمش عند الله (است).» (حضرت ولیّ امرالله، امر و خلق ۴، ص ۴۸۲)
- ۷) « به یقین مبین بدانند... سلطهی قاهرهی اسم اعظم... امرالهی را از مرحلهای به مرحلهی دیگر انتقال دهد... و علم استقلال آیین الهی را علی رئوس الاشهاد مرتفع نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، تلگراف ۱۱ ژانویهی ۱۹۴۶، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۲۴-۲۳)
- ۸) « در این عصر تکوین امرالله، در طیّ عهد کنونی و عهد آیندهی آن... آیین الهی از قید تعصّبات مذهبی رهایی یابد و استقلال و اصالت آن در سراسر عالم مورد قبول و اعتراف قرار گیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

^{۲۰۰} از این بیان مبارک چنین بر می آید که پدیدهی استقلال دین الله فرایندی مندرج و متکامل است و از عهد اولیّهی عصر تکوین شروع شده و تا عصر ذهبی ادامه خواهد یافت.

۹ « این انفصال (امرالله از ادیان عتیقه) بنفسه، مقدّمه‌ی ارتفاع علم استقلال دین الله (مرحله‌ی رابع) و اقرار و اعتراف به حقوق مسلوبه‌ی اهل بهاء و مساوات پیروان جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان (گردد).» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۷- توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۹۹. مرحله‌ی رسمیت امرالله (۱۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۱ « استخلاص جامعه‌ی بهایی و تحقّق مواعید الهی و رسمیت کامل و فتح و مظفّریت نهایی پیروان ستم‌دیده‌ی ثابت قدم عزیز محبوب را که در موطن اصلی (ایران) به خدمت مشغولند، از آستان الهی ملتسم.» (حضرت ولیّ امرالله، تلگراف ۱۲ جولای ۱۹۵۰، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۲۹)
- ۲ « آنچه در هویت ین امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله)... رسمیت عمومی (است).» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)
- ۳ « مساوات پیروان امر جمال اقدس ابهی با تابعان ادیان سایره که مُمّه‌د سبیل از برای رسمیت آیین الهی است، تصدیق و اعلان شود.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودّت، ص ۳۲)
- ۴ « رهایی کامل امرالهی از قیود تندروی مذهبی، که شرط ضروری رسمیت عمومی آن، و ظهور نظم جهانی آن است، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) حاصل نشده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۳)
- ۵ «همین جریان است (جریان انحلال و اضمحلا در قوانین اسلامی) که به سکولار (secularization) (دنیوی) شدن تمامی دولت‌های اسلامی منتهی خواهد شد و در نهایت، تحت تأثیر آن، همه‌ی ملّت‌ها و خلق‌های مسلمان، قانون حضرت بهاءالله را به رسمیت خواهند شناخت و محبت آن را در سراپرده‌ی قلوب خود جای خواهند داد.» (مرور معبود، ص ۸۱)
- ۶ « تمامی جوامع بهایی در شرق و غرب عالم از این اعلامیه (اعلامیه‌ی استقلال امرالهی در محکمه‌ی شرعی مصری) استقبال کردند و آن را نخستین منشوری دانستند که در راه رهایی امر حضرت بهاءالله از قیود تندروی اسلامی صادر شده بود و اولین جهشی در نظر گرفتند که در مسیر منتهی به رسمیت نهایی و جهانی‌ش برداشته می‌شد.» (مرور معبود، ص ۴۷۹)

(۷) « این استقلال (دین‌الله) ممهّد سیل (است) از برای رسمیت آیین الهی (مرحله‌ی خامس) و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیه گشت.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۷- توفیق منبع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

(۸) « آن فتوای تاریخی (رای صادر توسط علمای دینی قاهره مبنی بر این که امرالهی دینی است مستقل)... تأثیرات آتیش عاقبت و به حکم ضرورت، به استقرار این آیین نوین بر پایه‌ی تساوی مطلق با سایر ادیان آن سرزمین (کشور مصر)، منتهی خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۴۸۱)

(۹) « سازمان ملل متحد آیین بهایی را به عنوان یک هیأت غیر دولتی بین‌المللی شناخته و از این راه تعیین و انتصاب نمایندگان ذی اعتبار برای کنفرانس‌های سازمان ملل متحد میسر گشته است. این امر مقدمه آن است که رسمیت دیانت مقدّسه‌ی حضرت بهاء‌الله در سراسر جهان اعلان گردد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۶۲) (۱۶ آوریل ۱۹۴۸- تلگراف ۱۵ آوریل ۱۹۴۸، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۹۴)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۱۰) « با شکرانه و سرور... آزادی غالب زندانیان بهایی در ایران را اعلان می‌داریم. گرچه این اقدام سبب شادی و سرور است؛ اما نمی‌توانیم فراموش کنیم که این، آزادی کامل جامعه‌ی بهایی ایران و تضمین حقوق انسانی اعضای آن در تمام زمینه‌ها است که باید به رسمیت شناخته شود.» (پیام رضوان ۱۹۸۹- ترجمه‌ی شخصی)

۱۰۰. ازدیاد انقلاب و اختلاف و آشوب در عالم (۱۶)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

(۱) « انقلاب عالم هر یوم در ازدیاد است؛ ولکن اهل آن، سبب و علت را ادراک ننموده‌اند.» (قلم اعلیٰ ۷، ص ۷۷)

(۲) « عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً (روزبه‌روز) در تزیاید.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله نشر آلمان، فقره‌ی ۶۱- آیات الهی ۱، ۱۲ می- امروز خلق ۴، ص ۴۷۲- نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۴۱- نقل در توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۳ « فی الحقیقه اریاح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزیید.» (دریای دانش، ص ۲۵- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۵- لوح مقصود- منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۰)

۴ « عالم منقلب و احدی سبب آن را ندانسته. باسا و ضراء (بیچارگی و بدبختی) احاطه نموده. ارض آرام نخواهد گرفت، مگر به ندای اُسکنی (فرمان آرام شو)؛ ولکن نظر به اُس اساس سیاست الهی و اصول احکام ربّانی، در القای کلمه توقف رفته و می‌رود... تفکر در انقلابات دنیا نما؛ لعمری لاتسکن بل تزداد فی کل یوم. هذا ما یُخبرک به الخیر.» (آیات الهی ۱، ۱۴ سپتامبر) (مضمون بخش عربی: قسم به جانم، ساکن نخواهد شد، بلکه در هر روز زیادت‌تر خواهد گشت. این آنچه است که شخص آگاه به تو خبر می‌دهد.)

۵ « آثار هرج و مرج مشاهده می‌شود؛ چه که اسبابی که حال موجود است، به نظر موافق نمی‌آید. از حقّ جلّ جلاله میطلبم که اهل ارض را آگاه نماید و عاقبت را به خیر منتهی فرماید و به آنچه سزاوار است مؤید دارد.» (دریای دانش، ص ۲۵- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۵- لوح مقصود- منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۰- منقول در نظم جهانی بهایی، ص ۹۴، توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۶ « حضرت بهاءالله همیشه ذکر می‌فرمودند زمانی خواهد آمد (که) بی دینی منجر به هرج و مرج شود و عالم را فراگیرد و این اغتشاش، جهتش اعطای حرّیت فاحش است به طوائفی که هنوز استعداد آن را ندارند.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۳)

۷ « روزبه‌روز هرج و مرج در دنیا در ازدیاد است. عاقبت به درجه‌ای رسد که بنیه‌ی انسانی را تحمّل نماند؛ آن وقت انتباه رخ دهد و نفوس، آگاه گردد که دین، حصن حصین است و آیین، نور مبین و احکام و نصح و تعلیم الهی مَحیی روی زمین.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی ۱۰ فوریه ۱۹۸۰- امروخلق ۴، ص ۴۷۹)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۸ « همان گونه که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده‌اند، آینده‌ی نزدیک... عالم انسانی، الزاماً بسیار تاریک خواهد بود.» (ترجمه) [توفیق منبع مورّخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۰- کتاب سرنوشت رو به ظهور جامعه‌ی بهایی انگلستان، (انگلیسی)، ص ۳۵۴]

۹) « حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیه... تصریح فرموده که... تعصبات جاهلیه ازدیاد یابد و مفساد قویه شدت نماید و حرکت‌های تازه‌ی عمومی بر هیجان و انقلاب بیفزاید.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۸-۶۸)

۱۰) « حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیه... تصریح فرموده که... آفات و بلیات من کلّ الجهات (از هر سو) هیأت اجتماعیه را احاطه نماید و عاقبه الامر، طغیان این طوفان منتهی به انقلابی گردد که شبه آن را چشم عالم ندیده و در هیچ تاریخی ثبت و مدون نگشته (است).» (حضرت ولی امرالله، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۸-۶۸)

۱۱) « انقلابات جهان... متتابعاً مترایداً از پس پرده‌ی قضا ظاهر و پدیدار می‌گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۰)

۱۲) « مقدمات حدوث انقلاب عظیم اعظم... در عالم فراهم (است).» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۶۲)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۳) « به عقیده‌ی ما (اعضای بیت العدل اعظم) این انقلابات مدهش‌ای که عالم انسانی به سرعت با آن روبه‌رو می‌شود، سبب نابودی تمدن بشری نمی‌گردد؛ بلکه باعث بروز قوای مکنونه در حقیقت انسان می‌شود.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مقدمه، ص ۵)

۱۴) « چنان که در الواح مبارکه مصرح است، این امر (تشنجات و ابتلائات و آلام و مشکلات جامعه‌ی کنونی) روزبه‌روز شدت خواهد نمود تا آن که اهل عالم را چاره‌ای دیگر نماند مگر آن که به مشیت غالبه‌ی الهیه گردن نهند و آنچه را که جمال قدم جهت نجات عالم نازل فرموده، متابعت نمایند.» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴)

۱۵) « حضرت عبدالبهاء (در اسفار مغرب زمین) هم در خطابات عمومی و هم در گفتگوهای خصوصی... به خطرات فوری و حتمی... که هم در افق امر بهایی و هم در جهان پدیدار بود، به تأکید تمام اشاره فرمود و به تعبیر حضرت ولی امرالله زمستانی را که در شدت بی سابقه بود، پیش‌بینی نمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار - ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۳)

۱۶) « حضرت ولی امرالله در تبیین منظر جهانی انقلابات و ابتلائاتی که در اثر وخامت روزافزون امور جامعه‌ی بشری در زمانی که استقرار ملکوت الهی بر روی زمین نزدیک می‌شود، رخ خواهد داد؛ با این بیانات بصیرت‌بخش و تشویق‌آمیز خطاب به احبای امریکای شمالی می‌فرمایند: "یاران الهی و حامیان شریعت ربّانی باید بدون آن که ادنی خللی در عزم و اراده‌ی آنان راه یابد و یا در کم‌ترین لحظه، وظیفه‌ی

خطیر و متعالی خویش را به دست فراموشی و نسیان سپارند، این لطیفه‌ی دقیقه را هر قدر اوضاع و حوادث عالم تیره و شدید گردد و زوابع افتتان ارکان وجود را متزلزل سازد، از خاطر محو نمایند که تقارن چنین بحران و تحوّل عظیم که عالم وجود را مندهش و مرتعش نموده با علو و امتناع امرالله و سمو و اعتلاء کلمة الله و اقتطاف (چیدن) اثمار رسالتی که از جانب حیّ قدیر به رافعان امر الهی اعطاء شده، بنفسه لنفسه، منبعث از مشیّت نافذه‌ی رحمانی و حکمت بالغه‌ی سبحانی و اراده‌ی غالبه‌ی محیطه‌ی یزدانی است.» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴)

۱۰۱. توسعه‌ی نظم اداری بهایی (۲۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « محافل بهایی نورانیست، روحانیست، رحمانیست، محرک قلوب و مبشر ارواح انسانی. حال بدایت تأسیس است؛ عنقریب ترقّی خواهد نمود و به درجه‌ای رسد که این محافل، مجامع ملکوت گردد و این نفوس (اعضای محافل روحانی آینده) ملائکه‌ی عالم لاهوت شوند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۱۰۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲) « مقصد اصلی و ضمنی که محرک آن (نظم اداری) است، استقرار نظم بدیع^{۲۰۱} جهان‌آرایی که شالوده‌ی آن را حضرت بهاءالله بنیان نهاده (است).» (کتاب دور بهایی، ص ۹۶- توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۳) « عصر تکوین دور بهایی به ارتفاع نظم اداری مخصّص گشته؛ و این نظم به مثابه‌ی صدفی برای حفظ و صیانت گوهرگرانهای امرالله است و به مرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه ایست که این شرع انور را به مرحله‌ی نهایی وارد خواهد کرد.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۵- نقل در کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بند ۱۸۹) (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۴) « این نظم اداری، همین که اجزای مُرکبه و تأسیسات اصلیه‌اش با کمال اتقان و جدّیت شروع به فعالیت نمود، دعوی خود را مبرهن داشته، ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آن را داراست که به منزله‌ی

^{۲۰۱} به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

- هستهی نظم بدیع الهی محسوب گردد، بلکه نمونهی کامل آنست و باید در میقات خود عالم انسانی را فراگیرد.» (کتاب دور بهایی، ص ۷۲- نقل در کتاب اقدس، یادداشتها و توضیحات، بندی ۱۸۹)
- (۵) « حضرت عبدالبهاء مکرراً تأیید فرموده‌اند که چون وقتش فرا رسد، محافل روحانی امروز در آینده به بیوت عدل تبدیل خواهند شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹)
- (۶) « در آینده، چون مقاصد و مقام امر بهایی بیشتر مفهوم و شناخته شود، این هیأتها (محافل روحانی امروزی) به تدریج به بیت‌العدل که اسم دائمی و مناسب آنهاست، نامیده خواهند شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹- نقل در کتاب اقدس، یادداشتها و توضیحات، بندی ۴۹)
- (۷) « این محافل روحانی امروزی) در آینده، فقط نامشان تغییر نمی‌یابد؛ بلکه اختیارات و مسئولیت‌های دیگری نیز که مناسب و مطابق با شناسایی بیشتر امر حضرت بهاءالله باشد، بر وظائف کنونی آنها افزوده خواهد شد؛ زیرا در آن زمان، آیین بهایی را فقط به عنوان یک نظام دینی در جهان نمی‌شناسند؛ بلکه آن را به صورت دین رسمی یک کشور مستقل خواهند شناخت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۳- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹- نقل در کتاب اقدس، یادداشتها و توضیحات، بندی ۴۹)
- (۸) « فقط آیندگانند که می‌توانند ادراک نمایند که مؤسساتی را که حضرت عبدالبهاء ایجاد فرموده، چقدر با وضع اجتماع آینده که مقدر است از میان آشوب و هرج و مرج عصر حاضر برخیزد، مناسبت و موافقت خواهد داشت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹)
- (۹) « مؤسّسات و دستگاه‌های کنونی مسیحی که از روح و تعالیم مسیح محرومند، ناچار با رشد نظم جنینی حضرت بهاءالله، متدرّجاً محو خواهند شد و راه را برای ترقی مؤسّسات خدادادی که به صورت ناگسستنی با تعالیم بهایی پیوسته است، هموار خواهند کرد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲۷- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۱۰) « قدرت و سرعت و استحکام جهادهای آینده (نقشه‌های آینده) که باید به اعزاز امر حضرت بهاءالله و به امثال خطاب‌های مهم‌نوی مرکز میثاق در الواح مهمّه (بخصوص الواح طرح ملکوتی^{۲۰۲}) به آن مبادرت گردد، تابع توسعهی مستمرّ و تقویت مداوم تشکیلات داخلی‌ای است که اساس و پایه اصلی اقدامات آینده در تمام عالم است.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۳۵) (۲۳ نوامبر ۱۹۵۱)

^{۲۰۲} به بحث ۷۹ رجوع شود.

- ۱۱) « زنه‌ار زنه‌ار که طرفداری، جاه طلبی و تعلّق به دنیا در اداره‌ی امور (امرالله) رسوخی نمایند؛ زیرا به مرور زمان، نورانیت آیین مقدّس را ظلمانی و طهارت (و) تنزیهش را لگه‌دار و اثرات عمیق‌اش را فلج و معلول خواهد ساخت.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ش از باب سیزدهم، ص ۴۳)
- ۱۲) « هم اکنون (۱۹۴۴ میلادی)، ... گام‌های اولیه‌ای که باید عاقبت، با نهایت شکوه و عظمت، به تأسیس پایگاه‌های اداری جوامع بهایی ... منتهی گردد، برداشته شده است.» (مرور معبود، ص ۴۴۸)
- ۱۳) « مقدّر است (که الواح طرح ملکوتی حضرت عبدالبهاء) در سالیان آتی، مؤمنانش را قادر سازد انوار امرالهی را بیش از پیش، در سراسر این سیّاره منتشر سازند و ساختار نظم اداریش را در طول و عرض پنج قاره برپا دارند.» (مرور معبود، ص ۴۲۸)
- ۱۴) « مؤسّسات امریه (ی فعلی)، مبشّر حلول عصر موعود یزدانی (است) که خود شاهد طلوع و ارتفاع نظم اتمّ اقوم (حکومت) حضرت بهاءالله در سراسر عالم کون است.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۶)
- ۱۵) « شعارش (شعار نظم اداری بهایی)، وحدت عالم انسانی، علّمش صلح اعظم، سرانجامش حلول دوره‌ی ذهبی هزار ساله (است).» (کتاب دور بهایی، ص ۹۶) (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)
- ۱۶) « این انقلاب (سقوط تمدّن مادی و در نهایت، حدوث بلای ناگهانی) بر اثر ولادت نظم اعظم آیین حضرت بهاءالله در عالم به وجود آمده است؛ و هر قدر مضامین مکنونی این نظم دائم‌التّسع الهی مکشوف‌تر گردد و شاخ و برگ آن کره‌ی ارض را بیشتر فراگیرد، بر شدّت و وسعت این انقلاب خواهد افزود.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع دور بهایی، ص ۹۸)
- ۱۷) « اساس آن (اساس نظم اداری) طی جهادها (نقشه‌ها)ی روحانی متوالی با کوشش و مجاهدت، در سراسر کره‌ی ارض مرتفع خواهد گشت و از هر نژاد و زبان و عقیده و رنگ و ملت در ظلّ سرپرده‌ی آن وارد خواهند شد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع مبارک مورخ ۱۸ جولای ۱۹۵۳، خطاب به محفل روحانی ملّی آمریکا)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

- ۱۸) « مقدّر است که قرن دوّم بهایی شاهد صف‌آرایی عظیم و تقویت شدید نیروهایی باشد که در جهت توسعه‌ی گسترده‌ی نظم (اداری) و نیز نخستین جلوه‌های آن نظم بدیع جهانی^{۲۰۳} که سیستم اداری موجود هم زمان، طلیعه و هسته و نمونه‌ی آن است، عمل خواهند کرد.» (ترجمه) (معهد اعلی، رضوان ۱۹۹۲، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

^{۲۰۳} به میحث ۱۲۹ مراجعه شود.

۱۹) « این نظم اداری اصل و نمونه‌ی نظم بدیع جهان‌آرای الهی است که به مشیت الهی، به نشو و نمای ذاتی و حرکت جوهری‌اش ادامه دهد و... دایره‌ی مؤسساتش اتساع یابد و فروعات ممد‌اش امتداد جوید و متفرعات تابعه‌اش ارتفاع گیرد و وظائف تنوع یابد و اجرائاتش ازدیاد پذیرد.» (قانون اساسی بیت‌العدل اعظم، ارکان نظم بدیع، ص ۳۲۴)

۲۰) « مؤسسات امریه... باید در مستقبل ایام نقش عمده‌ای در هدایت مقدرات ملل داشته باشند.» (۲ می ۱۹۹۸)

۲۱) « محافل روحانی ملی و محلی... پیش‌آهنگان همان بیت‌العدل‌هایی هستند که حضرت بهاء‌الله تعیین فرموده است... آن‌ها، جزئی از آن نظم اداری می‌باشند که در وقت خود "دعوی خود را مبرهن داشته، ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آن را داراست که به منزله‌ی هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد، بلکه نمونه‌ی کامل آن است و باید در میقات خود عالم انسانی را فراگیرد."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)

۲۲) « در "عصر تکوین"... نظم اداری بهایی در سراسر کره‌ی زمین مرتفع و تشکیلات و مؤسساتش برپا و نیروهای نهفته‌ی جامعه‌سازش آشکار خواهد شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)

۲۳) « حضرت ولی امرالله در پیش‌بینی مسیری که رشد و نمو امرالهی خواهد پیمود چنین مرقوم فرمود: "در مراحل آینده‌ی عصر تکوین، بیت‌العدل اعظم اقدامات مهم جهانی دیگری را آغاز خواهد کرد که نماینده‌ی وحدت و باعث هماهنگی و توحید مساعی محافل ملی خواهد بود."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹)

۲۴) « اتمام این اقدام عظیم (ابنیه‌ی حول قوس محیط بر مرقاد حضرت ورقه‌ی مقدسه‌ی علیا و برادر و مادر عظم‌الشان ایشان) به منزله‌ی اكمال پیشرفت نظم اداری الهی امرالله است که در سنوات اخیر عصر رسولی بهایی شروع شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸)

۲۵) « برخلاف ادیان پیشین، ظهورالهی در این عصر، به فرموده‌ی حضرت شوقی افندی "موجود حی و زنده‌ای" را متولد ساخته که احکام و مؤسساتش متضمن یک "سیستم و نظم الهی" و "نمونه‌ای برای اجتماع آینده" و "سازمانی برای اتحاد جهانی و اعلان حکومت خیر و عدالت در جهان" است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)

(۲۶) « مؤسّسات نظم اداری بهایی که در حال حاضر دایر است و به منزلهی اساس (و) بنیان نظم بدیع حضرت بهاءالله محسوب، در آیندهی ایام به مرحلهی بلوغ خواهد رسید و به اتحادیهی جهانی بهایی^{۲۰۴} مبدّل خواهد شد.» (کتاب اقدس، یادداشتها و توضیحات، بندی ۱۸۹)

۱۰۲. تجدید حیات و ترقّی نسبی عالم انسانی (۲۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « در نفس این عالم ابواب لا تُحصی موجود، انشاءالله به اصبح اراده بگشاید و عوالم جدیده در این عالم مشاهده گردد.» (جمال ابهی، مائدهی ۴، ردیف خ، باب اول، ص ۹۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور ربّ جنود)... جهان تجدید می گردد و روح جدیدی در جسم امکان دمیده می شود و موسم بهار الهی آید، ابر رحمت بیارد و شمس حقیقت بتابد و نسیم جان پرور بوزد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

(۳) « کُل، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود و اخبار نمودند که در این دو ظهور... عالم وجود تجدید گردد و امکان، خلعت جدید پوشد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

(۴) « در این دور بدیع... عاقبت... شجره ی مبارکه ی حیات، چنان نشو و نما نماید که بر شرق و غرب سایه افکند.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

(۵) « هیکل عالم نیز از این روح مفتّم (آثار ظهور اعظم) در بدایت درجات خلقت است؛ عنقریب آثار باهره ی فیض روح القدس الهی را در این هیکل نورانی به قسمی مشاهده نمایند که عقول حیران و ابصار، خیره، نگران گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائدهی آسمانی ۵، باب اول از ردیف ظ، ص ۱۷۸-منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۳۳۳، ص ۲۷۱)

(۶) « آهنگ وحدت عالم انسانی جمیع بشر را حیات تازه بخشد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)

^{۲۰۴} عبارت گویا و متجدّد "اتحادیهی جهانی بهایی" نوع دیگری از بیان مفهوم "حکومت جهانی بهایی" است که در مبحث ۱۳۴ بررسی شده است.

(۷) «تأسیسات و تعلیمات الهی جهت جامعهی (یعنی محور هدایت بخش) ابدی است... مانند شعاع آفتاب، ظلمات مستولی بر آفاق را به کلی ازاله نماید؛ حیات معنوی بخشد، (و نورانیت الهی جلوه نماید.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوّم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)

(۸) «عنقریب مشاهده خواهید نمود که... کیهان مطلع آن روح جانپروور (اسم اعظم = حضرت بهاءالله) گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۱۲۵)

(۹) «چند وقت پیش که برای اولین بار وارد شهر پاریس شدم، با اشتیاق به اطراف نظر کردم و در ذهن، این شهر زیبا را به یک باغ بزرگ تشبیه نمودم. با دقت و محبت خاک آن را آزمودم و بذر محبت الله را در آن افشاندم. آنگاه سحاب رحمت الهی بر آن بارید و اشعهی شمس حقیقت بر آن تابید و اکنون در میان شما ولادت ایمان را مشاهده می‌کنم. دانه‌های افشاندۀ اکنون رویده است و روزبه‌روز رشد و نمو خواهد کرد تا به فیض ملکوت ابهی خرمی اعجاب‌انگیز حاصل شود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱ دسامبر ۱۹۱۱)

(۱۰) «به قوهی حضرت بهاءالله... (جمع من علی الارض) سبب ترقیات معنویّه و صوریه گردند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۲۴۲)

(۱۱) «بعد، آن بهار جانپروور (یوم ظهور مظاهر مقدّسه) منتهی به تابستان پشمر شود (و از جمله در تابستان ظهور حضرت بهاءالله)... نفوس تربیت شود؛ نتایج مشکوره حاصل گردد و ترقیات کلیّه در عالم انسانی جلوه نماید.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۸)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱۲) «در این کور بدیع حضرت غضن الله الاطهر به فرموده‌ی جمال قدم و اسم اعظم جام شهادت را بنوشید تا... عالم و عالمیان حیاتی جدید یابند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۰۳)

(۱۳) «شیوهی عشق و وفا را که از ربّ عزیزمان (حضرت عبدالبهاء) هشتاد سال تعلیم گرفته‌ایم، به بازماندگان خویش بیاموزیم... تا این امانت آسمانی و پیام یزدانی... در اعصار و ادوار آتیه، هیکل عالم امر را روحی مسیحایی دمد و نوع بشر را از حسیض ذلت و خسران به اوج آسمان رساند.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۸)

(۱۴) «ای قویّ قدیر،... نهر دافق آیین نازنین را از قلّه‌ی شاهقش جاری نما و حیات جدید بر عالم و عالمیان مبذول کن.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

۱۵) « همان روح قدسی الهی که در عصر رسولی کلیسا، سبب احیاء مسیحیان اولیه... شده بود، دو باره به جهان باز خواهد گشت و در نتیجه‌ی تبیین حقایق اصلیّه و توضیح مقصد اولیه‌ی دین الهی، جهان را زنده خواهد ساخت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲۷، توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۶) « این تصرفات عجیبی غریبه... در سنین اولیه‌ی این کور مقدّس... از نتایج سحر است که بنفسه... مقدّمه‌ی طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزّت موعوده‌ی عالم انسانی است.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۷) « امر بهایی تجدید حیات کامل جامعه‌ی بشری را به عالم عرضه می‌کند؛ تجدید بنایی با تأثیری چنان وسیع و دامنه‌دار که در جمیع ظهورات ماضیه به انتظار آن بوده‌اند و آن را استقرار ملکوت الهی ۲۰۰ بر وجه ارض خوانده‌اند.» (معهد اعلی، ۱۸ جولای ۱۹۷۴، مجموعه‌ی اهمّیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۳۴)

۱۸) « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزّت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحقه و ادوار آتی‌ه‌ی این کور مجید بسیط خاک را نورانی و متثلاً نماید و خلعت جدید پوشاند.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۱۹) « چه هدایت بخش است این کلمات حضرت بهاءالله که نحوه‌ی تجدید حیات ملل عالم را پیش‌بینی نموده و می‌فرمایند: "ان اتحدوا یا معشر الملوک، به تسکُن ارباحُ الاختلاف بینکم و تستریحُ الرعیة و من حولکم، ان انتم من العارفين. ان قام احدٌ منکم علی الآخر، قوموا علیه؛ ان هذا الا عدلٌ مبین."» (پیام رضوان ۱۹۹۱) (مضمون بیان مبارک به فارسی: ای گروه پادشاهان متحد شوید؛ به این ترتیب طوفان‌های اختلاف جاری در بینتان آرام می‌گیرد و مردم و اطرافیانتان راحت می‌شوند، اگر از دانایان باشید. اگر یکی از شما بر دیگری شورید، همگی علیه او قیام کنید؛ این نیست مگر عدل آشکار.)

۲۰) « مقدّر بود که... فرامین تبلیغی آن حضرت (عبدالبهاء) موجب آغاز فرایندی گردد که در میقات معین، به تحوّل روحانی تمامی کوه‌ی زمین انجامد.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۰۹)

^{۲۰۰} به مبحث ۱۴۷ رجوع شود.

۱۰۳. تحقق بلوغ اجتماعی عالم انسانی (۳۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « امیدوارم در این قرن انوار، نور ملکوتی محبت بر همه‌ی جهان پرتو افکند و بر عقول و قلوب نفوس مستعده تأثیر نماید تا نور شمس حقیقت سیاسیون را هدایت نماید زنجیرهای تعصبات و موهومات را بگسلند و اذهان را آزاد نمایند تا از سیاست الهی تبعیت کنند؛ زیرا سیاست الهی نیرومند است و سیاست‌های بشری ضعیف.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، بند ۴، خیابان کامنون، ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱)
- (۲) « به قوت روح القدس بهاء الهی از شرق به غرب تجلی کرد و به قدرت همین روح سمایی فضایل و کمالات عالم انسانی ظاهر و باهر خواهد گشت.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۹ نوامبر ۱۹۱۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- (۳) « دیر یا زود باید... بلوغ حیات اجتماعی نوع انسان پدیدار شود و موجب ظهور و بروز آثار اعجاب‌انگیزتر در روابط جهانی گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۶، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۴) « مرحله‌ی بلوغ (بشریت) ... طلوع عصری (عصر ذهبی^{۲۰۶}) را بشارت می‌دهد که سرآمد اعصار است.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۲)
- (۵) « در سنین آتی‌هی این دور بهایی... دوره‌ی صباوت عالم انسانی منتهی گردد؛ و علامات بلوغ عالم... پدیدار... شود.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)
- (۶) « (مشخصه‌های کلی جامعه‌ی متحد جهانی) رئوس کلی و برجسته‌ی نظم (است) که حضرت بهاءالله پیش‌بینی و تدبیر فرموده و اعلی‌ ثمره‌ی عصری است که به تدریج رو به بلوغ نهاده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۵- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- (۷) « اگر بدیده‌ی امانت و وفا بنگریم، به یقین ملاحظه می‌کنیم امر حضرت بهاءالله که مقصد اقصایش اتحاد صوری و معنوی^{۲۰۷} اقوام و ملل عالم است، آغاز دوران بلوغ نوع بشر محسوب می‌گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۳- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ / نیز همین منبع، ص ۹۶، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

^{۲۰۶} به مبحث ۱۳۰ رجوع شود. در ضمن از این بیان مبارک چنین مستفاد می‌شود که نوعی از بلوغ که در فقره‌ی سوم همین مبحث، "بلوغ حیات اجتماعی" خوانده شده است، قبل از حلول عصر ذهبی است.

^{۲۰۷} در این بیان مبارک تصریح شده است که اتحاد عالم، طی دو مرحله‌ی "صوری" یعنی ظاهری یا اجتماعی یا سیاسی و "معنوی" یعنی روحانی خواهد بود. در مورد "وحدت سیاسی عالم انسانی" به مبحث ۱۰۴ و در مورد "وحدت روحانی عالم انسانی" به مبحث ۱۳۱ رجوع شود.

۸) « اگر بیانات حضرت بهاءالله را به درستی ادراک کنیم، چنین دریابیم که همان تغییرات نهانی و توصیف ناپذیر و جامع التّأثیری که با دوره‌ی بلوغ جسمانی یک فرد همراه و مثلاً برای رسیدن میوه‌ی درخت لازم است، برای تکامل نظام جامعه انسانی نیز ضرورت می‌یابد؛ و دیر یا زود باید مرحله‌ی مشابهی در بلوغ حیات اجتماعی نوع انسان پدیدار شود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۹) « اگر به درستی عظمت دعوی رسالت حضرت بهاءالله را دریابیم، یقین خواهیم کرد که پدید آمدن چنین مرحله‌ی بلوغی (مانند بلوغ جسمانی انسان) در نظام حاکمه‌ی بشری با ظهور آیین بهایی پیوستگی خواهد داشت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۰) « در عالم بشر بلوغ در وقتی است که عقل و درایت انسان به اعظم درجه‌ی رشد و قوّت رسد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۸- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۱) « بهاییان را اعتقاد بر این است که دیانتی را که پروردگار توانا به واسطه‌ی حضرت بهاءالله ظاهر فرموده، با مقتضیات مرحله‌ی بلوغ عالم انسان مطابق است و این بلوغ، اوج دوران تکاملی است که بشر را از مرحله‌ی کودکی به مرحله‌ی رشد می‌رساند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۰- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۲) « رسالت حضرت بهاءالله اعلان این مطلب است که زمان شیرخوارگی و صباوت بشری سپری گشته و التهابات و هیجانانی که حال مشهود است مربوط به مرحله‌ی بلوغ اوست که به تدریج و همراه با درد و ملال، او را آماده وصول به مرحله‌ی رشد و کمال می‌سازد.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۲)

۱۳) « در این عصر تکوین امرالله، در طّیّ عهد کنونی و عهد آینده‌ی آن... عالم انسانی به رتبه‌ی بلوغ رسد.^{۲۰۸}» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۱۴) « در سنین آتی‌ه‌ی این دور بهایی... علامات بلوغ عالم که در الواح الهیّه مصرّح، ظاهر و پدیدار شود.» (توفیق ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۷)

۱۵) « عالم انسانی حال به هیجان و التهابی دچار است که با سخت‌ترین دوره‌ی تکاملش، یعنی دوره‌ی ما قبل بلوغش ملازمت دارد؛ دوره‌ای که غرور جوانی و سرکشش به حدّ اعلی رسیده، به تدریج فروکش می‌کند و آرامش و معقولیّت و متانت که مخصوص دوره‌ی بلوغ است به جایش می‌نشیند. سپس

^{۲۰۸} در این فقره‌ی مبارکه مصرّح است که نوعی از بلوغ عالم، قطعاً در عصر تکوین رخ خواهد داد. به مبحث ۱۰۳ رجوع شود.

نوع بشر به مرحلهی رشد و کمال می‌رسد و قادر می‌شود به قوا و قابلیت‌های فایز شود که ترقیات نهاییش وابسته به آن است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۳- توقیع موّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۶ « این سرکشی و طغیان که امروز نوع بشر ناچار بدان مبتلاست، علامت وصول هیأت اجتماع به مرحلهی بلوغ اوست.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مقدمه، ص ۵)

۱۷ « تمام نیروهای تاریخ، نوع بشر را جبراً به چنین اقدامی (عقد انجمن دول عالم) که نشانه‌ی طلوع فجر بلوغ موعود عالم است، سوق می‌دهد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۵)

۱۸ « حضرت بهاءالله خود را حامل وحی آسمانی و پیامبر الهی در دوران بلوغ عالم انسانی اعلام فرمود.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۲)

۱۹ « عالم انسانی در راه ترقّی و تکامل خود، مراتب مختلفی را پیموده است که یادآور دوران نوزادی، کودکی، جوانی، بلوغ و پختگی یک فرد است. اکنون ما شاهد آغاز مرحله‌ی بلوغ جمعی عالم بشریت هستیم؛ دوره‌ای که در آن، استعدادها و قابلیت‌های نوینی خواهد شکفت و فرصت‌های جدید و بی‌سابقه‌ای نمودار خواهد شد که ما اکنون فقط به اندکی از آن‌ها (ها) آگاهی داریم.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۱)

۲۰ « به بلوغ رسیدن عالم بشریت مستلزم تغییر کلی در نظام اجتماعی است؛ تغییری که باید همه‌ی انواع گونه‌ی‌های بشر را در برگیرد و از انواع مختلف استعدادها و بینش‌ها که در طی هزاران سال تجربه‌ی فرهنگی تلطیف شده‌اند، بهره‌جوید.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۳)

۲۱ « وجه امتیاز وصول به مرحله‌ی بلوغ عالم انسانی این است که برای اولین بار در تاریخ، همه‌ی نوع بشر، ولو به میزانی محدود، از روی بصیرت و دانایی به مفهوم وحدت ذاتی انسان و این که کوهی خاک در واقع یک وطن محسوب است، آگاهی یافته‌اند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۷۱)

۲۲ « بلوغ نوع انسان... در شرف تحقق است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۱)

۲۳) « به وسیله‌ی همین بلوغ نوع انسان که در شرف تحقّق است، اصل وحدت در کثرت^{۲۰۹} به کاملترین وجه نمودار خواهد شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۱، ص ۵)

۲۴) « به فرموده‌ی حضرت بهاءالله آنچه که در حال حاضر بر مردم جهان می‌گذرد، جریان فرارسیدن مرحله‌ی بلوغ جمعی جامعه‌ی انسانیست.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، ص ۵)

۲۵) « ثروت عظیمی که از انواع فرهنگ‌ها در طول هزاران سال فراهم آمده است، بسیار شبیه به مخزن ژن‌ها در زندگی بیولوژیکی نوع انسان و محیط زیست اوست و برای توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی بشر که در حال رسیدن به مرحله‌ی بلوغ است، بسیار حیاتی است. این ثروت عظیم، حاکی از میراثی است که باید به آن فرصت داد تا در تمدنی جهانی بارور شود.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۲)

۲۶) « امروز... بشر در آستانه‌ی بلوغ قرار گرفته (است).» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۵)

۲۷) « نوع انسان، به اقتضای نیازهای دوران بلوغش، ناگزیر است خود را از قید مفهوم موروثی کاربُرد قدرت رها سازد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۶)

۲۸) « ایجاد یک طرح کلی برای توسعه و عمران جهانی که وصول به مرحله‌ی بلوغ عالم انسانی را تسریع بخشد، مستلزم کوشش جدی برای دگرگونی و اصلاح عموم مؤسّسات جامعه‌ی بشری است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۷)

۲۹) « تنها اگر دوران کودکی نوع انسان به راستی به پایان آمده و دوران بلوغش فرارسیده باشد، چنین دورنمایی از آینده (ایجاد یک طرح کلی برای توسعه و عمران جهانی) را دیگر نمی‌توان صرفاً مدینه‌ی فاضله دانست.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۷)

۳۰) « نقشه‌ی کلی الهی^{۲۱۰} متضمّن نزول بلایا و مصائبی است که ظاهراً در اثر اغتشاشات و بی‌نظمی‌های تصادفی به پیش برده می‌شود؛ اما در حقیقت، به نحوی قاطع و خلل‌ناپذیر، بشریت را به سوی وحدت و بلوغ سوق می‌دهد.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

^{۲۰۹} در این بیان مبارک مصرّح است که "اصل وحدت در کثرت" (یا همان وحدت سیاسی عالم)، مستلزم تحقق بلوغ اجتماعی نوع انسان است؛ یعنی مبتنی بر آن و بعد از آن محقق خواهد شد.

^{۲۱۰} به مبحث ۷۷ رجوع شود.

(۳۱) « در کتاب اقدس احکامی که برای حیات فردی و اجتماعی لازم است، چنان تدوین گشته که نیازمندی‌های جامعه‌ای مرکب از جمیع نوع بشر را با تنوع و تفاوتشان برآورد. تعالیم و مفاهیم جدید به نحوی نازل گشته که حوائج نوع بشر در مرحله‌ی بلوغ اجتماعیش ارضاء گردد.» (بیت‌العدل اعظم، رسالهی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۷)

(۳۲) « فرد، تشکیلات، و جامعه، سه مدافعین نقشه ملکوتی، تحت تأثیر مستقیم ظهور آن حضرت در حال شکل گرفتند، و مفهومی جدید از هر یک، متناسب با احوال بشریتی که در آستانه‌ی بلوغ است، در حال ظهور است.» (پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

(۳۳) « پیروان حضرت بهاء‌الله معتقدند که نوع بشر به آغاز مرحله‌ی درخشانی در فرایند طولانی تکامل خود رسیده، فرایندی که او را از مرحله‌ی طفولیت به آستانه‌ی بلوغ، یعنی استقرار یگانگی نوع بشر رسانده است. همانند یک فرد که قبل از ورود به مرحله‌ی بلوغ جسمانی، دورانی متغیر اما نویدبخش را می‌گذراند و بسیاری از قوا و استعدادهاى نهفته‌اش آشکار می‌گردد، عالم انسانی نیز اکنون در بحبوحه‌ی تحوّل بی سابقه قرار گرفته و بسیاری از اغتشاشات و تلاطمات جهان امروز را می‌توان فوران احساسات پر جوش و خروش این مرحله و نشانه‌ی آغاز بلوغ نوع انسان دانست. با ظهور و بروز مقتضیات این بلوغ، آداب و رسوم و نگرش‌ها و عادات متداوله‌ی قرون و اعصار دیرین یکی پس از دیگری از کارآیی بازمی‌ماند.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ = ۱۲ اسفند ۱۳۹۱)

(۳۴) « همان‌گونه که از مطالعه‌ی آثار بهایی دریافته‌اید، اصل یگانگی نوع انسان که نشانه‌ی بارز دوران بلوغ اوست، باید در تمام جوانب حیات اجتماعی تجلی کند.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ = ۱۲ اسفند ۱۳۹۱)

(۳۵) « اعتقاد بهاییان بر این که نوع بشر با گذشتن از مراحل اولیّه‌ی تکامل اجتماعی، اکنون به آستانه‌ی بلوغ خود رسیده است؛ ایمانشان را به اصل وحدت نوع بشر، یعنی خصیصه‌ی بارز دوران بلوغ نوع انسان... شکل می‌دهد.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ = ۱۲ اسفند ۱۳۹۱)

(۳۶) « این بهار پرانوار (ظهور حضرت بهاء‌الله)... فرارسیدن بلوغ جمعی بشر را نوید دهد.» (پیام نوروز، ۲۱ مارس ۲۰۱۳)

۱۰۴. تحقق وحدت سیاسی عالم انسانی (۶۱)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

(۱) «همّت را در تربیت اهل عالم مصروف دارید که شاید نفاق و اختلاف از مابین امم به اسم اعظم محو شود و کلّ اهل یک بساط و یک مدینه مشاهده گردند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۵۶- آیات الهی، ۱، ص ۱۱۲)

(۲) «ای احزاب مختلفه، به اتحاد توجّه نمایید و به نور اتفاق منور گردید. لوجه الله (به خاطر خدا) در مقرّی حاضر شوید و آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید تا جمیع عالم به انوار نیر اعظم فایز گردند و در یک مدینه وارد شوند و بر یک سریر جالس. این مظلوم از اول آیام الی حین، مقصودی جز آنچه ذکر شد نداشته و ندارد.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۱)

(۳) «وجه عالم بر لامذهبی متوجّه... ولكن محزون مباش، چه که اشراقات شمس حقیقت، رطوبت زائده‌ی طبیعت را جذب خواهد نمود و تشنّات حروف را جمع خواهد نمود.» (آیات الهی، ۱، ص ۱۶۵)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۴) «امیدوارم که این تأسیس وحدت عالم انسانی در نهایت قوّت ظاهر شود تا شرق و غرب با یکدیگر در نهایت التیام آیند؛ ارتباط تامّ پیدا کنند؛ قلوب شرق و غرب به یکدیگر متحد و منجذب شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۱۹- خطابات حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۳۴)

(۵) «در آینده، شرق و غرب یکی خواهند شد. متحد خواهند شد. من در مکاتیبم گفته‌ام که شرق و غرب مثل عاشق و معشوق خواهند شد. هر یک دیگری را دوست خواهد داشت. شرق و غرب یکدیگر را در آغوش خواهند گرفت؛ دست در دست هم خواهند نهاد؛ هر یک محبوب دیگری خواهد شد؛ هر یک دیگری را در بر خواهد گرفت. وحدت بشریت بدایت تشعشع این نور مبین خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، خاطرات ژولیت تامپسون^{۲۱۱}، ص ۱۰۲-۱۰۱)

(۶) «نور وحدت بشری تازه بر عالم دمیده است؛ به زودی علم اتحاد و اتفاق ملل در آسمان به اهتزاز خواهد آمد. بلی، نفثات روح القدس تمام عالم را ملهم خواهد کرد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱)

(۷) «عنقریب نور توحید آفاق شرق و غرب را چنان نورانی فرماید که مجال انکار به جهت احدی نماند.» (مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۱۹۷- منقول در توقیع دور بهایی، ص ۲۸)

(۸) «از جمله خارق عادات این قرن که فی الحقیقه معجزه است، تأسیس وحدت عالم انسانیست و تفرّعات آن صالح عمومی.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۴، ص ۱۶۰)

^{۲۱۱} این خاطرات متفاوت ترجمه شده است و انشاءالله به زودی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

- ۹ « ما را نیز مقاصد چنین که... خیمه‌ی وحدت عالم انسانی بر شرق و غرب سایه افکند.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۲)
- ۱۰ « عنقریب... علم وحدت عالم انسانی... بلند شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۸)
- ۱۱ « احزاب مختلفه حزب واحد گردد و افکار متعدده در مرکز واحد استقرار یابد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)
- ۱۲ « ای خدای مهربان، یاران جانفشانند و دوستان ساعی به دل و جان تا... آثار اعتساف نماند... شمع یگانگی برافروزد و پرده‌ی بیگانگی بسوزد.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۵)
- ۱۳ « به عون و عنایت حضرت احدیت، جمیع ملل را در ظل کلمه‌ی وحدانیت درآرید، تا... شمع توحید برافروزد و حقیقت تحدید (محدود و مجزا کردن) به شعله‌ای از نار موقده‌ی الهیه بسوزد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۶۳)
- ۱۴ « این (آرزوی صلح و سلام ناشی از حرب جهانسوز اول)، از حکمت بالغه‌ی الهی (است) تا استعداد حاصل شود و علم وحدت عالم انسانی (بلند گردد).» (حضرت عبدالبهاء، لوح هفتم از سری اول الواح تبلیغی، ۱۱ آوریل ۱۹۱۶)
- ۱۵ « اگر نفوسی به شروط مذکوره قیام نمایند و به اطراف جهان شتابند... به عموم ممالک و جزائر عالم سفر کنند؛ در اندک زمانی، نتایج عظیمه حاصل گردد... و انوار وحدت عالم انسانی جهان را روشن نماید.» (حضرت عبدالبهاء، لوح هشتم از سری اول الواح تبلیغی، ۱۹ آوریل ۱۹۱۶)
- ۱۶ « جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۱۵)
- ۱۷ « روز وحدت عالم بشر است و اتحاد جمیع ملل... عنقریب وحدت عالم انسانی در قطب آفاق موج زند؛ جدال و نزاع نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۲۰)
- ۱۸ « در جمیع کتب الهیه از جمیع ملل، روزی موعود است که آن روز... عالم انسانی اتحاد و اتفاق حاصل خواهد نمود؛... جمیع ملل با هم ارتباط خواهند یافت و وحدت عالم انسانی جلوه خواهد کرد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۶۴)
- ۱۹ « عنقریب ملاحظه خواهید نمود که چگونه شرق و غرب دست در آغوش شود و علم وحدت عالم انسانی خیمه برافرازد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۲۸)
- ۲۰ « امیدم چنان است که... نهایت اتحاد و اتفاق در بین امم حاصل شود. این است منتهای آرزوی من و این است مقصد من از سفر خود به امریک.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۸۲)

(۲۱) « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است... علم وحدت عالم انسانی

موج زند... آهنگ تحسین و تمجید از ملأ اعلیٰ بگوش رسد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۴۶)

(۲۲) « به عون و عنایت بهاءالله، جمیع من علی الارض متحد گردد؛ جمیع اجناس با یکدیگر مرتبط

شوند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۴۲)

(۲۳) « به قوهی حضرت بهاءالله، علم وحدت عالم انسانی بلند شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء،

ص ۲۴۲)

(۲۴) « این است مقصود از تجلی شمس حقیقت: تا وحدت عالم انسانی ظاهر گردد؛ وحدت وطن

حاصل شود؛ وحدت ملت استقرار یابد؛ وحدت سیاست حاصل گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء،

ص ۲۸۵)

(۲۵) « آن قرن آمده که... جمیع اقالیم عالم اقلیم واحد شود، تا نوع بشر بنامه در ظلّ خیمه‌ی وحدت

عالم انسانی زندگانی نمایند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۳۱۸)

(۲۶) « مرقوم نموده بودید که سه نفر روس اقبال نموده‌اند. عنقریب ملاحظه خواهید کرد که جمیع

طوائف و قبائل در ظلّ خیمه‌ی وحدت عالم انسانی درآیند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۹،

مطلب نود و هشتم، ص ۱۰۹)

(۲۷) « یقین است که... نزاع و جدال از کلّ اقالیم مرتفع شود و دلبر وحدت عالم انسانی در قطب

امکان جلوه نماید؛ این است تمنا و آرزوی این مظلومان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳،

فقره‌ی ۱۰۶)

(۲۸) « شمع دوم (از لوح هفت شمع وحدت)، وحدت آراء در امور عظیمه است؛ آن نیز عنقریب اثرش

ظاهر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۲۹) « شمع پنجم، وحدت وطن است... این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت ظاهر شود.» (حضرت

عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۳۰) « بر ما نیست؛ ما شاهدان عینی قدرت تسلیم‌ساز امر حضرت بهاءالله، که علی رغم ظلمت

فلاکت‌باری که عالم انسانی را فراگرفته، حتی برای یک لحظه، قدرت حضرتش را زیر سؤال بریم و تردید

کنیم که به عنوان آهنگر ملکوت، این اجزای متشتت و متقابلا ناسازگار جهانی فاسد و متمرّد را، در

کوره‌ی گدازان بلایا سرخ کند و با پتک اراده‌ی غالبه‌اش، بر سندان این عصر دردآلود، به شکل ویژه‌ای

که خرد متعالیش مقرر نموده، درآورد؛ شکلی واحد و یگانه، مستحکم و تقسیم‌ناپذیر، که بتواند طرح

عظیمش را برای بنی آدم به اجرا در آورد.» (توقیع منبع روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۹) (ترجمه‌ی شخصی)

۳۱) « وحدت عالم انسانی^{۲۱۲} است که یگانه راه تأسیس نظم جهانی جدید حضرت بهاءالله است؛ نظمی که جلوه‌ای از جلال و عظمت ملکوت ابهی^{۲۱۳} را بر بسیط غبراء نمایان می‌سازد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۴) (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۳۲) « در پرتو تحولات کنونی بین‌المللی، این بیان مبارک حضرت بهاءالله چه صریح و واضح و پیش‌بینانه می‌نماید که فرمود: "ان اتحدوا یا معشر الملوك به تسكن ارياح الاختلاف بينكم و تستريح الرعية و من حولكم ان انتم من العارفين. ان قام احد منكم على الآخر قوموا عليه، ان هذا الا عدل مبين." [نظم جهانی بهایی (۱۱ مارس ۱۹۳۶)، ص ۱۳۸- پیام رضوان ۱۹۹۱] (مضمون بخش عربی: ای پادشاهان، متحد شوید؛ به این وسیله، طوفان‌های اختلاف در بین شما ساکن خواهد شد و رعایا و اطرافیان‌تان آرامش خواهند یافت؛ اگر از دانایان باشید. اگر یکی از شما علیه دیگری قیام کرد، همگی علیه او به پاخیزید؛ این نیست مگر عدلی آشکار است.)

۳۳) « عصر تکوین... امتدادش مجهول و در علم الهی مخزون، انتهایش... جلوه‌ی وحدت اصلیه^{۲۱۴} در انجمن بنی آدم (خواهد بود).» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۴۵-۱۴۴)

۳۴) « هنگامی که از هر سویی، افزایش تشنجات این عصر پر آشوب را مشاهده می‌کنیم، قلوبمان از عواطف توأمان ترس و امید سرشار می‌شود... امید و اطمینان عمیق به این که هر فاجعه‌ی دیگری که به سر بشریت بیاید، جز این نیست که حلول صلحی جهانی و پایدار را تسریع خواهد کرد؛ صلحی که حضرت بهاءالله چنان با تأکید بر آن صحه نهاده‌اند.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی، انگلیسی، ص ۱۴۵)

۳۵) « در این عهد و عهد آتیه‌ی این عصر (عصر تکوین)... شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود^{۲۱۵}.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

^{۲۱۲} به مبحث ۱۰۴ رجوع شود. در اینجا نوعی از وحدت مورد نظر هیکل مبارک است که قبل از استقرار نظم بدیع الهی ایجاد خواهد شد. در مبحث مربوطه، این حالت، "وحدت سیاسی" تلقی شده است. "وحدت روحانی" حادثه‌ای در عصر ذهبی است و در مبحث ۱۳۱ مطرح شده است.

^{۲۱۳} به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

^{۲۱۴} وحدتی که اولاً اصلیه است و ثانیاً در انتهای عصر تکوین، یا به عبارتی، اوایل عصر ذهبی رخ خواهد داد، همان وحدت روحانی عالم انسانی است. به مبحث ۱۳۱ رجوع شود.

^{۲۱۵} در این فقره‌ی مبارکه تصریح می‌شود که نوعی از وحدت (که وحدت سیاسی نامیده شده) در عصر تکوین ظاهر خواهد شد.

۳۶) « این است (جامعهی متحد جهانی)، هدف و مقصدی که نوع انسان، ناگزیر، بر اثر نیروهای وحدت بخش حیات به سویش روان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۷، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۳۷) « انقلاب اعظم (احاطه‌ی بلیات من کل الجهات بر هیأت اجتماعیّه)، بنفسه، مُمدّ آیین الهی است و مؤسّس وحدت عالم انسانی؛ تعصّبات را زائل نماید و کافّه‌ی دول و امم را در بسیط زمین متوجّه و متمسّک و مروج وحدت اصلیه گرداند.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹)

۳۸) « به سوی این مرحله (مرحله‌ی وحدت عالم انسانی) است که بشریت خواه ناخواه، و به نحو مقاومت ناپذیر، در حرکت است.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۲)

۳۹) « این التهاب و هیجان (حالت استحال‌ای که سبب دگرگونی کلی می‌گردد) باعث تطهیر و تبدیل نوع بشر می‌شود و راه را برای زمانی هموار می‌سازد که در آن، جامعیت و وحدت عالم انسان شناخته و اتحادش تأسیس خواهد شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۵- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۴۰) « در این عصر تکوین امرالله، در طیّ عهد کنونی و عهد آینده‌ی آن... وحدت نوع بشر تحقق پذیرد.^{۲۱۶}» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه‌ی ۱۹۴۷)

۴۱) « اصل وحدت عالم انسانی... به روابط ضروریّه‌ای... مربوط می‌شود که ممالک و ملل را به هم پیوند می‌دهد و عضو یک خانواده‌ی بشری می‌نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۳)

۴۲) « اتحاد جهانی هدفی است که بشر پریشان به سویش روان است. دوره‌ی تأسیس اوطان خاتمه یافته و هرج و مرجی که ملازم حاکمیت مطلقه‌ی حکومت ملی است، حال به اوج خود رسیده است و جهانی که به مرحله‌ی بلوغ وارد می‌گردد، باید این طلسم را بشکند و به وحدت و یگانگی و جامعیت روابط انسانی اعتراف نماید و یکباره دستگاهی ابدی به وجود آورد که این اصل اساسی وحدت را در حیاتش تجسم بخشد.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۴، ص ۲۷)

^{۲۱۶} در این بیان مبارک، تحقق نوعی از وحدت (وحدت سیاسی) در عصر تکوین صراحت تامّه دارد.

۴۳) « اصل وحدت عالم انسانی... با خود این دعوی را به کمال تأکید همراه دارد که وصول به این هدف عظیم که مقصد نهایی در تکامل جامعه‌ی انسانی است؛ نه فقط امری ضروری و لازم، بلکه حتمی و یقین‌الوصول و قریب‌الوقوع است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۹، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۴۴) « اتحاد اهل عالم درخشان‌ترین مرحله‌ای است که حال جامعه‌ی انسان رو به آن روان است... اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۳، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۴۵) « آیین بهایی آشوب کنونی جهان و مصائب حاصله در حیات انسان را به منزله‌ی یک مرحله‌ی طبیعی از مراحل رشد و نمو یک جریان حیاتی و زنده‌ی بشری می‌شمارد که مآلاً و حتماً به وحدت نوع انسان در ظلّ یک نظم اجتماعی که حدود و مرزی جز مرز کروی زمین ندارد، منجر خواهد شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مقدمه، ص ۴)

۴۶) « وجود جامعه‌ی بهایی در حدّ خود، دلیل مثبت دیگری است که آنچه مؤسس بزرگوارش در باره‌ی وحدت عالم انسانی از قبل بیان فرموده، امری است قابل اجراء.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۴، ص ۲۸)

۴۷) « اهل بهاء که نظر بر منظر اعلی گشوده و رخت به وادی ایمن کشیده‌اند، به پرتو آیات بینات از قوه‌ی محرکه‌ی این وقایع عظیمه آگاهند و می‌دانند که به فرموده‌ی مبارک "جمع امور و اوضاع عالم خادم امرالله است" و آنچه واقع گردد در مسیر تحقق مشیت الهیه است که مقدر فرموده بشر در مسیر مستمرّ به سوی ترقّی و کمال قطع مراحل کند و از وحدت خانواده و قبیله و شهر و وطن به وحدت عالم انسانی که مقصد اصلی آیین جهان‌آرای بهایی است واصل گردد.» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۴۸) « در بین کلیه‌ی ادیان مستقلّ جهان تنها امر بهایی و جامعه پیروانش موفق شدند که از مراحل بحرانی اولین قرن موجودیت خویش، با حفظ یگانگی کامل بگذرند، بی آنکه از آفت انشقاق مشهود در دوره‌های گذشته، آسیبی بینند. این تجربه‌ی جامعه‌ی بهاییان شاهده‌ی است متین بر اثبات بیانات اطمینان بخش حضرت بهاءالله مبنی بر آن که نوع انسان با وجود کلیه‌ی تنوعاتش قادر است بیاموزد که چون ملّتی واحد، در وطنی جهانی و مشترک زیست نماید و با هم‌نوع خویش همکاری کند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله - می ۱۹۹۲، ص ۷۲)

۴۹) « ساختن جامعه‌ی مشترک‌المنافع جهانی بر مبنای وحدت در کثرت و با اتکاء به قوه‌ی محرکه‌ی عشق و عدالت... وظیفه ایست که باید به خاطر خود، و به خاطر کودکان امروز و برای نسل‌های آینده،

برعهده بگیریم.» (پیام ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰- بیانیه‌ی جامعه‌ی بین‌المللی بهایی خطاب به اجلاس هزاره‌ی رهبران مذهبی جهان برای برقراری صلح)

(۵۰) « وحدت عالم انسانی که محور اصول و اساس تعالیم امر بهایی است... از عناصر اولیه‌ی سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

(۵۱) « حضرت عبدالبهاء به خانم وایت مرقوم فرمود: "ای محترمه، در دوره‌های سابق هرچند ائتلاف حاصل گشت؛ ولی به کلی ائتلاف من علی الارض غیر قابل (حصول) بود؛ زیرا وسائل و وسائط اتحاد مفقود... حال وسائل اتصال بسیار... لهذا اتفاق کلّ و اتحاد عموم ممکن‌الحصول، و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است... زیرا این قرن انوار، عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیته‌ی دیگر دارد. این است که ملاحظه می‌نمایی... آثارش از افق عالم نمودار گشته."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۷)

(۵۲) « چنین پیش‌بینی (اتحاد بین ملل)، جان کلام و نیروی نهفته در توقیعات حضرت شوقی افندی در دوره‌ی سی و شش ساله‌ی ولایت امرالله بود و می‌توان گفت که محتوای برخی از امّات آثار ایشان شرح جنبه‌های گوناگونی از پیش‌بینی مذکور بود.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۲)

(۵۳) « حضرت عبدالبهاء اولین خطابه‌ی عمومی خود را از قلب کلیسای "سیتی تمپل" (City Temple) ایراد فرمود و سخنانش در باره‌ی کیفیت عصری جدید در تکامل و تطوّر مدنیت جهان بود که منظر بدیعی پیش دیده‌ی شنوندگان آورد: "این روز، روز بدیعت و این عصر، عصر خداوند عزیز. عنقریب جهان بهشت برین گردد. روز وحدت عالم بشر است و اتحاد جمیع ملل... عنایت خداوند این روز فیروز را محقق فرمود."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۷)

(۵۴) « در بطون پیام حضرت عبدالبهاء (در اسفار مغرب زمین) این حقیقت نهفته است که روز موعود برای اتحاد بشر... فرارسیده است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۹)

(۵۵) « حضرت عبدالبهاء... اعلان فرمود... در آن قرن (قرنی که در پیش است) حقیقت وحدت عالم انسانی بر جهانیان معلوم خواهد شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۷)

(۵۶) « پیشرفت جهان به سوی وحدت عالم انسانی، امری است محتوم.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۵۷) « احبای عزیز ایران می‌توانند کماکان با تخلّق به حیات بهایی و استقامت و فداکاری و استمرار در تبلیغ انفرادی، قوه‌ی عظیمی برای پیشرفت امرالله نه تنها در آن کشور، بلکه در سراسر جهان باشند و مآلاً نقش خود را در روندی که منجر به وحدت عالم انسانی خواهد شد ایفا کنند.» (پیام ۲۵ آوریل ۲۰۰۷)

۵۸) « احبّا (حائز این دیدگاه مثبت و اعتماد تزلزل ناپذیرند)... که عالم انسانی در شرف ورود به مرحله‌ی جدیدی از تاریخ رشد و تکامل خود است که خصوصیات آن، صلح و وحدت عالم انسانی می‌باشد.» (پیام ۱ می ۲۰۰۷)

۵۹) « شما دلباختگان جمال ابهی (پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدّس ایران)... به یقین مبین می‌دانید که عالم آستن وقایع عظیمه است و این درد و الم عمومی و آشوب و هیجان همه جانبه، صرفاً رنج سفر در مسیر تحقّق وحدت عالم انسانی... است.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۱۰)

۶۰) « این بهار پرانوار (ظهور حضرت بهاءالله)... ملل و اقوام مختلف را به سوی دنیایی مخصّص به اصل وحدت در کثرت به پیش برد.» (پیام نوروز ۲۰۱۳)

۶۱) « از خود گذشتگی‌های شما (پیروان امر حضرت یزدان در کشور مقدّس ایران) و مساعی دیگر بهاییان... با الطاف و عنایات خداوندی در میقات معین ثمرات عالیّه به بار خواهد آورد، قلوب را روشن خواهد کرد، جهان تاریک را رشک گلزار و چمن خواهد نمود و بالمآل وحدت عالم انسانی را محقق خواهد ساخت.» (پیام ۱۰ می ۲۰۱۳)

۱۰۵. تأسیس حکومت اولیّه‌ی جهانی (۱۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱) « هر قدر راه طولانی‌تر و پُریچ و خم باشد معذک باید (جامعه‌ی ملل)، پس از یک سلسله فتوحات و عقب نشینی‌ها، بالمآل به وحدت سیاسی شرق و غرب و تأسیس حکومت جهانی... منجر گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۰ / نیز مندرج در رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۹) (مورخ ۵ ژوئن ۱۹۴۷)

۲) « چنین ملت و دولتی (ملت و دولت آمریکا) در اثر... بلایا و رزایا، از لوث عقاید و افکار ناموافق پاک و مطهّر خواهد گشت و به مفاد و عود حضرت عبدالبهاء، حاضر و مهیا خواهد شد که در... استقرار

حکومت متّحده جهانی در سراسر بسیط غرباء سهم مهمّی را اداء نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۶۴) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

۳ «حکومت اعلاّی جهانی... همچنین یک پارلمان جهانی خواهد داشت که انتخاب اعضایش با مردم هر کشور و با تأیید هر دولت خواهد بود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۴- توفیق مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)

۴ «(در جامعه‌ی متّحد جهانی) یک مجموعه از قوانین بین‌المللی که محصول مشاورات نمایندگان پارلمان بین‌المللی است، تدوین خواهد گشت که ضامن اجرایش واحدهای نیروی اتّحادیه‌ی جهانی خواهند بود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۵- توفیق مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- ندا به اهل عالم، ص ۴۱)

۵ «در چنان جامعه‌ای (جامعه‌ی متّحد جهانی) یک هیأت مجریّه به پشتیبانی یک نیروی پلیس بین‌المللی (ایجاد خواهد شد که) مصوّبات هیأت مقننه را اجراء کند، به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیه‌ی تمام جامعه‌ی جهانی را حفاظت نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۶ «(در جامعه‌ی متّحد جهانی)... یک نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوّع و ملل جهان را ساده و سهل نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۷ «در سایه‌ی چنین نظامی (حکومت متّحد جهانی)، مطبوعات به اظهار نظرات و عقاید بشر کاملاً میدان دهد و از این که مورد سوء استفاده ارباب غرض، چه شخصی و چه عمومی، قرارگیرد، ابا کند و از قیود نفوذ ملل و دول متنازع رهایی یابد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۶- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۸ «در سایه‌ی چنین نظامی (حکومت متّحد جهانی)... منابع اقتصادی جهان تحت نظم در آید و از موادّ خامش بهره‌برداری و استفاده شود؛ بازار فروشش توسعه و هم‌آهنگی یابد و محصولاتش عادلانه توزیع شود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۶- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۹ «در چنان جامعه‌ای (جامعه‌ی متّحد جهانی) یک نظام فدرال جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرام‌های عالیّه‌ی شرق و غرب را در برگیرد و... به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۶- توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۰ « (در جامعهی متحد جهانی) نیروهای عظیمی که در راه جنگ‌های اقتصادی و سیاسی به هدر می‌رود؛ از آن پس، معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعهی اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله‌ی امراض و توسعهی تحقیقات علمی و بالابردن سطح صحت و تشحید و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناخته‌ی کره زمین و درازی عمر انسان گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۶-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۱ « مقتضای زمان چنین است که یک حکومت اعلا‌ی جهانی ایجاد شود که در ظل آن، تمام ملل عالم به طیب خاطر از داشتن حقوق و اختیاراتی از قبیل حق اعلان جنگ و حق وضع بعضی مالیات‌ها و کلیه‌ی حقوق مربوط به تسلیحات، جز آنچه برای امنیت داخلی‌شان لازم است، صرف نظر نمایند.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱-نظم جهانی بهایی، ص ۵۴)

۱۲ « باید یک نوع حکومت عالی که مافوق حکومت ملی است بر اثر تکامل جهان تدریجاً قوام گیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)

۱۳ « يك دستگاه ارتباطات و مخابرات بین‌المللی به وجود آید که با سرعت حیرت‌انگیز و نظم و ترتیبی کامل، به کار افتد و جمیع کره‌ی ارض را در برگیرد و از جمیع موانع و قیود ملی آزاد باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۴ « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) نوعی حکومت مشروطه را توصیه می‌کند که در آن، ایده آل‌های جمهوریت و شکوه سلطنت - که آن را «آیتی از آیات الهی» می‌داند - تلفیق گردد، و تحقق آن را توفیقی بزرگ می‌شمارد.» (مرور معبود، ص ۳۰۲)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۵ « بازسازی یا تحوّل‌ی که به برکت این جنبش (تجدید نظر در روابط انسانی) در سازمان ملل متحد به وجود می‌آید بدون تردید، به تأسیس اتحادیه‌ی جهانی ملل که دارای هیأت‌های مقننه و قضائیه و مجریه خواهد بود، منجر می‌گردد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۳)

۱۰۶. استقرار صلح اصغر (۲۳)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- (۱) «در سنین آتی‌ه‌ی این دور بهایی... اعلان صلح اصغر عالم را از بلای عقیم و داء و بیل (بیماری سخت) نجات دهد.» توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۵-۱۸۳
 - (۲) «هر سازمانی که بخواهد با موازینی کمتر از آنچه که در آیین بهایی نازل شده، به کار پردازد؛ یا نمونه‌هایی را به کاربندد که ساخته‌ی دست بشری است؛ ولی بر آثار حضرت بهاءالله انطباق نداشته باشد، هرگز به جایی نمی‌رسد و فقط حدّ اکثر می‌تواند به "صلح اصغر" دست یابد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۵- توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- ندا به اهل عالم، ص ۶۷)
 - (۳) «آنچه ما می‌دانیم این است که صلح اصغر و صلح اعظم تأسیس خواهد شد؛ اما تاریخ دقیق آن‌ها را نمی‌دانیم.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)
 - (۴) «(به پیش‌بینی حضرت ولیّ امرالله، جریان سازمان ملل متحد) باید با عبور از یک رشته فتوحات و شکست‌ها، همان طور که حضرت بهاءالله پیش‌بینی فرموده و اشعیای نبی از پیش بدان بشارت داده است، با اتحاد سیاسی دو نیم‌کره‌ی شرقی و غربی، به ظهور یک حکومت جهانی^{۲۱۷} و تأسیس صلح اصغر منجر گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در بیانیه‌ی دارالانشاء، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)
 - (۵) «در این عصر تکوین امرالله، در طیّ عهد کنونی و عهد آینده‌ی آن... صلح اصغر تأسیس (خواهد شد.)» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه‌ی ۱۹۴۷)
- (د) از آثار بیت‌العدل اعظم
- (۶) «جریان این قوه (نقشه‌ی عظیم الهی) در میقات خود، صلح اصغر را به وجود خواهد آورد و آن، عبارت از وحدت سیاسی جهان است که در آن زمان، بشریت را می‌توان به هیکلی تشبیه کرد که موجود است؛ ولی فاقد روح حیات می‌باشد.» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)
 - (۷) «در سایه‌ی پریشانی و نابسامانی که اوضاع جامعه‌ی امروزی را مختل ساخته، نوری از دور نمایان است... این نور، به ما نوید می‌دهد که زمان تحقق یافتن سه امری که حضرت ولیّ محبوب امرالله وعده فرموده‌اند که به موازات و در ارتباط با یکدیگر به وقوع خواهد پیوست؛ یعنی نمایان شدن صلح اصغر، و ارتفاع ساختمان‌های قوس کوه کرمل، و تکامل محافل روحانی ملّی و محلّی، به آهستگی اما به نحوی قطعی فرا می‌رسد.» (پیام رضوان ۱۹۸۹)
 - (۸) «از کم و کیف شرایط و احوالی که موجب تأسیس صلح اصغر خواهد شد بی‌خبریم، حتی زمان دقیق وقوع آن در نقشه‌ی اعظم الهی مستور است.» (پیام رضوان ۱۹۸۹)

^{۲۱۷} از این بیان مبارک به وضوح چنین برمی‌آید که تأسیس نوعی حکومت جهانی، پیش‌نیاز استقرار صلح اصغر است.

۹ « هیچ ناظر صادقی نمی‌تواند منکر وجود علائمی شود که نشان می‌دهند صلح اصغر در دسترس است. » (پیام رضوان ۱۹۹۰ - ترجمه‌ی شخصی)

۱۰ « حصول صلح اصغر لازمه‌اش تغییرات کلیه در قواعد و ارکان جامعه‌ی کنونی بشری است. گرچه شواهد و آثار، امید بخش می‌نماید؛ ولیکن نباید فراموش کرد که هنوز کاملاً از گذرگاه‌های تاریک عصر تحوّل و انتقال نگشته‌ایم و راهی طولانی و لغزنده و پرپیچ و خم در پیش داریم. » (پیام رضوان ۱۹۹۰)

۱۱ « در مرکز جهانی بهایی امور ساختمانی مشروعات جبل کرم‌ل آغاز گردید تا تأسیسات و تسهیلات شایسته‌ای برای مؤسّسات مرکزی اداری امر حضرت بهاءالله فراهم گردد و مؤسّسات مزبور برای تعهّد مسؤلیت‌های سنگینی که با شروع تأسیس صلح اصغر در جهان بر عهده‌ی آنان قرار خواهد گرفت، آماده شوند. » (پیام ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱)

۱۲ « (از) تغییرات و تحوّل‌ات داخلی حاصله بین ملل مختلفه و در روابط آن‌ها با یکدیگر... چنین به نظر می‌رسد که صلح اصغر قریب‌الوقوع است. ولیکن همزمان با این تحوّل‌ات، قوای خنثی‌کننده‌ای (مثل ملیّت پرستی، نژاد پرستی، تعصّبات دینی، تروریسم و عدم ثبات وضع اقتصادی) نیز دوباره ظاهر گردیده است. » (پیام رضوان ۱۹۹۲)

۱۳ « مشروعات عظیم ابنیه‌ی کرم مقدّس الهی (کوه کرم‌ل)... بخشی از یک جریان را تشکیل می‌دهد که به تصریح حضرت ولی عزیز امرالله با دو رویداد مهم دیگر همزمان خواهد بود: تأسیس صلح اصغر و تحوّل و تکامل تشکیلات ملّی و محلّی بهایی. » (پیام رضوان ۱۹۹۳ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۳۲)

۱۴ « این زمان، تیره‌ترین ساعات پیش از دمیدن روز است. چنانچه وعده داده‌اند، صلح پس از پایان شب فراخواهد رسید. پای بفشارید و به دیدار سپیده دم رهسپار گردید. » (پیام رضوان ۱۹۹۳ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۳۳)

۱۵ « در حالی که سرعت حرکت به سوی صلح اصغر در حال افزایش است، جامعه‌ی بهایی مسؤلیت‌های سنگینی در قبال آینده‌ی نزدیک و دور بر عهده دارد. » (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل ملّی آمریکا)

۱۶ « با در نظر گرفتن رشد و پیشرفتی که در جوامع محلّی و ملّی بهایی در جریان است، می‌توانیم تحقّق تدریجی پیش‌بینی حضرت ولیّ امرالله را به نحو شایسته‌تری دریابیم که در بیان تأثیر ارتفاع ابنیه‌ای که مقرّ جهانی اداری امر حضرت بهاءالله را تشکیل می‌دهد، چنین فرموده‌اند: "این جریان وسیع و حتمی‌الوقوع، همزمان با دو واقعه‌ای که از لحاظ اهمّیت کمتر از آن نخواهد بود، تحقّق خواهد یافت؛

یکی استقرار صلح اصغر و دیگری تکامل مؤسّسات ملّی و محلّی بهایی. « (پیام رضوان ۱۹۹۵- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه‌ی جلد سوم، ص ۳)

۱۷) « در آن موقعیت تاریخی و مهم در کپنهاگه کوشش مؤثری به همت دوپست و پنجاه نفر از احبّای بیش از چهل کشور مختلف جهان معمول گردید... این اقدامات بدون شک، نمایانگر توفیق و پیشرفت جامعه‌ی جهانی بهایی به منظور کمک به جریانی است که منجز به صلح اصغر خواهد شد. « (پیام رضوان ۱۹۹۵)

۱۸) « این جریان وسیع و حتمی الوقوع (ارتفاع ابنیه‌ای که مقرّ جهانی اداری امر حضرت بهاءالله را تشکیل می‌دهد) همزمان با دو واقعه‌ای که از لحاظ اهمّیت کمتر از آن نخواهد بود، تحقّق خواهد یافت. یکی استقرار صلح اصغر و دیگری تکامل مؤسّسات ملّی و محلّی بهایی. "پیش‌بینی هیکل مبارک... تکمیل طرح‌های کوه کرمل را... ضرورت و اهمّیت بخشیده است. « (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۵)

۱۹) « ما اهل بهاء، شتاب جریاناتی را که نقشه‌ی کلی الهی^{۲۱۸} به وجود می‌آورد و اقداماتی را که می‌شود، و در مراحل اولیه همراه با آلام و محن است، نشانه‌های فرارسیدن صلح اصغر می‌دانیم. « (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۲۰) « در بحبوحه‌ی ولوله و غوغای جهانی پرآشوب و پراضطراب، تمایل و روندی قطعی را که آشکارا متوجه صلح اصغر است، می‌توان تشخیص داد. دخالت روز افزون سازمان ملل متحد با پشتیبانی دول قدرتمند برای حلّ مشکلات مبرم... اشارتی شگفت‌انگیز به روال مزبور محسوب می‌گردد. نمونه‌ی دیگر، پیوستگی جمیع ملل در امور مالی و تجاری است... و از شرایطی است که حضرت ولیّ امرالله آن را از خصوصیات دنیایی که از وحدت و یگانگی زنده و فعال برخوردار خواهد بود، پیش‌بینی فرموده‌اند. « (پیام رضوان ۱۹۹۸- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه‌ی جلد سوم، ص ۳۲)

۲۱) « ابتدا صلح اصغر واقع می‌گردد، و آن زمانی است که اتحاد ملل^{۲۱۹} حاصل می‌شود. « (پیام ۳۱ ژانویه ۱۹۸۵، مندرج در بیانیه‌ی دارالانشاء، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

۲۲) « هر قدر راه طولانی‌تر و پُریچ وخم باشد، معذک باید (جامعه‌ی ملل)، پس از یک سلسله فتوحات و عقب‌نشینی‌ها، بالمآل به... استقرار صلح اصغر... منجر گردد. « (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۹- حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۰)

^{۲۱۸} به مبحث ۷۷ مراجعه شود.

^{۲۱۹} در این فقره‌ی مبارکه نیز تصریح شده است که نوعی اتحاد ملل (یا وحدت سیاسی عالم)، پیش‌زمینه‌ی استقرار صلح اصغر است.

۲۳) « در این بیانیه (وعدهی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵)، بیت العدل اعظم، با بیانی ملایم ولی قاطعانه، اعلام کرد که بهایان مطمئنند که صلح جهانی مرحلهی آیندهی تکامل جامعهی انسانی است.» (بیت العدل اعظم، رسالهی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۳)

۱۰۷. پیروزی امرالله در مقابل صفوف معاندان (۲۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « قل یا ملاء الارض موتوا بغیظکم، سوف ترتفع اعلام النصر فی کلّ مدینه و تستضیئ منها الدیار.» (حضرت بهاءالله، مندرج در مجموعهی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۱) (مضمون: ای اهل زمین، بمیرید به خشم و غضب خود، به زودی پرچمهای پیروزی در هر شهری بلند خواهد شد و سرزمینها از انوار آن نورانی خواهد گشت.)

۲) « سوف تطلع شمس العزّه من افق امری و تستضیء منها الآفاق؛ کذلک نزلنا لک الآیات لتفرح فی نفسک و تقوم علی ذکر ربّک العزیز الوّهاب.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱۲۹، ص ۱۸۹) (نه چندان دیر، خورشید عزت و عظمت از افق امر من طلوع خواهد کرد و همهی افقها از آن نورانی خواهد شد، این چنین آیات را نازل کردیم تا شادمان شوی و به ذکر پروردگار عزیز و بخشندهات قیام نمایی.)

۳) « محزون مباشید، عنقریب رایات امریه در اکثر بلاد مرتفع خواهد شد... انه علی کل شیء قدیر.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۷۵) (مضمون عبارت عربی: او بر هر چیزی توانا است.)

۴) « سوف یرون الموحّدون اعلام الظهور فی کلّ الاقطار.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱، ص ۳۵- نقل در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعهی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶- امر و خلق ۴، ص ۴۷۷) (مضمون: به زودی یکتاپرستان علمهای پیروزی را در همهی سرزمینها مشاهده خواهند کرد.)

۵) « سوف یرون الموحّدون اعلام الامر علی اعلیٰ الاعلام، انّ ربّک کان علی شیء قدیرا.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۵، ص ۵۳) (مضمون: به زودی یکتاپرستان علمهای امرالله را برفراز افراشتهترین علمها خواهند دید، همانا پروردگارت بر هر چیزی توانا است.)

۶) « انک یا عبدی، ان اطمئنّ بفضل الله و رحمته، سوف یری الموحّدون رایات النصر من کلّ الجهات، باسمی الاعظم العظیم.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱۴۴، ص ۲۰۴) (مضمون: ای بنده، به فضل

و رحمت پروردگارت مطمئن باش، به زودی یکتاپرستان پرچم‌های پیروزی را، که به نام اعظم عظیم من بر فراشته شده است، از هر سو مشاهده خواهند کرد.)

(۷) « انّ الذین کفروا ارادوا ان یطفئوا هذا النور المشرق من افق مشیة ربک العلیّ العظیم، لا و عمری، لا یقدر احد بذلک؛ سوف تری آثاره من کلّ الجهات، انه لهو الحاکم علی ما یرید.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره‌ی ۲۰۹، ص ۲۶۹) (کفرورزان خواستند این نور درخشنده از افق اراده‌ی پروردگار بلند مرتبه‌ی والامقامت را خاموش کنند؛ نه، قسم به جانم که کسی نمی‌تواند چنین کند؛ به زودی آثار آن را از هر جهتی خواهی دید، همانا او حاکم است بر آنچه بخوهد.)

(۸) « اعراض بعضی از عباد غافل، شما را محزون ننماید؛ زود است که اعلام امریه‌ی الهیه بر بقاع ارض مرتفع مشاهده شود.» (جمال ابهی، امروخلق جلد چهار، ص ۴۷۷- پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۵)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۹) « جمیع صفوف عالم (در مقابله با حضرت بهاءالله) شکست خورده و می‌خورند.» (حضرت عبدالبهاء، امروخلق ۴، ص ۴۷۸)

(۱۰) « عنقریب غمام کثیف (ابر تاریک) از افق عالم متلاشی شود و صبح منیر (امرالله) به شعاع ساطع بدرخشد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۸۸)

(۱۱) « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی‌همال (جمال مبارک) وقوع خواهد یافت: علم الهی به جمیع امت‌ها بلند خواهد شد؛ یعنی جمیع ملل و قبائل در ظلّ آن علم الهی که نفس آن نهال ربّانیست، درآیند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

(۱۲) « عنقریب ملاحظه خواهی فرمود که علم الهی در جمیع اقطار ارض بلند گردد و پرچم حقیقت موج زند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۲۳)

(۱۳) « غلبه، به صفت رحمانیت است، نه به جلادت و خونخوارگی و تیزچنگی و سبعت. عنقریب ملاحظه خواهید نمود که نفحات قدس شرق و غرب را احاطه نماید و لوای یا بهاء‌الابهی در جمیع آفاق موج زند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۳۲)

(۱۴) « امید چنان است که عنقریب اهتزاز عظیم در امم قریب و بعید افتد و رایت ملکوت ابهی ۲۲۰ در خاور و باختر موج زند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۱۱۰)

^{۲۲۰} به مبحث ۱۴۷ رجوع شود.

۱۵) «(بعد از مهاجمه‌ی جمیع ملل و امم به امرالله) فارسان میدان الهی به تأییدی از ملکوت ابهی، به قوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان، جندُ هنا لک مهزومٌ من الاحزاب (سپاهی شکست خورده در آنجا از احزاب) را آشکار کنند.» (حضرت عبدالبهاء، امروخلق ۴، ۴۷۸- نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۲۴- مندرج در توقیع مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۶) « انشاءالله... مضمون این فقرات مرقومه از قلم عبدالبهاء من بعد، تحقّق خواهد یافت و ظاهر خواهد شد و آن این است: سینکشف القناع باذن الله عن وجه الامر و یسطع هذا الشعاع فی آفاق البلاد و یعلو معالم الدین^{۲۲۱} و تخفق رایات ربکم المجدید علی الصرح المشید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۴۰) (مضمون بخش عربی: به زودی و به اذن خدا، پرده از وجه امرالله برداشته خواهد شد و این شعاع در آفاق سرزمین‌ها خواهد درخشید و نشانه‌های دین الهی آشکارا خواهد شد، و علم‌های قدرت پروردگار مجیدتان بر بلندای قصرهای پرشکوه برافراشته خواهد گشت.)

۱۷) « ولو أنکم یا اغنام الله بین برائن الصّواری من السّباع و مخالف جوارح البقاع، لا تیأسوا من روح الله؛ سینکشف القناع باذن الله عن وجه الامر و یسطع هذا الشعاع فی آفاق البلاد و تعلو معالم التوحید^{۲۲۲} و تخفق اعلام آیات ربکم المجدید علی الصرح المشید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۴۳، لوح خراسان- مندرج در توقیع منبع مورّخ ژانویه ۱۹۲۹) (مضمون: ای اغنام الهی، گر چه بین پنجه‌های وحوش درنده و میان چنگال‌های گوشتخواران پرنده اسیرید، اما از روح الهی مأیوس نشوید؛ به زودی و به اذن خدا، پرده از وجه امرالله برداشته خواهد شد و این شعاع در آفاق سرزمین‌ها خواهد درخشید و نشانه‌های توحید الهی آشکارا خواهد شد، و علم‌های قدرت پروردگار مجیدتان بر بلندای قصرهای پرشکوه برافراشته خواهد گشت)

۱۸) « یا احبّاء الله اذا اشتدّت الاریاح و هطلت الامطار و دمدمت الرّعود و لمع البرق و نزلت الصّواعق و اشتدّت الانواء و الطّوفان لاتحزنوا لانّ بعد هذا الطّوفان یأتی الرّبیع الرّحمانی و یخضر التّلال و الدّیار و یموج الزّروع فی المروج و تهتّزّ و تنبت الارض بالزّهور و الرّیحان و تلبس الاشجار حلیة الاوراق و تتزیّن بالازهار و الاثمار و تظهر البرکة فی کلّ الدّیار فهذه المواهب انما نتائج تلك الانواء و الطّوفان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، بند ۱۹۷، ص ۱۴۰) (مضمون: ای احبّای الهی، هنگامی که بادها شدت گیرد، و باران‌ها ببارد، و رعد بگرود، برق بدرخشد، صاعقه فرود آید و طوفان و بوران بوزد، محزون نشوید؛ زیرا بعد از این طوفان، بهار رحمانی می‌آید؛ دامنه‌ها و دیارها سبز و خرّم می‌شود، سبزه‌ها

^{۲۲۱} در مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۱، "معالم التوحید" آمده است.
^{۲۲۲} در مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، "معالم الدین" ذکر شده است.

در کشتزارها موج می‌زند، زمین گل‌ها و ریاحین می‌رویاند، درخت‌ها زیور برگ به خود می‌پوشند و به شکوفه‌ها و میوه‌ها زینت می‌یابند و برکت در هر دیاری نمودار می‌گردد؛ و این مواهب همه، نتیجه‌ی آن تندبادها و طوفان‌ها خواهد بود.

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۹) «همین قلم (قلم حضرت عبدالبهاء)... پیش‌گویی می‌نمایند که "عَلَمُ الهی به جمیع اُمّت‌ها بلند خواهد شد."» (مرور معبود، ص ۴۲۰)

۲۰) «قوای جهان مقاومت فیض مدرار نتواند و آشوب و غوغای جهانیان تابش انوار را مانع و حائل نگردد؛ بلکه هر قدر آیین مقدّس بر شهرت و اتّساع بیفزاید و صیحه‌ی پیروانش بلندتر گردد و ابّهت و سطوتش در انجمن عالم بیشتر جلوه نماید، انقلاباتش هائل‌تر و جوش و خروشش عظیم‌تر و فریاد و فغان اعدایش مرتفع‌تر و زفیر افتتانش شدیدتر شود.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف راز باب دهم)

۲۱) «مشیت نافذه‌ی رحمانی و حکمت بالغه‌ی سبحانی... در طریقی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار، سر نوشت امرالله... را... هدایت و به سر منزل مقصود و منظور حقیقیه‌ی خویش، دلالت می‌نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵۱/ نیز مندرج در پیام ۱۹ می ۱۹۹۴)

۲۲) «چقدر در این ایام، حقیقت ساطعه‌ی این بیان مبارک حضرت بهاءالله متجلّی است که فرموده‌اند قدرت الهیه، این ظهور اعظم را بر اساسی متین استوار فرموده که البتّه طوفان انقلابات^{۲۲۳} عالم امکان بنیانش را متزعزع نسازد و اوهام سخیفه‌ی بشری هیکلش را متزلزل نکند.» (حضرت ولیّ امرالله، ۲۱ مارس ۱۹۳۰، ارکان نظم بدیع، ص ۸۵)

۲۳) «هر قدر طوفان انقلاب و غلیان غلّ و بغضا در قلوب مشرکین تزیاید جوید و صولت هجوم احزاب و قبائل بر جند الهی شدّت نماید^{۲۲۴}، اشعه‌ی تأیید بر اشراق بیفزاید و بدایع قدرت قدیمه و لطائف حکمت الهیه و ظهورات غلبه و قهاریت کلمه‌ی نافذه‌ی جامعه بر مدّعیان مکشوف‌تر و واضح‌تر گردد "سنّة الله الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا"^{۲۲۵}» (حضرت ولیّ امرالله، توفیق ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۱۰-۹/ نیز مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف راز باب دهم، ص ۲۵) (مضمون آیه‌ی مبارکه: سنتی الهی است که از قبل بوده و هرگز برای سنت خدایی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.)

^{۲۲۳} به میحث ۱۰۰ مراجعه شود.

^{۲۲۴} به میحث ۱۹ مراجعه شود.

^{۲۲۵} سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۳.

۲۴) « این انقلاب اعظم (کل به جمیع قوی به مقاومت برخیزند) مقدمه‌ی اعلان امرالله در تمام کوهی ارض و غلبه‌ی جندالله و انهزام و انقراض اعداءالله و تنبّه عمومی اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقق بشارت "یدخلون فی دین الله افواجا"^{۲۲۶} خواهد بود.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۲۰- نقل در پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ بیت العدل اعظم، مجموعه‌ی بشارات جان فزا، ص ۲۵) (مضمون عبارت: فوج فوج در دین الهی وارد می‌شوند.)

۲۵) « جمال قدم، سلطان الامم، مُحیی الرّمم، به سپاهیان دلیرش در این انقلاب اعظم (وقتی کُلّ به جمیع قوی به مقاومت برخیزند) کاملاً اطمینان داده و به این بیان اکمل و اتمّ، وعده‌ی نصرت داده؛ قوله تکبر کبریائه "لعمری لا ینزل علی الاحبا الا ما هو خیر لهم".» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۲۲) (مضمون بخش عربی: به جانم سوگند بر احبّا وارد نمی‌شود مگر آنچه خیر و صلاح آنان است.)

۲۶) « این مسئله محقق است که همان قدرت و سطوتی که امرالله را طی یک صد سال تحوّل و تطوّر خویش حفظ نموده و آن را در مسیر ترقّی و تعالی سوق داده است؛ این دُرّ ثمین (گوهر گرانبها) را پیوسته از تعرّضات اهل عدوان محروس و در کنف صون و حمایت خویش مصون و محفوظ نگاه خواهد داشت و موجبات نشو و ارتقاء آن را فراهم و از هر آفت و بلیّتی حراست و صیانت خواهد نمود.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۹-۸۱۸)

۲۷) « یقیناً ید اقتدار حضرت بهاءالله که به طرّقی عجیب و اسرار آمیز عمل می‌نماید، به حفاظت و حمایت و هدایت و استحکام امر مقدّسش، تا پذیرش جهانی و پیروزی نهایی آن، ادامه خواهد داد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۵۲)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۸) « نفس این مکابره و مقابله و مهاجمه (حملات و لطمات عظیمه‌ی جمیع دول و ملل عالم به امرالله) سبب تشّیت شمل اعداء (پراکنده شدن گروه دشمنان) شود و بالمآل انوار شمس ظهور، ظلمت دیجور را زایل سازد و امرالله را از مرحله‌ای به مرحله‌ی اعلیٰ کشاند.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان فزا، ص ۲۴)

۲۹) « فتح و ظفر نهایی امریزدانی... امری است محتوم.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

^{۲۲۶} به مبحث ۱۱۳ رجوع شود.

۱۰۸. استحکام و استعلای امرالله (۲۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « این که از حین ارتفاع امرالله سؤال نموده بودید؛ إِنَّ لَهُ وَقْتٌ مَخْصُوصٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ. وَلَكِنْ ... قدر این ایام را باید بدانیم... در ایام ارتفاع امر و غلبه‌ی ظاهره، هر نفس مردوده ادّعی ایمان می‌نماید.» (آیات الهی ۱، ص ۲۴۵- مائده‌ی آسمانی ۱، ص ۶۸) (مضمون بخش عربی: همانا در کتاب الهی برای آن، وقت مخصوصی است.)

۲) « دین‌الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت است... اینست راه مستقیم و اسّ محکم متین؛ آنچه بر این اساس گذاشته شود، حوادث دنیا او را حرکت ندهد و طول زمان او را از هم نریزند.» (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴، توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۳) « الها معبودا مسجودا ملکا بی نیازا... سراجت را اریاح عاصفات خاموش ننماید و سدره‌ی امرت را سیلاب‌های عالم از مقرّبر نیارد.» (آیات الهی ۲، ص ۱۰۰)

۴) « بعد از انقضاء مدّت مذکوره در کتاب (میقات اتّساع لامذهبی در عالم و دوری آن از ایمان و ایقان و عرفان و نزدیک شدنش به ظنون و اوهام)، بغتة امرالله مرتفع و جمیع به آن متوجّه (خواهند شد). انّ رَبَّكَ لَهُوَ الصّادِقُ الْمُتَكَلِّمُ النَّاطِقُ الْأَمِينُ.» (آیات الهی ۱، ص ۲۴- اوت- امر و خلق ۴، ص ۷۳- مائده‌ی ۴، ردیف الف، باب چهارم، ص ۱۹- مائده‌ی ۱، ص ۶۸) (مضمون بخش عربی: همانا پروردگار تو به راستی صادق و سخن‌گو و ناطق و امین است.)

۵) « (خطاب خداوند به حضرت بهاءالله) ان یا عبْدٌ... فاکف بالله ربک ناصرأ و معین؛ انا کتبنا علی نفسنا نصرک فی المُلک و ارتفاع امرنا و لولن یتوجّه الیک احدٌ من السّلاطین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۶- نداء ربّ الجنود، سوره‌ی ملوک، بند ۲۳) (مضمون: ای بنده،... به خداوند، یعنی پروردگار که پیروزی‌بخش و یاور است اکتفا کن؛ ما نصرت تو و ارتفاع امرمان در (سیّاره‌ی) زمین را بر خود واجب شمردیم؛ ولو این که هیچ یک از سلاطین توجّهی به تو ننماید.»

۶) « (خطاب خداوند به حضرت بهاءالله) ان یا عبْدٌ، ذکّر العباد بما القیناک و لاتخف من احدٍ و لاتکن من الممترین. فسوف یرفّع الله امره و یظهر برهانه بین السموات و الارضین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۶- نداء ربّ الجنود، سوره‌ی ملوک، بند ۲۳) (مضمون: ای بنده، عباد را به آنچه بر تو القا کردیم متذکّر دار و از کسی مترس و از تردیدکنندگان مباش. به زودی خداوند در میانه‌ی آسمان‌ها و زمین‌ها، امرش را مرتفع خواهد کرد و برهانش را ظاهر خواهد ساخت.)

(۷) « فسوف... يرفعُ (الله) امره كيف يشاء، انه لهو الغالبُ على من في ملكوتِ الامر و الخلق.» (جمال ابهی، امر وخلق ۴، ص ۴۷۶) [مضمون: به زودی (خداوند) امرش را هرگونه که بخواهد، مرتفع خواهد ساخت. همانا او به راستی بر همه‌ی آن کسان که در ملکوت امر و خلق هستند، غالب است.]

(۸) « قل يا قوم، أ تمكرون في امرالله و تخادعون به في انفسكم؟ فان الله اشدّ مكرًا لو انتم من العارفين. فسوف... يرفعُ امره كيف يشاء و يعلنُ برهانه و يثبتُ آياته ولو يكرهونها هؤلاء المبغضين.» (جمال قدم، مندرج در توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۸- مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ق از باب بیست و یکم، ص ۶۵) [مضمون: ای قوم، آیا در امر خدا مکر می‌کنید و در دل‌هایتان به آن خدعه می‌زنید؟ به زودی... امرش را، هرگونه بخواهد، ارتفاع خواهد داد و برهانش را اعلان خواهد نمود و آیاتش را اثبات خواهد کرد، ولو این که این مبغضان اکراه داشته باشند.]

(۹) « فسوف يرتفعُ النداء في كلّ مدينةٍ و تجدُ الناسَ خائفينَ و وجلينَ من سطوةِ الامر و كذلك كان الامرُ في الالواحِ مقضياً.» (جمال قدم، مندرج در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۵- نیز در لئالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۶۲، ص ۱۴۱) [مضمون: به زودی ندا در هر شهری بلند خواهد شد و از سطوت امراللهی، مردمان را ترسان و لرزان خواهی یافت. امر در الواح این چنین مقدر گشته است.]

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱۰) « اشراق شمس حقیقت چنان شدید است که عنقریب در هفت اقلیم آهنگ سبوح قدّوس ربّ الملائكة و الرّوح بلند گردد.» (حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۷۶)

(۱۱) « ای آوارگان سبیل الهی،... عنقریب ملاحظه نمایید که پرچم علم تقدیس احبای الهی موج بر آفاق زند و این اشراق (امراللهی) خاور و باختر را روشن نماید.» (حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۶۹)

(۱۲) « تردیدی نکنید که خداوند با ما است؛ در یمین و یسار ما است؛ و تعداد ما روزبه‌روز افزایش خواهد یافت و جلساتمان قدرتمندتر و مفیدتر خواهد شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱)

(۱۳) « مدعیان و ناقضان منتظر فوت و موت عبدالبهاء هستند که یا گرفتار دار گردد و یا در قعر دریا مقرّ جوید و یا به دورترین دیار و قلاع سرگون شود و یا به سبب علل و امراض ترک این آواز و راز نماید، تا آنان را جولانگاهی پیش آید؛ هیئات هیئات، امرالله به قوت ملکوت ابهی از جمیع این مخاطرات محفوظ و مصون خواهد ماند، خواه عبدالبهاء موجود و خواه مفقود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۷)

۱۴) « هر چند هنوز به ظاهر این نجم هدی (امرالهی) در افق عالم باهر نه؛ ولی صبح مبینش ساطع، و عنقریب شمس منیرش طالع گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد ششم، ص ۱۷۸)

۱۵) « نهضت‌های دیگری هم هستند که رشد و دوام بیشتری پیدا می‌کنند، ولكن قبل از وصول به مرحله‌ی بلوغ، دچار ضعف و انحلال شده و برای همیشه فراموش می‌شوند... اما یک نوع حرکت و یا امر دیگری هم هست که ابتدا از نقطه‌ای کوچک و ناشناخته آغاز می‌شود، بعد با سیر مسلم و منظم به پیش می‌رود؛ به تدریج دامنه‌ی نفوذش گسترش پیدا می‌کند تا بالمآل وسعت و عمومیت جهانی می‌یابد. امر بهایی از این نوع حرکت‌ها است.» (حضرت عبدالبهاء، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۴)

۱۶) « نداء حق روزبه‌روز، رو به بلندی و علو است و همه‌ی صداها یوماً فیوماً، رو به ضعف و سکون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۲۷۹)

۱۷) « این موهبت عظمی و این منقبت کبری (منظور امرالهی است) حال اساسش به ید قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و به تدریج آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار گردد. الان بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بینات، در آخر این قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی.» (حضرت عبدالبهاء، نقل در توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۳-۳۲- نیز مندرج در توقیع دور بهایی، ص ۷۸)

۱۸) « مطمئن باشید که امر (الهی)، عنقریب اوج گیرد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ششم، فقره‌ی ۱۸۸)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱۹) « وضع اصول اداری و انشاء تأسیسات بدیعه‌ی منیعه و تفویض حق تبیین آیات به ولی امرالله، آیین الهی را در این ظهور اعظم به نحوی که در ظهورات گذشته سابقه و نظیر نداشته، از تحزب و انشعاب و تجزی و انشقاق حفظ خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۵)

۲۰) « آنچه در هویت بن امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله)... ارتفاع لواء یا بهاء‌الابهی در قطب امکان... است.» (قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-)

(۸۱۷)

(۲۱) « این واقعه (تذلیل ظاهره‌ی احباءالله)، مانند ابر بهاری اراضی قلوب را مستعدّ نموده، به گل و ریاحین ایمان و ایقان زینت و رونقی بدیع بخشید و نار این عذاب، نورش عنقریب پرتو هدایت کبری را بر نفوس و ارواح عالم افکند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۴۰)

(۲۲) « (احبای الهی) به یقین مبین بدانند که در بحبوحه‌ی انقلاب و اضطراب و اعتشاش و اعتراض و طغیان دول و امم و قبایل و ملل، عظمت امرالله به اسباب غیبیه و وسایل غیرمنتظره‌ی عجیبه بغتة جلوه نماید.» [حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷]

(۲۳) « به مرور ایام و تتابع شهور و اعوام، آنچه در هویت این امر خفیّی الطف اعلیّی مکنون و مخزون و مندمج است مکشوف و پدیدار گردد و انّ هذا الوعد غیر مکذوب.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی توقیعات ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۷۸، ۳۰ آوریل ۱۹۲۸) (مضمون عبارت: همانا این وعده، حقیقی و قطعی است.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲۴) « ید غیبی در کار است؛ و جمیع حوادث روزگار ممدّ تأسیس شریعت پروردگار.» (پیام ۹ شهرالغزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۶)

(۲۵) « امرالهی نه به صورت رشد و نموّی یکنواخت، بلکه به گونه‌ی تموّجاتی که بحران‌ها و پیروزی‌ها آن را شتاب می‌بخشد، به پیشرفت خود ادامه خواهد داد.» (ترجمه) (معهد اعلیّی، ۳۱ آگوست ۱۹۸۷، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

(۲۶) « حضرت بهاءالله به این واقعیت اشاره نموده‌اند که در گذشته و بخصوص در زمان نبوت حضرت ابراهیم، حضرت مسیح و حضرت محمد، اثرات عظیم آن ادیان در پیشرفت تمدّن هنگامی ظاهر شده که آن تعالیم از شرق به غرب سرایت نموده است. آن حضرت پیش‌بینی می‌فرمایند که در این عصر بدیع نیز پیشرفت امرالهی در ممالک غرب به همان ترتیب، ولی به مقیاسی بس وسیع‌تر، تحقق خواهد پذیرفت. " قُلْ إِنَّهُ قَدْ أَشْرَقَ مِنْ جِهَةِ الشَّرْقِ وَظَهَرَ فِي الْغَرْبِ آثَارُهُ. تَفَكَّرُوا فِيهِ يَا قَوْمُ." » (بیت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۸) [مضمون آیه‌ی عربی: بگو، همانا او (مظهرالهی) در شرق ظاهر شد و آثارش در غرب نمودار گشت. ای قوم، در این قضیه بیندیشید.]

(۲۷) « قوای عظیمه‌ای که در هویت این آیین نازنین مکنون است، هر روز در عرصه‌ی شهود نفوذی دگر کند و جلوه و بروزی بیشتر نماید.» (پیام مارس ۱۹۹۷، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۸۴)

(۲۸) « این از وعود الهیه است که روزی آید که... این مژده (ظهور الهی)، گوشزد آفاق گردد و این اشراق، خاور و باختر را روشن و منور نماید.» (۵ جون ۱۹۹۷ / اول شهرالنوز ۱۳۴ بدیع)

(۲۹) « حضرت شوقی افندی... در باره‌ی ادواری بودن تاریخ امر بهایی فرموده است که "یک سلسله از بحران‌های داخلی و خارجی با شدت و ضعف گوناگون به وجود خواهد آمد که هرچند آن سبب ویرانی و دمار شود؛ اما هر یک، سرآ قدرت متشابهی را ایجاد نماید که بر شدت و سرعت جلوه‌ی امر الهی بسیار بیفزاید." (بیت العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۴)

۱۰۹. عظمت و جلال امرالله (۲۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « از حق بخواهید توفیق عنایت فرماید که شاید بر صراط امر مستقیم باشید؛ لانّ هذا الامر عظیم عظیم. زود است که عظمت آن واضح و مبرهن شود.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۱۰۳) (مضمون عبارت: زیرا این امر عظیم است، عظیم.)

(۲) « بالبلاء ربینا الامر فی القرون الماضیه؛ سوف تجد الامر مُشرقاً من افق العظمة، بقدرة و سلطان.» (جمال ابهی، مندرج در توقیع ۱۱۳، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۱۷-۶۱۶) (مضمون: در قرن‌های گذشته به بلا امر الهی را رشد دادیم؛ (لهذا) به زودی امرالله را از افق عظمت، با قدرت و غلبه، درخشان و تابان خواهی یافت.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) « اتّفاق کلّ و اتّحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب، از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است... اینست که ملاحظه می‌نمایی در هر روزی معجزه‌ی جدیدی می‌نماید و عاقبت در انجمن عالم شمع‌های روشنی برافروزد و مانند بارقه‌ی صبح، این نورانیت عظیمه (امر الهی)، آثارش از افق عالم نمودار گشته.» (حضرت عبدالبهاء، نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۴) « عنقریب این ابرهای تاریک متلاشی گردد و شمس حقیقت به کمال عظمت درخشنده و تابان شود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۲۰۰)

۵ « بگذرد این روزگار و منتهی شود و ساکن شود این غبار و متلاشی شود این ابر تاریک و شمس حقیقت در دائره‌ی نصف النهار عاقبت بدرخشد بر اقالیم.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۶۰)

۶ « این آثار (آثار عظمت امرالهی) روزبه‌روز ظاهر و آشکار شود و این انوار یوماً فیوماً بتابد و این نفعه‌ی مشکبار آنآ فائاً بر اقطار عنبربار گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۳۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۷ « ثبات و استقامت یاران تاثیری عظیم و نفوذی شدید در وقایع حالیّه و کیفیت... اعلان شریعت سماویّه، دارد.» (حضرت ولیّ امرالله، امروخلق ۴، ص ۴۸۲)

۸ « عنقریب به حول الله ربنا البهی الابهی و طبقاً لما وصّانا و اخبرنا به مولانا و محبوبنا عبدالبهاء روح الوجود لمرقده الفداء، عروس آمال دیرینه‌ی اهل بهاء کشف نقاب نماید و از خلوتخانه‌ی امید قدم به عرصه‌ی شهود گذارد و جلوهای حیرت‌انگیز در جامعه‌ی مشرقیان و مغربیان نماید و عزّت قدیمه‌ی موعوده را علی رؤس الاشهاد و رغماً لائف کل حاسد لدود و مکذب عنود، هویدا و آشکار سازد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۳۰) (مضمون عبارات عربی: به کمک خداوند، پروردگار بهیّ ابهای ما و مطابق آنچه مولا و محبوبمان، حضرت عبدالبهاء، روح وجود فدای مرقدش باد، وصیت فرمود و خبر داد... در برابر دیدگان مردمان و به عنوان تنبیهی برای هر حسود کینه توز و کذاب ستمگری)

۹ « در سنین آتیّه‌ی این دور بهایی... هیکل امرالله در انجمن بنی آدم جلوهای محیرالعقول نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۱۰ « امر حضرت بهاءالله اکنون که در آستانه‌ی ششمین دهه‌ی حیاتش قرار داشت... ظرفیت و استطاعت خود را ارایه و اثبات نموده بود؛ ظرفیت این که، به نحوی فسادناپذیر و غیرقابل انشقاق در امتداد خطوطی که بنیان گذارش برایش ترسیم کرده بود، به پیش برود؛ و استطاعت این که، علائم و آثار آن قوه‌ی قدسی و روح ملکوتی را که آن حضرت چنان سخاوتمندانه به پیکرش بخشیده بود، در مقابل دیدگان نسل‌های متوالی بشری ظاهر نماید.» (مرور معبود، ص ۳۰۹)

۱۱ « چه بسیار امور که در ازمنه‌ی سابقه از مقوله‌ی ممتنعات (ناشدنی‌ها) شمرده می‌شد... حال ملاحظه می‌نماییم که بسیار سهل و آسان گشته؛ و این امر اعظم اقوم که فی الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیت و سبب فوز و فلاح و راحت و نجاج کلّ است، از چه جهت ممتنع و محال فرض شود؟ و لابدّ بر اینست که عاقبت شاهد این سعادت، در انجمن عالم جلوه‌گر گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۲- توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۱۲) « در آینده... آیین بهایی نه فقط به عنوان يك نظام دینی، بلکه به صورت دین رسمی يك کشور

مستقل شناخته خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۴۹)

۱۳) « زود است عظمت و حقیقت و عزت این امرالهی بر غافلان ارض ثابت و مشهود گردد. اذا یفرح

المؤمنون.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۶) (مضمون عبارت عربی: آنگاه مؤمنان

شادی خواهند کرد.)

۱۴) « صبر و تحمّل و ثبات و شکیبایی لازم تا آنچه در این کور اعظم مکنون و مستور است، به اشدّ

اشراق در قطب آفاق ظاهر و عیان گردد و چنان صیت شوکت و عظمت این آیین بهایی شرق و غرب را

احاطه نماید که زلزله بر ارکان اعدای جهول و ظلوم اندازد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲،

ص ۲۵۸)

۱۵) « در شرق و غرب عالم پیروان اسم اعظم به تمهید سبیل و تأسیس مدنیّتی بی‌مثیل مشغول...

سنُرِیْهِمْ آیاتنا فی الآفاق^{۲۲۷} و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون^{۲۲۸}» (حضرت ولی امرالله، مندرج در

پیام معهد اعلی، نوروز ۱۹۸۶) (مضمون بخش عربی: به زودی نشانه‌های خود را در افاقها به ایشان

خواهیم نمود و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه باز خواهند گشت.)

۱۶) « ما هنوز نمی‌توانیم نقشی را که مقدر است امر مبارک در حیات جامعه ایفا نماید ارزیابی نماییم.

باید منتظر مَضی (گذشت) زمان بود... لکن مآلاً... امر حضرت بهاءالله در نهایت جلال و عظمت، خود را

ظاهر و بارز خواهد ساخت.» (از جانب حضرت ولی امرالله، ۱۰ اکتبر ۱۹۳۲، مجموعه‌ی اهمیّت هنرها در

ترویج امرالله، ص ۲۲)

۱۷) « بر اساس این اصول تشکیلاتی خداداده است که... (در آینده) اقتدار شکست‌ناپذیر امر بهایی

استوار می‌گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۶-توقیع ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۸) « صیت عظمت و اقتدار و قهاریت و غلبه‌ی ظاهره و سیطره‌ی محیطه‌اش (امرالله) جهان‌گیر گردد و

وعده‌ی غصن برومند بهاء... در تفسیر آیه‌ی کریمه‌ی سفر حضرت دانیال^{۲۲۹}... تحقّق پذیرد.» (حضرت ولی

امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۷)

۱۹) « تجلیات امر مظفّر و منصور الهی، در نهایت قدرت و عظمت، تمامی کوهی ارض را اشباع و

احاطه خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله- مندرج در پیام رضوان ۲۰۱۱)

^{۲۲۷} سوره‌ی فصّلت، آیه‌ی ۵۳.

^{۲۲۸} سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۲۲۷.

^{۲۲۹} به میحث ۲، فقره‌ی ۷۶ مراجعه شود.

د) از آثار بیت العدل اعظم

- ۲۰) « ترقی مداوم امرالله و تقدّم آن... بشارت نصرت غایی آیین یزدانی دهد.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۷۴)
- ۲۱) « نتایجش و اثراتش (مربوط به مهاجمه‌ی جهانی علیه امرالله) زلزله به ارکان جهان اندازد و عالمی را حیران سازد و امرالله را علی رؤس الاشهاد اعلان نماید و مصداق "جندُ هنا لك مهزومٌ من الاحزاب" را و "نريد ان نمّن علی الذين استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثين" ۲۳۰ را ظاهر و آشکار سازد.» [حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۳ بدیع (۱۹۷۸)] (مضمون آیات عربی: " سپاهیان از احزاب در آنجا پراکنده و فراری است" و "اراده می نمایم بر کسانی که در زمین ضعیف داشته شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم.")
- ۲۲) « به فرموده‌ی مولای عزیز (حضرت ولی امرالله) "ید غیبی در کار است و انقلابات ۳۱ ارض مقدمه‌ی اعلان شریعت پروردگار"» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، خطاب به بهاییان ساکن ممالک خارجه)
- ۲۳) « چنین مقدّر است که انوار این ظهور اعظم کلیه‌ی میادین تلاش بشری را منور سازد.» (بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)

۱۱۰. ارتقاء مقام و منزلت زنان (۲۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) « چنانچه مساوات حقوق بین نساء و رجال در جمیع عالم تحقق یابد، شبهه‌ای نیست که دنیا از شرّ جنگ آسوده می شود، زیرا آن وقت نساء به هیچ وجه راضی به حرب نمی شوند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۷۸)
- ۲) « چون نسوان کاملاً در امور این جهان سهیم گردند و با مردان تساوی و برابری حاصل کنند، جنگ موقوف شود؛ زیرا مانع و رادع جنگ نسوان خواهند بود؛ در این شکّ و تردید نیست.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۷۸)
- ۳) « (زنان) عنقریب سبب عزّت ملک و مملکت شوند و دشمن جنگ گردند؛ نغمه‌ی مساوات بسرایند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۷۷)

۲۳۰ سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۵.

۲۳۱ به بحث ۱۰۰ رجوع شود.

۴ « عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است تا با صلابت مردان؛ یا اگر بخواهیم روشن‌تر و صحیح‌تر بگوییم، عصری خواهد بود که در آن، دو عنصر مرد و زن در ایجاد تعادل و هماهنگی در مدنیت به طور یکسان مؤثر خواهند بود.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، پیام آسمانی ۲، ص ۱۷۲)

۵ « قوه‌ی نافذه‌ی کلمه‌الله در این دور جدید نساء را هم‌عنان رجال فرموده و در میدان امتحان گوی از میدان می‌ریزند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۶۸)

۶ « نساء و رجال در دور حضرت بهاء‌الله عنان به عنان می‌روند؛ در هیچ موردی نساء عقب نمی‌مانند. حقوقشان با رجال متساوی است. در جمیع شعبه‌های اداره‌ی هیأت اجتماعیّه داخل خواهند شد؛ به درجه‌ای خواهد رسید که به نهایت مرتبه‌ی عالم انسانی در جمیع امور صعود خواهند نمود. مطمئن باشید؛ نظر به حال ننمایید؛ در آینده عالم نساء تابنده و درخشنده گردد؛ زیرا اراده‌ی حضرت بهاء‌الله چنین قرار گرفته است.» (مجموعه‌ی پیام آسمانی ۲، ص ۱۷)

۷ « اماءالرحمن... عنقریب مانند طیور ملاء اعلی در اطراف و اکناف دنیا به پرواز در آیند و هر نفسی را هدایت کنند و محرم راز گردانند.» (مجموعه‌ی پیام آسمانی ۲، ص ۱۷)

۸ « در اندک زمانی نساء حکم رجال یابند و سرخیل عالمیان گردند؛ لسان فصیح بگشایند و بیان بلیغ نمایند و در جمیع آفاق چون سرج هدی جلوه نمایند.» (مجموعه‌ی پیام آسمانی، ص ۱۷)

۹ « زنان مصر چون جمال یوسفی مشاهده نمودند از شدت وله انگشتان خویش بریدند و "ما هذا بشر، ان هذا الا ملك كريم" ۲۳۲ گفتند و همچنین نفوس غافله عنقریب بیدار شوند و هوشیار گردند و یاران و اماء رحمان را کلمه‌ی تحسین بر زبان رانند و غبطه‌ی عبودیت ایشان خورند و آرزوی خدمت آنان کنند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۲۱۰) (مضمون عبارت قرآنی: این انسان نیست، بلکه فرشته‌ای با کرامت است.)

۱۰ « الطاف جمال قدم در این کور در حقّ اماءالرحمن عظیم است، عظیم.» (مکاتیب عبدالبهاء ۷، ص ۱۷۷)

۱۱ « در این کور بدیع نساء هم‌عنان رجالند؛ بلکه در بعضی موارد سبقت گیرند.» (مکاتیب عبدالبهاء ۷، ص ۸۰)

۱۲ « در این کور اعظم نسایی قیام نمایند که غبطه‌ی مردان گردند و رشک رستم دستان؛ پای استقامتی محکم و استوار نمایند که نام هر نامداری از دفتر آفاق محو کنند؛ یعنی به نطقی فصیح و ثنایی بلیغ و جنانی قوی (روحی نیرومند) و قدمی راسخ و دلی ثابت و بیانی واضح و تبیانی لائح، در ظلّ

کلمه‌ی الهیه محشور گردند.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۷، ص ۱۴۱- نیز منقول در مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰، ص ۱۰۱)

۱۳ « عنقریب ملاحظه می‌نمایید که بین نساء، نفوسی چنان منجذب مبعوث شوند که سبب حیرت گردند؛ شمع روشن شوند و ناطق به حجج و برهان ربّ ذوالمنن گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۲-۵۸۱)

۱۴ « ای امة الله، از فضل و جود حضرت مقصود و سلطان غیب و شهود امیدوارم که نسایی مبعوث فرماید که آیات باهره‌ی این ظهور اعظم و رایات شاهره (پرچم‌های افراشته) بین امم باشند؛ در اخلاق و اطوار و احوال جوهر تقدیس گردند و در شئون محبت‌الله شعله‌ی شرانگیز؛ در ذکر و بیان دریای بی‌پایان شوند و در جوهر تبیان لسان فصیح و بلیغ گشایند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۶، ص ۱۶)

۱۵ « در این دور بدیع نسائی از مرقد غفلت منبعث گشتند و چنان در این میدان جولان نمودند که گوی سبقت و پیشی را از مردان ربودند و عنقریب در این زنان، مرد میدان بسیار ظهور خواهد یافت که به لسانی ناطق و قلبی فارغ و بیانی فائق و برهانی ساطع، در عالم انسان جلوه نمایند و به عصمت کبری و عفت عظمی ظاهر و باهر گردند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۷، ص ۲۲۴)

۱۶ « ای امه‌ی موقنه، در ظلّ جمال قدیم و نبأ عظیم امایی تربیت گردند و نشو و نما نمایند که هر یک به لسانی صفت ستایش او نمایند و در جهان آفرینش چنان طلوع و جلوه نمایند که ذکر نساء اوائل را منسوخ نمایند؛ آن اماء فی الحقیقه ورقات سدره‌ی منتهی گردند، چه که در کمال نضارت و فصاحت و بلاغت مبعوث گردند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۷، ص ۲۷)

۱۷ « ای امة الله، ای ورقه‌ی موقنه، در این قرن عظیم و عصر بدیع و کور جمال قدم روحی لاحبائه الفداء، امائی مبعوث گردند که حجابات اهل امکان را به قوه‌ی برهان عظیم بردرند و چنان قدم ثبوت و رسوخ بنمایند که جبال راسیات (منظور صاحبان مقام و منصب بلند است) حیران مانند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۷، ص ۴۱)

۱۸ « در این ظهور ابهایی زنان دوش به دوش مردان حرکت خواهند کرد. در هیچ زمینه‌ای عقب نخواهند ماند... در تمام شاخه‌های سیاست وارد خواهند شد. به عالی‌ترین مقامات عالم انسانی واصل خواهند گشت و در همه‌ی امور جامعه مداخله خواهند کرد. مطمئن باشید. به اوضاع کنونی ناظر نباشید؛ در آینده‌ای نه چندان دور، دنیای نساء تابان و درخشان خواهد شد؛ زیرا حضرت بهاءالله چنین اراده فرموده است... ورود زنان در تمامی عرصه‌های حیات انسانی قطعی و برگشت ناپذیر خواهد بود؛ هیچ

کسی نمی‌تواند آن را به تعویق اندازد یا از آن ممانعت کند.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۸ آگوست ۱۹۱۳)

۱۹ « وقتی زنان متناسب با شرایط زمان و مکان و متکی به ظرفیت عظیم خود، به عالی‌ترین مدارج پیشرفت نایل شوند، مزایای استثنایی کسب خواهند کرد. از این بابت مطمئن باشید. حضرت بهاء‌الله مقام و موقف زنان را بسیار تقویت فرمود و حقوق و مزایای زنان یکی از مهم‌ترین اصول اندیشه‌ی عبداله‌بهاء است. یقین داشته باشید که به زودی ایامی خواهد آمد که مردان زنان را مخاطب سازند و بگویند "مرحبا به شما، مرحبا به شما، به راستی شما شایسته‌ی هر پاداشی هستید؛ حقیقتاً شما مستحق آنید که سرهایتان را به تاج عزت ابدی بیارایید؛ زیرا در علوم و هنرها، در فضایل و کمالات هم طراز مردانید و در رِقَّت قلب و مهربانی و وسعت بذل و همدردی افضل از آنان.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۸ آگوست ۱۹۱۳)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲۰ « به مرور ایام چون امر حجاب به تدریج و به حسب حکمت الهیه تخفیف یابد و از میان رود؛ نساء و رجال هر دو در انتخاب و عضویت محافل روحانی شریک و سهم و معاون یکدیگر گردند. همچو یوم فیروز مبارکی خواهد رسید و اماءالرحمن در انجمن یاران ظهور و بروزی عجیب نمایند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۶۷)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۱ « انکار مساوات میان زن و مرد، هیچ مجوز اخلاقی و عملی یا طبیعی ندارد و فقط زمانی که زنان در جمیع مساعی بشری سهمی کامل و متساوی داشته باشند، از لحاظ اخلاقی و روانی، جوّ مساعدی خلق خواهد شد که در آن، صبح صلح جهانی^{۲۳۳} پدیدار گردد.» (رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱۷)

۱۱۱. سرور و نشاط مؤمنان (۲)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

^{۲۳۳} به مباحث ۱۰۶ و ۱۱۷ و ۱۳۳ مراجعه شود.

(۱) «سوف يُظهِرُ اللهُ فِي الْأَرْضِ مَا تَفْرَحُ بِهِ قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ» (آثار قلم اعلیٰ، ۱، فقره ۱۱۶، ص ۱۷۶) (مضمون: به زودی خداوند در زمین چیزی ظاهر خواهد کرد که قلوب یکتاپرستان را شادمان کند).

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) «دهقان حقیقی کشت خویش را آبیاری فرماید و عنقریب مظهر کزَرَعٍ أَخْرَجَ شَطَاهُ فَاسْتَعَاظَ وَ اسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ يَعْجَبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِ الْكُفَّارَ»^{۲۳۴} فرماید. آن دم، یاران الهی همدم شادمانی ابدی گردند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۳۸) (مضمون عبارت عربی: مانند کشتزاری که خوشه کرد و خوشه‌هایش رسید و بر ساقه‌اش برنشست، و دهقانان را شگفت زده کرد تا از انبوهی آن‌ها خداوند کافران را به خشم آورد).

۱۱۲. اندوه و اضطراب معاندان (۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «سوف يجدنَّ المخلصون آيات نصره ربهم الرحمن و يضطرب بها الذينهم مشركون.» (آثار قلم اعلیٰ، ۱، فقره ۱۹۶، ص ۲۵۶) (مضمون: به زودی خالصان نشانه‌های پیروزی پروردگار بخشنده‌ی خود را خواهند دید، چیزی که مشرکان از آن مضطرب و ترسان خواهند شد).

(۲) «طوبى ليووم فيه تُنصَبُ راياتُ الاسماءِ فى ملكوتِ الانشاءِ باسمى الابهى؛ يومئذٍ... يَنوحُ المشركون.» (کتاب اقدس، بند ۹۴) (برای مضمون به فقره ۹۴ دوم از مبحث قبلی مراجعه شود).

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) «دهقان حقیقی کشت خویش را آبیاری فرماید و عنقریب مظهر کزَرَعٍ أَخْرَجَ شَطَاهُ فَاسْتَعَاظَ وَ اسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ يَعْجَبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِ الْكُفَّارَ» فرماید. آن دم... غافلان مبتلای حسرت سرمدی (شوند).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۳۸) (مضمون: مانند کشتزاری که خوشه کرد و خوشه‌هایش رسید و بر ساقه‌اش برنشست، و دهقانان را شگفت زده کرد تا از انبوهی آن‌ها خداوند کافران را به خشم آورد).

^{۲۳۴} سوره‌ی الفتح، آیه‌ی ۲۹.

۱۱۳. اقبال افواج مؤمنین (۲۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « قُلْ يَا مَلَأَ الْأَشْقِيَا فَسَوْفَ يَرْفَعُ أَمْرُ اللَّهِ بِالْحَقِّ وَتَنْعَدِمُ رَايَاتُ الْمُشْرِكِينَ وَيَدْخُلُونَ النَّاسَ فِي دِينِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمُتَعَالَى الْقَدِيمِ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره‌ی ۲)

(۲) « قل اذ جاء النصر كل يدعون الايمان ويدخلون في امرالله. » (منتخب آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۵۰) (مضمون: بگو هنگامی که یاری برسد، همگان ادعای ایمان خواهند کرد و در امرالهی وارد خواهند شد.)

(۳) « لو علم الناس ما وراء الختام من رحيق رحمة ربهم العزيز العلام، لنبذوا الملام و استرضوا عن الغلام (جمال مبارک) و اما الآن حجبوني بحجاب الظلام الذي نسجوه بأيدي الظنون و الأوهام. سوف تشق اليد البيضاء جيلاً لهذه الليلة الدلماء و يفتح الله لمدينته باباً رتاجا، يومئذ يدخل فيها الناس افوجا و يقولون ما قالته اللآئمت من قبل ليظهر في الغايات ما بدا في البدايات. » (نداء رب الجنود، لوح سلطان، بند ۲۷۰-۲۷۱- امر وخلق ۴، ص ۴۷۴- الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۱۹۸) (مضمون: اگر مردمان می دانستند در آن سوی آخرت چه شراب پاکیزه‌ی از رحمت پروردگار توانای دانایشان موجود است، قطعاً از ملامت دست می کشیدند و در صدد جلب رضایت این غلام بر می آمدند. اما هم اکنون آنان مرا در حجابی که به دست‌های ظنون و اوهام تنیده‌اند، پنهان کرده‌اند. به زودی دست سپیدوش الهی شکافی در این شبگاه تاریک ایجاد خواهد کرد و خداوند برای شهر خود دروازه‌ی بسته را باز خواهد نمود و مردمان فوج فوج در آن داخل خواهند شد و بر زبان خواهند آورد آنچه را که سخن چنان از پیش گفته‌اند (یعنی با یاد سخن آنان به حالشان تأسّف خواهند خورد) تا در نهایت آشکار آید آنچه که در بدایت مقدر شده است.]

(۴) « عنقريب از جميع اقطار عالم ندای بلی بلی و لبيک لبيک مرتفع خواهد شد؛ چه که مفری از برای احدی نبوده و نیست. » (جمال ابهی، مندرج در کتاب دور بهایی، ص ۲۶- ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳۸- مندرج در توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۵)

(۵) « سوف ترون الكال مقبلين الى الله و باكين على ما فات عنهم في أيامه، إنه لهو المهيمن العليم. » (جمال ابهی، نقل در توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶) (مضمون: به

زودی کل را مقبل به سوی خداوند و گریان از آنچه در ایام او از دست دادند، خواهید دید. او فراگیرنده و داننده است.)

(۶) « جمیع عالم به انوار نیر اعظم فایز گردد و در یک مدینه وارد شوند و بر یک سریر جالس. این مظلوم از اول ایام الی حین مقصودی جز آنچه ذکر شد نداشته و ندارد.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۷) « الحمد لله تعالیم جمال مبارک در جمیع آفاق در ترویج است؛ ایران را به هیجان آرد. عنقریب ملاحظه می‌نمایید که آیه‌ی مبارکه‌ی و یدخلون فی دین الله افواجا تحقق یافته.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۵۹۷، ص ۴۱۸)

(۸) « حضرت مسیح حین صعود در ظلّش نفوسی معدوده بود؛ با وجود این، صیتش جهان‌گیر گشت و آوازه‌اش به فلک اثیر رسید؛ اما جمال قدم روحی لاجبائیه الفداء، حین صعود مات و الوف (صدها و هزارها نفر) در ظلّ رایت عظمتش محشور؛ دیگر معلوم است که در استقبال چه قیامتی بر پا خواهد شد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۸۵)

(۹) « نزدیک است که حقیقت و تری الناس یدخلون فی دین الله افواجا در ایران تحقق یابد؛ ولی باید که احبای روحانی به خلق و خوی رحمانی رفتار و کردار نمایند تا نفعه‌ی مشکبار موهبت الهیه مشام آفاق را معطر نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۶۱۶)

(۱۰) « در این ایام استعداد عجیبی در ایران و سایر جهان حاصل. وقت را باید غنیمت شمرد، فرصت هدر نداد. لهذا باید ایادی امرالله جمیع اوقات را صرف تبلیغ نمایند. عنقریب نصرت ملکوت فوق مأمول (بالا تر از حدّ انتظار)، ظاهر گردد و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا^{۲۳۵} تحقق یابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۶۲۰)

(۱۱) « با وجود این همه سفک دماء مطهر و بلائی متتابعه و تعرضات مترادفه در ازمنه‌ی سالفه، شمع رحمانی روشن تر شد و پرتو شمس حقیقت شدیدتر گردید... عنقریب ملاحظه خواهید نمود که فوج فوج مانند موج به ساحل نجات توجه نمایند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۶۷)

(۱۲) « یا امة الله، انّ الامر عظیم عظیم؛ یدخلون فیه افواجا افواجا.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، بند ۶۱۸، ص ۵۱۹) (مضمون: ای کنیز الهی، امر عظیم است، عظیم؛ و افواج انسانی در آن داخل خواهند شد.)

^{۲۳۵} سوره‌ی نصر، آینه‌ی ۲.

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۳) « اهل بهاء می دانند که... مردمان فوج فوج در امر یزدان وارد خواهند شد و اوضاع عالم به کلی دگرگون خواهد گشت.» (ترجمه) (۵ اکتبر ۱۹۵۳، مجموعهی دخول افواج مقبلین)

۱۴) « احبّا... عاقبت را خیر محض دانند... و اقبال جهانیان را که قلم اعلی به آن بشارت داده، مؤکد و محتوم شمرند.» (مجموعهی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۲)

۱۵) « چون یوم موعود در رسد و ندای بهاییان اوج گیرد و علم یابهاء لاهی بر اعلی قتل عالم موج زند و "یدخلون فی دین الله افواجا" تحقق پذیرد، باید امنای محافل روحانیّه که در رتبهی اولی، حامی و حارس و نگهبان امراللهند، به دقت نظر و حدت بصر و تفرّس تام، در مقاصد و مأرب مقبلان تدقیق نمایند و مخلص را از مغرض تمیز دهند و بشناسند.» (مجموعهی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۲۳، توقیع مورّخ ژانویهی ۱۹۲۹)

۱۶) « عنقریب فوج فوج در جنوب و شمال و شرق و غرب عالم به این نور مبین (دین الهی) اقبال نمایند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائدهی آسمانی ۳، ص ۴۹- مجموعهی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۸۸)

۱۷) « این تقویت (هدایت نفوس جدید به شریعهی ایمان و الحاق آنان به سپاه ربّ الجنود) بعلاوه، از فرارسیدن روزی خبر می دهد و حلول روزی را تسریع می کند که چنان که حضرت عبدالبهاء پیش بینی فرموده اند، فوج فوج نفوسی از ملل و اجناس مختلفه وارد امر مبارک گردند.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۵۴)

۱۸) « وعدهای که سالیانی پیش قائد جنود این امر اعظم (حضرت عبدالبهاء) پیش بینی نموده است (منظور دخول افواج است)، محقق خواهد گشت.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، آوریل ۱۹۵۶، مجموعهی دخول افواج مقبلین)

۱۹) « هم اکنون می توان در دیارهای دوردست، علائم آگاهی بخشی را مشاهده نمود که نزدیک شدن یومی را بشارت می دهند که در آن، افواج انسانی به امر یزدانی وارد خواهند شد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، آوریل ۱۹۵۶، مجموعهی دخول افواج مقبلین)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۰) « در بسیاری از ممالک آثار اولیّهی تحقّق «و یدخلون فی دین الله افواجا» که در آثار حضرت عبدالبهاء موعود و اشتیاق ظهور آن وعد کریم در قلب ممرّد اصفایش موجود، ظاهر و نمایان شد.» (پیام آوریل ۱۹۶۴)

۲۱) « آمادگی روز افزون مردم جهان به پذیرفتن پیام حضرت بهاءالله، ما را مطمئن می‌سازد که دخول افواج مقبلین به شریعه‌ی حضرت ربّ العالمین به زودی در ممالک مختلفه یکی پس از دیگری، تحقّق خواهد یافت.» (پیام ۹ نوامبر ۱۹۹۳ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۴۸)

۲۲) « هرکس این بیانات مبارکه (مجموعه‌ای از منتخبات نصوص مبارکه تحت عنوان "موجبات تحقّق یدخلون فی دین الله افواجا") را زیارت نماید، متوجّه خواهد شد که دخول افواج مقبلین تنها یک مرحله از پیشرفت امر نیست که وابسته به پذیرش جامعه به صورت کلی بوده و مقدر باشد که در میقات معین تحقّق یابد؛ بلکه پدیده‌ای است، که جوامع بهایی می‌توانند در اثر مساعی و مجهودات خود آن را آماده و به منصه‌ی ظهور رسانند و جریانی است که به محض شروع می‌توان آن را ادامه داد.» (پیام ۹ نوامبر ۱۹۹۳)

۲۳) « همه‌ی یاران باید بدانند که دخول افواج مقبلین مرحله‌ی حتمی‌الوقوعی از پیشرفت امرالهی است.» [پیام رضوان ۱۵۳ بدیع (۱۹۹۶)، خطاب به پیروان اسم اعظم در اروپا]

۲۴) « مطابق وعده‌ی نصرت و ظفری که اراده‌ی الهیه به آن مظهر احدیه (موعود جمیع قرون و اعصار= حضرت بهاءالله) عطا کرده بود، به شهادت قلم اعلایش "اعلام نصر" از ورودش به عکا استقبال نمودند و (آنگاه) "ناد المناد: فسوف... یدخل الناس فی ظلّ هذه الاعلام." مرحله‌ی نوین پراهمیتی در مسیر تحقّق نهایی آن وعده‌ی عظیم، در اجتماع کنونی شما (اعضای محافل روحانی ملی حاضر در هشتمین کانونشن بین‌المللی بهایی) آشکار است.» (۲ می ۱۹۹۸) (مضمون بخش عربی: منادی ندا سرداد... که به زودی مردمان در سایه‌ی این علم‌ها وارد خواهند شد.)

۲۵) « چون یاران روحانی و برادران و خواهران افغانی در ظلّ نمو سیستماتیک، رشد و ترقی نمایند؛ با زمینه‌ی مساعدی که حوادث روزگار در آن دیار فراهم کرده، بالمال موفق خواهند شد که وعده‌ی دخول افواج را در ظلّ اسم اعظم تحقّق بخشند.» (پیام ۳۰ می ۲۰۰۲)

۲۶) «تردید نیست که آنچه مشاهده می‌کنیم شدت یافتن جریانی است که منجر به اقبال افواج مردم به امرالهی می‌گردد و حضرت بهاءالله در لوح سلطان ایران آن را پیش‌بینی فرموده و حضرت عبدالبهاء

مشتاقانه بدان وعده داده و حضرت ولیّ امرالله آن را به عنوان مقدّمه‌ی لازم برای اقبال جماعات عظیم^{۲۳۶} توصیف فرموده‌اند.» (پیام ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳)

(۲۷) «در این مقام، یادآوری وعده‌ی محکمه‌ی الهیه که از قلم مبارک جمال اقدس ابهی در اشاره به تزییقات وارده بر نفس مظهر ظهورالهی نازل شده، روح روان را به وجد و طرب می‌آورد که می‌فرمایند: " و اما الان حجبونی بحجاب الظلام الذی نسجوه بایدی الظنون و الاوهام. سوف تشقُّ يدُ البیضاء جیبا لهذه اللیلة الدلماء و یفتح الله لمدینته بابا رتاجا یومئذ یدخلون فیها النَّاس افواجا و یقولون ما قالته الائمات من قبل لیظهر فی الغایات ما بدا فی البدایات."» (پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶) (برای آگاهی از مضمون بخش عربی، به فقره‌ی ۲ از همین مبحث رجوع شود.)

۱۱۴. حمایت مؤسّسات جامعه‌ی انسانی (۱)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۱) «رسالت حضرت بهاءالله فقط محدود به بنای جامعه‌ی بهایی نیست؛ بلکه ظهورالهی برای جمیع عالم انسانی است و دیر یا زود، حمایت مؤسّسات جامعه‌ی انسانی را به خود جلب خواهد کرد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۵)

۱۱۵. ظهور ملوک حامی (۱۶)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «یا ارض الطّاء... لویشاء یبارک سریرک بالذی یحکم بالعدل و یجمع اغنام الّتی تفرقت من الذّئاب. إنه یواجه اهل البهائ بالفرح و الانبساط. ألا أنه من جوهر الخلق لدى الحقّ. علیه بهاءالله و بهاء من فی ملکوت الامر فی کلّ حین.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۵۶) [مضمون: ای طهران،... اگر او (خداوند) بخواهد سریر (سلطنت) تو را به کسی زینت خواهد داد که به عدالت حکومت کند؛ کسی که گوسپندان خداوند را که به دست گرگ‌ها پراکنده

^{۲۳۶} بر اساس این بیان مبارک دو جریان "اقبال افواج" و "اقبال جماعات عظیم" یا "اقبال دستجمعی" متفاوت از یکدیگرند و در ازمنه‌ی متفاوت رخ خواهند داد. در مورد فرایند دوم به مبحث ۱۱۶ مراجعه شود.

شده‌اند، جمع خواهد کرد و با اهل بهاء با فرح و انبساط مواجه خواهد شد. در نظر خداوند او همچون مرواریدی است میان مردم. همواره بر او باد بهاء خداوند و بهاء همه‌ی کسانی که در ملکوت امر هستند.]

۲) «هریک از حضرات ملوک و فقهم الله بر حفظ این حزب مظلوم قیام فرماید و اعانت نماید، باید کلّ در محبت و خدمت به او از یکدیگر سبقت گیرند. این فقره فرض است بر کلّ، طوبی للعالمین.» (لوح بشارات، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱)

۳) «طوبی لملک ما منعه المُلک عن مالکة و اقبل الی الله بقلبه، انه ممنّ فاز بما اراد الله العزيز الحكيم. سوف یری نفسه من ملوک ممالک الملکوت. ان ربک لهو المقتدر علی ما یشاء يعطی من یشاء ما یشاء و یمنحصرت عبدالبهاء من یشاء ما اراد، انه لهو المقتدر القدير.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱، ص ۲۲) (مضمون: خوشا به حال سلطانی که مُلک او را از مالکش باز ندارد و به قلبش به خداوند اقبال نماید. او در زمره‌ی کسانی خواهد بود که به آنچه اراده‌ی خداوند عزیز حکیم است فایز شده است. او به زودی خود را از سلاطین ممالک ملکوت خواهد دید. همانا پروردگارت بر هر چیزی که بخواهد توانا است؛ هرچه را بخواهد به هر کس که بخواهد می‌بخشد و هرچه را که اراده کند از هر کس که مایل باشد باز می‌دارد، او مقتدر و توانا است.)

۴) «سوف یبعث الله من الملوک من یُعین اولیائه. انه علی کلّ شیء محیط... هذا حتم من لدن عزیز جمیل.» [مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۹۵- آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۳، ص ۴۶، لوح رییس- نداء رب الجنود، بند ۲۱- منقول در توفیق منبع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)، ص ۷۵- الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۲۱۶] (مضمون: به زودی خداوند از ملوک، کسی را بر خواهد انگیزد که اولیائش را اعانت کند. همانا او بر هر چیزی تواناست... این امری حتمی از نزد خداوند عزیز و جمیل است.)

۵) «ان یا معشر الملوک زینوا رؤسکم باکالیل العدل لیستضیعی من انوارها اقطار البلاد، کذلک نأمرکم فضلاً من لدنا علیکم یا معشر السلاطین. فسوف یظهر الله فی الارض ملوکاً یتکون علی نمارق العدل و یحکمون بین الناس کما یحکمون علی انفسهم. اولئک من خیرة خلقی بین الخلاق اجمعین.» [آثار قلم اعلی ۴، ص ۸۸- لوح رضوان العدل- بخش دوم بیان مبارک منقول در توفیق منبع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)، ص ۷۶] (مضمون: ای پادشاهان، سرهای خود را به تاج‌های عدل زینت دهید تا اطراف ملک به انوارش روشن گردد. ای گروه پادشاهان، این گونه به نشانه‌ی فضل خود بر شما، فرمانتان می‌دهیم. به زودی خداوند در زمین ملوکی ظاهر خواهد کرد که بر پستی‌های عدالت تکیه زنند و

میان مردمان همان‌گونه که بر خود حکم می‌رانند، حکم کنند؛ اینان از برگزیده‌ترین خلق من هستند میان مردمان.»

(۶) «طوبی لملک قام علی نصره امری فی مملکتی و انقط حضرت عبدالبهان سوایی انه من اصحاب السفینه الحمراء التي جعلها الله لأهل البهائين ينغى لكل ان يعزروه و يوقروه و ينصروه ليفتح المدن بمفاتيح اسمي المهيمن على من في ممالك الغيب و الشهود انه بمنزلة البصر للبشر و الغرة الغراء لجبين الانشاء و رأس الكرم لجسد العالم؛ انصروه يا اهل البهائين بالأموال و النفوس.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۸۴-منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۵) [مضمون (با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی بیان مبارک): چه عظیم است تبرگی که در انتظار سلطانی است که در ملکوت من، به یاری امرم قیام خواهد کرد و خود را از همه چیز جز من منقطع خواهد ساخت. چنین سلطانی از اصحاب سفینه‌ی حمراء محسوب است؛ سفینه‌ای که خداوند برای اهل بهاء مقرر داشته است. همه باید نام او را بزرگ دارند، مقامش را محترم شمردند و یاریش دهند تا شهرها را با کلید نام من بگشاید؛ نامی که حامی همه‌ی ساکنان غیب و شهود است. چنین سلطانی مردمک دیده‌ی بشریت، و زینت درخشان بر پیشانی هستی، و سرچشمه‌ی برکت برای عالم خلقت است. ای خلق بهاء، برای یاری رساندن به او، نه فقط اموالتان، بلکه جان‌هایتان را هم نثار کنید.]

(۷) « امید هست که یکی از ملوک لوجه الله، بر نصرت این حزب مظلوم قیام نماید و به ذکر ابدی و ثنای سرمدی فایز شود.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۲)

(۸) « فسوف يعث الله من الملوك من ينصروا، و انه على كل شيء قدير.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۸۱) (مضمون: به زودی خداوند از ملوک، کسی را برخواهد انگيخت که امرش را یاری کند و همانا او بر هر چیزی توانا است.)

(۹) « يا ارض الطاء... لو يشاء (الله) يُباركُ سريرك بالذي يحكم بالعدل و يجمع اغنام الله التي تفرقت من الذئاب. انه يواجه اهل البهائين بالفرح و الانبساط؛ آلا انه من جوهر الخلق لدى الحق. عليه بهاءالله و بهاء من في ملكوت الامر و الخلق.» (کتاب اقدس، بند ۹۱) (مضمون: ای سرزمین طهران... اگر خدا بخواهد تخت سلطنت تو را به کسی زینت خواهد داد که به عدالت حکومت کند؛ کسی که گوسپندان خدا را که به دست گرگان پراکنده شده‌اند جمع خواهد کرد. او با اهل بهاء با فرح و انبساط مواجه خواهد شد. آگاه باشید که او از جواهر خلق است نزد حق. بر او باد بهاء خداوند و بهاء هر کس که در ملکوت امر و خلق است.)

۱۰) « از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که حضرات ملوک و سلاطین را که مظاهر قدرت و مطالب حضرت عبدالبهاءتند تأیید فرماید بر اجراء اوامر و احکامش؛ آنّه هو المقتدر التقدير وبالاجابة جدیر.» (لوح بشارات، مجموعهی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۵) (مضمون عبارت عربی: همانا او مقتدر و توانا و بر قبول و پذیرش لایق است.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۱) « عاقبت... سریر سلطنت کبری در نهایت شوکت استقرار جوید و آفاق ایران به نورانیت عدالت شهریاری روشن و تابان گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائدهی آسمانی ۹، مطلب اول، ص ۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۲) « سلطانی که طبق وعدهی حضرت بهاءالله در کتاب اقدس، باید سریر سرزمین وطنی آن حضرت (کشور مقدّس ایران) را زینت دهد، و سایه‌ی حمایت شاهانه‌ی خود را بر سر پیروان ستمدیده‌اش بیفکند، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) ظاهر نشده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۳)

۱۳) « من بعد چون اجل معلوم دررسد، نفس این سلاطین و رؤساء جمهور خود اقتداء به این نصرت دهندگان امرالهی نمایند و پا به میدان گذارند و تاج سلطنت فانیه را بر خاک اندازند و اکیلی مرصع عبودیت صرفه‌ی محضه‌ی بحته را بر سر نهاده و در صف اول مبلّغین در آمده، باموالهم و ارواحهم و ما وهبهم ربّهم به تبشیر و نصرت پردازند و بعد از اتمام دوره‌ی خدمات، به این اراضی مقدّسه شتابند و خاضعاً خاشعاً متذللاً منکسراً طواف مقامات مقدّسه کنند و صوت تهلیل و تسبیح و تمجید را به عنان آسمان رسانند و بزرگواری این امر عظیم را بر جهان و جهانیان مکشوف و مبرهن سازند و انّ هذا الوعد محتوم قد رفع الله عنه حکم البداء و زینّه بطراز الاثبات فی لوح حفیظ.» (حضرت ولیّ امرالله، مائدهی آسمانی ۳، ص ۷۵- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۵-۱۴) (مضمون عبارات عربی: به اموالشان و ارواحشان و آنچه پروردگارشان به آنان بخشید... همانا این وعده، حتمی است؛ و خداوند حکم بداء را از آن مرتفع فرمود و در لوح محفوظ به زینت اثبات مزینش نمود.)

۱۴) « در سنین آتی‌ه‌ی این دور بهایی... ملوک و سلاطین در ظلّ سیطره‌ی محیطه‌ی کلمه‌الله مجتمع گردند.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۱۵) « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله)، استظلال یاران ستمدیده‌ی الهی در موطن رحمانی (ایران)، در ظلّ صون و معدلت شهریاری (است).» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۱۶) « حامیان تاجدار امرالهی... به پیش‌بینی حضرت بهاء‌الله، در آینده‌ی ایام، قیام خواهند کرد و به فرموده‌ی آن حضرت، هر یک چون: "چشمی بینا از برای بشریت و جبینی نورا از برای خلقت و رأس کرم از برای جسد عالم" توصیف و تحسین خواهند شد.» (مرور معبود، ص ۵۰۹)

۱۱۶. اقبال توده‌های بشری (دستجمعی) (۱۵)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « کلّ بشر در امر حقّ داخل گردد و کره‌ی ارض بتمامه، مسکن انسان مؤمن شود.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۲)

۲) « عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لیبک لیبک مرتفع خواهد شد چه که مفرّی از برای احدی نبوده و نیست.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳) « فقط هنگامی که روح امرالهی در کالبد عالم نفوذ کند، مردمان در تعداد زیاد، به آن ایمان خواهند آورد.» (ترجمه) (از جانب حضرت ولیّ امرالله، ۱۸ فوریه ۱۹۳۲، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۴) « ما هنوز در وضعیتی هستیم که نفوس منفرد مؤمن می‌شوند؛ اما به زودی بهاران ایمان فرا خواهد رسید و تمامی مردمان و ملت‌های جهان، به آن حیات روحانی که حضرت بهاء‌الله افاضه فرموده، زنده خواهند شد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، ۱۸ فوریه ۱۹۳۲، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۵) « یومی فرا خواهد رسید که امرالهی مانند شعله‌ی آتش گسترش خواهد یافت و آن زمانی است که روح و تعالیم امرالله بر روی صحنه یا به طور کلی، در قالب هنر و ادبیات عرضه خواهد گردید.» (از جانب حضرت ولیّ امرالله، ۱۰ اکتبر ۱۹۳۲، مجموعه‌ی اهمّیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۲۱)

۶) « جریان‌ی مستمرّ از تحکیم و تقویت امرالله، حلول روزی را بشارت و شتاب می‌دهد که به پیش‌بینی حضرت عبدالبهاء، شاهد دخول افواج مقبلین از ملت‌ها و نژادهای گوناگون به درون دنیای بهایی خواهد بود؛ روزی که اگر از منظری صحیح ملحوظ گردد، مقدمه‌ی آن ساعت موعود دیرینه‌ای است که در آن، ایمان توده‌های انسانی از همان ملت‌ها و نژادها... ناگهان مقدّرات امرالهی را تغییر خواهد داد و تعادل عالم را برهم خواهد زد و توان آماری و تدارکاتی و نیز تفوّق روحانی امر حضرت

بهاءالله را هزاران برابر خواهد کرد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، توفیق مبارک مورخ ۱۸ جولای ۱۹۵۳، مجموعهی دخول افواج مقبلین - حصن حصین شریعتالله، ص ۱۵۴)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۷) « یقیناً زمان چندان به درازا نخواهد کشید تا در سراسر عالم پدیدهی دخول افواج مقبلین را که حضرت عبدالبهاء آن را مقدمه‌ی اقبال توده‌های انسانی پیش‌بینی فرموده‌اند، مشاهده کنیم.» (ترجمه) (پیام ۲۷ دسامبر ۱۹۸۵، مجموعهی دخول افواج مقبلین)

(۸) « حضرت ولی امرالله در همان توفیق (۱۸ جولای ۱۹۵۳) ... می‌فرمایند: "این دخول، مقدمه‌ی ظهور یومی است که ملل و اجناس مختلفه در اثر وقوع یک سلسله وقایع خطیره که محتملاً مصیبت بار و حتی به طور تقریبی نیز غیر قابل تصور می‌باشد، تقلیب و تبلیغ دستجمعی شده که خود بگفته‌ی مقام و موقع امر مبارک را متغیر، نظم عالم را مضطرب و عده‌ی نفوس و قوای مادی و معنوی امر جمال قدم را هزاران بار تقویت خواهد نمود." این همان زمانی است که اهل بهاء باید خود را برای ظهورش آماده سازند، این همان میقاتی است که فرارسیدنش را باید تسریع نمود.» (پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷)

(۹) « این امر (اقبال فوج فوج ناس)، مقدمه‌ای برای وصول به آن ساعت (ی) است که از دیر باز در انتظار آیم؛ زمانی که اقبال دستجمعی در میان... ملل و نژادها تحقق پذیرد.» [پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۶/۹)]

(۱۰) « حضرت ولی امرالله در توفیقی که در تاریخ ۱۸ جولای سال ۱۹۵۳ ... صادر گردیده، در ارتباط با احتیاج حیاتی به "دخول و الحاق دائمی نفوس جدید به جیش بطیئ الحركة ولكن دائم التقدّم ربّ الجنود" بر اثر فعالیت‌های تبلیغی، می‌فرمایند: این دخول و الحاق "ظهور یومی را بشارت می‌دهد و تسریع می‌نماید که به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء شاهد دخول دستجمعی مردم از اجناس و ملل مختلفه در ظلّ لوای امرالله خواهد بود."» (پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷)

(۱۱) « حضرت عبدالبهاء بدان (دخول افواج مقبلین به سراپرده‌ی آیین نازنین) وعده فرموده و حضرت ولی امرالله بیان داشته‌اند عنقریب در اثر اقبال این افواج جمّ غفیری به شرف ایمان فایز خواهند گشت. نتایج سریعه‌ی این تطوّرات منیعه، حصول اتّساعی حیرت‌انگیز در نطق جامعه‌ی اسم اعظم است که باید منتظر و مترصد وقوع آن بود؛ اتّساعی که شبیه و نظیری از برای آن متصور نه.» (پیام رضوان ۱۹۸۸)

(۱۲) « دخول افواج مقبلین از ملل و اجناس مختلفه به امر مبارک، مقدمه‌ی زمان موعودی است که اقبال دستجمعی نفوسی از همین ملل و اجناس و وقوع یک سلسله اتّفاقات عظیمه و محتملاً حوادث مصیبت بار که حال به زحمت می‌توان آن را تشخیص داد، ناگهان مقدرات امر را دگرگون نموده، نظم

عالم را مضطرب ساخته و عدد مؤمنین و قدرت مادی و روحانی امر حضرت بهاءالله را هزار برابر خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۰)

۱۳ « یاران الهی... برای زمان محتومی آماده خواهند شد که صدها و هزارها نفر از هموعانشان گروه گروه به امر مبارک پناه خواهند آورد؛ و تا آن زمان، مشتاقانه در انتظار خواهند بود و خواهند کوشید تا فرارسیدن آن روز را سرعت بیشتری بخشند.» (پیام ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۴)

۱۴ « تا دخول افواج مقبلین به نحوی وسیع تر ادامه نیابد، شرایط لازم جهت تحقق وعده‌ی حضرت ولی امرالله که در آثار خود بدان اشاره فرموده‌اند؛ یعنی اقبال مردم به صورت گروهی به امرالهی، فراهم نخواهد شد.» (پیام رضوان ۲۰۰۰)

۱۵ « حضرت ولی امرالله آن (اقبال افواج) را به عنوان مقدمه‌ی لازم برای اقبال جماعات عظیم توصیف فرموده‌اند.» (پیام ۱۷ ژانویه‌ی ۲۰۰۳)

۱۱۷. استقرار صلح اکبر (۴۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « آنچه در رتبه‌ی اولیّه سبب نظام عالم و ترقّی امم است، صلح اکبر بوده و خواهد بود و تفصیل آن در زیر و الواح ذکر شده، انشاءالله در مدینه‌ی انصاف مؤتمری از ملوک به مفاوضه‌ی این صلح اکبر جمع شوند و آنچه از قلم اعلی نازل شده مجری دارند؛ در اینصورت عالم ساکن و خود مستریح گردند، آنچه که سبب و علت ترقّی دولت و ملت است اینست که ذکر شد، و لکن آذان واعیه باید و ابصار حدیده شاید تا ببینند و بشنوند.» (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۵۷)

۲ « اس اعظم که اداره‌ی خلق به آن مربوط و منوط آن که اول باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود. این فقره لازم و واجب، چه که محاربه و مجادله اس زحمت و مشقت است.» (لوح دنیا، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵۰)

۳ « بشارت ششم، صلح اکبر است که شرح آن از قبل از قلم اعلی نازل. نعیماً لمن تمسک به و عملاً بما أمر به من لدی الله العلیم الحکیم.» (لوح بشارات، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲) (مضمون بخش عربی: خوشا به حال کسی که به آن تمسک نمود و به آنچه از نزد خداوند علیم حکیم امر شد، عمل کرد.)

۴ « اشراق دوّم: جمیع را به صلح اکبر که سبب اعظمست از برای حفظ بشر، امر نمودیم. سلاطین آفاق باید به اتفاق، به این امر که سبب بزرگ است از برای راحت و حفظ عالم، تمسک فرمایند.» (لوح اشراقات، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۷۳)

۵ « بشنوید ندای مظلوم را و به صلح اکبر تمسک نمایید.» (کلمات فردوسی، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۸)

۶ « حضرت موجود در سبب و علت اولیّه‌ی سکون و راحت امم و عمار عالم می‌فرماید: لابد بر این است که مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع، مفاوضه (گفتگو) در صلح اکبر نمایند؛ و آن این است که دول عظیمه برای آسایش عالم به صلح محکم متشبث شوند؛ و اگر مملکتی بر مملکتی بر خیزد، جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند. در این صورت عالم محتاج مهمّات حریبه و صفوف عسکریه نبوده و نیست؛ الاّ علی قدر یحفظون به ممالکهم و بلدانهم.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۷- لوح مقصود، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۹۹- نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۶۵- نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رساله‌ی حضرت بهاءالله، ص ۱۱۸، مبحث ۳، ص ۲۳- مذکور در نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۸، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون عبارت عربی: مگر به مقداری که به وسیله‌ی آن، سرزمین‌ها و شهرهای خود را محافظت کنند.)

۷ « یا معشرالأمرء... ان قام احدٌ منکم علی الآخر، قوموا علیه؛ ان هذا الا عدلٌ مبین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۷) (مضمون: ای گروه فرمانروایان... اگر یکی از شما علیه دیگری قیام کرد، همگی بر ضد او به پاخیزید؛ این نیست مگر عدل آشکار.)

۸ « باید مجلس بزرگی ترتیب دهند و حضرات ملوک و یا وزراء، در آن مجلس حاضر شوند و حکم اتحاد و اتفاق را جاری فرمایند و از سلاح به اصلاح توجه کنند؛ و اگر سلطانی بر سلطانی بر خیزد، سلاطین دیگر بر منع او قیام نمایند. در این صورت عساکر و آلات و ادوات حرب لازم نه.» (آیات الهی، ۱، ص ۳۶۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۹ « وقتی اعلان مساوات بین زن و مرد شد^{۲۳۷}، یقین است که حرب از میان بشر برداشته خواهد شد و هیچ اطفال انسانی را فدای اوهام نخواهند نمود.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۲۷۷)

^{۲۳۷} به مبحث ۱۱۰ مراجعه شود.

۱۰) « از فیوضات ملکوت ابهی امیدواریم که به قوهی کلمةالله و نفثات روح القدس در بین این ظلمات، نوری سطوح نماید و شرق و غرب روشن گردد؛ علم صالح اکبر بلند شود و راستی و آشتی انتشار یابد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۳۴)

۱۱) « صلح عمومی امری است عظیم؛ ولی وحدت وجدان^{۲۳۸} لازم است که اساس این امر عظیم گردد؛ تا اساس، متین شود و بنیان، رزین گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۲۴)

۱۲) « تا رایت صلح عمومی^{۲۳۹} بلند نگردد، محکمه‌ی کبرای انسانی تشکیل نشود و جمیع امور ما به الاختلاف دول و ملل در آن محکمه قطع و فصل نگردد؛ عالم آفرینش آسایش نیابد؛ بلکه هر روز بنیاد بشر زیر و بر گردد و آتش فتنه زبانه کشد و ممالک قریب و بعید را مثل خاکستر کنند... شهرها خراب شود و ممالک ویران گردد؛ چاره‌ی این ظلم و اعتساف صلح عمومی است.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۲۴)

۱۳) « لابد بر این است که عاقبت شاهد این سعادت (صلح عمومی و سرکوب هر دولت یاغی توسط جمیع دول) در انجمن عالم جلوه‌گر گردد؛ چه که آلات و ادوات حربیه بر این منوال، به درجه‌ای رسد که حرب به درجه‌ی مالایطاق هیأت بشریه واصل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، رساله‌ی مدنیّه، مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۶۸)

۱۴) « الیوم شایسته‌ی ملوک مقتدر تأسیس صلح عمومیست؛ زیرا فی الحقیقه آزادی جهانیان است.» (رساله‌ی مدنیّه، ص ۸۴)

۱۵) « ناچار صلح واقع خواهد شد، زیرا ملل مجبور به آن گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۰)

۱۶) « ما جمیع می‌دانیم صلح خوب است؛ سبب حیات است؛ لکن محتاج ترویج و عملیم. اما چون این عصر، عصر نورانی است و استعداد صلح حاصل، لابد بر این است این افکار منتشر شود، (و) به درجه‌ی اجرا و عمل آید.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۹)

۱۷) « حضرت عبدالبهاء در تبیین این موضوع (مجمع بزرگ مشاوره‌ی ملوک و سلاطین ارض) می‌فرماید: "مسئله‌ی صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و به جمیع وسائل و وسائط تشبث نموده، عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهده‌ی قویّه و میثاق و شروط محکمه‌ی ثابته تأسیس نمایند و

^{۲۳۸} استنباطاً منظور مبارک این است که عموم اهل عالم و یا لاقلاً رهبران و بزرگان آن، وجداناً به لزوم و ضرورت صلح عمومی پی‌برند و بر آن متعهد شوند.

^{۲۳۹} صلحی عمومی که قبل از تشکیل محکمه‌ی کبرا محقق شود، فرایندی متعلق به در عصر تکوین و لهذا همان صلح اکبر است. یک دلیل این امر در خود فقره‌ی مبارکه موجود است؛ زیرا تصریح شده است که اگر این صلح و این محکمه محقق نشود، جنگ‌های ویرانگر استمرار خواهد یافت، و این در حالی است که با تحقق صلح اعظم در عصر ذهبی، به تصریح نصوص مبارکه، دیگر خبر و اثری از جنگ و جدال باقی نخواهد بود.

اعلان نموده، به اتفاق عموم هیأت بشریّه مؤکد فرمایند. این امر اتمّ اقوم را که فی الحقیقه سبب آسایش آفرینش است، کلّ سگان ارض مقدّس شمرده، جمیع قوای عالم متوجّه ثبوت و بقای این عهد اعظم باشند و در این معاهدهی عمومیّه، تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیه و روابط و ضوابط مابین هیأت حکومتیّه بشریّه مقرر و معین گردد و کذلک قوهی حربیه هر حکومتی به حدی معلوم، مخصّص شود. چه اگر تدارکات محاربه و قوهی عسکریهی دولتی ازدیاد یابد سبب توهمّ دول سایره گردد. باری، اصل منبای این عهد قویم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من بعد شرطی از شروط را فسخ نماید کلّ دول عالم بر اضمحلال او قیام نمایند؛ بلکه هیأت بشریّه به کمال قوت بر تدمیر آن حکومت برخیزد. اگر جسم مریض عالم به این داروی اعظم موفق گردد، البته اعتدال کلیّ کسب نموده و به شفای دائمی باقی فایز گردد.» (رساله‌ی مدنیّه، ص ۷۶- مدرج در رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، ص ۲۴- مذکور در نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۸) (۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۸ « آن قوهی قاهره‌ی الهی (قوهی کلمه‌الله) جمیع این عناصر را به یکدیگر ممتزج نماید و خیمه‌ی وحدت عالم انسانی را در قطب عالم برافرازد و علم صلح عمومی بر جمیع آفاق موج زند.» (مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۳۹۴)

۱۹ « ما را نیز مقاصد چنین که علم صلح اکبر در قطب عالم موج زند.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۲)

۲۰ « امروز اهمّ مسائل از مهمّ امور در عالم انسانی، مسئله‌ی صلح عمومی است و اعظم وسیله‌ی حیات و سعادت عالم انسانی، و جز به این حقیقت ساطعه، ابداً عالم انسانی آسایش حقیقی نیابد و ترقی ننماید؛ بلکه روز به روز بر فلاکت و بدبختی بیفزاید.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۱۹۹) (جون ۱۹۲۰)

۲۱ « از دل و جان آرزو می‌نمایم که روزی آید که... علم صلح عمومی بر جمیع آفاق موج زند.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۲۰۱) (۱۷ تموز ۱۹۲۰)

۲۲ « ای خدای مهربان، یاران جان فشانند و دوستان ساعی به دل و جان تا... ظلّ ممدود احاطه بر جمیع وجود کند و سراق صلح اکبر بر این توده‌ی اغبر سایه افکند.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۵)

۲۳ « (از جمله وعود الهی) اخبار از صلح عمومی است که عاقبت در عالم انسانی جلوه نماید؛ ولی حال بدایت طلوع صبح است، امیدواریم من بعد آفاق منور گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۴)

۲۴) « حال نمایندگان (دول و ملل) غافلند، نمیدانند که این آهنگ (صلح عمومی) از کجاست و این نور از تجلیات شمس حقیقت؛ ولی عاقبت خواهند دانست؛ عاقبت اقرار و اعتراف به این حقیقت خواهند نمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۵)

۲۵) « ای منجذبه‌ی محبت‌الله... یقین بدان در این عصر رحمانی ملکوت صلح و سلام در قطب آفاق خیمه برافرازد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۲۰۱)

۲۶) «عنقریب... احزاب متحاربه مصالحه نمایند و اقوام متباغضه متحابه (دوستدار یکدیگر) گردند؛ امم متعادیه (دشمن یکدیگر)، متوالیه شوند و ملل متهاجمه، متعانقه گردند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۷۱)

۲۷) « عنقریب... خیمه‌ی صلح عمومی بلند شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۸)

۲۸) « جمیع کتب مقدّسه‌ی الهیه... بشارت می‌دهد روزی خواهد آمد که موعود جمیع کتب ظاهر خواهد شد و یک قرن نورانی تشکیل خواهد کرد... علم صلح و سلام بلند خواهد شد... در میان اقوام و امم بغض و عداوت نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۶۱)

۲۹) « جمال مبارک تمام عمرشان را صرف کردند تا... نزاع نماند، جدال نماند، قتال نماند، محاربه نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۲۵)

۳۰) « آن مظهر کلی (ربّ جنود= جمال مبارک) به قوای روحانیّه جهان را بگشاید، نه به جنگ و جدال؛ و به صلح و سلام بیاراید، نه به سیف و سنان.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

۳۱) « این (آرزوی صلح و سلام ناشی از حرب جهانسوز اول)، از حکمت بالغه‌ی الهی (است) تا استعداد حاصل شود... و اساس صلح عمومی... ترویج یابد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح هفتم از سری اول الواح تبلیغی، ۱۱ آوریل ۱۹۱۶)

۳۲) « اگر نفوسی به شروط مذکوره قیام نمایند و به اطراف جهان شتابند... به عموم ممالک و جزائر عالم سفر کنند؛ در اندک زمانی، نتایج عظیمه حاصل گردد و علم صلح عمومی در قطب عالم موج زند.» (حضرت عبدالبهاء، لوح هشتم از سری اول الواح تبلیغی، ۱۹ آوریل ۱۹۱۶)

۳۳) « امیدم چنانست که عاقبت صلح عمومی تقرّر یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۲، باب هفتم، ص ۸۷)

۳۴) « صبح صلح اکبر بدرخشد؛ جهان جهان تازه شود و جمیع بشر برادران گردند و کافه‌ی ملل رایات جلیل اکبر شوند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۲۰)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳۵ «یوم یوم حبّاءالله است که به قوه‌ی بیان و اعلان و اثبات آثار مبارکه، اولین انوار شفق صبح صلح عمومی را به دیده‌ی جنگجویان و مایوسان عالم بنمایند.» (حضرت ولی امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۲۶)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۳۶ «به نفوسی که تعلقاتشان به اصول صلح و نظم جهانی، سبب ترویج مقاصد جلیلی است که خداوند مهربان ما را برای آن خلق فرموده، می‌پیوندیم و با همه‌ی آنان هم‌گام و هم‌عنایم و برای آن که شدت شوق و امید و غایت اطمینان خود را از اعماق دل و جان به گوش جهانیان برسانیم، این وعده‌ی مبارک حضرت بهاءالله را نقل می‌کنیم که می‌فرماید: "این نزاع‌های بیهوده و جنگ‌های مهلک از میان بر خیزد و صلح اکبر تحقق یابد."» (معهد اعلی، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۳۰) (اکتبر ۱۹۸۵)

۳۷ «صلح مطلوب که رؤیای بشر در طی اعصار و قرون بوده، حال بر اثر نفوذ کلام خلاق حضرت بهاءالله که مؤید به قوه الهی است، تحققش قطعی است.» (معهد اعلی، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۲۹)

۳۸ «قبول عمومی این اصل معنوی (اصل وحدت عامل انسانی) برای هر کوششی در راه تأسیس صلح جهانی ضرورت دارد.» (معهد اعلی، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱۷)

۳۹ «صلح جهانی آیا فقط بعد از وقوع وحشت و بلایی عظیم که مولود تمسک مصرانه‌ی بشر به روش‌های ناهنجار قدیمی است، باید تحقق یابد؟ یا آنکه فی الحال، صورت پذیراست و از طریق اراده و عزمی راسخ که نتیجه‌ی مذاکره و مشورت باشد، حاصل خواهد شد؟» (رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱)

۴۰ «صلح بزرگی که آرزوی دل و جان نیک‌اندیشان جهان در قرون و اعصار بوده و در باره‌اش عارفان و شاعران در نسل‌های پی‌درپی سخن گفته و در کارگاه خیال نمودارش ساخته‌اند، صلحی که تحققش نوید تمام کتب مقدسه در هر دور بوده، حال به دستیابی ملل عالم نزدیک گشته است.» (معهد اعلی، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱)

۴۱ «استقرار صلح جهانی نه تنها امکان دارد، بلکه اجتناب‌ناپذیر است و مرحله‌ی دیگری از ترقی و تکامل عالم است که به قول یکی از متفکرین بزرگ، مرحله‌ی جهانی شدن عالم بشری است.» (معهد اعلی، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱)

۴۲) « در آثار بعدی (منظور آثار اخیر صادر از قلم اعلی است) از جمله آنهایی که خطاب به عموم عالم انسانی است، حضرت بهاءالله بر مساعی و مجهوداتی تأکید فرموده‌اند که جامعهی بشری را به مرحله‌ای که از آن به "صلح اکبر" تعبیر شده، سوق خواهد داد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۶۴)

۴۳) « به فرموده‌ی حضرت بهاءالله، چنین اقداماتی (صلح اکبر)، از شدت مشقات و هرج و مرجی که در آینده‌ی عالم انسانی نهفته است، خواهد کاست تا آن که اهل عالم به پذیرش ظهورالهی فایز گردند و در نتیجه، "صلح اعظم"^{۲۴۰} را مستقر سازند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۶۴)

۴۴) « صلح جهانی، که تا ده سال پیش به منزله‌ی آرمانی بیش نبود، در این زمان، به میزانی فوق‌تصور، در شرف شکل گرفتن و قوام یافتن است.» (معهد اعلی، رساله‌ی رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، ص ۱)

۴۵) « در این بیانیه (بیانیه‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵)، بیت‌العدل اعظم با بیانی ملایم ولی قاطعانه، اعلام کرد که بهائیان مطمئنند که صلح جهانی مرحله‌ی آینده‌ی تکامل جامعه‌ی انسانی است.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۳)

۴۶) « تأسیس صلح عمومی و دائمی که باید هدف جهانیان باشد... از عناصر اولی‌هی سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۴۷) « حضرت عبدالبهاء اولین خطابه‌ی عمومی خود را از قلب کلیسای "سیتی تمپل" (City Temple)^{۲۴۱} ایراد فرمود و سخنانش در باره‌ی کیفیت عصری جدید در تکامل و تطوّر مدنیت جهان بود که منظر بدیعی پیش دیده‌ی شنوندگان آورد: "عنقریب... جدال و نزاع نماند؛ صبح صلح اکبر بدرخشد؛ جهان جهان تازه شود و جمیع بشر برادران گردند." (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۷)

^{۲۴۰} به مبحث ۱۳۳ رجوع شود. از این توضیح به خوبی بر می‌آید که صلح اکبر قبل از عصر ذهبی و صلح اعظم بعد از آن، تحقق خواهد یافت. در ضمن بدیعی است که صلح اکبر فرایندی غیر از صلح اصغر است؛ در این مورد به مبحث ۱۰۶ رجوع شود.

^{۲۴۱} کلیسای مشهور تاریخی موجود در شهر لندن.

(۴۸) « ما باور نداریم که جنگ امری ضروری است، و زوال آن یکی از مقاصد اصلی و درخشانترین وعدهی ظهور حضرت بهاءالله است.» (ترجمه) (بیت العدل اعظم، مجموعهی نصوص الهی راجع به صلح، انگلیسی، ص ۴۳)

(۴۹) « از جمله (وظائف و اختیارات بیت العدل اعظم)... جهد و سعی بلیغ در تقویت مبانی الفت و تفاهم بین اقوام و ملل و استقرار صلح عمومی و مجاهدت در سبیل نورانیت و تهذیب نفوس و ترقی و اصلاح عالم (است).» (قانون اساسی بیت العدل اعظم، کتاب ارکان نظم بدیع، ص ۳۲۰)

۱۱۸. قدرت و غلبه‌ی مظهر الهی (۵۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « لا يَمْنَعُهُ الْمُلُوكُ عَمَّا أَرَادَ وَإِنَّهُمْ الْمَمْلُوكُ فِي قَبْضَةِ مَالِكِ يَوْمِ التَّنَادِ، فَسَوْفَ يُظْهِرُ أَمْرَهُ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَمُحْيِي الْعَالَمِينَ.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۹۴) (مضمون: پادشاهان از آنچه اراده فرموده منعش نکنند؛ زیرا آنان بندگانند و در مشت مالک روز رستاخیز. به زودی امرش به قدرت آشکار نمودار خواهد شد؛ و او به راستی زنده‌کنندهی جهانیان است.)

(۲) « اگر چه این ایام عباد غافل به مثابهی سحاب و غمام، نور امر را ستر نموده‌اند؛ و لکن عنقریب اصبح اراده حجاب را شقّ نماید و نور، عالم را احاطه کند.» (حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۲۷)

(۳) « سوف یرون الموحّدون رایات النصر من کل الجهات باسمی الاعظم العظیم.» (قلم اعلی ۷، ص ۲۱۲) (مضمون: به زودی یکتاپرستان پرچم‌های پیروزی را می‌بینند که در هر سویی به نام اعظم عظیم من بفراشته شده است.)

(۴) « یا علی... لا تحزن من احتجاب الخلق، سوف ترونهم متوجهین الی الله ربّ العالمین.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۰) (مضمون: ای علی،... از غفلت و احتجاب خلق محزون مباش، به زودی آنان را متوجه به سوی خداوند، پروردگار جهانیان، خواهی دید.)

(۵) « زود است که حجاب خرق شود و تجلی اسماء و صفات، اکثری از عباد را اخذ نماید.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲)

(۶) « نصّار (یاری دهنده) حقیقی آمد؛ لعمرالله (به خداوند قسم) قادر است بر این که به یک کلمه، عالم را منقلب نماید.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۶۷)

(۷) « هذا يومٌ فيه يقول اللاهوتُ طوبى لك يا ناسوت بما جُعِلتَ موطئ قدم الله و مقرَّ عرشه العظيم و يقول الجبروت نفسى لك الفداء بما استقرَّ عليك محبوب الرحمن الذى به وعد ما كان و ما يكون.» (جمال ابهى، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹، تویق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) [مضمون: امروزى است كه عالم لاهوت مى‌گويد خوشا به حال تو اى ناسوت، چون كه قدمگاه خداوند و مقرّ عرش عظيم او قرار يافتى و جبروت مى‌گويد جانم فدائى تو باد (اى ناسوت)، زيرا كه محبوب رحمان بر تو مستقر گشت؛ كسى كه همى آنچه كه بود و آنچه كه مى‌باشد به او وعده داده شده است.]

(۸) «عنقريب... آيهى غلبه‌ى الهيّه كلّ برّيه را احاطه فرمايد.» (آيات الهى ۲، ص ۳۴۲)

(۹) « طوبى ليوم فيه تُنصبُ راياتُ الاسماء فى ملكوتِ الانشاء باسمى الابهى؛ يومئذٍ يفرحُ المخلصون بنصرِ الله.» (كتاب اقدس، بند ۹۴) (مضمون: خوشا براى روزى كه در آن، پرچم‌هاى اسماء به نام ابهاى من در ملكوت انشاء نصب گردد. در آن روز، مخلصان به نصرت الهى شادمانى خواهند كرد.)

(۱۰) « ان يا قلمَ البقاء... ان اذكُر ما اردته لهذا الهيكل، ليظهرَ فى الارض آثاره و ليملاء الآفاق انواراً لله.» (قلم اعلى ۴، ص ۲۷۷) (مضمون: اى قلم بقاء... هر آنچه را مى‌خواهى براى اين هيكل (كنايه از مظهر الهى) بگو، تا آثارش در زمين ظاهر شود و انوار الهى افق‌ها را پر كند.)

(۱۱) « سوف يُظهرُ الله من هذا الافق نوراً و قدرةً و بهما تُظلم الشمس.» (جمال قدم، منقول در تويق ۱۱۱ بديع، مجموعه‌ى توقيعات چاپ ۱۴۹ بديع، ص ۵۸۵) (مضمون: به زودى خداوند از اين افق (يكى از نمادهای هيكل عنصرى مظهر الهى)، نوري و قدرتي ظاهر خواهد كرد كه خورشيد از آن‌ها تاريخ شود.)

(۱۲) « ان يا هيكل امرى، قل انى لو أريدُ ان اجعل كل الاشياء مرايا اسمايى فى اقل من الحين، لأقدر... لو أريدُ ان أنقلب كل الممكنات اقرب من لمح البصر، لأقدر.» (قلم اعلى ۴، ص ۲۹۵- نداء رب الجنود، سوره‌ى هيكل، فقره‌ى ۸۴) (مضمون: اى هيكل امر من، بگو همانا اگر بخواهم همى اشياء را در كمتر از يك لحظه، آينه‌هاى نام‌هاى خود قرار دهيم، به راستى قادرم... و اگر اراده كنم همى ممكنات را در يك چشم بر هم زدن دگرگون نمايم، به حقيقت مى‌توانم.)

(۱۳) « لعمراً لله مظلوميتٌ بسيار محبوب است... ايام غلبه‌ى ظاهرية خواهد رسيد؛ ولكن اين لذت را نخواهد داشت.» [مجموعه‌ى پيام آسمانى (آيات الهى ۱، ۲۷ سپتامبر- دريای دانش، ص ۱۳۱- مندرج در تويق ۱۱۳ بديع، مجموعه‌ى توقيعات مباركه ۱۴۹ بديع، ص ۵۹۸- مجموعه‌ى نصوص مباركه‌ى مندرج در مجله‌ى پيام بهایی، بندهاى ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸]

(۱۴) « ان يا ملا البيان، انتم ان لن تنصروه (مظهر الهى) سوف ينصره الله بجنود السموات و الارض ثم جنود الغيب؛ بامره كن فيكون.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره‌ى ۱، ص ۱- نداء رب الجنود، سوره‌ى هيكل، بند ۸)

(مضمون: ای اهل بیان، اگر شما یاریش (مظهرالهی) نمی‌نمایید، به زودی خداوند با لشکریان آسمان‌ها و زمین، سپس با سپاهیان ناپیدا، یاریش خواهد کرد؛ فرمان اوست که می‌گوید بشو، پس می‌شود) (۱۵) «قد جعل الله البلاء اكليلاً لرأس البهاء، سوف تستضيء منه الآفاق. كذلك اخبرناكم من قبل، ان ربك لهو العليم الخبير.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره‌ی ۱۱۴، ص ۱۷۴) (مضمون: خداوند بلایا را تاجی برای رأس بهاء قرار داد، به زودی افق‌های عالم از پرتوش نورانی خواهد شد. این گونه از قبل شما را خبر می‌کنیم؛ همانا پروردگارت علیم و خبیر است.)

(۱۶) «ليس العزما عرفه القوم بل ما اشرق اليوم من افق الوحي بسلطنة و اقتدار. سوف ترى القيوم مهيماً على من على الارض، كذلك قضى الامر من القلم الذي جعله الله سلطان الاقلام.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره‌ی ۲۰۴، ص ۲۶۴) [عزت و بزرگی آن نیست که مردمان فهمیده‌اند؛ بلکه آن است که امروز از افق وحی به سلطنت و اقتدار تابان گشت. به زودی قیوم (از القاب مظهرالهی و به معنی قائم بالذات) را چیره بر اهل زمین خواهی دید؛ امر، از قلمی که خداوند سلطان قلم‌هایش قرار داد، این گونه مقدر شد.]

(۱۷) «عنقرب است که اعلام قدرت الهی را در همه‌ی بلاد مرتفع بینی و آثار غلبه و سلطنت او را در جمیع دیار ظاهر مشاهده فرمایی.» (کتاب ایقان، بند ۸۵-۸۶، امر و خلق ۴، ۴۷۵)

(۱۸) «عنقرب... آیه‌ی غلبه‌ی الهیه، کلّ بریه (تمام خلق) را احاطه فرماید... هذا وعد غير مكذوب.» (آیات الهی ۲، ۲۹ ژانویه) (مضمون عبارت عربی: این وعده‌ای راستین است.)

(۱۹) «عنقرب کلّ به تراب راجع و سلطنت و قدرت و عظمت و ملک از برای ربّ الارباب خواهد ماند.» (آیات الهی ۲، ۳ فوریه)

(۲۰) «باید جمیع، به اصلاح عالم و تهذیب امم و تبلیغ امرالهی به روح و ریحان و حکمت و بیان مشغول باشند. زود است که آثار قدرت از جهات عالم ظاهر و هویدا گردد.» (آیات الهی ۲، ۹ ژوئن)

(۲۱) «ان اذکر احبایی من قبلی... قل اياکم ان تخوفکم سطوة کلّ ظالم؛ سیفنی العالم و الاعلام، و ترون سلطان ربکم غالباً على الغيب و الشهود.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۲) (مضمون: احبایم را از جانب من یاد آور... (و) بگو مبادا سطوت هر ستمگری هراسناکتان کند؛ به زودی عالم و علم‌هایش فانی خواهد شد، و سلطه‌ی پروردگارتان را غالب بر پنهان و آشکار خواهید دید.)

(۲۲) «قل قد اتی المختار فی ظلل الانوار لیحیی الاکوان من نفحات اسمه الرحمن و يتحد العالم و یجتمعوا على هذه المائدة التي نزلت من السماء.» (لوح شیخ نجفی، ص ۳۵) (مضمون: بگو به راستی اختیاردار، در سایه‌های انوار آمد تا هستی‌ها را از بوهای خوش اسم رحمانش زنده کند و جهان را متحد نماید، تا حلقه زنده حول این سفره‌ی گسترده‌ای که از آسمان نازل شده است.)

(۲۳) « او (خداوند) به زودی، در هر شهر و دیاری عَلم اقتدار خود را بر خواهد افراشت.» (ترجمه) (جمال ابهی، مذکور در نظم بهایی، انگلیسی، ص ۱۷۴)

(۲۴) « گوش را از کلمات مظاهر نفی و مطالع قهر پاک و مقدّس فرمایید که عنقریب حقّ را محیط بر جمیع و غالب بر کل خواهید دید و دون آن را مفقود و لاشیء (نابود) محض ملاحظه خواهید فرمود.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۲۹)

(۲۵) « سوف يُظهِرُ اللهُ ما كان مستوراً في هذا اليوم و يُرِيهم فضله و سلطانه و قدرته و اقتداره... انه لهو المهيم على الاشياء.» (آیات الهی ۲، ۲ اکتبر، ص ۲۱۴) (مضمون: به زودی خداوند آنچه را در این روز (دور بهایی)، مستور است ظاهر خواهد کرد و فضل خود و سلطنت خود و قدرت خود و اقتدار خود... را به آنان نشان خواهد داد. همانا او، به راستی بر همه چیز مسلط است.)

(۲۶) « اليوم مقاماتِ عنایات الهی مستور است، چه که عرصه‌ی وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد؛ ولكن سوف يَظْهَرُ، امرأ من عنده، إِنَّه لا تَضَعُهُ قُوَّةُ الجنود و لا سَطْوَةُ الملوك.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۰۹) (مضمون بخش عربی با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی بیان مبارک: اما آن روز نزدیک می‌شود که به فرمان حضرتش، قوای مکنونه در عنایتی چنین عظیم برای مردمان ظاهر شود. نه قوت و قدرت لشکریان و نه سطوت پادشاهان او را ضعیف و ناتوان نخواهد نمود.)

(۲۷) « في ظلّ كل حرفٍ من حروفات هذا الهيكل (هيكل امرالله یا هيكل مظهر امرالله) نبعث خلقاً لا يعلم عدتهم الا الله المهيم القیوم.» (نداء ربّ الجنود، سوره‌ی هیکل، فقره‌ی ۱۳- قلم اعلی ۴، ص ۲۷۰) (مضمون: در سایه‌ی هر حرفی از حروف این هیکل، خلقی را مبعوث خواهیم کرد که از تعداد نفرات آنان کسی جز خداوند مهیم قیوم آگاه نیست.)

(۲۸) « قل قد قُدِّرَ مقادیرُ كل الاشياء في هذا الهيكل المخزون المشهود، و كُنِزَ فيه عِلْمُ السّموات و الارض و عِلْمُ ما كان و ما يكون.» (نداء ربّ الجنود، سوره‌ی هیکل، فقره‌ی ۴۳- قلم اعلی ۴، ص ۲۸۱- ۲۸۰) (مضمون: بگو به راستی، قدر و اندازه‌ی همه‌ی اشیاء در این هیکل (هیكل مظهر امرالله) مخزون و مشهود، مقدّر گشته است و علم آسمان‌ها و زمین، و دانش آنچه بود و آنچه هست، در آن گنج‌انیده شده است.)

(۲۹) « سوف تُحِيطُ انوارُ وجهِ ربك من على الارض؛ إِنَّه على كل شیءٍ قديرٌ.» (جمال ابهی، مندرج در توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶- اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲) (مضمون: به زودی انوار وجه پروردگارت زمینیان را احاطه خواهد کرد؛ همانا او بر هر چیزی توانا است.)

۳۰) « آنچه منسوب به حق است، باقی و دائم و ثابت؛ و مادون آن فانی و معدوم (است).» (مجموعه الواح حضرت بهاءالله به خط مشگین قلم، ص ۲۶۵)

۳۱) « سوف تُحیط انوار وجه ربک من علی الارض؛ انه علی کلّ شیء قدير.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲) (مضمون: به زودی انوار وجه پروردگارت زمین را فراخواهد گرفت؛ به راستی او بر هر چیزی توانا است.)

۳۲) « قل انا لو نرید ان نقبض الأرواح من کلّ الاشياء فی آن و نبعثها مرّة اخرى لتقدر؛ لا يعرف علم ذلك الاّ الله العالم العليم؛ و لو نرید ان نظهر من ذرّة شمساً لا لهنّ بداية و لا نهاية لتقدر و نظهر کلّهنّ بأمری فی اقلّ من حین؛ و لو نرید ان نبعث من قطرة بحور السموات و الأرض و نفصل من حرف علم ما كان و ما يكون لتقدر؛ انّ هذا لسهل يسیر. كذلك كنت مقتدرأ من الاوّل الذی لا اول له الی الآخر الذی لا آخر له؛ ولكن خلقی غفلوا عن قدرتی و اعرضوا عن سلطانی و جادلوا نفسی العليم الحکیم.» (نداء ربّ الجنود، سورهی هیکل، بند ۷۵- آثار قلم اعلى ۴، ص ۲۹۱) (مضمون: بگو اگر بخواهیم ارواح همه‌ی اشیاء را در يك لحظه قبضه کنیم و از نو آنها را بیافرینیم، حتماً می‌توانیم، دانش این کار را کسی جز خداوند عالم علیم نمی‌داند؛ و اگر اراده کنیم از ذره، خورشیدهای بی‌آغاز و بی‌پایان پدید آوریم، قطعاً قادریم و تمامی آنها را به فرمان خود در کم‌تر از يك لحظه ظاهر می‌نماییم؛ و اگر قصد کنیم از قطره دریاهاى آسمان‌ها و زمین را برآفرینیم و از يك حرف علم آنچه بود و آنچه هست را تفصیل دهیم به یقین می‌توانیم؛ همانا این بسی سهل و آسان است. این گونه از آغاری که آغازی بر آن متصور نیست، تا پایانی که پایانی ندارد، قادر بوده و قادر خواهیم بود؛ ولی خلقم از قدرتم غفلت نمودند و از سلطنتم روی گرداندند و با نفس علیم و حکیمم به جدل برخاستند.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۳۳) « در هر دمی شبمی رسد و در هر نفسی صبح تأییدی دمد و آثار باهره‌ی این کور اعظم ظاهر و باهر شود و قدرت و عظمت سلطان احدیّت (حضرت بهاءالله) واضح و لائح گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۵، ص ۴)

۳۴) « (بعد از استقرار وحدت روحانی عالم انسانی) شبهه‌ای نیست که دلبر رحمانی با جنود مواهب عالم انسانی و تأییدات ربّانی در نهایت صباحت و ملاححت در انجمن عالم جلوه نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ۵، باب نهم از ردیف الف، ص ۲۹- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره‌ی ۲۲۱)

(۳۵) « انّ جندنا لهم الغالبون^{۲۴۲}؛ عاقبت... فیض روحانی و پرتو نورانی از حضرت بی‌چون عالم را احاطه نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب هفدهم از ردیف م، ص ۴۶) (مضمون عبارت عربی: همانا لشکر ما به راستی غالب است.)

(۳۶) « ملکوت وجود در حرکت است و عرصه‌ی شهود در نهایت لطافت و طراوت؛ ولی چشم‌ها کور است و گوش‌ها محروم. عنقریب است که این پرده برافتد و این حجاب هتک شود و این نقاب برداشته شود. آن وقت انظار مشاهده‌ی آثار مواهب جمال ابهی نمایند و حیران گردند و پشیمان شوند که این چه موهبتی بود و ما از او غافل، و این چه عنایتی بود و ما از او ذاهل؛ صبح نورانی بود و ما گرفتار شام ظلمانی، نیل و فرات بود ولی بر ما جیحون پر خون، زلف مشکین بود ولی ما را زنجیر سنگین، مائده‌ی آسمانی بود ولی ما را مضرت جاودانی. این چه بدبختی بود و این چه بی‌طالعی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۹۲- مائده‌ی آسمانی ۹، مطلب شانزدهم، ص ۱۱)

(۳۷) « عنقریب مشاهده خواهید نمود که... صیت ربّ جلیل جهان‌گیر شود و سبحان ربّی الابهی از جمیع آفاق بلند شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۲۵)

(۳۸) « ای موفّق به آیات الله... در قوّت و قدرت و سطوت و سلطنت اسم اعظم ملاحظه نما و تفکر کن که با وجود آن که وحید و فرید و بی‌ناصر و معین بود، به قوّتی الهیه و قدرتی ربّانیه و سطوتی ملکوتیه، ملکوت وجود را مسخر فرمود و مدائن قلوب را فتح نمود... یک سواره بر صف عالم زد و تنها، جنود عنود ضلالت را شکست داد؛ ولی آثار این فتوح الیوم در غیب وجود است و در استقبال، در حیّز شهود خواهد آمد؛ آن وقت ملاحظه خواهد شد چند هنالک مهزوم من الأحزاب.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۱۷) (مضمون عبارت: لشکری شکست خورده از احزاب در آنجا)

(۳۹) « در گوشه‌ی کتاب خود بنویسید و صبر کنید؛ جمیع صفوف عالم شکست خورده و می‌خورند؛ چند سال صبر و تأمل کنید؛ نورانیت بهاء الله آفاق را احاطه می‌کند.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۹- امر و خلق ۴، ص ۴۷۸]

(۴۰) « آن مظهر کلیّه (حضرت بهاء الله)... چنان تربیت کند که امم و ملل هر چند در تباین احوال و اختلاف عادات و اخلاق و تنوع ادیان و اجناس، (و) مانند گرگ و برّه، و مار و طفل شیرخواره، و پلنگ و بزغاله‌اند؛ با هم همدم و هم‌آغوش و هم‌راز گردند؛ (یعنی) به کلی، منافرت جنسی و مخالفت دینی و مباینت ملّی زائل (خواهد شد) و کلّ، در ظلّ شجره‌ی مبارکه، نهایت الفت و التیام خواهند یافت.» (مفروضات مبارک، ص ۴۶)

^{۲۴۲} سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۷۳.

(۴۱) « عنقریب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهاءالله غرب، شرق می‌شود؛ ابر رحمت پروردگار می‌بارد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخبات توقیقات حضرت ولیّ امرالله، ص ۴۱)

(۴۲) « آن مظهر کلیّه (جمال اقدس ابهی)، به قوای روحانیّه، جهان را بگشاید.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۴۳) « این مسئله محقق است که... فتوحات و انتصارات خطیره، نصیب اسم اعظم خواهد گردید تا آن که پیام آسمانی حضرت بهاءالله کاملاً تحقّق یابد و صیت عظمت و بزرگواریش به سمع اهل عالم رسد و سیطره‌ی محیطه‌ی ازلیّه‌اش بر جهان و جهانیان واضح و آشکار گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۹-۸۱۸)

(۴۴) «حضرت بهاءالله در سوره‌ی ملوک... "غلبه و استیلا‌ی خود را بر عالم" پیش‌بینی می‌کند، حتی اگر هیچ یک از سلاطین، التفاتی به آن حضرت نمایند.» (مرور معبود، ص ۲۴۶)

(۴۵) « (حضرت بهاءالله) خورشید بی‌مثالی... که مقدر است انوارش تمامی عالم انسانی را فراگیرد.» (مرور معبود، ص ۱۰۹)

(۴۶) « سعادت و رفعت و عزّت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحقه و ادوار آتیه‌ی این کور مجید^{۲۴۳}... ساکنین کره‌ی ارض را من اقصاها الی اقصاها (از این سوی تا آن سوی)، به تنفیذ مشیّت ازلیّه‌ی ربّ البریه (حضرت بهاءالله)... موفق و مفتخر گرداند.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹)

(۴۷) « به یقین مبین بدانند این بلیّات و مخاطرات جدیده نیز زائل گردد و موانع حالیّه متدرّجاً مرتفع شود... و سلطه‌ی قاهره‌ی اسم اعظم (حضرت بهاءالله) جلوه‌ی جدید نماید و قهاریت امر مبرم مکشوف و نمودار گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، تلگراف ۱۱ ژانویه ۱۹۴۶، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۴-۲۳)

(۴۸) « و این سلطنت الهیه^{۲۴۴}، مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوه‌ی سیطره‌ی محیطه‌ی ظاهری و روحانی مؤسس آیین بهایی^{۲۴۵}... منتهی گردد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۷-۷) توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

^{۲۴۳} به مبحث ۱۴۹ مراجعه شود.

^{۲۴۴} به مبحث ۱۳۵ رجوع شود. در ضمن، از این بیان مبارک چنین استنباط می‌شود که سلطنت الهی دو جنبه دارد یکی معنوی یا روحانی و یکی صوری یا ظاهری؛ جنبه‌ی معنوی آن در اکثر مراحل و مباحث فصل هفتم و بخصوص در مباحث فصل هشتم نافذ و جاری است؛ اما جنبه‌ی صوری و عینی و عملی آن فقط در عصر ذهبی و بعد از مراحل عظیمه‌ی وحدت روحانی و صلح اعظم و حکومت جهانی بهایی جلوه‌گر خواهد شد. به مباحث فصل هشتم رجوع شود.

(۴۹) « در سنین آتیه‌ی این دور بهایی... سطوت ربّ الجنود چهره بگشاید؛ و مجد اب سماوی (حضرت بهاءالله) عالم را منور فرماید.» (حضرت ولیّ امرالله، توفیق ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵) (۵۰) « این شخص جلیل (موعود دور بیان= حضرت بهاءالله) باید بنا به بشارت همان کتب مقدّسه، در عالم ظاهر شود و دوران صلح و آشتی و عدل و تقوی را در جهان آغاز نماید؛ یعنی دورانی را که به منزله‌ی اکمال و اتمام ظهورات گذشته و در عین حال مؤسس کور جدیدی در تاریخ دینی عالم انسانی است.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۱۵)

(۵۱) « ما امروز در چنین دوره‌ای (دوره‌ی ظلمت اندر ظلمت)، بی‌اختیار و بی‌تأمل، به پیش می‌رویم؛ اما در بحبوحه‌ی چنین سایه‌ی تیره و تاری که ما را فرامی‌گیرد، لمعه‌ای از انوار سلطنت آسمانی حضرت بهاءالله را مشاهده می‌کنیم که در افق تاریخ درخشنده و تابان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۳- توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۵۲) « اهل بهاء... مطمئن هستند که در مقابل بی‌عاطفگی، سطحی‌نگری و ماده‌پرستی شدید جامعه‌ی امروز، جلوه‌ی روزافزون عظمت مدّعی حضرت بهاءالله، مؤثرترین وسیله است برای تحقّق هدف و مقصدی که حتی ثابت قدم‌ترین و پرشورترین حامیان امرالهی نیز چنان مشتاقانه در آرزوی آن هستند.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی، انگلیسی، ص ۱۲۵)

(۵۳) « در سنین آتیه‌ی این دور بهایی... شلیک یا علیّ الاعلی و یا بهاءالابهی از قطب آفاق بلند گردد.» (توفیق منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۵۴) « عملی چنین اسفناک (تخریب بیت اعظم بغداد) در آستانه‌ی کنفرانس‌های بی‌سابقه‌ی پیروان جوان حضرت بهاءالله^{۲۴۶} و دوستان آنان در سراسر عالم، ارتباط غیبی بین بحران و پیروزی^{۲۴۷} را به یاد می‌آورد که از طریق آن، اراده‌ی محیطه‌ی غالبه‌ی محتومه‌ی حضرتش نهایتاً تحقّق خواهد یافت.» (پیام ۲۷ جون ۲۰۱۳)

^{۲۴۵} به مباحث ۱۴۶ و ۱۴۷ مراجعه شود.

^{۲۴۶} مقصود کنفرانس‌های ۱۱۴گانه‌ی جوانان بهایی و دوستانشان در سراسر عالم است که در حال حاضر (۱۱ اکتبر ۲۰۱۳) در حال برگزار شدن هستند.

^{۲۴۷} به مجموعه‌ی بدیعه‌ی "پیروزی در بحران" مراجعه شود؛ کاری تحقیقی که به همین سبک و سیاق صورت گرفته و در رابطه با جوانب مختلف حیات احبّای مقیم ایران، اکثریت قریب به اتفاق پیام‌های معهد اعلی، صادره بعد از تحول ایران را پوشش می‌دهد.

۱۱۹. تأسیس محکمه‌ی کبری بین‌المللی (۱۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « یک محکمه‌ی کبرا توسط ملل و دول عالم انتخاب خواهد شد و از هر مملکت و دولتی نمایندگانی در آن حاضر خواهند گشت و تمام مناقشات به آن راجع خواهد شد. مأموریت آن محکمه ممانعت از جنگ خواهد بود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، سخن رانی در انجمن تئوسوفی‌ها)
- (۲) « باید محکمه کبری از قبل جمیع دول و ملل تشکیل شود و مسائل ملّی و دولی به آن محکمه راجع؛ آنچه آن محکمه کبری حکم نماید مُجری و اگر دولتی یا ملّتی تخلف نماید، عالم انسانی بر آن دولت و ملّت قیام نماید.» (مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۶۸) (ژانویه ۱۹۲۰)
- (۳) « جمعیت امم هر چند تشکیل شد، ولی از عهده‌ی صلح عمومی برنیاید؛ اما محکمه‌ی کبری که حضرت بهاءالله بیان فرموده^{۲۴۸}، این وظیفه‌ی مقدّسه را به نهایت قدرت و قوّت ایفا خواهد کرد و آن اینست که مجالس ملّیه هر دولت و ملّت، یعنی پارلمانت، اشخاصی از نخبه‌ی آن ملّت که در جمیع قوانین حقوق بین دولی و بین ملّی مطلع و در فنون متفّن و بر احتیاجات ضروریّه‌ی عالم انسانی در این ایام واقف، دو شخص یا سه شخص انتخاب نمایند به حسب کثرت و قلّت آن ملّت. این اشخاص که از طرف مجلس ملّی یعنی پارلمانت انتخاب شده‌اند مجلس اعیان نیز تصدیق نمایند و همچنین مجلس شیوخ و همچنین هیأت وزراء و همچنین رییس جمهور یا امپراطور تا این اشخاص منتخب عموم آن ملّت و دولت باشند. از این اشخاص محکمه‌ی کبری تشکیل می‌شود و جمیع عالم بشر در آن مشترک است؛ زیرا هر یک از این نمایندگان عبارت از تمام آن ملّت است. چون این محکمه‌ی کبری در مسئله‌ای از مسائل بین‌المللی یا بالاتفاق یا بالاکثریه حکم فرماید نه مدّعی را بهانه‌ای ماند نه مدّعی علیه را اعتراضی؛ هرگاه دولتی از دول یا ملّتی از ملل در اجرای تنفیذ حکم مبرم محکمه‌ی کبری تعلّل و تراخی نماید، عالم انسانی بر او قیام کند؛ زیرا ظهیر این محکمه‌ی کبری جمیع دول و ملل عالمند. ملاحظه فرمایید که چه اساس متینی است؛ ولکن از جمعیت محدود و محصور، مقصود چنان که باید و شاید حصول نیابد. این حقیقت حالست که بیان می‌شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۲۲۷-۲۹۶- مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۱۱۱- لوح لاهای یا لاهه، مورّخ ۱۱ فوریه ۱۹۱۶)

^{۲۴۸} به مبحث ۱۱۹ مراجعه شود.

۴ « در این دور بدیع... منازعات و مجادلات^{۲۴۹} در محکمه‌ی عمومیّه دول و ملل، به نهایت عدالت فیصل خواهد یافت و مشاکل متحدثه حلّ خواهد گشت.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۰)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۵ « راجع به طبیعت و حوزه‌ی عمل کرد محکمه‌ی کبرای بین‌المللی؛ بیت‌العدل اعظم در آینده، این موضوع و مواضع مشابه آن را توضیح و تشریح خواهد نمود؛ مرجعی که مطابق دستورات صریحه‌ی حضرت عبدالبهاء، مسائل مهمّه‌ی اساسیه باید به آن راجع شود.» (ترجمه‌ی شخصی) (توقیع ۹ آوریل ۱۹۲۳، کتاب نظم اداری بهایی، انگلیسی، ص ۴۷)

۶ « ای قویّ قدیر،... محکمه‌ی کبرایت را به قوه‌ی تعلیمات بهیهات در انجمن عالم تأسیس کن.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

۷ « محکمه‌ی کبرای جهانی... مؤسسه‌ی فخریه‌ای که به پیش‌بینی همان «نهال بی‌همال» (حضرت بهاءالله)، در زمان مقتضی، ملل و مردمان گیتی باید متحدانه به تأسیس آن همت گمارند.» (مرور معبود، ص ۴۰۷)

۸ « سلطنت الهیه، مآلاً به... تشکیل محکمه‌ی کبری^{۲۵۰}... منتهی گردد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۷- توقیع منبع ۱۱۰ بدیع- توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۹ « یک محکمه‌ی کبرای بین‌المللی به وجود خواهد آمد که حکمش قاطع و برهمه‌ی ممالک روا خواهد بود. حتی کشورهایی که مایل نباشند که قضایایشان به آن محکمه ارجاع گردد^{۲۵۱} باز مجبور بر اطاعت از حکم صادره‌اش خواهند بود.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نقل توسط

^{۲۴۹} مشخص است که در عصر ذهبی، پس از استقرار وحدت روحانی عالم، و عدل اعظم و صلح اعظم و استقرار حکومت جهانی بهایی و بخصوص با حصول محبت و اخوت و دوستی حقیقی، دیگر بین دول و ملل منازعاتی در کار نخواهد بود و به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء « نزاع و جدال از میان بر خیزد و سیف و سنان بدل به روح و ریحان گردد و جنگ و عدوان منقلب به محبت و امان؛ یعنی میدان جیش و طیش می‌دل به عشرت و عیش گردد و ساحت رزم خونریز بزم مشکبیز شود؛ جنگ ننگ گردد و حرب و ضرب به متابیه‌ی جرب (بیماری گری) منفور قبائل و امم شود؛ صلح عمومی در قطب عالم خیمه برافرازد و بنیاد حرب و قتال از بن براندازد.» (فقره‌ی ۱۱ از مبحث ۱۳۳). بنا بر این، محکمه‌ی کبرای بین‌المللی فرایندی مربوط به عصر تکوین خواهد بود.

^{۲۵۰} در این بیان مبارک تصریح شده است که تشکیل محکمه‌ی کبری بعد از استقرار سلطنت الهی خواهد بود؛ اما از آنجا که اولاً مضامین فقرات مبارکه‌ی موجود در این مبحث بیشتر دالّ بر تحقق محکمه‌ی کبرا در عصر تکوین است؛ و ثانیاً سلطنت صوری و عملی الهی به طور قطع در عصر ذهبی تأسیس خواهد شد (از جمله به فقره‌ی ۱۴ از مبحث ۱۳۰ رجوع شود)، لهذا ناگزیر باید مفهوم عبارت "سلطنت الهیه" مندرج در این فقره مبارکه را به معنای "قدرت و غلبه‌ی مظهر الهی" تعبیر کرد که البته به سهولت قابل استنباط و استخراج از مضامین مبحث ۱۱۸ است. به زیر نویس مربوط به فقره‌ی ۴۷ از مبحث ۱۱۸ نیز رجوع شود.

^{۲۵۱} بدیهی است چنین وضعیتی در عصر ذهبی، با آن همه خصایص عالیّه‌ی بی‌سابقه، پیش نخواهد آمد؛ بنا بر این، این فقره‌ی مبارکه نیز اشعار می‌دارد که محکمه‌ی کبری، فرایندی متعلق به عصر تکوین است.

بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲ - نظم جهانی بهایی، ص ۵۵، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۱۰) « يك محكمه‌ی جهانی تشکیل شود که تمام دعاوی حاصله بین عناصر مرکبه‌ی این نظام جهانی (حکومت اولیّه‌ی جهانی) را داوری کند و حکم نهایی و لازم‌الاجرایش را صادر نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۱) « در سنین آتی دور بهایی... محكمه‌ی کبری تأسیس شود.» (توفیق ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۱۲) « انقلاب اعظم (احاطه‌ی بلیات من کل الجهات بر هیأت اجتماعیه^{۲۰۲})... جهانیان را به تأسیس محكمه‌ی کبرای الهی دلالت فرماید.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۳) « ایجاد دادگاه جهانی که اختلافات بین ملل را فیصله دهد... از عناصر اولیّه‌ی سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار - ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۱۲۰. ظهور قوم (خلق) بدیع (۷۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « البته در ملک ابصر حدیده ظاهر شوند و صرافان احدیه به وجود آیند و جواهر کلماتش را به جان خریدار شوند و از کون و مکان در سیلش بگذرند و جان در رهش ایثار نمایند و به اسمش از رسم دنیا منقطع گردند و به ذکرش از ذکر عالمین بی نیاز و به یادش از یاد دوش فارغ.» (کتاب بدیع، ص ۹۹)

۲) « فوالذی نفسی بیده، اگر کل من فی الابداع به قمیص انصاف مزین شوند، از ضجیح قلم (قلم یحیی ازل که به توبه و انابه نزد جمال احدیه بازگشته) و صریر آن... به کوی دوست توجه

^{۲۰۲} به مباحث فصل چهارم مراجعه شود.

نمایند و از دنیا و ما قُدْرَ فیها منقطع گردند؛ ولکن این ایام که چنین نفوسی مشاهده نمی‌شوند الا قلیل قلیل؛ دیگر تا چه وقت و زمان وجودات مقدسه‌ی منیره از جیب احدیه بیرون خرامند و به نفعات الله و کلماته فایز شوند و از غیرش بی‌نیاز آیند؛ اِنَّهُمْ خَيْرَةُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمُهَيْمِنِ الْقَيُّومِ. (کتاب بدیع، ص ۲۵۰) (مضمون عبارت عربی: همانا آنان نیکوترین آفریدگان هستند نزد خداوند مَلِکِ مُهَيْمِنِ قَيُّومِ)

۳ « ان رَبِّکُم الرَّحْمَنُ قَدْ کَتَبَ عَلٰی نَفْسِهِ بَانَ یُظْهِرَ فِی الْاِکْوَانِ اَدْلَاءَ عَلَیْهِ، لِقَوْمٍ بَیْنَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ یَنْطِقُنَّ بِنِشْءِ نَفْسِهِ وَ یَرْتَفِعُنَّ اَعْلَامَ النَّصْرِ بَیْنَ الْخُقُلَاقِ اِجْمَعِیْنَ. اُولٰٓئِکَ عِبَادُ الَّذِیْنَ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ مَطْهَرًا عَنِ دُوْنِهِ وَ مَنقَطَعًا عَمَّا عِنْدَکُمْ وَ مَتَمَسِّکًا بِحَبْلِ اللّٰهِ الْمَحْکَمِ الْمَتِیْنِ. اُولٰٓئِکَ لَا یَمْنَعُهُمْ اِشَارَةٌ مِّنْ عَلٰی الْاَرْضِ وَ دَلٰلَاتُ الْمُشْرِکِیْنَ. » (کتاب بدیع، ص ۲۷۱) [مضمون: خداوند رحمان شما، بر خود فرض و واجب نمود که در عالم ابداع دلالت‌گرانی به سوی خود ظاهر نماید تا میان آسمان و زمین قیام نمایند و به ثنای نفس او نطق کنند و علم‌های پیروزی را میان تمام خلائق برافرازند. اینان بندگانی هستند که خداوند از غیر خود پاکیزه‌اشان داشته و از آنچه نزد شما است منقطعشان نموده و به ریسمان محکم و استوار الهی تمسکشان بخشیده. نه اشارات عالمیان و نه دلالات مشرکان اینان را (از اراده‌ی حق) باز نخواهد داشت.]

۴ « امید چنان است که از فضل سبحانی در این ربیع روحانی کل به خلع انسانی فایز شوند و اثواب خلقه‌ی عتیقه‌ی رثیثه‌ی بالیه را به اثواب جدیده الهیه تبدیل نمایند و کل بر امر حق به منتهای استطاعت و قدرت خود قائم شوند و اهل بهاء جناح یکدیگر باشند از برای طیران کل در این هوای روحانی و فضای قدس نورانی و به غیر ماقَدَّرَهُ اللّٰهُ تکمیل نمایند و به غیر رضای او مشی نکنند و بر امری تکلم ننمایند مگر به اذن الله. » (کتاب بدیع، ص ۴۰۳)

۵ « قَدْ بَعَثَ اللّٰهُ وَ سَوْفَ یَبْعَثُ لِهٰذِ الْاَمْرِ اَدْلَاءَ یَنْطِقُنَّ عَنْهُ وَ یَتَوَجَّهْنَ فِی کُلِّ حَیْنٍ اِلَیْهِ وَ لَا یَتَحَرَّکُنَّ اِلَّا بَعْدَ اِذْنِهِ؛ اُولٰٓئِکَ لَا یُبَدِّلُنَّ نِعْمَةً مِّنْ نِّعْمٰتِیْ بِکُلِّ مَن فِی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِیْنَ؛ اُولٰٓئِکَ اَدْلَآئِیْ فِی الْاَرْضِ وَ اَصْفِیَآئِیْ فِی الْبِلَادِ وَ اِمْنَائِیْ بَیْنَ الْعِبَادِ عَلَیْهِمْ رَحْمَتِیْ وَ بَهَائِیْ وَ ذِکْرِیْ وَ ثَنَائِیْ وَ هُمُ عِبَادُ مُکْرَمُونَ. » (کتاب بدیع، ص ۴۰۴) (مضمون: خداوند برای این امر مبعوث کرده و نیز به زودی مبعوث خواهد کرد دلالت‌گرانی که از او سخن گویند و در هر لحظه‌ای به او توجه کنند و حرکتی ننمایند مگر به اذن و اجازه‌ی او. اینان نعمه‌ای از نعمات الهی را به تمام

آنچه در آسمان‌ها و زمین است مبادله نمایند. اینان دلالت گران من هستند در زمین و برگزیدگان من هستند در بلاد و امنای من هستند میان عباد. بر آنان باد رحمت و بهاء و ذکر و ثنای من و آند بنندگان مکرم خداوند.

(۶) « امید هست که حق جَلَّ جَلَّاهُ از توجّه و استقامت اُمنّا و اصفیای خود برانگیزاند خلّقی را که ملتفت شوند و به اصلاح عالم قیام نمایند.» (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۱۵۷)

(۷) « قَدْ كَمَلَّ الإِمْكَانُ مِنْ لَوَاقِحِ الرَّحْمَنِ سَوْفَ يَطْهَرُ مِنْهُ عِبَادٌ بِهِمْ تُنْصَبُ رِايَاتُ اسْمِي الأَعْظَمِ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ رَفِيعٍ.» (لثالی الحکمة ۳، فقره‌ی ۸۲) (مضمون: عالم امکان از بادهای حامله‌ساز رحمن کامل شد؛ به زودی ظاهر می‌شود از آن، بندگانی که به هم‌شان پرچم‌های نام بزرگوار من بر هر کوهستان بلندی افراشته خواهد شد.)

(۸) « طوبی لمن عرف البدع فی هذا البدیع الذی به بُدِعَ من فی السموات و الارضین. لویعرف احد حکم البدع فی هذا الظهور، لیطیر من الشوق الی الله الواحد الفرد الخبیر.» (لثالی الحکمة ۲، فقره‌ی ۷۵، ص ۱۵۷) (مضمون: خوشا به حال کسی که بدعت را در این بدیعی که به آن همه‌ی آسمانیان و زمینیان تازه و نوشدند، درک کرد. اگر کسی حکم بدعت را در این ظهور بشناسد، قطعاً از شوق به سوی خداوند واحد فرد خبیر پرواز خواهد کرد.)

(۹) « اَنَا قَدَرْنَا هذا الهیکلَ مبدء الوجود فی خلقِ البدیع، لِيُوفِنَنَّ الكُلُّ بَانَا كُنَّا مقتدرًا علی ما نَشَاءُ؛ بقولی کن فیکون.» (نداء رب الجنود، سوره‌ی هیکل، فقره‌ی ۱۳- قلم اعلی ۴، ص ۲۷۱) (مضمون: ما این هیکل (هیکل مظهر امرالله) را مبدء وجود در خلق بدیع قرار دادیم؛ تا همه یقین کنند که ما بر هر چه بخواهیم تواناییم؛ به گفته‌ی من، "بشو، پس می‌شود".]

(۱۰) « اسئلك یا الهی ان تظهر لنصرة هذا الظهور من كان قابلا لاسمک و سلطانک لیندرك بین خلقک و یرفع اعلام نصرک فی مملکتک و یزینهم باخلاقک و اوامرک. لا اله الا انت المهیمن القیوم.» (لوح شیخ نجفی، لانگنهین آلمان، ۱۳۸ بدیع، ص ۶۴) (مضمون با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی بیان مبارک: ای خدای من، از تو می‌خواهم نفوسی را به حمایت این ظهور برانگیزی که لایق نام و سلطنت تو باشند تا تو را در میان خلقت یاد آورند و علم‌های پیروزی تو را در سرزمینت برافرازند و آنان را به اخلاق و اوامرت زینت دهی. نیست خدایی جز تو که مهیمن و قائم به ذات هستی.)

(۱۱) « فسوف یظهرالله فی الارض عبادا ما یمسکهم (بازشان نمی‌دارد) منع المغلین و یطیرن بجناح القدس و یسیرن فی ممالک البقاء و یدخلن فی سرادق عزمیرا و لا یشغلهم شان فی الملک و لا یلهیهم زخارف الارض عن ذکرالله العلی المقتدر العزیز و اذا یسمعون نغمات الروح تفیض عیونهم من الدمع و

یستبشرون بروح الله و یقبلون الی جمال قدس بدیع و لن یبدلوا آیات الله بشیء ولو ینفقون بکل من فی السموات و الارض و کلما یسمعون نغمات الله یمیلون الی وطن القرب و یفدون انفسهم فی کل حین.» (جمال ابهی، مائدهی ۴، ردیف ل، باب هشتم، لوح مدینه التوحید، ص ۳۲۰) [مضمون: به زودی خداوند بندگانی در ارض ظاهر خواهد کرد که منع مغلین آنان را (از حق) باز ندارد؛ بندگانی که به بال‌های پاکیزه پرواز خواهند کرد و در سرزمین‌های بقا سیر خواهند نمود و در سراپرده‌های نورانی عزت وارد خواهند شد و چیزی در عالم ملک آنان را به خود مشغول نخواهد کرد و زخارف دنیا از ذکر خداوند عزیز مقتدر والا بازشان نخواهد داشت و هنگامی که نغمات روح را می‌شنوند، دیدگان‌شان از اشک پر خواهد شد و به روح الهی شادمان خواهند گشت و به جمال مقدس بدیع او اقبال خواهند کرد و آیات الهی را با هیچ چیزی عوض نخواهند نمود، حتی اگر هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است به آنان داده شود، و هر وقت به نغمات الهی گوش می‌سپارند متمایل به وطن قرب خواهند شد و در هر حین خود را فدای (حق) خواهند کرد.]

۱۲ « فسوف یظهر الله قوما یدکرون ایامنا و کلّ ما ورد علینا و یطلبون حقنا عن الذین هم ظلمونا بغیر جرم و لا ذنب مبین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۶۶- نداء ربّ الجنود، سوره‌ی ملوک، بند ۵۳) (مضمون: به زودی خداوند قومی را ظاهر خواهد کرد که ایام ما و آنچه را بر ما وارد شد به یاد آورند و حق ما را از کسانی که بدون جرمی و گناهی بر ما ستم روا داشتند، طلب نمایند.)

۱۳ « سوف یخلق الله منه (هذا الهیکل = مظهر الهی) خلقاً لا تحجبهم اشارات الذینهم بغوا علی الله و هم یشربون فی کلّ الاحیان کوثر الحیوان الا انهم هم الفائزون. اولئک العباد الذین استقروا فی ظلّ رحمة ربهم و ما منعهم المانعون. یری من وجوههم نصره الرحمن و یسمع من قلوبهم ذکر اسمی العزیز المکنون. اولئک لو تفتح شفواتهم فی تسبیح ربهم یسبحن معهم من فی السموات و الارض و قلیلاً من الناس ما هم یسمعون و اذا یدکرون بارئهم یدکرون معهم کلّ الاشیاء کذلک فضلهم الله علی الخلق و لکنّ الناس لا یعلمون؛ و یتحرکون حول امرالله کما یتحرک الظلّ حول الشمس. ان افتحوا الابصار یا ملاً البیان لعلّ انتم تشهدون و بحركة هولاء یتحرک کل شیء و بسکونهم یسکن کل شیء ان انتم توقنون؛ بهم یقبل الموحّدون الی قبة الآفاق و ظهرت السکینه و الوقار بین الاخیار ان انتم تعلمون؛ و بهم استقرت الارض و امطرت السحاب و نزلت مائدة القدس من سماء الفضل ان انتم تفقهون. اولئک حفظة امرالله فی الارض، یحفظون جمال الامر من عجاج کلّ مشرک مبعوض و لا یخافن من انفسهم فی سبیل الله بل ینفقونها رجاء للقاء المحبوب و استعلائه بهذا الاسم المقتدر القادر العزیز القدوس.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱، ص ۲- نداء ربّ الجنود، سوره‌ی هیکل، بند ۱۳- آثار قلم اعلی ۴، صص ۲۷۱-۲۷۲) (مضمون: نه چندان دیر،

خداوند از آن (این هیکل = مظهرالهی)، خلقی را خواهد آفرید که اشارات ستمگران و نافرمانان گمراهشان نسازد، و آنان در هر لحظه از کوثر زندگی می‌نوشند، آیا آنان از فایز آن نیستند؟ آنان بندگانی هستند که در سایه‌ی رحمت پروردگارشان جای گرفتند و منع‌کنندگان از راه خدا بازشان نداشت. از سیمایشان نضروی رحمان دیده می‌شود و از قلوبشان ذکر نام عزیز و مکنون من شنیده می‌گردد. آنان اگر لب به ستایش خالقشان بکشایند، همه‌ی اهل آسمان‌ها و زمین با آنان ستایش خواهند کرد و اندکند نفوسی که این ستایش را بشنوند و هنگامی که آفریدگارشان را یاد می‌کنند همه‌ی اشیاء نیز همصدا با آنان او را یاد می‌نمایند؛ این چنین خداوند آنان را بر خلق خود برتری داد، ولی مردمان نمی‌دانند؛ و آنان حول امرالهی طواف خواهند کرد، همانسان که سایه حول خورشید طواف می‌کند. هان بکشایید چشمانتان را ای اهل بیان، شاید شما هم ببینید؛ و به حرکت آنان هر چیزی حرکت می‌کند و به سکونشان هر چیزی ساکن می‌شود، اگر شما از یقین‌کنندگانید؛ به واسطه‌ی آنان است که یکتاپرستان به قبله‌ی عالم اقبال می‌نمایند و آرامش و وقار میان اختیار ظاهر شد، اگر شما از دانایانید. به وساطت آنان زمین استقرار یافت و ابر باریدن گرفت و مائده‌ی قدس از آسمان فضل نازل شد، اگر شما می‌فهمید. آنان حافظان امرالهی در زمینند و جمال و زیبایی امر را از گرد و غبار هر مشرک مبعوضی محافظت می‌کنند و در راه خدا از جان خود نیز نمی‌هراسند، بلکه آن را به امید دیدار محبوب و برتری یافتن او به مدد این نام مقتدر توانای عزیز قدّوس، انفاق می‌کنند.)

۱۴) «سوف یبعث الله رجلاً یصرون المظلوم بالحکمة و البیان انه هو العلیم الخیر.» (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۷۳) (مضمون: به زودی خداوند مردانی مبعوث خواهد کرد که مظلوم (مظهرالهی) را به حکمت و بیان یاری کنند؛ همانا او دانا و آگاه است.)

۱۵) «ان استقیموا یا قوم علی الصراط؛ فسوف یبعث الله قوماً یتقیمن علی الامر و ینکرنه بوله و شوق و انجذاب و لا یمنعهم شیئی عما فی السموات و الارض. اولئک یصلون علیهم الملائکة و الروح ثم اهل ملاً القدس ثم الدینهم کانوا فی سرادق القرب عن خلف الحجاب. و ان من شیئی الا ینکرن اسمائهم و یتقربن الی الله. قل تالله باسمائهم تصحّ الناقوس و تدلع دیک الفردوس و تغنّ الرّباب.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۸، لوح با مطلع: بسم الله البهیّ الابهیّ) (مضمون: ای قوم من، در راه خدا پایداری نمایید؛ به زودی خداوند قومی را برخواهد انگیخت که بر امرالهی استقامت ورزند و او را با وله و شوق و انجذاب یاد کنند و هیچ چیزی از آنچه در آسمان‌ها و زمین است از این کار بازشان ندارد. فرشتگان و روح، سپس اهل ملاء قدس، سپس کسانی که در پشت حجاب، در سرادق قرب به سر می‌برند، بر آنان درود می‌فرستند. هیچ شیئی نیست مگر آن که نام‌های آنان را ذکر می‌کند و به واسطه‌ی آنان به خداوند

نزدیکی می‌جوید. بگو به خداوند قسم، به نام‌های آنان ناقوس فریاد می‌زند و خروس بهشتی بانگ برمی‌آورد و رباب نغمه می‌سراید.)

۱۶) «قل تالله يا ملأ الاعراض انتم و ما عندكم من الغلّ و البغضاء، عند الله ككفّ تراب او كقبضة طين مسنون. و انا لو نريد لننشأ خلقاً اخرى، فسوف ننشأها بالحقّ رغماً لانفكم. انه ما من امر الا بعد اذنه و ما من حكم الا بعلمه، يفعل ما يشاء، بقوله كن فيكون.» (آثار قلم اعلى ۴، ص ۳۰- سورة الحج) (مضمون: بگو به خداوند قسم، ای گروه معرضان، شما و آنچه از بغض و کینه دارايد، نزد خداوند چون مشتى خاك متعفن است. اگر بخواهم خلق ديگرى برمى‌افزینیم، و به زودى، به حق و راستى، و به نشانه‌ى شكست و ذلت شما، آن را خواهم آفريد. هيچ كارى نيست مگر بعد از اذن او و هيچ حكمى نيست مگر به علم او، هر كارى كه بخواهد مى‌كند، به فرموده‌اش: باش، پس مى‌باشد.)

۱۷) «من المشركين من بغى فى نفسه على الله و قال بان الناس لن يتبعوا هذا الغلام الذى استوى على عرش قدس منير و لن يستقرّ امره فى الارض... قل فوالله الذى لا اله الا هو، فسوف ينزل الله من غمام الامر جنوداً بشهاب من القدرة و القوّة و ينصرون الغلام بنصر الذى ما شهدت مثله عيون الخلائق اجمعين، و يبعث بسلطانه حقايق النبئين و المرسلين و يسمعهم اطوار و رقات المعلقات على غصن هذه الشجرة التى نبتت على سيناء الرحمن فى هذا الرضوان الذى ظهر باسم السبحان على هذا المقام المقدس البديع المنيع.» (آثار قلم اعلى ۴، ص ۴۵- لوح الروح) [مضمون: از مشركان كسى است كه در نفسش نسبت به خداوند غرور و نافرمانى بنمود و گفت: مردمان از اين غلامى (مظهرالهي) كه بر نشستنگاه پاكيزه‌ى نورانى برآمده، پيروي نخواهند كرد و امر او در زمين استقرار نخواهد يافت... بگو به خدایى كه نيست خدایى جز او سوگند، به زودى خداوند از ابرامر، لشكريانى با قدرت و قوتى چون برق درخشان، فروخواهد فرستاد و آنان غلام الهى را به نصرتى يارى خواهند كرد كه چشمان همه‌ى مردمان مانندش را ندیده باشد و به قدرت خود حقايق انبياء و رسولان را مبعوث خواهد كرد و نغمات كبوتران نشسته بر غصن اين شجره را به آنان خواهد شنواند، شجره‌اى كه بر سرزمين سيناي الهى، در اين فردوس روييده، فردوسى كه به نام خداوند سبحان، بر اين جاىگاه مقدس بديع نمودار گشته است.]

۱۸) «فسوف يبعث الله قلوباً طاهراً و انفساً زكياً و خلقاً بديعاً و يسكنهم فى ظلّ هذا الرضوان و يسقيهم انامل الرحمن خمر الاطمينان بحيث يشهدنّ كلّ من فى السموات و الارض كيوم لم يكن منهم احد مذكوراً. فوجمالي نفس من هؤلاء فى استقامتهم على الامر ليكون عند الله خيراً عن عبادة العالمين مجموعاً. اولئك يستقرنّ على سرر القدس فى فردوس الاعظم و يطوفنّ فى حولهم غلمان الرحمن كائس من ماء الحيوان و يسقون منها فى كلّ الاحيان و كذلك رشح عليك بحر الاعظم الذى يغنّ كلّ موج من

امواجه بانه انا الله لا اله الا انا و انى قد كنت فى قلوب العالمين مذكورا.» (آثار قلم اعلى ٤، ص ٤٨- لوح الروح) (مضمون: به زودی خداوند قلب‌هایی پاکیزه و نفس‌هایی زکیه و خلقی بدیع مبعوث خواهد کرد و آنان را در سایه‌ی این رضوان مسکن و مأوی خواهد داد و انگشتان رحمان شراب اطمینان به آنان خواهد نوشاند، به طوری که همه‌ی اهل آسمان‌ها و زمین را مانند روزی مشاهده کنند که هیچ يك از آنان مذکور و موجود نبود. قسم به جمالم، نزد خداوند، نفسی از آنان در استقامتشان بر امر، نیکوتر از پرستش کل عالمیان خواهد بود. آنان بر تخت‌های پاکیزه در فردوس اعظم مستقر خواهند شد و غلامان الهی جام‌هایی از آب زندگی را در اطرافشان به دور خواهند آورد که از آن در هر لحظه خواهند نوشید. این چنین دریای اعظم، قطراتی بر تو برافشانند؛ دریایی که هر موج آن به آواز بلند می‌گوید: همانا او، من خداوند هستم، نیست خدایی جز من، که از قبل در قلوب جهانیان مذکور بوده‌ام. ٢٥٣)

١٩) « قل لن يقبل اليوم ايمان احدٍ ولا عمل نفس الا بان تتبع هذا الامر المبرم العزيز الحكيم و انتم ان لن تؤمنوا فسوف يبعث الله قوماً و يُسمعهم نغمات الامر و يُدخلهم فى هذا الرضوان الذى جعله الله آية كبريائه بين السموات و الارضين. اولئك يعرفون بارئهم بنفسه و بما نُزل من عنده من آيات الله المهيمن العزيز الغالب المنير. و يدعون كل ما عند الناس عن ورائهم و لو يكون كتب الاولين و الآخريين.» (آثار قلم اعلى ٤، ص ٥٧- سورة السلطان) (مضمون: بگو امروز نه ایمان کسی پذیرفته می‌شود و نه عمل نفسی، مگر این که از این امر مبرم عزیز حکیم تبعیت کند؛ و شما اگر ایمان نمی‌آورید، به زودی خداوند قوم دیگری را مبعوث خواهد کرد و نغمات امرالهی را به آنان خواهد شنواند و آنان را در این رضوان که خداوند نشانه‌ی بزرگ خود میان آسمان‌ها و زمین‌ها قرارش داد، داخل خواهد کرد. آنان خالق خود را به نفس او و به آنچه از آیات خداوند که از نزدش نازل شده، خواهند شناخت؛ خداوندی که مهیمن و عزیز و غالب و منیر است. آنان هر آنچه را که مردمان دارا هستند، ولو این که کتاب‌های اولین و آخرین باشد، به کناری خواهند افکند.)

٢٠) « قل... رُقْمَ من اصبع صنع ربك فى هذا الكتاب (سوره‌ی هیکل) ما يعجز عن ادراكه العارفون و خُلِقَ فيه هياكلُ التى ما اطّلعَ بهم احدٌ الا نفسُ الله العلى المهيمن القيوم.» (قلم اعلى ٤، ص ٢٨١) [مضمون: بگو... در این کتاب (سوره‌ی هیکل)، از انگشتان آفرینش پروردگارت چیزی رقم خورده است که عارفان از ادراکش عاجزند و در آن، هیاکلی خلق شده است که احدی از آنان آگاهی ندارد، مگر خود خداوند علیّ مهیمن قیوم.]

^{٢٥٣} ابتدا با ضمیر اشاره‌ی "او" به ذات غیر قابل شناخت خداوند اشاره می‌شود، و سپس با عبارات بعدی از این ذات ازلی، نفی اسماء و صفات می‌گردد.

(۲۱) «سوف... یبعث (الله) بارادته خلقاً ما اطلع عليهم احد الا نفسه المهيمن القيوم و يطهرهم عن دنس الوهم و الهوى و يرفعهم الى مقام التقديس و يظهر منهم آثار عز سلطانه فى الأرض كذلك قدر من لدى الله العزيز الودود.» (نداء رب الجنود، سورهى هيكل، بند۸- آثار قلم اعلى ۱، فقره‌ی ۱، ص ۱- آثار قلم اعلى ۴، ص ۲۷۰) [مضمون: به زودى... (خداوند) به اراده‌ی خود خلقى را برخواهد انگيخت كه هيچ كس از آنان خبر ندارد، مگر خودش كه مهيمن و قيوم است؛ و آنان را از لوث وهم و هوى پاكيزه خواهد كرد و به مقام پاكيزگى برخواهد افراشت و آثار عزت و سلطنت خود در زمين را از آنان ظاهر خواهد نمود. اين گونه مقدر شد از نزد خداود عزيز و مهربان.]

(۲۲) «يا عين هذا الهيكل، لا تلتفتى الى السماء و ما فيها و لا الى الأرض و من عليها؛ انا خلقناك لجمالى... سوف نبعث بك عيوناً جديدةً و ابصاراً ناظرةً، يرون بها آيات بارئهم و يحولن النظر عن كل ما ادركه المدركون و بك نعطي قوة البصر لمن نشاء و نأخذ الذين منعوا عن هذا الفضل، الا انهم من كأس الوهم يكرعون و لا يفقهون.» (نداء رب الجنود، سورهى هيكل، بند۱۹- قلم اعلى ۴، ص ۲۷۱-۲۷۲) [مضمون: اى چشم اين هيكل، به آسمان و آنچه در آن است نظر مكن و نه به زمين و آنچه بر آن است؛ ما ترا براى (تماشای) جمال خود آفريديم. به زودى به واسطه‌ی تو، چشم‌هاى تيزبين و ديدگاني بينا خلق خواهيم كرد كه با آن آيات خالقشان را ببينند و نظر از همه‌ی آنچه مدركان درك کرده‌اند برتابند؛ و به واسطه‌ی تو به هر كس كه بخوايم نيروى بينش عطا خواهيم كرد و كسانى را كه از اين فضل الهى منع شده‌اند اخذ خواهيم نمود، بدان كه آنان از جام وهم و خيال مى‌نوشتند و نمى‌فهمند.]

(۲۳) «يا سمع هذا الهيكل، طهر نفسك عن نعيق كل ناعق مردود، ثم اسمع نداء ربك انه يوحى اليك من جهة العرش انه لا اله الا انا العزيز المقتدر المهيمن القيوم. سوف نبعث بك آذاناً مطهرةً لاصغاء كلمة الله^{۲۰۴} و ما ظهر من مطلع بيان ربك الرحمن؛ الا انها تجد ترنمات الوحي من هذا الشطر المبارك المحمود.» (نداء رب الجنود، سورهى هيكل، بند۲۰- قلم اعلى ۴، ص ۲۷۲) (مضمون: اى گوش اين هيكل، خود را از صدای دلخراش هر ندادهنده‌ی مردودی پاكيزه دار، سپس ندای پروردگارت را بشنو كه از جهت عرش الهى به تو الهام مى‌شود و مى‌گويد: همانا او، نيست خدايى جز من كه عزيز و مقتدر و مهيمن و قيوم هستم. به زودى به واسطه‌ی تو، گوش‌هاى مطهر خلق خواهيم كرد تا بشنوند كلمه‌ی الهى و آنچه را از مطلع بيان پروردگار رحمانت پديدار گشته؛ بدان كه اين گوش، نغمات وحى را كه از اين جهت مبارك محمود بلند است، درمى‌يابد.)

^{۲۰۴} به مبحث ۸۱ رجوع شود.

۲۴) « یا لسان هذا الهيكل، انا خلقناك باسمي الرحمن و علمناك ما كنز في البيان و انطقناك لذكرى العظيم في الامكان... بك نبعث السنأ ناطقةً تتحرك بالثناء في الملاء الأعلى و بين ملاء الانشاء كذلك نزلت الآيات و قضى الأمر من لدن مالك الأسماء و الصفات.» (نداء ربّ الجنود، سورهی هیکل، بند۲۱) (مضمون: ای زبان این هیكل، ما ترا به نام رحمان خود خلق کردیم و آنچه را در بیان پنهان بود به تو آموختیم و به ذکر و ثنای عظیم خود ناطق کردیم... به وسیله‌ی تو زبان‌های گویا مبعوث خواهیم کرد که در ملاء اعلی و میان ملاء انشاء به سخن آیند؛ اینچنین آیات نازل شد و امر از نزد مالک اسماء و صفات مقدّرگشت.)

۲۵) « یا حوریة المعانی،... ان لن تجدی احداً ان یأخذ من الید البیضاء الخمر الحمراء باسم ربک العلیّ الاعلی الذی ظهر مرّة بعد اولی بأسمه الأبهی، لا تحزنی؛ دعی هؤلاء بانفسهم ثم ارجعی الی سرادق العظمة و الکبرياء، اذا تجدی قوماً تضیء وجوههم کالشمس فی وسط الزوال؛ و هم یهللون و یسبحون ربهم بهذا الاسم الذی قام علی مقرّ الاستقلال بسلطان العزّة و الجلال. انک لن تسمعی منهم الا ذکرى و ثنایی، ان ربک شهید علی ما اقول و ما اطلع علی هؤلاء احد من الذین خلقوا من کلمة الله فی ازل الآزال، كذلك فصلنا لك الأمر و صرفنا الآيات لعلّ الناس فی آثار ربهم یتفکرون.» (نداء ربّ الجنود، سورهی هیکل، بندهای ۲۲ و ۲۳- قلم اعلی ۴، صص ۲۷۵-۲۷۴) [مضمون: ای حوریة معانی،... اگر کسی را نمی‌یابی که به نام پروردگار علیّ اعلایت که یک بار دیگر به نام ابهائش ظاهر شد، از دست سفیدوش، شراب سرخ فام اخذ کند، محزون مشو؛ اینان را به حال خود بگذار و به سرادق عظمت و کبریا بازگرد، آنگاه قومی را خواهی یافت که چهره‌هایشان چون خورشید نیم روزی می‌درخشد؛ آنان پروردگارشان را به این نامی که به سلطان عزّت و جلال، در مقرّ استقلال قیام کرد، تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و تسبیح (سبحان الله گفتن) خواهند کرد. تو از آنان جز ذکر و ثنای من نخواهی شنید، همانا پروردگارت به آنچه می‌گویم گواه است، و هیچ نفسی از آنان که از ازل آزال، از کلمه‌ی الهی خلق شدند؛ در باره‌ی آنان چیزی نمی‌داند. اینچنین امر را برایت تفصیل دادیم و آیات را برایت تصریف کردیم، شاید مردمان در آثار پروردگارشان تفکر کنند.]

۲۶) « انهم قوماً تضیء وجوههم کالشمس فی وسط الزوال) ما أمروا بسجدة آدم و ما حولوا وجوههم عن وجه ربک، و هم بنعمة التقديس فی کلّ حین یتنعمون. كذلك رقم قلم الرحمن اسرار ما کان و ما یکون، لعلّ الناس هم یعرفون. سوف یظهر الله هؤلاء فی الأرض و یرفع بهم ذکرة و ینشر آثاره و یشب کلماته و یعلن آیاته رغماً للذینهم کفروا و انکروا و کانوا بأیاته یجحدون.» (نداء ربّ الجنود، سورهی هیکل، بند۲۴) [مضمون: آنان (قومی که چهره‌هایشان چون خورشید نیم روزی می‌درخشد) به سجده‌ی حضرت

آدم امر نشدند^{۲۵۵} و چهره از سیمای پروردگارشان باز نتافتند، و در هر لحظه، از نعمت تقدیس برخوردارند. این گونه قلم رحمان اسرار آنچه بود و آنچه هست را بنگاشت، شاید مردمان بشناسند. به زودی خداوند آنان را در زمین ظاهر خواهد کرد و به واسطه‌ی آنان ذکر خود را بلند خواهد نمود و آثار خود را انتشار خواهد داد و کلمات خود را تثبیت خواهد کرد و آیات خود را اعلان خواهد نمود، و بدین سان پیشانی کافران و منکران و نیز از آن کسانی را که با آثارش مخالفت کردند، بر خاک خواهد مالید.

(۲۷) «یا قلم البقاء، لا تحزن عما ورد عليك؛ سوف یبعث الله خلقاً یرون بأبصارهم و یدکرون ما ورد عليك.» (نداء رب الجنود، سوره‌ی هیکل، بند ۳۰- آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۷۷) [ای قلم بقاء (قلم یکی از نمادهای مبین هیکل عنصری مظهرالهی است)، غمگین مشو از آنچه بر تو وارد شد؛ به زودی خداوند خلقی را برخواهدانگیخت که به چشمان خود بنگرند و آنچه را بر تو وارد شد یاد آورند.]

(۲۸) «یا هذا الهیکل، ابسط یدک علی من فی السموات و الأرض و خذ زمام الأمر بقبضة ارادتک... بارتفاع یدک الی سماء فضلی ترتفع ایادی کل شیء الی الله المقتدر العزیز الودود. سوف نبعث من یدک ایادی القوّة و القدرة و الاقتدار و نظهر بها قدرتی لمن فی ملکوت الأمر و الخلق، لیعرف العباد أنه لا اله الا انا المهیمن القیوم و بها نعطي و نأخذ و لا یعرف ذلك الا الذینهم ببصر الروح ینظرون.» (نداء رب الجنود، سوره‌ی هیکل، بند ۳۱- قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۷۸) (مضمون: ای این هیکل (خطاب به نفس هیکل مقدس مظهرالهی است)، دست را بر آسمانیان و زمینیان برافراز و زمام امر را در قبضه‌ی اراده‌ی خود گیر... به ارتفاع دست تویه سوی آسمان فضل من، دست همه‌ی اشیاء به سمت خداوند مقتدر و عزیز و مهربان افراشته می‌شود. به زودی از دست تو دست‌های قوت و قدرت و اقتدار خلق خواهیم کرد و با آن، قدرت خود را در ملکوت امر و خلق، ظاهر خواهیم نمود تا بندگان بفهمند که همانا او، نیست خدایی جز من که مهیمن و قیوم هستم، و به واسطه‌ی آن دست‌ها، می‌بخشیم و اخذ می‌کنیم و کسی این را نمی‌داند؛ جز آنان که به چشم روح می‌نگرند.)

(۲۹) «یا قلم،... سوف یبعث الله بك ذوی ایادی غالبه و اعضاء قاهرة، یخرجن عن خلف الأستار و ینصرن نفس الرحمن بین الامکان و یصیحن بصیحة تسمیز منها الصدور. كذلك رقم فی لوح مسطور و یظهن بسطوة يأخذ الخوف سكان الأرض بحیث کلهم یضطربون.» (نداء رب الجنود، سوره‌ی هیکل، بندهای ۴۰ و ۴۱) (ای قلم،... به زودی خداوند به واسطه‌ی تو، صاحبان دست‌هایی غالب و بازوانی قاهر مبعوث خواهد کرد؛ آنان از پشت پرده‌ها بیرون خواهند آمد و خداوند رحمان را میان اهل امکان، یاری

^{۲۵۵} سوره‌ی بقره آیه‌ی ۳۴. «وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى واستكبر وكان من الكافرين.» (و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده در افتادند) (ترجمه از متن قرآن است) و نیز سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۱.

خواهند کرد و چنان صیحه‌ای خواهند زد که سینه‌ها از آن شکافته شود. اینچنین بر لوحی نوشته شده نقش بست؛ و آنان به سطوت و قدرتی ظاهر خواهند شد که ترس، ساکنان زمین را اخذ کند و همگان مضطرب و هراسان شوند.»

۳۰ « یا هیکل الأمر، ان لن تجد مقبلاً الی مواهبك لا تحزن... انا لَمَّا وجدنا الایادی غیر طاهرة فی الأرض، لذا جعلنا ذلک مطهراً عن مسّها و مسّ الدینهم مشرکون. اصبر فی امر ربّک، سوف یبعث الله اولی افئدة طاهرة و ابصار منيرة یهربن من کلّ الجهات الی جهة فضلك المحیط المبسوط.» (نداء ربّ الجنود، سورهی هیکل، بند ۴۸- آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۸۲) (مضمون: ای هیکل امر (نوعی خطاب دیگر به مظهر عظیم الهی)، اگر برای مواهب خود مقبلی نمی‌یابی، محزون مباش... ما چون در زمین دست‌ها را ناپاک یافتیم، بنابراین، دامن ترا از لمس آن‌ها و لمس مشرکان پاکیزه داشتیم. در امر پروردگارت شکبیا باش، به زودی خداوند صاحبان قلب‌های پاکیزه و چشم‌های نورانی خلق خواهد کرد که از همه‌ی جهات اعراض کنند و به سوی فضل فراگیر و گسترده‌ی تو اقبال نمایند.)

۳۱ « یا رجل هذا الهیکل، انا خلقناک من الحدید؛ استقیم علی امر ربّک بحیث تستقیم بک ارجل المنقطعین علی صراط ربّک العزیز الحکیم. ایاک ان تتحرکی من عواصف البغضاء و قواصف هؤلاء الأشقیاء؛ اثبتی علی الأمر و کونی من الثابتین... سوف نبعث منک اولی ارجل مستقیمة یقومن علی الصراط و لا یزلن عنه ولو تحاربهم جنود تعادل جنود الاولین و الآخین.» (نداء ربّ الجنود، سورهی هیکل، بند ۶۱- قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۸۶-۲۸۷) (مضمون: ای پای این هیکل، ما ترا از آهن خلق کردیم؛ بر امر پروردگارت مستقیم باش، آنچنان که به واسطه‌ی تو پاهای منقطعان، در راه پروردگار عزیز و حکیمت مستقیم گردد. مبادا از طوفان‌های بغض و عدوان و گردبادهای این ستمگران بلغزی؛ بر امر الهی پایدار و از ثابتان باش... به زودی به واسطه‌ی تو پاهایی مستقیم مبعوث خواهیم کرد که در راه خدا قیام کنند و از آن نلغزند، حتی اگر لشکریانی بیشتر از لشکریان اولین و آخین، با آنان به نبرد برخیزند.)

۳۲ « فسوف یخرج الله من اکمام القدرة ایدی القوة و الغلبة و ینصرن الغلام و یطهرن الارض عن دنس کل مشرک مردود و یقومن علی الامر و یفتحن البلاد باسمی المقتدر القیوم و یدخلن خلال الدیار و یأخذ رعبهم کلّ العباد؛ هذا من بطش الله انّ بطشه شدید بالعدل، انه لمحیط علی من فی السموات و الأرض ینزل ما یشاء علی قدر مقدور. ولو یقوم احد من هؤلاء فی مقابلة ما خلق فی الابداع لیكون غالباً بغلبة ارادتی.» (سورهی هیکل، نداء ربّ الجنود، فقره‌ی ۳۴- آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۷۹) (مضمون: به زودی خداوند از آستین‌های قدرت، دست‌های قوت و غلبه را خارج خواهد کرد و آنان غلام الهی (حضرت بهاءالله) را یاری خواهند نمود و زمین را از پلیدی هر مشرک مردودی پاکیزه خواهند ساخت و بر امر الهی

قیام خواهند کرد و به نام مقتدر و قیوم من، سرزمین‌ها را فتح خواهند نمود و در دیارها وارد خواهند شد و رُعبشان کل عباد را اخذ خواهد کرد و این از خشم خداوند است که خشم و غضب او بسی شدید است؛ او بر آسمانیان و زمینیان مسلط است و هر چه را بخواهد به قدر مقدور نازل و ظاهر می‌نماید. اگر یک تن از اینان در مقابل همه‌ی آنچه در ابداع خلق گشته، بایستند؛ قطعاً به غلبه‌ی اراده‌ی من، پیروز خواهد شد.

(۳۳) «یا صدر هذا الهيكل، انا جعلنا الاشياء مرايا نفسك وجعلناك مرآت نفسي؛ فاشرق على صدور الممكنات بما تجلّی عليك من انوار ربك ليظهرها عن الحدود والاشارات... انا بدتنا منك صدوراً ممرّدةً ونعیدها اليك رحمة من لدنا عليك وعلى المقرّبين. سوف نبعث بك اولی صدور صافية و ترائب منيرة لن يحكوا الا عن جمالی و لن يدنن الا على تجلیات وجهی؛ انهم مرايا اسمایی بین الخلائق اجمعین.» (نداء رب الجنود، سوره‌ی هیکل، بند ۶-۴- قلم اعلی ۴، ص ۲۸۸) (مضمون: ای سینه‌ی این هیکل، ما اشیاء را آینه‌ی نفس تو و تو را آینه‌ی نفس خود قرار دادیم؛ پس بازیتابان بر سینه‌های ممکنات آنچه از انوار پروردگارت که بر تو تجلی کرد تا آنها را از حدود و اشارات پاک نماید... ما از تو سینه‌هایی پاکیزه خلق کردیم و آنها را به سوی خودت باز خواهیم گرداند و این رحمتی است از نزد ما بر تو و بر مقرّبان. به زودی به واسطه‌ی تو صدرهایی صاف و سینه‌هایی خالص خلق خواهیم کرد که هرگز از هیچ چیز جز جمال من حکایت نکنند و بر هیچ چیز جز تجلیات سیمای من در میان مردمان، دلالت نمایند.)

(۳۴) «ان یا لسان هذا الهيكل،... قم على ذكر البديع ولا تخف من مظاهر الشيطان... بك نبعث السن ناطقةً كلها يحركن بالثناء في ملاء البقاء و بين ملاء الانشاء، ببدايع الذكر هم يذكرون ولن يمنعهن شيء عن ثناء بارئهم.» (قلم اعلی ۴، ص ۲۷۴) (مضمون: ای زبان این هیکل،... به پا خیز بر ذکر بدیع و از مظاهر ابلیس مهراس... به وسیله‌ی تو زبان‌هایی ناطق خلق خواهیم کرد که به تمامه میان گروه جاودانگان و میان مردمان، به بدایع ذکر مشغول گردند و هرگز چیزی آنان را از ذکر و ثنای خالقشان باز نخواهد داشت.)

(۳۵) «عنقریب نفوسی در (عرصه‌ی) علم ظاهر شوند و به کمال نصرت قیام نمایند و در جواب هر اعتراضی ادله‌ی محکمه‌ی متقنه مرقوم دارند؛ چه که قلوبشان ملهم می‌شود به الهامات غیبیه الهیه.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۰۹- امر و خلق ۴، ص ۴۷۴- مجموعه‌ی الواح حضرت بهاء الله به خط مشکین قلم، لوح خطاب به حاجی محمد کریمخان کرمانی، ص ۹۵)

(۳۶) «از خدا می‌طلبیم... از ساذج کلمه‌ی امریه، هیاکل مقدسه مبعوث فرماید به شأنی که جمیع من فی العالمین را مفقود و معدوم شمرند و جز حق موجود و ناطق و متکلم و قادر نبینند. انه علی ما یشاء قدیر.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۶۰) (مضمون عبارت: همانا او بر آنچه بخواهد توانا است.)

۳۷) « لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا. اگر چه این ایام مطالع ظلم و اعتساف بر ضرر این مظلوم قیام نموده‌اند؛ سوف یتظهر الله کنوزه لنصرة امره و نبأه و این کنوز رجالد لا تمنعهم سطوة و لا تخوفهم شوكة و لا تضعفهم الصفوف و الالوف؛ به حکمت و بیان امکان را مسخر نمایند.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۴) (مضمون بخش‌های عربی: به ما اصابت نمی‌کند مگر آنچه خداوند برایمان مقدر نماید... به زودی خداوند گنج‌های خود را برای یاری امرش و خبرش ظاهر خواهد کرد... نه حمله و هجومی بازشان دارد و نه شوکت و قدرتی ترسانشان سازد و نه صفوف و الوفی تضعیفشان کند.)

۳۸) «ای رَبِّ، أسئلك باسمك الّذی ما أطلع به إلاّ نفسك العظیم، بان تبعث بسلطانك من یتقوم علی نُصرة أمرک و اعلاء کلمتک و إظهار سلطنتک بین بریتک.» (نفحات الرحمن، ص ۱۵۲) (مضمون: ای پروردگار من، از تو می‌خواهم به حق اسمت که تنها خودت به آن آگاه هستی، این که به قدرت و احاطه‌ات، کسی را برانگیزی که بر نصرت امرت و اعلاء کلمات و اظهار سلطنت میان خلقت قیام کند.»

۳۹) « عنقریب ید قدرت محیطه ی الهیه نفوسی چند خلق فرماید که جمیع احجاب را خرق نمایند و بی‌ستر و حجاب به مکمن ربّ الارباب درآیند و در سبیل محبوب از هیچ آبی مخموم نشوند و از هیچ ناری جزع نمایند؛ غیر معبود را مفقود شمردند و ماسوای مقصود را معدوم مشاهده نمایند و در کلّ اوان اهل امکان را به سلاسل بیان به رضوان قدس رحمن کشند. قسم به آفتاب معانی که انوار این نفوس اهل ملأ اعلی را مستنیر نماید، چنانچه شمس اهل ارض را.» (آیات الهی، ۱، ۱۷ نوامبر- مائده‌ی آسمانی، ۷، باب اول، ص ۲۵)

۴۰) « ملاحظه‌ی قدرت مظهر ظهور را فرماید که به حرفی از اسم عباد خود، اگر بخواهد، جمیع هیاکل احدیه و مظاهر صمدیه را خلق فرماید.» (آیات الهی، ۱، ۲۳ می)

۴۱) « از حقّ می‌طلبیم نفوسی مبعوث فرماید که حلاوت امر و حلاوت بیان و عظمت یوم را بیابند و از عالم و عالمیان خود را فارغ و آزاد مشاهده نمایند.» (آیات الهی، ۲، ۶ ژوئیه)

۴۲) « از حقّ تعالی شأنه سائل و آمل، از کلمه علیا مبعوث فرماید نفوسی را که شئونات ظاهره ایشان را مشغول نسازد و از سبیل مستقیم باز ندارد.» (آیات الهی، ۲، ۲۴ ژوئیه)

۴۳) « یا ایها الناظر الی الوجه، از حقّ جلّ جلاله مسئلت نما خلقی را به قدرت کامله خود برانگیراند و مبعوث فرماید که شاید حامل امانت شوند و حافظ لئالی حکمت.» (آیات الهی، ۲، ۱۴ مارس)

۴۴) « عنقریب از خلف استار عصمت الهی هیاکلی ظاهر شوند که به بصر الهی حق را از باطل و شمس را از ظلّ فرق گذارند و به هیچ بندی از صراط مستقیم ممنوع نشوند و به هیچ سدی از نبأ عظیم محروم نگردند.» (جمال ابهی، مائده‌ی آسمانی ۷، باب اول، ص ۴۰)

۴۵) « سوف يُظهِرُ اللهُ قوماً يذكرون آيأمانا و كلّ ما ورد علينا و يطلبون حقنا عن الذين هم ظلمونا بغير جرم و لا ذنب مبین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۶۶- مندرج در توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹۹ بدیع، ص ۴۸) (مضمون: به زودی خداوند قومی را ظاهر خواهد کرد که آیام ما و آنچه را بر ما وارد شد، یاد کنند و حق ما را از کسانی که به ما بدون جرم و گناهی ستم ورزیدند بگیرند.)

۴۶) « و لله خلف سُرَادِقِ الْقُدُسِ، عِبَادٌ يَظْهَرُونَ فِي الْأَرْضِ وَ يَنْصُرُونَ هَذَا الْأَمْرَ وَ لَنْ يَخَافَنَّ مَنْ أَحَدٍ وَ لَوْ يُحَارِبُنَّ مَعَهُمْ كُلَّ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ. أَوْلَئِكَ يَقُومُنَّ بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَذْكُرُنَّ اللَّهَ بِالْعَلِيِّ نَدَائِهِمْ وَ يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى صِرَاطِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۲۹- مندرج در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۲) (مضمون: برای خداوند پشت پرده‌های پاکیزه، بندگانی است که در زمین ظاهر خواهند شد و این امر را یاری خواهند کرد؛ آنان از هیچ کسی ترسی نخواهند داشت و لو این که همه‌ی مردمان به جنگ با آنان برخیزند. آنان بین آسمان‌ها و زمین قیام خواهند نمود و خداوند را به بلندترین نداها ذکر خواهند کرد و مردمان را به راه راست خداوند عزیز حمید دعوت خواهند نمود.)

۴۷) « سوف يُظهِرُ اللهُ كِنُوزَ الْأَرْضِ، وَ هُمْ رِجَالٌ يَنْصُرُونَكَ بِكَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَى اللهُ افْتِدَاءَ الْعَارِفِينَ.» (لوح شیخ نجفی، ص ۱۷- مذکور توسط بیت العدل اعظم در رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۹) (مضمون: به زودی خداوند گنج‌های زمین را مبعوث خواهد کرد؛ و آنان مردانی هستند که تو (مظهر الهی) را به وسیله‌ی خودت و به نامت یاری خواهند کرد، نامی که خداوند با آن قلوب عارفان را حیات بخشید.)

۴۸) « ان يا هذا الهيكل،... فسوف يبعث الله منك ايادياً غالبَةً و اعضاداً قاهرةً يخرُجَنَّ عن خلف السكون و ينصرنَّ نفسَ الرحمن بين الامكان و يصحنَّ بصيحةٍ يتميز عنها صدور كل مغلٍ عنود و يظهرنَّ على سطوةٍ يأخذ الخوفُ سكانَ الارض على شان كلِّ يضطربون. اياكم ان لا تسفكوا الدماء؛ ان اخرجوا سيف اللسان عن غمد البيان لانّ به يفتح مدائن القلوب.» (نداء رب الجنود، سوره‌ی هيكل، فقرات ۴۱ و ۴۲/ آثار قلم اعلى ۴، ص ۲۸۰) (مضمون: ای این هيكل،... به زودی خداوند از تو دست‌های غالبه و بازوهای قاهره خلق خواهد کرد؛ آن‌ها از خلف سکون خارج خواهند شد و نفس رحمان را میان عالم امکان یاری خواهند نمود و (صاحبانشان) چنان فریادی بر خواهند کشید که سینه‌ی هر کینه‌توز ستمگری از

آن شکافته شود و به قدرت و سطوتی ظاهر خواهند شد که خوف، ساکنان زمین را فرا گیرد و همگان مضطرب شوند. اما مبادا خون کسی را بریزید؛ شمشیرهای لسان را از ینام بیان بیرون آورید؛ زیرا به وسیلهی آن است که شهرهای قلوب فتح می‌گردد.

(۴۹) « انشاءالله خلقی ظاهر شوند که مقصود حق جلّ و عزّ را از بیانات ادارک نمایند و در کمال خضوع و خشوع در مراتب امرالله و حفظ و صیانت آن از انفس مشرکه‌ی مردوده جهند نمایند.» (مجموعه‌ی الواح حضرت بهاءالله به خط مشگین قلم، ص ۹۵)

(۵۰) « امیدوارم که از نفحات مقدّس این ایّام، نفوسی ظاهر شوند که عالم و مافیها را به فلسی نخرند و... از کلّ ما سواه، به شطراالله ناظر شوند و جان دادن در سیل رحمن را اسهل شیء شمرند... تالله حوریات غرفات اعلی از شوق لقای این نفوس نیارامند و اهل ملاء بقا از اشتیاق نیاسایند.» (آیات الهی، ص ۱۲۵)

(۵۱) « عبادی خلق خواهند شد که کوثر معانی را از کأس کلمات الهی بیاشامند و به مقصود مطلع گردند.» (جمال ابهی، امر و خلق، ص ۴۷۵)

(۵۲) « هر حرف که از فم مشیّت صادر گردد دارای قوهی خلّاقه و احیا کننده‌ایست که می‌تواند خلق بدیعی^{۲۵۶} مبعوث نماید؛ خلقی که مقام و عظمت آن بر کلّ مستور مگر خداوند علیم که بر حقایق اشیاء واقف و آگاه است (ترجمه).» (جمال ابهی، نقل در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۵۳) « کلمه‌ی ربّانی^{۲۵۷}... قوهی موجد است؛ ایجاد نماید و تجدید کند و خلق جدید نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۳۵)

(۵۴) « امیدوارم قلوب نفوس زنده شود تا همه تولّد جدید یابند. آنگاه بشریّت جامه‌ی تازه‌ای خواهد پوشید که مزین به نور محبت‌الله است و آن وقت، فجر خلق بدیع خواهد دمید؛ فضل خداوند رحمن بر عالمیان نازل خواهد شد و همه به حیات بدیع فایز خواهند گشت.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۳ اکتبر ۱۹۱۱)

(۵۵) « (هنگامی که بشر با تبعیّت از مشیّت الهی تولّدی جدید یابد) عالم انسانی جامه‌ی جدیدی خواهد پوشید که به نور محبت‌الله مزین خواهد بود؛ زمانی که فجر خلق بدیع طالع خواهد شد و رحمت

^{۲۵۶} به مبحث مهیمن ۱۲۰ مراجعه شود.

^{۲۵۷} به مبحث ۸۱ رجوع شود.

حضرت رحمان بر عالمیان نازل خواهد گشت و همگان به حیاتی بدیع فائز خواهند شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، دوشنبه، ۲۳ اکتبر ۱۹۱۱)

۵۶ « این است روح و ریحان من؛ این است سرور قلب و جان من که نفوسی مبعوث گردند که جز بهاء ندانند و به غیر از محبتش وجد و طریبی ننمایند؛ از صهباء عنایتش جام سرشار باشند و از فضل و موهبتش سراج‌های پرانوار.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۳۰۱)

۵۷ « ای سمندر نار موقده در سدره‌ی سیناء، جمال مبارک روحی و ذاتی و کینونتی لأرقائه الفدا (روح و ذات و هستیم برای بندگانش فدا باد) در اواخر ایام از فم مطهر و عده فرمودند که به فیض مدار و تأییدات ملکوت اسرار نفوسی مبعوث گردند و هیاکل مقدسی مشهود شوند که انجم سماء هدایتند و انوار فجر عنایت، مظهر آیات توحیدند و مطلع انوار تقدیس، مهابط الهامند و مشاعل انوار، جبال راسخه‌اند و اطواد (کوه‌ها) باذخه، سرج نورند و بدور ظهور، وسائط الطافند و وسائل اعطاف، منادی به اسم حَقِّند و مبادی تأسیس بنیان اعظم. این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آلام نبینند و فراغت نجوینند؛ در مضجع راحت نیارمند؛ آسوده ننشینند؛ آلوده نگردند؛ اوقات را صرف نشر نفعات الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمة الله؛ وجوهشان مستبشر است و قلوبشان منشرح؛ فؤادشان ملهم است و بنیادشان بر اساس اقوم؛ در ارجاء عالم منتشر گردند و در بین امم متفرق؛ در هر محفلی درآیند و در هر انجمنی مجمع بیارینند؛ به هر لسانی تکلم نمایند و هر معنی تفهیم کنند؛ اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند؛ چون شمع در شبستان هر جمع بر افروزند و چون ستاره‌ی صبحگاهی بر جمیع آفاق بدرخشند؛ نفعات حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهی آفاق قلوب را معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بهاری هر اقلیم را مخضّر (سرسبز) کند. این عبد در نهایت انتظار است که این نفوس مبارکه کی موجود و این مظاهر مقدسه^{۲۰۸} کی ظاهر و پدیدار گردد؛ شب و روز در تضرّع و ابتهالم که آن نجوم بازغه مشرق و لائح گردد و آن وجوه مقدسه جلوه نماید؛ افواج تأیید رسد و امواج توفیق از بحر ملکوت غیب واصل گردد. مقصد این است که دعا و تضرّع فرمایید که این نفوس به فضل جمال قدم زود مبعوث گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۰۴ - مندرج در پیام بهایی بند ۱۵۲، ص ۳۰)

۵۸ «ای منجذب میثاق، جمال قدم به این عبد وعده فرموده‌اند که نفوسی مبعوث گردد که آیت هدی باشند و رایت ملاً اعلی، شمع توحید گردند و کوکب تجرید فلک تفرید، کوران را بینا نمایند و کران را شنوا و مردگان را احیا، مقاومت من علی الأرض نمایند و محاججه (استدلال کردن) با برهان ربّ

^{۲۰۸} از فحوای فقره‌ی مذکوره (مخصوصاً آخرین جمله‌ی آن) به روشنی چنین استنباط می‌شود که مقصود هیکل مبارک از عبارت "مظاهر مقدسه"، معنای مصطلح آثار الهیه که بر پیام اروان الهی دلالت دارد، نیست؛ بلکه این عبارت اشاره به نفوس مؤمنه‌ی مخلصه‌ای می‌نماید که حائز صفات و خصوصیات برشمرده در نفس فقره‌ی مبارکه هستند.

السَّمَوَاتِ السَّبْعِ (پروردگار هفت آسمان). امید از فضل او دارم که این نفوس را به زودی مبعوث فرماید تا امرش بلند گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۲۰۳)

۵۹ « این جواهر وجود و لآلی خزانن ربّ ودود [اهل بهاء... (که) منتهای آمال و آرزویشان فدای جمیع شئون است به جهت حیات عالم و احیای شعوب و قبائل امم] هنوز در پس پرده‌ی غیرت حقّ پنهانند، عنقریب کشف نقاب و رفع حجاب نمایند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۷۸)

۶۰ « یا من استبشر ببشارات الله، در این قرن اعظم مبارک... نفوسی از رقد هوی مبعوث شوند که چون شمع در انجمن عالم به نور استقامت برافروزند و چون بحر به محبت جمال مبارک بخروشند و چون بنیان عظیم و چون سدّی از زبر حدید به عهد و میثاق الهی مستقیم و به ایمان و پیمان ربّانی مستدیم گردند و مقاومت و مداومت شدید به جنود نقض و نکث نمایند و کلّ را به ثبوت و رسوخ بر امرالله دلالت فرمایند، حصن حصین کلمة الله را لشکر پرشکوهند و مدینه‌ی امرالله را محافظ و مدافع بر مهاجمین انبوه.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۳۴۲)

۶۱ « امیدوار به فضل پروردگارم که نفوسی مبعوث فرماید که هر یک اقلیمی را هدایت و تربیت نمایند؛ ذلک من فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو فضل عظیم^{۲۵۹}؛ و البتّه این نفوس مقدّسه مبعوث گردند و این نجوم باهره طلوع نمایند و این سُرُج مضمیئه روشن گردند و این نفحات قدس به مرور آید و این نسیم جانپور بوزد و در حدائق الهی این گل‌های معنوی با رخی افروخته جلوه نمایند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۵۸)

۶۲ « ای متمسک به میثاق، از الطاف حضرت احدیت مترصدیم که در آن اقلیم جسیم (آذربایجان) نفوسی مبعوث فرماید که حصن حصین امرالله را محافظ امین باشند و نور مبین میثاق الله را مشکاة لطیف؛ جمیع یاران را شمع روشن گردند و محفل دوستان را زینت و حرارت و طراوت و لطافت و بشارت دمبدم؛ گلشن توحید را طوطی شکر شکن گردند و گلستان تجرید را بلبل خوش الحان و شیرین سخن.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۱۳۲)

۶۳ « ای احبای الهی، قدری تأمل و تفکر در عنایات جمال مبارک نمایید که آن ذات مقدّس تحمل صد هزار محن و آلام فرمود و ایام مبارکش جمیع، به صلدمات شدیده گذشت تا آن که نفوسی مبعوث شوند^{۲۶۰} که در ظلّ کلمة الله المطاعه آیات توحید گردند و بینات تفرید؛ مظاهر محبت گردند و مطالع انوار الفت؛ از بیگانگی بگذرند و به یگانگی حقائق و نفوس نورانیّه پی‌برند؛ علم اتحاد برافرازند و خیمه‌ی

^{۲۵۹} سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۱، نیز سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۴.

^{۲۶۰} به مبحث ۱۲۰ رجوع شود.

اتفاق بلند کنند؛ جام صهبای وحدت اصلیه در دست گیرند و در انجمن توحید رقص کنان جنود اختلاف را شکست دهند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب اول از ردیف ذ، ص ۱۵۰)

۶۴ « رَبِّ اَبْعَثْ فِي بِلَادِكْ نَفُوسًا خَاضِعَةً خَاشِعَةً مُنَوَّرَةً الْوُجُوهُ بَانُوَارِ الْهُدَى مُنْقَطِعَةً عَنِ الدُّنْيَا نَاطِقَةً بِالذِّكْرِ وَ التَّنَاءِ نَاشِرَةً لِنَفْحَاتِ قُدْسِكَ بَيْنَ الْوَرَى رَبِّ اَشْدُدْ ظُهُورَهُمْ وَ قَوِّ اَزْوَرَهُمْ وَ اَشْرَحْ صُدُورَهُمْ بِآيَاتِ مَحَبَّتِكَ الْكُبْرَى.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۵۶) (مضمون: ای پروردگار من، در سرزمین هایت نفوسی خاضع و خاشع با وجوهی نورانی به انوار هدی و منقطع از دنیا و ناطق به ذکر و ثنا و ناشر نفحات قدس میان مردمان برانگیز. ای پروردگار من، کمرهایشان را محکم کن و پشت‌هایشان را قوی نما و سینه‌هایشان را به نشانه‌ی عشق و محبت عظیمت منشرح کن.)

۶۵ « ای یزدان پاک، نفوسی را مبعوث فرما که... آزادگان گردند و عالم امکان را به خلعت جدید و قمیص بدیع مزین نمایند؛ جز تو نجویند و جز در ره رضایت نپویند و جز رازت نگویند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۳۷۸)

۶۶ « يا امة الله، انى ادعوا لله ان يبعث نفوساً مقدّسة منزهةً روحانيةً فى الاقطار الغربية و الاقاليم الشمالية... عند ذلك تجدين الغرب افق الشرق و الانوار تلتألاً كالاقمار فى تلك الاقطار، هنالك تصبح الارض قطعةً من رياض المكوت و تفيض عليها السحاب من اعلى المقامات و تهتر تلك الارض و تربو و تُنبئ من رياحين الحكمة و البيان و ازهار المعرفة و الايقان. فاطمئننى يا امة الله ان هذا الفضل سيشرق انواره على الغرب و يبعث الله تلك النفوس.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقيح ۱۰۱، مجموعه‌ی توقيحات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۴۷-۲۴۶- نیز در مجموعه‌ی توقيحات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۴۸) (مضمون: ای کنیز الهی، از خدا می‌خواهم که نفوسی مقدّس و منزه و روحانی در سرزمین‌های غربی و دیارهای شمالی مبعوث کند... آنگاه غرب را افق شرق خواهی یافت و انوار در آن دیار چون پرتوهای اقمار خواهد درخشید و زمین قطعه‌ای از باغ ملکوت خواهد شد و ابر مقامات بلند بر آن خواهد بارید و این خاک، زنده خواهد شد و تربیت خواهد گشت و گیاهان حکمت و بیان خواهد رویاند و گل‌های معرفت و ايقان خواهد دماند. مطمئن باش ای کنیز خداوند، که انوار این فضل به زودی بر باختران خواهد درخشید و خداوند چنین نفوسی را بر خواهد انگیخت.)

۶۷ « فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۱۱۷) (مضمون: به زودی خداوند قومی را به وجود خواهد آورد که دوستشان داشته باشد و آنان نیز او را دوست داشته باشند.)

۶۸) « الحق اقول لكم، سيبعث الله نفوساً مقدّسة منزهة نورانيّة ملكوتيّة روحانيّة يتعارجون الى اوج الهدى و يشرقون اشراق التّجوم في الأوج الأعلى و يعطّرون الآفاق بنفحات الله و يذيعون و يبثّون حكمة الله و ينطقون بالثناء على الله و ينادون باسم الله.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، بند ۳۰۱، ص ۲۵۱) (مضمون: به راستی برایتان می‌گویم، به زودی خداوند نفوسی مقدّس و منزه و نوارنی و ملکوتی و روحانی برخواهد انگيخت که به اوج هدایت پرواز کنند و چون ستارگان در اوج اعلى بدرخشند و افق‌ها را به نفحات الهی معطر سازند و حکمت ربّانی را بسط و نشر دهند و به ذکر و ثنای الهی نطق نمایند و به نام خداوند ندا سر دهند.)

۶۹) « چون ندای الهی بلند شد در هیکل عالم انسان حیاتی جدید پدید آمد... چیزی نمی‌گذرد که آثار این حیات جدید پدیدار شود و خفتگان را بیدار نماید.» (ترجمه) (نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۵-توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۷۰) « هدف غایی حضرت بهاءالله آن است که افراد جدیدی خلق شوند؛ یعنی مردمی نیکوکار، مهربان، باهوش و صدیق و شریف که بر مبنای احکام و موازین این امر اعظم که در این مرحله از تکامل عالم انسانی ظاهر شده، عمل نمایند.» (نمونه‌ی حیات بهایی، ص ۲۵- پیام آسمانی ۲، ص ۱۲۳)

۷۱) « ای مولای بی‌همتا... هیکل مجردی صافی‌ی نورانیّه (را) که موعود کتاب اقدس توآند، مبعوث فرما.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۱۱)

۷۲) « (حضرت بهاءالله در سوره‌ی ملوک) پیش‌بینی می‌نماید که به زودی خداوند هستی، نسلی را مبعوث خواهد کرد که بلایای وارد بر آن حضرت را به یاد آورند و حقوق پایمال شده‌ی او را از دشمنانش طلب نمایند.» (مرور معبود، ص ۲۵۰)

۷۳) « ای مولای بی‌همتا... از اقطار شمالیه که به نصّ قاطعت منشأ و مبدأ رجال آتیه‌اند، هیکل مقدّسه‌ی منقطع‌ای مبعوث فرما و به نفثات روح القدس دمساز کن و به فتح مدائن قلوب در اقصی جنوب عالم مأمور ساز.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۴۸)

۷۴) « گمان ننمایید که از سکون و سکوت احدی از احبّا وهنی بر امرالله وارد گردد؛ لا والله، رجالی مبعوث شوند و گوی سبقت را از میدان برابند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف د از باب هشتم، ص ۱۹)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۷۵) « هر روز زندانبانان از سه طبقه پله‌های سیاه‌چال فرود می‌آمدند و یک یا چند نفر از مسجونین را گرفته و کشان‌کشان به محل اعدام می‌بردند... در بحبوحه‌ی چنین احوال و احتمال کشته شدن بود که حضرت بهاءالله برای اولین بار از رسالت خویش آگاه شدند. "در شبی از شب‌ها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمه‌ی علیا اصغاء شد: "إِنَّا نَنْصُرُكَ بِكَ وَبِقَلْمِكَ. لَا تَحْزَنَنَّ عَمَّا وَرَدَ عَلَيْكَ وَلَا تَخَفَنَّ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ. سَوْفَ يَبْعَثُ اللَّهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ، وَهُمْ رِجَالٌ يَنْصُرُونَكَ بِكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَى اللَّهُ أَفْتَدَةَ الْعَارِفِينَ". (بیت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله، می ۱۹۹۲، ص ۹) (مضمون بخش عربی: ما ترا به واسطه‌ی خودت و قلمت یاری خواهیم کرد. محزون مباش از آنچه بر تو وارد شد و مهراس، تو از ایمن شدگانی. به زودی خداوند گنج‌های زمین را برخواهد انگیخت و آنان مردانی هستند که ترا به واسطه‌ی خودت و نامت، نصرت خواهند کرد؛ نامی که خداوند به وسیله‌ی آن قلوب عارفان را زنده نمود.)

(۷۶) « حضرت بهاءالله می‌فرمایند که چون مردمان جهان به قدرت روحانی که در هدایت مظهرالهی در این عصر به ودیعه گذاشته شده، پی‌برند؛ در وجود خویش چنان نیرویی معنوی احساس خواهند کرد که تاکنون هیچ انسانی به اهتمام شخصی خود قادر به ایجاد آن نبوده است. بر اثر این ارتباط معنوی "نوع جدیدی از انسان"، یعنی خلق (ی) بدیع ظاهر خواهد شد و آنگاه کار تأسیس تمدن جهانی^{۲۶۱} آغاز خواهد گردید.» (رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۷۱)

(۷۷) « زیبایی و شکوه حدائق و طبقات مقام اعلی که حال در جریان ایجاد است، رمزی از کیفیت دگرگونی و تقلیبی است که مقدر است در کنه قلوب مردم جهان و در محیط طبیعی کوهی ارض به وجود آید.» (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۵۴)

(۷۸) « هر یک از این نفوس (شرکت کنندگان در کنفرانس‌های منطقه‌ای چهل و یک گانه) جلوه‌ای بود از آن خلق بدیع، آن انسان متعهد و دلیر و پاک و مقدسی که مقدر است تحت تأثیر مستقیم ظهور اعظم جمال قدم در طی نسل‌های متمادی تکامل یابد.» (پیام رضوان، ۲۱ آوریل ۲۰۰۹)

۱۲۱. احاطه و استیلای نسبی امرالله بر عالم (۸۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

^{۲۶۱} به مبحث ۱۳۸ مراجعه شود.

- (۱) « یا عُنْدَلِيبُ... عنقریب نهالهای مغروسه باثمار بدیعیه منیعہ در عالم ظاهر شوند؛ هَذِهِ بَشَارَةٌ مِنْ لَدُنَّا لِتَفْرَحَ وَتَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ. » (لثالی الحکمة ۳، فقره ۱۷۷)
- (۲) « اشراقات کلمه کُلِّ مَنْ فِي الْأَرْضِ را احاطه نموده و لکن اکثری از بریه باحجاب وهمیه از مشرق ظهورات احدیه محروم مانده‌اند، عنقریب کل بشر مقصود توجه نمایند و لکن حسرت از برای نفوسی که از انوار مشرقه محروم گشته‌اند. » (لثالی الحکمة ۳، فقره ۱۵۴)
- (۳) « اهل ارض غافلند؛ امرالله را مثل سایر امور دانسته و می‌دانند؛ تَبَّأْ لَهُمْ وَ سَحَقَا لَهُمْ. زود است مشاهده نمایند آنچه را که حال منکرند و اقبال نمایند آنچه را که از او معرضند. » (حدیقه عرفان، ص ۱۰۴)
- (۴) « این را بدانید که اگر تمامی دول عالم متحد شوند و جان من و جان همه‌ی کسانی را که به این نام منسوبند بگیرند، این آتش الهی (امرالهی) هرگز خاموش نخواهد شد. این امر بر همه‌ی سلاطین جهان که هیچ، بر تمامی آنچه از آب و گل سرشته شده است، مسلط خواهد شد. » (مرور معبود، ص ۲۳۰، پیام حضرت بهاءالله برای سفیر کبیر ایران در باب عالی)
- (۵) « سوف... يرتفع اعلام النصر على الجبال و الاتلال. » (قلم اعلی ۷، ص ۴۹) (مضمون: به زودی... پرچم‌های پیروزی بر کوه‌ها و تپه‌ها افراشته خواهد شد.)
- (۶) « سطوت أمراء و وضوای علماء، او (محبوب عالمیان) را از اراده‌اش منع نمود، جنود عالم و صفوف امم از مشیتش بازداشت. امرش غالب و اراده‌اش نافذ بوده و خواهد بود. » (حضرت بهاءالله، مائده‌ی ۸، مطلب یکصد و شست و دوم، ص ۱۳۵)
- (۷) « نوری که اهل ایران در اطفاء آن جاهد و ساعی، احزاب مختلفه به ظهور و بروز و اسباب تجلی و اشراق آن مشغول؛ عنقریب ظاهر می‌شود آنچه حال از اعین عالم مستور است. » (حضرت بهاءالله، مائده‌ی ۸، مطلب یکصد و سی و هشتم، ص ۱۱۴)
- (۸) « مدتی بر این نهج (انقلاب و لامذهبی عالم) ایام می‌رود و اذا تمّ المیقات یظهر بغتة ما ترتعد به فرائض العالم، اذا ترتفع الأعلام و تغرد العنادل علی الأفنان. » (جمال ابهی، ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۳۸- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۶۱- آیات الهی ۱، ۱۲ می - نظم جهانی بهایی، ص ۴۵- مندرج در توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱) (مضمون: هنگامی که میقات مقرر تمام شود، ناگهان ظاهر خواهد شد آنچه که ارکان عالم را به لرزه در آورد؛ آنگاه علم‌ها بر افراشته خواهد شد و بلبلان بر شاخساران خواهند خوانند.)

۹) « فسوف يغلب ما اراد الله... » (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۳، ص ۴۴، لوح ریس) (مضمون: به زودی آنچه خداوند اراده فرموده، غالب خواهد شد.)

۱۰) « جند الله غالب بوده و خواهد بود. » (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۳۳۷- دریای دانش، ص ۱۳۱)

۱۱) « قل الله غالب على امره و قادر على فعله، و امره فوق امرکم و تقدیره فوق تدبیرکم؛ يفعل ما يشاء و لن يمنعه شیئی عن قدرته و سلطانه، و انه لهو الباقي الدائم العزيز القدير. فسوف يظهر امره و يعلو برهانه. » (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۶۹- لوح با مطلع: هو الباقي الظاهر- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۱۶) (مضمون: بگو خداوند بر امرش مسلط است و بر عملش قادر است و امر او برتر از امر شما و تقدیر او عالی‌تر از تدبیر شما است؛ هر کار که بخواهد می‌کند و هیچ چیزی از قدرت و سلطنت بازش ندارد، و او باقی و دائم و عزیز و قدیر است. به زودی امرش را پدیدار و برهانش را نمودار خواهد ساخت.)

۱۲) « قل الله... يفعل ما يشاء و لن يمنعه شیئی عن قدرته و سلطانه. فسوف... يرفع سلطانه الى مقام الذي ينقطع عنه ایدی المشركين. » (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۶۹- لوح با مطلع: هو الباقي الظاهر- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۱۶) (مضمون: بگو خداوند... هر کار که بخواهد می‌کند و هیچ چیز از قدرت و حکومت بازش ندارد. به زودی... سلطه و قدرتش به درجه‌ای ارتقاء یابد که دست مشرکان از آن کوتاه شود.)

۱۳) « غلبه ظاهره تحت این مقام (نصرت امرالله) بوده و خواهد بود و از برای او وقتی است معین در کتاب الهی. انه يعلم و يظهر بسلطانه؛ انه لهو القوی الغالب المقتدر العليم الحكيم. » (الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۳- لوح سید مهدی دهجی) (مضمون بخش عربی: همانا او می‌داند و به قدرت خود ظاهر می‌کند. همانا او، به راستی او، قوی و غالب و مقتدر و علیم و حکیم است.)

۱۴) « لَعَمْرَ اللهِ (به خداوند سوگند) مظلومیّت بسیار محبوب است... اگر درست ملاحظه کنی، عظمت امر را با حالت مذکوره مشاهده نمایی. اینست بیان احلی که از قلم اعلیٰ جاری شد. » (آیات الهی ۱، ۲۷ سپتامبر- دریای دانش، ص ۱۳۱- مندرج در توقیع ۱۱۳، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۸)

۱۵) « لَعَمْرَی (قسم به جانم) این امر به شانی ظاهرکه مغناطیس کلّ ملل و وجود خواهد بود. اگر نفسی درست تفکر نماید مشاهده می‌نماید که از برای احدی مفرّی نبوده و نیست. » (الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۳- لوح سید مهدی دهجی)

۱۶) « (خطاب به عالی پاشا، وزیر اعظم دولت عثمانی) این را بدانید که اگر تمامی دول عالم متحد شوند و جان من (حضرت بهاءالله) و جان همه‌ی کسانی را که به این نام منسوبند بگیرند، این آتش الهی هرگز خاموش نخواهد شد. این امر بر همه‌ی سلاطین جهان که هیچ، بر تمامی آنچه از آب و گل سرشته شده است، مسلط خواهد شد.» (مندرج در مرور معبود، ص ۲۳۲)

۱۷) « یا افنانی علیک بهایی و عنایتی، خیمه‌ی امرالهی عظیم است، جمیع احزاب عالم را فراگرفته و خواهد گرفت.» (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۲۸۶- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۶، لوح دنیا - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۴۳- دریای دانش، ص ۸۵- آیات الهی جلد ۱، ۶ آوریل)

۱۸) « یا رییس،... هل ظننت انک تقدر ان تُطفى النار الّتی اوقدها الله فی الآفاق؟ لا و نفسه الحقّ لو انت من العارفين. بل بما فعلت زاد لهيها و اشتعالها؛ فسوف يُحيط الارض و من عليها. كذلك قضی الامر و لا يقوم معه حکم من فی السموات و الارضين.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۳، ص ۴۴، لوح رییس- نداء ربّ الجنود، بند ۴- مائده‌ی آسمانی ۷، باب ششم، ص ۱۹۴- مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۸۸- امر وخلق ۴، ص ۴۷۴- الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۲۰۷) (مضمون: ای رییس،... آیا گمان نمودی می‌توانی آتشی را که خداوند در آفاق بر افروخته، خاموش کنی؟ نه، سوگند به نفس بر حقش، نمی‌توانی، اگر از دانایان هستی... به زودی زمین و زمینیان را فراخواهد گرفت. این گونه مقدر شد امر؛ امری که حکم اهل آسمان‌ها و زمین‌ها در برابرش ایستادگی نتواند.)

۱۹) « سوف ترى الامر مهيمناً على من على الارض و اشراقه من كلّ الجهات. هل يمنعه السّجن و البلاء عمّا اراد؟ لا و ربّ الارباب.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱۸، ص ۷۷) (مضمون: به زودی امرالهی را مسلط بر زمینیان و اشراق آن را از کل جهات جلوه گر خواهی دید. آیا زندان و بلا او را از آنچه اراده نموده باز خواهد داشت؟ نه، سوگند به پروردگار پروردگاران.)

۲۰) « ان اشتعل من هذه النار الموقدة فی العالم، لیشتعل منک من فی البلاد. لا تحسبها ناراً، انها نور سوف تحيط آثاره من فی الاقطار.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۱۸، ص ۷۷) (مضمون: از این آتش برافروخته در عالم مشتعل شو، تا اهل دیارها از تو مشتعل شوند. گمان مکن که آن آتش است؛ آن، نور است؛ و به زودی آثارش ساکنان سرزمین‌ها را احاطه خواهد کرد.)

۲۱) « زود است که انوار امر، عالم را احاطه نماید؛ گرچه حال وجوه به شطركفر متوجه، لکن از برای او میقاتی مقرر است. اذا تمَّ، يظهر ما هو المسطور فی كتب الله، ربّ العالمين.» (جمال ابهی،

امروخلق ۴، ۴۷۳) (مضمون بخش عربی: هنگامی که (میقات) پایان یابد، ظاهر خواهد شد آنچه که در کتب خداوند، پروردگار جهانیان، نوشته شده است.)

۲۲) «طوبی از برای نفوسی که مطهراً از شئون الخلق و مقدساً عن الظنون و الاوهام... در صدد آن باشند که خلق محبوب را که در زوایای تاریکی و ظلمت مانده‌اند، به نور آفتاب کشانند... که شاید تیرگی‌های عالم بر طرف شود و انوار آفتاب حقیقت، عالم را فراگیرد.» (آیات الهی ۱، ص ۲۵۸)

۲۳) «اراده آن که اختلاف از میان برخیزد و نار ضغینه و بغضا خاموشی پذیرد تا جمیع ارض قطعهی واحده مشاهده گردد.» (لوح شیخ نجفی، ص ۹۰)

۲۴) «قسم به کتاب اعظم که امرالله احاطه نماید و جمیع ارض را اخذ کند.» (حضرت بهاءالله، مندرج در توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعهی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲۵) «ای سروش پرهوش،... عنقریب ملاحظه نمایی که پرتو انوار تقدیس شرق و غرب را روشن نموده و بانگ سروش ملکوت ابهی باختر و خاور را بیدار نموده.» (ع، مجموعهی یاران پارسی، بند ۱۸۱، ص ۱۸۱)

۲۶) «عنقریب پرتو یزدان شرق و غرب را روشن نماید.» (ع، مجموعهی یاران پارسی، بند ۲۵۰، ص ۲۲۰)

۲۷) «ای رستم،... آفتاب جهان آسمانی پرتو انداخت، روز به روز این نور، تابنده گردد و تاریکی نادانی پراکنده شود؛ عاقبت نور حقیقت، خاور و باختر را بتمامه روشن نماید.» (ع، مجموعهی یاران پارسی، بند ۴۱۹، ص ۳۱۸)

۲۸) «بگذرد این روزگار و منتهی شود و ساکن شود این غبار و متلاشی شود این ابر تاریک و شمس حقیقت در دایرهی نصف النهار عاقبت بدرخشد بر اقالیم ترک و تاجیک و آسیا و اروپ و امریک و افریک... یومئذ یفرح المؤمنون.» (حدیقهی عرفان، ص ۱۸۲)

۲۹) «هنگام مشی چون چند عمود (ستون) مرمز که از زلزلهی شدید سابق یادگار مانده بود، به نظر مبارک رسید، فرمودند: تغییر اوضاع عالم و غلبه‌ی امر بهایی به جایی خواهد رسید که از سایر امور جز نمونه‌ای مانند این عمودها باقی نخواهد ماند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۵۰ - سفرنامه جلد اول، ص ۲۸۹)

۳۰) «پدر آسمانی خود را دوست بدارید و از او اطاعت کنید و مطمئن باشید که حمایت الهی پشتیبان شما است. به راستی می‌گویم که شما جهان را مسخر خواهید کرد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱)

- (۳۱) « ای جوان رحمانی و جان جهان انسانی، ... شما از تطاول اعداء محزون نگردید و مغموم نشوید... عنقریب... پرتو شمس حقیقت این شب دیجور را متواری کند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۷۱)
- (۳۲) « زمین ملک خداست؛ جمیع ملل و دول مانند مستأجرند؛ عاقبت از دست کل خواهد رفت "و لله میراث السموات و الارض."^{۲۶۲}» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۸۷) (مضمون آیه‌ی عربی: و میراث آسمانها و زمین از آن خداوند است.)
- (۳۳) « از فضل و موهبت الهیه مطمئن باش که آثار قدرت باهراش عنقریب آفاق را منور فرماید و سطوة برهان الهی ملکوت وجود را احاطه نموده و خواهد نمود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۷۹)
- (۳۴) « عنقریب نُقره‌ی ناقور^{۲۶۳} (صدای بوق بزرگ) و نفخه‌ی صور^{۲۶۴} آفاق را مبعوث از قبور نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۰)
- (۳۵) « یاران حقیقی را مزده تأیید جمال قدم دهید که عنقریب جنود ملکوت ابهی هجوم نماید و وفود ملاً اعلیٰ نزول نماید و اتی امرالله جلوه نماید و انوار عطاء بدرخشد و لیلہی لیلاء روشن گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۲)
- (۳۶) « عنقریب نور حقیقت بتابد و این ظلمت طغیان اهل جفا، زائل گردد و بلبل الهی در گلشن رحمانی گلبانگ پرمزده بسراید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۲۲)
- (۳۷) « عنقریب خواهید دید که آهنگ ملکوت ابهی آفاق را به وجد و طرب آورده و هر ضوضاء و غوغایی خاموش گشته.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۷۹)
- (۳۸) « ای ناشر میثاق،... افواج (تأیید) چون امواج متواصل و جیوش پرخروش مترادف. با این سطوت قاهره و شوکت باهره و قوت غالبه و قدرت کامله البتہ عنقریب خضعت الأعناق و ذلت الرقاب و خشعت الأصوات، تحقق یابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۳۴) (مضمون عبارت عربی: گردن‌ها خاضع شود و فروافتد و صداها آهسته شود.)
- (۳۹) « این واقعه‌ی عظمی (شهادت احبای یزد) سبب (شود که) سطوت کلمة الله شرق و غرب را به حرکت آرد و جیوش ملاً اعلیٰ چنان هجوم نمایند که جمیع احزاب مهزوم گردند؛ این است که می فرماید "جند هنا لک مهزوم من الاحزاب"؛ هذا هو الحق و ما بعد الحق الا الضلال؛ مطمئن باش.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی، ص ۵، باب ششم از ردیف ش، ص ۱۶۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت

^{۲۶۲} سوره‌ی آل عمران آیه ۱۸۰ و نیز سوره‌ی حدید آیه ۱۰.

^{۲۶۳} مضمونی که در سوره‌ی مدثر، آیه ۸ مطرح شده است.

^{۲۶۴} اشاره به مضمونی است که در سوره‌ی طه، آیه ۱۰۲؛ و سوره‌ی انعام، آیه ۷۳؛ و بخصوص در سوره‌ی یس، آیه ۵۱ مطرح شده است.

عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۳۵- مندرج در پیام معهد اعلی، آگوست ۱۹۸۱، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۳۹) (مضمون عبارات عربی: سپاهی از احزاب در آنجا درگیر... این است حقیقت، و بعد از حقیقت نیست مگر گمراهی.)

۴۰ « مطمئن باشید که قوه‌ی امرالله عاقبت غالب گردد و امواجی از این بحر بی‌پایان برخیزد و این کف‌ها را از دریا به صحرا اندازد و "إِنَّ جَنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ"۲۶۵.» (حضرت عبدالبهاء، امر و خلق ۴، ص ۴۷۹) (مضمون عبارت عربی: همانا سپاه ما، قطعاً غالب شود.)

۴۱ « امروز تخمی افشانده می‌شود و هسته‌ای بر زمین می‌افتد؛ اما بدانید روزی خواهد آمد که این هسته به درختی تنومند بدل خواهد گشت و شاخه‌هایش پر از میوه‌های گوارا خواهد شد. مسرور و مشعوف باشید که چنین یومی دمیده است، بکوشید تا قوای مکنونه‌اش را دریابید، چون به راستی یوم اعجاب‌انگیزی است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۴ نوامبر ۱۹۱۱)

۴۲ « این جلسه روزبه‌روز توسعه خواهد یافت و تواناتر خواهد شد و روح نبّاشش به تدریج عالم را مسخر خواهد نمود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۴ نوامبر ۱۹۱۱)

۴۳ « ترک و تاجیک و آسیا و اروپ و امریک و افریک عموماً عنقریب صوت این نغمه و آهنگ و شلیک (امراللهی) خواهند شنید؛ یومئذ یفرح المؤمنون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۱۶۰) (مضمون عبارت: آن روز مؤمنان شادی خواهند کرد.)

۴۴ « عنقریب... صبح مبین عزّت قدیمه پرتوش خاور و باختر را روشن کند... و سرهای سروران در کمند محبت‌الله درآید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۸۵)

۴۵ « قیاس به قرون اولی نمایید. عنقریب این پرتو تقدیس چنان بدرخشد که شرق و غرب عالم مطلع آفتاب حقیقت گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۹۰)

۴۶ « این امر، امرالله است... امرالله را هیچکس مقاومت نتوانسته... عنقریب امراللهی بلند خواهد شد؛ شرق و غرب را احاطه خواهد نمود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۲۴)

۴۷ « الیوم باب حیات مفتوح، و سیل ملکوت واضح و مشهود، و نفتات روح‌القدس مُحیی ارواح و قلوب، و مائده‌ی آسمانی نازل، و آهنگ ربّانی از ملأ اعلی متواصل... اکنون این فیض نامتناهی الهی مانند شفق صبحگاهی از مطلع آفاق ظاهر و عنقریب شمس حقیقت چنان اشراقی نماید که جهان پرانوار گردد و شرق و غرب درخشنده و تابان شود... آن وقت واضح و مشهود گردد که کلمه‌الله را چه نفوذی بود

۲۶۵ سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۷۳.

و نفثات روح القدس را چه تأثیری. « (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۷۱- پیام آسمانی ۲، ص ۲۱)

۴۸) «کواکب جمیع افکار سیاسی و نجوم ظواهر آراء، عاقبت افول نماید؛ ولی شمس حقیقت از افق ابدی اشراق بی پایان دارد و باقی و برقرار ماند؛ نه نزولی و نه افولی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۷۱)

۴۹) «ربّ... نور القلوب بسراج محبتک الّذی سیضیء منه کلّ الارحاء.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، لوح هشتم از الواح طرح ملکوتی، ص ۳۵- مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۵۶، ص ۵۸) (مضمون: ای پروردگار من،... قلب‌ها را به چراغ محبت نورانی کن؛ چراغی که به زودی همه‌ی دیارها را نورباران خواهد کرد.)

۵۰) «یا احبّاء الله، لاتحزنوا اذا قامت الاحزاب علی الاذی و الاستهزاء و التعذیب و التوبیخ و السبّ و البغضاء، سیزول هذه الظلمات... و یرتفع الغطاء و یظهر نور الحقیقة من غیب الابهی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۹۷، ص ۱۴۱) (مضمون: ای احبّای الهی، هنگامی که احزاب به آزار و استهزاء و عذاب و سرزنش و بدگویی و دشمنی قیام کردند، محزون نشوید؛ به زودی این تاریکی‌ها زایل خواهد شد... و پرده کنار خواهد رفت و نور حقیقت از غیب ابهی ظاهر خواهد شد.)

۵۱) «صیت (امر) الهی شرق و غرب گیرد و آوازه‌ی امرالله جهان‌گیر شود.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۸)

۵۲) «به عون و عنایت حضرت احدیّت جمیع ملل را در ظلّ کلمه‌ی وحدانیّت درآرید، تا نفعات الهیّه شرق و غرب را احاطه نماید و انجذابات رحمانیّه حیّز امکان را به حرکت آرد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۶۳)

۵۳) «عنقریب آثار عنایت حقّ ظاهر گردد و انوار الهی شرق و غرب را روشن کند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۴۰)

۵۴) «حال مشاهده خواهید نمود که انوار احدیّت الهیّه چگونه ملکوت وجود را عنقریب احاطه می‌نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۷۴)

۵۵) «ای حبیب من، ناری که ربّ الملکوت در سدره‌ی سینا افروخته... عنقریب بسیط غبراء را فراخواهد گرفت و شعله‌ی فروزان آن، جمیع اقوام و قبائل را به انوار خود روشن و منور خواهد کرد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع دور بهایی، ص ۳۰-۲۹)

۵۶) « عنقریب مشاهده خواهید نمود که آفاق عالم، منشور اسم اعظم گردد و اخلاق امم مجذوب آن نور مکرم؛ آهنگ تقدیس در محافل توحید بفلک اثیر رسد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۲۵)

۵۷) « با عزمی ثابت و قلبی طاهر و روحی مستبشر و لسانی ناطق به ترویج تعالیم الهی پردازید تا... جمیع ملل متابعت سیاست الهیه نمایند.» (حضرت عبدالبهاء، لوح دوم از سری دوم الواح تبلیغی، ۳ فوریه ۱۹۱۷)

۵۸) « در این دور بدیع... شجره‌ی مبارکه‌ی حیات (نماد امرالهی) چنان نشو و نما نماید که بر شرق و غرب سایه افکند.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)
ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۵۹) « حضرت باب در بیان می‌فرماید هر یک از ادیان گذشته استعداد آن را داشت که جنبه‌ی جهانی حاصل کند و تنها علت این که موفق به این کار نشد، بی‌لیاقتی پیروان آن دیانت بود و سپس مؤکداً وعده می‌دهد که سرنوشت شریعت من یظهره الله چنین نخواهد بود و البته سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و تمام ساکنین جهان را شامل خواهد شد. این مطلب ثابت می‌کند که ما عاقبت الامر موفق خواهیم شد؛ ولی باید متوجه باشیم که به وسیله‌ی قصور و اهمال در فداکاری و عدم تمرکز قوی و مساعی خودمان در سبیل امرالهی موجبات تأخیر این منظور اساسی را فراهم نسازیم.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۲۵۶)

۶۰) « غلبه‌ی ظاهره (ی امرالله)... در الواح الهیه منصوص و مسطور است و به قلم اعلیٰ مُصرّح و مثبت.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۸۴)

۶۱) « در آن هنگام (یوم مبارکی که در آن، مقام و استقرار امرالله رسماً و عموماً شناخته شود) امرالله بر سریر عزت ابدیه جالس و عصای قدرت روحانی و جسمانی را در دست گیرد و اشعه‌ی ساطعه‌ی جلال و عظمت آیین مقدّس الهی عالم را منور نماید و سلطه‌ی ابدیه‌اش در سراسر عالم مستقر شود.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۲۵)

۶۲) « مشیت حیّ قدیر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه‌ی الهیه چنین اقتضا نموده که خاصان حق در کشور مقدّس ایران مال و منال، حتی دم مطهر خویش را ایثار نمایند تا شجره‌ی امید سقایت گردد و به برگ و میوه‌های گوناگون مزین شود و به مرور ایام، اقوام و قبائل و ملل متنوعه‌ی متباغضه‌ی اروپا و امریکا و تاجیک و افریقا را در ظلّ ظلیلش در آورد و تألیف دهد.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۱۱)

۶۳ « در سنین آتیّهی این دور بهایی... غلبهی ظاهرهی شریعت الهیه من علی الاض را به اهتزاز آرد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۶۴ « رِبْنَا و مَلَاذِنَا... اَلْهَمْنَا مَا... تَتَحَقَّقُ بِهِ غَلْبَةُ شَرِيعَتِكَ السَّمْحَاءِ عَلٰی وَجْهِ الْغِبْرَاءِ.» (مجموعه‌ی مناجات حضرت ولیّ امرالله، ص ۱) (مضمون: ای پروردگار ما و پناه ما،... به ما الهام کن آنچه را که... به آن، غلبهی شریعت آسانت بر همه‌ی زمین تحقق می‌یابد.)

۶۵ « (احبّای الهی) به یقین مبین بدانند که در بحبوحه‌ی انقلاب^{۲۶۶} و اضطراب و اغتشاش و اعتراض و طغیان دول و امم و قبایل و ملل... قَهَّارِیت و غلبه‌ی روح نازنینش (امرالله) کاملاً ثابت و آشکار گردد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷]

۶۶ « سپس میرزا آقاخان^{۲۶۷}، مکالمه‌ی ای را که راجع به شهادت حضرت باب، با آن حضرت (حضرت بهاءالله) به عمل آورده بود به خاطر آورد. حضرتش در آن زمان به او اخطار داده بود: "آتشی که بر افروخته گشته، شدیدتر از همیشه، شعله خواهد کشید و گسترش خواهد یافت"». (مرور معبود، ص ۱۶۵)

۶۷ « آیین الهی، نه تنها از... مخاطرات مهلکه جان سالم به در برده، بلکه مطهر و شکست‌ناپذیر نیز ظاهر شده، و برای غلبه بر هر بحرانی که مشی مقاومت‌ناپذیرش ممکن است در آینده‌ی ایام ایجاد نماید، ظرفیت و استطاعت عظیم‌تری به آن عنایت گشته است.» (مرور معبود، ص ۵۳۲)

۶۸ « در سنین آتیّهی این دور بهایی... صیحه‌ی ایادی غالبه‌اش (ایادی امرالله) مرتفع شود؛ و سطوت اعضاء (بازوان) قاهره‌اش واضح و عیان گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۶۹ « حضرت بهاءالله... در همان اولین سال‌های ورود به ادرنه، در لوح سیاح به عکاً اشاره نموده و آن را "وادی نبیل" خوانده... در آن لوح، این نظاره‌ی پیش‌تازانه ذکر شده است: "هنگام ورود (حضرتش به عکاً) با علم‌های نور از ما استقبال شد و ندای روح بلند گشت که "به زودی تمامی خلق عالم در ظلّ این علم‌ها وارد خواهند شد"». (مرور معبود، ص ۲۶۱)

۷۰ « حضرت بهاءالله خطاب به وزیر اعظم (سلطان عثمانی)، عالی پاشا، سوره‌ی رئیس را نازل نمود. در این سوره‌ی سترگ... عظمت یوم ظهور خود را تصریح می‌نماید؛ (و) پیش‌بینی می‌کند که این ظهور (در زمانی) "نه چندان دور، بر جهان و تمامی مردمانش محیط خواهد گشت"». (مرور معبود، ص ۲۴۸)

^{۲۶۶} به میحث ۱۰۰ مراجعه شود.

^{۲۶۷} میرزا آقا خان نوری، ملقب به اعتماد الدّوله، جانشین امیر نظام (میرزا تقی خان).

(۷۱) « ممالک و بلدان که در مدت یک قرن بل ازیّد (بلکه افزون تر)،... در ظلّ امرالله وارد گشته، مضاعف گردد و شعله‌ی این آیین نازنین در ارکان عالم بر افروزد و لهیب سراجش به عنان آسمان رسد و تجلیاتش آفاق اکوان را احاطه نماید و نورش جهانتاب گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۷)

(۷۲) « ای یاران عزیز، هر چند امروز جهانیان آیین یزدان را ضعیف و ناتوان شمارند و گاهی به عنوان شعبه‌ای از اسلام مردودش سازند و گاهی به عنوان یکی از فرقه‌های متعدّد متداول در دیار غرب محسوبش دارند؛ ولکن این گوهر الهی که هنوز در عالم جنین است، البتّه در صدف تعالیم و احکامش نشو و نما خواهد جست و صحیح و سالم و غیر منقسم، رشد و نموّ خواهد کرد تا بالاخره عالم انسانی را در آغوش خویش پناه دهد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۳۲- توقیع مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ / نیز با ترجمه‌ای متفاوت، مذکور در بهاءالله و عصر جدید، ص ۳۰۳)

(۷۳) « تعالی تعالی هذه الشجرة المرفوعة المنبته فی بحبوحة الفردوس... أ حسب الذین اتّخذوا هذا الامر هزواً بان افول کوکب الميثاق فرق جمعنا و شتت شملنا و اضلّ سبيلنا و اضاع آمالنا؟ أ زعموا بان هذه الدوحة الالهية و السدرة الازليّة (الشجرة المرفوعة المنبته فی بحبوحة الفردوس) قد انقعدت و اغصانها قد يبست و اوراقها قد انتشرت و زفيرها قد خمدت و حياتها قد انعدمت و بطلان امرها قد تحققت؟ لا فوربّ العما، سوف تتفتح ازهارها و تتضوع عبيرها و تنضج اثمارها و تشعب فروعها و تمتد ظلّها على من على الارض اجمعين.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، ردیف ط از باب شانزدهم، ص ۴۹- توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۳) [مضمون: چقدر عالی و متعالی است این درخت افراشته‌ی روئیده در میانه‌ی فردوس... آیا آنان که این امر الهی را باطل انگاشتند، گمان نمودند که افول کوکب میثاق (صعود حضرت عبدالهباء) جمع ما را متفرّق کرد و اجتماعمان را متشتت نمود و راهمان را منحرف ساخت و آمالمان را از میان برد؟ آیا تصوّر نمودند که این شاخه‌ی الهی و سدره‌ی ازلی (شجره‌ی برافراشته‌ی روئیده در بحوحه‌ی فردوس) فروافتاد و تنه‌هایش خشکید و برگ‌هایش پراکنده شد و زمزمه‌اش خاموش گشت و حیاتش معدوم شد و بطلان امرش تحقق یافت؟ نه، قسم به پروردگار یکتا، به زودی گل‌هایش می‌شکفد، و بوهایش می‌پراکند، و میوه‌هایش می‌رسد و شاخه‌هایش می‌افزاید و سایه‌اش بر سراسر سیاره‌ی ارض گسترده می‌گردد.]

(۷۴) « این گوهر گرانبها (آیین حضرت رحمان)، در صدف قانون خویش پرورش یافته و با جمالی زیبا، به دلارایی خواهد پرداخت و با نهایت صحت و وحدت، بدون حصول سقم و خللی، ظاهر و آشکار خواهد گشت و چنان پیشرفتی نماید که جمیع عالم را احاطه کند و نوع بشر را در ظلّ خویش در آورد.»

(حضرت ولیّ امرالله، ۲۱ مارس ۱۹۳۰، ارکان نظم بدیع، ص ۲۶/ نیز با ترجمه‌ای اندکی متفاوت، مندرج در پیام معهد اعلی، ۷ دسامبر ۱۹۶۹، خطاب به یکی از احبّاً)

(۷۵) «سلطان سریر لاهوت، حضرت ربّ الجنود... از اعلی رفارف قدس ندا می‌فرماید: یا خزنة اسراری اما ترون خفیات امری و بدایع حکمتی و اسرار شریعتی؟ قد بدت خالعة العذار عن خلف الحجابات و سیسّطع شعاعها فی الآفاق باشراق لم تر شبهة القرون الاولون.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۷-۳۶) (مضمون بخش عربی: ای گنجینه‌های اسرار من، آیا نهانی‌های امرم و تازگی‌های حکمتم و اسرار شریعتم را نمی‌بینید؟ به راستی با روی باز، از پس پرده‌ها بیرون آمد و به زودی، شعاعش با درخششی در آفاق ساطع خواهد شد که قرن‌های نخستین، شبه و مثلش را هرگز ندیده‌اند.)

(۷۶) «این مراحل ثلاثه که مرحله‌ی استحکام اساس و اتّساع نطاق و اشتهار صیت امرنیر آفاق است، مقدّمه‌ی اعلان آیین یزدان در تمام جهان است که مرکز عهد و پیمان جمال رحمن به آن در الواح اشاره فرموده و این اعلان تحقّق نیابد الا به قیام زمامداران دول و امم شرقیه و غریبه و رؤسای مذاهب و ادیان عتیقه در قارّات خمسه و ایجاد ولوله‌ای اعظم و آشوبی اکبر و زلزالی اشدّ از آنچه تا به حال دشمنان امر ذوالجلال در بعضی از ممالک شرقیه احداث نمودند.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، مورّخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ / ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع)

(۷۷) «یقین است که... الطاف و عنایات نجات بخش الهی که در جمع معدود خادمان صادق آستانش (مهاجرین) در سریان است، مانند ادوار سابقه، به تدریج در تمام جهان جریان خواهد یافت و تأثیر و نفوذش در جان و وجدان ملل و نحل، آنان را متوجّه خواهد ساخت که هیچ امری جز دریاق الهی که به ید قدرتش به بشر ارزانی گشته، آلام و اسقام محیطی مُحزنه‌ی عالم بشری را شفا نبخشد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۰ خطاب به عموم مهاجرین)

(۷۸) «وظیفه‌ی مقدّسه‌ی یاران چنان است که... منفرداً و مجتمعاً همّت موفور مبذول دارند تا سهم خویش را در تسریع ظهور یوم مبارکی که بدان موعودند ادا نمایند؛ یومی که مقدر است این آیین نازنین قوای مکنونه‌اش را بتمامها ظاهر نماید و به مشیت الهیه به اوج قدرت و اعتلاء و عظمت و علاء جدیده واصل گردد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام ۱۹ نوامبر ۱۹۷۰ خطاب به عموم مهاجرین)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۷۹) « نکته‌ای که به یقین مبین می‌دانیم آنست که امرالهی که به قوای ذاتیهی مکوتیه‌اش متحرک است، هر دم قدرتش بیشتر شود و دامنه‌اش وسعت گیرد و تصرفاتش در تحقق مشیت الهیه در بسیط زمین روزبه‌روز شدت یابد.» (پیام نوروز ۱۳۱ بدیع / ۲۱ مارس ۱۹۷۴)

۸۰) « به فرموده مولای توانا "استیلاى آیین نازنین حصول آفات و وقوع بلیات را مستلزم."» (۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ / ۹ شهرالغزّه ۱۳۵ بدیع)

۸۱) « شکی نبوده و نیست که... غلبه‌ی امرالله محقق گردد.» (پیام نوروز، ۲۱ مارس ۱۹۸۶)

۸۲) « شکی نبوده و نیست که هر بساطی که بنایش بر کذب و افترا و ظلم و جفا باشد بقایى نیابد و به زودی منطوی گردد و نجم آمال دشمنان حضرت ذوالجلال آفل شود و غلبه‌ی امرالله محقق گردد.» (پیام ۲۱ مارس ۱۹۸۶ / شهرلبه‌اء ۱۴۳ بدیع)

۸۳) « ای عزیزان دل و جان... شریعت غرّاء با سطوع و فروغ بی‌منتها در تقدّم و اعتلاست تا که صبح امید بدمد و لواء مجید در رفراف اسنی به اهتزاز آید و عندلیب بقا بر شاخسار علی به نغمه و آواز دمساز شود.» (پیام رضوان ۱۹۸۶ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۰۱)

۸۴) « ای دوستان (یاران و یاوران مهد امرالله در جمیع بلاد) وقایع مهمه‌ی خطیره در پیش است و هر قدر افق عالم تاریک تر گردد، قدر و منزلت امر اعظم چون جلوه‌ی صبح‌دم نمایان‌تر شود.» (پیام شهرالغزّه ۱۴۴ = سپتامبر ۱۹۸۷)

۸۵) « هر چه بر تعداد این نفوس مقبله بیفزاید، سرعت ارتفاع بنای زرین و رصین نظم الهی نیز افزایش یابد و وعود جمال ابهی رخ بگشاید؛ قوله الاحلی: "قسم به کتاب اعظم که امرالله احاطه نماید و جمیع ارض را اخذ کند" و نیز می‌فرماید: "عنفریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لیبک لیبک مرتفع خواهد شد، چه که مفری از برای احدی نبوده و نیست" مقصود اینست که این دو قوه یکی مخرب و دیگری سازنده، که متوازیاً در عالم امکان در کار است، هر چند به ظاهر متضادند ولیکن هر دو ممد یک امر و وسیله‌ی نیل به یک هدف و خادم یک مقصدند که به اراده‌ی الهی جهت نوع بشر مقدر و مقرر گشته است.» (پیام آگوست ۱۹۹۳)

۸۶) « فی الحقیقه، ربّ الجنود وعده فرموده است که (در مقابله با حملات دشمنان) فتح و ظفری محتوم و کامل نصیب یارانش خواهد نمود.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

۸۷) « این از وعود الهیه است که روزی آید که شمس حقیقت از جمیع آفاق اشراق نماید و به فرموده‌ی مرکز میثاق: "در هفت اقلیم، آهنگ سبوح قدوس ربّ الملائکه والروح بلند گردد."» (پیام ۵ جون ۱۹۹۷ = اول شهرالنوز ۱۳۴ بدیع)

۸۸) « (خطاب به احبای عزیز و محبوب ایرانی مقیم بلاد سایره) ملاحظه فرمایید که وعدهی جمال قدم که می فرمایند اگر امر مبارکش در سرزمینی از پیشرفت ممنوع گردد، از مکانی دیگر سر برآورده و پیام حیاتبخش خود را به جهانیان اعلان خواهد نمود^{۲۶۸}، چقدر مناسب حال و درخور احوال است.» (پیام ۲۲ مارس ۲۰۰۶)

۸۹) « فتح و ظفر محتوم امرالله... در آثار و الواح عدیدهی نازله از اقلام طلعات مقدّسهی بهایی، مورد تصریح و تأکید مکرّر قرار گرفته و عباراتی نظیر "سوف یغلب ما اراد الله" و "عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همهی بلاد مرتفع بینی" و "فسوف یرفع الله امره و یظهر برهانه"^{۲۶۹} به کرات و مرات در آثار مبارکه زیات می شود.» (پیام ۱ می ۲۰۰۷)

۱۲۲. تطهیر ارض از لوث کافران و مشرکان (۲)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « ان یا قلمَ البقاء... ان ادکُر ما اردتَه لِهَذَا الهیکل، لَیظَهَر فی الارض آثارُه... و یُطَهِّر الارض من دَنَس الذین کفروا بالله.» (قلم اعلی ۴، ص ۲۷۷- سورهی هیکل، نداء ربّ الجنود، فقرهی ۳۰) (مضمون: ای قلم بقا... هر آنچه را می خواهی برای این هیکل بگو، تا آثارش در زمین ظاهر شود... و زمین از پلیدی کسانی که به خداوند کفر ورزیدند پاکیزه گردد.)

۲) « سوف یرج الله من اکمام القدره ایادی القوّة والغلبة و یبعث قوماً ینصرنّ الغلام و یطهرونّ الأرض من دنس کلّ مشرک مردود.» (سورهی هیکل، نداء ربّ الجنود، فقرهی ۳۴- آثار قلم اعلی ۴، ص ۲۷۹) [مضمون: به زودی خداوند از آستینهای قدرت، دستهای قوت و غلبه خارج خواهد کرد و قومی را مبعوث خواهد نمود که غلام (جمال مبارک) را یاری دهند و زمین را از لوث پلیدی هر مشرک مردودی پاکیزه نمایند.]

^{۲۶۸} عین بیان مبارک چنین است: «لو یسترون الثور فی البرّ انه یظهر من قطب البحر و یقول ائی مُحیی العالمین.» (آثار قلم اعلی ۱، لوح شمارهی ۲۰۹، با مطلع الاعظم الابهی/ نیز مندرج در پیام معهد اعلی، اول اکتبر ۲۰۱۴) با این مضمون که (اگر نور را در بیابان پنهان کنند، سر از میانهی دریا بر خواهد آورد و خواهد گفت "من حیاتبخش عالمیان هستم.")
^{۲۶۹} امر و خلق: طهران، مؤسسهی ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ بدیع، جلد ۴، صحه ۴۷۵.

۱۲۳. زوال تعصبات جاهلی (۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « بگواى قوم، به قوت ملكوتى بر نصرت خود قيام نماييد كه شايد ارض از اصنام ظنون و اوهام كه فى الحقيقه سبب و علت خسارت و ذلت عباد بيچاره اند، پاك و طاهر گردد.» (لوح دنيا، مجموعهی الواح نازل بعد از كتاب اقدس، ص ۴۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « ای پروردگار... قوت آسمانی ده و سنوحات رحمانی بخش و مروج وحدت بشر فرما و سبب محبت و الفت عالم انسانی فرما، تا ظلمات مهلکهی تعصب جاهلی به انوار شمس حقیقت محو و زایل گردد و این جهان ظلمانی نورانی شود و این عالم جسمانی پرتو جهان روحانی گیرد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، اول اکتبر ۲۰۱۴)

(۳) « حال الحمدلله روزبه روز این ظلمات (ظلمات تقالید) رو به زوال و تشتت است؛ عنقریب بتمامها زائل گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۸)

(۴) « از جمله وقایع جسمیه که در یوم ظهور آن نهال بی همال (یعنی در دور جمال مبارك) وقوع خواهد یافت... ضدیت دینی و مذهبی و مابینت جنسی و نوعیه و اختلافات وطنیه از میان برخیزد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

(۵) « کل موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور... اوهامات جنسی و وطنیه و شخصی و لسانی و سیاسی جمیع محو و فانی شود؛ کل در ظل رب الجنود به حیات ابدیه فایز گردند.» (مفاوضات مبارك، ص ۳۱)

(۶) « آن مظهر کلی (رب جنود)... چنان تربیت کند که... به کلی منافرت جنسی و مخالفت دینی و مابینت ملی زائل (گردد).» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۷) « چندی نگذرد که این ابرهای متراکم ظلم و عدوان و غفلت و تعصب و طغیان از آفاق برافند و روزی فیروز بدمد و عصری جهان افروز علم در عالم افرازد.» (۱۰ فوریه ۱۹۸۰)

۸) «رفع تعصبات دینی و نژادی و طبقاتی و ملی... از عناصر اولیّه‌ی سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۱۲۴. تنفیذ احکام و تحکیم تعالیم الهی (۱۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) «ندای ملکوت الله جمیع آذان را به اهتزاز آرد و تعالیم الهی حیات جدیدی بخشد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)
- ۲) «ای منجذبه‌ی محبت الله،... یقین بدان در این عصر رحمانی... او امر امیر صلح (شاهزاده‌ی صلح= حضرت بهاء الله) چنان در عروق و اعصاب امم نافذ گردد که ملل عالم را در ظلّ خویش آورد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره‌ی ۲۰۱)
- ۳) «در آن دوره‌ی شمس حقیقت (دوره‌ی مظهر کلی الهی)، انوار الهی در نهایت سطوع درخشانده گردد؛ لهذا جوهر تعالیم الهی در عالم امکانی تحقق یابد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۷)
- ۴) «جوهر تعالیم حضرت بهاء الله محبت جامعه (پوشاننده) است که شامل جمیع فضائل عالم انسانیّه است... عنقریب ملاحظه می‌نمایید که این تعالیم آسمانی مانند نور حقیقت، جمیع آفاق را احاطه و روشن نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره‌ی ۳۱) (۲۷ می ۱۹۰۶)
- ۵) «در این عصر الهی، ملاحظه نما که چقدر ترقی در عالم عقول و افکار حاصل گردیده و حال، بدایت اشراق است؛ عنقریب ملاحظه شود که این فیوضات جدیده و این تعالیم الهیّه این جهان تاریک را نورانی نماید و این اقالیم غمگین را بهشت برین فرماید.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۱۲۳)
- ۶) «تعالیم و شریعه الله در روی زمین جمیعاً منتشر گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۲)
- ۷) «هر تخمی برکتش محدود است؛ ولیکن تخم تعالیم آسمانی فیض و برکتش نامحدود و در ممرّ قرون و اعصار متصل، خرمن‌ها تشکیل کند.» (حضرت عبدالبهاء، لوح اول از سری اول الواح طرح ملکوتی، ۲۶ مارس ۱۹۱۶)

۸) « این (آرزوی صلح و سلام ناشی از حرب جهانسوز اول)، از حکمت بالغهی الهی (است) تا استعداد حاصل شود... و اساس... تعالیم الهی در شرق و غرب ترویج یابد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح هفتم از سری اول الواح طرح ملکوتی، ۱۱ آوریل ۱۹۱۶)

۹) « جوهر تعالیم الهی در عالم امکانی تحقق یابد و ظلمات جهل و نادانی زائل گردد و جهان جهان دیگر شود^{۲۷۰} و نورانیت احاطه کند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۸-۴۷)

۱۰) « در آن تاریخ [وقتی صیت (آوازه‌ی) عظمت و اقتدار و قهاریت و غلبه‌ی ظاهره و سیطره‌ی محیطه‌ی (امر الهی) جهانگیر گردد]... تعالیم الله تتمکن فی الارض حق التمكن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها؛ یومئذ تفرح المؤمنون.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۸-۴۲۷) (مضمون بخش عربی: و تعالیم الهی کاملاً در زمین جای خواهد گرفت و انوار، مشرق‌ها و مغرب‌های آن را احاطه خواهد کرد. در آن زمان، مؤمنان شادی خواهند نمود.)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۱) « در این عهد و عهد آتی‌ی این عصر و در عصر ذهبی^{۲۷۱} دور مقدّس جمال ابهی... آنچه در هویت این امر عزیز الهی است ظاهر و نمایان گردد؛ و شریعت‌الله جلوه‌ی محیرالعقول در بسط غبراء نماید.» (توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۱۲۵. استیلای روحانیت و اعتلای اخلاقی (۱۰)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) « در اخلاق و احوال و اطوار، تعدیل کلی حاصل خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، فقره‌ی ۱۳۴- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۱۰۲)
- ۲) « امیدم چنان است که... حقوق عموم محفوظ ماند و افراد انسانی روزبه‌روز سبب ترقّی فضائل گردند... این است منتهای آرزوی من.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۸۲)

^{۲۷۰} به مبحث ۱۰۲ مراجعه شود.

^{۲۷۱} به مبحث ۱۳۰ رجوع شود. همان گونه که اشاره شده است، جلوه‌ی شریعت‌الله [یعنی؛ مجموعه‌ی احکام و تعالیم الهی که به وسیله‌ی یک پیغمبر به عالم انسانی عطا می‌گردد. (نوزده هزار لغت)] در امتداد عصر تکوین موجود و متکامل بوده، در عصر ذهبی دور مقدّس، جلوه‌ی محیرالعقول در بسط غبراء خواهد کرد. همین مفهوم باعث شده که این مبحث در این محل از سیستم موضوعی مجموعه قرار گیرد.

۳) « ای حزب الله، حضرت اعلى روحى له الفداء جان را فدا نمود و جمال مبارك در هر دمى صد جان فدا فرمود و تحمّل مصائب و شدايد شديده كرد؛ حبس و زنجير شد؛ آواره و سرگون ديار بعیده گشت و عاقبت در سجن اعظم ايام به سر برد و همچنين جم غفیری از یاران الهی در این سیل شهد شهادت نوشیدند و جان و مال و اهل و عیال، کلّ را فدا و نثار فرمودند... جميع به جهت این که (از جمله)، عالم انسانی نورانی گردد... و نفوس بشری رحمانی گردند.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۱۶۱)

۴) « جمال ابهى روحى لاجبائنه الفداء تحمّل مصائب كبرى فرمود و بلايای بی منتهی، دمى نیاسود و نفسی به راحت بر نیورد؛ آوارهى كوه و هامون گشت و سرگون قلاع و سجون شد... تا این جهان را روحانیت بخشد و به سوحات رحمانیت بیاراید.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۲، ص ۲۰۷)

۵) « در آن یوم خداوند (ظهور جمال مبارك)،... راستی و درستی و خداپرستی به میان آید.» (مفاوضات مبارك، ص ۴۵)

۶) « آنچه از آثار و... کمالات عالم انسانی در ايام سابق ظاهر شده، به منزلهی دو حرف (از بیست و هفت حرف) بوده؛ ولی در این ظهور بدیع و بروز کنز منبع، کمالات و فضائل عالم انسانی... به درجهای رسد که به مثابهی جميع حروف دیگر باشد.» (حضرت عبدالبهاء، مائدهی آسمانی، ۲، باب اول، ص ۹)

۷) « از غلبهی روحانیت در این دور بهایی سؤال نموده بودید؛ یقین است که روحانیت بر جسمانیت غلبه خواهد نمود و ملکوتیت بر بشریت غالب خواهد گشت و به تربیت الهیه، نفوس من حیث المجموع در مراتب وجود ترقی خواهند کرد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره ۱۶۰)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۸) « (در جامعهی متحد جهانی) نیروهای عظیمی که در راه جنگهای اقتصادی و سیاسی به هدر می رود... به ترویج هر وسیلهای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند، پردازد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴ - توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۹) « "قطعهی امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار" (حضرت عبدالبهاء)... آیا از صفات و ملکات مبروده... جز آنچه در آن عصر فرخنده (عصر ذهبی)، تحت نظم جهان آرای مقدّسش تأسیس و در افئده و قلوب منطبع خواهد گردید، شان و مقام دیگری ممکن است در نظر آید؟» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵ - ۱۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۰) «طبق بیان حضرت ولی امرالله، تحقق بلوغ عالم با... ایجاد نیروی محرکه‌ی بی سابقه‌ای در حیات روحانی و اخلاقی و عقلانی نوع بشر مقارن است.» (کتاب مسطاب اقدس، یاد داشت ۱۹۴)

۱۲۶. حصول شادی و نشاط عمومی (۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «ای بهاییان نورانیان... این محفل انس که جشن عظیم است (جشن بهاییان شهر لندن به مناسبت نوروز)، به منزله‌ی مادر است؛ من بعد بزم‌های آسمانی تولّد خواهد نمود، چنان که جمیع چشم‌ها حیران ماند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۳۹)

(۲) «ما را نیز مقاصد چنین که... نورانیت الهیه جهان را روشن نماید.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۲)

(۳) «ای دوست، آتشی از ملکوت، در قلب عالم در سدره‌ی مبارکه مشتعل گشته که شعله‌اش عنقریب در ارکان عالم برافروزد و پرتوش آفاق اُمم را روشن نماید.» (حضرت عبدالبهاء، منقول در کتاب دور بهایی، ص ۲۷) (توقیع مبارک ۸ فوریه ۱۹۳۴)

(۴) «ای دوست حقیقی، نفوذ کلمه‌الله مانند روح در عروق و شریان آفاق، رو به سریان است و قلب عالم در نهایت هیجان. عنقریب ملاحظه نمایند که هیکل عالم ایجاد چنان به قوه‌ی روح به حرکت آید که از شدت وجد و طرب آهنگ رقص کند و پاکویان و کف زنان نغمه‌ای ساز نماید که عالم بالا به اهتزاز آید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۱۶)

(۵) «فیوضات نامتناهی متتابع؛ عنقریب... از نسیم گلشن عنایت مشام اهل آفاق در شرق و غرب، مشکین و عنبرین شود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۲۷۹)

(۶) «عنقریب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهاءالله، غرب شرق می‌شود؛ ابر رحمت پروردگار می‌بارد؛ جمیع قلوب سبز و خرم می‌شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۴۷)

(۷) «به قوه‌ی حضرت بهاءالله... نفحات قدس منتشر گردد؛ نفتات روح القدس دل‌ها را زنده نماید؛ مشام‌ها را معطر کند؛ چشم‌ها را بینا سازد؛ گوش‌ها را شنوا فرماید؛ (جمیع من علی الارض) سرور ابدی یابند؛ حیات سرمدی حاصل نمایند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۴۲)

۸ « ای دوست حقیقی،... آهنگ ملاً اعلی بلند است و گلبانگ مرغان گلشن ابهی مسرت‌بخش هر هوشمند. عنقریب ملاحظه نمایی که جهان عنبرافشان گردد و خاور و باختر روشن از پرتو یزدان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۱۷)

۱۲۷. ظهور جامعه و جهانی جدید (۳۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱ « عنقریب... بسیط غرباء، محیط سماء گردد و کشور خاک، سپهر افلاک شود؛ آب جوی، ماء معین شود و شعله‌ی دلجوی، نور مبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۹-۲۷۰ ص)
- ۲ « این (انتشار روح تعالیم در جمیع اقالیم آمریکا) است امر عظیم، اگر به آن موفق شوید، جهان جهان دیگر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)
- ۳ « جهان، جهان دیگر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در ترجمه‌ی گاد پاسزبای توسط جناب نصرالله مودت، ص ۵۶۵)
- ۴ « عنقریب... عالم، عالم دیگر گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۴۸)
- ۵ « در این دور بدیع، جهان جهان دیگر گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)
- ۶ « کُل، موعود به دو ظهورند که پی‌درپی واقع شود و اخبار نمودند که در این دو ظهور، جهان، جهان دیگر شود.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)
- ۷ « عنقریب مشاهده خواهید نمود که... جهان جهان دیگر شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۲۵)
- ۸ « (از جمله در اثر مساعی احبّای آمریکا در انتشار نفثات روح القدس) جهان جهان دیگر گردد و هیأت اجتماعیه نشئه‌ی دیگر یابد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)
- ۹ « ای بنده‌ی الهی، البتّه از ظهور قوه‌ی نامتناهی در این عصر مجید، آثار عجیبه در عالم آشکار گردد و تغییرات عظیمه در حال و استقبال مشاهده شود، زیرا کلمه‌الله مانند روح است و عالم امکان مانند

جنین در رحم مادر، از قوهی روح، این جنین حالات متنوعه پیدا کند و از هیأتی به هیأتی انتقال نماید.»
(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۲۷)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱۰) « مقصد از نظم بدیع جهان‌آرای الهی و اصل وحدت عالم انسانی، حصول تغییر اساسی در سازمان جامعه‌ی کنونی جهان^{۲۲} است؛ چنان تغییری که شبه و مثل نداشته است.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام رضوان ۱۹۶۷)

(۱۱) « وعودی که حضرتش (حضرت عبدالبهاء) مکرراً راجع به آینده‌ی درخشان... نوع انسان در کلّ، عنایت فرموده‌اند؛ حائز خصیصه‌ای است که یقیناً باید ما را در بحبوحه‌ی مصائب و بلاهای ایام آتی، محافظت و تقویت نماید.» (ترجمه) (توقیع منبع مورّخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۰ - سرنوشت رو به ظهور جامعه‌ی بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۳۵۴)

(۱۲) « اهراق دماء مطّه‌ری شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افشان اعزّ ابهایی... یوم تبدل الارض غیر الارض را بر عالمیان ثابت و محقق نماید.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷۵ - مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۵۳-۲۵۲] (مضمون عبارت عربی: روزی که زمین غیر زمین شود.)

(۱۳) « همه‌ی دولت‌های عالم تغییر خواهند کرد.» (ترجمه) (توقیع منبع روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۱)

(۱۴) « اصل وحدت عالم انسانی مستلزم تغییری ارگانیک در ساختار جامعه‌ی امروزی است؛ تغییری که جهان هرگز تجربه نموده است.» (ترجمه) (نقل توسط بیت العدل اعظم، بیانیه‌ی سرچشمه‌ی هدایت، صص ۱۱۴-۱۱۳)

(۱۵) « رساله‌ی مدنیّه... در باره‌ی تجدید نظام آینده‌ی جهان، مطالب بسیار مهمّی دارد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۰)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

^{۲۲} به میحث ۱۳۴ رجوع شود. وحدتی که بعد از استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی تحقق می‌یابد، از نوع روحانی و بعد از حلول عصر ذهبی است؛ بنا بر این عبارت "تغییر اساسی در سازمان جامعه‌ی کنونی جهان" نوعی اشاره به استقرار حکومت جهانی بهایی است.

- ۱۶ « در این زمان که نظم قدیم متزلزل گشته و جای خود را به نظم بدیع^{۲۷۳} می‌بخشد، تغییرات و تطوراتی در عالم وجود در شرف وقوع است که قوه‌ی تصوّر از ادراک شدت‌ش عاجز و ناتوان (است).» (پیام نوروز ۱۳۱ بدیع - ۱۹۷۴ میلادی)
- ۱۷ « روزی آید که...بالمآل انوار شمس ظهور، ظلمت دیجور را زائل سازد و امرالله را از مرحله‌ای به مرحله‌ای اعلیٰ کشاند و صبح وعود الهیه برمد و جهان جهان دیگر شود.» (۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ / ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع)
- ۱۸ « قبول وحدت عالم انسانی^{۲۷۴} اولین شرط ضروری و اساسی تغییر سازمان جهان و اداره‌ی آن به صورت یک کشور است که به منزله‌ی وطن نوع انسان است.» (معهد اعلیٰ، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱۷)
- ۱۹ « ای دوستان (یاران و یاوران مهد امرالله در جمیع بلاد) وقایع مهمه‌ی خطیره در پیش است... پرتو عظمت (امراهی) شرق و غرب را به انوار هدایت روشن‌تر سازد... و جهان ظلمانی نورانی شود و عالم انسانی فریزدانی گیرد.» (پیام شهرالعزّة ۱۴۴ = سپتامبر ۱۹۸۷)
- ۲۰ « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزّت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحق و ادوار آتی‌ی این کور مجید بسیط خاک را نورانی و متثلاً نماید و خلعت جدید پوشاند.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)
- ۲۱ « گردهم آمدن یاران در صفوفی چنین رنگارنگ (در کنگره‌ی جهانی بهایی در نیویورک)... سبب تجدید این اطمینان است که علی‌رغم امتحانات و اضطرابات مکرّره، مقصد غایی (حضرت بهاءالله) که رهایی و دگرگونی جهان است، بالمآل کاملاً تحقق خواهد یافت.» (پیام ۲۳ نوامبر ۱۹۹۲ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلیٰ، جلد دوم، ص ۱۴)
- ۲۲ « انتشار ترجمه‌ی انگلیسی این کتاب مستطاب (کتاب اقدس) که قوای مکنونه‌ی در آن را احصاء نتوان نمود، در این زمان که جهان درگیر بی‌نظمی و اختلافات داخلی است، نشانه‌ی اطمینان و اعتماد به استقرار نهایی جامعه‌ی جهانی است که از صلح و تمدّن حقیقی برخوردار خواهد بود.» (پیام ۵ مارس ۱۹۹۳)

^{۲۷۳} به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

^{۲۷۴} به مبحث ۱۰۴ رجوع شود. اگر به درستی، "تغییر سازمان جهان و اداره‌ی آن به صورت یک کشور" را تعریف "حکومت اولیه‌ی جهانی" (مبحث ۱۰۵) در نظر گیریم، حصول "وحدت سیاسی عالم انسانی" شرط ضروری تحقق آن خواهد بود.

۲۳) « ما امیدواریم که شور و شوق جامعهی بهایی در اقدامات داخل جامعه و در مشارکت در اقدامات جامعهی خارج، احساس اعتماد و اطمینان نسبت به آیندهی بشری را القاء نماید.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۹)

۲۴) « اصل وحدت عالم انسانی... مستلزم آن است که در بنیان جامعهی کنونی تغییراتی حیاتی (ارگانیک) صورت پذیرد که شبهش را چشم عالم ندیده است.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط بیت العدل اعظم، رسالهی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۳)

۲۵) « دورنمای امور بین‌المللی به فرمودهی ایشان (حضرت ولیّ امرالله)، با دو قوه تغییر شکل می‌یابد، یکی نیروی ترکیب و دیگری نیروی تحلیل که هر دوی این نیروها در اساس، از کنترل و تسلط بشر بیرون است. در پرتو آنچه امروز بر دیدنش تواناییم پیش‌بینی حضرت ولیّ امرالله در باره‌ی مبادلات این دو نیروی متضادّ، به راستی شگفت‌انگیز است.» (بیت العدل اعظم، رسالهی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۲۶) « اصل وحدت عالم انسانی خواهان تجدید بنیان جامعه و طالب خلع سلاح کشورهای متمدّن جهان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۸- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- نقل توسط بیت العدل اعظم در رسالهی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۳- ندا به اهل عالم، ص ۴۷)

۲۷) « به یقین در آینده، زمانی بیاید که (سازمان ملل متحد) شاهد تغییرات بزرگ دیگری باشد، تغییراتی که جهانیان را بر قبول اصل حکومت جهانی^{۲۷۰} مجبور خواهد ساخت.» (بیت العدل اعظم، رسالهی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹)

۲۸) « جای شک و شبهه‌ای نمی‌ماند که هرچند تقلایی که با آن روبه‌رو هستیم طولانی باشد، نتیجه‌اش جز این نیست که (به) ناچار روابط میان قاطبه‌ی مردم جهان به کلی دگرگون خواهد شد.» (معهد اعلی، بیانیه خطاب به رؤسای ادیان، آپریل ۲۰۰۲)

۲۹) « حتی امروز چه کسی می‌تواند ادعا کند که قادر است از اجتماع آینده‌ای که مقدر است در ظلّ این ظهور اعظم جلوه نماید، جز تصویری مبهم چیزی در ذهن خود مجسم نماید؟» (پیام رضوان ۲۰۱۲)

۳۰) « تفاوت فاحشی... بین اجتماع امروز و دیدگاه شگفت‌انگیزی که حضرت بهاءالله به عالم عطا فرمود، وجود دارد.» (بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)

۳۱) « احدی نباید تصوّر کند که مدنیتهی که تعالیم الهی، نوع بشر را به سوی آن پیش می‌برد صرفاً با تعدیلاتی در نظم کنونی عالم به وجود خواهد آمد. این تصوّر بسی دور از حقیقت است. حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای که چند روز پس از استقرار سنگ زاویه‌ی امّ‌المعابد غرب ایراد نمودند فرمودند که

^{۲۷۰} به میحث ۱۰۵ مراجعه شود.

"از جمله نتایج ظهور قوای روحانی آنست که عالم انسانی ترکیب اجتماعی جدیدی به خود خواهد گرفت." (پیام رضوان ۲۰۱۲)

۳۲ « بهایان فرداً و جمعاً البته می‌کوشند تا مساعی خود را با قوای (این) فرایند سازنده (فرایند سازندگی از دو فرایند اساسی حاکم بر حیات بشریت) هم‌سو نمایند؛ زیرا معتقدند که این فرایند، هر چقدر افق‌های نزدیک تیره و تار باشد، روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد؛ (و) امور بشری سازمانی کاملاً جدید خواهد یافت.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳)

۳۳ « اتحاد و یگانگی به فرموده‌ی حضرت عبدالبهاء، در عرصه‌های مختلف حیات بشری متدرجاً حاصل خواهد شد از جمله "وحدت سیاست"، "وحدت آراء در امور عظیمه"، "وحدت نژاد"، و "وحدت وطن". با تحقق این امور، ساختارهای لازم در دنیایی برخوردار از اتحاد سیاسی که تنوع کامل فرهنگ‌ها را ارج می‌نهد، و شرایط ظهور و بروز حرمت و شرافت انسانی را فراهم می‌سازد^{۲۷۶}، به مرور شکل خواهد گرفت.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳)

۱۲۸. بشریت در مسیر سرنوشت خود (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۱ « سیر جبری و سرسخت حوادث... عالم بشریت را به سوی هدفی می‌راند که حضرت بهاءالله از قبل تعیین و پیش‌بینی فرموده‌اند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۳۹، توفیق ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- ۲ « بشریت، به واسطه‌ی رنج و مصیبت، به سرعت، به سمت سرنوشت محتوم خود در حرکت است.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۶۶)

۱۲۹. استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی (۵۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

^{۲۷۶} به مبحث ۱۰۴ رجوع شود. در این فقره‌ی مهمه، نه تنها وحدت اولیّه‌ی عالم انسانی "اتحاد سیاسی" خوانده شده؛ بلکه ساختارهای لازمی که تنوع فرهنگ‌ها را ارج نهد، یا همان "حکومت اولیّه‌ی جهانی" ثمره‌ی آن تلقی شده است.

۱) « لَعْمَرَى (به جانم قسم)، سوف نَطْوِي الدنیا و ما فیها و نَبْسُطُ بِسَاطِئاً آخِرَ؛ انه علی کل شیء قدیر.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۴۳- نقل در روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۶) (مضمون: قسم به جانم، به زودی دنیا و آنچه در آن است را درهم خواهیم پیچید و بساطی دیگر (نظمی نوین) گسترده خواهیم کرد؛ همانا او بر هر چیزی قادر و توانا است.)

۲) « طوبی لمن ینظر الی نظم بهاءالله و یشکر ربّه، فانه یظهِرُ و لا مردُّ له من عند الله فی البیان.» (حضرت اعلی، مندرج در توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۷۷) (مضمون: خوشا به حال کسی که به نظم بهاءالله بنگرد و پروردگار خود را سپاس گوید؛ این نظم به راستی از نزد خداوند، (مستند به وعده‌ی) بیان، ظاهر خواهد شد و هیچ تردیدی در مورد آن نیست.)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳) « نظمی^{۲۷۷}... که ایندگان آن را ولید امرالله و مبشر عصر ذهبی^{۲۷۸} خواهند دانست (نظم بدیع الهی) و جلوه‌ی آن در موقع خود، در نهایت جمال و جلال، ظاهر و آشکار خواهد گردید.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۰۱) (۱۸ اوت ۱۹۴۹)

۴) « نظم (بدیع الهی) به مثابه‌ی صدفی برای حفظ و صیانت گوهر گرانبهای امرالله است و به مرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه‌ای است که این شرع انور را به مرحله‌ی نهایی وارد خواهد کرد.» (توقیع دور بهایی، مورخ ۸ فوریه ۱۹۳۴، ارکان نظم بدیع، ص ۲۱)

۵) « نظم بدیع الهی... به بنای سفینه‌ی نجات عالم انسانی (اشاره به کشتی اساطیری حضرت نوح است)، به تدریج و به کمال شدت و قوت، مشغول است...؛ سفینه‌ای... که ید قدرت الهی برای نجات و رهایی جامعه‌ی بشری مقدر فرموده (است).» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مندرج در مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۳۵)

۶) « این نظم بدیع، چون از عیوب فطریه‌ی مسلمیه‌ی انظمه‌ی مذکوره (انواع حکومت دموکراسی یا حکومت مطلقه‌ی استبدادی، چه سلطنتی و چه جمهوری و یا انظمه‌ی اشرافی... و... اقسام حکومت دینیه، چه حکومت عبرانی و چه تشکیلات مختلفه‌ی کلیسای مسیحی و یا امامت و خلافت در اسلام) مطلقاً عاری و مبرا است؛ هر قدر فروعش امتداد یابد و دامنه‌اش وسعت گیرد، به مرور اعصار و دهور، به حکومت استبداد و تسلط اعیان و شرور ناطقین و خطبا که عاقبت کلیه‌ی تأسیسات سیاسی ناقصه‌ی

^{۲۷۷} با رجوع به متن توقیع مبارک، مندرج در کتاب مذکور، بخصوص با توجه به مضمون بیان مبارک، به احتمال زیاد منظور همین نظم بدیع جهان آرای الهی است (و نه نظم اداری).

^{۲۷۸} به مبحث ۱۳۰ رجوع شود.

بشری است، منجر نگردد و از فساد آنان مصون ماند.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۱/ توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

(۷) « آیا حواث خطیره‌ی بیست سال اخیر (اکنون، ۱۱ اکتبر ۱۹۱۳، ۹۹ سال گذشته) که سبب انقلابات اقالیم ارض گشته، در حالی که سکرآت موت تمدنی را اعلام می‌نماید که در شرف تلاشی و اضمحلال است، دلالت بر درد زه نظم بدیعی ندارد که سفینه‌ی نجات بشری است و ناگزیر بر خرابه‌های عالم مستقر خواهد شد؟» (کتاب دور بهایی، ص ۹۳- توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۹۳)

(۸) « نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله... که حال در مرحله‌ی جنینی است... باید حلول عصر ذهبی^{۲۷۹} در نتیجه، اعلان صلح اعظم^{۲۸۰} و مدنیّت الهی جهانی را که صلح ثمره‌ی آن است^{۲۸۱}، تسریع نماید.» (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۹)

(۹) « این نظم بدیع عیناً همان مدنیّت الهیّه‌ای است که شریعت غرّای حضرت بهاءالله باید در ارض مستقر سازد.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۸۷)

(۱۰) « "قطعه‌ی امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار" (حضرت عبدالبهاء)... اگر بیان "ظهور اسرار" مربوط به اسرار مستوره در جنین نظم جهانی نباشد که حال در رحم تشکیلات اداری بهایی پرورش می‌یابد، دیگر به چه امری دلالت دارد؟ (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴)

(۱۱) « این ها است (خصایص اصلی جامعه‌ی متحد جهانی) رئوس کلی و برجسته‌ی نظم‌ی که حضرت بهاءالله پیش‌بینی و تدبیر فرموده و اعلی‌ ثمره‌ی عصری است که به تدریج رو به بلوغ نهاده است.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱)

(۱۲) « هیچ یک از این دو (ارکان دوگانه‌ی نظم بدیع)، نمی‌تواند به حدود مقدّسه‌ی دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدّی نخواهد نمود. هیچ یک در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصه‌ی مسلمّه‌ی دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد.» (کتاب دور بهایی، ص ۸۲)

^{۲۷۹} به مبحث ۱۳۰ رجوع شود.

^{۲۸۰} به مبحث ۱۳۳ رجوع شود. در ضمن این فقره‌ی مبارکه، از جمله بیاناتی است که تصریح می‌نماید صلح اعظم در عصر ذهبی رخ خواهد داد.

^{۲۸۱} در بسیاری امکنه‌ی دیگر از نصوص الهیّه چنین تصریح می‌شود که "مدنیّت الهی جهانی" ثمره‌ی "صلح اعظم" است و نه بالعکس. از جمله به فقرات ۱۲ از مبحث ۶- و ۲ از مبحث ۹۲- و ۳۹ از مبحث ۱۲۹- و ۴، ۱۵، ۱۷، ۲۱ از مبحث ۱۳۰ مراجعه شود. شاید در ترجمه اشتباهی رخ داده است (مثلاً به جای "که ثمره‌ی صلح است" نوشته شده " که صلح ثمره‌ی آن است" و یا شاید در جاتی عالی‌تر از صلح اعظم مطرح است که تحت تأثیر حصول مدنیّت پیشرفته‌ی جهانی ایجاد خواهد شد. این قضیه، تحقیق دقیق‌تری می‌طلبد که مستلزم رجوع به متن اصلی انگلیسی است.

۱۳) « این انقلاب (هرج و مرج و فساد و عدم ایمان)^{۲۸۲} بر اثر ولادت نظم اعظم آیین حضرت بهاءالله در عالم به وجود آمده است و هر قدر مضامین مکنونهی این نظم دائم الاتساع الهی مکشوف تر گردد و شاخ و برگ آن کرهی ارض را بیشتر فرا گیرد، بر شدت و وسعت این انقلاب خواهد افزود.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۴)

۱۴) « در مستقبل ایام... تمدن کنونی رو به زوال می رود و نظم بدیع الهی جلوه و ظهور می نماید.» (کتاب دور بهایی، ص ۲۸)

۱۵) « دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است... این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است و دیگری مخرب و کوبنده. سیر سازنده به آیین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و طلیعهی نظم بدیع جهان آرایی است که به زودی امر بهایی تأسیس خواهد کرد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۵-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۶) « ای دوستان عزیز، هر چند ظهور حضرت بهاءالله در عالم وجود تحقق یافته؛ ولی نظم جهان آرایی که باید از آن ظهور تولد یابد، هنوز متولد نشده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۲-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۷) « ما، در آستانهی عصری هستیم که اضطرابات و تشنجاتش... حاکی از درد تولد نظمی بدیع و جهان آرایی است که نطفه اش در آیین حضرت بهاءالله انعقاد یافته است و اینک ما می توانیم جنبش آن جنین را در رحم این عصر دردزا احساس کنیم؛ عصری که منتظر است در میقات مقرر حمل خود را بر زمین نهد و بهترین ثمرهی خویش را به دنیا آورد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۸) « پیروان اسم اعظم... خود و نفوس مؤمنه ای که بعد از ایشان بر خدمت امرالله قیام خواهند کرد، باید همچنان سمنند همت بدوانند تا زمانی فرارسد که جریان وقایع کنونی عالم (تشنجات دردناک دنیای خارج) نیرو و توانش فرو نشیند و هر یک از آن وقایع و حوادث سهم خود را در تولد نظم بدیعی که جنبش حال در رحم عصری پر آشوب و مبتلا به درد زایمان به جنبش افتاده است ایفای نماید.» (ظهور عدل الهی، ترجمه ی فتح اعظم، ص ۱)

۱۹) « در زمانی که دیگر جامعه های بهایی عالم از جمیع جهات به هجوم تندبادهای شدید مبتلا گشته، جامعه ی بهایی آمریکا که به حکم تقدیر حیّ قدیر محفوظ و مصون مانده و از الواح تبلیغی حضرت عبدالهه جان و توان یافته است، حال مشغول پی نهادن مؤسساتی است که بشیر و طلیعه ی عصری

^{۲۸۲} به مبحث ۱۰۰ مراجعه شود.

خواهد بود (عصر تکوین) که شاهد تولد و ارتفاع نظم جهانی حضرت بهاءالله در بسیط جهان است.»
(ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴)

۲۰ « غرّش رعدآسای آشوب‌های خانمان برانداز... منادی... درد زایمان نظمی جدید است و نشان می‌دهد که وقایع جسیم آینده به چه سرعتی در شرف تکوین است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۵)

۲۱ « نظمی... که آیندگان آن را ولید امرالله و مبشّر عصر ذهبی^{۲۸۳} خواهند دانست،... جلوه‌ی آن، در موقع خود، در نهایت جمال و جلال ظاهر و آشکار خواهد گردید.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۰۱)

۲۲ « نسل‌های آینده آن (نظم الهی) را به منزله‌ی طلّیعه‌ی مدنیّت الهیه^{۲۸۴}؛ یعنی ابهی ثمره‌ی ظهور حضرت بهاءالله، تعظیم و تکریم خواهند نمود.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۶۶) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

۲۳ « باید یک جامعه‌ی جهانی به وجود آید که در آن، جنون وطن‌پرستی جنگجو و پرخاشگر به اعتقاد راسخ به جهان‌دوستی دائمی تبدیل شده باشد؛ این است کیفیت اجمالی نظمی که حضرت بهاءالله پیش‌بینی فرموده و در آینده، به منزله‌ی گواراترین میوه‌ی عصری شناخته خواهد شد (عصر تکوین) که به تدریج رو به کمال و بلوغ می‌رود^{۲۸۵}.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)

۲۴ « نظم جهانی حضرت بهاءالله... در کمونش بشارات استقرار عصر زرّین عالم انسانی مکنون است.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۳۹)

۲۵ « آنچه را که امروز از آن نظم بدیع (نظم بدیع حضرت بهاءالله) دریافت توان کرد، به منزله‌ی لمحّه‌ی بصری بر اولین پرتو فجر موعود است که در میقات مقررّ ظلمات عالم انسانی را محو و زایل سازد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۴۷، توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۶ « هر ناظر منصفی شهادت می‌دهد که هم در داخل جامعه‌ی بهایی و هم در خارج آن، قرائن و علائمی روزافزون موجود است که به نحوی شگفت‌انگیز بشارت می‌دهد که زمان تولد نظم جهانی

^{۲۸۳} به مبحث ۱۳۰ رجوع شود. در ضمن، این بیان مبارک اشعار می‌دارد که نظم بدیع مبشّر "عصر ذهبی" است؛ و یا مطابق فقره‌ی شماره ۲۶ از همین مبحث، پیش‌درآمد این عصر پرشکوه است. به فهرست مندرجات مراجعه شود.

^{۲۸۴} به مبحث ۱۳۸ رجوع شود.

^{۲۸۵} در این فقره‌ی مبارکه نیز به نحوی سمبلیک اشاره می‌شود که نظم بدیع جهان‌آرا، در مراحل پایانی عصر تکوین و در آستانه‌ی آغاز عصر زرّین امر الهی تحقق نهایی خواهد یافت.

فرارسیده است؛ نظمى که خود طلايهی (پیش درآمد) عصر زرّین (دور بهایی است.)» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۳، توقیع موّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۷) « نتیجه و ثمره‌ی این کارزار (نبرد قلعه‌ی طبرسی) ... هسته‌های اولیه‌ای را در خاک حرّم ایران زمین نشانده که به تقدیر الهی تدریجاً رویدند... و اکنون (سال ۱۹۴۴) نیز همچنان در حال رشد و نموّند تا در امتداد زمان، ثمرات زرّین و میوه‌های شیرین خود را، به شکل نظمى نجات دهنده‌ی جهان و فراگیرنده‌ی عالمیان، پدیدار نمایند.» (مرور معبود، ص ۸۶)

۲۸) « آن سیستم اداری جهان شمول (نظم اداری بهایی) ... طراحى شده بود تا به تدریج، به آن نظم جهانی بدیعی تبدیل گردد که نسل‌های آینده، به عنوان هم وعده و هم تاج افتخار همه‌ی ادوار گذشته، زبان به ستایشش خواهند گشود.» (مرور معبود، ص ۴۳۵)

۲۹) « نظم اداری (حضرت بهاءالله) ... مولود میثاق، و مبشّر نظم بدیع جهان‌آرای او است که استقرارش مُنادی و شاخص ظهور عصر زرّین دور بهایی است.» (مرور معبود، ص ۳۲۸)

۳۰) « این کتاب مبین (کتاب مستطاب اقدس^{۲۸۶}) ... مقرّرات و موازینش افزون بر یک هزار سال جاری و برقرار خواهد ماند، و نظم نوینش تمامی سیّاره‌ی ارض را احاطه خواهد کرد.» (مرور معبود، ص ۲۹۵)

۳۱) « این اثر وزین (کتاب مستطاب اقدس) ... آن اصول و قوانین بنیادی را که ساختار آتی نظم جهانی حضرت بهاءالله لاجرم بر آن مستقرّ خواهد شد، برای نسل‌های آینده محفوظ می‌دارد.» (مرور معبود، ص ۲۹۶)

۳۲) « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) تأکید می‌کند: "به زودی نظم موجود برچیده و نظمى نوین به جای آن گسترده خواهد گشت."» (مرور معبود، ص ۳۰۰)

۳۳) « ظهور حضرت بهاءالله ... اعلان می‌دارد و تأکید می‌کند که قادر است ... خصایص شیطانى را به يك محبّت و اتحاد جهانی تبدیل نماید؛ محبّت و اتحادی که در چهارچوب نظمى نوین و مطابق با اصول و مبادی آن، نمودار خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۱۵۸)

۳۴) « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیّز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله) تحقّق نظم بدیع جهان‌آرای الهی در بسیط غربا است.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۹-۸۱۸)

^{۲۸۶} به مبحث ۸۰ مراجعه شود.

۳۵ « نظم بدیع که در حقیقت این دور الهی (دور بهایی) مندمج،... به مرور ایام، کاملاً در تأسیسات بدیعه‌اش مصور و مشخص خواهد گشت و صیت بزگواریش ولوله در بین عموم دول و ملل و نحل و امم و قبائل ارض خواهد انداخت.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۵)

۳۶ « نظم بدیع که در حقیقت این دور الهی (دور بهایی) مندمج،... قواعد و ارکانش در کل اقطار مرتفع خواهد شد و جهان و جهانیان را احاطه خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۵)

۳۷ « عصر تکوین... امتدادش مجهول و در علم الهی مخزون، انتهایش استقرار این نظم اکمل امتن اتم در شرق و غرب عالم^{۲۸۷}... (خواهد بود).» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۴۵-۱۴۴)

۳۸ « نظم بدیع... کافل ظهور وحدت اصلیه در هیأت اجتماعیه و وصول عالم به درجه‌ی بلوغ و کمال^{۲۸۸}... است.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۴۹)

۳۹ « نظم بدیع... رافع علم صلح اعظم^{۲۸۹} و ضامن تأسیس مدنیت الهیه در عصر ذهبی دور اعزّ افخم کور الهی است.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۴۹)

۴۰ « این نظم بدیع... از جهتی مُحدث زلزله‌ی عظمی در ارکان مدنیت ضالهی فاسده‌ی هالک‌هی حاضر، و از جهتی دیگر بشارت دهنده‌ی تأسیس مدنیت سامیه‌ی الهیه است.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، ارکان نظم بدیع، ص ۷)

۴۱ « نظم بدیع... سفینه‌ی نجات بشری است و ناگزیر، بر خرابه‌های عالم مستقر خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، ۸ فوریه ۱۹۳۴، توفیق دور بهایی، ارکان نظم بدیع، ص ۲۰)

۴۲ « این نظم بدیع و نقشه‌ی زیبای دلفریب، به منزله و به مثابه‌ی میوه‌ای است که از شجر این قرن که به تدریج درجات بلوغ و کمال را می‌پیماید، ظاهر و پدیدار خواهد گشت.» (حضرت ولی امرالله، ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱، ارکان نظم بدیع، ص ۳۰)

۴۳ « چنین مقدر است که قرن دوم بهایی شاهد انتشار وسیع و استحکام بارز قوای فعاله در توسعه و پیشرفت جهان‌گیر نظم مزبور (نظم اداری بهایی) و نیز ناظر جنبش‌های اولیه‌ی نظم جهانی باشد؛ نظمی

^{۲۸۷} در این فقره‌ی مبارکه تصریح می‌شود که استقرار نظم بدیع جهانی، در انتهای عصر تکوین خواهد بود.
^{۲۸۸} مطابق مضمون این بیان مبارک، دو مرحله‌ی عالی‌هی "وحدت اصلیه" و "بلوغ و کمال" عالم انسانی، بعد از استقرار نظم بدیع الهی؛ یعنی به دنبال هم و در عصر ذهبی رخ خواهند داد.
^{۲۸۹} به مبحث ۱۳۳ رجوع شود. در ضمن مطابق مضمون این فقره‌ی مبارکه، سه پدیده‌ی برجسته‌ی نظم بدیع و صلح اعظم و مدنیت الهی، به ترتیب یکی بعد از دیگری، و دو مورد اخیر در عصر ذهبی، نمودار خواهند شد.

که تشکیلات اداری موجود، طلیعه و هسته‌ی مرکزی و نمونه‌ای از آن است.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۲)

۴۴) «کلمات مبارکه‌ی ذیل را به هیچ چیز جز به قدرت و عظمتی که نظم بدیع حضرت بهاءالله از خود به ظهور خواهد رسانید حمل نتوان نمود؛ نظمی که شالوده‌ی حکومت عالم‌گیر بهایی^{۲۹۰} در مستقبل ایام است، قوله الاعلی: "قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه"» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۷۶) (مضون بخش عربی: هر نظمی از این نظم اعظم به اضطراب آمد و هر ترتیبی از این ترتیب بدیع به اختلاف افتاد؛ ترتیبی که چشم روزگار شبیهش را ندیده است.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۴۵) «حضرت ولیّ عزیز امرالله در ایفای وظایف جسمیه‌ی مقدّسه‌اش بنیان نظم بدیع الهی را که در کمون نصوص و آثار مبارکه مکتون بود، مرتفع و آن را از وسائط فعّاله‌ی تبلیغ امرالله و وسیله‌ی اجرای کامل منشور ملکوتی حضرت عبداله‌بهاء^{۲۹۱} مقرر فرمود.» (پیام آوریل ۱۹۶۴)

۴۶) «دارالتبلیغ مقدر است در مستقبل ایام به صورت یکی از مشروعات اداری نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله تحوّل و تکامل یابد.» (پیام ۵ جون ۱۹۷۳)

۴۷) «حوادث اخیر (جنگ خاورمیانه در نیمه‌ی دوّم سال ۱۹۹۰) ... در عین حال، بر تولّد نظم جهان‌آرایی دلالت می‌نماید که سفینه‌ی نجات بشری است و ناگزیر بر خرابه‌های عالم مستقر خواهد شد.» (ترجمه) (پیام رضوان ۱۹۹۱)

۴۸) «حضرت ولیّ امرالله در سال ۱۹۴۶ در توقیعی چنین مرقوم فرمودند: "چنین مقدر است که قرن دوّم بهایی شاهد انتشار وسیع و استحکام بارز قوای فعّاله در توسعه و پیشرفت جهان‌گیر نظم مزبور (نظم اداری) و نیز ناظر جنبش‌های اولیه‌ی نظم (بدیع) جهانی باشد؛ نظمی که تشکیلات اداری موجود، طلیعه و هسته مرکزی و نمونه‌ای از آنست؛ نظمی که چون شکل گیرد و درخشش و لمعان تأثیرات لطیفه‌اش کوه‌ی ارض را در برگیرد، بلوغ کلیه نوع بشر^{۲۹۲} و تکامل امرالهی را که به وجود آورنده‌ی نظم مزبور است، اعلام خواهد داشت."» (ترجمه) (پیام رضوان ۱۹۹۲)

^{۲۹۰} به مبحث ۱۳۴ رجوع شود. از آنجا که نظم بدیع الهی در آخرین مراحل عصر تکوین تحقق خواهد یافت، استقرار "حکومت عالم‌گیر بهایی" در مراحل اولیه‌ی عصر ذهبی خواهد بود.

^{۲۹۱} به مبحث ۷۹ مراجعه شود.

^{۲۹۲} به مباحث ۱۰۳ و ۱۳۶ مراجعه شود. بدیهی است این "بلوغ کلیه‌ی نوع بشر" چون بعد از استقرار نظم بدیع الهی خواهد بود، اولاً نوعی بلوغ روحانی است (در مقابل بلوغ اجتماعی که در مبحث ۱۰۳ مطرح شده است) و ثانیاً در عصر ذهبی محقق خواهد گشت.

۴۹) « مؤسّسات نظم اداری بهایی که حال در اثر مساعی و مجهودات مؤمنین و مؤمنات در اطراف و اکناف جهان تأسیس می‌گردد، مبشّر و محور و نمونه‌ی آن نظم جهانی است که به مرور زمان جمیع اهل ارض از تأثیرات ثمر بخشش مستفیض خواهند شد.» (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۵۲)

۵۰) « حضرت ولیّ امرالله چنین می‌فرماید که با نزول کتاب مستطاب اقدس، حضرت بهاءالله " برای نسل‌های بعدی احکام و اوامر اساسی را که پایه و اساس نظم جهانی حضرتش در آینده‌ی ایام خواهد بود، به ودیعه گذاشته‌اند." » (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴)

۵۱) « جریان تقویت و تحکیم جامعه‌ی بهایی در مناطق مختلف جهان سرعتی روزافزون دارد و سیر تکاملی نظام شکفت‌انگیزی را که مالک بریه برای انتظام امور و بالمآل تضمین صلح در تمامی کروی ارض ایجاد فرموده، شدتی بیشتر می‌بخشد.» (۷ دسامبر ۱۹۹۴)

۵۲) « نظم اداری، گرچه از بسیاری جهات متفاوت از نظم جهانی است که مقدر است ظهور امر بهایی آن را به وجود آورد، در عین حال هم "هسته‌ی مرکزی" و هم "طرح و نمونه‌ای" برای نظم جهانی است.» (۳۰ می ۱۹۹۷)

۵۳) « باعث سرور و شرف مضاعف است، وقتی ملاحظه می‌شود که در مراحل اولیه‌ی دور بهایی، نمایندگان جامعه‌ی جهانی ما با شاخصی‌تی چنان بارز در این وقایع (اجلاس‌های سه‌گانه‌ای که سازمان ملل به مناسبت آغاز هزاره‌ی جدید ترتیب داد) مشارکت داشته‌اند، وقایعی که مراحل (ی) مهم در طریق تحقّق وعود مصرّحه در آثار قلم اعلی در باره‌ی استقرار نظم بدیع جهان‌آرا محسوب می‌گردد.» (پیام ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰)

۵۴) « بیش از هفتاد سال پیش حضرت شوقی افندی توقیعاتی راجع به نظم جهانی صادر و در آن (ها) بررسی دقیقی از قوای فعاله‌ی عالم را ارائه فرموده و با فصاحتی که مختصّ آن هیکل انور است، دو فرایند عظیم منبعث از ظهور حضرت بهاءالله را توصیف نمودند- یکی مخرب و دیگری سازنده- که هر دو، نوع بشر را به سوی نظم بدیعی که موجد آن جمال اقدس ابهی است، سوق می‌دهند.» (پیام رضوان ۲۰۰۶)

۵۵) « در این تمایز دائم التّزاید (پیوسته فزاینده) (تباین واضح و عظیم بین تشکیلات در حال ظهور نظم اداری بهایی و نظم منحنط اجتماعی)، وعده‌ی جلال و شکوه نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله مشهود خواهد گردید؛ نظمی که مقدر است عالی‌ترین انتظارات عالم انسانی را متحقّق سازد.» (پیام ۲۵ مارس ۲۰۰۷)

۵۶ « الواح وصایای حضرت عبدالبهاء اساس نظم جهان آرا (ی حضرت بهاءالله) را در آینده تأسیس نماید.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۰۹)

۵۷ « حضرت بهاءالله هر یک از افراد احباً را موظف و مکلف به تبلیغ امرالله نموده اند؛ زیرا انجام دادن این فریضه‌ی ربّانی، لازمه‌ی استمرار تأییدات غیبیه‌ی الهیه... و استقرار نظم بدیع جهان آرای جمال ابھی می باشد.» (پیام ۱۳ ژانویه‌ی ۲۰۱۳)

۵۸ « دوره‌ای که نوع بشر در حال ورود به آن است، برای جمیع افراد، نهادها، و جوامع روی کره‌ی ارض، فرصت‌های بی سابقه‌ای برای مشارکت در رقم زدن آینده‌ی کره‌ی ارض ایجاد خواهد نمود. حضرت بهاءالله با کمال اطمینان وعده می دهند: " زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد." (معهد اعلی، بیانیه‌ی "چه کسی آینده را رقم می زند؟")

فصل هشتم

عصر ذهبی، تشدید سلطه‌ی امرالله بر عالم و تحقق کمال نهایی بشریت (۵۴۹)

۱۳۰. حلول عصر ذهبی آیین الهی (۳۰)

ح) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱) «(جوانه‌ی ظهور حضرت باب) فرصت دیگری یافت تا به شکل ظهوری بس قدرتمندتر و فراگیرتر نمودند و شاخه دواند؛ شاخه‌هایی که مقدر است در دوره‌های آتی، به گونه‌ی نهادهای رو به رشد یک سیستم اداری جهانی، شکوفه دماند و در عصر زرّینی که هنوز حلول نکرده است، به صورت مشروعاتی قدرتمند به ثمره و میوه نشیند؛ مشروعاتی که با اصول نظمی که متحد‌کننده عالمیان و نجات بخشنده‌ی جهانیان است، انطباق کامل و جامع خواهد داشت.» (مرور معبود، ص ۱۱۲)

۲) «یوم رهیب فصل اکبر است و تباشیر قرن ذهبی کور مالک قدر؛ چشم بینا لازم تا مشاهده‌ی انوار را نماید و این حقایق مجهوله را الیوم تمیز دهد. من یقدر ان یفرّ من سلطنته او یهرب من سیطرته او ینهزم من صولته؟» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، باب چهارم ردیف ث، ص ۱۰، باب نوزدهم ردیف غ، ص ۶۰) (مضمون بخش عربی: چه کسی قادر است از سلطه‌اش بگریزد یا از سیطره‌اش فرار کند یا از صولتش در امان باشد؟)

۳) «آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله) ... حلول عصر ذهبی امرالله... است.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۴) «عصر ذهبی امرالهی که باید اتحاد تمامی ملل عالم، و استقرار صلح اعظم، و آغاز ملکوت اب سماوی بر سیاره‌ی خاکی (نوعی دیگر از بیان سلطنت الهی)، و حلول عصر تمامی نژاد انسانی (عصر ذهبی)، و تولّد مدنیتی جهانی^{۲۹۳} را شاهد باشد، هنوز نمودار نشده و جبروتش به تصوّر کسی نیامده است.» (مرور معبود، ص ۴۲۹)

^{۲۹۳} به میحث ۱۳۸ رجوع شود. در ضمن، در این فقره‌ی مبارکه تصریح شده است که نوعی "اتحاد تمامی ملل عالم" که در فهرست مندرجات آن را وحدت روحانی عالم انسانی ذکر کرده‌ایم و "استقرار صلح اعظم"، و "تولّد مدنیتی جهانی" به طور متوالی (البته با وقوع مراحل دیگر در بین آنها) و همه در عصر ذهبی واقع خواهند شد.

۵) «الواح متقنه‌ی وصایای حضرت عبدالبهاء حلقه‌ی اتصالی است که عصر گذشته را با عصر کنونی که موسوم به عصر تکوین و موصوف به عصر انتقال است، الی الأبد مرتبط می‌سازد و ازهار و اثمار این عصر، انتصارات و فتوحات بهره‌ای است که طلیعه‌ی عصر ذهبی دور جمال ابهی خواهد بود.» (کتاب دور بهایی، ص ۳)

۶) «پیدایش یک جامعه‌ی جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیّت و فرهنگ جهانی... باید با اولین مراحل عصر ذهبی دور بهایی مقارن باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷-توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۷) «مؤسّساتی که اکنون در حال تکوین است (منظور مؤسّسات نظم اداری امرالله است)... باید مآلاً سلطنت الهیه که حاکی از حلول عصر ذهبی جمال قدم است، بر آن مستقرّ شود.» (کتاب دور بهایی، ص ۳)

۸) «عصر ذهبی (یا زرّین)... متعاقب آن (عصر تکوین) خواهد بود.» (کتاب دور بهایی، ص ۷۰)

۹) «چنین معتقدیم که موعد تاریک ترین ساعتی که باید مقدمه‌ی طلوع فجر عصر ذهبی آیین بهایی باشد هنوز نرسیده.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴-توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۰) «چه بهتر که این کلمات حضرت بهاءالله را در باره‌ی عصر زرّین آیین مبارکش که از تشعشع انوارش سراسر سیاره‌ی زمین آئینه‌ی جنت ابهی گردد، مسک‌الختام این مقال سازیم که می‌فرماید: "هذا يوم لا يُرى فيه الا الانوار التي اشرفت و لاحت من افق وجه ربك العزيز الكريم. قد قبضنا الارواح بسطان القدرة و الاقتدار و شرعنا في خلق بدیع، فضلاً من عندنا و انا الفضال القديم. هذا يوم فيه يقول اللاهوت طوبى لك يا ناسوت بما جعلت موطن قدم الله و مقرّ عرشه العظيم و يقول الجبروت نفسى لك الفداء بما استقرّ عليك محبوب الرحمن الذي به وعد ما كان و ما يكون." (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹-توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون بخش عربی: این روزی است که در آن دیده نمی‌شود مگر انواری که از افق وجه پروردگار عزیز و کریمت تابان شد. ارواح را به سلطه و قدرت و اقتدار خود قبضه کردیم و به فضلی از نزد خود، در خلق بدیع^{۲۹۴} جاری نمودیم، همانا ما بخشنده و قدیم هستیم. این روزی است که عالم لاهوت می‌گوید: خوشا برای تو ای ناسوت، چون که محل قدم‌های خداوند و جایگاه عرش عظیم او قرار یافتی؛ و جبروت می‌گوید: جانم فدایت باد ای ناسوت، زیرا که محبوب الهی بر تو مستقرّ گشت؛ محبوبی که به آنچه بود و آنچه هست وعده داده شده بود.)

^{۲۹۴} به مبحث ۱۲۰ مراجعه شود.

- (۱۱) «مورخین آینده^{۲۹۵} آن را [عصر کنونی ما (عصر تکوین) را که گرفتار تجزّی و فساد و سرگردانی است] پیش‌درآمد عصری عظیم خواهند شناخت که از روزگار زرّینش امروز جز بارقه‌ی ضعیفی به چشم ما نمی‌آید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۱-توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۱۲) «اگر آن کلمات مبارکه که مذکور شد (قطعه امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار- حضرت عبدالبهاء) به عصر ذهبی آیین حضرت بهاءالله دلالت نداشته باشد، دیگر به چه چیز اشارت دارد؟» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴)
- (۱۳) «اگر مقصود از کشور ابرار (قطعه امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار- حضرت عبدالبهاء) کمالات حاکم بر عصر ذهبی در ظلّ نظم بهایی نباشد، دیگر چه معنایی از آن می‌توان دریافت؟» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴)
- (۱۴) «با سلطنت جهانی بهایی^{۲۹۶} در عصر ذهبی، دور بهایی به ذروه‌ی کمال (خود) رسد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- (۱۵) «مدنیّت جهانی... ولید صلح اعظم^{۲۹۷} و نشانه‌ی خاصّ عصر ذهبی دور حضرت بهاءالله است.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۶) (۵ ژوئن ۱۹۴۷)
- (۱۶) «حال چون نظر به آینده گردد، عهد متتابعه‌ای در نظر مجسم شود که تا حواشی عصر ذهبی، یعنی عصری که بر حسب مواعید الهیه، بسیار فروزنده و درخشان خواهد بود، امتداد می‌یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۶) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- (۱۷) «در خلال عصر ذهبی که مقدر است دور بهایی را به کمال خود نائل سازد، علم صلح اعظم، آن گونه که توسط مؤسس آن وعده داده شده است، بر افراشته خواهد شد؛ اتّحاده‌ی جهانی بهایی در نهایت عظمت و اقتدار نمودار خواهد گشت^{۲۹۸}؛ و تولّد و شکوفایی مدنیّت جهانی^{۲۹۹} که فرزند خلف این صلح و دوستی است، برکات لانه‌ای خود را بر عالم انسانی مبذول خواهد داشت.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب مهد امرالله، انگلیسی، ص ۶)

^{۲۹۵} به مبحث ۸۸ مراجعه شود.

^{۲۹۶} به مبحث ۱۳۵ رجوع شود. در این بیان مبارک تصریح شده است که "سلطنت جهانی بهایی" در عصر ذهبی آیین الهی ایجاد خواهد شد.

^{۲۹۷} به مبحث ۱۳۳ مراجعه شود. در این بیان مبارک هم تصریح شده است که "مدنیّت جهانی" ولید، یعنی فرزند "صلح اعظم" است، لهذا بعد از آن محقق خواهد شد.

^{۲۹۸} مطابق این بیان مبارک، "اتّحاده جهانی بهایی" یا به عبارت دیگر، حکومت جهانی بهایی، بعد از استقرار صلح اعظم حاصل خواهد شد.

^{۲۹۹} به مبحث ۱۳۸ رجوع شود. در ضمن، در این فقره‌ی مبارکه هم مدنیّت جهانی فرزند صلح اعظم تلقی شده است؛ یعنی بعد از آن محقق خواهد گشت. به زیر نویس شماره ۲۸۰ نیز مراجعه شود.

۱۸) «عصر ذهبی جمال قدم عالم را منور فرماید.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۲-۱۰۹، ص ۲۹۷)

۱۹) «این اقدامات و مشروعات خطیره‌ی حتمی‌الاحصول (ابنیه‌ی حول قوس کرمل)،... در عصر ذهبی دور بهایی، به سبب ارتفاع علم صلح اعظم و تشکیل مرکز جلیل‌الشان جهانی مؤسّسات اداری نظم بدیع^{۳۰۰} حضرت بهاءالله، به اعلی درجه‌ی عظمت و کمال خواهد رسید.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۲۷ نوامبر ۱۹۵۴، ارکان نظم بدیع، ص ۲۴۴)

۲۰) «مؤسّسات محلی و ملی و بین‌المللی شریعت حضرت بهاءالله به تدریج تشکیل و روزبه‌روز وسعت و عظمت خواهد پذیرفت تا عصر ثالث و اخیر دور بهایی، یعنی عصر ذهبی فرا رسد و نظم جهان‌آرای حضرت رحمان در بسط غیرا جلوه‌ی محیرالعقول^{۳۰۱} نماید و ثمره‌ی نهایی امر جمال اقدس ابهی ظاهر و آشکار گردد؛ مدنیّت الهیه تأسیس شود و ملکوت‌الله چنان که حضرت مسیح له المجد و الثناء وعده فرموده، در بین بریه استقرار یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۶۶۰-۶۵۹)

۲۱) «او (حضرت بهاءالله)، در پیش‌بینی عصر ذهبی عالم انسانی، می‌فرماید "این مظالم عظیمه تمهید عدل اعظم را می‌نماید"، و این عدل اعظم، عدلی است که عاقبت، ساختار صلح اعظم تنها بر روی آن می‌تواند و باید مستقر گردد؛ و این صلح اعظم نیز به نوبه‌ی خود، مدنیّت اعظم را به بار خواهد آورد^{۳۰۲}؛ مدنیّتی که همواره مستفیض از کسی است که اسم اعظم خوانده خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۴)

۲۲) «قصد خداوند چیزی نیست جز این که به طرّقی که خود می‌تواند تمهید کند و اهمّیت کامل آن را فقط خود می‌داند، عصر زرّین بشریّتی را که چنین طولانی دچار جدایی و بدبختی بوده است، ایجاد نماید.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۰)

۲۳) «او (حضرت بهاءالله)، در مصاحبه‌ی تاریخی خود با ادوارد براون، قاطعانه آینده‌ی بشریّت را این گونه پیش‌بینی فرموده است: "این محاربات مخربه پایان خواهد یافت و صلح اعظم مستقر خواهد شد."» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۱)

^{۳۰۰} اگر به درستی، عبارت "مرکز جلیل‌الشان جهانی مؤسّسات اداری نظم بدیع" را همان حکومت جهانی بهایی به حساب آوریم، بر اساس این بیان مبارک، "ارتفاع علم صلح اعظم" قبل از آن برافراشته خواهد شد.
^{۳۰۱} از آنجا که استقرار نظم بدیع الهی نیز یک پروسه یا جریان متکامل است، شروع آن بلافاصله، قبل از اعلان عصر ذهبی خواهد بود (به فقرات مبارکه‌ی مبحث مربوطه رجوع شود)، اما به تصریح این بیان مبارک، "جلوه‌ی محیرالعقول" آن، که در واقع همان حکومت جهانی بهایی باشد، در مراحل اولیه‌ی عصر ذهبی خواهد بود.
^{۳۰۲} این بیان مبارک صراحت تامّ دارد که عدل اعظم و صلح اعظم و مدنیّت اعظم به طور متوالی، و همه در عصر ذهبی، ظاهر خواهند شد.

۲۴) « اعصار کودکی و نوزادی بشریت سپری شده و هرگز نیز باز نخواهد گشت؛ و آن عصر عظیمی که کمال تمامی اعصار و شاخص حلول عصر تمامی نژاد انسانی (عصر ذهبی) است، هنوز در راه است.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۲)

۲۵) « تشنجات این دوره‌ی گذار (انتقال) و پر آشوب (منظور عصر تکوین است که نام دیگر آن عصر انتقال می باشد)... مبشر حلول اجتناب‌ناپذیر آن عصرالاعصار، آن "یوم آخری" (عصر ذهبی) است که در آن، حماقت و آشوب ناشی از جنگ و ستیز... عاقبت به خرد و آرامش حاصل از صلحی سالم و عمومی و ابدی مبدل خواهد شد؛ صلحی که... اتحاد کامل عناصر متشکله‌ی جامعه‌ی بشری را در پی خواهد داشت.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۲)

۲۶) « مصائب این دوران درآلود مقده‌ی حلول آن عصر پربرکت و سعادت است که مقصد نهایی خداوند را برای عالم انسانی متجسم می‌سازد.» (حضرت ولی امرالله، پیام رضوان ۱۹۹۱) (ترجمه‌ی شخصی)

۲۷) « ای برادران و خواهران روحانی،... آثار عظیمه در سنین معدوده، پس از ختام قرن اول بهایی، در بسط زمین ظاهر و آشکار گشته، دیگر معلوم است چه آثاری به مرور ایام، در این قرن عظیم... و قرون آتیه، در این عصر مبارک ثانی دور بهایی و عصر ذهبی... در عالم کون مشهود و نمایان گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳-۱۸۲)

۲۸) « باید به کمال وفا و شهامت به اجرای این مأموریت (مهاجرت) قیام نماییم و به یقین مبین بدانیم یوم فتح و ظفر موعودی که حضرت بهاءالله بدان بشارت فرموده و به عصر ذهبی امر مبارکش موصوف و موسوم داشته، به زودی فرارسد و جهانی را که از قوای ربّانی‌هی پیام ملکوتیش غافل مانده، روشن و منیر سازد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۰ خطاب به عموم مهاجرین)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۹) « باید مطمئن باشیم که سرانجام، نسل‌های بعدی، در نتیجه‌ی خدمات فعلی ما، از آینده‌ی پرسعادت برخوردار خواهند بود که در آن، حضرت بهاءالله را به عنوان شاهزاده‌ی صلح، و منجی بشریت تمجید و تکریم خواهند کرد.» (پیام رضوان ۱۹۸۴- ترجمه‌ی شخصی)

۳۰) « (ابنیه‌ی فخمیه‌ی حول قوس کرمل و نیز طبقات کرمل)، امری که... لوی عصر ذهبی دور جمال قدم را برافرازد.» (پیام سپتامبر ۱۹۸۷- جزوه‌ی ۴۱، ص ۷۰)

۱۳۱. تحقق وحدت روحانی عالم انسانی (۷۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « اگر کردگار بخواهد، دل‌های مردمان روزگار را به گفتار نیک، پاک و پاکیزه کند و خورشید یگانگی بر جان‌ها بتابد و جهان را تازه نماید.» (دریای دانش، ص ۶)
- ۲) « ان ربك الرحمن يحب ان يري من في الامكان كنفس واحد و هيكل واحد.» (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون: پروردگار رحمان تو، دوست می‌دارد همه‌ی اهل امکان را مانند شخص واحد و هیكل واحد ببیند.)
- ۳) « فی الحقیقه عالم یک و طن محسوب است و من علی الارض اهل آن.» (لوح مقصود، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۱)
- ۴) « یا اصحاب المجلس فی هناک و دیار اخری، تدبروا و تکلموا فیما یصلح به العالم و حاله... و الذی جعله الله الدریاق الاعظم و السبب الاتم لصحته، هو اتحاد من علی الارض علی امر واحد و شریعة واحدة. هذا لا یمكن ابدًا الا بطیب حاذق کامل مؤید. لعمری هذا لهو الحق و ما بعده الا الضلال المبین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۲۰- لوح مقصود، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۲) [مضمون: ای اهل مجالس در آنجا (شهر لندن) و دیارهای دیگر، بیندیشید و مشورت کنید در آنچه سبب اصلاح عالم و حال و روز آن می‌شود... و عاملی که خداوند داروی بزرگ و علت اصلی برای صحت و سلامت آن قرار داده، اتحاد عالمیان است بر امری واحد و شریعتی واحد. چنین کاری ممکن نیست، مگر به کمک طیبی حاذق و کامل و مؤید به تأییدات الهی (منظور مظهر الهی است). قسم به جانم، این است حرف حق و آنچه غیر آن است فقط گمراهی آشکار است.]
- ۵) « قد جاء الغلام لیحی العالم و یتحد من علی الارض کلها، فسوف یغلب ما اراد الله و تری کل الارض جنه الابهی. كذلك رقم من القلم الامر علی لوح قویم.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۷۵- مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۹، لوح رئیس- نداء رب الجنود، بند ۸- آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۳، ص ۴۴) (مضمون: بگو غلام الهی (جمال اقدس ابهی) آمد تا عالم را زنده کند و جهانیان را متحد نماید، به زودی آنچه خدا اراده نموده غالب خواهد شد و روی زمین را بهشت برین خواهی دید؛ این گونه از قلم امر بر لوح قویم رقم زده شد.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۶) « خداوند جلیل عنقریب جمیع بشر را الفت بخشد و یک دل فرماید؛ بیگانگی براندازد، علم یگانگی برافرازد، دل‌ها را التیام دهد، جان‌ها را اتحاد بخشد؛ راستی و دوستی و آشتی، جهانیان را هستی بخشد و از نیستی برهاند.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۳۵۹، ص ۲۸۸)
- (۷) « از فضل عظیم خداوند قدیم امید چنان است که کل امم را در ظلّ این شجره‌ی مبارکه (تجلی رحمانیت) با یکدیگر نهایت الفت و ارتباط بخشیده، بحر واحد و جنت واحد و نجوم فلک واحد فرماید.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۴۹۴، ص ۳۶۴)
- (۸) « اشراق شمس حقیقت چنان شدید است که عنقریب... خیمه‌ی وحدت عالم انسانی در قطب جهان بلند شود.» (حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۷۶)
- (۹) « جمال مبارک... ندای الهی به این مقصد بلند فرمودند تا... وحدت اصلیه رخ بگشاید و بنیان اخلاف برافتند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۶۸)
- (۱۰) « شمع ششم، وحدت جنس (نژاد) است؛ جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- (۱۱) « شرق و غرب باید متحد شوند و هر یک نقایص دیگری را تکمیل کند... به این ترتیب... بیشترین هماهنگی و وفاق حاصل خواهد شد؛ تمام مردم متحد خواهند شد؛ کمالات عظیمه ظاهر خواه گشت؛ همبستگی محکم ایجاد خواهد شد؛ و این جهان مرآت تجلی صفات الهی خواهد گشت.» (ترجمه گفتارهای پاریس، جمعه، ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)
- (۱۲) « به حسب تعالیم الهیه... باید... وحدت عالم انسانی را قوه‌ی روح القدس تأسیس کند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۲۸۳)
- (۱۳) « وقتی دین از موهومات و رسومات و تعصبات منزه و مبرا شود و با علم انطباق یابد، نیروی توحیدی و تطهیری عظیمی در جهان ایجاد خواهد شد و کلیه‌ی منازعات، اختلافات، مجادلات و مخاصمات را محو خواهد کرد و آنگاه بشریت در قدرت محبت‌الله، متحد خواهد شد.» (ترجمه گفتارهای پاریس، ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱)
- (۱۴) « امروز در این اتاق افرادی از نژادهای مختلف مثل، فرانسوی، آمریکایی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، مانند برادران و خواهران، در کمال حبّ و وفاق گردآمده‌اند. این جلسه پیش‌آهنگی است از آنچه به راستی در این جهان واقع خواهد شد؛ زمانی که هر یک از فرزندان خدا درک کنند که به راستی اوراق یک شجر، گل‌های یک بوستان، قطرات یک دریا، و ابناء و بنات یک پدر هستند که نامش محبت است.» (ترجمه گفتارهای پاریس، ۲۱ اکتبر ۱۹۱۱)

۱۵ « وحدت و یگانگی بشری... بدون دخول در ملکوت (یعنی ایمان به امر حضرت بهاءالله) محال و ممتنع است^{۳۰۳}». (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۴۴۵)

۱۶ « مقصد اصلی الهی و رضای حقیقی ربّانی؛ یعنی اتحاد من علی الأرض بر کلمه‌ی واحده، حاصل گردد؛ و جوهر توحید در حقائق نفوس ظاهر و لائح شود. » (مکاتیب عبدالبهاء، ۱، ص ۳۴۴)

۱۷ « در آن یوم خداوند (ظهور جمال مبارک)،... یگانگی جهان را احاطه کند. » (مفاوضات مبارک، ص ۴۵)

۱۸ « در این کور عظیم، آیات توحید تجسم نماید و حقیقت تجرید تحقق یابد؛ چه که سزاوار این کور نورانی چنین موهبت رحمانی است. » (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۲۹۴)

۱۹ « شرق و غرب مطلع آیات توحید گردد و جنوب و شمال مهبط اسرار تفرید؛ وجوه به نصره‌ی رحمن مزین شود و صدور به نور ایقان. » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره‌ی ۲۳۲)

۲۰ « هنوز (سال ۱۹۰۱ میلادی) عالم انسانی بتمامه، مستعدّ این کامرانی (الفت و محبت در انجمن عالم) نیست؛ اندک اندک این موهبت آسمانی از افق جان و وجدان طلوع کند و چون این پرتو منیر (امر الهی)، در اوج رفیع و قطب اثیر بدرخشد، ظلمات شدید زائل گردد و انوار وحدت الهیه بسیط زمین را احاطه کند. » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره‌ی ۱۸۶)

۲۱ « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی‌همال (مظهر کلی الهی = جمال مبارک) وقوع خواهد یافت، (این که) علم الهی به جمیع امت‌ها بلند خواهد شد؛ یعنی جمیع ملل و قبائل در ظلّ آن علم الهی که نفس آن نهال ربّانیت، در آیند و ملت واحده گردند. » (مفاوضات مبارک، ص ۳۱)

۲۲ « کلّ ملل، ملت واحده شود؛... جمیع قطعّات عالم حکم یک قطعه یابد. » (مفاوضات مبارک، ص ۳۱)

۲۳ « تأسیسات و تعلیمات الهی جهت جامعه‌ی ابدیست (سوی فراگیر همیشگی است)،... نفعات روح القدس معجزات، آشکار کند؛ خاور و باختر دست در آغوش یکدیگر شود؛ جنوب و شمال هم‌عنان و هم‌افکار گردد؛ مقاصد متضاده‌ی متعارضه نماند؛ نوایای مختلفه از میان برخیزد؛ منازعه‌ی بقا زائل گردد؛ خیمه‌ی وحدت عالم انسانی در قطب امکان سایه افکند. پس جهت جامعه، تعالیم الهیست که جامع جمیع مراتب است و شامل عموم روابط و ضوابط ضروریّه. » (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)

^{۳۰۳} وحدتی که مستلزم دخول در ملکوت (یعنی ایمان به حضرت بهاءالله) است، وحدت روحانی عالم انسانی محسوب گشته و مطابق مضامین بعضی نصوص مبارکه در همین مبحث و سایر مباحث، در عصر ذهبی رخ خواهد داد و متفاوت از وحدت سیاسی عالم انسانی است که در عصر تکوین تحقق خواهد یافت. به مبحث ۱۰۴ رجوع شود.

۲۴) « ای زنده به نفحات محبت‌الله، زبان به ذکر الهی بازکن و در فضای جان‌فزای عرفان پرواز... عنقریب جهانیان را در زیر خیمه‌ی یک رنگ یابی و جمیع این شعون زخرفیه از حشمت و دولت و ثروت و مکتت را هباء مُنبثاً (غبار پراکنده) مشاهده کنی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۱۳)

۲۵) « آن وقت (وقتی قوه‌ی روحانیه در نهایت جلوه ظهور نماید)، عالم بشر عبارت از یک نفس شمرده شود و وحدت عالم انسانی جلوه نماید؛ اختلاف و نزاع را حکمی‌نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۳۵)

۲۶) « جمال مبارک تمام عمرشان را صرف کردند تا آن که وحدت بین قلوب جمیع بشر تحقق یابد؛... عالم بشر یک خاندان شود و جمیع افراد حکم وحدت پیدا کند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۵)

۲۷) « جمیع ملل را این قوه (قوه‌ی الهیه)، در ظلّ خود جمع نماید؛ اسم ایرانی و آمریکایی نماند؛ نفوس به اسم انگلیزی و جرمنی افتخار نکنند؛ فرנסاوی و عربی نامیده نشود؛ جمیع، ملت واحده گردند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۸)

۲۸) « در جمیع کتب مقدّسه‌ی الهیه بشاراتی است که بشارت می‌دهد روزی خواهد آمد که موعود جمیع کتب ظاهر خواهد شد و یک قرن نورانی تشکیل خواهد کرد؛... وحدت عالم انسانی اعلان خواهد گردید؛... جمیع قلوب ارتباط به یکدیگر نمایند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۶۱)

۲۹) « امیدوارم روزبه‌روز این ارتباط (ارتباط روحانی شرق و غرب) زیادتر گردد؛ این محبت تزايد یابد؛ وحدت عالم انسانی جلوه نماید؛ نورانیت آسمانی دل‌ها را روشن کند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۴۲)

۳۰) « آن قرن آمده که جمیع ادیان عالم صلح عمومی نمایند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۳۱۸)

۳۱) « آن مظهر کلی (ربّ جنود)... تعالیم الهیه را به مهربانی و صلاح ترویج نماید نه به درشتی و سلاح، و چنان تربیت کند که امم و ملل هر چند در تباین احوال و اختلاف عادات و اخلاق و تنوع ادیان و اجناس، مانند گرگ و بره و مار و طفل شیرخواره و پلنگ و بزغاله‌اند، با هم هم‌دم و هم‌آغوش و هم‌راز گردند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

۳۲) « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی همال (یعنی در دور جمال مبارك) وقوع خواهد یافت: ... جمیع ملل و قبائل... جنس واحد و قوم واحد شوند و در وطن واحد که کره‌ی ارض است، ساکن گردند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

۳۳) « در... دوره‌ی ربّ الجنود، کلّ ملل و امم در ظلّ این علم (علم واحد که همان نهال الهی، یعنی جمال مبارك باشد) وارد خواهند گشت.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

۳۴) « ملاحظه نمایید که اگر جمهور طوائف و احزاب و قبائل و تمام دول و ملل و جمیع اقالیم عالم در ظلّ خیمه‌ی یک‌رنگ وحدت عالم انسانی آید و به اشراقات شمس حقیقت اعلان عمومیت بشر فرمایند، جمیع ملل و مذاهب دست در آغوش یکدیگر کنند و انجمن عمومی تأسیس نمایند و افراد بشر را با یکدیگر نهایت ارتباط بخشند، آن وقت چگونه خواهد شد؟» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۵، باب نهم از ردیف الف، ص ۲۹- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۲۲۱)

۳۵) « کُلّ، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور (ظهور حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی)،... کُلّ ملل، ملت واحده شود... جمیع بشر یک خاندان شود و یک دودمان گردد و جمیع قطعّات عالم حکم یک قطعه یابد.» (مفاوضات مبارك، ص ۳۱)

۳۶) « (ای خداوند) تعلیمات خود را به تمامه اجرا خواهی کرد و جمیع من علی الارض را در ظلّ خویش جمع خواهی نمود و تمام بشر را در سایه‌ی یک خیمه خواهی آورد.» (مفاوضات مبارك، ص ۴۷)

۳۷) « در این دور بدیع که جمال قدم و اسم اعظم از افق عالم به فیوضات نامتناهی تجلی فرموده، کلمه‌الله چنان قوتی و قدرتی در حقائق انسانیّه نموده که شئون بشریّه را تأثیر و نفوذی نگذاشته و به قوت قاهره، کلّ را در بحر احدیّت مجتمع فرموده و می‌فرماید.» (حضرت عبدالبهاء- مندرج در پیام معهد اعلی، شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع = ۱۹۷۷ میلادی)

۳۸) « در این دور بدیع... عاقبت... قطعّات خمسّه‌ی عالم حکم یک قطعه یابد و امم متعدّده یک امت شود و روی زمین یک وطن و نوع انسان یک طائفه شود و ارتباط اقالیم و امتزاج و ایتلاف و التیام اقوام و طوائف به درجه‌ای رسد که نوع بشر حکم یک خاندان و یک دودمان یابد.» (مفاوضات مبارك، ص ۵۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳۹) « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزّت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحقه و ادوار آتیه‌ی این کور مجید بسیط خاک را... یک وطن نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۴۰ « وحدت عالم انسانی که اعظم و اول مبدا این امر اقوم است، و سرپرده‌ی آن باید من بعد در قطب امکان پس از اتمام انقلابات^{۳۰۴} حالیه‌ی جهان بر حسب نبوات انبیای عظام و بشارات مسطوره در الواح قیمه‌ی مالک انام مرتفع گردد، از برکت شهادت غصن مقدس ریّان جمال رحمن (حضرت غصن اطهر) در عالم امکان تحقق خواهد یافت.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۰۲)

۴۱ « وظیفه‌ی ما (اهل بهاء) این است که... به هر طریقی که شرایط میسر می‌سازد، سهم خود را در مساعدت به نیروهای اداکنیم که تحت مشیت و هدایت حضرت بهاءالله مشغول به بیرون کشیدن بشریت از عمق درّه‌ی فلاکت و خجالت و هدایت آن به سمت اعلی قلیل قدرت و عظمت هستند.» (آخرین جمله‌ی توقیع منیع روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۹) (ترجمه‌ی شخصی)

۴۲ « حصول وحدت عالم انسانی است که یگانه وسیله‌ی تأسیس ملکوت پدر آسمانی^{۳۰۵} است که در دیانت عیسای مسیح پیش‌بینی شده.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۴) (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۴۳ « حصول وحدت عالم انسانی سبب تحقق و اکمال پیشگویی انبیاء گذشته می‌شود که فرموده‌اند در آن زمان شمشیر به خیش بدل شود و شیر و برّه در یک کاشانه بیاسایند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۴) (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۴۴ « طلوع فجر سعادت نوع انسان که در باره‌اش شاعران پیشین ترانه‌ها سروده و صاحب‌دلان در عالم مکاشفه مشاهده‌اش کرده‌اند، وابسته به حصول وحدت عالم انسانی است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۳) (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۴۵ « آیین بهایی به یگانگی خدا و یگانگی انبیاء معترف است و به وحدت و جامعیت نوع بشر معتقد و به این ندا منادی است که اتحاد عالم انسانی واجب، بل اجتناب‌ناپذیر است و به تدریج تحقق می‌یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۳)

۴۶ « آیین بهایی مدعی است که جز روح خلاق الهی که در کلام فرستاده‌ی یزدانی در این عصر جهان‌افروز سریان دارد، هیچ امر دیگری اتحاد نوع انسان را تضمین نتواند و تحقق نبخشد.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۳)

۴۷ « ای قویّ قدیر... نقاب از وجه ناموس اعظمت بیفکن و بر فراز کرم الهی، در ارض میعاد، سرپرده‌ی وحدت عالم انسانی منصوب ساز.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

^{۳۰۴} به مبحث ۱۰۰ رجوع شود.

^{۳۰۵} به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود. بدیهی است وحدتی که "یگانه وسیله‌ی تأسیس ملکوت پدر آسمانی است" از نوع روحانی (و نه سیاسی) بوده، در عصر ذهبی تحقق خواهد یافت.

- (۴۸) « همین قلم (قلم حضرت عبدالبهاء) ... پیش‌گویی می‌نماید که... وحدت تمامی نژاد انسانی تحقق خواهد یافت؛ هنگامی که 'کل'، ... جنس واحد و قوم واحد شوند.» (مرور معبود، ص ۴۲۰)
- (۴۹) « صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه‌ی ملل و امم^{۳۰۶} (است).» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)
- (۵۰) « در عصر ذهبی دور مقدس جمال ابهی ... شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود.»^{۳۰۷} (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)
- (۵۱) « این اصول محکم متین (قوانین، مؤسسات و مواد موضوعه‌ی حضرت بهاءالله) ... یگانه عامل اتحاد بنی آدم... در روی زمین می‌باشد.» (حضرت ولی امرالله، ارکان نظم بدیع، ص ۴۳)
- (۵۲) « (جامعه‌ی متحد جهانی باید) مانند هیکی زنده، در جمیع جنبه‌های اصلی حیاتش، در نظم سیاسیش، آمال روحانیش، تجارت و اقتصادش، خط و زبانش متحد باشد و در عین حال، کشورهای عضو آن حکومت متحده‌ی جهانی، بتوانند آزادانه خصائص ملی خود را حفظ کنند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۸- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۳)
- (۵۳) « امری که حضرت بهاءالله اعلان فرمود... ثابت کرد که ادعایش و عنوانش دین جهانی است و مقصدش ایجاد یک جامعه‌ی متحد المرام عالم گیر است که در میقات معین تأسیس نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۴۴، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۵۴) « بر ما است که... از دل و جان دعا نماییم تا جمال یزدانی آن مقصد آسمانی (وحدت عالم انسانی) را که اعظم نتیجه‌ی ذهن و وقاد حضرت بهاءالله و ابهی ثمره‌ی تمدن اهل عالم است، هرچه زودتر در عالم امکان تحقق بخشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۶، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- (۵۵) « هیچ قوه‌ای... جز قوه‌ی الهیه نمی‌تواند تحقق چنان مقصد اعلائی (وحدت عالم انسانی) را میسر سازد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۹، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

^{۳۰۶} در این فقره‌ی مبارکه، "صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه" توصیف شده است، و این در حالی است که فقراتی متعدد (از جمله: فقره‌ی ۱۲ از مبحث ۶- ف ۶ از م ۳۱- ف ۹۳- ف ۴ از م ۱۳۰- ف ۷۳ از م ۱۳۱ و فقرات ۲۶ و ۳۱ و ۴۲ و ۴۹ از مبحث ۱۳۳) اشعار می‌دارند که صلح اعظم ثمره و نتیجه‌ی تحقق وحدت روحانی عالم خواهد بود. اما از آنجا که حقیقت وحدت، بخصوص وحدت روحانی عالم انسانی، پروسه‌ای پاینده و پیش‌رونده است، متوجه می‌شویم که به مرور، درجاتی عالی‌تر از این وحدت، حتی بعد از استقرار صلح اعظم نیز پدیدار خواهد گشت.

^{۳۰۷} در این فقره‌ی مبارکه مصرح است که در عصر ذهبی، حالتی تکامل یافته‌تر از نوع وحدتی که در مبحث ۱۰۳ "وحدت سیاسی عالم انسانی" تسمیه شده است، تحقق خواهد یافت. به جهت حفظ تمایز، این حالت تکامل یافته را "وحدت روحانی عالم انسانی" نامیده‌ایم.

(۵۶) « وحدت نوع انسان، به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده، مستلزم آن است که يك جامعه‌ی متحد جهانی^{۳۰۸} تشکیل یابد که در آن تمام ملل و نژادها و ادیان و طبقات کاملاً و پیوسته متحد گشته و در عین حال استقلال دول عضو و آزادی و ابتکار اعضای مرکب‌اش تماماً و یقیناً محفوظ ماند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۵۷) « در سنین آتی‌ی این دور بهایی... موهبت وحدت عالم انسانی رخ بگشاید؛ و قطعاً (قارّات) خمره حکم یک قطعه یابد؛ و وحدت اصلیه در هیأت اجتماعیه تحقق پذیرد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

(۵۸) « آنچه در هویتین امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله)... سطوع انوار یگانگی و وحدت حقیقی بین ابناء انسان (است).» (قرن بدیع، ویرایش جدید، صص ۸۱۸-۸۱۷)

(۵۹) « اهرام دماء مطهره‌ی شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افشان اعزّ ابهایی روی زمین را بهشت برین نماید و سراپرده‌ی وحدت عالم انسانی را کما نزل فی الالواح، در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد.» [حضرت ولی امرالله، مندرج در مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۵]

(۶۰) « حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء بر خلاف ظهورات گذشته، سلسله قوانینی را وضع و مؤسّسات مشخصی را ایجاد کرده و آنچه را که لازمه‌ی تأسیس یک مجتمع منظم الهی است بیان فرموده‌اند که همه مقدر است... سازمانی یگانه در اتحاد بنی آدم... در این جهان باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۷- توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

(۶۱) « وحدت عالم انسانی نماینده و نشانه‌ی تحقق تکامل نوع بشر در این جهان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۹- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۶۲) « صاحب مکاشفات در کتاب عهد جدید در مقدمه‌ی مقالش راجع به جلال یوم موعود که عالم انسان به دوره‌ی نجات و شادمانی فایز شده است، بیان مشابهی دارد: "دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید؛ چون که آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد و شهر مقدّس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود؛ (و) حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است؛ و آوازی بلند از آسمان شنیدم (که) می‌گفت اینک خیمه‌ی خدا با آدمیانست و با ایشان ساکن خواهد بود که ایشان قوم‌های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود و محو خواهد

^{۳۰۸} در این بیان مبارک تعریف دقیقی از ماهیت پدیددهی "وحدت روحانی عالم انسانی" عرضه شده است.

کرد خدا هراشک را از چشم‌های آن‌ها و دیگر مرگ نخواهد بود و نیز ناله و فریاد و درد نخواهد بود؛ زان رو که اطوار نخست درگذشت.^{۳۰۹}» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۸-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۶۳) «محور وحدت عالم انسانی قوه‌ی میثاق است و بس.» (مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در باره‌ی عهد و میثاق الهی، ص ۲۲)

(۶۴) «این از وعود الهیه است که روزی آید که شمس حقیقت از جمیع آفاق اشراق نماید و به فرموده‌ی مرکز میثاق: "در هفت اقلیم آهنگ سبوح قدوس ربّ الملائکه و الرّوح بلند گردد و خیمه‌ی وحدت عالم انسانی در قطب جهان بلند شود... شرق و غرب با یکدیگر عشق بازد و به انس و الفت پردازد و این مژده گوشزد آفاق گردد و این اشراق خاور و باختر را روشن و منور نماید."» (پیام ۵ جون ۱۹۷۷/ اول شهرالنور ۱۳۴ بدیع)

(۶۵) «اهل بهاء... فضلا من عنده، به منزله‌ی وسائط و وسایل تحقق اراده‌ی الهیه در تأسیس... وحدت عالم انسانی محسوبند.» (پیام ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸)

(۶۶) «قوای منبعث از مرکز وحی الهی... موجد وحدت اصلیه در جامعه‌ی بشر است.» (۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

(۶۷) «آنچه واقع گردد در مسیر تحقق مشیت الهیه است که مقدر فرموده بشر در مسیر مستمر به سوی ترقی و کمال، قطع مراحل کند و از وحدت خانواده و قبیله و شهر وطنی به وحدت عالم انسانی که مقصد اصلی آیین جهان‌آرای بهایی است، واصل گردد.» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴)

(۶۸) «همه‌ی مظاهر الهی در طول تاریخ برای وصول به این هدف؛ یعنی تحقق روزی که فقط یک گله و یک شبان باشد، خدمت کرده‌اند.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۰)

(۶۹) «از همان بامداد لیل‌ی صعود جمال قدم تأسیسی الهی (عهد و میثاق الهی) آغاز گردید که در دور حضرت بهاءالله، ضامن تحقق یافتن مقصد اصلی امر مبارکش برای عالم انسانی، یعنی وحدت و یگانگی بشر است.» (پیام ۲۳ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۴)

(۷۰) «وحدت و اتحادی واقعی که تاکنون قوه‌ی عهد و میثاق الهی به وجود آورده، این امید و انتظار را شدیداً تقویت می‌نماید که وحدت و یگانگی نوع بشر امکان پذیر است و مسلماً تحقق خواهد یافت.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۸)

^{۳۰۹} مکاشفات یوحنا، باب ۲۱، آیات ۱ الی ۵.

(۷۱) «عالم انسانی خواه ناخواه به سوی وحدت و صلح، سرنوشتی که هنوز از دسترس او دور است، گام برمی‌دارد. به راستی در خلال سال مقدّس، بر بال روح به اوج قلّه‌ای فرارفتیم و از فراز آن، شکوه وعده‌ی ازلی الهی را به چشم دیدیم؛ وعده‌ای که تحقّقش سریعاً نزدیک می‌شود و بنا بر آن، روزی همه‌ی نوع بشر متحد خواهد شد.» (پیام رضوان ۱۹۹۳- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۸)

(۷۲) «وحدت عالم انسانی که اصل اساسی و هدف غایی امر حضرت بهاءالله است، به فرموده‌ی حضرت ولیّ امرالله، دلالت بر "تغییر و تحوّل حیاتی در ساختمان جامعه‌ی بشری در عصر حاضر دارد."» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل ملی آمریکا)

(۷۳) «(حضرت بهاءالله) نه تنها قوانین و اصول و حقایقی را اعلان فرمودند که با نیازهای این زمانه هماهنگ است، بلکه هسته‌ی مرکزی و الگوی آن مؤسّساتی را که مقدّر است در مسیر تکاملش به ایجاد جامعه‌ای جهانی... تبدیل شود، تأسیس فرموده‌اند.» (پیام ۲ جون ۱۹۹۶)

(۷۴) «این از وعود الهیه است که روزی آید که... خیمه‌ی وحدت عالم انسانی در قطب جهان بلند شود.» (پیام ۵ جون ۱۹۹۷ = اوّل شهرالنوز ۱۳۴ بدیع)

(۷۵) «به فرموده حضرت ولیّ امرالله، امر بهایی "ثابت کرد که ادعایش و عنوانش دین جهانی است و مقصدش ایجاد یک جامعه‌ی متحدالمرام عالمگیر (نوع دیگری از بیان وحدت روحانی عالم انسانی) است که در میقات معین تأسیس نماید؛ جامعه‌ای که هم موجد و هم حافظ صلح اعظمی^{۳۱۱} است که حضرت بهاءالله اعلانش فرموده."» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۶- نظم جهانی بهایی، ص ۱۴۴)

(۷۶) «عصر ذهبی... نهایتاً به حلول جامعه‌ی مشترک‌المنافع بهایی (یا اتّحادیه‌ی جهانی بهایی یا حکومت جهانی بهایی) خواهد رسید.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)

(۷۷) «قوای روحانی منبعثه از این فداکاری‌ها (فداکاری‌های احبّای ایران)... موجب پیشرفت امرالله و مآلاً تأسیس وحدت عالم انسانی خواهد شد.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

(۷۸) «هرچند این آگاهی (تعلّق نوع انسان به یک قوم واحد) امیدبخش است؛ ولی باید آن را صرفاً به منزله‌ی اولین قدم در فرایندی شمرد که تنها با گذشت سال‌ها بلکه قرن‌ها تکامل خواهد یافت؛ زیرا اصل یگانگی نوع بشر که حضرت بهاءالله مقتضیات آن را اعلان فرموده‌اند، فقط خواهان هم‌کاری در بین

^{۳۱۰} به فصل هفتم، بخصوص مباحث ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۱۷ و ۱۲۷ رجوع شود.

^{۳۱۱} به مبحث ۱۳۳ مراجعه شود. در ضمن، از مضمون این فقره‌ی مبارکه مستفاد می‌شود که وحدت روحانی عالم مقتضای تحقق صلح اعظم است.

مردمان و ملت‌ها نیست؛ بلکه مستلزم نواندیشی کامل در بارهی روابطی است که به اجتماع تداوم می‌بخشد.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳)

۷۹) «(خطاب به پیروان امر حضرت یزدان در کشور مقدس ایران) به خوبی می‌دانید که استقرار ملکوت الهی در این جهان پر آشوب کار آسانی نیست. ایمانی راسخ، توکلی کامل، همّتی بلند، روحیه‌ای شکست‌ناپذیر، تلاشی مستمر و صبر و تحملی بی‌پایان می‌خواهد... مطمئن هستید که همان‌گونه که دانه به فیض باران و کوشش باغبان به مرور زمان به درختی تنومند و بارور تبدیل می‌شود، از خودگذشتگی‌های شما عزیزان و مساعی دیگر بهاییان جهان نیز به طوری که شواهد آن در سراسر عالم ظاهر و آشکار و در این کانونشن بین‌المللی (یازدهمین کانونشن بین‌المللی بهایی) بارز و عیان بود، با الطاف و عنایات خداوندی در میقات معین ثمرات عالیّه به بار خواهد آورد، قلوب را روشن خواهد کرد، جهان تاریک را رشک گلزار و چمن خواهد نمود و بالمآل وحدت عالم انسانی را محقق خواهد ساخت.» (پیام ۱۰ می ۲۰۱۳)

۱۳۲. احاطه‌ی عدل اعظم الهی (۳۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) «نفوسی که برای احیای عالم آمده‌اند، فتوی بر قتلشان داده‌اند؛ زود است که نیر عدل از افق سماء عنایت الهی اشراق فرماید؛ اذاً یجدون انفسهم فی ضلال مبین.» (حدیقه‌ی عرفان، ص ۲۴)
- ۲) «عنقریب یومی خواهد رسید که مؤمنین، آفتاب عدل را در اشدّ اشراق از مطلع جلال مشاهده خواهند نمود.» (ترجمه) (جمال ابهی، منقول در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۱۴)
- ۳) «اگر عالم به این طراز (داد = عدالت و دادگری) مزین گردد، شمس کلمه‌ی یوم یعنی الله کلاً من سعته از افق سماء دنیا طالع و مُشرق مشاهده شود. مقام این بیان را بشناسید چه که از علیا ثمره‌ی شجره‌ی قلم اعلی است.» (کلمات فردوسیّه، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۶-۳۷) (مضمون عبارت عربی: روزی که خداوند همه را با توانگریش بی‌نیاز خواهد کرد.)
- ۴) «ان یا هذا الاسم (اسمه العادل)، ان افتخر فی نفسک بما جعلناک مشرق عدلنا بین العالمین. فسوف نبعث منک مظاهراً فی الملک و بهم نظوی شرع الظلم و نبسط بساط العدل بین السموات و الارضین و بهم یمحو الله آثار الظلم عن العالم و یزین اقطار الآفاق باسماء هؤلاء بین العالمین. اولئک الذین یتبسّم بهم ثغر الوجود من الغیب و الشهود و هم مرایا عدلی بین عبادی و مطالع اسمائی بین بریتی و

بهم تقطع ایادی الظلم و تقویٰ اعضاء الامر کذلک قدّرنا الامر فی هذا اللّوح المقدّس الحفیظ.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۸۸- لوح رضوان العدل) [مضمون: ای این اسم (اسم عدل)، به خود ببال، چون که ترا مشرق عدل خود میان جهانیان قرار دادیم. به زودی از تو مظاهری در ملک ظاهر خواهیم کرد و به واسطه‌ی آنان خیمه‌ی ظلم را نابود خواهیم نمود و بساط عدل را میان آسمان‌ها و زمین‌ها خواهیم گسترد. این مظاهر، کسانی هستند که عرصه‌ی وجود، از غیب و شهود، به رخسارشان لبخند خواهند زد و آنان آینه‌های عدالت من میان بندگانم و طلوعگاه‌های نام‌هایم در بین خلقم خواهند بود و توسط آنان دستان ظلم قطع خواهد شد و بازوان امر تقویت خواهد گشت. امر را در این لوح مقدّس محفوظ این گونه مقدر کردیم.]

(۵) « این ظلم‌های وارده‌ی عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می‌نماید.» (جمال ابهی، نقل توسط حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۱۳)

(۶) « اگر در این ربیع الهی سدره‌های وجود (انسان‌ها) به اثمار مذکوره (اخلاق مرضیه و اعمال حسنه‌ی و کلمه‌ی طیّبه) مزین شوند، البتّه انوار آفتاب عدل من علی الارض را احاطه نماید و کلّ، خود را فارغ و مستریح، در ظلّ حضرت مقصود مشاهده کنند.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۶۴)

(۷) « انشاءالله ملوک و سلاطین که برای اسم عزیز الهیند، به این مقام فایز شوند و عالم را از سطوت ظلم محفوظ دارند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۷)

(۸) « انشاءالله نور انصاف بتابد و عالم را از اعتساف مقدّس فرماید. اگر ملوک و سلاطین که مظاهر اقتدار حق جلّ جلاله‌اند همّت نمایند و بما ینتفع به منّ علی الارض قیام فرمایند، عالم را آفتاب عدل اخذ نماید و منور سازد.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۱۲- لوح مقصود، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۹۸)

(۹) « سوف یرون المخلصون شمس العدل مشرقةً من افق العلاء، کذلک یخبرک مولای الوری فی سجنه المتین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۶۳) (مضمون: به زودی مخلصان خورشید عدل را از افق افراشته، درخشان و تابان خواهند دید؛ مولی الوری از درون زندان محکمش، این چنین به تو خبر می‌دهد.)

(۱۰) « از حق بطلبید به ایادی عنایت و تربیت، نفوسی چند را از آرایش نفس و هوی مطهر فرماید تا الله قیام نمایند و لوجه تکلم کنند که شاید آثار ظلم محو شود و انوار عدل عالم را احاطه نماید.» (لوح مقصود، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۴)

۱۱) « ان ارتقبوا یا قوم ایام العدل و انها قد اتت بالحق. ایاکم ان تحتجبوا منها و تكونن من الغافلین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره‌ی ۱۲- منقول در ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۱۴) (مضمون بیان مبارک از روی ترجمه‌ی انگلیسی آن: ای مردم، خود را برای ایام عدل الهی آماده کنید؛ چون که این ایام به حق و راستی حلول نمود. مراقب باشید از درک اهمیت آن ناکام نمانید و از گمراهان محسوب نشوید.)

۱۲) « فی الحقیقه اگر آفتاب عدل از سحاب ظلم فارغ شود، ارض غیر ارض مشاهده گردد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸]

۱۳) « انا غرسنا بایادی القدرة فی هذا الرضوان اشجار العدل و اسقیناها بمیاه الفضل، فسوف تأتي کل واحدة باثمارها؛ كذلك قضی الامر و لامرد له من لدنا، انا کنا آمرین.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۸۹- لوح رضوان العدل) (مضمون: ما به دستان قدرت در این رضوان، درختان عدل و داد کاشتیم و آن‌ها را با آب فضل و بخشش آبیاری کردیم، به زودی هر یک از آن‌ها میوه‌ی خود را به بار خواهد آورد؛ این گونه امر مقدر شد، و به خواست ما تردیدی در آن نیست، همانا ما از آمرین هستیم.)

۱۴) « عنقریب اشراقات انوار آفتاب عدل بر عالمیان ظاهر و هویدا گردد.» (آیات الهی ۲، ۲۱ اکتبر، ۶ فوریه)

۱۵) « یا علی، از ضوضای (داد و فریاد) غافلین و زماجیر (عربده و هیاهو) مشرکین محزون مباش؛ عنقریب رایات عدل و انصاف در اطراف به اسم حق مرتفع شود.» (جمال ابهی، مائده‌ی آسمانی ۷، باب سوم، مطلب یازدهم، ص ۱۳۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۶) « مساوات و عدالت روحانی^{۳۱۲}، بدون دخول در ملکوت (یعنی بدون قبول امر الهی) محال و ممتنع است.» (مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۴۴۵)

۱۷) « در جمیع کتب مقدسه این یوم موعود، مذکور که... ظلم و عدوان به عدل و احسان منتهی گردد. این، از امور مبروره‌ی محتومه‌ی کور ظهور است.» (مکاتیب عبدالبهاء ۶، ص ۱۷۸)

۱۸) « کل موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور (ظهور حضرت اعلیٰ و ظهور جمال اقدس ابهی)... عدل و حقانیت جهان را احاطه کند.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

^{۳۱۲} این فقره‌ی مبارکه، اولاً به نوعی از عدالت اشاره می‌نماید که "روحانی" است و ثانیاً حصول آن را موکول به ایمان به امر الهی می‌فرماید؛ به همین دلیل، لازم آمده که این مبحث در عصر ذهبی قرار داده شود.

۱۹) « اقویا و ضعفا و اغنیا و فقرا و طوائف متنازعه و ملل متعدیه که مانند گرگ و بره و پلنگ و بزغاله و شیر و گوساله هستند، در نهایت... عدالت و انصاف، با هم معامله نمایند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۰)

۲۰) « یوم ربّ جلیل است؛ عدل الهی عاقبت جلوه نماید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۳۶)

۲۱) « بیت العدل مصدر تشریح است و حکومت قوهی تنفیذ. تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود، تا از ارتباط و التیام این دو قوه، بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد.» (حضرت عبدالبهاء، ارکان نظم بدیع، ص ۲۱۴)

۲۲) « عدل الهی در جمیع امور بشری ظاهر خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، نقل در پیام رضوان ۲۰۱۲ بیت العدل اعظم)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲۳) « (اعضای شوراهای انتخابی بهایی باید) از آنچه "عدل اعظم" در وجدانشان القاء می نماید، تبعیت کنند؛ و همین عدل اعظم است که به تنهایی قادر خواهد بود "صلح اعظم" را برپا دارد؛ صلیحی که اسم اعظم، حضرت بهاءالله، آن را اعلان فرموده و عاقبت هم برقرارش خواهد نمود.»^{۳۱۳} (مرور معبود، ص ۴۳۷)

۲۴) « این اصول محکم متین (قوانین، مؤسّسات و موادّ موضوعه‌ی حضرت بهاءالله)... یگانه عامل... استقرار سلطنت عدالت الهیه در روی زمین می باشد.» (حضرت ولیّ امرالله، ارکان نظم بدیع، ص ۴۳)

۲۵) « بعد از تشنجی عمومی، خورشید عدالت از افق ملکوت غیب طلوع خواهد کرد.» (ترجمه) (روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۱)

۲۶) « اریاح عدلیّه به اراده‌ی ازلیّه نافذه‌ی مولی البریه در میقات معلوم مرور نماید و این ظلم‌های وارده به فرموده‌ی مظهر احدیه، تدارک عدل اعظم می نماید.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۶۳]

۲۷) « حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء، بر خلاف ظهورات گذشته، سلسله قوانینی را وضع و مؤسّسات مشخصی را ایجاد کرده و آنچه را که لازمه‌ی تأسیس یک مجتمع منظم الهی است

^{۳۱۳} در این بیان مبارک، تصریح می‌شود که این، عدل اعظم است که صلح اعظم را برپا خواهد داشت؛ یعنی قبل از آن برقرار خواهد شد.

بیان فرموده‌اند که همه مقدر است... سازمانی یگانه در... اعلان حکومت عدل و داد در این جهان باشد.»
(نظم جهانی بهایی، ص ۲۷-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

(۲۸) «در چنان نظامی (جامعه‌ی متحد جهانی)، زور خادم عدل و داد شود.» (نظم جهانی بهایی،
ص ۱۵۷، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۲۹) «حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) پیش‌گویی می‌کند که بعد از دوره‌ای آمیخته با آشوب و
ستمگری، خورشید خروشان عدالت و دادگری، در نهایت جلال و جمال و بزرگی تابان خواهد شد.»
(مرور معبود، ص ۳۰۱)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۳۰) «ستایش عدالت که باید اصل حاکم بر جامعه بشری باشد... از عناصر اولیّی سیاست الهی است
که حضرت عبدالبهاء طیّ این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ
فرمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

(۳۱) «جامعه‌ی بهایی در نزد دیگران (مؤسّسات جامعه‌ی انسانی) نمونه‌ای خواهد بود که مجهداتشان
را در بنای جامعه‌ای بر پایه‌ی عدالت الهام خواهد بخشید.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱
میلادی، ص ۹۵)

(۳۲) «حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای که چند روز پس از استقرار سنگ زاویه‌ی ام‌المعابد غرب ایراد
نمودند، فرمودند که... "عدل الهی در جمیع امور بشری ظاهر خواهد شد."» (بیت‌العدل اعظم، پیام
رضوان ۲۰۱۲)

(۳۳) «حضرت عبدالبهاء... اعلان فرمود... در آن قرن (قرنی که در پیش است) (در نتیجه‌ی معلوم شدن
حقیقت وحدت عالم انسانی بر جهانیان) کار بنای جامعه‌ی جهانی که بر اصول عدالت استوار باشد، آغاز
خواهد شد. چنین بینشی در بسیاری از الواح و خطابات حضرت عبدالبهاء مکرر آمده و نمونه‌ی کاملش را
در لوحی خطاب به جین الیزابت وایت همسر رییس سابق کلیسای "فری چرچ" (Free Church)
اسکاتلند می‌توان دید.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۷)

۱۳۳. حلول صلح اعظم ابهایی (۵۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « این جنگ‌های بی‌ثمر و محاربات خانمان سوز منقضی شود و صلح اعظم تحقق یابد.» (حضرت بهاءالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رسالهی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۷۳)
- (۲) « این مظلوم اراده نموده فساد و نزاع و جدال و اختلاف و تفریق را به قوهی ملکوتی، از ما بین احزاب عالم بردارد.» (مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۶۷)
(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء
- (۳) « ای دوست عزیز، در مجامع ملکوت ترتیل آیات لاهوت می‌گردد... البته آن آهنگ، اقالیم فرنگ را به حرکت آرد و قلوب قطعات خمسه‌ی عالم را به یکدیگر الفت داده، بنیان جنگ را براندازد.» (حدیقه‌ی عرفان، ص ۱۷۷)
- (۴) « به حسب تعالیم الهیه، رایت صلح اعظم را باید قوهی کلمه‌الله برافرازد.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۳)
- (۵) « از این پس ما همواره در قلب و روح و وجدان با هم خواهیم بود؛ با هم تلاش خواهیم کرد تا تمام نفوس در ظل خیمه‌ی ملکوت مجتمع شوند و سرود صلح و دوستی سردهند.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، بند ۴، خیابان کامئون، چهارشنبه، ۲۵ اکتبر ۱۹۱۱)
- (۶) « مشاهده می‌کنیم که چگونه طی اعصار و قرون سطح زمین از خون رنگین شده است؛ اما اکنون نور عظیمی درخشیده است، عقل و شعور بشر تقویت شده است، و روحانیت رو به فزونی است؛ لهذا قطعاً زمانی خواهد آمد که ادیان جهان در صلح و امان خواهند زیست.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۶ نوامبر ۱۹۱۱)
- (۷) « چون احکام کتاب مقدس (منظور کتاب مستطاب اقدس است) اجرا گردد... صلح عمومی در قطب امکان خیمه برافرازد و شجره‌ی مبارکه‌ی حیات چنان نشو و نما نماید که بر شرق و غرب سایه افکند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۳- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۹)
- (۸) « ملکوت صلح، نجاج، راستی و درستی و ائتلاف در عالم لائیری (جهان ناپیدا) تأسیس گردیده و به قوهی کلمه‌الله تدریجاً ظاهر و باهر خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در بیانیه‌ی دارالانشاء، ۱۹ آریل ۲۰۰۱)

- (۹) « صلح عمومی^{۳۱۴} و تعاون و تعاضد بین نوع انسانی... بدون دخول در ملکوت (یعنی بدون ایمان ملل به امر مبارک) محال و ممتنع است. » (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۴۴۵)
- (۱۰) « ای حزب الله، حضرت اعلی روحی له الفداء جان را فدا نمود و جمال مبارک در هر دمی صد جان فدا فرمود و تحمّل مصائب و شداید شدیده کرد؛ حبس و زنجیر شد؛ آواره و سرگون دیار بعیده گشت و عاقبت در سجن اعظم ایام به سر برد و همچنین جمّ غفیری از یاران الهی در این سیل شهد شهادت نوشیدند و جان و مال و اهل و عیال، کلّ را فدا و نثار فرمودند... جمیع به جهت این که (از جمله)... نزاع و جدال به کلّی، از بیخ و بنیاد برافتند و ملکوت صلح بر عموم بشر استیلا یابد. » (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۱۶۱)
- (۱۱) « جمال ابهی روحی لاحبّائه الفداء تحمّل مصائب کبری فرمود و بلا یای بی منتهی، دمی نیاسود و نفسی به راحت بر نیآورد، آوازه‌ی کوه وهامون گشت و سرگون قلاع و سجون (دژها و زندان‌ها) شد... تا... جهان بیاساید، نزاع و جدال از میان بر خیزد و سیف و سنان بدل به روح و ریحان گردد و جنگ و عدوان منقلب به محبّت و امان؛ یعنی میدان جیش و طیش مبدّل به عشرت و عیش گردد و ساحت رزم خونریز بزم مشکبیز شود؛ جنگ ننگ گردد و حرب و ضرب به مثابه‌ی جَرَب (بیماری گری) منفور قبائل و امم شود؛ صلح عمومی در قطب عالم خیمه برافرازد و بنیاد حرب و قتال از بن براندازد. » (مکاتیب عبدالبهاء، ۲، ص ۲۰۷)
- (۱۲) « در جمیع کتب مقدّسه این یوم موعود، مذکور که جنگ‌ها به صلح انجامد. این از امور مبروروی محتومه‌ی کور ظهور است. » (مکاتیب عبدالبهاء، جلد ششم، ص ۱۷۸)
- (۱۳) « در این دور بدیع... عاقبت... صلح عمومی در قطب امکان خیمه برافرازد. » (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)
- (۱۴) « به قوه‌ی حضرت بهاءالله... صلح عمومی خیمه افرازد. » (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۲۴۲)
- (۱۵) « در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور ربّ جنود)... عالم بشر تربیت شود؛ جنگ و جدال و نزاع و فساد از میان بر خیزد و راستی و درستی و آشتی و خدا پرستی به میان آید. » (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)
- (۱۶) « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی‌همال (جمال مبارک) وقوع خواهد یافت... صلح و آشتی عمومی در بین جمیع دول حاصل گردد. » (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

^{۳۱۴} صلحی عمومی که مستلزم دخول نوع انسان در ملکوت یا ایمان آنان به امر الهی باشد، همان صلح اعظم ابهایی است که در عصر ذهبی محقق خواهد شد.

- ۱۷) «کُل، موعود به دو ظهورند که پی‌درپی واقع شود... در این دو ظهور... جنگ مبدل به صلح شود... اسباب نزاع و جدال به کلی از میان برخیزد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)
- ۱۸) «در این دور بدیع... نزاع و جدال و قتال به صلح و راستی و آشتی مبدل خواهد شد و التیام و ارتباط محکم گردد؛ عاقبت حرب به کلی ممنوع شود»^{۳۱۵}. (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)
- ۱۹) «انوار صلح و سلام از شمس حقیقت طلوع نمود و عنقریب انوارش شرق و غرب روشن نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۱۱۵)
- ۲۰) «امیدواریم که در مستقبل، آفتاب سلام عام از افق عالم به موجب تعالیم آسمانی، در نهایت اشراق طلوع نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۴)
- ۲۱) «عاقبت جنگ و جدال از آفاق برافتد و ظلمت عداوت و بغضا زائل گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۲۷۳)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۲۲) «مظهر ظهور بهائی اسم و لقب بی‌تی را که تاج و هاج مؤسّسات اداری او است (منظور بیت‌العدل اعظم است)، با صفت عدل و نه صفت عفو، قرین فرمود و عدل را که طبق کلمات مکنونه، نزد او "احبّ الاشیاء" است، یگانه اصل و پایه‌ی دائمی صلح اعظم مقرر داشته است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۱۴)
- ۲۳) «چنین صلحی (صلح اعظم)، بر هیچ اساسی مرتفع نگردد و هیچ دستگاہی آن را محافظت نتواند، مگر آن که بر پایه‌ی احکام و قوانین الهی استوار باشد و آن احکام و تعالیم در نظم جهانی بدیعی که به نام مقدّس حضرت بهاءالله منسوب است، مذکور و مکتوب است.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۶۸-نظم جهانی بهایی، ص ۹۵)
- ۲۴) «وودرو ویلسن^{۳۱۶} (Woodrow Wilson) رئیس جمهور جاویدان این ملت (ملت آمریکا) این افتخار بی نظیر را احراز کرد که در میان زمامداران ممالک شرق و غرب، یگانه شخصیتی بود که نوایای خیریه خود را که نزدیک به مبادی امر حضرت بهاءالله بود، اعلان فرمود و پیش از هر پیشوای دیگر، سهمی در ایجاد جامعه‌ی ملل ایفا نمود؛ موفقیتی که به شهادت قلم مرکز میثاق، نشانه‌ی طلوع فجر صلح اعظم بود و می‌بایست به موجب همان کلک مکرّم، آفتابش با تنفیذ احکام شریعت حضرت بهاءالله طالع

^{۳۱۵} در این بیان مبارک نیز "التیام و ارتباط"، یعنی وحدت روحانی، مقدمه‌ی ممنوع شدن حرب، یعنی صلح اعظم تلقی شده است.

^{۳۱۶} بیست و هشتمین رئیس جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا، از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۱.

شود.» [حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۴] (۵ ژوئن ۱۹۴۷-) (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴۱)]

۲۵) «ای قوی قدیر... قوایم و دعائم صلح اعظم را به سر پنجه‌ی اقتدار استوار فرما.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

۲۶) «اما "صلح اعظم" به نحوی که حضرت بهاء‌الله مقرر فرموده، صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقق یابد که جنبه‌های روحانی و معنوی بر جهان غلبه یافته باشد؛ یعنی زمانی که جمیع نژادها و مذاهب و طبقات و ملل در هم ادغام شده باشند (نوع دیگری از بیان وحدت روحانی عالم انسانی).»^{۳۱۷} (نظم جهانی بهایی، ص ۹۵- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- ندا به اهل عالم، ص ۶۸)

۲۷) «در مستقبل ایام در طی عصر ذهبی^{۳۱۸} که آخرین عصر دور بهایی است، علم صلح اعظم، به وعده‌ی شارع مکرم، به اهتزاز آید.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۲۸) «مرحله‌ی بلوغ (اجتماعی بشریت)... طلوع عصری را بشارت می‌دهد که سرآمد اعصار است؛ عصری که در آن تیغ و شمشیر به گاو آهن و خیش تبدیل شود (عصر ذهبی)... و صلح جهانی قطعاً تا ابدالآباد در کره‌ی زمین استقرار یابد»^{۳۱۹}. (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۲)

۲۹) «این اصول محکم متین (قوانین، مؤسسات و مواد موضوعه‌ی حضرت بهاء‌الله) اعظم سبب ایجاد صلح اعظم... در روی زمین می‌باشد.» (حضرت ولی امرالله، ارکان نظم بدیع، ص ۴۳)

۳۰) «سلطنت الهیه، مآلاً به... اعلان صلح عمومی که مرحله‌ی سابع و اخیر است، منتهی گردد.»^{۳۲۰} (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۷- توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۳۱) «هنوز وحدت کامل نوع انسان ناشناخته مانده و یگانگیش اعلان نگردیده و علم صلح اعظم در قطب آفاق به اهتزاز نیامده است. چنان که حضرت بهاء‌الله خود چنین فرموده: "الیوم مقامات عنایات

^{۳۱۷} در این فقره‌ی مبارکه هم به وضوح و روشنی، وقوع صلح اعظم بعد از حصول اتحاد روحانی عالم، مقرر شده است. به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

^{۳۱۹} خاصیت ابدیت "صلح جهانی" یا همان صلح اعظم ابهایی، بسیار حائز اهمیت است. این نیز دلیل دیگری است بر این حقیقت که بعد از استقرار صلح اعظم جنگ و جدال برای همیشه از صفحه‌ی روزگار زایل خواهد شد. مطابق این بیان مبارک، استقرار سلطنت الهیه، قبل از حلول صلح اعظم است. اما از آنجا که فقرات متعدده‌ای عکس آن را بیان می‌فرمایند، لاجرم باید برای عبارت سلطنت الهیه تعبیری معنوی و نه صوری در نظر بگیریم؛ که البته با توجه به مباحث عمده‌ی فصول هفتم و هشتم، این استنباط چندان دور از حقیقت هم نیست. به زیر نویس مربوط به فقره‌ی ۴۷ از مبحث ۱۱۸ نیز رجوع شود. نیز در این فقره‌ی مبارکه، همانند بعضی فقرات دیگر از این مجموعه، مقصود از عبارت "صلح عمومی"، همان صلح اعظم است؛ زیرا با "سلطنت الهیه" که قطعاً در عصر ذهبی پدیدار خواهد شد، مستقیماً مرتبط است. (به مبحث ۱۳۵ نگاه شود.)

الهی مستور است چه که عرصه‌ی وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد، و لکن سوف یظهر امرأ من عنده."^{۳۲۱}» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۳- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون عبارت عربی: ولی به زودی به فرمانی از نزدش ظاهر خواهد شد.)

۳۲ « انقلاب اعظم (احاطه‌ی بلیات من کل الجهات بر هیأت اجتماعیّه) بنفسه،... رؤسای ارض را به رفع لوای صلح اعظم مطابقاً لما نزل من القلم الاعلی و من مبین آیاته الکبری، مؤید و مفتخر گرداند.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹) [مضمون عبارت: مطابق آنچه از قلم اعلی و قلم مبین آیات کبرایش (حضرت عبدالبهاء) نازل شده.]

۳۳ « "این ظلم‌های وارده، تدارک عدل اعظم الهی می‌نماید." (جمال ابهی) و این عدل اعظم، یگانه اساس صلح اعظم (است)."^{۳۲۱}» (حضرت ولیّ امرالله، توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)

۳۴ « آنچه در هویت این امر ابدع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله) ... استقرار صلح اعظم (است).» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۳۵ « در سنین آتیه‌ی این دور بهایی... رایت صلح اعظم بر اعلی‌الاعلام (برفراز بالاترین پرچم‌ها) موج زند.» (توفیق ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۳۶ « اهراق دماء مطهّره‌ی شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گهر افشان اعزّ ابهایی... صلح اعظم را تأسیس فرماید.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۵]

۳۷ « حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء، بر خلاف ظهورات گذشته، سلسله قوانینی را وضع و مؤسّسات مشخصی را ایجاد کرده و آنچه را که لازمه‌ی تأسیس یک مجتمع منظم الهی است، بیان فرموده‌اند که همه مقدر است که نمونه‌ی جامعه‌ی آینده و وسیله‌ی مؤثر برای تأسیس صلح اعظم... در این جهان باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۷- توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۳۸ « عدل اعظم عدلی است که بر اساس آن، بالمآل، صلح اعظم استوار گردد.»^{۳۲۲}» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۱۳)

^{۳۲۱} از این بیان مبارک به روشنی چنین استنباط می‌شود که عدل اعظم، اساس صلح اعظم است؛ یعنی قبل از آن محقق خواهد شد. به فهرست مندرجات نگاه شود.

^{۳۲۲} در این فقره‌ی مبارکه نیز رابطه‌ی ارگانیک و ایجاد بیّن "عدل اعظم" و "صلح اعظم" با صراحت تامّ، مشخص شده است.

۳۹) «(در جامعه‌ی متحد جهانی = حکومت جهانی بهایی) تعصبات و منازعات مذهبی به کلی فراموش و آتش عداوت‌های نژادی تا ابد خاموش خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نظم جهانی بهایی، ص ۵۴- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱/ با ترجمه‌ای کمی متفاوت، نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)

۴۰) «آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) ... در خلال ... اسفار (مغرب زمین)، قاطعانه اظهار داشت: "عقرب (به زودی) ملاحظه نمایند که علم تقدیس بلند گردد... و صلح عمومی بنیاد شود و پرتو حقیقت جلوه نماید.» [حضرت عبدالبهاء، مندرج در مرور معبود، ص ۳۷۶]

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۴۱) «عنايات موفوره... اینک در طی عصری پرآشوب، سیر تکاملی خود را می‌پیماید و عاقبت الامر صلح و سعادت بی نظیر به جامعه‌ی بشری ارزانی خواهد داشت.» (پیام ۱۲ نوامبر ۱۹۶۷)

۴۲) «جریان دوم (از دو جریان عظیم که در جهان در کار است)... دمیدن روح حیات بر این هیکل واحد بی‌روح (بشریت واصل به صلح اصغر) می‌باشد و آن، عبارت از خلق وحدت و ایجاد روحانیت حقیقی است که منتهی به صلح اعظم خواهد گشت^{۳۲۳}.» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۴۳) «(ابنیه‌ی فخمیه‌ی حول قوس کرمل و نیز طبقات کرمل)، امری که صلح اعظم را در عالم برپا سازد.» (پیام سپتامبر ۱۹۸۷- جزوه‌ی ۴۱، ص ۷۰)

۴۴) «"صلح اعظم"؛ یعنی همان نظم جهانی، که نشانه‌ی اصلیش اتحاد و یگانگی (است) و بر عدل الهی تکیه دارد.»^{۳۲۴} (معهد اعلی، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۹)

۴۵) «(سخن ادوارد براون بعد از تشرّف به حضور حضرت بهاءالله) مپرس در حضور چه شخصی ایستاده‌ام (ایستادم؟) و به چه منبع تقدیس و محبتی تعظیم نمودم که تاجداران عالم غبطه ورزند و امپراطوری‌های امم حسرت برند... با صدای نافذ و آهنگی باوقار مرا امر به نشستن فرمود... و چنین ادامه داد: "الحمدلله که فایز شدید و برای دیدار این مسجون تبعیدی آمدید. ما جز اصلاح عالم و تهذیب امم مقصدی نداریم... این جنگ‌های بی‌ثمر و محاربات خانمان سوز منقضی شود و صلح اعظم تحقق یابد."» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۷۳)

^{۳۲۳} این بیان مبارک به صراحت اشعار می‌دارد که وحدت روحانی عالم، "منتهی به صلح اعظم خواهد گشت"؛ یعنی استقرار صلح اعظم بعد از تحقق وحدت روحانی عالم خواهد بود.

^{۳۲۴} در این بیان مبارک نیز تصریح شده است که صلح اعظم بر عدل الهی تکیه دارد، یعنی بعد از آن محقق خواهد شد. به فهرست مندرجات رجوع شود.

۴۶ « صلح اصغر موکول و منوط به هیچ نقشه‌ی امری یا اقدام احبّا نیست و... هدف غایی که مقدر است در عصر ذهبی نصیب جامعه‌ی انسانی گردد (منظور صلح اعظم است) به شمار نمی‌رود.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

۴۷ « راه به سوی صلح (اصغر) هر قدر کوتاه باشد، ولكن پریچ و خم است و... باید پس از دوره‌ی طولی از طی سیر تکاملی خود به مرحله‌ی بلوغ رسد. این دوره، همراه با امتحانات و شکست‌ها و منازعات خواهد بود تا در ظلّ تأثیر و نفوذ امرالهی، منجر به ظهور و طلوع صلح اعظم گردد.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

۴۸ « عصر تکوین... عصری (است) که عهد متعدد "اقدامات بلانقطاعش به عصر طلایی امرالهی منجر خواهد شد"، یعنی زمانی که صلح اعظم کروی ارض را فراخواهد گرفت.» (پیام رضوان ۲۰۰۰)

۴۹ « صلح اعظم یعنی اتحاد روحانی و نیز اجتماعی و سیاسی نوع بشر^{۳۲۵}... در اثر مساعی بهائیان تأسیس می‌شود.» (پیام معهد اعلی، ۳۱ ژانویه ۱۹۸۵، مندرج در بیانیه‌ی دارالانشاء، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

۵۰ « هر قدر راه طولانی‌تر و پریچ و خم باشد، معذک باید (تشکیل جامعه‌ی ملل)، پس از یک سلسله فتوحات و عقب نشینی‌ها،... سرانجام به اهتزاز علم صلح اعظم در عصر ذهبی دور بهایی منتهی شود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۹- حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۰)

۵۱ « حضرت عبدالبهاء، هم در خطابات عمومی و هم در گفتگوهای خصوصی (در اسفار مغرب زمین)... پیش دیدگان جهانیان، منظر و نمایی از صلح عمومی... منبعث از ظهورالهی را هویدا ساخت.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۳)

۵۲ « در آثار بهایی مکرراً آمده است که البته در نتیجه‌ی تحولات حاصله از نقشه‌ی کبیر الاهی^{۳۲۶} و ثمرات اجرای نقشه‌ی صغیر الاهی^{۳۲۷}... این آتش (خانمان سوز جنگ و جدال) در میقات معین خاموش خواهد شد و انوار صلح اعظم جهان را منور خواهد نمود.» (پیام ۲۵ آوریل ۲۰۰۷)

۵۳ « بهائیان فرداً و جمعاً... معتقدند که این فرایند (فرایند سازندگی از دو فرایند اساسی حاکم بر حیات بشریت)، هر چقدر افق‌های نزدیک تیره و تار باشد، روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد... و عصر صلح عمومی

^{۳۲۵} از این بیان مبارک مستفاد می‌شود که صلح اعظم مستلزم "اتحاد روحانی" یا همان وحدت روحانی عالم انسانی است که طبیعتاً "اتحاد اجتماعی و سیاسی نوع بشر" را نیز در بر خواهد داشت.

^{۳۲۶} به مبحث ۷۷ رجوع شود.

^{۳۲۷} به مبحث ۷۹ مراجعه شود.

چهره خواهد گشود. این است بینشی از تاریخ که مبنای کلیه اقدامات جامعه‌ی بهایی است.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳)

۱۳۴. استقرار حکومت جهانی بهایی (۱۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۱) (مضمون بیان مبارک با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی آن: به علت تأثیر نبّاض این نظم بدیع^{۳۲۸} جهانی، تعادل عالم به هم خورده است؛ و تحت تأثیر این سیستم اعجاب‌انگیز یگانه، حیات مرتّب بشریت دگرگون شده است؛ سیستمی که چشم روزگار هرگز نظیرش را ندیده است.) (کتاب اقدس انگلیسی، بند ۱۸۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۲) «مرحله‌ی دهم (از مراحل ظهورالهی در بستر تاریخ)... مرحله‌ای است که انوار آیین مظفّر و منصور الهی به کمال قدرت و عظمت بر جهانیان تابیده و کروی ارض را احاطه خواهد نمود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۸۶)

(۳) «می‌توان گفت نتایج حاصل از این حمله و هجوم (حمله به امرالهی و مؤسّسات آن در مصر)، فصلی جدید در تحوّل امرالهی باز گشود؛ تحوّل که با انتقال دادن این آیین بدیع، از مراحل متوالی مقهوریت، حرّیت، و رسمیت، و مطرح کردن آن به عنوان ظهوری مستقلّ و دینی دولتی (state religion)؛ باید به سمت تأسیس دولت بهایی (Bahai state) سوق یافته؛ عاقبت، به ظهور اتّحادیه‌ی جهانی بهایی (Bahai World Commonwealth) منتهی گردد.» (مرور معبود، ص ۴۷۷)

(۴) «عصر تکوین امرالله... عصری انتقالی (است) که وجه مشخصه‌اش توسعه و استقرار نظم اداری است^{۳۲۹}؛ و عاقبت بر پایه‌ی همین نظم، در عصر ذهبی که شاهد اِکمال نهایی دور بهایی خواهد بود، مؤسّسات آتی اتّحادیه‌ی جهانی بهایی (Bahai World Commonwealth) (حکومت جهانی بهایی) مستقرّ خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۴۲۹)

^{۳۲۸} به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

^{۳۲۹} حالت "توسعه" یافته‌ی نظم اداری، را می‌توان همان نظم بدیع جهان‌آرای الهی در نظر گرفت که استقرارش مقدمه‌ی حلول عصر ذهبی است؛ یعنی قبل از آن محقق خواهد شد. به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

- (۵) « در مستقبل ایام، در طی عصر ذهبی... حکومت جهانی بهایی به کمال قدرت و جلال چهره بگشاید.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- (۶) « حکومت متحدی آینده‌ی بهایی که این نظم وسیع اداری (نظم بدیع جهان‌آرا) حافظ آن است، نظراً و عملاً در تاریخ نظامات سیاسی بشری فرید و وحید است و در تشکیلات ادیان معتبره‌ی عالم بی نظیر و مثیل.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۸۸)
- (۷) « در سنین آتی‌ه‌ی این دور بهایی... جلوه‌ی سلطنت بهائیه (نوع دیگری از بیان حکومت جهانی بهایی)... من علی الارض (مردم سیاره‌ی زمین) را به اهتزاز آرد.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)
- (۸) « کلمات مبارکه‌ی ذیل را به هیچ چیز جز به قدرت و عظمتی که نظم بدیع حضرت بهاءالله از خود به ظهور خواهد رسانید حمل نتوان نمود؛ نظمی که شالوده‌ی حکومت عالم‌گیر بهایی در مستقبل ایام است؛ قوله الأعلی: " قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الأعظم و اختلف التّرتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الأبداع شبهه." (کتاب دور بهایی، ص ۷۶- ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴) (برای آگاهی از مضمون بیان مبارک، به فقره‌ی اول از همین مبحث رجوع شود.)
- (۹) « چنین حکومتی جهانی دارای یک قوه‌ی مجریه‌ی بین‌المللی خواهد بود که قدرت نهایی و بلامنازع خویش را بر هر عضو متمدن و طاغی آن اتحادیه‌ی جهانی به کار خواهد بست.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۴- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی وعده‌ی صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)
- (۱۰) « جامعه‌ی متحد جهانی (اتحادیه‌ی عالم انسانی که در ظل امرالهی به وجود خواهد آمد) تا جایی که می‌توان تصوّرش را نمود، باید دارای یک هیأت مقننه باشد که اعضایش به منزله‌ی امنای تمام نوع انسان، بالمآل جمیع منابع ملل آن جامعه‌ی جهانی را در اختیار خود گیرد و قوانینی را وضع کند که برای تنظیم حیات و رفع حاجات و ترمیم روابط جمیع ملل و اقوام لازم و واجب است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۱۱) « (در جامعه‌ی متحد جهانی) یک پایتخت بین‌المللی به منزله‌ی کانون و مرکز اعصاب مدنیت جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجه قوای وحدت بخش حیات باشد و از آن، انوار نیروبخش و جان‌افزایش به جمیع جهات ساطع گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۲) « در چنان جامعه‌ای (جامعه‌ی متحد جهانی) یک نظام فدرالی جهانی برقرار گردد که... طلسم جنگ و بدبختی را بشکند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۳) « این نظم بدیع، به مرور ایام که تبلور خواهد یافت و تأثیرات ملایم خود را بر تمامیت سیاره‌ی ارض بر جای خواهد نهاد، هم زمان، هم حلول عصر تمامی نژاد انسانی (عصر ذهبی) و هم تکامل و بلوغ امرالهی، نیای آن نظم، را محقق خواهد ساخت^{۳۳۰}.» (ترجمه) (معهد اعلی، رضوان ۱۹۹۲، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

۱۴) « حضرت بهاءالله به وضوحی تمام، تشکیل حکومت جهانی را وعده داده‌اند.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹)

۱۳۵. استقرار سلطنت الهی (۱۶)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « بظلمهم (الذین ظلموا) رفعنا الامر و انتشر ذکر اسم ربک فی البلاد؛ بمنعمهم ظهر الاقبال و بظلمهم طلع نیر العدل. تفکروا لتعرفوا یا اولی الالباب. کذلک قضی الامر فی اللوح من لدن ربک منزل الآیات. سوف یرفع الله اعلام سلطنته فی کلّ مدینة.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۵، ص ۵۲) (به ظلم آنان امر را مرتفع نمودیم و نام پروردگارت در دیارها منتشر شد؛ به منع آنان اقبال نمودار گشت و به ظلمشان خورشید عدل طلوع نمود. بیندیشید تا بفهمید، ای صاحبان خرد. این گونه امر در الواح، از نزد پروردگارت که مُنزل آیات است، مقدر گشت. به زودی خداوند علم‌های سلطنتش را در هر شهری برخواهد افراشت.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲) « (روزی که) خداوند تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد؛ یعنی سلطنت روحانیّه‌ی ابدیه تشکیل می‌شود و آن (روز)، یوم الله است.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

۳) « یوم، یوم ظهور ربّ جنود است و دوره، دوره‌ی رحمانی حضرت پروردگار و در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند، سلطنت الهیه روحانیّه تشکیل می‌شود.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

^{۳۳۰} در این بیان مبارک نیز مصرح است که تبلور و تأثیر نظم بدیع الهی پیش‌نیاز عصر ذهبی خواهد بود.

۴ « آن مظهر کلی (ربّ جنود= حضرت بهاءالله)... سلطنت الهیّه را به محبت صحیحه تأسیس کند، نه به قوت حربیه.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۵ « چه خوش است اگر این روز فیروز و یوم موعود (سلطنت ظاهره‌ی باطنه‌ی حقیقیّه‌ی حضرت بهاءالله) به زودی زود، بدون فتور و تأخیری، جلوه‌گر گردد و چشم روحانیان به تحقق وعود الهیّه منور شود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۷۷)

۶ « شبهه‌ای نیست که... ندای اسم اعظم عالمی را مجذوب نموده، از وضیع و شریف، کل ساجد (و) خاضع این امررحمانی شوند و سلطنت ظاهره و باطنه‌ی حضرت بهاءالله را به چشم سر و سرّ بینند که چه نحو بر تمام طبقات عالم مستولی گشته و نشأه‌ی حیات حقیقی و روح ابدی در ارکان عالم دمیده. چه خوش است اگر این روز فیروز و یوم موعود به زودی زود، بدون فتور و تأخیری، جلوه‌گر گردد و چشم روحانیان به تحقق وعود الهیّه منور شود.» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۲)

۷ « مواعید درخشنده‌ی مندرجه در الواح تبلیغی حضرت عبداله‌بهاء... ظهور علائم و آثار سلطنت ابدیّه‌ی امراللهی را نوید می‌دهد.» (تلگراف ۸ مارس ۱۹۵۲، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۴۵)

۸ « مؤسّساتی که اکنون در حال تکوین است... باید مآلاً سلطنت الهیّه که حاکی از حلول عصر ذهبی جمال قدم است، بر آن مستقر شود.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۹ « در این عهد و عهود آتیّه‌ی این عصر و در عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی... سلطنت الهیّه تأسیس گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۱۰ « دوره‌ی ذهبی هزار ساله؛ یعنی یومی که سلطنت‌های عالم به سلطنت الهیّه که سلطنت حضرت بهاءالله است، مبدّل گردد.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۶) (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۱۱ « این عدّه‌ی معدوده‌ی احبّا که تا به حال کلام و بیانشان از حوزه‌ی محدودی خویش خارج نگشته و بر افکار عمومی عالم مستولی نشده، چون مستند بر تعلیمات روحانیّه‌اند و مصدر اقدامات و خدمتشان فیوضات الهیّه است، در مستقبل ایام حتماً و اکیداً روزی گوی سبقت را از میدان تمام رجال عالم خواهند بُرد و سلطنتی ابدیّه‌ی ممرّ القرون و الاعصار تشکیل و تأسیس خواهند کرد.» (حضرت ولیّ امرالله، مانده‌ی آسمانی ۳، ص ۳۳- مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۷۰)

۱۲ « این تصرفات عجیبه‌ی غریبه... در سنین اولیّه‌ی این کور مقدّس... از نتایج سحراست که بنفسه، بشارت دهنده‌ی اشراق شمس سلطنت آتیّه‌ی الهیّه... است.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲ بدیع، ص ۱۰۹)

۱۳) « این رسمیت (آیین الهی) به مرور ایام... و بالمآل، به استقرار سلطنت جهانی بهایی... که مروج تعالیم مقدسه‌ی ربّانی و مُجری احکام و اوامر منصوصه‌ی مُنزله از سماء مشیت سبحانی است^{۳۳۱}، انتها پذیرد.» (توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱ / ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی مودت، ص ۳۲)

۱۴) « ما امروز... در بحبوحه‌ی سایه‌ی تیره و تار... لمعه‌ای از انوار سلطنت آسمانی حضرت بهاءالله را مشاهده می‌کنیم که در افق تاریخ درخشانده و تابان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۵) « این وحدت اصلیه‌ی (ملل و امم)، کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم^{۳۳۲} خواهد بود.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۶) « لوح کرمل... مبشر تأسیس مقر سلطنت الهیه بر فراز آن جبل مقدّس (کوه کرمل) است.» (تاریخ صدور نامعلوم)

۱۳۶. تحقق بلوغ روحانی بشریت (۱۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « انا جعلنا الامرین علامتین لبلوغ العالم؛ الاول وهو الاس الاعظم، نزلناه فی الواح اخری والثانی نُزّل فی هذا الكتاب البدیع.» (کتاب مسطتاب اقدس، بند ۱۸۹) [مضمون با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی بیان مبارک: ما دو نشانه برای حلول عصر تمامی نژاد انسانی (بلوغ عالم) تعیین کردیم؛ اولین آن را که مستحکم‌ترین پایه است (ظهور صنعت مکنونه = تبدیل عناصر)، در الواح دیگرمان مشخص نمودیم و دومین آن (یک لسان و یک خطّ جهانی)، در همین لوح اعجاب‌انگیز (کتاب اقدس) نازل شده است.]

۲) « ظهور این کنز مستور (صنعت مکنونه = کشف اکسیر) بین هؤلاء (حکمای ارض)، علامت بلوغ دنیاست.» (جمال ابهی، مائده‌ی آسمانی ۱، باب دوازدهم، الواح مبارکه درباره‌ی اکسیر، ص ۴۰)

^{۳۳۱} در این فقره‌ی مبارکه معنا و مفهوم عملی سلطنت الهیه بیان شده است.
^{۳۳۲} از آنجا که وحدت روحانی عالم قطعاً در عصر ذهبی واقع خواهد شد (به فقرات مبحث مربوطه رجوع شود)، "سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم" نیز که مکشوف آن محسوب گشته، حتماً در عصر ذهبی رخ خواهد گشود.

۳ « از جمله علامت بلوغ دنیا آن است که نفسی تحمل امر سلطنت ننماید؛ سلطنت بماند و احدی اقبال نکند. آن ایام، ایام ظهور عقل است مابین بریه. مگر آن که نفسی لاطهار امرالله و انتشار دین او حمل این ثقل اعظم نماید و نیکو است حال او که بحب الله و امره و لوجه الله و اظهار دینه، خود را به این خطر عظیم اندازد و قبول این مشقت و زحمت نماید. این است که در الواح نازل که دعای چنین سلطان و محبت او لازم است.» (آیات الهی ۱، ص ۱۹۱- مائده‌ی آسمانی ۳، ص ۲۸- مائده‌ی ۴، ردیف ع، باب هشتم، ص ۱۶۷)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۴ « ظهور او (ظهور کلی عظیم = جمال مبارک)، سبب بلوغ عالم گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۱۲۱)

۵ « عالم هنوز (سال ۱۹۱۲ میلادی) به درجه‌ی بلوغ نرسیده؛ وقتی این مدنیت مادی با مدنیت الهی توأم شود و صلح عمومی جاری گردد و نفوس به منزله‌ی ملائکه رسند، آن وقت زمان بلوغ است^{۳۳۳}.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۹۶)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۶ « در سنین آتی‌هی این دور بهایی... دروه‌ی صباوت عالم انسانی منتهی گردد و علامات بلوغ عالم که در الواح الهیه مصرح، ظاهر و پدیدار شود.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۵-۱۸۳)

۷ « در سنین آتی‌هی این دور بهایی... عالم به درجه کمال رسد.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۳-۱۸۵)

۸ « این مرحله‌ی اخیر (سلطنت اسم اعظم) بنفسه، مقدمه‌ی... بلوغ عالم به رتبه‌ی کمال که اعلی‌المراتب است (خواهد بود).»^{۳۳۴} (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)

۹ « وحدت عالم بشری... مقدمه‌ی ضروری بلوغ عالم است.»^{۳۳۵} (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۰۷) (۴ ژوئیه ۱۹۵۰)

^{۳۳۳} در دو فقره‌ی ۱۴ و ۱۶ از همین مبحث، بلوغ روحانی عالم مقدمه‌ی مدنیت جهانی بهایی تعیین شده است و در این فقره‌ی مبارکه مدنیت الهیه شرط تحقق بلوغ روحانی قلمداد شده است، از مقایسه‌ی این بیانات مبارکه چنین استنباط می‌شود که فرایندهای بلوغ روحانی و مدنیت الهی تقریباً توأم‌اند؛ یعنی در حالی که نشانه‌های بلوغ قبل از مدنیت ظاهر خواهد شد، اما هر دو پدیده با هم جلوه‌گر خواهند گشت.

^{۳۳۴} مطابق این بیان مبارک، مرحله‌ی بلوغ عالم، بعد از مرحله‌ی استقرار سلطنت الهیه و تحقق صلح اعظم است؛ لهذا بلوغی روحانی بوده، در عصر ذهبی رخ خواهد داد. به فهرست مباحث فصل هشتم مراجعه شود.

۱۰ « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) تأیید می‌نماید که اتحاد عالم، به عنوان آخرین مرحله‌ی تحول بشریت به سمت بلوغ^{۳۳۶}، امری گریز ناپذیر است.» (مرور معبود، ص ۳۰۰)

۱۱ « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحق و ادوار آتیه‌ی این کور مجید بسیط خاک را... به درجه‌ی بلوغ و اوج کمال رساند.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹ / نیز مندرج در پیام معهد اعلی، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۱۲ « در این عهد و عهد آتیه‌ی این عصر و در عصر ذهبی دور مقدس جمال ابھی،... جهان به درجه‌ی بلوغ رسد^{۳۳۷}.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۱۳ « اشعیاء نبی که اعظم انبیاء بنی اسرائیل است، در دو هزار و پانصد سال پیش بیانی سحرانگیز دارد که سرنوشت بشر و آنچه (را) که در دوره‌ی بلوغش باید حاصل کند، معین می‌سازد: "او (پروردگار) در بین امت‌ها داوری خواهد کرد و اقوام بسیاری را مورد ملامت قرار خواهد داد. آن‌ها، شمشیرهای خود را به گاوآهن تبدیل خواهند نمود و نیزه‌های خود را به آره مبدل خواهند ساخت؛ دیگر ملتی بر روی ملتی شمشیر نخواهد کشید و دیگر جنگ را نخواهند آموخت."» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۷- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۴ « تحقق بلوغ عالم انسانی، به نوبه‌ی خود، فاتحه‌ی (کشاینده‌ی) مدنیتی جهانی^{۳۳۸} است که نظیرش را چشم احدی ندیده و شبیهش به تصور احدی در نیامده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۵ « طرح کلی الهی^{۳۳۹} که بشر را به بلوغ روحانی می‌رساند از دسترس ما بیرون است و در خزانه‌ی غیب محفوظ و تحققش به اراده‌ی حق موکول است.» (پیام مارس ۱۹۹۷، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۸۴)

^{۳۳۵} این بیان مبارک نیز صراحتاً اشعار می‌دارد که بلوغ بشریت بعد از مرحله‌ی وحدت روحانی عالم انسانی محقق خواهد شد.
^{۳۳۶} از این فقره‌ی مبارکه نیز به وضوح مستفاد می‌شود که بروز بلوغ روحانی عالم بعد از تحقق وحدت روحانی آن خواهد بود.
^{۳۳۷} از این بیان مبارک چنین استنباط می‌شود که بلوغ فرایندی متکامل است و در هر دو عصر تکوین و ذهبی جاری است. به همین دلیل، اوج مراحل مربوط به عصر تکوین را بلوغ اجتماعی (مبحث ۱۰۳) و اوج مراحل مربوط به عصر ذهبی را بلوغ روحانی (مبحث ۱۳۶) نام‌گذاری کرده‌ایم.

^{۳۳۸} به مبحث ۱۳۸ رجوع شود. در ضمن، مطابق مضمون این بیان مبارک، تحقق بلوغ روحانی عالم، "فاتحه‌ی مدنیتی جهانی است"؛ یعنی قبل از آن محقق خواهد شد. به فهرست مباحث فصل هشتم رجوع شود.

^{۳۳۹} به مبحث ۷۷ مراجعه شود.

۱۶) «ملکوتی که حضرت عبداله‌پاء پرده از رویش برگرفت آن نبود که به مانند ادیان گذشته وعد و وعیدش مربوط به جهان دیگر باشد، بلکه ملکوتی بود که مژده می‌داد عصر بلوغ انسانی دمیده است و زمان حصول مدنیت جهانی فرارسیده، عصری که در آن جمیع قوای نهفته‌ی انسانی بر اثر تبادل میان ارزش‌های روحانی و ترقیبات مادی که به خواب کسی هم نمی‌آمد، به ثمر خواهد رسید.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۹)

۱۷) «طبق بیان حضرت ولی‌ امرالله تحقق بلوغ عالم با وحدت عالم انسانی و تشکیل اتحادیه‌ی جهانی^{۳۴۰} و ایجاد نیروی محرکه‌ی بی‌سابقه‌ای در حیات روحانی و اخلاقی و عقلانی نوع بشر مقارن است.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۹۴)

۱۸) «علامت اول که در آثار جمال مبارک برای بلوغ عالم معین شده، ظهور صنعت مکنونه است و آن متضمن کشف طریق کاملی است برای تبدیل عناصر.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۹۴)

۱۹) «جمال اقدس ابهی در کتاب اقدس اختیار یک لسان و یک خط را برای من علی الارض امر فرموده‌اند. اجرای این حکم، طبق بیان مبارک، یکی از علائم بلوغ عالم است.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۹۴)

۱۳۷. رواج خط و زبان واحد جهانی (۱۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) «نزد مظلوم، محبوب آن که جمیع عالم را یک وطن مشاهده نمایند و در ترویج یک لسان یا دو، چنانچه از قبل گفته شد، همت گمارند تا جمیع آفاق به نور اتفاق فایز شود.» (حضرت بهاءالله، مائده‌ی ۸، مطلب یکصد و چهل و دوم، ص ۱۱۷)

۲) «یا اهل المجالس فی البلاد، اختارو لغة من اللغات، لیتکلم بها من علی الارض و كذلك من الخطوط... هذا سبب الاتحاد لو انتم تعلمون و العلة الكبرى للاتفاق و التمدن لو انتم تشعرون.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۹) (مضمون بیان مبارک با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی آن: ای اعضای پارلمان‌ها در سراسر جهان، یک لسان واحد برای استفاده‌ی تمامی اهل عالم انتخاب کنید و نیز یک رسم الخط

^{۳۴۰} از این بیان مبارک چنین استنباط می‌شود که فرایند تحقق مباحث فصل هشتم، رنگین‌کمانی است و نه پله‌ای؛ بدین معنی که هر مرحله، بدون این که مرز مشخصی با مرحله‌ی قبلی داشته باشد، به تدریج از دورن آن پدیدار شده، جلوه و جمال و کمال و تمایز خواهد یافت.

مشترک... این امر، سبب وحدت خواهد بود، اگر می فهمید؛ و نیز عالی ترین ابزار خواهد بود برای توسعهی وفاق و تمدن، اگر درك می نمایید.

۳ « حضرات ملوک ایدهم الله و یا وزرای ارض مشورت نمایند و یک لسان از السن موجوده و یا لسان جدیدی مقرر دارند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند و همچنین خط. در این صورت ارض قطعهی واحده مشاهده شود.» (لوح بشارت، مجموعهی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱)

۴ « باید جمیع ملل نفوسی معین نمایند از اهل ادراک و کمال، تا مجتمع شوند و به مشاورت یکدیگر یک لسان اختیار کنند، چه از السن مختلفیه موجوده و چه لسان جدید تازه اختراع نمایند و در جمیع مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند.» (لوح مقصود، مجموعهی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۹۹)

۵ « از قبل فرمودیم تکلم به دو لسان مقدر شد و باید جهد شود تا به یکی منتهی گردد و همچنین خطوط عالم؛ تا عمرهای مردم در تحصیل السن مختلفیه ضایع نشود و باطل نگردد و جمیع ارض مدینهی واحده و قطعهی واحده^{۳۴۱} مشاهده شود.» (کلمات فردوسی، مجموعهی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۷)

۶ « از قبل در الواح امر نمودیم امنای بیت عدل یک لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع و یک خط از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند تا عالم یک وطن و یک قطعه مشاهده شود.» (لوح اشراقات، مجموعهی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۷۴)

۷ « باید لغات، منحصر بلغت واحده گردد و در مدارس عالم به آن تعلیم دهند.» (لوح دنیا، مجموعهی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵۰)

۸ « عنقریب جمیع اهل عالم به یک لسان و یک خط مزین؛ در این صورت هر نفسی به هر بلدی توجه نماید مثل آن است که در بیت خود وارد شده، این امور لازم و واجب.» (مجموعهی الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۹۹، لوح مقصود- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۱۷- دریای دانش، ص ۱۷- آیات الهی ۱، ۱۳ آوریل)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

^{۳۴۱} "مدینهی واحده و قطعهی واحده" و در فقرهی بعدی "یک وطن و یک قطعه" توصیفات عالیتهای است از عالم انسانی که در مورد وحدت روحانی عالم مصداق می یابد و نه وحدت سیاسی؛ بنا بر این، لسان واحد جهانی نه تنها علامت تحقق این نوع پیشرفته از وحدت است؛ بلکه به استناد فقره ۱۳ از همین مبحث، نشانهی تحقق بلوغ روحانی بشر هم مقرر شده است، فرایندهایی که هر دو در عصر ذهبی رخ خواهند نمود.

۹) « تا توانی همت تما که زبان پارسی بیاموزی؛ زیرا این لسان عنقریب در جمیع عالم تقدیس خواهد شد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۰۴)

۱۰) « باید یک کنگره‌ی بین‌المللی، متشکل از نمایندگان تمام ملل عالم؛ چه شرقی و چه غربی، برپا گردد و لسانی را تعیین کند که کسب آن برای همگان راحت باشد. در این صورت همه‌ی ممالک از آن منتفع خواهند شد. تا زمانی که چنین زبانی انتخاب و استفاده شود، عالم انسانی برای مرادده و مرابطه شدیداً نیاز به آن را احساس خواهد کرد... اگر همه می‌توانستند به یک لسان صحبت کنند، خدمت به بشریت چقدر آسان می‌شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، بند ۴، خیابان کامئون)

۱۱) « شمع هفتم، وحدت لسان است؛ یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، مذکور در توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۱۲) « ای منجذب به نفعات‌الله، تا توانی همت نما که زبان پارسی بیاموزی؛ زیرا این لسان عنقریب در جمیع عالم تقدیس خواهد شد.» [مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۰۹]

(ج) از آثار حضرت ولی‌ امرالله

۱۳) « (حضرت بهاء‌الله) در کتاب اقدس، مقرر می‌دارد که زبانی واحد انتخاب شود و دستخطی مشترک گزینش گردد و در تمامی عالم به کار برده شود؛ فرمانی که به تصریح خود آن حضرت در همان کتاب مبین، اجرای آن یکی از نشانه‌های (تحقق) "بلوغ عالم"^{۳۴۲} محسوب است.» (مرور معبود، ص ۲۹۴)

۱۴) « يك زبان بين‌المللی ابداع شود و یا یکی از زبان‌های موجود انتخاب و علاوه بر زبان مادری، در تمام کشورهای فدرال جهانی (نوع دیگری از بیان حکومت جهانی بهایی) تعلیم داده شود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۵) « (در جامعه‌ی متحد جهانی) یک خط و ادبیات جهانی... تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

^{۳۴۲} از این فقره‌ی مبارکه چنین استنباط می‌شود که انتخاب زبان واحد و دستخط مشترک، در حوالی بلوغ روحانی عالم رخ خواهد داد؛ لهذا فرایندی است متعلق به عصر ذهبی.

۱۶) « (حضرت بهاءالله) ضرورت گزینش يك خط و زبان عمومی را مکرراً تصریح می‌کند... و تأکید می‌نماید که با انتخاب يك چنین خطّ و زبانی، تمامی سیّاره‌ی زمین "قطعه‌ی واحده مشاهده شود." (مرور معبود، ص ۳۰۲)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۷) « برگزیدن یک زبان عمومی علاوه بر زبان‌های ملی... از عناصر اولیه‌ی سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۱۸) « حضرت بهاءالله امر می‌فرماید که يك زبان و يك خط بین‌المللی اختیار شود و برای تحقق این امر، در آثار مبارکه دو مرحله پیش‌بینی شده است. مرحله‌ی اول اختیار یکی از زبان‌های متداول یا اختراع زبانی است که باید علاوه بر زبان مادری در تمام مدارس عالم تدریس شود... مرحله‌ی ثانی آن است که در مستقبل بعید، يك زبان و يك خط در جمیع عالم متداول گردد.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۹۳)

۱۳۸. ظهور مدنیت الهی (۴۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) « اساس مدنیت الهیه صلح اکبر^{۳۴۳} است.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۱۰)
- ۲) « مدنیت الهیه از نتایج بیت العدل خواهد بود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۱۷)
- ۳) « مدنیت الهیه چنان تربیت نماید که نفوس بشریه بدون خوف از جزاء اجتناب از جرائم کنند؛ و نفس جرم نزد آنان اعظم عقوبت گردد و به نهایت جذب و وله به اکتساب فضائل انسانی و مابه الترقی بشری و آنچه سبب نورانیت عالم انسانی است پردازند.» (پیام آسمانی، ص ۱۱۷)
- ۴) « این اتحاد (اتحاد شرق و غرب) مورث مدنیتی حقیقی خواهد شد؛ هنگامی که روحانیت در مادیت جلوه و جریان یابد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

^{۳۴۳} بدیهی است چون به استناد فقراتی از همین مبحث، مدنیت الهیه قطعاً در عصر ذهبی رخ خواهد گشود، معنی عبارت "صلح اکبر" در این فقره مبارکه، همان صلح اعظم است. به مبحث ۱۳۳ مراجعه شود.

- (۵) « ظهور عصر ذهبی... شاهد اعلان صلح اعظم و بسط مدنیت الهی جهانی است، مدنیتی که ثمر و مقصد اصلی صلح اعظم است.»^{۳۴۴} (مندرج در پیام ۲۶ مارس ۲۰۱۶ بیت العدل اعظم)
- (۶) « در سنین آتی‌های این دور بهایی... مدنیت لاشرفیه و لاغریه الهیه بساطی جدید در جهان بگستراند.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)
- (۷) « نظم اداری امرالله... نظمی که در آتی‌های ایام و به مرور زمان به نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله^{۳۴۵} تبدیل خواهد یافت و بالمآل مؤلد مدنیت روحانی‌ای خواهد بود که نسل‌های آینده آن مدنیت را به منزله‌ی ابهی ثمره‌ی شجره‌ی امرالله تحسین و تقدیر خواهند نمود.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۲۳)
- (۸) « این تنبیه و مجازات (مصیبت عظیمی که بشریت را فراخواهد گرفت^{۳۴۶}) عالم بشریت را از لوث مفاسد صد ساله پاک و مطهر نموده و اعضای جامعه‌ی انسانی را به یک جامعه‌ی متحد و متفق جهانی تبدیل خواهد نمود، جامعه‌ای که در میقات معین در ظلّ نظم جهان‌آرای الهی... مستظّل، و به مدد نفعات روحانی آن، در طی ادوار آینده، وارد مدنیتی خواهد گردید که شبه آن را چشم عالم در هیچ یک از مراحل تکامل خویش ندیده است.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۳۴)
- (۹) « نظم بدیع، چه در وهله‌ی کنونی و چه در حین بلوغ نهایی، وسیله و اسباب حصول هدف عالی، یعنی تحقق مدنیت الهیه در بسط غبرا است.» (حضرت ولیّ امرالله، ۱۳ ژانویه ۱۹۷۶، ارکان نظم بدیع، ص ۵۳)
- (۱۰) « نظم بدیع جهان‌آرای الهی... در طی ادوار متوالیه‌ی کور، به تنهایی، در اثر پیدایش و تکامل مدنیت الهیه، ابهی ثمره‌ی خود را ظاهر و آشکار خواهد ساخت. این مدنیت، من جانب‌الله و دارای خصائص ممتاز، و اساسی کاملاً روحانی است.» (حضرت ولیّ امرالله، نوامبر ۱۹۵۴، ارکان نظم بدیع، ص ۲۴۴)
- (۱۱) « نظم بدیع، عیناً همان مدنیت الهیه است که شریعت غرّای حضرت بهاءالله باید در ارض مستقر سازد.» (حضرت ولیّ امرالله، فوریه ۱۹۳۴، توقیع دور بهایی، ارکان نظم بدیع، ص ۱۴)

^{۳۴۴} در این بیان مبارک تصریح می‌شود که مدنیت الهی بعد از صلح اعظم و هر دو در عصر ذهبی واقع خواهند شد.

^{۳۴۵} به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

^{۳۴۶} به مبحث فصل چهارم مراجعه شود.

۱۲) « در مستقبل ایام در طئی عصر ذهبی که آخرین عصر دور بهایی است،... بر اثر ظهور و شکوفایی مدنیت جهانی که زاده‌ی آن صلح است، مواهب و برکات بی‌شمار به نوع انسان نثار گردد.»^{۳۴۷} (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸)

۱۳) « در این عهد و عهد آتیه‌ی این عصر و در عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی... مدنیت الهیه چهره بگشاید.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۱۴) « مدنیت الهیه که اعلی و ابهی ثمره‌ی امر اسم اعظم است... در عصر ثالث ذهبی دور بهایی و در ادوار آتیه، اثراتش کاملاً پدیدار و فیوضاتش چون سیل جارف منحدر بر عالمیان خواهد گشت.» [حضرت ولی امرالله، مجموعه‌ی پیام آسمانی (مجموعه‌ی نصوص مبارکه‌ی مندرج در مجله‌ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۸] (توفیق منیع مورخ ۱۱۱ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۵۶۳)

۱۵) « قوای خلاقه‌ی آزاد شده توسط نظم جهانی حضرت بهاءالله، آن (مدنیت جهانی بهایی) را الهام خواهد بخشید و هدایت خواهد نمود، و عاقبت، در اعلی قلّه‌ی شکوه و عظمت، درخشان و تابان خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

۱۶) « کیست که بتواند عظمت مقام مدنیت مقدّری را که به تدریج شکفته می‌شود، چنان که باید، در صفحه‌ی ضمیرش مرتسم سازد؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۷) « سعادت و رفعت و عزت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحق و ادوار آتیه‌ی این کور مجید... مدنیت لاشرقیه و لاغریه را تأسیس فرماید.» (توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹)

۱۸) « این مرحله‌ی اخیر (سلطنت اسم اعظم)، بنفسه، مقدّمه‌ی ظهور و جلوه‌ی مدنیت حقیقیه‌ی الهیه (خواهد بود).» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)

۱۹) « کتاب مستطاب اقدس... منشور عظیم مدنیت مستقبل عالم (است).» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۲۰) « شما البته به خوبی مطلع‌اید که هدف ظهور حضرت بهاءالله استقرار تمدنی لاشرقیه و لاغریه در بسیط زمین است، تمدنی که بر مبنای انسجام کامل نیازهای مادی و معنوی نوع انسان استوار

^{۳۴۷} این فقره‌ی مبارکه تصریح می‌نماید که مدنیت الهیه زاده‌ی صلح اعظم است، یعنی بعد از آن تحقق خواهد یافت.

می‌باشد... و می‌دانید که تحقق این هدف از طریق تقویت و فعالیت سه عامل اصلی پیشبرد تمدن یعنی افراد، جامعه و مؤسسات صورت می‌گیرد.» (پیام ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵)

(۲۱) «نظم بدیع الهی... و... مؤسسات رحمانی... بالمآل کافل سعادت و ضامن وحدت و بانی مدنیت روحانی در عالم انسانی است.» (پیام ۸ سپتامبر ۱۹۶۳)

(۲۲) «وقتی توده‌های بشری در ظل امرالهی وارد شوند و حیات جدیدی یابند، فرایند تازه‌ای به حرکت خواهد آمد و مدنیت بدیعی متولد خواهد شد.» (ترجمه) (معهد اعلی، ۱۳ جولای ۱۹۶۴، مجموعه‌ی دخول افواج مقبلین)

(۲۳) «حضرت ولی امرالله... در وصف مدنیته که به وسیله‌ی حضرت بهاءالله تأسیس خواهد شد می‌فرمایند: "به آن درجه از بلوغ خواهد رسید که جهان قبلاً تخطر آن را ننموده است."» (ترجمه) (پیام رضوان ۱۹۶۷)

(۲۴) «اهل بهاء... فضلا من عنده، به منزله‌ی وسائط و وسایل تحقق اراده‌ی الهیه در تأسیس مدنیت روحانی... محسوسند.» (پیام ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸)

(۲۵) «قوای منبعث از مرکز وحی الهی (یعنی از نفس مظهر ظهورالهی)... مؤسس مدنیت الهیه... است.» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

(۲۶) «(ابنیه‌ی فخمیه‌ی حول قوس کرمل و نیز طبقات کرمل)، امری که... مدنیته‌ی آسمانی در این جهان فانی تأسیس نماید.» (پیام سپتامبر ۱۹۸۷ - جزوه‌ی ۴۱، ص ۷۰)

(۲۷) «جلوه‌ی نهایی و جهانی کلمه‌الله^{۳۴۸}، ظهور تمدن الهی است که موعود نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله می‌باشد.» (۱۰ جولای ۱۹۸۹)

(۲۸) «طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحق و ادوار آتیه‌ی این کور مجید... مدنیت لاشرقیه و لاغریبه‌ی الهیه را تأسیس فرماید.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

(۲۹) «قطع مراحل باقیه که بالاخره ما را به سر منزل مقصود، یعنی مدنیت حقیقیه‌ی الهیه رساند، تا مدتی مدید از دو طریق وصول پذیرد؛ یکی انقلابات^{۳۴۹} جهان امکان است که متتابعاً متزایداً از پس پرده‌ی قضا به درآید و دیگری همّت و مجاهدت و جانفشانی پیروان جمال ابهی است که مغناطیس

^{۳۴۸} به مبحث ۸۱ مراجعه شود.

^{۳۴۹} به مبحث ۱۰۰ رجوع شود.

تأییدات ملاء اعلی است.» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴)

۳۰ «مشیت و اراده‌ی جمال اقدس ابهی و مبشر امر مبارکش به وسیله‌ی شخصیت قوی‌التأثیر و مقام بی‌مثیل مرکز میثاق به صورت مؤسّساتی زنده و پایدار برای تحقق وحدت بشر و ایجاد تمدنی جهانی درآمده است.» (پیام ۲۳ نوامبر ۱۹۹۲)

۳۱ «حضرت عبدالبهاء در سِمَت مبین، لسان گویای کتاب‌الله و مفسّر کلام الهی است و به عنوان مرکز میثاق، مرجعی مصون از خطا است که کلام الهی را با اتخاذ وسایل و لوازم عملی برای بنای تمدن و فرهنگی بدیع، به موقع اجرا می‌گذارد.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۱)

۳۲ «در این دوران انتقالی (عصر تکوین)... جامعه‌ی بشری در حال تغییر و تحوّل برای رسیدن به تمدنی جهانی است؛ تمدنی که به نور ارزش‌های روحانی منور خواهد بود و به عدل و اتحاد ممتاز.» (پیام ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳)

۳۳ «امروز است که از ما ضعفاء خواسته‌اند که به اقتضای وفا به اوامر مولای بی‌همتا در این مشروع جلیل (تشبیه و ساختن ابنیه‌ی فخمه در کوه کرمل) شرکتی لائق نمائیم و بنیانی را در تحقق بشارات لوح کرمل بر صفحه‌ی روزگار برجای نهیم که آثار پرانوارش به مرور دهور و اعصار متدرّجاً نمودار شود و جایگاه مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه گردد.» (پیام ۵ مارس ۱۹۹۳- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۴۴)

۳۴ «در این ایام اهل بهاء البتّه این فرصت مبارک را غنیمت شمارند و همّت والا بگمارند تا این تأسیسات عظیمه (مشروعات حول قوس کرمل) به انضمام طبقات بدیعه‌ی نورانیّه‌ی مستظله در ظلّ مقام مقدّس اعلی اتمام پذیرد و این شرافت و منقبت و این موهبت و سعادت شامل حالشان شود که در تأسیس بنیاد مدنیت آسمانی، به خدمتی موفق گشته‌اند که اهل ملکوت را به وجد و سرور آورد.» (پیام آگوست ۱۹۹۳)

۳۵ «بی‌شک آن حیب معنوی با جنبه‌های گوناگون این موضوع ("تصمیم‌گیری" و نحوه‌ی تنفیذ آن) آشنا هستید که بر پایه‌ی این اعتقاد بنا شده که وحدت تنها راهی است که ما را به تمدنی که حضرت بهاء‌الله وعده فرموده‌اند رهنمون می‌گردد.» (پیام ۲ جولای ۱۹۹۶، خطاب به یکی از احباب)

۳۶ «هدف از ظهور حضرت بهاء‌الله... ایجاد مدنیت روحانیّه می‌باشد... تحقق این هدف و روحی که حضرت بهاء‌الله به عالم عنایت فرموده‌اند، عبارت از نظمی است که آن حضرت مقدر فرموده و در کتاب

مستطاب اقدس با این بیان به آن اشاره فرموده‌اند: "قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه." (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۱) (پیام ۴ آوریل ۲۰۰۱) [مضمون بیان مبارک: نظم (عالم) از این نظم اعظم دگرگون شد و ترتیب (امور عالم) به واسطه‌ی این نظم بدیعی که چشم عالم شبیهش را ندیده، به هم خورد.]

۳۷) « قدر و اهمّیت و اثرات لانهایه‌ی اسفار آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) به اروپا و آمریکا برای پیشرفت امر مبارک و استقرار تمدن جهان‌آرای الهی صفحات تاریخ عالم بشری را الی الابد زینت بخشیده است.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۳۸) « در سراسر عالم، پیروان مخلص حضرت بهاءالله برای توسعه‌ی هر چه بیشتر نظم اداری بهایی... سخت می‌کوشند و به این ترتیب، شالوده‌ی مدنیته‌ی جهانی را می‌نهند که مقدر است شکوه و جلال خیره‌کننده‌اش در قرون آینده به منصفی ظهور برسد.» (پیام ۲۵ مارس ۲۰۰۷)

۳۹) « آنچه (در ایران) می‌گذرد (بخصوص دستگیری اعضای هیأت مجلّله‌ی یاران ایران) جزئی از نقشه‌های حیات بخش او (ید غیبی) است که مُمدّ تأسیس مدنیته‌ی ملکوتی... است.» (پیام ۱۹ می ۲۰۰۸)

۴۰) « شما دل‌باختگان جمال ابهی (پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدّس ایران)... به یقین مبین می‌دانید که عالم، آبستن وقایع عظیمه است و این درد و الم عمومی و آشوب و هیجان همه‌جانبه، صرفاً رنج سفر در مسیر... تأسیس مدنیته‌ی جهانی مورد نظر حضرت بهاءالله است.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۱۰)

۴۱) « احدی نباید تصوّر کند که مدنیته‌ی که تعالیم الهی، نوع بشر را به سوی آن پیش می‌برد، صرفاً با تعدیلاتی در نظم کنونی عالم به وجود خواهد آمد. این تصوّر بسی دور از حقیقت است.» (پیام رضوان ۲۰۱۲)

۴۲) «(خطاب به شرکت کنندگان در ۱۱۴ کنفرانس جوانان در سراسر جهان) اگر چه بسیاری از افراد روحیه‌ی شما را تحسین می‌کنند؛ اما اهمّیت واقعی مجهودات جمعی شما برای جهانیان چندان مشهود نیست؛ لکن شما به خوبی به نقش خود در یک فرایند تقلیب‌کننده و نیرومند که منجر به ظهور مدنیته‌ی جهانی مبتنی بر وحدت عالم انسانی خواهد شد، توجّه دارید.» (پیام ۱ جولای ۲۰۱۳)

۴۳) « فداکاری‌های شما (خانواده‌های مسجونین در ایران) و دیگر احبّای ستم‌دیده‌ی مهد امرالله، عاملی بنیادی برای استقرار تمدن جهانی مورد نظر حضرت بهاءالله (است).» (متأسفانه تاریخ صدور این پیام یافت نشد.)

۱۳۹. حصول محبت و اخوت و دوستی حقیقی (۲۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) « جمال مبارک... ندای الهی به این مقصد بلند فرمودند تا... اتحاد و الفت و محبت در بین عموم اهل عالم حاصل گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۶۸)
- ۲) « عنقریب این آهنگ ملکوتی (نوبهار روحانی = ظهور الهی) عالم انسانی را سرمست نماید و بنیان بغضا برافد و محبت و اتحاد شاهد انجمن گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۱۶)
- ۳) « در جمیع کتب مقدسه این یوم موعود مذکور که... جور و جفا به حبّ و وفا منقلب شود؛ این، از امور مبروره‌ی محتومه‌ی کور ظهور است.» (مکاتیب عبدالبهاء ۶، ص ۱۷۸)
- ۴) « آن قرن آمده که جمیع ملل با یکدیگر در نهایت الفت باشند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۱۸)
- ۵) « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است... شرق و غرب دست در آغوش شود؛ جنوب و شمال مصافحه و معانقه نماید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۶)
- ۶) « جمال مبارک تمام عمرشان را صرف کردند تا... نوع انسان به یکدیگر مهربان گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۲۵)
- ۷) « شبان حقیقی (حضرت بهاءالله) اغنام خویش را از چشمه‌ی راستی و دوستی و آشتی آب خواهد داد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره‌ی ۲۰۱)
- ۸) « ای خدای مهربان، یاران جانفشانند... تا جمیع بشر در ظلّ رایت محبت‌الله حشر گردند و... دلبر حبّ جلوه نمایند.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۵)
- ۹) « در این دور بدیع... اقویا و ضعفا و اغنیا و فقرا و طوائف متنازعه و ملل متعادیه که مانند گرگ و برّه و پلنگ و بزغاله و شیر و گوساله هستند، در نهایت محبت و ائتلاف... با هم معامله نمایند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۰)
- ۱۰) « در آن یوم خداوند (ظهور جمال مبارک)،... الفت و محبت... جهان را احاطه کند.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۵)
- ۱۱) « در این دور بدیع... نور محبت آسمانی بدرخشد و ظلمات بغض و عداوت به قدر امکان زائل گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

- (۱۲) « در جمیع کتب مقدّسه این یوم موعود، مذکور که... جور و جفا به حبّ و وفا منقلب شود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۷۸)
- (۱۳) « ای جوان رحمانی و جان جهان انسانی،... شما از تطاول اعداء محزون نگردید و مغموم نشوید؛ نور محبّت، ظلمت عداوت را عنقریب متلاشی نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۷۱)
- (۱۴) « روز موعودی محقق که گرگ و میش از یک چشمه نوشند و باز و کبک در یک آشیانه لانه نمایند و شیر و آهو در یک چراگاه بچرند. آیا معنی این‌ها چیست؟ این است که اقوام مختلفه، ادیان متعدّده که با یکدیگر مانند گرگ و میش مخاصمه و منازعه داشتند در نهایت الفت و محبّت با یکدیگر معاشرت نمایند و در نهایت محبّت و یگانگی باشند، این است مقصد از بیان حضرت اشعیا.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۳۱۷)
- (۱۵) « در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور ربّ جنود)... الفت و محبّت و یگانگی جهان را احاطه کند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)
- (۱۶) « آن مظهر کَلّی (رب جنود)... چنان تربیت کند که... کَلّ در ظلّ شجره‌ی مبارکه، نهایت الفت و التیام خواهند یافت.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)
- (۱۷) « کُلّ، موعود به دو ظهورند که پی‌درپی واقع شود... در این دو ظهور... عداوت و بغضاء زائل شود و آنچه که سبب جدایی میانه‌ی قبائل و طوائف و ملل است از میان رود و آنچه که سبب اتحاد و اتّفاق و یگانگی است به میان آید.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)
- (۱۸) « کُلّ، موعود به دو ظهورند که پی‌درپی واقع شود... در این دو ظهور... عداوت منقلب به محبّت گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)
- (۱۹) « عاقبت... صبح روشن محبّت‌الله بتابد و در بین بشر چنان الفتی حاصل گردد که جمیع لثالی یک دریا گردند و گل و ریاحین یک گلشن و صحرا.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۲۷۳)
- (۲۰) « در ایام او (شاخه‌ی بیرون جسته از تنه‌ی یسه = جمال مبارک) وحوش و طیور و درنده، جمیع، باهم مأنوس خواهند شد؛ یعنی اقوام مختلفه‌ی متنوعه‌ی متجدله‌ی متعارضه‌ی متباغضه باهم معاشرت و سلوک خواهند نمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۶۶)
- (۲۱) « عنقریب (به زودی) ملاحظه نمایید که علم تقدیس بلند گردد و پرچم... محبّت عالم انسانی در قطب آفاق موج زند.» [حضرت عبدالبهاء، مندرج در گاد پاسز بای (انگلیسی)، ص ۲۸۲]
- (۲۲) « جهان جهان دیگر شود... و عداوت و بغضاء زائل شود.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

۲۳) « حال امرالله... عظمتش ظاهرگشته؛ عنقریب هیجانی عظیم در قلوب نفوس برانگیزد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۴۸)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۲۴) « (در جامعه‌ی متحد جهانی) وطن پرستی کاذب و جنگاور به یک جهان دوستی و نوع پرستی تبدیل خواهد شد.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نظم جهانی بهایی، ص ۵۵- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۵) « (در جامعه‌ی متحد جهانی) رقابت‌ها و کینه‌ها و دسائس مّلی از میان برخیزد و تعصبات و عداوت‌های نژادی به دوستی و حسن تفاهم و همکاری تبدیل گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۷)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۲۶) « احبّای الهی با یگانگی و وحدتی درخشنده و اتباع از احکام و اوامر الهیه و اجتناب کامل از امور سیاسیّه و مطالعه‌ی مداوم آثار مبارکه و ابلاغ مستمرّ پیام عظیم الهی، حلول یوم مشعشی را تسریع می‌کنند که نوع بشر از اخوت حقیقی برخوردار گردد و از انوار فیض و محبت الهی مستنیر شود.» (پیام ژانویه ۱۹۷۱ خطاب به کنفرانس مونرویا)

۲۷) « به یقین مبین می‌توان در انتظار روزی بود که جامعه‌ی بهایی به مشیت ربّانی مراحل را که ولیّ محبوب امرش پیش‌بینی فرموده طی کند و در این خاکدان پرابتلاء سراپرده‌ی ملکوت الله را برافرازد تا عالم امکان از هیجان و اضطراب و هرج و مرج و خرابی و دماری که به دست خود فراهم آورده، رهایی یابد و لهیب نار ضغینه و بغضا و ظلم و جفا به روابط ابدیه‌ی اخوت و الفت و وفا و صلح و سلام عمومی مبدّل شود.^{۳۰۰} این امور کلا در ظلّ لوی میثاق اب جاودانی یعنی عهد و پیمان جمال اقدس ابهی، تحقق خواهد یافت.» (پیام رضوان ۱۹۷۳)

۲۸) « این از وعود الهیه است که روزی آید که... شرق و غرب با یکدیگر عشق بازند و به انس و الفت پردازند.» (۵ جون ۱۹۹۷ میلادی = اول شهرالنوز ۱۳۴ بدیع)

^{۳۰۰} مطابق این بیان مبارک، حصول محبت و اخوت و دوستی حقیقی بعد از استقرار ملکوت ابهی بر بسط غبرا خواهد بود.

۱۴۰. حصول حرّیت و آزادی حقیقی (۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه‌ای نبوده و نیست؛ باید اهل عالم طراً به آنچه نازل شده و ظاهرگشته تمسک نمایند تا به آزادی حقیقی فایز شوند.» (لوح دنیا، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵۰)
- ۲) « اگر علمای عصر بگذارند و مَنْ علی الأرض رائجی محبّت و اتّحاد را بیابند، در آن حین نفوس عارفه بر حرّیت حقیقی آگاه شوند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۲۲)
- ۳) « اگر ارض به انوار آفتاب این مقام (حریت حقیقی) منور شود، اذاً یصدق ان یقال لا تُرى فیها عوجا و لا أمتاً.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۲۲) (مضمون بخش عربی: آنگاه درست است که گفته شود در آن هیچ گونه کجی و سستی مشاهده نمی‌شود).

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۴) « شمع سوّم (از لوح هفت شمع وحدت)، وحدت آزادی است؛ آن نیز قطعاً حاصل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۵) « نظم نوین... به اراده‌ی الهی شکل گرفته و عاقبت جهان را یگانگی و انسان را آزادگی خواهد بخشید^{۳۰۱}.» (مرور معبود، ص ۱۵۸)
- ۶) « کیست که بتواند بلندی اوج اعلاّیی را که منزلگاه طیر فکرت انسانی از قفس رسته است، تقدیر کند؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹ - توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- ۷) « اگر از ذکر حرّیت و آزادی (قطعه‌ی امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار- حضرت عبدالبهاء) مقصود آزادی حقیقی نباشد که در ظلّ سلطنت الهی در زمان مقررّ مقدرّ به وجود آید، دیگر به چه امری اطلاق تواند شد؟»^{۳۰۲} (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۴)

^{۳۰۱} به مبحث ۱۴۰ مراجعه شود. آن "آزادگی" که اولاً مبتنی بر "یگانگی"، آن هم آن یگانگی که بر اساس "نظم نوین" یا نظم بدیع الهی شکل گرفته باشد، پدیده‌ای انسانی است که قطعاً در عصر ذهبی محقق خواهد شد.

^{۳۰۲} بر اساس مضمون صریح این بیان مبارک نیز، حصول حرّیت و آزادی حقیقی بعد از استقرار سلطنت الهی و لهذا در عصر ذهبی خواهد بود. به مبحث ۱۴۰ مراجعه شود.

۱۴۱. بروز رفاه و راحتی جهانی (۱۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « اگر علمای عصر بگذارند و مَنْ علی الأرض رائجی محبت و اتحاد را بیابند، در آن حین نفوس عارفه... راحت اندر راحت مشاهده نمایند (و) آسایش اندر آسایش...» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۲۲)

(۲) « البته این بلا را رحمت کبری از پی و این شداید عظمی را رخاء عظیم از عقب...» (لوح سلطان ایران- مجموعه‌ی پیام آسمانی ۱، ص ۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) « (با استقرار وحدت میان ملل عالم) قلوب منشرح خواهد شد؛ چشم‌ها بینا خواهد گشت، قوای عجیبی عظیمه ظاهر خواهد شد و سعادت عالم انسانی محقق خواهد گشت...» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه، ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)

(۴) « امیدوارم... وحدت حقیقی جلوه نماید؛ نور هدایت بتابد؛ تجلیات الهیه روزبه‌روز دیده شود تا عالم انسانی آسایش کامل یابد و سعادت ابدیه‌ی بشر مشهود شود...» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۹-۳۴)

(۵) « هرچند عسرت و تنگی است، ولی نغمه و آهنگی بلند است که هر شدتی را رخا نماید و هر تنگی را گشایش بی‌منتها فرماید؛ عسرت، عسرت شود و معسور، فیض موفور گردد...» (مآخذ اشعار در آثار بهایی، ج ۳، ص ۳۵۳)

(۶) « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است... کمال آسایش دست دهد؛ فلاح عظیم حاصل گردد...» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۴۶)

(۷) « در این دو ظهور (دو ظهور متوالی در آخر زمان = ظهور حضرت اعلی و ظهور جمال ابهی)... از برای بشر سعادت حقیقی حاصل شود...» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱-۳۰)

(۸) « عنقریب... این دوستی آسمانی و راستی یاران الهی، سبب راحت و آسایش عالم انسانی گردد...» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۷۱)

(۹) « در این دور بدیع... عالم انسانی در کمال آسایش و زینت جلوه نماید.» (مفوضات مبارک، ص ۵۰)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱۰) « عصر تکوین... عصری (است) که اضطرابات و ابتلائاتش مبشّر دورهی سعادت و فلاحی است که مشیت یزدانی برای عالم انسانی مقدر فرموده.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۷، توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۱) « در طیّ سی سال گذشته، شما عزیزان (پیروان حضرت بهاءالله در مهد امرالله) در مقابل طوفان بلایا با اطمینان قلبی از این که چنین مصائب و ابتلائاتی "مبشّر دورهی سعادت و فلاحی است که مشیت یزدانی برای عالم انسانی مقدر فرموده"، استقامت و ایستادگی نموده‌اید.» (پیام ۲۵ دسامبر ۲۰۰۷)

۱۴۲. تحقّق آشتی علم و دین (۲)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « در چنین جامعه‌ای (جامعه‌ی متحد جهانی) علم و دین؛ یعنی دو نیروی بسیار توانای بشر با هم آشتی پذیرند و همکاری نمایند و در پیشرفتشان هماهنگ شوند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵، توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲) « لزوم توافق میان دین و علم... از عناصر اولیّیهی سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طیّ این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۱۴۳. ظهور علوم بدیعه و صنایع قویّه (۲۴)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «كُلَّمَا تَشْهَدُونَ ظُهُورَاتِ الصُّنْعِيَّةِ الْبَدِيعَةِ، كَلَّمَا ظَهَرَ مِنْ هَذَا الْأَسْمِ (اسم الصانع)؛ وَ سَيَظْهَرُ مِنْ بَعْدُ مَا لَا سَمِعْتُمُوهُ مِنْ قَبْلُ، كَذَلِكَ قُدِّرَ فِي الْأَلْوَاحِ وَ لَا يَعْرِفُهَا إِلَّا كُلُّ ذِي بَصَرٍ حَدِيدٍ.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۷۴) (مضمون: همه‌ی آنچه از صنایع بدیعه مشاهده می‌کنید، همه، از اثر این نام ظاهر شده است؛ و به زودی در آینده نیز ظاهر خواهد شد آنچه که از قبل هرگز در باره‌ی آن شنیده‌اید. این گونه در الواح مقدر شد و کسی جز تیزبینان قادر به درک آن نیست.)

(۲) «يا اهل بهاء، قوه مُتفكره مخزن صنایع و علوم و فنون است؛ جهد نمایند تا از این معدن حقیقی لثالی حکمت و بیان ظاهر شود و سبب آسایش و اتحاد احزاب مختلفه‌ی عالم گردد.» (الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۰- کلمات فردوسییه)

(۳) «يا فؤاد هذا الهيكل، انا جعلناك مطلع علمي و مظهر حكمتي لمن في السموات و الارضين... سوف نبعث منك ذوى علوم بدیعه و ذوى صنائع قویه و نظهر منهم ما لا خطر بقلب احد من العباد.» (نداء رب الجنود، سوره‌ی هیکل، بند ۶۷) [مضمون: ای فؤاد این هیکل (هیکل مظهر امرالله)، ما ترا مطلع علم خود و مظهر حکمت خود برای اهل آسمان‌ها و زمین‌ها قرار دادیم... به زودی از تو صاحبان علوم بدیع و دارایان صنایع قوی مبعوث خواهیم کرد و از آنان چیزی ظاهر خواهیم نمود که به قلب هیچ يك از بندگان خطور نکرده است.]

(۴) «اليوم حکمای ارض این سر ربّانیه و حکمت الهیه (صنعت مکنونه= کشف اکسیر) را انکار نموده‌اند و نزد خود به برهان ثابت کرده‌اند که چنین چیز محال است... سبب انکار حفظ ید مختار است که این کنز را از ابصار حائنین و ایدی سارقین حفظ فرموده؛ و لکن عنقریب بعضی تصدیق نمایند و اذعان کنند.» (حضرت بهاءالله، مائده‌ی آسمانی ۱، باب دوازدهم، الواح مبارکه درباره‌ی ماده‌ی اکسیر، ص ۴۰) (ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۵) «آنچه از آثار و علوم و احکام و قانون و بدایع و صنایع و کمالات عالم انسانی در ایام سابق ظاهر شده، به منزله‌ی دو حرف (از بیست و هفت حرف) بوده؛ ولی در این ظهور بدیع و بروز کنز منبع،... علوم و فنون نامتناهی به درجه‌ای رسد که به مثابه جمیع حروف دیگر باشد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۲، باب اول، ص ۹)

(۶) «هنوز قرن اول است؛ در این مدت قلیله چقدر اسرار کائنات از حیز غیب به عالم شهود آمده... چه صنایع و بدایع (ای) جلوه نموده، دیگر ملاحظه نما که من بعد چه خواهد شد. باش تا صبح دولتش بدمد؛ این همه از نتایج سحر است.» (حضرت عبدالبهاء، مائده‌ی آسمانی ۲، باب اول، ص ۹- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۴)

(۷) « عنقریب خواهید دید که بهایبان در جمیع علوم و فنون سرحلقه‌ی دانایان گردند و کوس علم و دانش را در اوج اعلیٰ زند؛ مرکز اکتشافات عظیمه شوند و مصدر اختراعات نامتناهی گردند و لیس ذلك علی الله بعزیز.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۱۲) (مضمون عبارت عربی: این، برای خداوند کار سختی نیست.)

(۸) « در این دور جدید، کشفیات عظیمه خواهد شد و ریاضیون جدید نیز هنوز پی به جمیع مسائل ریاضیه نبرده‌اند و کشف نموده؛ ولی مسائل مجهوله نیز عنقریب کشف خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ششم، فقره‌ی ۴۲۵)

(۹) « در این کور بدیع، حقائق اشیاء و اسرار کائنات ظاهر و عیان خواهد گردید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۴۲۵)

(۱۰) « از خدا خواهم که روزبه‌روز... انسان در جمیع مراتب کمالات ترقی کند و در ظلّ خداوند اکبر، نهایت سعادت حاصل شود و این مسائل جز به علم حقیقی مطابق واقع، تحقق نیابد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۸۱)

(۱۱) « در آن دوره‌ی شمس حقیقت (دوره‌ی مظهر کلی الهی)،... ظلمات جهل و نادانی زائل گردد؛... و نورانیت احاطه نماید.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۷)

(۱۲) « کُلّ موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور... غافلان بیدار شوند، کورها بینا گردند، کرها شنوا شوند، گنگ‌ها گویا گردند، مریض‌ها شفا یابند.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

(۱۳) « در این دور بدیع... عاقبت... جهان از علوم و معارف و حقایق و اسرار کائنات... مملو خواهد گشت.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

(۱۴) « امیدم چنان است که شرق عنقریب از انوار علوم و حکمت الهیه و فنون عصریه بهره‌ی وافر برد تا نور علم، به جمیع آفاق بتابد و جمیع ممالک منور گردد... این است منتهای آرزوی من و این است مقصد من از سفر خود به امریک.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۸۲)

(۱۵) « امیدم چنان است که... تجلیات علوم الهیه در آفاق شرق و غرب انتشار کلی یابد. این است منتهای آرزوی من و این است مقصد من از سفر خود به امریک.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۸۲)

(۱۶) « از خدا خواهم که روزبه‌روز علم بلندتر گردد و کوکب علم درخشنده‌تر شود تا جمیع بشر از نور علم مستنیر گردند؛ عقول ترقی کند؛ احساسات زیاد شود؛ اکتشافات تزیاید نماید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۸۱)

۱۷) « نفس این قرن، کمالات خاصه دارد، اکتشافات عظیمه دارد، صنایع بدیعه دارد، تأسیسات عجیبه دارد، علوم غریبه دارد و از جمیع جهات در نهایت کمال جلوه نموده و خواهد نمود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۱۸۲) (خطابه‌ی مبارک در جمعه، ۱۲ جولای ۱۹۱۲)

۱۸) « عنقریب علوم و معارف مادّیه... چنان ترقّی نماید و معجزاتی بنماید که دیده‌ها حیران ماند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۹) « هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده‌ی قضا مکنون و تحقق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون (از جمله این که)... "بهاییان در جمیع علوم و فنون سرحلقه‌ی دانایان گردند و کوس علم و دانش را در اوج اعلیٰ زنند. مرکز اکتشافات عظیمه شوند و مصدر اختراعات نامتناهی گردند."» (مجموعه‌ی توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۹)

۲۰) « ای قویّ قدیر... اسرار علم لدنی به پیروان بیاموز و چشمه‌ی صنایع بدیعه و اکتشافات عظیمه از آن قلوب مجرّده‌ی صافیّه جاری نما.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۱) « روانشناسی هنوز علمی جوان و نارسا است و به مرور ایام که روانشناسان بهایی بر اساس تعالیم حضرت بهاءالله به مثل و نمونه‌ی حقیقی حیات انسانی دست یابند، موفق به جهش‌های بزرگ در سبیل پیشرفت این علم شده و به تخفیف و تسکین مصائب و آلام بشری کمک شایان و مؤثری خواهند نمود.» (مستخرج از دستخطی از بیت العدل اعظم الهی که در جواب سوالات یکی از اطباء بهایی مرقوم داشته‌اند، مدرج در مجموعه‌ی پیام‌ها ژانویه ۱۹۷۲ تا ژانویه ۱۹۷۸)

۲۲) « نطاق وظایف این مشروع عظیم (کتابخانه‌ی بین‌المللی بهایی) در طیّ عقود آتیّه اتّسع یابد و به عنوان مرکزی فعّال در تمای زمینه‌های علمی خدمت نموده و بدین ترتیب به هسته‌ی مرکزی معاهد عظیمه جهت اکتشافات و تحقیقات علمی مبدّل خواهد گردید.» [پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۶/۹)]

۲۳) « کشف این صنعت (تبدیل عناصر به یکدیگر) علامت پیشرفت حیرت‌انگیز علوم و صنایع در آینده‌ی ایام است.» (کتاب مسطتاب اقدس، یادداشت ۱۹۴)

۲۴) « حضرت باب اظهار نمودند که عالم بشر در آستانه‌ی عصری قرار گرفته است که شاهد دگرگونی و تجدید جمیع شئون حیات انسانی خواهد بود. زمینه‌های جدید علمی که اکنون غیر قابل تصوّر و ادراک

است، حتّی اطفال آن عصر بدیع را قادر خواهد ساخت تا از اعلم علمای قرن نوزدهم سبقت جویند.»
(بیت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله - می ۱۹۹۲، ص ۶)

۱۴۴. بسط معرفت و عرفان الهی (۷)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « ای حزب الله، حضرت اعلی روحی له الفداء، جان را فدا نمود و جمال مبارک در هر دمی صد جان فدا فرمود و تحمّل مصائب و شداید شدیده کرد؛ حبس و زنجیر شد؛ آواره و سرگون دیار بعیده گشت و عاقبت در سجن اعظم ایام به سر برد و همچنین جمّ غفیری از یاران الهی در این سیل شهد شهادت نوشیدند و جان و مال و اهل و عیال، کلّ را فدا و نثار فرمودند... جمیع به جهت این که... (از جمله)، نادانی به دانایی مبدّل شود.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۱۶۱)

(۲) « ای خدای مهربان، یاران جانفشانند تا... خازنار جهل، گزار عرفان شود.» (مجموعه‌ی مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۴)

(۳) « در این دور بدیع... عاقبت... جهان از... معرفه الله مملوّ خواهد گشت.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

(۴) « عنقریب... معرفت الهیه چنان ترقّی نماید و معجزاتی بنماید که دیده‌ها حیران ماند و سرّ این آیه‌ی اشعیا " زیرا که جهان از معرفه الله پر خواهد بود" بتمامه، ظاهر خواهد گشت.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

(۵) « به عون و عنایت حضرت احدیّت، جمیع ملل را در ظلّ کلمه‌ی وحدانیّت درآرید، تا... اسرار کور مقدّس ظاهر گردد و آثار دور اسم اعظم باهر شود... انوار هدی بتابد و ظلمت جهل و عمی محو و نابود گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره‌ی ۶۳)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۶) « کیست که بتواند فضای جان‌فزایی را که روان آدمی به پرتو انوار درخشنده‌ی حضرت بهاءالله کشف می‌کند، تصویر نماید؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹ - توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۷) «درک مفهوم انحصار عضویت در بیت‌العدل اعظم به مردان، اگر چه ممکن است در حال حاضر برای احبّاً مشکل باشد، ولی انتظار داریم که یاران الهی مطمئن به وعده‌ی حضرت عبدالبهاء باشند که به موقع خود امکان درک روشن آن میسر خواهد شد.» (پیام ۳۱ می ۱۹۸۸ - خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان نیویورک)

۱۴۵. جلوه‌ی دین واحد جهانی (۱۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «یا اصحاب المجلس فی هناک و دیار اخری، تدبّروا و تکلموا فیما یصلح به العالم و حاله... و الّذی جعله الله الدریاق الاعظم و السبب الاتم لصحته، هو اتحاد من علی الأرض علی امر واحد و شریعة واحدة. هذا لا یمكن ابدأ الا بطیب حاذق کامل مؤید. لعمری هذا لهو الحق و ما بعده الا الضلال المبین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۲۰ - لوح مقصود، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۲) [مضمون: ای اهل مجالس در آنجا (شهر لندن) و دیارهای دیگر، بیندیشید و مشورت کنید در آنچه سبب اصلاح عالم و حال و روز آن می‌شود... و عاملی که خداوند داروی بزرگ و علت اصلی برای صحت و سلامت آن قرار داده، اتحاد عالمیان است بر امری واحد و شریعتی واحد. چنین کاری ممکن نیست، مگر به کمک طیبی حاذق و کامل و مؤید به تأییدات الهی (منظور مظهر الهی است). قسم به جانم، این است حق و راستی و آنچه غیر آن است گمراهی آشکار است.]

(۲) «قلم اعلی در این حین مظاهر قدرت و مشارق اقتدار، یعنی ملوک و سلاطین و رؤسا و امرا و علما و عرفا را نصیحت می‌فرماید و به دین و به تمسک به آن، وصیت می‌نماید؛ آن است سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان.» (کلمات فردوسی، مجموعه‌ی الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) «جميع اهل عالم مؤمن شونند... شکی نیست، جميع در ظلّ امرالله درآیند.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۵)

(۴) «آن روز فراخواهد رسید که تمام ادیان جهان متحد شوند.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱)

۵ « به عون و عنایت بهاءالله... جمع ادیان الفت و اتحاد یابند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۴۲)

۶ « شمع چهارم (از لوح هفت شمع وحدت)، وحدت دینی است... شاهد این وحدت در انجمن عالم به قوت الهیه جلوه نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۷ « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است... جمیع مذاهب وحدت و یگانگی و اخوت یابند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۶)

۸ « گل، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور... کلّ مذاهب، مذهب واحد گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱)

۹ « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی همال (جمال مبارک) وقوع خواهد یافت... جمیع ملل و قبائل (دارای)... دین واحد و مذهب واحد... شوند» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۰ « جامعه‌ای جدید... در صدد بود که با هر گسترشی در عرصه‌ی روابط و دّیه‌اش، شناسایی همچنان وسیع‌تر و مهم‌تری نسبت به این مدّعا که دیانت آینده‌ی کلّ عالم است، جستجو کند و کسب نماید.» (مرور معبود، ص ۱۱۲)

۱۱ « همین قلم (قلم حضرت عبدالبهاء)... پیش‌گویی می‌نماید که... وحدت تمامی نژاد انسانی تحقق خواهد یافت؛ هنگامی که "کل"، (دارای) دین واحد... شوند.» (مرور معبود، ص ۴۲۰)

۱۲ « حضرت بهاءالله... اعلان می‌فرماید که بی‌تردید جمیع ادیان متحد شوند و جمیع آمال عالیّه‌اشان تحقق یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۱۵)

۱۳ « بقایش (بقای جامعه‌ی متحد جهانی) متکی باشد بر شناسایی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۷، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۴ « وحدت اساسی ادیان... از عناصر اولیّه‌ی سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طیّ این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۱۴۶. استقرار نهایی مشیت‌الله برگستره‌ی گیتی (۴)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزّت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحقه و ادوار آتیّه‌ی این کور مجید... ساکنین کره‌ی ارض را من اقصاها الی اقصاها (از این سوی تا آن سوی)، به تنفیذ مشیت ازلیّه‌ی ربّ البریه... موفّق و مفتخر گرداند.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۲) « امرالهی که به قوای ذاتیّه‌ی مکنونه‌اش متحرک است، هر دم قدرتش بیشتر شود و دامنه‌اش وسعت گیرد و تصرفاتش در تحقق مشیت الهیّه در بسیط زمین روزبه‌روز شدّت یابد.» (پیام نوروز ۱۹۷۳)

(۳) « تشکیل پی‌درپی این گونه اجتماعات (مثل کنفرانس سران دول برای عمران اجتماعی منعقد در کپنهاگ) برای هر ناظر بهایی، بالمآل حاکی از حرکتی تدریجی به سوی تحقق نهایی اراده‌ی حضرت بهاء‌الله است.» (پیام رضوان ۱۹۹۵)

(۴) « اهل بهاء به برکت و هدایت آثار مقدّسه یقین دارند که این وقایع مدّه‌شده (هریوم بلای جدیدی ارض را احاطه نماید و فتنه‌ی تازه‌ای برپا شود) را هر یک، علتی و معنایی و نتیجه‌ای است و کلّ، از وسایل ضروریّه‌ی استقرار مشیت غالبه‌ی الهیّه در جهان محسوب.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۳۰)

۱۴۷. استقرار ملکوت ابهی بر بسیط غربا (۵۱)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

(۱) « فسوف... تری کلّ الارض جنّة الابهی، کذلک رقم من قلم الامر علی لوح قویم.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره‌ی ۳، ص ۴۴، لوح رییس) (مضمون: به زودی سیاره‌ی زمین را چون بهشت برین مشاهده خواهی کرد، این چنین با قلم امر بر لوح قویم رقم زده شد.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۲) « جمال مبارک... ندای الهی به این مقصد بلند فرمودند تا عالم انسانی جهان آسمانی گردد؛ ناسوتی لاهوتی شود؛ ظلمانی نورانی گردد؛ شیطانی رحمانی شود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۶۸)
- (۳) « عنقریب این آهنگ ملکوتی (ظهور الهی) عالم انسانی را سرمست نماید و... جنت ابهی به کمال شکوه، در قطب عالم خیمه افرازد؛ هنالک یفرح المؤمنون و ینشرح قلوب المخلصین.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۱۶) (مضمون بخش عربی: در آن وقت مؤمنان مسرور خواهند گشت و قلوب مخلصان شادمان خواهد شد.)
- (۴) « باید به جان و دل بکوشیم تا... مواهب الهیه در حقیقت انسانیه، به کمال قوت، جلوه کند؛ تا بشر آئینه‌ی ملکوت ربّ جلیل گردد و عالم ناسوت آئینه‌ی ملکوت شود؛ آن وقت سعادت دنیویّه، سعادت اخرویّه، مواهب الهیه، روحانیت عظیمه، نورانیت ملکوتیه از برای عالم بشر حاصل گردد.» (خطابات مبارکه ۲، صص ۱۸۵-۱۸۱- پیام آسمانی ۲، ص ۳۳)
- (۵) « دعا می‌کنم که ملکوت الهی بر زمین مستقر شود و اشعه‌ی شمس حقیقت تمام ظلمت را زایل نماید.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، بند ۴، خیابان کامئون، ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱)
- (۶) « زمانی که همه‌ی اهل عالم در ملکوت ابهی، در ظل خیمه‌ی وحدت مجتمع شوند، بهشت موعود بر زمین مستقر خواهد شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه، ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)
- (۷) « در این دو ظهور (دو ظهور متوالی در آخر زمان)... مُلک آئینه‌ی ملکوت شود؛ ناسوت سریر لاهوت گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱-۳۰)
- (۸) « آثار ظهور در کلّ مراتب وجود ظاهر و باهر شود و عالم مُلکی آئینه‌ی ملکوت گردد؛ آن وقت جهان جنت ابهی شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره‌ی ۲۳۲)
- (۹) « (از جمله در اثر مساعی تبلیغی احبای آمریکا) آثار عظیمه ملکوت الله جلوه نماید... جسم مطابق جان گردد و ظاهر عنوان باطن شود و آئینه‌ی ملکوت گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۵۰- لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)
- (۱۰) « عنقریب... بسط غبراء محیط سماء گردد و کشور خاک سپهر افلاک شود؛ آب جوی، ماء معین شود و شعله‌ی دلجوی، نور مبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۱۸۹، ص ۲۷۰)
- (۱۱) « روی زمین بهشت برین گردد و جهان ناسوت آئینه‌ی ملکوت شود.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در قرن بدیع، ترجمه‌ی مودت، ص ۵۶۵)

۱۲) « بیت‌العدل مصدر تشریح است و حکومت قوه‌ی تنفیذ. تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و مُعین تشریح شود، تا از ارتباط و التیام این دو قوه... اقالیم، جنة النعیم و بهشت برین شود.» (حضرت عبدالبهاء، ارکان نظم بدیع، ص ۲۱۴)

۱۳) « حال شما (احبای آمریکا) بکوشید جهت جامعه که... روح تعالیم الهیست، در جمیع اقالیم آمریکا انتشار یابد تا... نورانیت الهیه بر ظلمات طبیعیّه غلبه نماید و عالم انسانی روشن گردد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)

۱۴) « این (انتشار روح تعالیم در جمیع اقالیم آمریکا) است امر عظیم، اگر به آن موفق شوید... روی زمین بهشت برین شود و تأسیسات ابدیه گذاشته شود.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)

۱۵) « فیوضات نامتناهی متتابع (است)؛ عنقریب از اشراق نور مبین، روی زمین بهشت برین گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۲۷۹)

۱۶) « در آن یوم خداوند (ظهور جمال مبارک)،... روی زمین بهشت برین گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۵)

۱۷) « ای امة الله... عنقریب بسیط غبرا را جنت ابهی مشاهده نمایی و عرصه‌ی خاک را رشک افلاک ملاحظه کنی.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۷، ص ۳۱)

۱۸) « شمس حقیقت هر چند در سحاب جلال متواری، ولی اشراق و انوارش متتابع و متمادی. بسیط زمین به فیوضات الهی عنقریب بهشت برین گردد و خطّه غبرا آئینه‌ی ذروه‌ی علیا شود؛ صور ملکوت در مرآت ناسوت جلوه نماید و فیض لاهوت مصور و مجسم گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره‌ی ۱۰۵)

۱۹) « شمع نورانی میثاق چنان پرتوی به آفاق دهد که عالم ناسوت عالم انوار گردد و حیز ادنی آئینه‌ی ملاً اعلی شود؛ هنالک یفرح الثابتون و یخسر الناقصون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره‌ی ۲۳۸) (مضمون عبارت عربی: در آن روز ثابتان شادی خواهند کرد و ناقصان گنگ خواهند شد.)

۲۰) « این روز، روز بدیع است و این عصر، عصر خداوند عزیز؛ عنقریب جهان بهشت برین گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۲۰)

۲۱) « آن وقت (وقتی قوه‌ی روحانیه در نهایت جلوه ظهور نماید)،... اورشلیم الهی تأسیس تام یابد؛ جمیع بشر از اهل ملکوت شوند و از فیوضات الهی بهره و نصیب برند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۱۳۵)

۲۲) « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است این عالم جنت ابهی شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۴۶)

۲۳) « امیدوارم... وحدت حقیقی جلوه نماید؛ نور هدایت بتابد؛ تجلیات الهیه روزبه روز دیده شود تا... قلوب بشر مانند آینه گردد، انوار شمس حقیقت در او تابیده شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۹- خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۳۴)

۲۴) « این است مقصود از تجلی شمس حقیقت تا... انواری ملکوتی در عالم انسانی ظاهر و عیان شود؛ کمالات عالم ملکوت در عالم انسان جلوه نماید؛ وحدت عالم ملائکه در عالم بشر هویدا گردد؛ یعنی نفس بشر ملائکه شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۸۵)

۲۵) « در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور رب جنود)... عالم انسانی قمیص تازه در بر نماید؛ روی زمین بهشت برین گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

۲۶) « بعد، آن بهار جان پرور (یوم ظهور مظاهر مقدسه) منتهی به تابستان پرثمر شود (و از جمله در تابستان ظهور حضرت بهاءالله)... فیوضات رحمانی احاطه کند و شمس حقیقت از افق ملکوت به نهایت قوت و حرارت اشراق نماید.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۸)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۲۷) « در این کور بدیع، حضرت غصن الله الاطهر به فرمودهی جمال قدم و اسم اعظم جام شهادت را بنوشید تا... وحدت اصلیه در جامعهی بشریه تحقق پذیرد و وحدت عالم انسانی اعلان گردد^{۳۰۳} و عالم ادنی آئینهی ملکوت ابهی شود.» (مجموعهی توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۰۳)

۲۸) « اخیراً این وعدهی باهره است که در یکی از آن الواح جاودانی (طرح ملکوتی) صادر گردیده: "این کار عظیم است، اگر به آن موفق شویم، امریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد."» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۳۶) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۲۹) « اهراق دمء مطهرهی شهیدان ایران است که... عالم ادنی را مرآت جنت ابهی گرداند.» [مجموعهی پیام آسمانی (مجموعهی نصوص مبارکهی مندرج در مجلهی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۵]

^{۳۰۳} از این بیان مبارک استنباط می شود که ظهور فرایند استقرار ملکوت ابهی بر بسیط غیرا، بعد از اعلان "وحدت اصلیه" یا "وحدت روحانی عالم انسانی"، البته با حصول تعدادی مراحل واسطه، خواهد بود. به مبحث ۱۳۱ مراجعه شود.

۳۰ « مرحلهی بلوغ (بلوغ اجتماعی بشریت)... طلوع عصری را بشارت^{۳۰۴} می دهد که سرآمد اعصار است؛ عصری که در آن... ملکوت آسمانی طبق وعدهی صریح حضرت مسیح، بیاید.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۲)

۳۱ « در این عهد و عهد آتیهی این عصر و در عصر ذهبی^{۳۰۵} دور مقدّس جمال ابهی... عالم ادنی آئینهی عالم بالا و قطعه‌ای از فردوس اعلی و جنت ابهی گردد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۳۲ « در این عهد و عهد آتیهی این عصر و در عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی... ملکوت الله در انجمن بنی آدم استقرار یابد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۳۳ « هر چند قالب نظم اداریش (نظم اداری ظهور حضرت بهاءالله) ریخته شده و عصر تکوینش دمیده، ولیکن ملکوت موعود، یعنی ثمر شجر مؤسّسات مبارکش هنوز در عالم وجود موجود نگشته است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۳- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۳۴ « انقلاب اعظم (احاطه‌ی بلیات من کل الجهات بر هیأت اجتماعیّه)^{۳۰۶} بنفسه... عالم را یک وطن نماید و مصداق اذاً تری الارض جنة الابهی را بر کافه‌ی انام ظاهر و آشکار فرماید.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹)

۳۵ « انقلاب اعظم (احاطه‌ی بلیات من کل الجهات بر هیأت اجتماعیّه) بنفسه... ملکوت الله را ترویج و تأسیس نماید و بسیط غبراء را آئینه‌ی ملاً اعلی گرداند.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹)

۳۶ « این مرحله‌ی اخیر (سلطنت اسم اعظم) بنفسه، مقدّمه‌ی... تبدیل ارض به قطعه‌ای از فردوس اعظم (خواهد بود)، "اذا تری جنة الابهی".» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه‌ی توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲) (مضمون عبارت: آنگاه جنت ابهی را مشاهده خواهی نمود.)

۳۷ « عالم ناسوت به نیروی اسم اعظم که در حقایق کائنات و هویت ممکنات جاری و ساری، جلوه‌گاه ملاءاعلی و آئینه‌ی عالم بالا و قطعه‌ای از فردوس ابهی گردد.» (توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۰۷)

^{۳۰۴} از آنجا که بلوغ روحانی بشریت در عصر ذهبی محقق خواهد شد (از جمله: به فقرات ۳۸ و ۴۸ از مبحث ۱۲۹- و فقرات ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۴ از مبحث ۱۳۶ مراجعه شود)، بلوغی که طلوع این عصر را بشارت می‌دهد، همان بلوغ اجتماعی عالم انسانی است. به مبحث ۱۰۳ رجوع شود.
^{۳۰۵} به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.
^{۳۰۶} به مبحث ۱۰۰ مراجعه شود.

۳۸) « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه‌ی شهود خواهد آمد... (از جمله)... ظهور ملکوت الهی بر ارض (است).» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۳۹) « ملکوت‌الله، كما بشره الابن فی الانجیل، در عالم شهود تأسیس شود.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵) [مضمون عبارت عربی: همان‌گونه که ابن (حضرت مسیح) در کتاب انجیل بشارت داده است.]

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۴۰) « این تحوّل عجیب (مشارکت جمعی قلیل برای بنای نظمی جدید، مثل اولین جهاد روحانی جهانی) که به هدایت الهی در جهان موجود و در کلمات الهیه موعود، باید کماکان مسیر تاریخی خویش را بپیماید تا بالمآل به تاج عزت و جلال فائز گردد و نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاء‌الله و تأسیس ملکوت ابهائش را در توده‌ی غربا با کمال اتقان متحقق و استوار سازد.» (پیام رضوان ۱۹۶۵)

۴۱) « عنایات موفوره... بالمآل ضامن تحقق همان ملکوت پرجلالی است که از قبل بدان بشارت داده شده.» (پیام ۱۲ نوامبر ۱۹۶۷)

۴۲) « مقصد غایی امر حضرت بهاء‌الله... ظهور وحدت نوع انسان و استقرار ملکوت موعود الهی در بسیط غربا است.» (پیام رضوان ۱۹۷۰)

۴۳) « مقصد غایی جمیع این مجهودات و اعمال که یاران حال به اجرایش در سراسر عالم دعوت گشته‌اند، استقرار ملکوت الهی بر بسیط زمین است.» (پیام نوروز ۱۹۷۳)

۴۴) « این محبت الهی موجود و مشهود در ظهور حضرت بهاء‌الله است که ارواح تشنه‌ی عالمیان را سیراب خواهد کرد و سرانجام، مردمان جهان را از باطلاق موجود بیرون کشیده، به سمت جهد و تلاشی منظم و متعالی و الهام بخش برای استقرار ملکوت الهی بر بسیط خاکی هدایت خواهد نمود.» (پیام رضوان ۱۹۸۱- ترجمه‌ی شخصی)

۴۵) « اطمینان واثق داریم که الطاف و عنایات لاریبیه‌ی الهیه شامل و کافل، و مساعی یاران راستان در تأسیس ملکوت مالک مبداء و مآب در این جهان پروحشت و اضطراب به اکیلی ظفر و نصرت حقیقی مکمل خواهد گردید.» (پیام رضوان ۱۹۸۷)

۴۶) « قریب یکصد سال پیش، جمال اقدس ابھی در حین مشی در کوم مقدس الهی، لوح مبارک کرمل را که منشور مرکز جهانی امر مبارک محسوب می‌گردد، نازل فرمودند و بدین ترتیب، مقدمات بنای مدینه‌ی موعود ملکوت الهی را بر بسیط غرباء آماده و مهیا نمودند.» (پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷)

- (۴۷) « نتیجه و حاصل نهایی پرشکوه این تدبیر (تأسیس عهد و میثاق الهی) تضمین تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین است که در کتب مقدسه‌ی قبل وعده داده شده و حضرت بهاءالله نیز شخصاً آن را اعلان فرموده‌اند.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۲)
- (۴۸) « همچنان که حضرت ولی امرالله بیان فرموده‌اند، نقشه کلی الهی^{۳۵۷} "برای تحقق مقصد آنی و مآلاً تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین، خرد و کلان را همچون مهره‌های شطرنج در حرکتی جهان‌آرا به کار می‌گیرد." (پیام رضوان ۱۹۹۸- جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه‌ی جلد سوم، ص ۳۱)
- (۴۹) « در آن (جامعه‌ی مشترک‌المنافع بهایی)، ملکوت الهی بر کوهی خاک تأسیس شود.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)
- (۵۰) « در بطون پیام حضرت عبدالبهاء (در اسفار مغرب زمین) این حقیقت نهفته است که روز موعود برای... تأسیس ملکوت الهی در این کوهی خاکی که همه منتظرش بودند، فرارسیده است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۹)
- (۵۱) « این نظم (نظم الهی) وسایل و امکاناتی را فراهم می‌کند که از طریق آن، مشیت الهیه راه ترقی نوع بشر را نورانی می‌سازد و استقرار نهایی ملکوت الهی بر روی زمین را هدایت می‌نماید.» (پیام ۲۵ مارس ۲۰۰۷)

۱۴۸. بروز ثمره‌ی نهایی ظهورالهی (۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « قد غُرست سدرة العرفان بید الرحمن و سوف تُثمر اغصانها.» (آثار قلم اعلی ۱، ص ۱۴۲، بند ۸۲) (مضمون: درخت عرفان به دست خداوند رحمان کشته شد، و به زودی شاخه‌هایش به میوه خواهد نشست.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۲) « آنچه الیوم می‌بینی و می‌شنوی از نتایج صبح است؛ این صبح را روزی بسیار روشن در پی و این موسم فصل اعتدال ربیعی را گل و ریاحین و شکوفه و اثماری از عقب، آن وقت واضح و مشهود گردد که

^{۳۵۷} به مبحث ۷۷ رجوع شود.

کلمه‌الله را چه نفوذی بود و نفثات روح القدس را چه تأثیری.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۷۱)

۳ « به عون و عنایت حضرت احدیت جمیع ملل را در ظلّ کلمه‌ی وحدانیت درآرید، تا... حدیقه‌ی کیهان بارور گردد و روضه‌ی امکان میوه‌ی تر بارآورد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره‌ی ۶۳)

۴ « ای یاران عبدالبهاء... دهقان عنایت، در مزرعه‌ی موجودات تخم حقیقت افشاند و به فیض ابدی آبیاری فرموده و آفتاب جهان معنوی تابیده تا آن که اسرار مکنونه و موهبت مصونه که در هویت حقائق اشیاست، ظاهر و مشهود گردد و این فیض عظیم در حیز شهود تحقق یابد و این مواهب الهیه جلوه نماید و آفرینش نتایج بدیعه بخشد و شجره‌ی امکان ثمره‌ی جدیده دهد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره‌ی ۲۳۰)

د) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۵ « همین سرگونی حضرت ابراهیم است که به واسطه‌ی ثمرات فراوانی که برای بسیاری از ادیان و مردمان گوناگون به بار آورد، مناسب‌ترین و مشابه‌ترین نمونه‌ی تاریخی را برای برآورد برکات بی‌شماری که مقدر است سرگونی حضرت بهاءالله (از ایران به سرزمین مقدس) امروز و نیز در عصرهای آینده، به تمامیت عالم انسانی عطا کند، تشکیل می‌دهد؛ برکاتی که نتیجه‌ی مستقیم تحمّل چنین تبعیدی عظیم توسط کسی است که امرش، شکوفه و ثمره‌ی تمامی ظهورات تاریخ می‌باشد.» (مرور معبود، ص ۱۶۷)

۶ « ما... هیچ تردیدی به دل راه نمی‌دهیم... که این امر گرانمایه (امر حضرت بهاءالله)، همچنان به مشی پیش‌تازانه‌ی خود ادامه خواهد داد و قلّه‌هایی بلندتر را مسخر، و موانعی سخت‌تر را منهدم، و افق‌هایی تازه‌تر را مفتوح، و پیروزی‌هایی عظیم‌تر را حاصل خواهد کرد؛ تا این که عاقبت، مأموریت پر جلال و جبروت خود را، که تا قلب زمان‌های نامعلوم آینده استمرار می‌یابد، کاملاً و تماماً تحقق بخشد.» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

۷ « زمان سپری شود و عصر سوم، عصر آخرین و زرّینی که باید شاهد ظهور نظمی جهان شمول باشد، حلول نماید، و ثمره‌ی نهایی واپسین تجلّی الهی را برای عالم انسانی به بار آورد؛ ثمره‌ای که بلوغش مصادف خواهد بود با استقرار مدنیتی جهانی، یا همان سان که عیسی مسیح وعده فرموده، با افتتاح رسمی ملکوت اب سماوی بر سیاره‌ی خاکی.» (مرور معبود، ص ۴۲۹)

۱۴۹. تجلی کور اعظم بهایی (۱۸)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « هَذَا لظهور يُظهِرُ نَفْسَهُ فَيُكَلِّ حَمْسِمِائَةَ أَلْفِ سَنَةٍ مَرَّةً وَاحِدَةً، كَذَلِكَ كَشَفْنَا الْقِنَاعَ وَأَرْفَعْنَا الْأَحْجَابَ طُوبَى لِمَنْ عَرَفَ مُرَادَ اللَّهِ، مَنْ عَرَفَهُ يَفْرَحُ قَلْبُهُ وَيَسْتَقِيمُ عَلَى الْأَمْرِ عَلَى شَأْنٍ لَا يَزِلُّهُ مَنْ فِي الْإِبْدَاعِ، قَدْ كَشَفْنَا فِيهِ هَذَا اللُّوحَ سِرًّا مِنْ أَسْرَارِ هَذَا الظُّهُورِ وَسَتَرْنَا مَا هُوَ الْمَكْنُونُ لِئَلَّا تَرْتَفِعَ ضَوْضَاءُ الْفُجَّارِ، تَاللهِ مَا عَرَفَهُ أَحَدٌ إِلَّا عَلَى قَدْرِهِ.» (لثالی الحکمة ۱، فقره‌ی ۲۰) (مضمون: این ظهوری است که هر پانصد هزار سال یک بار خود را ظاهر می‌نماید. این گونه پوشش را رفع کردیم و پرده‌ها را کنار زدیم. خوشا به حال کسی که مقصود خداوند را فهمید. هر کس او را شناخت قلبش مسرور می‌شود و بر امر مستقیم می‌ماند، به گونه‌ای که اهل ابداع او را متزلزل ننماید. در این لوح سری از اسرار این ظهور را فاش کردیم و آنچه را مکنون بود برپوشیدیم شاید فریاد بدکاران بلند نشود؛ به خداوند سوگند کسی او را نشناخت، مگر در حد استطاعت خودش.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۲) « در دور جمال مبارک چون شمس حقیقت در برج الهی که خانه‌ی شمس است طلوع و اشراق فرمود، مدت استقرارش عدد سی بود که آن نهایت مدّت استقرار آفتاب است در یک برج تمام، لهذا امتدادش بسیار، اقلاً پانصد هزار سال.» (ع، مجموعه‌ی یاران پارسی، بند ۱۵۲، ص ۱۶۴)
- (۳) « کور جمال مبارک غیرمتناهیست.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره‌ی ۳۳۰)
- (۴) « در این کور اعظم و دور اقوم... به کتاب عهد به اثر قلم اعلی تأکید و توضیح و تشریح نموده تا مقرّ امر در این کور اعظم واضح و مبرهن گردد و محلّ توقّف و نزاع و خلافی از برای نفسی نماند.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد اول، ص ۳۴۴)
- (۵) « در این کور عظیم و دور جدید تفرّعات احکام جسمانی اکثر به بیت عدل راجع؛ چه که این کور را امتداد عظیم است و این دور را فسحت و وسعت و استمرار سرمدی ابدی.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد اول، ص ۴۵۶)
- (۶) « این کور اعظم و دور اقوم ظهور حقّ و طلوع شمس حقیقت... به جمیع شئون ممتاز از سایر اکوار و مشرق بر جمیع ادوار است.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد اول، ص ۳۴۳)

(۷) « در مقام دیگر، این قرن عظیم و عصر جدید خداوند مجید است و در هر ساعتی آنچه دهقان در مزرعه‌ی کون کشته و از معین رحمانیت آب داده، سبز و روینده گردد و لطافت گلستان شود و طراوت بوستان گردد و در هر دمی شبنمی رسد و در هر نفسی صبح تأییدی دمد و آثار باهره‌ی این کور اعظم ظاهر و باهر شود و قدرت و عظمت سلطان احدیت واضح و لائح گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۴)

(۸) « این نور جدید (امر حضرت بهاءالله) که در یوم سعید علم افراخت، فیوضات و انوار و اسرار و آثار و آیات و بیناتش تا پانصد هزار سال حکمش جاری است.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۷۱)

(۹) « کور، عظیم است و صاحب کور جمال مبین، سمایش شریعت تقدیس است و فائض بر مزرعه‌ی هر عزیز و خسیس، و شمسش حقیقت ذات الوهیت است که جمیع مظاهرش در سایر اکوار به مقام عبودیت بودند؛ ارضش ارض حقائق کلیه مستفیضه از اشعه ساطعه از نیر اعظم است و بحرش محیط اکبر است؛ حدائقش جنان فردوس است و شقائقش معطر بنفحات قدس؛ چشمه‌اش عین تسنیم است و کوثرش ماء معین، فیه شفاء للشاربین؛ اثمارش ما لارثت عین و لاسمعت اذن و لاخطر علی قلب بشر و نغماتش الحان طیور بقاست و اصواتش ترنمات حمامه‌ی وفا؛ نغمه‌اش حقائق و معانیست و رنه‌اش بدایع آیات رحمانی؛ بحرش عذب فرات است؛ نهرش زلال آب حیات؛ قطره‌اش چون دریا در جوش و خروشت و ذره‌اش چون آفتاب مشهور و معروف.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۴۵) (مضمون بخش عربی: آنچه که چشمی ندیده و گوش‌ی نشنیده و به قلب کسی خطور نکرده.)

(۱۰) « در دور جمال مبارک چون شمس حقیقت در برج الهی که خانه‌ی شمس است طلوع و اشراق فرمود، مدت استقرارش عدد سی بود که آن نهایت مدت استقرار آفتاب است در یک برج تمام، لهذا امتدادش بسیار، اقلاً پانصد هزار سال (است).» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

(۱۱) « الحمدلله این کور، کور شمس حقیقت است و این عهد، عهد سلطان احدیت.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۲۱۷)

(۱۲) « کتاب عهد و میثاق... بنیان حصین و متین و سفینه‌ی نجات این کور عظیم است.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۴۷)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱۳) « کور بهایی... با دوره‌ای پانصد هزار ساله، تا محدوده‌هایی ناشناخته از زمان‌های آینده را در بر خواهد گرفت.» (مرور معبود، ص ۱۰۶)

۱۴) « این شخص جلیل (موعود حضرت باب = جمال اقدس ابهی) باید بنا به بشارات... کتب مقدّسه، در عالم ظاهر شود و دوران صلح و آشتی و عدل و تقوی را در جهان آغاز نماید؛ یعنی دورانی را که به منزله‌ی اکمال و اتمام ظهورات گذشته و در عین حال مؤسس کور جدیدی در تاریخ دینی عالم انسانی است.» (ندا به اهل عالم، ص ۵)

۱۵) « اهمّیت این کور مقدّس (کور پانصد هزار ساله‌ی بهایی) به حدّی است که آنچه در این باره گفته شود مبالغه نخواهد بود... نفوذ و تصرفاتش چه در گذشته و چه در مستقبل ایام، یعنی در حینی که تمدّن کنونی رو به زوال می‌رود و نظم بدیع الهی جلوه و ظهور می‌نماید، خارج از حدّ وصف و بیان است.» (کتاب دور بهایی، ص ۲۸) (۸ فوریه ۱۹۳۴)

۱۶) « این کور بدیع مشعشع الهی (کور بهایی)... در جمیع شئون ممتاز از اکوار سابقه و ادیان قدیمه و ادوار سالفه است.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده‌ی آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۵)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۷) « با اشراق این نیر اعظم (امراهی) از سماء اراده‌ی مالک قدم، دور جدیدی که امتدادش اقلّ از هزار سال و کوری که مدّت آن از پانصد هزار سال کمتر نبوده و نخواهد بود، آغاز گردید.» (پیام رضوان ۱۹۸۷)

۱۸) « نیر اعظم (منظور حضرت بهاءالله است) مؤسس شریعتی (است) که کور شش هزار ساله‌ی آدم را به اوج تکامل رسانید و کور پانصد هزار ساله‌ی بهایی را آغاز نمود.» (پیام ۷ ژانویه ۱۹۹۲ - جزوه‌ی دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۷)

۱۵۰. استمرار ظهور مظاهر قدسی (۵۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « ان بمثل ما قد ابعث الله الرسل من قبل نقطة البيان، ليعتن الله من يظهره الله ثم من يشاء من بعده، والله على كل شيء قدير.» (مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در باره‌ی عهد و میثاق، ص ۸) (مضمون: همان گونه که خداوند رسولانی را قبل از حضرت اعلی مبعوث فرمود، حتماً من یظهره الله و بعد از او نیز هر که را بخواهد مبعوث خواهد کرد، و خداوند بر هر چیزی توانا است.)

(۲) « از بعد، امر به یدالله بوده تا چه را حجت از برای مظاهر بعد قرار فرماید.» (جمال ابهی، مائده‌ی ۴، ردیف ح، باب دوم، ص ۹۳)

(۳) « بعث الله رسلاً بعد موسى و عيسى و سيرسِل من بعد الى آخرالذی لا آخر له، بحيث لن ينقطع الفضل عن سماء العناية.» (جمال ابهی، مندرج در توقيح منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۷) (مضمون: خداوند رسولانی بعد از موسی و عیسی مبعوث نمود و بعد از این هم، تا پایان بی‌پایان، مبعوث خواهد فرمود، به نحوی که هرگز فضل از آسمان عنایت الهی قطع نگردد.)

(۴) « چه که (چون که) در این ظهور، حق جلّ ذکرة اراده فرمود که اکثری از مقبلین مخلصین به آیات تکلم نمایند، لذا حجت ظهور بعد را به امر دیگر مقدر خواهیم فرمود.» (جمال ابهی، مائده‌ی ۴، ردیف ح، باب دوم، ص ۹۳)

(۵) « لم یزل ابواب رحمت حق بر وجه کون و امکان مفتوح بوده و لا یزال امطار عنایت و مکرمت از غمام حقیقت بر آراضی قابلیات و حقایق و اعیان مترکم و مفیض خواهد بود. اینست سنت خدا من الأزل الى الابد.» (مجموعه‌ی الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۳۴۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، نشر آلمان، فقره‌ی ۲۷)

(۶) « از اوّل لا اوّل خلق فرموده و الی آخر لا آخر خلق خواهد فرمود و در هر دوری از ادوار و کوری از اکوار، از تجلیات ظهورات فطرت‌های بدیع خود خلق را جدید فرموده تا جمیع... از باده‌ی رحمت خمخانه‌ی عزّ احدیّتش محروم نمانند و از رشحات فیوضات سحاب مکرمتش مأیوس نگردند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، نشر آلمان، فقره‌ی ۲۶)

(۷) « ایاکم یا ملاً التوحید لا تفرّقوا فی مظاهر امرالله و لا فیما نزل علیهم من الآیات و هذا حق التّوحید ان انتم لمن الموقنین و کذلک فی افعالهم و اعمالهم و کلاً ما ظهر من عندهم و یظهر من لدنهم؛ کلّ من عند الله و کلّ بامرهم عاملین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، نشر آلمان، فقره‌ی ۲۴) (مضمون بیان مبارک با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی آن: ای باورمندان به وحدت الهی، مبدا اغوا شوید که تفاوتی میان مظاهر امرالهی قائل شوید و یا تمایزی بین آیات و علاماتی که ملازم ظهور آنان بوده است در نظر گیرید. در واقع، معنی وحدت الهیه همین است، اگر از اهل یقین هستید. نیز مطمئن باشید که اعمال و اقدامات هر یک از این مظاهر مقدّسه، و هر چیزی که مربوط به آنان می‌شود و یا در آینده از آنان ظاهر گردد، همه، تقدیر الهی و انعکاسی از مقصد و مشیّت او است.)

(۸) « انا جعلنا هذا اللوح (لوح اسمنا المرسل) مبدء ظهور هذا الاسم فی العالمین و منه بعثنا الرّسل من قبل الذی لا قبل له و ارسلنا هم الی العباد امرأ من لدنا و انا کنا آمرین و نرسلن به الرّسل الی آخر الذی لا

آخر له بقدره من لدنا و انا كنا قادرين.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۱۱۱- سورة اسمنا المرسل) [مضمون: ما این لوح (لوح اسمنا المرسل) را مبدأ ظهور این اسم (اسم مُرسل) در جهانها قرار دادیم و از آن، از قبلی که قبلی بر آن متصور نیست، به فرمانی از نزد خود، رسولان را مبعوث کردیم و آنان را به سوی عباد ارسال نمودیم و همانا ما فرمانرواییم؛ و به واسطهی آن، تا پایانی که پایانی ندارد، به قدرتی از نزد خود، رسولان را خواهیم فرستاد، همانا ما تواناییم.]

۹ « ان یا هذا الاسم (اسم المرسل)، انا جعلناک مظهر رسلنا فی ملکوت الاسماء... و بک نرسل الرّسل الی کلّ عوالم (عالم؟) من عوالم ربّک و هذا ما قدرناه لک فضلاً من لدنا لعبادنا العارفين.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۱۱۱- سورة اسمنا المرسل) [مضمون: ای این اسم (اسم فرورفستنده)، ما ترا مظهر پیامبرانمان در ملکوت اسماء قرار دادیم... و به واسطهی تو، رسولانمان را به هر عالمی از عوامل پروردگارت می‌فرستیم؛ و این آنچه است که از نزد خود، و به نشانه‌ی فضلی برای بندگان مقربمان، برای تو مقدر نمودیم.]

۱۰ « و قالت (جمال القدس): ما نرجع الیکم یا أيها الأصحاب (و انّ هذا لرجع عجاب)، و نستر أسرار الله من الصّحائف و الکتاب (و انّ هذا أمر من عزیز وهّاب)، و لن تجدونی الا اذا ظهر الموعود فی یوم الإیاب (و عمری انّ هذا لذّ عجاب). (ادعیهی حضرت محبوب، ص ۱۵۷) [مضمون: و (جمال قدس) گفت: ای اصحاب، به سوی شما بازخواهم گشت (و این نیست مگر بازگشتی عجیب)، و اسرار الهی را از صحیفه‌ها و کتاب‌ها می‌پوشانم (و این امری است از خداوند عزیز وهّاب)، و دیگر نخواهید یافت مرا مگر هنگامی که موعود ظاهر شود در روز ایاب (و به جانم قسم، این ذلتی است عجاب)]

۱۱ « حال قلم قدم و اسم اعظم می‌فرماید اگر نفسی به کلّ آیات ظاهر شود، قبل از اتمام الف سنهی (گذشت هزار سال) کامله که هر سنهی آن دوازده ماه بما نزل فی الفرقان و نوزده شهر بما نزل فی البیان که هر شهری نوزده یوم مذکور است، ابدأ تصدیق منماید.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۱۴۱)

۱۲ « بگو، ظهورات منتهی شد؛ هر نفسی قبل از اتمام الف سنه ادّعا نماید، هر که باشد و هر چه بیاورد، باطل بوده و هست.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۹۶)

۱۳ « نبی (خبردهنده از امور غیبی به وحی الهی) از اوّل لا اوّل بوده و الی آخر لا آخر خواهد آمد.» (جمال ابهی، مائدهی آسمانی ۷، باب اوّل، ص ۳۰)

۱۴ « من یدعی امراً قبل اتمام الف سنه کامله، انه کذاب مفتر. نسئل الله بان یؤیّده علی الرجوع، ان تاب انه هو التّوّاب و ان اصّر علی ما قال، یبعث علیه من لا یرحمه و انه شدید العقاب.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۳۷- کتاب دور بهایی، ص ۵۵) [مضمون: اگر کسی قبل از اتمام هزار سال کامل، امری را

ادّعا کند (یعنی ادّعای پیامبری نماید) دروغ گوی افترا زننده است. از خدا می‌خواهیم او را کمک کند بر رجوع؛ اگر توبه کند او (خداوند) توبه پذیر است و اگر بر گفته‌ی خود اصرار ورزد، کسی را بر او برمی‌انگیزد که رحمتش ننماید و همانا او در تنبیه کردن شدید است.]

۱۵ « قل انا آمنتُ بالذی ظهر باسم علی من لدن سلطان حقّ محمود و بالذی یأتی فی المستغاث و بالذی یأتی بعده الی آخر الذی لا آخر له. » (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۳۰) [مضمون با توجه به ترجمه‌ی انگلیسی بیان: بگو ما ایمان آوردیم به کسی که به اراده‌ی خداوند پُرسطه‌ی ستایش‌شده، به نام علی (حضرت باب) مبعوث شد و نیز به کسی که در مستغاث ظاهر خواهد شد (منظور موعود بیان است که خود حضرت بهاءالله باشد) و نیز به کسانی که بعد از او، تا پایانی که پایانی ندارد، خواهند آمد.]

۱۶ « ما نشهد فی ظهورهم (مظاهر مقدّسه‌ی آینده) الاّ ظهور الله و فی بطونهم الاّ بطونه ان انتم تعرفون و کلّهم مرایا الله بحیث لا یری فیهم الاّ نفس الله و جماله و عزّ الله و بهائه لو انتم تعقلون و ما سویهم مرایاهم و هم مرایا الاولیّه ان انتم تفقهون ما سبقهم احد فی شیء و هم یسبقون. » (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۳۰) [در ظهور آنان (مظاهر مقدّسه‌ی آینده) جز ظهور خداوند و در بطونشان جز بطون او را مشاهده نمی‌کنیم، اگر شما از شناسندگانید؛ و همه‌ی آنان آینه‌های ذات خداوندند، آنچنان که در وجودشان دیده نمی‌شود مگر نفس خداوند و جمال او و عزّت او و بهاء او، اگر شما از عاقلانید؛ و ماسوای آنان آینه‌های جمال آنانند و آنان آینه‌های اولیّه‌اند اگر شما از دانایانید؛ و هیچ کس در هیچ موردی از آنان سبقت و پیشی نگیرد و آنان از همگان سبقت گیرند.]

۱۷ « قل لن ینتهی مرایا القدم و کذلک مرایا جمالهم؛ لأنّ فیض الله لن ینقطع و هذا صدق غیر مکذوب. » (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۳۰) [مضمون: بگو مرایای قدم (منظور مظاهر مقدّسه هستند) هرگز پایان نخواهند پذیرفت و نیز مرایای جمال آنان؛ زیرا فیض خداوند هرگز قطع نخواهد شد و این حقیقتی است غیر قابل انکار.]

۱۸ « منه (هذا الاسم = البهاء) بعثنا الرسل من قبل... و تُرسلنّ به الرسل الی آخر الذی لا آخر له بقدره من لدنا و انا کنا قادرین. » (قلم‌اعلی ۴، سوره‌ی اسمنا المرسل، ص ۳۱۱) [از او (نام مبارک بهاء) از قبل، رسولان را مبعوث کردیم... و به واسطه‌ی او، تا پایان زمان، رسولان را به قدرت خود، خواهیم فرستاد، زیرا ما به راستی قادر و تواناییم.]

۱۹ « در جمیع اعهاد و ازمان انبیاء و اولیاء با قوّت ربّانی و قدرت صمدانی در میان ناس ظاهرگشته، و عقل سلیم هرگز راضی نشود که نظر به بعضی کلمات (مثل عبارت خاتم النبیین در قرآن کریم) که معانی آن را ادراک ننموده، این باب هدایت را مسدود انگارد و از برای این شمس و انوار، ابتدا و انتهایی

تعقل نماید؛ زیرا فیضی اعظم از این فیض کلیه نبوده و رحمتی اکبر از این رحمت منبسطه الهیه نخواهد بود.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۲۷، ص ۵۲)

۲۰ «در هر عهد و عصر... این کینونات مجرد و حقایق منیره (مظاهر مقدسه) و سائط فیض کلیه‌اند و به هدایت کبری و ربوبیت عظمی مبعوث شوند که تا قلوب مشتاقین و حقایق صافین را به الهامات غیبیه و فیوضات لاریبیه و نسائم قدسیه از کدورات عوالم مُلکیه سازج و منیرگردانند و افنده‌ی مقرّبین را از زنگار حدود پاک و منزّه فرمایند.» (جمال ابهی، نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۲۷)

۲۱ «این مدینه (کتب الهیه... در هر عهدی)، در رأس هزار سنه، او آزید او اقل (یا بیش تر یا کم تر)، تجدید شود و تزیین یابد.» (ایقان مبارک، منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره‌ی ۱۲۲)

۲۲ «کلّ ظهورات قبل از برای رسول‌الله خلق شده؛ کلّ ظهورات و آن ظهور از برای قائم آل محمد خلق شده؛ و کلّ ظهورات و ظهور قائم آل محمد از برای من یظهره الله خلق شده؛ و همچنین کلّ ظهورات و ظهور من یظهره الله از برای ظهور بعد من یظهره الله خلق شده و همچنین الی ما لانهایه، شمس حقیقت طالع و غارب می‌گردد و از برای او بدئی و نهائیتی نبوده و نیست.» (حضرت اعلی، مندرج در توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲۳ «موعود حضرت بهاءالله بعد از هزار یا چند هزار سال ظاهر شود.» (مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در باره‌ی عهد و میثاق الهی، ص ۹)

۲۴ «بعد از آن که احقابی بگذرد و به کلی صحف و کتب و آثار و اذکار این اعصار فراموش شود که از تعالیم جمال مبارک چیزی در دست نماند، ظهور جدیدی گردد و الا تا آثار و صحف و تعالیم و اذکار و اسرار و انوار جمال مبارک در عالم وجود مشهود، نه ظهوری نه بروزی و نه صدوری.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۳۳۰)

۲۵ «جمال مبارک عهد موعودی گرفت که بعد از هزار سال یا هزاران سال ظهور خواهد نمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره‌ی ۱۵۶)

۲۶ «به راستی بدان، مظاهر مقدسه‌ای که در آینده "در سایه‌های ابر" ظاهر خواهند شد، تا آنجا که به رابطه‌ی آنان با سرچشمه‌ی الهامشان مربوط می‌شود، در سایه‌ی جمال قدّم (حضرت بهاءالله) خواهند بود. اما در ارتباط با عصری که در آن مبعوث خواهند شد، هر کدام "هر کاری که بخواهند می‌کنند و هر

حکمی که بخواهند می دهند."» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مرور معبود، ص ۱۵۷) (مضمون بیان مبارک)

۲۷) « آنچه الیوم در تماشاگاه امکان مشاهده نمایی عنقریب مشهود و واضح گردد که... چون موج سراب مفقود و نابود گردد و چون نقش بر آب معدوم و مطموس... آنچه باقی و برقرار است محبت پروردگار است و پرتو عنایت حضرت کردگار، نفحات ملکوت ابهی است و جذبات جبروت اعلی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۶۰)

۲۸) « ظهور منتهی به مکلم طور (یکی از القاب حضرت بهاءالله) شد و تا هزار سال بل صد هزار سال، این کور^{۳۵۸} امتداد خواهد یافت. مقصود این است که قبل از الف (هزار سال)، کسی سزاوار تکلم به حرفی نیست؛ ولو مقام ولایت باشد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۵۰۰)

۲۹) « مظاهر فیوض نامتناهی الهیه را نه اولی بوده و نه آخری خواهد بود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۲)

۳۰) « دوره ی او (ظهور کلی عظیم = جمال مبارک)، امتدادش بسیار است؛ مظاهری در ظلّ او بعد مبعوث گردند و به حسب اقتضای زمان تجدید بعضی احکام که متعلق به جسمانیات و معاملاتست نمایند، ولی در ظلّ او هستند. ما در دوره ای هستیم که بدایتش آدم است و ظهور کلیه اش جمال مبارک.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۱۲۱)

۳۱) « در دوره ی جمال مبارک روحی لاجبانه الفداء کلّ در ظلّ او هستند؛ شبه و مثیلی (مثلی؟) ندارد تا ظهور بعد، آن هم بعد از هزار سال، نه این که یقیناً هزار سال؛ ولی دو هزار سال، ده هزار سال، بیست هزار سال؛ حتمی نیست که بعد از هزار سال باشد؛ تا هزار سال، دیگر آفتابی طالع نمی شود.» (حضرت عبدالبهاء، مائده ی آسمانی ۵، باب اول از ردیف ظ، ص ۱۸۱)

۳۲) « این ظهور اعظم، مثلش آفتاب است و ظهورات سابقه و لاحق (آینده) نجوم و اقمار.» [مجموعه ی پیام آسمانی (مجموعه ی نصوص مبارکه ی مندرج در مجله ی پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۱۴]

۳۳) « قرن ها بگذرد و دهرها به سر آید و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانه ی حمل^{۳۵۹} طلوع و سطوع نماید (یعنی مظهری کلی الهی ظاهر شود).» (حضرت عبدالبهاء، مذکور در کتاب دور بهایی، ص ۲۵)

^{۳۵۸} احتمالاً در اینجا کلمه ی "کور" به همان معنای آشنای "دور" بهایی دلالت می نماید. برای مطالعه ی فقرات مربوط به کور بهایی، به مبحث ۱۴۹ مراجعه فرمایید.

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳۴) « ظهورالهی همواره رو به ترقّی و تکامل است... حامل این پیام (حضرت بهاءالله)، معترف بر آن است که امری که از جانب خداوند بر آن مبعوث گشته، جنبه‌ی خاتمیّت ندارد و ظهور او آخرین ظهور مشیّت و هدایت الهی نیست.» (کتاب دور بهایی، ص ۲۸- توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۶)

۳۵) « این موضوع را... باید به خاطر داشت که هرچند این ظهور (ظهور بهایی) دارای قوه‌ای عظیم و جامعیت و عمومیتی نامحدود است، معذک به هیچ وجه داعیه‌ی آن (را) ندارد که ظهور مشیّت و اراده‌ی الهیه به او ختم گشته و این نظر را اکیداً ردّ می‌نماید... چنین عقیده‌ای... مبین روح این امر (دیانت بهایی) است و بالضروره (الزاماً)، با اسّ اساس معتقدات بهایی مغایرت دارد.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۴)

۳۶) « اساس این معتقدات (معتقدات اهل بهاء) آن است که حقایق ادیان مطلق نبوده؛ بل نسبی است و ادیان و ظهورات الهیه مرتباً مستمرّاً در عالم ظاهر شده و همواره رو به ترقّی و تکامل می‌باشند و هیچ یک جنبه‌ی خاتمیّت نداشته و بر حسب تصادف و اتفاق ظاهر نمی‌گردند.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۴)

۳۷) « از اوّل لاوّل، انبیای الهی که حضرت بهاءالله نیز در زمره‌ی آنان محسوبند... از جانب لایدرک مبعوث گشته‌اند... و الی آخر لاآخر له، جلال و عظمت لانهایی او را به نحو اتمّ و اکمل، ظاهر و آشکار سازند.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۴۰)

۳۸) « وسعت سایه‌ای که مؤسس آن (امر بهایی)، در امتداد زمان، بر مظاهر مقدّسه‌ای خواهد افکند که مقدر است متوالیاً در ادوار آینده ظاهر شوند، فکر ما را متحیر می‌نماید.» (مرور معبود، ص ۲۶)

۳۹) « در سُوره‌ی صبر که در سال ۱۸۶۳ در اوّلین روز ورود به باغ رضوان نازل گشته، این آیات بیّنات مذکور: "بعث الله رسلاً بعد موسی و عیسی و سیرسل من بعد الی آخر الذی لا آخر له بحیث لن ینقطع

^{۳۵۹} آسَد (شیر) و حَمَل (بره) دو صورت فلکی از منطقه البروج هستند که در تصوّر منجمان قدیم، اوّلی شبیه شیر و دوّمی شبیه بره بوده است. حَمَل مقارن ماه فروردین و آسَد مقارن ماه مرداد است و در طول سه ماه از سال (فروردین، اردیبهشت و خرداد)، مدت و شدت تابش خورشید که نماد مظهر الهی واقع شده، تدریجاً افزایش می‌یابد و در آغاز تیرماه (شروع تابستان) و نیمه‌ی اوّل مردادماه، به حدّ اکثر می‌رسد و این پدیده‌ی طبیعی- تصویری نمادی برای تجلّی تدریجی قدرت و مشیّت مظهر کلی الهی در نظر گرفته شده است.

^{۳۶۰} نبیّ یعنی خبردهنده از آینده به وحی و الهام الهی، و جمال مبارک به یقین بیش از هر پیام آور دیگری، از وقوعات آینده خبر داده‌اند. نفس این مجموعه‌ی بدیعه شاهده‌ی زنده بر این مدعا است. لهذا از این نقطه نظر، حضرت بهاءالله هم در زمره‌ی انبیاء محسوب گشته‌اند. توضیح دیگر این که احتمالاً در این فقره‌ی مبارکه واژه نبیّ (جمع آن انبیاء) به جای کلمه‌ی شهیره‌ی رسول و به اصطلاح خاص بهایی به جای عبارت بدیع مظهر الهی استفاده شده است؛ کما این که در بعضی مواضع دیگر از آثار الهیه نیز چنین است.

الفضل عن سماء العناية."» (کتاب دور بهایی، ص ۳۷) (برای اطلاع از مضمون بخش عربی به فقره‌ی ۲ از همین مبحث رجوع شود).

۴۰ « یاران و یاوران حضرت عبدالبهاء، شمس هدایت الهیه... دیگر قبل از انقضای هزار سال تمام طلوع نخواهد کرد.» (کتاب دور بهایی، ص ۶۹)

۴۱ « راجع به ظهوراتی که در مستقبل ایام در امتداد کور بهایی ظاهر خواهند گردید، حضرت عبدالبهاء به این بیان صریح که فصل الخطاب است ناطق: "أما المظاهر المقدسة التي تأتي من بعد في ظلل من الغمام من حيث الاستفاضه هم في ظل جمال القدم و من حيث الافاضة يفعل ما يشاء."» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۸- مندرج در کتاب دور بهایی، ص ۲۶- منقول در توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴) (مضمون بخش عربی: اما مظاهر مقدسه‌ای که از این پس، در سایه‌های ابر خواهند آمد، از لحاظ استفاضه (فیض گرفتن)، در ظل جمال قدم هستند و از لحاظ افاضه (فیض بخشیدن)، عمل خواهند کرد هرچه بخواهند و حکم خواهند نمود هرچه اراده نمایند).

۴۲ « از " اول لا اول " این مظاهر وحدانیت الهیه و مطالع کلمات ربانیه انوار جمال غیبی را بر عالمیان اشراق فرموده و تا " آخر لا آخر " ظهورات قدرت و جلال بيمثالش را در عالم امکان ظاهر خواهند ساخت و این کفر محض است که بگوئیم که فلان دین آخرین ادیان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۷۸- توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۲)

۴۳ « حضرت بهاءالله ظهور خویش را خاتمه‌ی ظهورات الهیه نمی‌داند؛ بلکه پیش‌بینی می‌فرماید که در آینده، طی مراحل تکامل مستمر و نامحدود بشری، حقائق بیشتری از آنچه حضرتش امروز به امر خداوند متعال در این دوره‌ی خطیر به عالم انسانی ابلاغ فرموده، از طرف پروردگار ظاهر خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۳)

۴۴ « دور بهایی... به شهادت صریح مؤسس آیین بهایی امتدادش لا اقل هزار سال است و حلقه‌ی اولی از ادواری است که در آن، مظاهر مقدسه‌ی آینده به تسلسل، ظهور خواهند کرد و کل، مستمد و مستفیض از مؤسس آیین بهایی بوده و مجموعاً امتدادش لا اقل پانصد هزار سال خواهد بود.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۴۵ « این کور اکرم، امتدادش پانصد هزار سال است... در این مدت... مظاهر الهیه که از شطر احدیه در بین بریه مبعوث می‌گردند کل به منزله‌ی نجوم و اقمار، و مؤسس این کور (حضرت بهاءالله)، وحده، چون آفتاب درخشنده و تابان.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۷)

- (۴۶) « انبیای الهی، مظاهر مقدّسه که من بعد در این کور جلیل متتابعاً مبعوث می‌گردند... کلّ من دون استثناء، به منزله‌ی قمر، مقتبس از نور آن آفتابند (حضرت بهاءالله) و مستمدّ و مستفیض از فیض نیر اعظم، قطب این کور مفخّم.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۷)
- (۴۷) « در این کور مقدّس (کور پانصد هزار ساله‌ی حضرت بهاءالله... انبیای الهی و مهابط وحی آسمانی و سفرای رحمانی... از جانب حقّ مبعوث می‌گردند و به اقتضای زمان و مکان... به رسالتی جدید و کتابی جدید و شرعی جدید ظاهر می‌گردند.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۸)
- (۴۸) « خداوند همواره پیامبران را که نماینده‌ی او بر روی زمین هستند، فرستاده است؛ و در آینده نیز همچنان خواهد فرستاد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، انوارهدایت، فقره‌ی ۱۷۲۶)
- (۴۹) « از اوّل لاوّل انبیای الهی که حضرت بهاءالله نیز در زمره‌ی آنان محسوبند... از جانب خدای واحد لا یدرک مبعوث گشته‌اند تا حقیقت الهیه و مشیّت بالغه و هدایت ربّانیه را بیش از پیش برای نوع بشر مکشوف دارند و الی آخر لا آخر له، جلال و عظمت لانهایی او را بنحو اتمّ و اکمل ظاهر و آشکار سازند.» (کتاب دور بهایی، ص ۳۹)

د) از آثار بیت العدل اعظم

- (۵۰) « اگر چه ظهور حضرت بهاءالله به عنوان کلام الهی و شریعت ایشان به عنوان شریعت الله پذیرفته شده، اوّل آن که این درک وجود دارد که ظهور الهی تدریجی و پیش‌رونده است، و این که شریعت (مجموعه‌ی قوانین و احکام الهی)، اگر چه مشیّت الهیه برای این عصر باشد، بالاترید توسط مظهر ظهور بعدی تغییر خواهد کرد.» (پیام ۳ ژانویه ۱۹۸۲)
- (۵۱) « حضرت بهاءالله می‌فرمایند که تسلسل ظهور مظاهر الهیه از سنن و ضروریات عالم وجود است و به همین نحو تا عالم باقی است، ادامه خواهد یافت.» (بیت العدل اعظم، رساله‌ی حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۳۸)
- (۵۲) « امتداد دور بهایی تا زمانی است که مظهر ظهور بعد مبعوث گردد و چنین ظهوری قبل از انقضای حدّ اقل یک هزار سال تمام تحقّق نخواهد یافت.» (کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۶۲)
- (۵۳) « مرجعیت و حاکمیت مطلقه و قاطعیّت... نصوص مبارکه، ثابت و لن یتغیّر خواهد بود تا زمانی که به اراده‌ی الهیه، مظهر امر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم، زمام امر و حکم در قبضه‌ی قدرت او قرار گیرد.» (قانون اساسی بیت العدل اعظم، ارکان نظم بدیع، ص ۳۱۹)

۱۵۱. تحقق سرنوشت متعالی عالم انسانی (۱۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۱) « مشیت نافذهی رحمانی... در طریقی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار... مقدّرات جامعهی بشریّه را... هدایت و به سرمنزل مقصود... دلالت می‌نماید.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵۱/ نیز مندرج در پیام معهد اعلی، مورخ ۱۹ می ۱۹۹۴)
- ۲) « سپس (بعد از شانزده مرحلهی قبلی) سیّارهی زمین مقرّع‌عرش اعلای حضرت بهاءالله واقع خواهد شد؛ و به عنوان فردوس زمینی اعلان و تحسین خواهد گشت؛ سیّاره‌ای که تازه مستعدّ و مهیا خواهد بود سرنوشت محتومی را که محبّت و حکمت خالقش از ازل برای آن مقدر فرموده، محقق سازد.»^{۳۱} (ترجمه‌ی شخصی) (حضرت ولیّ امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۹-۱۲۸)
- ۳) « شداید این زمان... با وجود مخاطرت و فسادش، آیندهی بس درخشان و بی‌نظیری را در تاریخ عالم انسان نوید می‌دهد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه‌ی فتح اعظم، ص ۵)
- ۴) « آیندهی دوردست عالم انسانی پر شکوه و عظمت خواهد بود؛ آن چنان که هیچ بینش و بصیرتی اکنون، قادر به تصوّر آن هم نیست.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۰)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

- ۵) « چندی نگذرد که این ابرهای متراکم ظلم و عدوان و غفلت و تعصّب و طغیان، از آفاق برافتند و روزی فیروز بدمد و عصری جهان افروز علم در عالم افرازد.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه‌ی بشارات جان‌فزا، ص ۲۸)
- ۶) « مسؤولیت‌های فوری و اجتناب‌ناپذیر، هر مؤسسه‌ی امری و هر عضو جامعهی بهایی را بر آن می‌دارد که برای حصول سرنوشتی که حقّ وعده فرموده، سعی بلیغ مبذول دارد.» (پیام رضوان ۱۹۹۷)
- ۷) « هزاران هزار سال در آینده خواهد گذشت که قوای مکنونه‌ای که این قوه خلاق (متعلق به عصر رسولی دور بهایی) در وجدان انسان آفریده، به تدریج پدیدار شود.» (بیت‌العدل اعظم، رساله‌ی قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۳)

^{۳۱} سه مرحله‌ی نهایی از مراحل هجده‌گانه‌ی ترقی و تعالی عالم انسانی، به مبحث ۹۳ مراجعه شود.

(۸) «نقشهی بزرگ الهی^{۳۶۲} در حال وقوع است و قوایی که به وجود می‌آورد بشر را به سوی سرنوشت خویش می‌راند.» (پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱)

(۹) «(خطاب به احبای عزیز ایران)... با عموم مردم... معاشرت کنید... و شعلهی امید، ایمان و اطمینان... به سرنوشت درخشان نوع بشر را که خود معتقدید مآلاً تحقق خواهد یافت، در قلوبشان برافروزید.» (پیام ۳ جون ۲۰۰۸)

(۱۰) «امید چنان است که در روابطی که پیروان اسم اعظم در بین این سه عامل (افراد، مؤسّسات و جامعه) پرورش و گسترش می‌دهند، بشر سرگردان الگویی برای حیات جمعی بیابد که او را به سوی سرنوشت متعالی خود سوق دهد. در اعتبار مقدّسه‌ی علیا برای تحقق این امید دعا می‌کنیم.» (پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

۱۵۲. ترقّی ابدی فردی (۱)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) «پیدایش یک جامعه‌ی جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیّت و فرهنگ جهانی... هر چند از لحاظ اجتماعی بالاترین حدّ پیشرفت در سازمان یافتن جامعه‌ی بشری محسوب می‌شود؛ امّا یقیناً بر اثر تحقق آن جامعه‌ی جهانی، ترقّی بشر از لحاظ انفرادی متوقّف نخواهد شد و پیشرفت و تقدّم نوع انسان الی غیرالنّهاییه ادامه خواهد یافت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۵۳. جلوه‌ی شکوه نهایی سیّاره‌ی ارض (۳)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) «سپس (بعد از پشت سر نهادن مراحل ترقّی و تکامل پیشین^{۳۶۳})، سیّاره‌ی زمین مقرّ عرش اعلای حضرت بهاءالله واقع خواهد شد؛ و به عنوان فردوس زمینی تسمیه و تحسین خواهد گشت؛ سیّاره‌ای که

^{۳۶۲} به مبحث ۷۷ رجوع شود.

^{۳۶۳} به فقره‌ی دوّم از مبحث ۹۳ مراجعه شود.

تازه مستعد و مهیا خواهد شد سرنوشت محتومی را که محبت و حکمت خالقش از ازل برای آن مقدر فرموده بود، محقق سازد.» [حضرت ولی امرالله، آخرین صفحه‌ی توقیع منبع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)] (ترجمه‌ی شخصی)

(۲) «در سنین آتی‌ی این دور بهایی... عالم ناسوت جلوگاه عالم لاهوت و عالم ادنی مرآت ملاءاعلی و تصویر عالم بالا... گردد.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۳)

(۳) «در سنین آتی‌ی این دور بهایی... ندا از مکمن اسنی، از خلف عرش کبریا، خطاب به این عالم ادنی، من علی الارض را من اقصاها الی اقصاها (از این سوی آن تا آن سوی آن) به وجد و طرب آرد بآن: "یا ارض، بشری لك بشری لك، بما القت عليك شمس البهاء ذیل شعاعها و شملتك اهداب رداها. بشری لك بشری لك، بما استوی عليك عرش البهاء و تلجلج فيك سرالبهاء و انطبع فيك جمال البهاء. بشری لك بشری لك، بما حبك البهاء قطعة من الفردوس الابهی و مرآتاً تنعكس فيها انوار الملاء الاعلی.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه‌ی توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۳) (مضمون بخش عربی: به این که: ای زمین، بشارت باد تورا، بشارت باد تورا، که خورشید بهاء شعاعش را بر تو تاباند و دامن ردایش را بر تو افشانند. مژده باد تورا، مژده باد تورا، که عرش بهاء بر تو مستقر شد و راز بهاء در تو پدیدار گشت و جمال بهاء در تو انعکاس یافت. بشارت باد، بشارت باد، که محبت بهاء تورا را قطعه‌ای از فردوس ابهی کرد و تورا مرآتی نمود که انوار ملاء اعلی در آن بازمی‌تابد.)

۱۵۴. وصول بشریت به غایت قصوای خلقت خود (۴)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱) «به واسطه‌ی همین قوای عظیم روحانی (قوای منبعث از دو ظهور پیاپی حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی) است که تمامی نژاد انسانی به تدریج، استعداد لازم را کسب خواهد کرد و به وحدت ارگانیک خود (وحدت صوری) نایل خواهد شد و به بلوغ (روحانی) خواهد رسید و بر اساس این بلوغ، به مرحله‌ی نهایی از تحوّل طولانی خود واصل خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۱۱۱)

- (۲) « بلوغ حیات اجتماعی نوع انسان^{۳۶۴}... موجب ظهور و بروز آثار اعجاب انگیزتر در روابط جهانی گردد و عالم انسانی را به قوایی مجهز سازد که بتواند به مرور دهور، آنچه را برای فوز و وصول به سرنوشت عالی و متعالی اوست تدارک بیند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۳) « همین سیستم اداری است (نظم اداری بهایی) که تدریجاً به یک نظم بدیع جهانی تبدیل خواهد شد؛ نظمی که طراحى شده تا تمامی بشریت را فراگیرد و سرنوشت متعالی و موعودش را بر این سیاره‌ی خاکی محقق سازد.» (مرور معبود، ص ۲۷)
- (۴) « سعادت و رفعت و عزت موعوده‌ی عالم انسانی... در قرن‌های لاحق و ادوار آتی‌ی این کور مجید... ساکنین کره‌ی ارض را من اقصاها الی اقصاها (از این سوی آن تا آن سویش)، به... عروج به مقامات سامیه که غایت قصوای ایجاد و تکوین هیأت اجتماعی و خلقت بشر و بعث رسل است، موفق و مفتخر گرداند.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹)

^{۳۶۴} به مبحث ۱۰۳ مراجعه شود. در ضمن، در این بیان مبارک تصریح می‌گردد که نوعی از بلوغ به "حیات اجتماعی نوع انسان" مربوط می‌شود.

پایان